



بیانیهٔ چهل و پنجمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

اکنون که چهل و پنج سال از بنیانگذاری شورای ملی مقاومت ایران می‌گذرد و اکنون که سالی پرتلاطم در سپهر سیاسی ایران را پشت سر گذاشته و سال جدید حیات شورا را در میان جنگ و آتش و خون آغاز می‌کنیم، از یاد نمی‌بریم و ارج می‌گذاریم فداکاریها و جانبازیهای زنان و مردان شورشی و دلیری را که در پیکارهای مداوم خود، بر پایه‌های حاکمیت ضربه زدند و بنیادهای انقلاب دموکراتیک مردم ایران را با شوق دیدار آزادی و چشم‌انداز زندگی انسانی برای تمامی شهروندان، مستقل از جنس، نژاد، ملیت و مذهب آنها، مستحکم کردند.

در آغاز چهل و ششمین سال حیات شورا به یاد می‌آوریم نعره‌های ولی فقیه به هلاکت رسیده را که وقتی فروش شورشگران قیام دی‌ماه ۱۴۰۴ بالا گرفت، کف بر دهان می‌گفت: «اغتاشگر را باید به جای خودش نشاند». روز ۲۷ دی هم با اعتراف به کشتار «چند هزار نفر» گفت: «فتنه را خاموش» کردیم. همین بسیج سرکوبگرانه که علی خامنه‌ای ۳۷ سال با سیاست انقباض به موازات سیاست صدور بنیادگرایی و جنگ‌افروزی برای حفظ ولایتش در پیش گرفت، بعد از مرگش نیز راهبرد اصلی بقایای ولایت درهم‌شکسته اوست. فقیه حقانی، سرکردهٔ پژوهشکدهٔ حکومتی تاریخ معاصر با اذعان به نقش بسیج سرکوبگرانه برای جلوگیری از قیام، می‌گوید: «اگر مردم [بخوانید بسیجیان] از درست روز دهم اسفند به خیابانها نمی‌آمدند شاید اتفاقات ناگواری [بخوانید صاعقهٔ قیام همگانی] در کشور رقم می‌خورد، شاید اساساً آن مقاومت ۴۰ روزهٔ رزمندگان ما هم شکل نمی‌گرفت» (تلویزیون شبکهٔ خبر، سه‌شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۵).

مقایسهٔ سخنان هشت سال پیش علی خامنه‌ای با واقعیت امروز نظام، ترازنامهٔ ضربات بر پیکر نظام را برملا می‌کند. هشت سال پیش، خامنه‌ای در فصلی از بیانیهٔ گام دوم انقلاب [بخوانید ارتجاع] تحت‌عنوان «اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالشها و شکست مستکبران» نوشت: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران روبه‌رو است... امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقهٔ غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمینهای اشغالی و دفاع از پرچم برافراشتهٔ حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است. اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابلهٔ سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از دهها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد» (خامنه‌ای، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷).

رویدادهای منطقه به‌ویژه در سوریه و لبنان و عراق در سال گذشته، فرو ریخته شدن برج و باروی اقتدار منطقه‌یی علی خامنه‌ای را به ثبت رسانده است. رژیم ولایت‌فقیه گرچه با کشتارهای کم‌نظیر و استفاده از جنگ خارجی توانست فروش پرتوان خلق را به‌طور موقت مهار کند، اما ایران‌زمین با زنان و مردان آزادیخواه و شورشی آن همچون صخرهٔ سستبر در مقابل ضحاک زمان مقاومت کرد و شعله‌های خشم آن هرگز خاموش نشد. این برای مقاومت ایران جای بسی شرف است که زیر سهمگین‌ترین ضربات و ردیالنه‌ترین توطئه‌ها حتی برای یک لحظه از تعهد و رسالت تاریخی خود دست برنداشت و مهم‌تر از آن تکثیر شد. برای نمونه در سال گذشته شاهد انتشار «بیانیهٔ جوانان نسل ضد، ضد دیکتاتوری و وابستگی، با چراغ راهنمای "نه شاه نه شیخ"» بودیم که بیش از ۱۰۰۰ تن از زنان و مردان ایران‌زمین آن را امضا کردند. در آغاز این بیانیه امضاکنندگان خود را این‌گونه معرفی کردند: «ما امضاکنندگان همگی پس از انقلاب ضدسلطنتی به دنیا آمده‌ایم. انقلابی که آخوندها به سرقت بردند و در "لجه خون" انداختند». در پایان این بیانیه آمده است: «حقایقی که در قیامهای پیاپی خلق محبوبمان در یک دههٔ گذشته برای ما به اثبات رسیده به قرار زیر است:

۱- شاخص آزادیخواهی و استقلال طلبی، به رسمیت شناختن مرزبندی ملی ایرانیان با دیکتاتوری و وابستگی است که در اصل "نه شاه، نه شیخ" خلاصه می‌شود.

۲- شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر" به درستی راهبند استبداد و استعمار است.

۳- تجربه ۱۰۰ ساله، نشان می‌دهد که در دشمنی با آزادی و غصب حاکمیت مردم و در سرکوب و غارت سرمایه‌ها و داراییهای ملی، شاه و شیخ دو روی یک سکه هستند.

۴- به روشنی می‌بینیم که موجودیت و فعالیت بچه شاه و باندهای وابسته عملاً در خدمت رژیم آخوندی است. اگر تفرقه‌اندازی و مزاحمت آنها در قیامهای یک دهه گذشته به‌ویژه قیامهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ نبود، نتیجه سراپا متفاوت بود.

۵- ما از دولت موقت و طرح ۱۰ ماده‌یی خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران و برپایی جمهوری دموکراتیک حمایت می‌کنیم. هم‌چون کانونهای آشگر شورشی "حاضر، حاضر" می‌گوییم و متعهد می‌شویم از هیچ تلاشی در پشتیبانی از کانونها کوتاهی نکنیم.

شورای ملی مقاومت در آغاز چهل‌وششمین سال حیات خود، به زنان و مردانی که در اسارتگاههای رژیم مقاومت می‌کنند، به‌ویژه به زندانیانی که در کارزار اعتصاب غذای سه‌شنبه‌های «نه به اعدام» و خطرپذیری و تهاجم به دشمن در کانون اقتدار ضدانسانیش، پرچم ایستادگی را شجاعانه برافراشته نگه داشته‌اند، درود می‌فرستد و با آنان اعلام همبستگی می‌کند. روز پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ (۱۶ ژوئیه ۲۰۲۶) خانم مریم رجوی در جلسه استماع در کمیسیون حقوق بشر سنای ایتالیا گفت: «مردم و مقاومت ایران از ایتالیا که از پیشتازان لغو حکم اعدام در جهان است، انتظار دارند که مبتکر اقدامات و تصمیمات مؤثر در اتحادیه اروپا، در برابر کشتار و اعدام در ایران شود. از جمله این اقدامات:

● مشروط کردن هر گونه روابط دیپلماتیک و تجاری با رژیم به توقف اعدامها.

● تحت تعقیب قراردادن جنایتکاران حاکم بر ایران، توسط دولتها بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی.

● ارجاع پرونده نقض حقوق بشر ایران به شورای امنیت و این‌که اطمینان حاصل کنید که هر گونه توافق شامل توقف اعدامها باشد و رژیم را مجبور کند تا به هیأت‌های حقیقت‌یاب و گزارشگران ویژه سازمان ملل اجازه بازدید از زندانهای ایران و دسترسی نامحدود به زندانیان به‌ویژه زندانیان سیاسی را بدهد.

شورای ملی مقاومت ایران در آغاز چهل‌وششمین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردانی را که در بیش از یک قرن گذشته، در راه پیکار پرشکوه برای آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت به شهادت رسیدند، به‌خصوص شهیدان دهه خونین ۶۰ و شهیدان تمام قیامها، جنبشها و اعدامهای زندانیان سیاسی در سراسر کشور و بیش از ۳۰ هزار شهید سرفراز قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ را که به خمینی جلاد «نه» گفتند، گرامی می‌دارد و به آنها ادای احترام می‌کند. یاد زنان و مردان و همه پیشتازان فداکاری که به دیکتاتوری سلطنتی و به خلافت ولایت‌فقیه «نه» گفتند و به دست جلادان شاه و شیخ به شهادت رسیدند، ماندگار است. ما نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

«شورا» به همه مبارزان انقلابی که در چهارگوشه کشور پرچم مبارزه برای سرنگونی استبداد دینی و تحقق استقلال و آزادی و نفی هرگونه تبعیض جنسی، ملی و اعتقاد یا عدم اعتقاد مذهبی را با قبول همه مخاطرات آن، برافراشته نگه می‌دارند، درود می‌فرستد. درود می‌فرستیم به مجاهدان خلق و شورشگران سرفرازی که با ایستادگی خود، مهر انقلاب دموکراتیک را بر رویدادهای بزرگ یک سال گذشته حک کردند و با جان خود عمق و وسعت مبارزه برای رهایی از ستم، تبعیض و استثمار را نشان دادند.

بامداد دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ مجاهدان قهرمان محمد تقوی و اکبر دانشورکار در زندان قزل‌حصار سربهدار شدند و به کهکشان شهیدان پیوستند. مجاهد شهید محمد تقوی، ۵۹ ساله، از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و ۷۰، در سال ۱۳۹۹ نیز به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شد. او چندی پس از آزادی، مجدداً در اسفند ۱۴۰۲ دستگیر گردید. وی جمعاً ۸ سال را در زندانهای رژیم آخوندی به سر برده است. مجاهد شهید اکبر دانشورکار ۶۰ ساله، مهندس عمران در دی‌ماه ۱۴۰۲ به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران «با هدف سرنگونی نظام و برهم زدن امنیت کشور» دستگیر شد.

بامداد سه‌شنبه ۱۱ فروردین، مجاهدان قهرمان بابک علیپور و پویا قبادی در زندان قزل‌حصار سربهدار شدند و به یاران سرفرازشان محمد تقوی و اکبر دانشورکار پیوستند. بابک ۳۴ ساله، حقوقدان، از فرزندان مردم آمل در دی ۱۴۰۲ برای دومین بار دستگیر شد. او در آبان ۱۳۹۷ به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین در رشت دستگیر شد و ۴ سال در زندان بود. پویا ۳۳ ساله، مهندس برق و از فرزندان مردم سنقر، در اسفند ۱۴۰۲ دستگیر شد. او هم قبلاً دو بار در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ دستگیر شده بود.

بامداد شنبه ۱۵ فروردین مجاهدان قهرمان وحید بنی عامریان و ابوالحسن منتظر به دست دژخیمان رژیم آخوندها در زندان قزل‌حصار سربهدار شدند و به دیگر فدیه‌های راه آزادی در روزهای اخیر، یارانشان محمد تقوی، اکبر دانشورکار، بابک علیپور و پویا قبادی پیوستند. وحید ۳۳ ساله، از فرزندان دلیر مردم سنقر، مهندس برق و فوق‌لیسانس مدیریت از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نخبه، در دی ۱۴۰۲ دستگیر شد. او از سال ۹۶ چند بار دستگیر شده و جمعاً شش سال زندانی بود.

ابوالحسن منتظر ۶۷ ساله، اهل تهران، مهندس معماری از زندانیان سیاسی زمان شاه و زندانیان دهه ۶۰ بود. او در سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۹ و آخرین بار در ۳۰ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و جمعاً بیش از ۱۱ سال را در زندانهای رژیم آخوندی به‌سر برد.

وحید بنی‌عامریان و ابوالحسن منتظر، به همراه بابک علیپور، پویا قبادی، محمد تقوی و اکبر دانشورکار، در آذر ۱۴۰۳ پس از ماه‌ها بازجویی و شکنجه، توسط قاضی جنایتکار ایمان افشاری، رئیس شعبه ۲۶ بیدادگاه ضدانقلاب تهران، به اعدام محکوم شده بودند.

مجاهد خلق عباسعلی رمضانی، زندانی سیاسی دهه ۶۰ در جریان قیام در مشهد با شلیک مستقیم پاسداران خامنه‌ای در بلوار وکیل‌آباد، به شهادت رسید. عباسعلی رمضانی، ۷۴ ساله در سال‌های ۶۸ و ۷۶ و در دهه ۹۰ و ۱۴۰۱ نیز به اتهام ارتباط و عضویت در مجاهدین بارها دستگیر و زندانی شده بود. در کلیپی که از این مجاهد شهید باقی مانده او در خیابانی در مشهد با صدای بلند عهد می‌بندد که «برای قیام و سرنگونی، حاضر، حاضر، حاضر». هم‌چنین در کلیپ مرداد ۱۴۰۰ از قیام تشنگان خوزستان اعلام حمایت می‌کند و خروش «مرگ بر ستمگر، نه شاه می‌خواهیم نه رهبر» سر می‌دهد.

محمد بهرامی ۱۸ ساله، هوادار مجاهدین در آزادشهر گلستان در درگیری با مزدوران در جریان قیام در ۱۷ دی با شلیک تیر خلاص به شهادت رسید. او قبل از آن با قمه و چاقو به شدت مجروح شده بود.

مجاهد خلق نعیم عبداللهی ۳۴ ساله، فرزند دلاور کرمانشاه دکترای حقوق و علوم سیاسی و استادیار در دانشگاه تهران، با تیر مستقیم دشمن در نازی‌آباد تهران در ۱۸ دی ۱۴۰۴ به شهادت رسید. قهرمان مجاهد خلق نعیم عبداللهی، فرماندهی یک یکان از کانون شورشی را در قیام ۱۴۰۴ بر عهده داشت. آنها در نقاط مختلف تهران مأموریت رویارویی با وحوش خامنه‌ای و نیروهای ضدشورش را به عهده داشتند. نعیم و نیروهای تحت‌فرماندهی او با رزم شجاعانه و تهاجم حداکثر موفق شدند ضربات جدی به مزدوران و مراکز سرکوب بزنند. نعیم در قیامهای دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و در قیام ۱۴۰۱ به‌عنوان یک شورشگر و فرمانده دلیر، مأموریت‌های زیادی انجام داد. او در قیام دی‌ماه ۹۶ به‌طور تصادفی دستگیر شد و ۴ ماه در اسارت و تحت‌فشار بود اما هیچ اطلاعاتی به دشمن نداد. نعیم بعد از قیام ۱۴۰۱ به دلیل نقشی که در سازماندهی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف در تهران داشت، از دانشگاه اخراج شد اما هم‌چنان به رزم و تلاش خود در کانونهای شورشی ادامه داد.

مجاهد شهید نعیم عبداللهی در سوگند مجاهدی خود نوشته است: «نسل ما در زمانه‌ی مبارزه را آغاز کرد که در همه جا هزار بلا و ابتلا بود، ولی به یمن فداکاری مجاهدین راه جهاد برای ما هموار شد. در کثافت بی‌هزینگی یک اسم و یک رسم ایستاده می‌جنگد. می‌توفد، به پیش می‌رود و نام ایران را در بلندای البرز آواز می‌دهد. در این روزهای سیاه بعد از به خاک افتادن ۱۵۰۰ شهید آبان، بعد از قتل عام مردم در کرونا می‌خواهم یک بار دیگر برای ادامه این راه سوگند یاد کنم. نمی‌دانم چه مشیتی است من نعیم در این مرحله از زندگی به سازمان مجاهدین رسیده‌ام؛ سازمانی که نام کاک مسعود و خواهر مریم کابوس شبانه خامنه‌ای سفاک است و من چقدر خوشبخت و سعادتمندم که می‌توانم قطره‌یی از دریای این فداکاری باشم. جان، ناچیزترین دارایی من است. در زندگی انسان هیچ تضمینی برای بقای ابدی نیست ولی چقدر مرگ لذت‌بخش است وقتی با آرمان آزادی پیوند می‌خورد. در امتداد ۱۰۰ هزار شهید راه آزادی، در امتداد ۳۰ هزار قتل عام شده در سرخ‌ترین تابستان، من هم به‌عنوان یک فدایی ناچیز مجاهدین سوگند می‌خورم به این راه و آرمان وفادار باشم».

شورا با درود به این مجاهدان سرموضع که در واقع اعضای همین شورا هستند و با ستایش از حماسه‌آفرینی همه جوانان مجاهد و شورشگر در میدانهای رزم و در دل زندانها تأکید می‌کند که تجربه مقاومت ایران در شرایط پرتلاطم و سرشار از شگفتی که سپهر سیاسی ایران را در یک سال اخیر فرا گرفت نویدبخش آینده‌یی است که با پیکار پرشکوه زنان و مردان آزادیخواه ساخته خواهد شد. نسل شورش و انقلاب که نمودی از آن روز ۳۰ خرداد امسال در پاریس به صحنه آمد از پشتوانه‌های این آینده درخشان است (گزارش اجلاس شورا، ۵ و ۶ تیر ۱۴۰۵).

در جریان ۴۰ روز جنگ ارتجاعی و ویرانگر شاهد آن بودیم، که حاکمان ستمگر با حقه‌بازی، کناره‌گیری مردم از کنش اعتراضی را، که البته امری طبیعی است، به حساب حمایت از رژیم واریز کردند. مخالفت جامعه با جنگ را پرده‌پوشی کردند و تجمعه‌های سازماندهی شده توسط بسیج و مداحان حکومتی را که در اساس آماده‌باش برای سرکوب است، به دروغ همسویی و همسنجی «حکومت و مردم» معنی می‌کردند. اما این خیالات باطل با آتش خشم آزادیخواهان بر باد رفت و «شعبده پیروزی» که در حقیقت «بقای حقیرانه» بود، رنگ باخت. موج اعدام شورشگران و سر به‌دار شدن رزمندگان مجاهد حقه خلیفه سوم و خرافه رضا پهلوی را نقش بر آب کرد و این هر دو در برابر شکوه و عظمت ایستادگی سر به‌داران، محو شد. ادامه‌دهندگان ولایت خامنه‌ای در این خیال باطل هستند که با اعدامهای پی‌درپی که پس از قتل عام زندانیان سیاسی بی‌سابقه است و با بگیر و ببندهای فله‌یی می‌توانند از باتلاقی که خود آفریده‌اند، رها شوند و مقاومت آزادیخواهانه را نابود کنند.

یاد همه زنان و مردان پیشتاز و فداکاری که زندگی خود را وقف آزادی ایران کردند، به دیکتاتوری سلطنتی و به استبداد مذهبی «نه» گفتند و به دست جلادان شاه و شیخ به شهادت رسیدند، ماندگار است.

گرامی می‌داریم خاطره اعضای درگذشته شورا در فاصله دو بیانیه را و یاد می‌کنیم از دکتر محمدعلی شیخی مسئول کمیسیون دانشگاهها در شورای ملی مقاومت ایران که روز ۲۴ آذر ۱۴۰۴ بدرود حیات گفت. او که در دانشگاه تهران هم دانشجو بود و هم استاد و در همه حال شورشگر، در آخرین نوشته‌اش به‌عنوان مسئول کمیسیون دانشگاهها در شورای ملی مقاومت نوشت: «۱۶ آذر، روز دانشجو، تنها یک تاریخ در تقویم نیست؛ بلکه یادمان عهد خونین و پرشور دانشجویان شهید سال ۱۳۳۲ است که در برابر استبداد پهلوی ایستادند و پرچم آزادیخواهی را برافراشتند. سازمانهای پیشتاز مبارزه با رژیم شاه، سازمان مجاهدین و چریکهای فدایی خلق ایران، میعادگاه دانشجویان مبارز بود و شکنجه‌گاهها و سیاهچالهای آن رژیم مملو از دانشجویانی بود که زندان را به دانشگاه انقلاب تبدیل کرده بودند. این میراث مبارزه، با گذشت دهها سال، در وجود نسلهای بعدی دانشجویان ایران زنده مانده و تبدیل به رودخانه‌یی خروشان شده که در تمام دورانش به سمت آزادی و عدالت جاری بوده است».

این کلمات فقط یک نوشته نیست، فشرده تمام زندگی دکتر شیخی است. در رودخانه خروشانی که «در تمام دورانش به سمت آزادی و عدالت جاری است»، دکتر شیخی اکنون نه یک سفرکرده، بلکه یک «بازآمده» یا ستاره‌یی بازیافته است که با ارزشهای وفا و یاری و پایداری و قاطعیت و روشن‌بینی در افق مبارزه رهایی‌بخش مردم ما می‌درخشد. مبارزه سرنوشت‌سازی که مسئول شورای ملی مقاومت آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «بزرگترین، طولانی‌ترین، بغرنج‌ترین و خونین‌ترین مقاومت سازمان‌یافته تاریخ ایران با چراغ راهنمای "نه شاه، نه شیخ"». هم از این روست که مسعود رجوی، دکتر شیخی را «استاد مجاهد وارسته و والا»، «آموزگار و مثال غیرت و وفا» و «از برجسته‌ترین پیشتازان و پرچمداران انقلاب ضدسلطنتی در دانشگاه و در جمع استادان راهگشا و راهنما»، توصیف می‌کند. دکتر شیخی در یکی از مقالاتش در ویژه‌نامه شورای ملی مقاومت در تیر ۱۳۷۷ نوشت: «از روز نخست، شورا برای پذیرش نیروها و شخصیتها تنها بر یک مرزبندی پای می‌فشرد که آن هم مرزبندی کاملاً مشخص "نه شاه و نه خمینی" بود».

یاد می‌کنیم از استاد رضا اولیا، نقاش، مجسمه‌ساز، نویسنده و هنرمند متعهد و مبارز عضو شورای ملی مقاومت ایران، استاد مجسمه‌سازی و نقاشی که بعدازظهر پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ در ۸۷ سالگی بدرود حیات گفت. رضا اولیا از اوایل دهه ۱۳۴۰ در آکادمی هنرهای زیبا در رم به تحصیلات پرداخت و به دلیل فعالیت‌هایش علیه رژیم شاه، در ایتالیا پناهندگی سیاسی گرفت و بیش از ۶۰ سال سابقه مبارزه بی‌وقفه و تزلزل‌ناپذیر علیه دیکتاتوریه‌های شاه و شیخ دارد.

همچنین درود می‌فرستیم به چهار عضو دیگر شورای ملی مقاومت، مجاهدان خلق زهره بنی جمالی، کبری مختار، نسرین شهبابی و مژگان مهدوی، اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین و از فرماندهان برجسته ارتش آزادیبخش ملی ایران که با بیش از چهار دهه سابقه نبرد بی‌امان با استبداد دینی جاودانه شدند.

مجاهد خلق زهره بنی‌جمالی روز ۲۹ آبان ۱۴۰۴ در اثر نارسایی قلبی و عوارض ریوی در آلبانی درگذشت. او که متولد ۱۳۳۶ در اراک بود، پس از پایان تحصیلات متوسطه در این شهر در سال ۱۳۵۴ تحصیلات خود را در تهران در رشته پزشکی در دانشگاه ملی ادامه داد و در همان زمان به مجاهدین پیوست. با آغاز جنگ ایران و عراق، از طرف سازمان برای امداد پزشکی به اهواز اعزام شد و تا زمانی که امدادرسانی به هم‌میهنان جنگ‌زده امکان‌پذیر بود، در منطقه جنگی به‌سر برد. در دهه‌های گذشته، اهالی اطراف اشرف نخستین و هزاران بیمار و مجروح به‌ویژه در دوران محاصره در اشرف و لیبرتی از رسیدگی‌های پزشکی این مجاهد والاقدردر سخت‌ترین شرایط برخوردار بودند. او در حملات موشکی و محاصره طاقت‌فرسای لیبرتی در رسیدگی به دیگران شب و روز نمی‌شناخت و خود در اثر شدت کار و کثرت فشارها دچار عارضه‌های قلبی و ریوی شد.

مجاهد خلق کبری مختار متولد ۱۳۳۵ که در ۳ فروردین ۱۴۰۵ در پاریس درگذشت، پس از انقلاب ضد سلطنتی از مسئولان بخش کارمندی سازمان مجاهدین خلق ایران بود که بسیاری کارمندان را در سراسر کشور در بر می‌گرفت. کبری مختار در نبردهای انقلابی پس از ۳۰ خرداد، بخشی از واحدهای عملیاتی «هنگ حنیف» در تهران را هدایت کرد. در عملیات آفتاب، چلچراغ و فروغ جاویدان، فرماندهی شماری از واحدها را به‌عهده داشت. او در سال ۱۳۶۸ از معاونت‌های ارتش آزادیبخش ملی ایران بود.

مجاهد خلق نسرین شهبابی که در ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ در لندن درگذشت، متولد ۱۳۳۷ در تهران و فارغ‌التحصیل ادبیات بود. او که در جریان انقلاب ضدسلطنتی با مجاهدین آشنا شده بود، پس از انقلاب به فعالیت حرفه‌ای و تمام وقت روی آورد و از فرماندهان میلشیا در تظاهرات و خیزش مسلحانه و حماسی ۵ مهر ۱۳۶۰ بود که با قهرمانی و شجاعت برای نخستین بار شعار «مرگ بر خمینی» و «شاه سلطان خمینی مرگت فرا رسیده» را طنین‌انداز کردند.

مجاهد خلق مژگان مهدوی که در ۳۰ مرداد ۱۴۰۵ در آلبانی درگذشت، متولد ۱۳۴۰ در تهران، مهندس بیوشیمی در آمریکا و سال آخر دوره فوق لیسانس در اوکلاهما بود. او از سال ۱۳۵۸ در ارتباط با مجاهدین قرار گرفت و متعاقباً به عراق و اشرف نخستین رفت و پس از شرکت در سلسله عملیات ارتش آزادی به دلیل صلاحیت‌هایش به فرماندهی یکی از یکانهای رزمی ارتقا یافت. وی از نمونه‌های درخشان ایستادگی و نبرد در پایداری پرشکوه ۱۴ ساله در اشرف و لیبرتی و رویارویی با همه سختی‌ها و حملات رژیم و دست‌نشانندگان آن بود. مجاهدان اشرفی در این ۱۴ سال تماماً در محاصره و حبس خانگی بودند.

در صدو بیستمین سالگرد انقلاب مشروطه، هم‌چنان که در بیانیه دو سال پیش شورا اعلام کردیم: «شورا و پایه اجتماعی آن، یعنی مردم و نیروهای انقلاب دموکراتیک مردم ایران، با درس‌آموزی از تجربه‌های ارزشمند گذشته، راه پرفراز و نشیب مبارزه برای رهایی را با پیکارهای بی‌امان و با اتکا به نیروهای جنبش مقاومت سازمان‌یافته برگزیده است. انقلاب مشروطه علیه بی‌قانونی و بیدادگری، به عنوان اولین انقلاب ملی دموکراتیک جهان در آغاز قرن بیستم میلادی، برای مبارزان ضداستبداد و وابستگی درسهای گرانبهایی داشته است. گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که انقلاب مشروطه با وجود اقدامات ضدانقلابی نیروهای مرتجع داخلی به سرکردگی شیخ فضل‌الله نوری (پدر معنوی خمینی)، که مدافع استبداد مذهبی با عنوان مشروعه در برابر مشروطه بود، به پیروزیهای اولیه دست یافت و برجسته‌ترین دستاورد آن تشکیل مجلس اول شورای ملی بود. عصر بیداری و رهایی مردم ایران، که سالها پیش از انقلاب مشروطه آغاز شده بود، با این انقلاب پیشرفتی چشمگیر کرد. مردم ایران که با هدف دستیابی به عدالت و قانون به مبارزه با استبداد مطلقه برخاسته و با فداکاریهای بسیار قیام کرده بودند، با موجی از توطئه‌ها، خیانتها و کارشکنیها روبه‌رو شدند. مردم و رزمندگان آزادی ایران با پایداری در برابر یورش اول استعمار و ارتجاع، کودتای محمدعلی شاه علیه مجلس ملی را درهم شکستند. اما قبل از جنگ جهانی اول، قزاقان روسیه تزاری مشروطه دوم را به شکست کشاندند. آنها در سال ۱۲۹۰ (دسامبر ۱۹۱۱-ژانویه ۱۹۱۲) به حلق‌آویز و قتل‌عام انقلابیون مشروطه در تبریز و رشت دست زدند و چنان فشارها و تهدیدهایی اعمال کردند که مجلس دوم برای تن‌دادن به خواسته‌های اشغالگران و حفظ شرافت و استقلال، ناگزیر، انحلال خود را اعلام کرد (دی ۱۲۹۰). پس از جنگ جهانی اول و سقوط روسیه تزاری نیز استعمار

انگلیس در پایان سال ۱۲۹۹ با کمک عوامل داخلی دست به کودتا زد و رضاخان قلد را به قدرت رساند. از آن پس، تمام دستاوردهای مشروطه، یکی پس از دیگری، پایمال و پیشرفت و تکامل انقلاب در مراحل نخستین متوقف شد. خمینی در مورد شیخ فضل‌الله این‌گونه نظر داده است: «راجع به همین مشروطه و این‌که مرحوم شیخ فضل‌الله رحمه‌الله ایستاد که مشروطه باید مشروعه باشد، باید قوانین موافق اسلام باشد؛ در همان وقت که ایشان این امر را فرمود و متمم قانون اساسی هم از کوشش ایشان بود، مخالفین، خارجیها که یک همچو قدرتی را در روحانیت می‌دیدند کاری کردند در ایران که شیخ فضل‌الله مجاهد مجتهد دارای مقامات عالیه را، یک دادگاه درست کردند و یک نفر منحرف روحانی‌نما او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه شیخ فضل‌الله را در حضور جمعیت به‌دار کشیدند» (صحیفه خمینی؛ ج ۱۳، ص ۳۵۸). شورا بر خود می‌بالد که با حداکثر توش و توان علیه وارثان شیخ فضل‌الله نوری، یعنی خمینی و خامنه‌ای، به‌پاخاسته و با حضور تمام‌قد در تحولات کشور، راه هرگونه توطئه استعماری، همانند کودتای رضاخان قلد در سوم اسفند ۱۲۹۹، را با مرزبندی با «شاه و شیخ» مسدود کرده است.

با گذشت یکصد و بیست سال از انقلاب مشروطیت، میراث گرانقدر آن را در جنبشها و قیامهای پرتوان مردم و در کانون آن تهیدستان با پرچم «تان، کار، آزادی» و فعالیتهای روزانه کانونهای شورشی در هر کوی و برزن ایران‌زمین بازسازی می‌شود. شورا هفتاد و چهارمین سالگرد قیام ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ خورشیدی علیه توطئه استعمار انگلیس و دربار سلطنتی، در دفاع از نهضت ملی کردن صنعت نفت به رهبری زنده‌یاد دکتر محمد مصدق را گرامی می‌دارد. شورا، با گوشت و پوست و استخوان، اتحاد ارتجاع و استعمار علیه نیروهای مرفعی را حس کرده و این وحدت عمل ننگین، بر اساس آن چه در یک‌سال پس از ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ علیه دولت ملی دموکراتیک مصدق عملی شد، در حیات شورا بارها بازسازی شده است. ما خود را ادامه‌دهنده راهی می‌دانیم که دکتر محمد مصدق آغاز کرد و با قیام ۳۰ تیر، صفوف جنبش ملی شدن صنعت نفت پالایش یافت و در صف‌بندی پس از آن، کاشانی مقابل جنبش و مصدق قرار گرفت و استعمار و ارتجاع (شاه و شیخ) هم همان راهی را برگزیده‌اند که در دوران ملی شدن صنعت نفت به آن عمل کردند، با این تفاوت که اکنون دوران سکون و بی‌عملی پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ (که خمینی آن را وقیحانه «سیلی اسلام» به مصدق نامید) هرگز تکرار نخواهد شد و مبارزه برای آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت ادامه خواهد یافت.

روز یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۵، خامنه‌ای در دیدار گروهی از جیره‌خوارانش از قم پیرامون نهضت ملی شدن صنعت نفت وقیحانه گفت: «اگر علما نبودند و انگیزه دینی نبود، قطعاً نهضت ملی شدن صنعت نفت پیش نمی‌رفت؛ این را همه بدانند. در مقدمه این نهضت آیت‌الله کاشانی بود. پشتیبان او مرجع تقلیدی مثل مرحوم آسید محمدتقی خوانساری در قم بود. مروجان این فکر، یک جمعی در قم و در مشهد یک عالم دینی، یک منبری درجه یک و یک فعال مذهبی، گوینده متفکر درجه یک [بودند]؛ اینها مروجین نهضت ملی بودند، مردم به‌خاطر دین آمدند. بعد که مرحوم کاشانی را جدا کردند، علما را طرد کردند، مذهبیها را کنار گذاشتند، مصدق شکست خورد. تا دین بود، تا عنصر ایمان دینی بود، حرکت به جلو بود؛ وقتی این [عنصر] از آن گرفته شد، حرکت متوقف شد، شکست خورد، تبدیل به عکس شد».

به همان‌گونه که بارها گفته و نوشته‌ایم «شورا به درد و رنجی که مردم ایران از ناکامی انقلاب مشروطیت، از کودتای ننگین آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و از غارت دستاوردهای انقلاب ضدسلطنتی در بهمن سال ۱۳۵۷ تحمل کردند، آگاه است و می‌داند که طی مسیر این راه سخت و دشوار تا رسیدن به آزادی، با پیکارهای بی‌امان و فداکاریها و جانبازیهای بی‌شمار میسر است... و در برابر حقارت‌پذیری، تسلیم‌طلبی، سرخوردگی، خودباختگی، ناامیدی و ناباوری، که نهادهای گفتمان‌سازی حکومت، آن را به مثابه مودبانه‌ترین سلاح به کار می‌برند و فرصت‌طلبان در کمین‌نشسته و رسانه‌های استعماری در خدمت مماشات، آن را تبلیغ می‌کنند مقاومت و پایداری می‌کند».

در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران که در روزهای جمعه و شنبه ۵ و ۶ تیر ۱۴۰۵ در پاریس برگزار شد، اعضای شورا تأکید کردند: «طی سالیان، شورای ملی مقاومت بارها و بارها تأکید کرد جنگ و مماشات قادر به مهار سیاست بنیادگرایانه رژیم ایران نیست و تجربه نشان داد که مماشات سرانجام منجر به جنگ ویرانگر می‌شود. این حقیقت را جنبش انقلابی و قیامهای دی‌ماه و جنگ اخیر ثابت کرد که هر گونه دخالت نظامی و خارجی و هر گونه جانشین‌سازی ارتجاعی استعماری و رباتیک، راه به جایی نمی‌برد و کسب آزادی و

مبارزه برای رهایی از استبداد دینی، حق و وظیفه مردم ایران و زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای پیشتاز و شورشی است. اعضای شورا تأکید کردند معامله و پول دادن و نفس دادن و فرصت دادن به این رژیم قرون وسطایی در هر شکل و به هر بهانه محکوم است و جز خسارت و زیان برای مردم ایران و برای منطقه و جهان حاصلی ندارد. آنها افزودند، آلترناتیو ارتجاعی استعماری و مجازی حول بچه شاه یک پروژه امنیتی است که وزارت اطلاعات رژیم و پاره‌یی از دوائر امنیتی خارجی در آن شرکت داشتند، در عمل کاری جز سنگ اندازی در مقابل قیام و مقاومت مردم ایران نکرد. این دارو دسته فاشیستی با راه اندازی باندهای جنایتکار و به صحنه آوردن آنها با آرم ساواک نیات شوم خود را به نمایش گذاشت. اما امروز بقایای این طرح استبدادی و وابسته گرایانه در همه ابعاد رسوا و بی‌آبرو شده‌اند و روی دست سازندگان و طراحانش مانده‌اند».

هموطنان، زنان و مردان ایران زمین،

رویدادهای یک سال گذشته انباشتی از مهمترین رویدادهای ۴۵ سال گذشته بود. بحران ساختاری در عرصه اقتصاد و به موازات آن کنش توده‌یی و قیام علیه وضع موجود، جنگ و مماشات و ادامه چالش نظام حاکم با نظم جهانی، گسترش سرکوب و اعدام و به موازات آن گسترش و انکشاف فعالیتهای کانونهای شورشی، هلاکت ولی فقیه دوم و تحمیل آقا زاده او به رقبا و به دنبال آن تشدید تضادهای درونی در هرم قدرت و... این وضعیت بیان بحران و شرایط انقلابی است و فراز (برای نمونه قیام دی ماه ۱۴۰۴) و فرود (برای نمونه جنگ چهل روزه) تغییری در جهت اصلی آن نمی‌دهد. تمام مؤلفه‌های مهم در راهبرد «بازدارندگی» به منظور بقای نظام، در سال گذشته به شدت ضربه خورده و تضعیف شده است. چشم انداز پروژه هسته‌یی هم چنان در ابهام و موجودیت نیروهای نیابتی لرزان شده است. اکنون رژیم تنها به مؤلفه موشکی و باج گیری از تنگه هرمز متکی است. در حالی که ذخایر استراتژیک رژیم از دست رفته، شکافهای درونی نظام روز به روز بیشتر می‌شود. در جبهه مردم با دو برآمد بزرگ مواجه بودیم. جنبش توده‌یی و در عالی ترین شکل آن خیزش سترگ دی ماه و به موازات آن، تهاجم کانونهای شورشی به امنیتی ترین مکان نظام ۵ روز پیش از شروع جنگ در تاریخ ۴ اسفند ۱۴۰۴. در این کنش دلاورانه ۲۵۰ تن از رزمندگان مجاهد خلق در یک عملیات مسلحانه و متهورانه در قلب تهران و امنیتی ترین نقطه پایتخت به مجموعه مطهری که مقر خامنه‌ای و محل کار پسرش مجتبی و مقر سران قوای مجریه و قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی امنیت نظام را در بر می‌گیرد، مسلحانه تهاجم کردند. مسعود رجوی، مسئول شورا در پیامی که روز ۱۱ اسفند، دو روز بعد از شروع جنگ و هلاکت خامنه‌ای فرستاد، موقعیت و مسئولیت مقاومت را «جنگ جنگها» برای «پایان ۱۰۰ سال استبداد و خجسته میلاد آزادی و جمهوری دموکراتیک» توصیف کرد و افزود: «به شرط این که نگذاریم محصول رنج و خون و مقاومت ۴۷ ساله در برابر شیخ خونریز و رژیم ولایت فقیه را دنبالچه شاه ستمگر و فاشیسم سلطنتی سرکوبگر به سرقت ببرد».

هلاکت علی خامنه‌ای، پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی در بسیاری از راهبردهای نظام ولایت فقیه، از جمله پیاده کردن «بیانیه گام دوم انقلاب [بخوانید ارتجاع] وقفه جدی ایجاد کرد. علی خامنه‌ای توانست به تدریج و با شیوه‌های سخت و نرم افزاری، در مقام یک حاکم مقتدر، جنایتکار، چپاولگر، ضد مردم، بی رحم، فریبکار و تا بن استخوان مرتجع، خود را به جامعه و مردم تحمیل کند. به دنبال هلاکت خلیفه دوم، موضوع انتخاب ولی فقیه سوم به مسأله حاد به‌ویژه در شرایط جنگی تبدیل شد و سرانجام با تصمیمی که چگونگی آن هنوز غیرشفاف است، مجلس خبرگان رژیم در روز ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ اعلام کرد که: «پس از بررسیهای دقیق و گسترده و استفاده از ظرفیت اصل ۱۰۸ قانون اساسی، مطابق وظیفه شرعی و اعتقاد به حضور در محضر خداوند متعال، در اجلاس فوق العاده امروز، آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) را بر اساس رأی قاطع نمایندگان محترم مجلس خبرگان رهبری به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تعیین و معرفی [این دو کلمه در برابر انتخاب به کار برده شده] می‌نماید».

پر رمز و راز بودن تعیین ولی فقیه سوم تنها عاملی نیست که سست بودن جایگاه شخص اول نظام را تعریف می‌کند. مجموعه عوامل داخلی (جنبشها و قیامهای توده‌یی، کنشهای مداوم کانونهای شورشی و تشدید تضادهای درونی نظام) و خارجی (تحریمها، جنگ و...) موجب ضعف ولی فقیه سوم در اعمال هژمونی شده است. برای همین است که حسین شریعتمداری در ترهات خود، مجتبی خامنه‌ای را برگزیده و انتخاب شده امام دوازدهم شیعیان اعلام کرد و نوشت: «با جرأت می‌توان گفت حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای حفظه الله تعالی نیز برگزیده و انتخاب شده حضرت صاحب الزمان هستند که در میدان کشف خبرگان عزیز قرار گرفته و

معرفی شده‌اند و از این روی، اطاعت از ایشان همان اطاعت از حضرت صاحب‌الزمان است. و اما، در انتخاب ایشان نکته لطیف و ظریف دیگری نیز هست که از شباهتی روح‌نواز میان دو حقیقت سرنوشت‌ساز حکایت می‌کند و آن این‌که، اولین نماینده حضرت برای دوران غیبت صغری، شخصیت برجسته‌یی به‌نام عثمان بن سعید عمروی بود و حضرت صاحب‌الزمان، بعد از رحلت ایشان، محمد بن عثمان بن سعید، یعنی فرزند ایشان را به عنوان نماینده خود معرفی فرمودند. دقیقاً نظیر انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای بعد از شهادت امام خامنه‌ای عزیز و...» (کیهان، ۲۵ اسفند ۱۴۰۴).

یک عضو مجلس خبرگان گفت: «الحمدلله بیش از دو سوم اعضای مجلس خبرگان جمع شدند و البته به خاطر شرایط امنیتی شاید به بعضیها هم خبر نرسید و با این که در قم بودند نتوانستند بیایند ولی اکثریت قریب به اتفاق بحمدالله شرکت کردند و بحث شد و گزینه‌هایی مختلف مطرح شد و آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای [۵۶ ساله] با رأی حدود ۸۵ درصد افراد حاضر در مجلس مورد انتخاب شد» (دیده‌بان ایران، دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۴). با توجه به این که دو سوم از ۸۸ نفر عضو خبرگان یعنی ۵۸ نفر در این تصمیم‌گیری شرکت داشته‌اند، بر اساس گفته این عضو مجلس، مجتبی خامنه‌ای با ۴۹ رأی مثبت، به‌عنوان ولی‌فقیه سوم «تعیین» و نه «انتخاب» شده است. بر اساس معیارهای آخوندهای طرفدار ولایت‌فقیه، ولی فقیه نه «انتخاب» که «کشف» می‌شود. بدین ترتیب در یک «خیمه‌شب‌بازی رسوا و مضحک» آقازاده علی خامنه‌ای، «کینگ مجتبی» به رقبا تحمیل شد و یک بار دیگر «موروثی» بودن حاکمیت، این بار به دست آخوندها به جامعه تحمیل شد.

روز یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۴، مسعود رجوی پیرامون انتخاب ولی‌فقیه سوم اعلام کرد: «سرانجام "کینگ مجتبی خامنه‌ای" بر تخت سلطنت مطلقه ولایت‌فقیه نشست. جنگ ما با ولایت و سلطنت برای آزادی و استقلال تا پیروزی انقلاب دموکراتیک مردم ایران بی‌وقفه و بی‌امان ادامه می‌یابد. برقرار باد جمهوری دموکراتیک و دولت موقت بر اساس برنامه ۱۰ ماده‌یی شورای ملی مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران».

یکی از کارگزاران امنیتی رژیم در تجمع‌های فرمایشی شبانه در گرگان گفت: «بعضاً سؤال می‌کنند چرا فرمانده کل قوا ازشون صوت یا تصویر نمی‌دهید. جایگاه و شرایطی که ایشون درش مستقر هستند، تدبیر امنیتی بچه‌های ما اینه که هرگونه لوازم صوتی، قطعات تصویری حتی در حد یه فلش، یه دیجیتال، هرچی که هست هیچ رکوردی، ضبطی اطرافشون حتی یه کامپیوتر برای تایپ کردن هر چیزی که ممکنه فرکانس داشته باشه، موبایل با سیم، بیسیم خط مستقیم، خط غیرمستقیم، به هیچ وجه اطراف ایشون وجود نداره. ایشون بیانیه‌هایش را مکتوب می‌نویسه می‌آد تو صدا سیما تایپ می‌شه اعلام می‌کنند. ما اشراف فرمانده کل قوا به میدان رو کامل و یقیناً خبر داریم... این جملاتی که وای فرمانده کل قوا رو بهش تحمیل کردن و ایشون عقب‌نشینی کردن و این حرفا همه از گلو دشمن می‌آد بیرون» (تلویزیون حکومتی شبکه سبز، شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵).

به نظر می‌رسد نفرات مهم امنیتی و نظامی و سرکردگان سپاه هم‌چنان از مهره‌های اصلی در تشکیلات مجتبی باشند. نکته مهم در این رابطه نقش سپاه پاسداران است. مداخله مداوم و موثر سپاه یک‌باره و به دنبال کشته‌شدن علی خامنه‌ای به وجود نیامده و از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی در عرصه اقتصادی شروع و در دوران احمدی‌نژاد از نقطه عطف عبور کرد و با به قدرت رسیدن رئیسی به اوج رسید. در تمامی این دورانها، ولی فقیه نقش سرکردگی در شاکله قدرت داشت و مهمتر این که ولی‌فقیه کنونی در دوران خلافت پدرش نقش هماهنگ‌کننده ارگانهای نظامی و امنیتی در نهاد ولایت فقیه داشته است.

محسن اراکی، عضو مجلس خبرگان نظام، کشف کینگ مجتبی را «یک معجزه الهی» اعلام کرد و اضافه نمود که «ما در متن فرآیند انتخاب، دست هدایت امام زمان را به‌وضوح مشاهده کردیم» (مهر، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵). وی درباره «اجماع لازم» برای تعیین خلیفه سوم گفت: «ایشان با اکثریت قاطع آرای مجلس خبرگان انتخاب شدند؛ در حالی که شخصیت‌های برجسته و مهم دیگری نیز مطرح بودند... و... عمر کسانی که در داخل کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای با دشمن همراهی می‌کنند نیز به پایان رسیده است» (همان‌جا).

روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، رسانه حکومتی تسنیم، وابسته به نیروی تروریستی قدس از «شرفیابی» سرلشکر پاسدار علی عبداللہی، سرکرده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا «به محضر» سرکرده کل قوا [مجتبی خامنه‌ای] خبر داد. در این دیدار پاسدار عبداللہی «تبعیت کامل از فرامین» ولی فقیه سوم «تا پای جان و تا آخرین نفس» را به اطلاع مجتبی خامنه‌ای رساند.

فرد دیگری که ملاقاتش با ولی فقیه سوم علنی شده، پزشکian است. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، پزشکian شامگاه چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ با حضور در نشست نمایندگان اصناف و بازاریان حکومتی گفت: «این دیدار در فضایی صمیمی برگزار شد و گفتگوها نزدیک دو ساعت و نیم ادامه داشت، آنچه در این نشست بیش از هر موضوع دیگری برای بنده برجسته بود، نحوه مواجهه، نوع نگاه و شیوه برخورد متواضعانه و عمیقاً صمیمی رهبر معظم انقلاب اسلامی بود؛ رویکردی که فضای گفتگو را به محیطی مبتنی بر اعتماد، آرامش، همدلی و گفتگوی بی‌واسطه تبدیل کرده بود». دلیل کاربرد واژه‌های «اعتماد، آرامش، همدلی» همراه با تملق‌گوییها، کسب پشتوانه در برابر رقباست. پزشکian در مورد محتوا و موضوع این ملاقات کلامی بر زبان نیاورد. پزشکian روز دوشنبه ۱۹ مرداد هم دیداری ۷-۸ ساعته با کینگ مجتبی داشت و درباره آن گفت: «خیلی به اصطلاح جلسه خوبی بود. از هر دری گفتیم همه مشکلات را گفتیم، دغدغه‌هایمان را گفتیم، از نظر سلامت کاملاً سالم بودند یعنی کسی که می‌تواند بنشیند آنجا، ۷ ساعت، ۸ ساعت با ما بحث نکند نمی‌تواند آدم مشکل‌داری باشد، خیلی راحت حرفهای ما را گوش می‌داد، بحث می‌کرد حرفهای خودشان را می‌فرمودند، به هر حال جلسه خوبی بود».

وقتی خبرنگار تلویزیون رژیم از او درباره «مهم‌ترین توصیه‌های رهبر انقلاب» سؤال کرد، پزشکian پاسخ داد: «طبیعتاً دغدغه اصلی که مطرح می‌شد در رابطه با مسائل معیشت مردم بود، وضعیت بازار بود، اشتغال بود، مسکن مردم بود و مشکلاتی که الان در رابطه با تحریم دارد ایجاد می‌شود و طبیعتاً نحوه ایستادگی ما، همراهی مردم، وحدت و انسجام، بحثهایی بود که در عرض هفت، هشت ساعت مفصل گفتگو شد». خبرنگار در آخر از او پرسید «شما نکته‌ای با مردم عزیز دارید؟» رئیس‌جمهور ولایت گفت: «نه، در این سختیها اگر ما قصوری داریم، کاستیهایی می‌بینید، به خاطر این اوضاعی که به وجود آمده شرمندہ‌ایم، با تمام وجود در خدمت این مردم عزیز هستیم هر کاری از دستان بریاید مطمئن باشند که کوتاهی نخواهیم کرد».

دم فرو بستن پزشکian از هر حرف سیاسی نشان داد که او بعد از یابو برداشتن بر اثر امضای تفاهم‌نامه، در گفتگوی ۷-۸ ساعته، «علی‌الاصول» پیاده شده و دریافته که بهتر است دغدغه‌اش معیشت و بازار و اشتغال و مسکن و دور زدن تحریم باشد، و چنان‌که شاه به نخست‌وزیرانش گوشزد می‌کرد، به سیاست کاری نداشته باشد. هرچند که در باتلاق شکستهای همه‌جانبه و بن‌بست گریبانگیر ولایت، مخاصمات درونی و جنگ گرگها درمان‌ناپذیر است.

پس از هلاکت ابراهیم رئیسی، مسعود رجوی گفت: «با خاکستردن رئیسی و بر باد رفتن آرزوهای خالص‌سازی خامنه‌ای، تعادل و فصل جدیدی در حاکمیت ولایت فقیه به اثبات رسید. این، بن‌بست خامنه‌ای را نشان می‌دهد و مرحله پایانی شاه را تداعی می‌کند. آثار ضربه بر گيجگاه خليفه وارفته و فرتوت، ارکان نظام را به لرزه درآورده، دستگاه از درون سوراخ سوراخ شده و گرگها يکديگر را از هم می‌درند» (۱۶ تیر ۱۴۰۳).

اکنون با کشته‌شدن خلیفه دوم، موجودیت «دستگاه از درون سوراخ سوراخ شده» نظام فقط و فقط با سرکوب و جنگ حفظ می‌شود. آخوند مهدوی‌نژاد، مسئول هیأت انصار ولایت دارالعباده یزد به نقش تعیین‌کننده ولی فقیه سوم می‌پردازد و تأکید می‌کند که «هرگز رهبری اجازه نمی‌دادند برای مذاکرات آتش‌بس» (تلویزیون حکومتی شبکه سه، ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵). در همین مصاحبه تلویزیونی، آخوند مهدوی‌نژاد با انتقاد از سخنان منجر به تفرقه در درون هرم قدرت، می‌گوید: «بعضی از تحلیل‌گرها هم متأسفانه امروز دامن می‌زنند به شقاق بین مردم [بخوانید بسیجیها] با متهم کردن همدیگر و بی‌اعتماد کردن نسبت به مسئولین... موضع غلط، تحلیل غلط، شعار غلط، امروز آن چیزی است که ممکن است آب به آسیاب دشمن بریزد. امروز خطرناک‌ترین مسأله ایجاد اختلاف بین مردم [بخوانید بسیجی‌ها] و مسئولین با جنگ روانی که دشمن راه انداخته... یک عده این شرایط را با روایت‌های غلط برعکس جلوه می‌دهند جوری که رهبری مثلاً تحت فشار هستند برای مذاکره، تحت فشار هستند برای آتش‌بس، این زیر سؤال‌بردن و تضعیف رهبری است پس متهم کردن به خیانت هم، امروز یک شق از آن اختلاف‌افکنی است و جایز نیست و خلاف امر رهبری است...».

روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، رسانه حکومتی تابناک به نقل از رجانیز متعلق به باند سعید جلیلی نوشت: «در تکراری تلخ از یک مسیر شکست خورده، مسعود پزشکیان بار دیگر با طرح سوال انحرافی "گفتگو نکنیم؛ چه کنیم؟" به تریبون جریان غربگرا تبدیل شده است. این دقیقاً همان نسخه‌ی است که پس از "دفاع مقدس دوم" و بمباران میز مذاکره توسط دشمن نیز از سوی وی تکرار و با استقبال روزنامه هم‌میهن مواجه شد؛ مذاکره‌ی که انتهایش باز هم به حمله دشمن ختم گردید. این دور باطل "مذاکره- جنگ" و اصرار بر گفتگو با دشمنی که منطقی جز زور نمی‌فهمد، نشان می‌دهد گویا نهیب موشکها هم برای بیدار کردن ذهنهای ساده‌اندیشی که به لایبی مذاکره دل خوش کرده‌اند، کافی نیست». در همین روز خبرآنلاین به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «این که عده‌ی چنان سخن بگویند که گویی تنها راه مواجهه با آمریکا، جنگ مستقیم و بی‌پایان است و حتی شنیدن واژه "مذاکره" را هم تاب نیاورند، بیش از آن که نشانه انقلابیگری باشد، علامت گرفتار شدن در نوعی رادیکالیسم بی‌پشتوانه است».

شورای ملی مقاومت در این موقعیت حساس و سرنوشت‌ساز با اعلام دولت موقت بر اساس برنامه ۱۰ ماده‌ی خانم رجوی که فشرده برنامه و مصوبات شورا از ۴۵ سال پیش است و با شعار «صلح و آزادی» خطوط اصلی مواضع سیاسی و مشی خود برای پیشبرد راه حل سوم یعنی سرنوشتی رژیم به دست مردم و مقاومت ایران و مشخصاً کانونهای شورشی و ارتش آزادی شفاف و مشخص در پیشگاه مردم ایران و در عرصه بین‌المللی بیان کرده و با مرزبندی اساسی و چراغ راهنمای «نه شاه، نه شیخ» در این شرایط بغرنج در مسیر آزادی و استقلال فعالانه حرکت کرده است.

در بیانیه سال گذشته (۳۱ مرداد ۱۴۰۴) نوشتیم: «هنگامی که خمینی به موازات بهره‌برداری از جنگ با عراق برای سرپوش گذاشتن بر بحرانهای داخلی، دستور سرکوب خونین تظاهرات مسالمت‌آمیز نیم‌میلیونی ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ را صادر کرد، در عمل بر هرگونه سیاستی که در پی سازش و کنار آمدن و گفتگو با سلطنت مطلقه فقیه بود، مهر ابطال زد. شورای ملی مقاومت ایران، به مثابه جایگزین دموکراتیک که در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ خورشیدی در تهران به ابتکار مسعود رجوی پایه‌گذاری شد، خروجی اصولی و انقلابی این وضعیت بود که راه هرگونه سازش، انحراف و تحمیل آلترناتیوهای استعماری را سد کرد. خمینی بر سر دوراهی "تعامل" و "اختناق" راه دوم را انتخاب کرد و این راه را برای مهار پیامدهای "نوشیدن جام زهر" تا قتل‌عام زندانیان سیاسی و برکناری نایب خود، پیش برد. خامنه‌ای هم راه او را ادامه داده است... دخالت‌های منطقه‌ی و سیاست‌های جنگ‌افروزان خامنه‌ای، سرانجام، ایران را وارد یک جنگ ویرانگر کرد که هنوز تمامی ابعاد آن روشن نشده است. حقیقت این است که عامل حمله بامداد جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) به سرزمین ایران، اسرائیل بود، اما هیچ کس جز خامنه‌ای و سپاه پاسداران مسئول کشاندن ایران به این درگیری و پیامدهای آن از جمله کشتار غیرنظامیان و مردم غیرنظامی نیست. واقعیت این است که جنگ خارجی و آلترناتیوسازی با مبارزه مردم ایران علیه استبداد مذهبی سازگاری و همخوانی ندارد و بنابراین مردم ایران هرگز از جنگ خارجی استقبال نمی‌کنند».

شورا پیوسته در بیانیه‌های سالانه خود خاطرنشان کرده است که «ما بر اساس خط مشی اصولی خود مبنی بر مخالفت با هرگونه مداخله نظامی خارجی در ایران و مخالفت با هرگونه آلترناتیوسازی پوشالی از جانب قدرتهای بزرگ و منطقه‌ی، بر ضرورت قطع همه حمایتها و امداد رسانیها به دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، تأکید می‌کنیم».

روز سه‌شنبه ۳ تیر ۱۴۰۴ با میانجیگری دولت آمریکا، جنگ ویرانگر ۱۲ روزه منجر به آتش‌بس شد و بلافاصله خانم مریم رجوی با «استقبال از آتش‌بس و پایان جنگ خارجی، تأکید مجدد بر خواست مردم ایران؛ آزادی و پیروزی در جنگ سرنوشت با فاشیسم مذهبی»، گفت: «پیشنهاد آتش‌بس و پایان جنگ، یک پیشروی برای راه حل سوم است: نه جنگ، نه مماشات. بگذارید مردم ایران خود در جنگ سرنوشت، خامنه‌ای و دیکتاتوری ولایت فقیه را به زیر بکشند».

پس از آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه، کارگزاران حکومت در بوق و کرنا می‌دمیدند که گویی «ملت ایران» از حکومت پشتیبانی کرده است. هیچ دلیلی بر این امر ندارند و همیاری بین مردم در گریز از جنگ و در امان ماندن را هم نمی‌توانند به حساب خود وارد کنند. خمینی در یک سخنرانی قدیمی در آبان ۱۳۵۹ که به طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی پوشش رسانه‌ی پیدا کرده، یک رویداد تاریخی نه‌چندان دور را این‌گونه تعریف می‌کند: «من یادم است این را... که وقتی این متفقین از اطراف ریختند به ایران، و زمان رضاخان ریختند به ایران، و آن مردم آن قدر خوف داشتند از اینها که آیا چه خواهند کرد، لکن خوشحال بودند از این که رضاخان را بردند. یکی

از برکات این هجوم را با این که همه اشکالات را مردم در نظرشان این بود که چه خواهد شد و چه خواهند کرد، لکن این معنا مثل این که یک هدیه‌ی بود آسمانی برای اینها رسیده بود که رضاخان رفت».

سازشکاران و فرصت‌طلبان حرفه‌ی مدعی هستند که مردم ایران در جنگ در «اتحاد» با نظام بوده‌اند. واقعیت این است که از دوران سلسله صفویه تاکنون، بسیاری از حکومت‌های ایرانی در برابر قدرتهای خارجی زانو زده و بخشهای وسیعی از کشور را به آنان واگذار کرده و به ساکنان این سرزمین کهن خیانت کرده‌اند. از جمله در جنگ‌های ایران و روس که منجر به قراردادهای ننگین گلستان و ترکمن‌چای شد.

کارل فون کلاوزویتس، کارشناس امور نظامی تعریفی گویا و مورد قبول همگان از جنگ دارد و می‌گوید: «جنگ ادامه سیاست با ابزاری دیگر است». با قبول این تعریف، باید روی آن سیاستی متمرکز شد که به این جنگ دامن زد. واقعیت این است که علت اصلی و نه تمام علتها، ماجراجوییهای توسعه‌طلبانه رژیم ولایت فقیه است و نکته مهم و راهبردی این است که با هیچ خدعه و تزویری، از جمله خواندن مخدوش ترانه «ایران ایران» و «ای ایران»، نمی‌توان مردم را همسو با حکومت در جنگ دانست.

قیام سترگ، سراسری و با شکوه دی‌ماه سال ۱۴۰۴ با هزاران شهید، حباب شعبده‌بازی مبتذل «ملی‌گرایی»، «ایران، ایران»، «وحدت ملی»، «انسجام ملت و دولت» و... را خیلی زود ترکاند و سیمای زمخت ولایت خامنه‌ای را در کشتار فرزندان شورشگر ایران نشان داد. خامنه‌ای و مزدوران گوناگون او به خوبی می‌دانستند که نظام «ولایت فقیه» کانون ستیز توده‌های محروم و ستمدیده جامعه است و برای همین در خیزش ماه دی، طی دو شب هزاران شهروند ایرانی، از کودک دو ساله تا زنان و مردان سالخورده را به قتل رساندند. خامنه‌ای پس از سرکوب این قیام شکوهمند، با کارشکنی پنهانی در مذاکرات و با ساماندهی جدید نیروهای سرکوب، نقشه مسیر مهار هر گونه جنبش انقلابی و قیام را بازنویسی کرد. بدین ترتیب پس از مدتی کوتاه آتش جنگی ویرانگر دوباره برافروخته شد.

روز شنبه نهم اسفند ۱۴۰۴، به‌عنوان یک روز مهم به ثبت رسیده است. در این روز جنگ دوم آمریکا و اسرائیل با تهاجم به ایران آغاز شد و مهمتر این که ولی فقیه دوم، علی خامنه‌ای، در ۸۷ سالگی پس از ۳۷ سال خودکامگی در این جنگ به هلاکت رسید. در جنگ چهل روزه هم‌چون جنگ پیشین، راهبرد جنگ‌طلبانه شاه و شیخ خود را نشان داد. یکی برای حفظ قدرت و دیگری برای رسیدن به قدرت. هم‌چنان که با برهم خوردن «تفاهم‌نامه» و شروع درگیریها این مسأله مشخص شد.

روز یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵، مسعود رجوی، مسئول شورا گفت: «کینگ مجتبی حاصل همه تجمعات و جنازه‌گردانی با شعارهای انتقام، انتقام را برای تنور جنگ و حفظ هژمونی خودش می‌خواست. تکرار می‌کنیم که بچه خامنه‌ای مثل بچه شاه ادامه جنگ را می‌خواهد. اینان خوب می‌دانند که بدون جنگ آینده و شانسی ندارند. هر بلایی بر سر ایران و مردم ایران بیاید برای آنها هیچ اهمیتی ندارد. بچه شاه و شیخ فقط در پی کسب قدرت و حفظ قدرت به هر قیمت هستند. سلطنت و ولایت و دیگر هیچ. مجاهدین و مقاومت ایران صلح و آزادی می‌خواهند و آن را در ۶۱ سال با پاکبازی و رود خروشان خون شهیدان ثابت کرده‌اند. لازمه صلح و آزادی و استقلال پرداخت بهای تمام‌عیار برای قیام و سرنگونی و انقلاب دموکراتیک و حاکمیت جمهور مردم ایران است».

رضا پهلوی در گفتگو با شبکه موسوم به «انقلاب ملی ایران» گفت: «من معتقدم یکی از دلایل اصلی واکنش‌های بین‌المللی، به‌ویژه از سوی دو کشوری که در ماه‌های اخیر بیشترین درگیری مستقیم را با جمهوری اسلامی داشته‌اند، یعنی اسرائیل و ایالات متحده، سفر دو سال پیش من به اسرائیل بود. آن سفر کمک کرد تا کاملاً روشن شود چرا باید میان جمهوری اسلامی و مردم ایران تمایز قائل شد».

رسانه اینترنتی «صدای ایران» که بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های ولی فقیه است در سرمقاله شماره ۳۷۱ خود با عنوان «بن‌بست واشنگتن در مسیر جنوبی»، منطق «کلان‌ایده تداوم جنگ» و بحران‌آفرینی را این طور بیان کرده است: «منطق و ماهیت پایان‌نیافتن جنگ، باید به‌عنوان یک اصل کلیدی در همه امور کشور مد نظر قرار گیرد. هر یک از حوزه‌های اقتصادی، رسانه‌ی، اجرایی، اجتماعی و سیاسی باید زیر نظر این کلان‌ایده، یعنی تداوم جنگ، ارزیابی شوند. روشن است که با در نظر گرفتن این معیار، رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی جریانهای مختلف، به‌شدت با وضعیت عادی تفاوت خواهد داشت» (وبسایت خامنه‌ای، شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵).

کارگزاران نظام و در رأس آن ولی فقیه به‌خوبی می‌داند که در شرایط صلح، توجه جامعه فوراً معطوف به فقر، فساد ساختاری و اختناق می‌شود و این یعنی کلید خوردن قیامهای بنیان‌کن. بی‌علت نیست که مقاومت ایران همواره با شعار محوری «صلح و آزادی» رو در روی این سیاست خانمان‌سوز و «کلان‌ایدهٔ تداوم جنگ» ایستاده است. تکیه بر «کلان‌ایدهٔ تداوم جنگ» در ارگان اینترنتی ولایت نورسیده، اثبات می‌کند که رژیم صلح را مساوی با سقوط خود می‌داند و برای فرار از سرنگونی، راهبردی جز بازتولید فضای جنگی ندارد؛ تا در برابر جامعه‌ی جوشان و انفجاری که سنگر خیابان را رها نخواهد کرد، سد ببندد. سدی که البته بی‌تردید توسط جوانان و کانونهای شورشی درهم خواهد شکست.

شورای ملی مقاومت ایران با تأکید تکرار می‌کند که غلبه بر تمام فجایعی که محصول حاکمیت استبداد دینی است، از جمله جنگ و آتش‌افروزی، صرفاً با سرنگونی این نظام جهل و جنایت آغاز خواهد شد. وظیفه و تکلیف ما طی ۴۴ سال گذشته تکیه بر تضاد اصلی جامعه، یعنی تضاد بین مردم با رژیم حاکم و ضرورت قیام و سرنگونی استبداد دینی برای تحقق حاکمیت ملی و مردمی بوده و هست. شورا به همان‌گونه که همواره، و از جمله، در بیانیه‌های سالانه اعلام کرده است، «با تمام توان از مبارزات و خیزشهای مردمی، جنبشهای خاموشی‌ناپذیر و مستمر کارگران، معلمان، کشاورزان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، بازاریان و کسبه، جوانان و حرکتهای حق‌طلبانه ملیتها و مردم به‌پاخاسته در مناطق مختلف میهنمان، که در چهارگوشه ایران درفش مبارزه برای سرنگونی استبداد دینی و تحقق استقلال و آزادی و نفی هرگونه تبعیض جنسی، ملی و مذهبی را، با قبول همهٔ مخاطرات و هزینه‌های آن، برافراشته نگه داشته‌اند، حمایت کرده و برای رساندن صدای این جنبشها به گوش عموم مردم ایران و جهان کوشیده است».

شورای ملی مقاومت از تلاشهای خستگی‌ناپذیر خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، قدردانی می‌کند. تلاش در افشا و محکومیت بین‌المللی جنایات سرکوبگرانه و موج اعدامها و شکنجهٔ زندانیان و پیگیری روند جنبش دادخواهی، در تضمین حفاظت و حقوق رزمندگان مجاهد در اشرف ۳، در حمایت کامل از قیام مردم ایران برای سرنگونی رژیم ولایت‌فقیه و در افشای سیاست دلال‌منشی مماشات و در رویارویی با بنیادگرایی و تروریسم برخاسته از خلافت خمینی و خامنه‌ای و همبستگی با ملتهای رنج‌دیده از این پدیده شوم، بخشی از فعالیتهای رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت است.

شورای ملی مقاومت ایران پیوسته از طریق انتشار نتیجهٔ بحثهای خود در اجلاسهای میاندوره‌یی، موضعگیریهای مسئول شورا و سخنرانیهای خانم مریم رجوی و اطلاعیه‌های روزانه دبیرخانه و کمیسیونها و نمایندگیهای شورا و از طریق روشنگریهای سازمانها و شخصیت‌های عضو شورا، دیدگاههای خود را برای مردم ایران روشن کرده است. بیانیهٔ حاضر، جمع‌بندی و فشرده‌یی از ارزیابی ما پیرامون مهمترین تحولاتی است که با سرنوشت مردم و مقاومت سازمانیافته ایران پیوند دارد.

فصل اول

قیامهای سراسری دی‌ماه

خیزش برای سرنگونی نظام ولایت فقیه

۱- در فصل پنجم بیانیهٔ سال پیش، چشم‌انداز کنشهای توده‌یی را «صدای پای قیام» ارزیابی کردیم و چنین شد. اعتصاب و گردهماییهای بازاریان که از روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ در تهران آغاز شد، پس از دو روز، دامنهٔ آن از بازارها و مراکز تجاری فراتر رفت. شمار کلانی شهروند، به‌طور عمده تهیدستان و فرودستان، با گامهای استوار در صدها شهر در تمام استانهای کشور، خشم و نفرت خود را در بیش از ۱۰۰۰ تجمع، راهپیمایی و تهاجم به مراکز سرکوب، خرافه و ارتجاع، نشان دادند. با پیوستن دانشجویان و اقشار مختلف اجتماعی در سراسر کشور، یک جنبش گسترده و عمیق انقلابی شکل گرفت. فریاد «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» قیام‌کنندگان این واقعیت را برای صدمین بار نشان داد که مردم ایران نظام ننگین ولایت‌فقیه را برنمی‌تابند و برای «تان، کار، آزادی» در یک جمهوری دموکراتیک پیکار می‌کنند.

خانم مریم رجوی با درود به بازاریان شریف تهران که در مقابل ستم رژیم آخوندها دست به اعتراض زدند گفت: «سقوط شتابان ارز، تورم فزاینده، رکود بی‌سابقه و تبعیض و فساد سیستماتیک حکومتی، اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را به ستوه آورده است. تنها راه اعتراض و مقاومت است».

عصر دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ جمعیت عظیم تظاهرکنندگان در خیابان جمهوری به حرکت درآمد، تظاهرات در خیابان ناصرخسرو، مترو تهران، چهارراه استانبول ادامه یافت. مناطق مرکزی شهر صحنه رودرویی مردم با نیروهای سرکوبگر و جنگ و گریز میان معترضان و نیروهای سرکوبگر رژیم بود. در محدوده باغ سپهسالار و زیر پل حافظ، مزدوران انتظامی و وحوش خامنه‌ای با شلیک گاز اشک‌آور و باتون به جمعیت یورش بردند. مردم و جوانان شورشگر با شعارهای «بی‌شرف بی‌شرف» نیروهای سرکوبگر را وادار به فرار کردند. اعتصاب و اعتراضات سراسری بازاریان در مناطق مختلف از جمله بازار بین‌الحرمین، چهارسو، چراغ برق، لاله‌زار، ناصرخسرو، سعدی، بازار سرای ملی، بازار چهارراه استانبول، بازار طلافروشان در ناصر خسرو، راسته بازار، بازار گل‌بندک زیر پارک شهر، بازار مبیل دلاوران و یافت‌آباد با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «توپ تانک فشفشه آخوند باید کشته شه» و «پزشکیان حیا کن مملکتو رها کن» ادامه یافت. در جریان این اعتراضات، خودروی یک آخوند حکومتی که معترضان را «منافق» خطاب کرده بود، توسط مردم خشمگین درهم کوبیده شد.

در ساعت ۵ بعد از ظهر مردم در بازار یافت‌آباد، در تقاطع طالقانی ولیعصر و میدان توپخانه دست‌به‌تظاهرات زدند. بعدازظهر دوشنبه دامنه خیزش به مشهد نیز گسترش یافت و مردم در میدان سعدی و میدان شهدای این شهر دست به اعتراض زدند. نیروهای ضد شورش با باتون به مردم حمله کردند و مردم به مقابله پرداختند.

در همین روز در شهرهای کرمانشاه، کرج، همدان، ملارد و درگهان قشم بازاریان دست به اعتصاب زده و تظاهرات کردند. شعارهای «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» و «تا آخوند کفن نشود این وطن وطن نشود» در فضای این شهرها طنین‌انداز شد. در شماری از این گردهماییها جوانان تراکتهای «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر» و «نه تاج و نه عمامه آخوند کارش تمامه» توزیع کردند. هم‌زمان دانشجویان در کوی دانشگاه تهران شعارهای «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» و «بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم» سردادند و مزدوران اطلاعاتی و انتظامی در وحشت از پیوستن مردم به دانشجویان، درهای کوی دانشگاه را بسته و آن را به محاصره درآوردند.

خیزش دی بحران و شرایط انقلابی و روند پیشروی مبارزه برای سرنگونی رژیم را در کف خیابان عینی کرد. آنچه در خروش قدرتمند ستمدیدگان غرش گرفت، تنفر و بیزاری همگانی از خودکامه‌یی تبهکار و جنایت‌پیشه بود که سالهای ولایتش با خون مردم رنگین شده است.

جبهه گسترده نیروهای اجتماعی از نسل سلحشور انقلاب ۱۳۵۷ که بارها قتل‌عام و به زنجیر کشیده است دست در دست نسلهای پس از خود به شمول «نسل ضد» همه تدبیرهای ولی‌فقیه را نقش بر آب کردند و یک بار دیگر خیابانها را فتح کردند تا تنفر و انزجار خود از ضحاک خون‌آشام زمان را به عالی‌ترین شکل نشان دهند. بخشهای گوناگون جامعه و به ویژه فرودستان با پرچم آزادی و عدالت به میدان آمدند.

۲- به گواهی هویت طبقاتی شهیدان و اسرایی که نام و شغل آنان مشخص شده، «هسته و جریان» اصلی قیامهای سراسری را «جبهه خلق» شامل نیروهای کار، فرودستان، تهیدستان، کسبه، اصناف، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارمندان، بازنشستگان، هنرمندان، ورزشکاران و... تشکیل می‌دادند.

پیش از قیامهای دی‌ماه ۱۳۹۶، یک پای حرکتها و جنبشهای مردمی، به میزانی در میان حکومت بود. اما با خیزشهای ماه دی ۱۳۹۶، این رابطه به کلی قطع شد و شعار «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» شورش و قیام با پیشتازی زنان و جوانان سپهر سیاسی ایران را معنا بخشید. این واقعیت در قیامهای هفته پایانی آبان ۱۳۹۸، پائیز ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۴ و هزاران کنش کوچک و بزرگ در گوشه و کنار ایران زمین به ثبت رسید.

سه سال و اندی پس از خیزشهای انقلابی پائیز، ۶۳ سال پس از قیام خونین آبان با ۱۵۰۰ شهید و ۸ سال پس از دی‌ماه ۹۶ که تاریخ ایران زمین را ورق زد، دی‌ماه جدیدی با گامهای استوار زنان و مردان دلیر، از جوانان نسل «ضد» تا نوجوانان نسل «آلفا» تا سالخوردگانی که اندوه سفره غارت‌شده خانواده‌هایشان را با مشتهای گره کرده نشان دادند، آفریده شد. شهروندان شریفی که با قیام خود، بی‌شرافت‌ترین حاکمان تاریخ ایران را نشانه گرفتند.

با شروع اعتراض بازاریان، مسعود رجوی اعلام کرد: «امروز در نقاط مختلف تهران همگان صدای پای قیام را شنیدند، در آماده‌باش به نیروهای رزمنده انقلاب دموکراتیک در جبهه خلق گفته بودیم که ماشه کشیده شده و در موقعیت انقلابی "یک گام تا قیام" قرار داریم. یکشنبه شب سپاه خامنه‌ای در نواحی ۲۲ گانه تهران اعلام آماده‌باش ۱۰۰ درصد کرده است، اما اگر مقاومت و ایستادگی پیشه کنیم و قیمت بدهیم دیگر اثر ندارد! پیش به سوی الحاق و اتصال نقاط مختلف قیام در تهران و شهرستانها به یکدیگر، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای و اصل ولایت‌فقیه، زنده باد ارتش آزادی و جمهوری دموکراتیک».

روز سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴ نیز مسئول شورا در پاسخ به خامنه‌ای و پزشکيان گفت: «رئیس‌جمهور خامنه‌ای دیروز (دوشنبه ۸ دی) از سر استیصال نوشت به وزیر کشورش "مأموریت" داده است تا "از مسیر گفتگو با نمایندگان معترضان، مطالبات برحق آنها را بشنود تا دولت با تمام توان برای رفع مشکلات و پاسخگویی مسئولانه عمل کند". مطالبه برحق خلق اسیر ما پس از ۴۷ سال یک کلام بیشتر نیست: تا دیر نشده مثل شاه گم شوید! مردم ایران در قیامهای پیاپی پیوسته خروشیده‌اند آخوند (آخوند خمینی‌گرا و تحت‌امر خامنه‌ای) باید کشته یا گم شود. سخنگوی پزشکيان امروز توضیح داد دولت مربوطه اعتراضات را به رسمیت می‌شناسد، نه فقط تنگناها بلکه بحرانیها را هم می‌شنود و می‌داند که ناشی از فشار معیشت بر جامعه است. از این‌رو بر آن است با معترضان، سازوکار گفتگو فراهم کند و حرفهای آنها را چه تلخ و چه شیرین و حتی تند و گزنده، بشنود تا ثبات و آرامش به جامعه و به اقتصاد بازگردد". تکرار می‌کنم که حرف ساده و روشن ملت ما این است که هر چه زودتر در تمامیت رژیم‌تان گم شوید والا آتشفشان خشم خلق در انتظار است». در همین روز، آخوند تبهکار، احمد خاتمی گفت: «در فتنه ۸۸ هم ولایت هدف بود، مفهوم ولایت، زبانم نمی‌چرخد بگویم نامردها شعار می‌دادند مرگ بر اصل ولایت‌فقیه هم اصل ولایت هدف بود هم مصداق ولایت هدف بود» (تلویزیون حکومتی شبکه جهان‌بین). هنگامی که گام به گام جنبش انقلابی پیش می‌رفت، یک مقام امنیتی در شبکه یک صدا و سیمای ولی‌فقیه گفت: «ماموران و اعضای بسیج که امروز [پنجشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۴] از برابر اغتشاشگران در فولاد شهر متواری شدند، حتماً بازخواست خواهند شد».

۳- روز چهارشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۴، برای چهارمین روز، خیزش سراسری در شهرهای مختلف از جمله شیراز، اصفهان، کرمانشاه، تبریز، همدان، فسا، دهلران، رامهرمز، نجف آباد، کوهدشت و مناطق مختلف تهران ادامه یافت. در شهرستان فسا، خیزش مردم به یک رویارویی با نیروهای سرکوبگر تبدیل شد. جوانان شورشگر و مردم به‌پاخاسته به ساختمان فرمانداری حمله کرده و وارد آن شدند. پاسداران به سوی مردم آتش گشودند و به سمت معترضان شلیک کردند. در وحشت از بالاگرفتن قیام هلیکوپترهای نظامی برای ایجاد رعب و وحشت بر فراز شهر به پرواز در آمدند.

در کرمانشاه بازاریان و جوانان دست به تظاهرات زدند و با فریادهای «بی‌شرف بی‌شرف» با گله‌های پاسداران مقابله کردند. شب گذشته جوانان کرمانشاه در منطقه رشیدی دست به تظاهرات زدند و شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر سردادند. همزمان با ادامه خیزش سراسری، خامنه‌ای، پاسدار احمد وحیدی یکی از جنایتکارترین پاسدار سرتیپها را به‌عنوان جانشین فرمانده کل سپاه منصوب کرد. وحیدی، اولین سرکرده نیروی تروریستی قدس، وزیر دفاع احمدی‌نژاد و وزیر کشور رئیس، از مسئولان انفجار در آمیا در آرژانتین است و حکم جلب بین‌المللی برای او صادر شده است.

در ششمین روز قیام سراسری، جمعه ۱۲ دی ۱۴۰۴، شهرهای میهن صحنه رویارویی‌های گسترده مردم و جوانان شورشگر با نیروهای سرکوبگر بود. به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران «جمعه شب در بسیاری از مناطق تهران از جمله تهرانپارس و خاک سفید و ستارخان و صادقیه مردم به خیابان آمده و با شعارهای مرگ بر دیکتاتور و نترسید نترسید ما همه با هم هستیم دست به تظاهرات

زدند. در تهرانپارس با شعار آزادی آزادی خیابانها را مسدود کردند. در افسریه یگان ویژه برای جلوگیری از تظاهرات مستقر شده است».

مردم دلیر زاهدان روز جمعه پس از نماز جمعه با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان» و «ایرانی داد بزن، حق تو فریاد بزن» دست به تظاهرات زدند. جوانان شورشگر بلوچ با روشن کردن آتش، جاده قدیم زاهدان را مسدود کرده و با مزدوران رژیم درگیر شدند. جوانان سراوان نیز با شعار خامنه‌ای قاتله حکومتش باطله به صحنه آمدند.

در همین روز در استان فارس، مرودشت به کانون درگیریهای سنگین تبدیل شد. هزاران نفر در خاکسپاری شهید قیام «خداداد شیروانی» که روز گذشته با شلیک مزدوران به شهادت رسید، شرکت کردند. جمعیت شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر سپاهی و بسیجی» و «می‌کشم می‌کشم آن که برادرم کشت» سردادند و جوانان شورشگر در ادامه به سمت کلانتری ۱۱ رفتند. از پشت‌بام کلانتری و بانک سپه با سلاح جنگی به سوی مردم شلیک کردند و هلی‌کوپتر بر فراز شهر به گشت‌زنی پرداخت اما جوانان با جنگ و گریز کنترل بخشهایی از شهر را در دست گرفتند. در نورآباد فارس جوانان شورشگر به درگیری و جنگ و گریز با مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی پرداختند، شهرهای کوار و فیروزآباد در استان فارس نیز شاهد اعتراضهای مردمی بود.

در استان لرستان، مراسم خاکسپاری شهید قیام امیرحسین خدایاری فرد در کوه‌دشت به صحنه رویارویی شدید با نیروهای سرکوبگر تبدیل شد. مزدوران انتظامی که قصد ممانعت از برگزاری مراسم و مصادره پیکر شهید را داشتند با مقاومت دلاورانه مردم و جوانان روبه‌رو و وادار به فرار شدند. خانواده این شهید با رد سناریوهای دروغین رژیم اعلام کردند فرزندشان هیچ ارتباطی با بسیج نداشته و در راه آزادی جان باخته است. دادستان جنایتکار کوه‌دشت با وحشت از گسترش قیام، به دستگیری ۲۰ تن از معترضان و تشکیل پرونده قضایی برای آنان اعتراف کرد. در شامگاه جمعه مردم بروجرد نیز به خیابان آمده و شعارهای ضدحکومتی سر دادند.

در استان اصفهان، پیکر شهید قیام، داریوش انصاری بختیاروند (۳۷ساله) که در اعتراضهای شامگاه ۱۰ دی در فولادشهر به شهادت رسیده بود، تحت تدابیر شدید امنیتی به خاک سپرده شد. با وجود فشارهای اطلاعاتی و تهدید خانواده، مردم در این مراسم حضور یافته و بر ادامه راه شهیدان تأکید کردند. در شهر زیار نیز مردم با شعارهای ضدحکومتی به خیابان‌ها آمدند.

در قم با شعار امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه، کشته ندادیم که سازش کنیم رهبر قاتل رو ستایش کنیم جوانان موتور نیروی انتظامی را به آتش کشیدند. تظاهرات در همدان برای چندمین شب متوالی ادامه یافت، تظاهرکنندگان با نیروهای سرکوبگر که به سمت آنها شلیک میکردند درگیر شدند. از آمبولانس برای جابه‌جایی نیرو و حمله به تظاهرکنندگان استفاده می‌کنند.

در هفتمین روز قیام سراسری، خامنه‌ای، ولی‌فقیه تبهکار ارتجاع، که از استمرار و گسترش قیام به وحشت افتاده بود، روز شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۴، پس از یک هفته سکوت در سالگرد مرگ قاسم سلیمانی به صحنه آمد و گفت «اعتراض غیر از اغتشاش است، ما با معترض حرف می‌زنیم ... اما با اغتشاشگر حرف زدن فایده‌ی نداره، اغتشاشگر رو باید به جای خودش نشاند. این که یه عده‌ی به قصد ناامن کردن کشور [بخوانید نظام] اغتشاش کنن اصلاً قابل قبول نیست مطلقاً، کار دشمن رو باید شناخت، دشمن آرام نمی‌نشینه».

شامگاه شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۴، تهران و شهرهای مختلف کشور صحنه تظاهرات شبانه، جنگ و گریز و درگیری با نیروهای سرکوبگر بود. مردم به جان آمده در پاسخ به تهدیدهای صبح شنبه خامنه‌ای، با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» و «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» خیابانها را به تسخیر درآوردند.

در تهران، مردم در مناطق مختلف از جمله شهرقدس، شهریار، خیابان پیروزی، هفت‌حوض نارمک، نازی‌آباد، تهرانپارس، صادقیه، نظام‌آباد، کواکولا و شهرزیا دست به تظاهرات زدند. در نازی‌آباد جمعیت انبوه با شعار «مرگ بر دیکتاتور» تظاهرات کردند و یک شیرزن شورشگر پلاکاردی با مضمون «من اغتشاشگر نیستم» در پاسخ به اراجیف خامنه‌ای حمل می‌کرد. در هفت‌حوض نارمک، جوانان با مزدورانی که به سوی آنها گاز اشک‌آور شلیک کرده بودند به مقابله برخاستند. دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر نیز با شعار «بسیجی سپاهی داعش ما شمايید» دست به اعتراض زدند.

در ملکشاهی ایلام، تظاهرات مردم به درگیری خونین کشیده شد. پاسداران جنایتکار به روی مردم آتش گشودند که منجر به شهادت و مجروح شدن شمار زیادی از مردم بی‌دفاع شد. جوانان دلیر ملکشاهی متقابلاً به دفاع برخاسته و با مزدوران درگیر شدند. بنیاد موسوم به شهید، مقر نیروی انتظامی و چند بانک تخریب شدند. گزارشها حاکی از کمبود خون برای مجروحان در بیمارستان این شهر است. در کرمانشاه، به‌ویژه در محله جعفرآباد، درگیریهای شدیدی میان مردم و نیروهای سرکوبگر رخ داد و صدای تیراندازی در قسمتهایی از شهر به‌گوش می‌رسید. جوانان شورشگر در هرسین نیز «حوزه جهل و جنایت» رژیم را به آتش کشیدند.

در مشهد، تظاهرات در خیابانهای کلاهدوز، فلسطین و دیگر نقاط برگزار شد. جوانان شورشگر موتورهای نیروهای سرکوبگر را به آتش کشیدند و با شعار «تا آخوند کفن نشود این وطن وطن نشود» خیابانها را بستند و چندین محله و خیابان را تصرف کردند. در شیراز، تظاهرکنندگان در خیابان امیرکبیر با نشستن بر کف خیابان راه نیروهای سرکوبگر را سد کردند و جوانان در منطقه گلشن با آتش‌زدن لاستیک مسیرها را بستند. در دلیجان، مجسمه منحوس قاسم سلیمانی توسط جوانان به آتش کشیده شد و در خاش کیوسک نیروی انتظامی طعمه حریق گردید.

همچنین در شهرهای کرج (فردیس)، اصفهان، یزد، رشت، ساری، آمل، بوشهر، یاسوج، همدان، زنجان، قزوین، اراک، گچساران، رودسر، لاهیجان، اقلید، نیریز، فیروزآباد، زرقان، کشن و معالی‌آباد شیراز، ازنا، بوشهر، جوبین، آبدانان، مهران، هفشجان، اراک و ساری تظاهرات و درگیری تا پاسی از شب ادامه داشت.

ولی‌فقیه نظام با تملق‌گویی از بازار حکم سرکوب صادر کرد و روز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ در فراز جدیدی از پیشروی خیزش توده‌یی، بازاریان تهران با شعار «آزادی، آزادی، آزادی» بر دهان خامنه‌ای کوبیدند تا نتواند با دوگانه‌سازی «اعتراض» و «اغتشاش» در جبهه متحد خلق ایجاد شکاف کند.

۴- روز یکشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۴ در هشتمین روز قیام سراسری، بازاریان و کسبه تهران در مناطق مختلف از جمله راسته پارچه‌فروشان و بازار موبایل، دست به اعتصاب و اعتراض زدند. در خیابان سعدی، جمهوری، تقاطع جمهوری، پل حافظ و پاساژهای علاءالدین، بازار موبایل و چارسو، مزدوران سرکوبگر با شلیک گاز اشک‌آور به جوانان و کسبه که شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال سال خانه سیدعلی سرنگونه» می‌دادند، یورش بردند. جوانان شورشگر با آتش‌زدن منابع زباله خیابان را مسدود کرده و با مزدوران درگیر شدند. لباس شخصیهای رژیم در خیابان حافظ و جمهوری به صورت گسترده اقدام به دستگیری کور نفرات در صحنه می‌کنند. در دانشگاه تربیت مدرس، دانشجویان شعارهای «امسال سال خانه، سیدعلی سرنگونه» و «مرگ بر خامنه‌ای» سردادند، آنان خطاب به نیروهای سرکوبگر بسیج فریاد می‌زدند «بسیجی برو گمشو».

در درگاهان قشم نیز مردم معترض با مأموران نیروی سرکوبگر انتظامی که به سمت آنان شلیک می‌کردند درگیر شدند. همزمان مردم در مرودشت بار دیگر با شعارهای ضدحکومتی دست به تظاهرات زدند.

شامگاه شنبه ۱۳ دی نیز شهرهای مختلف صحنه جنگ و گریز با پاسداران و بسیجیان بود. در خرم‌آباد درگیریها به جنوب شهر و منطقه ماسور کشیده شد. در بروجرد، دورود و الشتر مردم با نیروهای سرکوبگر که به روی جمعیت آتش گشودند درگیر شدند. در مورموری ایلام جوانان دلیر حوزه جهل و جنایت رژیم را به آتش کشیدند. در ملکشاهی مردم در اعتراض به کشتار فرزندانشان مقابل بیمارستان تجمع کردند. در نیریز جوانان ساختمان فرمانداری را مورد تهاجم قرار دادند و در محلات کیوسک انتظامی را به آتش کشیدند. در مشهد، شیراز، گچساران و بیرجند نیز تظاهرات شبانه با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» جریان داشت.

شنبه شب ۱۳ دی جوانان شورشگر در ازنا ۲ خودروی یگان ویژه را به آتش کشیدند و به کلانتری شهر که در کشتار مردم این شهر شرکت داشت، تهاجم کردند.

در هفشجان، مردم خشمگین محل کار قاتل سروش سلیمانی نوجوان ۱۵ ساله که روز شنبه ۱۳ دی با شلیک مستقیم مزدوران جان باخت، را به آتش کشیدند. در آباد، فضا جنگی است و شماری از مردم با سلاح در خیابان دیده می‌شوند.

یکشنبه شب ۱۴ دی در اصفهان پس از حمله وحوش خامنه‌ای و ضرب و شتم و شلیک به سوی مردم، جوانان شورشگر به مقابله پرداختند و پس از دو ساعت درگیری شدید در حوالی سی و سه‌پل، نیروی انتظامی تسلیم و خلع سلاح شد.

در همین شب جوانان شورشگر در همدان به مقابله با مزدوران نیروی سرکوبگر انتظامی که به تظاهرات مردم حمله‌ور شده بودند پرداختند، یکی از آنها خلع سلاح شد و بقیه فراری شدند.

یکشنبه شب در نازی‌آباد تهران جوانان شورشگر، شوکر یک مأمور انتظامی که مردم را مورد حمله قرار می‌داد از چنگ او درآوردند. یکشنبه شب ۱۴ دی در مشهد، خیابان ناصر خسرو، جوانان شورشگر به نیروی انتظامی هجوم بردند و شماری از قیام‌آفرینان را که دستگیر شده بودند، آزاد کردند.

جوانان شورشی یکشنبه شب در ایلام، فردیس کرج، رادمان کرج، گچساران، احمدآباد مشهد، شهر قدس، کازرون و ولی‌عصر تهران خیابان را با برافروختن آتش بستند و مسیر ورود نیروی سرکوبگر را قطع کردند.

صبح دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴، در نهمین روز قیام سراسری، مردم یاسوج با شعار «آزادی، آزادی، آزادی» به خیابان آمدند. در تهران رژیم با گسیل گله‌های یگان ویژه به محدوده بازار تلاش کرد از شکل‌گیری و گسترش تظاهرات جلوگیری کند اما با ایستادگی مردم مواجه شد. بسیاری از مغازه‌ها و پاساژها بسته شد. بازاریان همراه با مردم به خیابان آمده و شعار دادند: «بازاری با غیرت، حمایت حمایت»، همزمان صبح دوشنبه بازاریان در کرج، گناوه و زرقان در استان فارس و بسیاری از شهرهای دیگر دست به اعتصاب زده و مغازه‌های خود را بستند.

دانشجویان دانشگاه شیراز برای دومین روز متوالی با شعار «دانشجوی با غیرت، حمایت حمایت» دست به تجمع و تظاهرات زدند. دوشنبه شب ۱۵ دی ۱۴۰۴، در نهمین شب قیام سراسری، مناطق مختلف تهران و شهرهای میهن صحنه تظاهرات و درگیری جوانان شورشگر با مزدوران خامنه‌ای بود.

در تهران، مردم و جوانان شورشگر در هفت‌حوض نارمک با شعار «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» دست به تظاهرات زدند. در تهرانسر و نازی‌آباد مردم با شعار «مرگ بر دیکتاتور» به خیابان آمدند و در یافت‌آباد و شهرک ولیعصر، جوانان شورشگر دو موتور سیکلت نیروهای سرکوبگر انتظامی را به آتش کشیدند. پیش از این در روز دوشنبه بازاریان تهران در بازار چراغ برق، سپهسالار و بازار آهنگران در اعتراض به گرانی ارز و وضعیت معیشتی تظاهرات کردند و با شعارهای «بی شرف بی شرف» با وحوش انتظامی که با گاز اشک‌آور حمله کرده بودند درگیر شدند.

در سنقر و کلیایی و اسلام‌آباد غرب در استان کرمانشاه، مردم با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» دست به تظاهرات زدند. در اراک، جوانان شورشگر با آتش‌زدن سطله‌های زباله خیابان را مسدود کرده و شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند. در جوی‌آباد اصفهان جوانان دلیر با شعار «مرگ بر ستمگر» با شلیک مستقیم مزدوران مقابله کردند. تظاهرات شبانه در گوهر دشت و گلشهر کرج نیز با شعارهای ضدحکومتی جریان داشت.

دانشجویان دانشگاه بیرجند دوشنبه شب با شعار «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» تظاهرات کردند. دانشجویان دانشگاه شیراز نیز علیه اقدامات سرکوبگرانه در خوابگاهها دست به اعتراض زدند.

جوانان شورشگر در روزهای ۱۴ و ۱۵ دی ضربات سنگینی به مراکز سرکوب وارد کردند. در آبادان فرمانداری رژیم و در یزد، قزوین و اهواز پایگاههای بسیج و کمیته غارتگر موسوم به امداد هدف تهاجم با کوکتل قرار گرفت. در نیریز ورودی فرمانداری، پایگاه بسیج و خودروی انتظامی توسط جوانان به آتش کشیده شد.

در الیگودرز جنگ و گریز خیابانی جریان داشت و مزدوران فراری داده شدند. در مشهد و نیریز بنرهای منحوس قاسم سلیمانی به آتش کشیده شد.

دژخیمان پیکر شهید قیام، احمدرضا امانی را صبح دوشنبه مخفیانه در روستایی در خارج از ازا و پیکر شهیدان رسول و رضا کدیوریان را تحت تدابیر شدید امنیتی در کرمانشاه دفن کردند. در یاسوج، فضای شهر به شدت امنیتی است. دانشگاه آزاد به‌طور سراسری امتحانات خود را لغو کرده و خوابگاه دانشگاه شریف تخلیه شده است.

۵- روز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴، در دهمین روز قیام سراسری، شعله‌های خیزش با فروش بازاریان و جوانان شورشگر در قلب پایتخت، قیام ایران را وارد مرحله جدیدی از رویارویی با دیکتاتوری دینی کرد. قیامی که تا کنون ۱۱۰ شهر را دربر گرفته و ۳۲ تن از شهیدان آن احراز هویت شده‌اند.

بخشهای وسیعی از بازار بزرگ تهران، از جمله سرای ملی، بازار سلطانی، پارسیان، طلافروشان، بین‌الحرمین و سبزه‌میدان در اعتصاب کامل فرو رفت و بازاریان با تعطیل کردن کسب و کار، تجمعات اعتراضی خود را آغاز کردند. نیروهای سرکوبگر که از صبح با استقرار ماشینهای آب‌پاش، یگانهای لباس شخصی و ۲۰ اتوبوس نیرو در مقابل پاساژ علاءالدین و نقاط مختلف بازار تلاش داشتند مانع شکل‌گیری تظاهرات شوند، در برابر سیل جمعیت ناکام ماندند.

تظاهرکنندگان با شعارهای «آزادی، آزادی، آزادی» و «این ماه، ماه خونه، سیدعلی سرنگونه» به حرکت درآمدند. مزدوران رژیم با قساوت تمام حتی به عابران حمله کرده و با شلیک مستمر گاز اشک‌آور و انفجار بمبهای صوتی در بازار بوذرجمهری سعی در پراکنده کردن مردم داشتند. حجم گاز اشک‌آور به حدی بود که تنفس را غیرممکن می‌کرد، اما جوانان جسور با روشن کردن آتش و سوزاندن سطلهای زباله به مقابله برخاستند. دامنه درگیریهای شدید میان مردم و نیروهای دشمن از چهارراه گلوبندک تا پله‌های نوروزخوان و بازار آهنگران گسترش یافت. در کوچه کربلاییها نیز مردم با نیروهای امنیتی درگیرند.

هم‌زمان در ساری، چغامیش دزفول، بجنورد و شهرکرد تظاهرات گسترده‌یی شکل گرفت، در شهر کرد مردم با درگیری با یگانهای ویژه، شعارهای ضدحکومتی سر دادند. نیروی انتظامی همه مسیرها را برای ممانعت از شکل‌گیری تجمعات مسدود کرده بود و متقابلاً مردم نیز خیابانها را با آتش بستند تا نیروی انتظامی نتواند به آنها حمله کند. بازاریان شهرکرد و بازار مبل شیراز نیز در اعتصاب بودند. در یزدانشهر اصفهان، مردم شعار می‌دهند: «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» و «حرف اول، حرف آخر، سرنگونی».

در تحولی دیگر، جوانان شورشگر ساعت ۲.۵ بامداد سه‌شنبه، ساختمان شورای شهر فردیس کرج را به آتش کشیدند. در بجنورد مردم با مزدوران درگیر شده و آنها را فراری دادند، در اسلام آباد غرب درگیری و شلیک گاز اشک‌آور جریان داشت و دانشجویان دانشگاه الزهرا تهران شعارهای ضدحکومتی سر دادند. صبح سه‌شنبه شهیدان قیام ملکشاهی ایلام با حضور گسترده مردم با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» تشییع جنازه و خاکسپاری شدند.

در ادامه تهدیدهای خامنه‌ای و اژه‌ای رئیس قضائیه جلال‌دان، پاسدار رادان سرکرده جنایتکار نیروی انتظامی به تهدید مردم پرداخت و گفت: «تا نفر آخر از این افراد در هر زمان و هر مکان دستگیر و مجازات می‌شوند». (میزان- ۱۶ دی ۱۴۰۴)

روز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴، شعله‌های خیزش در شهرهای مختلف میهن زبانه کشید و رژیم فرتوت آخوندی را در وحشت فرو برد. در آبدانان، شهر عملاً به تسخیر مردم و جوانان شورشگر درآمد و جمعیت انبوه، خیابانها را در کنترل داشتند، زمانی که پاسداران در صدد تعرض به مردم برآمدند، جوانان شورشگر به مقابله پرداختند و فروشگاه افق کوروش متعلق به سپاه پاسداران به آتش کشیده شد. مزدوران و نیروهای سرکوبگر که یارای مقابله را نداشتند، بزدلانه به پشت‌بام کلانتری پناه بردند. رژیم در وحشت از گسترش قیام، برق شهر را قطع کرد.

در ملکشاهی ایلام در تشییع پیکر شهید فارص (محسن) آقا محمدی، جمعیت بسیار زیادی شرکت کرده بودند. مردم خشمگین از کشتار ۱۳ و ۱۴ دی در ملکشاهی و ایلام، شعار می‌دادند: «می‌کشم می‌کشم آن که برادرم کشت». در درگیری میان مردم و یگان ویژه تعدادی از نفرات یگان ویژه کشته و زخمی شده و مابقی پا به فرار گذاشتند. در این درگیریها یک بانک دولتی به آتش کشیده شد. شعار مرگ بر خامنه‌ای در همه جا شنیده می‌شد. شاه‌دان صحنه گزارش کردند که نیروهای ویژه پا به فرار گذاشته و مناطقی از شهر آزاد شده است. خبرگزاری فارس سپاه پاسداران بعد از ظهر اعلام کرد ستوان سوم احسان آقاجانی، از عناصر سرکوب پلیس استان ایلام در درگیری با مردم به هلاکت رسید.

در تهران، فضای مناطق مرکزی از جمله میدانهای هفت‌تیر، فردوسی و ولیعصر با استقرار انبوه نیروهای سرکوبگر و استفاده از آمبولانس برای جابه‌جایی نیرو، امنیتی و ملتهب بود.

در مارلیک کرج، دشمن با گسیل بی سابقه نیرو و ادوات زرهی، فضایی شبیه حکومت نظامی ایجاد کرد. در شهر کرد، دختری جسورانه و یک تنه در برابر ماشین آبپاش ایستاد و مزدوران را تحقیر کرد. در فیروزآباد فارس، رژیم در وحشت از قیام ۵۰ تن از جوانان را دستگیر کرد.

روز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ در حالی که هفت حزب و جریان سیاسی در کردستان ایران برای اعتراض عمومی در روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه فراخوان داده بودند و در حالی که جنبشهای توده‌یی اعتلای جدیدی پیدا کرده بود، شارلاتانی به نام رضا پهلوی فرصت طلبانه فراخوان به تظاهرات همگانی در روزهای پنجشنبه ۱۸ دی و جمعه ۱۹ دی داد. نقش منفی و تفرقه افکنانه بچه شاه این بار هم به شکل عریان و البته با پشتیبانی خارجی خود را نشان داد.

روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴، در یازدهمین روز قیام سراسری، بازاریان تهران در «بین‌الحرمین»، «بازار کفاشها»، «بازار طلا و جواهر»، «پاچنار»، «حمام چال» و... دست به اعتصاب زدند و با شعار «ایرانی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» تظاهرات کردند. رژیم آخوندی در وحشت از گسترش خیزش به سایر نقاط، ایستگاه متروی ۱۵ خرداد را بست.

علاوه بر تهران، بازاریان و سایر اقشار در شهرهای مختلف از جمله بجنورد، تبریز، شهرکرد، لردگان، سبزوار، اهواز، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، ملکشاهی، فلاورجان و سروشجان فارس، بوشهر، قم، لاهیجان، یزدانشهر، شیراز، کرمان، بندرعباس، نیشابور، قزوین، چابکسر گیلان، گناباد، رشت، کرج، آبادان، پردنجان فارس، بروجن و مسجد سلیمان به اعتصاب و اعتراض پرداختند. در اکثر شهرها تظاهرات با حمله نیروهای سرکوبگر به درگیری کشیده شد. امروز کارگران پالایشگاههای پارس جنوبی نیز به اعتصاب پیوستند.

در کرمانشاه، دانشجویان و مردم در خیابانهای «مدرس»، «نوبهار» و «چهارراه اجاق» با شعار «اتحاد اتحاد» و «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» با نیروهای سرکوبگر درگیر شدند. مزدوران به سمت مردم گاز اشک‌آور و گلوله شلیک کردند. مردم به مقابله برخاستند و جوانان جسور در دانشگاه آزاد یک مزدور بسیجی را گوشمالی دادند. در شیراز جوانان با آتش زدن لاستیک، خیابانهای «داریوش»، «باهنر» و «نادر» را مسدود کرده و با سنگ به مقابله با ماشینهای آبپاش پرداختند.

در لردگان استان چهارمحال بختیاری نیروهای سرکوبگر به روی مردم آتش گشودند که با پاسخ متقابل مردم مواجه شدند؛ گزارشها حاکی از کشته شدن ۴ تن از مزدوران است. خبرگزاری سپاه پاسداران (فارس) اعلام کرد در جریان درگیری امروز در لردگان ۲ نیروی پلیس کشته شده و ۳۰ نفر هم زخمی شده‌اند و به فرمانداری و چند ساختمان اداری آسیب وارد شده است.

شامگاه سه شنبه ۱۶ دی، در مشهد، جوانان شورشگر پاسگاه خیابان سلمان فارسی را که به روی مردم آتش گشوده بود، خلع سلاح کردند. در تهران جوانان در نظام‌آباد، هفت حوض و تهرانپارس تهاجم مزدوران را درهم شکستند. هم‌چنین طی دوشنبه و سه شنبه شب، جوانان شورشگر مسیرهای نیروورسانی دشمن را در تهران (خیابان هلال احمر)، تبریز، اهواز و اصفهان با آتش مسدود کرده و پایگاه بسیج اقدسیه مشهد را با کوکتل درهم کوبیدند. دوشنبه شب جوانان شورشگر راه نیروورسانی دشمن در خیابان ساحلی اهواز را با آتش زدن لاستیک بستند و در تبریز راه نیروورسانی دشمن را با پرتاب کوکتل و آتش زدن سطهای زباله با شعار، ایرانی باشرفدی شاه و شیخ بی‌شرفدی، بستند. در خیابان غیور تبریز نیز راه نیروورسانی دشمن را با آتش و شعار مرگ برستمگر چه شاه باشه چه رهبر بستند.

از سوی دیگر رژیم آخوندها سرعت اینترنت را در بسیاری از مناطق کشور کند کرد تا اخبار قیام به جایی نرسد و ارتباطات جوانان قیام‌آفرین با یکدیگر دچار مشکل شود. VPN ها کند و مختل شد. اپراتورهایی مانند همراه اول و ایرانسل بیشترین تأثیر را دیدند. به‌طور خاص، در تهران از ۱۳ دی ماه سرعت اینترنت به شدت کاهش یافت و دسترسی به سایتهای خارجی و اپلیکشنهای پیام‌رسان مانند تلگرام به ویژه در محله‌هایی مانند صادقیه و هفت‌تیر سخت شد.

در شهرستانها و استانها اخلاص در اینترنت به صورت منطقه‌یی و متناسب با شدت اعتراضها اعمال می‌شود. در استان فارس اختلال گسترده به چشم می‌خورد و کاربران به سایتهای خارجی، رسانه‌های اجتماعی و اپلیکشنهای خارجی دسترسی نداشتند. محدودیت اینترنت در استانهای البرز، کرمانشاه، ایلام و لرستان از یک هفته پیش شروع شده بود.

معتمدیان استاندار تهران تهدید کرد که «پلیس در برابر اغتشاشگران مجوز استفاده از سلاح دارد» و افزود «اگر تجمعات به سمت تخریب، تقابل و حمله به اماکن عمومی و انتظامی کشیده شود، پلیس طبق قانون مجوز استفاده از سلاح را دارد» (عصر ایران ۱۷ دی).

۶- روز پنج‌شنبه ۱۸ دی شهرهای کردستان یکپارچه شاهد اعتصاب عمومی فراگیر بود. شهرهایی چون سنندج، نایسر، دیواندره، مریوان، بانه، مهاباد، کامیاران، روانسر، پاوه، قروه، ارومیه، سرپل ذهاب، ارومیه و چندین شهر دیگر به‌طور گسترده در اعتصاب بودند. همزمان با پیروزی فراخوان اعتصاب در کردستان، شهروندان در ملکشاهی، شهرکرد، بروجرد، آبدانان، رشت، مشهد، اصفهان، شیراز و... خیابانها را به میدان نبرد برای سرنگونی نظام حاکم تبدیل کرده و سرخ‌ترین لحظه‌های تاریخ‌رهایی را ترسیم کردند.

در استان ایلام، مردم دلاور «لومار» (شهرستان سیروان) با حضور گسترده در خیابانها، فروشگاهها و مراکز وابسته به سپاه پاسداران را به آتش کشیدند و با شعار مرگ بر خامنه‌ای و توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه، خیابانها را تسخیر کردند. همزمان در «آسمان‌آباد» شهر سرابله ایلام، جوانان شورشگر در یک تهاجم جسورانه مرکز سپاه پاسداران را تسخیر کردند.

در همدان مردم و جوانان شورشگر در خیابان اکباتان و سایر نقاط با شعار «ایرانی داد بزن، حق‌تو فریاد بزن» دست به تظاهرات زدند. در کرمانشاه جنگ و گریز در محله‌های مسکن و الهیه ادامه داشت. بنا به گزارشها در کرمانشاه، افراد حشدالشعبی عراق که با زبان عربی صحبت می‌کردند، در کنار پاسداران در سرکوب شرکت داشتند که نشاندهنده استیصال رژیم در مقابله با قیام سراسری مردم ایران است.

شامگاه چهارشنبه در جاده ورامین جوانان شورشگر با یک اکیپ نیروی انتظامی که روی مردم آتش گشوده بودند درگیر شدند که منجر به هلاکت ۲ مزدور شد؛ در این درگیری یک زن مجروح گردید. در اندیمشک جوانان در دفاع از تظاهرکنندگانی که توسط نیروی انتظامی به گلوله بسته شده بودند با سلاح به مقابله پرداختند و آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند.

در لردگان مردم خشمگین، فرمانداری رژیم را به آتش کشیدند و پاسدار «حسن فرامرزی» از فرماندهان سپاه به شدت زخمی شد. در خشک‌بیجار (گیلان) ۲ جوان با شلیک مزدوران جان باختند.

روز ۱۸ دی در فردیس کرج (محله سیاه‌نوش) نیروهای سرکوبگر با شلیک مستقیم به سوی مردم، جنایت هولناکی مرتکب شدند. در یک نمونه دست‌کم ۱۰ تن از جوانان به شهادت رسیده یا مجروح شدند. رژیم با قطع کامل ارتباطات سعی در پنهان کردن ابعاد کشتار داشت.

خامنه‌ای، خلیفه ارتجاع، در وحشت از گسترش قیام سراسری، همزمان با قطع اینترنت، صبح جمعه ۱۹ دی در یک موضع‌گیری هراس‌آلود، قیام‌کنندگان را «تخریب‌گر» نامید و تهدید کرد که رژیم در مقابل آنها «کوتاه نخواهد آمد». متعاقباً دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی رژیم با صدور بیانیه‌یی اعلام کرد نیروهای امنیتی و قضایی با معترضان «هیچ‌گونه مماشاتی نخواهند داشت».

علی صالحی استاندار جنایتکار تهران نیز گفت: «هر کسی بیاید توی این تجمعات شرکت کنه واقعاً در زمین دشمن حرکت کرده و در راستای اهداف دشمن بوده ما با این افراد با قاطعیت برخورد می‌کنیم. نیروهای نظامی انتظامی امنیتی ما هم در صحنه هستند این افرادی که دستگیر می‌شوند با قاطعیت و در سریع‌ترین زمان ممکن انشاءالله باهاشون برخورد می‌کنیم» (تلگرام صدا و سیمای رژیم، ۱۹ دی ۱۴۰۴).

روز جمعه ۱۹ دی، در زاهدان، زنان و مردان دلاور بلوچ با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» و «از زاهدان تا تهران جانم فدای ایران» به خیابان آمدند. نیروهای سرکوبگر با شلیک گاز اشک‌آور و گلوله ساچمه‌یی به مقابله برخاستند و تعدادی را مجروح کردند.

مکالمات بیسیمی نیروی انتظامی که توسط سازمان مجاهدین فاش شده، استیصال دشمن را در این ایام برملا می‌کند. بر اساس این مکالمات در جریان تهاجم مردم و جوانان شورشگر به صدا و سیمای رژیم در اصفهان، سرکردگان نیروی سرکوب با فریاد «نیرو نداریم» درخواست کمک می‌کردند. از مرکز به این سرکردگان تأکید می‌شد که حتماً با مردم برخورد شود. در روز چهارشنبه ۱۷ دی نیز در بروجرد فرمانده انتظامی به عوام‌لش دستور داد برای در امان ماندن از خشم مردم، تجهیزات را به پشت‌بام ببرند و مستقیماً به سمت مردم شلیک کنند. او گفت: «تعارف نکنید، بزنید».

روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴، در سیزدهمین روز قیام سراسری، شهرهای میهن صحنه تظاهرات و رویاروییهای گسترده میان مردم و جوانان شورشگر با نیروهای سرکوبگر بود. تا ساعت ۲۳ جمعه، در تهران و دهها شهر از جمله مشهد، اصفهان، شیراز، کرج، زاهدان،

کرمانشاه، ایذه، اسلام‌آبادغرب، گیلانغرب، دزفول، درود، بابل، رامسر، چابکسر، قم، پاکدشت، باقرشهر، لامرد، لردگان، یزد و کوهدشت تظاهرات و درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبگر جریان داشت. تا روز جمعه قیام مردم ایران دست کم ۱۸۰ شهر را در بر گرفته است. در اسلام‌آباد غرب، شهر تا ساعت ۱۴ تحت کنترل مردم بود. جوانان شورشگر فرمانداری و چند اداره حکومتی را که نیروهای سرکوبگر در آنها سنگر گرفته بودند تصرف کردند یا به آتش کشیدند و دوربینهای سطح شهر را از کار انداختند. در جریان جنگ و گریزهای شدید در این شهر، دست کم ۶ تن از نیروهای سرکوبگر به هلاکت رسیدند.

کرمانشاه، در شهرک «دره دریژ»، درگیریهای سنگین رخ داد و مردم با سلاح به حملات دشمن پاسخ دادند. در یکی از بیمارستانهای کرمانشاه، ۴۱ تن از شهروندان که در اثر شلیک مجروح شده بودند، بستری شدند. در گیلانغرب نیز چند ساختمان حکومتی و یک خودرو سپاه طعمه حریق شد و مرکز استان قادر به اعزام نیروی کمکی نبود.

در مشهد انبوه مردم به خیابانها آمدند و با نیروهای دشمن درگیر شدند. سرکوبگران در برخی از نقاط پا به فرار گذاشتند. در ایذه درگیریهای مسلحانه بسیار سنگین گزارش شده و صدای شلیک گلوله تمام شهر را فرا گرفته بود، کانون اصلی درگیری میدان هلال احمر بود و جوانان دلیر با عزم نبرد تا آخر، در برابر مزدوران ایستادند.

در تهران، جوانان شورشگر حداقل در ۲۰ نقطه شامل نظام‌آباد، میدان فردوسی، سعادت‌آباد، میرداماد، ولی‌عصر، اندرزگو، چیتگر، یوسف‌آباد، مشیریه، شریعتی، زعفرانیه، ستارخان، مطهری، راه‌آهن، اکباتان، سیدخندان، خاکسفید، صادقیه، جنت‌آباد و نارمک با مزدوران درگیر شدند. در ستارخان و تهرانسر مردم با روشن کردن آتش شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» سر دادند.

در پاکدشت هزاران نفر دست به تظاهرات زدند و به مقابله با مزدوران بسیجی که به مردم حمله کرده بودند پرداختند. ۳ تن از بسیجی‌ها توسط شورشگران گوشمالی داده شدند. در فردیس کرج، اصفهان و یزد نیز تجمعات گسترده با شعار «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر دیکتاتور» و «بسیجی سپاهی داعش ما شما را برقرار شد.

در همین روز و در حالی که مزدوران ضحاک خون‌آشام در تدارک به نمایش گذاشتن پیکرهای به قتل رسیده شهیدان قیام در کیسه‌های سیاه بودند، خامنه‌ای در «دیدار با مردم قم» به منبر روضه خوانی رفت تا بار دیگر برای مردم خط و نشان کشیده و مزدورانش را تهییج کند. او گفت: «همه بدانند جمهوری اسلامی با خون چند صد هزار انسان شریف روی کار آمده و در مقابل کسانی که تخریب کردند کوتاه نخواهد آمد». این سخنان در شرایطی بیان می‌شد که مزدوران نظام با چراغ خاموش مشغول کشتار بودند.

۷- پس از کشتار ددمنشانه روزهای پنجشنبه ۱۸ دی و جمعه ۱۹ دی، بچه شاه در روز ۲۰ دی بدون هرگونه همدردی با خانواده شهیدان و مردم ایران با بی‌اطلاعی و سخافت خطاب به مردم ایران پیام داد: «از همه شما می‌خواهم امروز و فردا، شنبه و یکشنبه (۲۰ و ۲۱ دی‌ماه)، این بار از ساعت ۶ بعدازظهر، با پرچم، تصاویر و نمادهای ملی به خیابانها بیاوید و فضاهای عمومی را از آن خود کنید. هدف ما دیگر، صرفاً آمدن به خیابان نیست؛ هدف، آمادگی برای تسخیر مراکز شهرها و حفظ آنهاست. از همین حالا برای ماندن در خیابان آماده شوید و تدارکات لازم را تهیه کنید. به جوانان گارد جاویدان ایران و همه نیروهای مسلح و امنیتی که به پلتفرم همکاری ملی پیوسته‌اند، می‌گویم: ماشین سرکوب را بیش از پیش، کند و مختل کنید تا در روز موعود، آن را کاملاً از کار بیندازیم».

دوشنبه ۲۲ دی نیز گفت: «خیابان را رها نکنید. قلبم با شماست. می‌دانم که به زودی در کنار شما خواهم بود. در داخل ایران، علاوه بر تسخیر و حفظ خیابانهای مرکزی شهرها، تمام نهادها و دستگاههایی که مسئول تبلیغات دروغین رژیم و قطع ارتباطات هستند، اهداف مشروع به حساب می‌آیند. ما تنها نیستیم. کمکهای جهانی نیز به زودی می‌رسد. منتظر پیامهای بعدی من باشید».

البته مردم ایران با تلسکوب نوری هم «جوانان گارد جاویدان» را ندیدند و کمکهای جهانی هم لابد به جیب خود او رفته است! رژیم در روز دوشنبه ۲۲ دی با هیاهوی بسیار و با اعلام قبلی یک ضدتظاهرات حکومتی راه انداخت و خامنه‌ای هم همان شب به صحنه آمد و تشکر کرد. اما باوجود بستن اینترنت و سانسور حکومتی همان شب شاهد پاسخهای آتشین در اصفهان و تهران و شهرهای دیگر بودیم.

در ۲۲ دی سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد آمار کل شهدای قیام در سراسر کشور از روز ۷ دی ماه تا ۲۱ دی بیش از ۳ هزار نفر است. این آمار بر اساس تحقیقات از منابع محلی، بیمارستانها، پزشکی قانونی و خانواده شهیدان و ناپدیدشده‌ها در ۱۹۵ شهر به دست آمده است. رژیم مجبور شده شماری از پیکرها را در تلویزیون حکومتی نشان بدهد اما به حساب مخالفان و تظاهرکنندگان گذاشت.

دبیرخانه شورا در اطلاعیه شماره ۴۱ خود درباره قیام سراسری، ضمن انتشار آمار بیش از ۳ هزار شهید قیام که برای نخستین بار توسط مجاهدین اعلام شد، اضافه کرد: خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران با تسلیت به عموم مردم ایران، به‌ویژه به بستگان، دوستان و هم‌زمان این شهیدان پرافتخار گفت این جنایت بزرگ علیه بشریت از سوی مردم و جوانان قیام‌آفرین بی‌پاسخ نخواهد ماند. آمران و عاملان این قتل‌عام بی‌رحمانه بدون تردید در ایران دموکراتیک فردا در برابر عدالت قرار خواهند گرفت.

خانم رجوی در همین روز (دوشنبه ۲۲ دی) در پیامی گفت: «پیکرهای پاک رزمندگان آزادی ایران، سردخانه‌ها و بیمارستانها را پر کرده است. توفان قیام آزادیخواهانه ایران ۱۶ روز است با هیولای سرکوب و خونریزی در نبرد است. خامنه‌ای، مستبد به بن‌بست رسیده، پاسداران، بسیجی‌ها، شکنجه‌گران و دادستانهای قضائیه خون‌ریز خود را به میدان آورده است. مردم ما عشق بی‌پایان خود برای آزادی، اراده خلل‌ناپذیر خود برای تغییر سرنوشت و نیروی عظیم فداکاری را به میدان آورده‌اند. کشتار وحشیانه روزهای اخیر و رقم هولناک ۳۰۰۰ شهید که امروز سازمان مجاهدین اعلام کرد، نه نشانه قدرت رژیم که نشانه درماندگی خامنه‌ای و سردمداران رژیم ولایت‌فقیه است. جنایت سبعانه‌یی که وجدان بشریت معاصر را جریحه‌دار می‌کند. پیکرهای پاک رزمندگان آزادی ایران که سردخانه‌ها و بیمارستانها را پر کرده است گویای عزم مردمی است که برای به زیر کشیدن استبداد دینی از تقدیم جانهای خود باکی ندارند.

هیچ قدرتی یارای ایستادگی در برابر مردمی که این‌چنین برای پرداخت بهای آزادی مصمم‌اند را ندارد.

خامنه‌ای و گله‌های جانپان مدافع او این بار در دریای خونی که از پیکر مردم ایران جاری کرده‌اند، غرق خواهند شد».

روز پنج‌شنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴، سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد: «آمار کل بازداشتی و دستگیریهایی قیام در سراسر کشور از روز ۷ دی‌ماه تا ۲۴ دی ۱۴۰۴ در مجموع بیش از ۵۰ هزار نفر است. بازداشت و دستگیریهایی غافلگیرانه با یورش به خانه‌ها و محله‌ها و محله‌های تعطیل شده کار هنوز ادامه دارد. این آمار بر اساس تحقیقات جزیی و مشخص از ۱۴۴ شهر و پرس و جو از ۷۶ شهر از طریق شاهدان عینی، خانواده‌ها، کارکنان محلی و هم‌چنین زندانیان به‌دست آمده است. گروههایی از بازداشت‌شدگان فله‌یی در صحنه، بعداً آزاد شده‌اند که آمار آنها معین نیست. واضح است که دستیابی به آمار دقیق و کامل فقط از طریق یک هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی امکانپذیر است که بتواند از همه زندانها و بازداشتگاههای دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران بازدید کند.

شایان یادآوری است که غلامحسین اژه‌ای سردرّخیم قضائیه خامنه‌ای در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ پس از دو سال و نیم اذعان کرد که در قیام ۱۴۰۱ «چیزی حدود ۹۰ هزار پرونده» تشکیل شده که «توی اینها دانش‌آموز بودند، دانشجو بودند، معلم بودند، زن بودند، مرد بودند ... از طبقات دیگر بودند، طبقات مختلف جامعه، کارگر و غیره و غیره».

روز ۲۷ دی خامنه‌ای با اعتراف به چند هزار قتل و این که عده زیادی دستگیر شدند گفت: «چند جمله راجع به این فتنه اخیر می‌خواهم عرض بکنم. یک فتنه‌یی واقع شد یک مقداری مردم را اذیت کرد، آزار داد، به کشور ضرر زد فتنه است دیگر، بعد هم به توفیق الهی به دست مردم این فتنه و به دست مسئولان و مأموران وقت‌شناس و کاربلد بحمدالله فتنه خاموش شد».

خامنه‌ای در حرفهایش تأکید کرد که «چند هزار نفر را اینها به قتل رساندند ... ملت همان‌طور که کمر فتنه را شکست کمر فتنه‌گر را هم باید بشکند».

چند روز بعد (اول بهمن) شورای امنیت رژیم در وزارت کشور کابینه پزشکیان، اعلام کرد که در اعتراضات روزهای هجدهم و نوزدهم دی، در مجموع از مردم و از رژیم روی هم رفته ۳۱۱۷ نفر کشته شدند.

۸- روز ۲۸ دی ۱۴۰۴ (۱۳ ژانویه ۲۰۲۶) ۳۷ تن از برندگان جایزه نوبل طی بیانیه مشترکی در حمایت از قیام سراسری مردم ایران و محکوم کردن سرکوب و کشتار خیابانی خامنه‌ای ضحاک اعلام کردند: «ما نسبت به به‌کارگیری سلاح کشنده و گشودن آتش بر روی تظاهرکنندگان عمیقاً نگرانیم. ما اظهارات ولی‌فقیه این رژیم و دیگر مقامات حکومتی که خواستار "برخورد" با تظاهرکنندگان شده‌اند

را قویاً محکوم می‌کنیم. با وجود چنین سرکوب وحشیانه و بی‌شرمانه‌یی رژیم نتوانسته از قیام مردم آزادیخواه و شجاع ایران ممانعت کند.

تظاهرکنندگان در ایران با فریاد آزادی هر گونه دیکتاتوری، چه سلطنتی و چه مذهبی، را رد کرده و خواهان جمهوری دموکراتیک، کثرت‌گرا و عاری از فساد هستند. ما برندگان جایزه نوبل از رهبران سایر کشورهای متمدن جهان می‌خواهیم با حمایت از قیام مردم ایران برای تغییر، از آزادی و عدالت اجتماعی حمایت کنند».

هم‌زمان، بیش از ۳۰۰ قانونگذار و شخصیت سیاسی از ۲۶ کشور در حمایت از قیام مردم ایران برای جمهوری دموکراتیک براساس جدایی دین از دولت اعلام کردند: «ما اعتراضات جاری در سراسر ایران را به‌دقت دنبال می‌کنیم. مردم با شعارهای فراگیری مانند «آزادی، آزادی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه‌ای» هر گونه دیکتاتوری چه شاه و چه آخوندها را رد می‌کنند و خواستار سرنگونی حکومت دینی و تأسیس جمهوری دموکراتیک و مبتنی بر جدایی دین و دولت هستند. تاکنون گزارش شده است که بیش از ۳ هزار نفر از معترضان توسط نیروهای سرکوبگر کشته شده‌اند، بسیاری دیگر زخمی و هزاران نفر بازداشت شده‌اند. در همین حال، رئیس قوه قضاییه ایران، ۵ و ۶ ژانویه ۲۰۲۶ دستور داد که «اقدام قاطع» و سریع علیه معترضان انجام شود که به‌طور گسترده به‌معنای بازداشتها و اعدامهای گسترده، تلقی می‌شود.

ما به شجاعت و اراده مردم ایران، به‌ویژه زنان و جوانان، که با وجود خطرات جدی، برای دموکراسی، حاکمیت قانون و آزادیهای بنیادین ایستاده‌اند، ادای احترام می‌کنیم. طرح ۱۰ ماده‌یی ارائه‌شده توسط مریم رجوی، که مورد حمایت ۴۰۰۰ نماینده پارلمان است، نقشه راهی برای ایجاد یک نظام دموکراتیک ارائه می‌دهد. ما سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم ایران را قویاً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری همه بازداشت‌شدگان هستیم و از اتحادیه اروپا و دولت‌های اروپایی می‌خواهیم با اقدامات قاطع علیه رژیم ایران از ادامه سرکوب معترضان جلوگیری کنند. ما هم‌چنین خواستار حمایت از آرمانهای مشروع مردم ایران برای آزادی و به‌رسمیت شناختن حق مشروع کانونهای شورشی هستیم که نقش پیشرو در اعتراضات، برای ایستادگی در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم دارند».

در باره پیدا شدن سر و کله بچه شاه در میانه قیام و فراخوانهای او برای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، مسئول شورا در پیام خود به تاریخ ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ خاطرنشان کرد: «در جمع‌بندی قیام ۴۰۱ گفتیم که یکی از مهم‌ترین محورها «نقش فوق‌العاده مخرب بچه شاه با بوق و کرنای بسیار» بود. شیخ از بازی بقایای شاه به غایت سود برده است. در قیام دی‌ماه ۴۰۴ هم که از روز ۷ دی شروع شده بود وقتی سر و کله بچه شاه پیدا شد و برای ۱۸ و ۱۹ دی فراخوان داد، خامنه‌ای فرصت بازگشت سلطنت دست‌نشانده ضدتاریخی را برای شلیک بی‌دنده و ترمز و پهن کردن آن کیسه‌های سیاه و پر خون قاپید و به نحوی غیرمعمول در روز ۱۹ دی به صحنه آمد و گفت «همه بدانند جمهوری اسلامی با خون چندصد هزار انسان شریف روی کار آمده، در مقابل کسانی که تخریب‌گرند جمهوری اسلامی کوتاه نخواهد آمد». تا ۱۷ دی، آمار اعلام شده شهیدان در همه منابع خبری بدون استثنا، دهها تن بیشتر نبود اما پس از آن خامنه‌ای با استناد به خونهایی که می‌گفت، شکاف میان باندهای مختلف رژیم را بست تا با دست باز بتواند «آتش به اختیار» کند. از آنسو از ۵۰ هزار نظامی و امنیتی رژیم که بچه شاه اعلام کرده بود به او پیوسته‌اند، خبری نشد و در صحنه، باز هم جوانان شورشگر و کانونهای شورشی بودند که می‌جنگیدند و البته درسهای ماندگار و فراموشی‌ناپذیر هم بر جای گذاشتند. هم‌چنین مجاهدین که در روز ۴ اسفند بی‌محبا در قلب تهران به بیت‌العنکبوت خامنه‌ای زدند و رژیم با تمام توان خود سعی کرد بر آن سرپوش بگذارد تا در قیامهای بعدی مردم و شورشگران به سوی این مکان و رأس نظام سمت و سو نگیرند».

فصل دوم

تمرین انقلاب در خیزشهای دیماه و برپایی ارتش قیام

در رزم شورشگران برای آزادی و جمهوری دموکراتیک

۹- در بیانیه سال گذشته ضمن نقل پیامی از رئیس جمهور برگزیده شورا به تظاهرات روز جهانی زن در مقابل کنگره آمریکا در ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ نوشتیم: «برای ورق زدن صفحه تاریک تاریخ ایران باید از کانون‌های شورشی و زنان پیشتاز در این کانون‌ها حمایت شود. آنها اجزای ارتش آزادی و نیروی اصلی تغییر و رزمندگان آزادی ایران هستند. این مقاومت و قیام سازمان یافته، پاسخ کارساز در برابر رژیم است که با قهر سازمان یافته و با سپاه جنایتکار پاسداران در جنگ دائمی با مردم است. حرف ما همان است که در اعلامیه استقلال آمریکا نوشته‌اند: «هنگامی که دولت از شهروندان رو برمی گرداند و نابودی آنها را پیشه می کند، حق مسلم شهروندان دگرگونی و برانداختن حکومت است». این، حق مسلم مردم ایران است. آری، به رسمیت شناختن مبارزه مردم و جوانان شورشگر با سپاه پاسداران برای سرنگونی این رژیم، لازمه صلح و آرامش و امنیت در منطقه و جهان است».

مبارزه مردم و جوانان شورشگر در ۶۳۰ عملیات تهاجمی و درگیری کانونهای شورشی با سپاه پاسداران در کف خیابان شهرهای سراسر ایران خود را نشان داد. سپاه پاسداران در بیانیه‌ی که در ۵ مرداد ۱۴۰۵ به مناسبت سالگرد عملیات فروغ جاویدان صادر کرد، در اذعان به همین واقعیت به زبان شیادانه آخوندی و تروریست خواندن و نسبت دادن مجاهدین به «نظام سلطه»، می نویسد: «تاریخ انقلاب اسلامی نشان می دهد گروهک تروریستی منافقین همواره تحت حمایت نظام سلطه در فتنه های کور سال های اخیر از جمله کودتای نافرجام ۱۸ و ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴ نقش موثر و پر رنگی داشته است».

در ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ مسئول شورا اعلام کرد: «کانون های شورشی جنگنده در قیام دیمه، بیش از ۲ هزار نفر مفقود و ناپدید دارند که معلوم نیست چه تعداد دستگیر و چه تعداد شهید شده اند. اسامی و مشخصات همه آنها و همچنین عکسها و پیام های صوتی یا تصویری شماری از آنها موجود است ولی تا امروز یعنی بعد از ۲ ماه برغم همه تلاش ها، خبری از آنها در دست نیست».

آنچه در پایان مرداد ۱۴۰۵ در این خصوص مشخص شده به قرار زیر است:

- دستگیرشدگان قطعی ۷۱۰ نفر که اسامی و مشخصات همه آنها به سازمان ملل و سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر داده شده است.

- افراد آزاد شده یا پیدا شده ۳۵۱ نفر

- آمار فوت به دلیل بیماری نیز ۱۶ نفر است

- بنابراین ۱۰۷۷ نفر تعیین تکلیف شده اند اما از حدود ۱۰۰۰ مفقود و ناپدید شده تا پایان مرداد کماکان اطلاعی در دست نیست.

۱۰- در اینجا به گواهی شاهدان عینی و فیلمها و تصاویر موجود، به شمه ای از وقایع قیام دیمه برای ثبت در سینه تاریخ و اطلاع نسلهای آینده می پردازیم.

هم چنان که در فصل اول بیانیه حاضر گفته شد، قیامهای دیمه که روز ۷ دی در بازار تهران شروع شد، در روزهای هشتم و نهم دی شاهد گسترش به دیگر شهرها و پیوستن دانشجویان دانشگاهها بود و در چهارمین روز (چهارشنبه ۱۰ دی)، درگیری بین تظاهر کنندگان و نیروهای سرکوبگر رژیم در شهرهای مختلف از جمله کرمانشاه، کرج، فولادشهر، خرم آباد و قزوین بالا گرفت.

- در همین روز در فسا جوانان شورشگر به فرمانداری رژیم تهاجم کردند که به درگیری شدیدی با مزدوران سرکوبگر منجر شد.

- روز پنجشنبه ۱۱ دی، شهرهای اراک، همدان، مرودشت، لردگان، کوهدشت، جوققان، دورود، گوهردشت، بابل،

دره شهر، رامهرمز، سبزوار، لالی، مشهد، شاهین شه، بندرعباس، قم، سمیرم، گچساران، فارسان و... شاهد درگیری و آتش زدن مراکز سرکوب و جنگ و گریز جوانان با مزدوران بودند.

- روز جمعه ۱۲ دی در کوهدشت شورشگران به طرف سرهنگ جنایتکار نیروی انتظامی عباس عمرائی شلیک کردند و جواب آتش را با آتش دادند. سرهنگ مزبور معترضان را در قیام ها و اعتراضات مورد ضرب و شتم و هدف گلوله های ساچمه ای قرار داده بود.

- روز بعد (شنبه) خلع سلاح ۵ تن از نیروی انتظامی توسط شورشگران در اصفهان پس از حمله وحوش به تظاهرات و ضرب و شتم مردم بیگناه و شلیک به جوانان شورشگر در ساعت ۲۱ شنبه ۱۳ دی پس از دو ساعت درگیری شدید و جنگ تن به تن در سی و سه پل و تسلیم وحوش

-حمله شورشگران به کلانتری انتظامی در ازنا در ساعت ۲۱۳۰ شنبه ۱۳ دی

-به آتش کشیدن ۲ خودروی یکان ویژه انتظامی با شعار مرگ بر خامنه ای در ازنا در ساعت ۲۳۳۰ شنبه ۱۳ دی توسط شورشگران
-درگیری های آتشین و خونین بین وحوش یکانهای ویژه وحوش انتظامی با شورشگران در روز شنبه ۱۳ دی-اسلامشهر تهران ساعت
۱۷، چالوس ساعت ۲۲ و گوهر دشت ساعت ۲۳

-تهاجم شورشگران به در ورودی فرمانداری سرکوبگر رژیم در نیریز فارس در شنبه شب ۱۳ دی، به آتش کشیدن خودروی وحوش
انتظامی، به آتش کشیدن پایگاه بسیج سپاه پاسداران و از بین بردن بنر جلاد قاسم سلیمانی توسط شورشگران
- درگیری و جنگ و گریز خیابانی شورشگران در الیگودرز با مزدوران بسیجی و لباس شخصی رژیم و فراری دادن سرکوبگران با پرتاب
کوکتل در شنبه ۱۳ دی

- درگیری شورشگران با وحوش انتظامی و مقابله با آنها با پرتاب سنگ در نازی آباد در تهران یکشنبه شب ۱۴ دی
- هدف قراردادن پایگاه بسیج سپاه پاسداران در سپیدار با پرتاب کوکتل در اهواز یکشنبه شب ۱۴ دی
-تهاجم شورشگران و هدف قراردادن فرمانداری جنایتکار رژیم با پرتاب کوکتل در آبادان یکشنبه ۱۴ دی
- بر افروختن آتش در فلکه سوم فردیس کرج توسط شورشگران برای مقابله با گاز اشک آور در یکشنبه ۱۴ دی
-بستن راه نیرو رسانی مزدوران در خیابان با آتش در چهار راه زندان شیراز توسط شورشگران در یکشنبه ۱۴ دی
-بستن راه نیرو رسانی مزدوران در خیابان با آتش در بلوار نصر شیراز توسط شورشگران با شعار فقر، فساد، گرونی میریم تا سرنگونی
در یکشنبه ۱۴ دی

-بستن راه نیرو رسانی مزدوران در تهرانپارس توسط شورشگران با آتش و شعارهای مرگ بر خامنه ای در یکشنبه شب ۱۴ دی
-به آتش کشیدن بنر جلاد سلیمانی توسط شورشگران در مشهد در یکشنبه ۱۴ دی
- به آتش کشیدن خودروی نیروی مهاجم انتظامی در لردگان توسط شورشگران با شعار مرگ بر خامنه ای در یکشنبه شب ۱۴ دی
- خلع سلاح مأمور سرکوبگر نیروی انتظامی توسط شورشگران پس از تعرض او به تجمع مردم همدان در یکشنبه ۱۴ دی در ساعت
۱۶۳۰

-خیز برداشتن و تهاجم یک شورشگر دلاور به مأمور سرکوبگر انتظامی و بیرون کشیدن شوکر از چنگ او که با آن شوکر به مردم حمله
میکرد در ساعت ۲۱ یکشنبه شب در نازی آباد در تهران

- پرتاب نارنجک توسط شورشگران به وحوش انتظامی حین حمله به مردم در چهار راه زند در شیراز در ساعت ۲۱ یکشنبه شب
- پرتاب کوکتل و سنگ و تهاجم دستجمعی برای مقابله با وحوش انتظامی خامنه ای در پارامونت در شیراز توسط شورشگران در
ساعت ۲۱ یکشنبه شب

- مقابله شورشگران با وحوش با شعله افکن در معالی آباد شیراز در ساعت ۲۱ یکشنبه شب
- شورشگران به آتش کشیدن خانه تاجیک سرکرده حوزه بسیج سپاه پاسداران توسط شورشگران در ورامین در ساعت ۱۸ یکشنبه
-حمله دلاورانه شورشگران به وحوش انتظامی و آزاد کردن دستگیر شدگان در خیابان ناصر خسرو در مشهد در ساعت ۱۹ یکشنبه
۱۴ دی که در این حمله شماری از مأموران انتظامی خامنه ای زخمی شدند

-بستن خیابانها به روی قوای دشمن با آتش توسط شورشگران در فاصله ساعت ۲۱ تا ۲۳ یکشنبه شب ۱۴ دی
در تهران در خیابان ولیعصر و قلعه حسن خان، در فردیس کرج، در رادمان کرج، در احمدآباد مشهد، در کازرون، در گچساران و در
ایلام.

۱۱-نمونه هایی از رزم شورشگران در ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ دی ۱۴۰۴

● ۱۵ دی

-اصفهان دوشنبه شب ۱۵ دی : بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش و پرتاب نارنجک دستی در جوق آباد

-مسجد سلیمان دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش در خیابان
-سقر دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش زدن لاستیک
-تهران دوشنبه شب ۱۵ دی: درگیری دلاورانه با یکان ویژه انتظامی در خیابان ظهیرالاسلام
-مشهد دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش با شعار مرگ برستمگر چه شاه باشه چه رهبر در خیابان غیور
-تهران دوشنبه شب ۱۵ دی: جنگ و گریز و درگیری با نیروهای سرکوبگر با پرتاب نارنجکهای دستی در هفت حوض
-تهران دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش زدن سطلهای زباله، با شعار آزادی آزادی آزادی در هفت حوض
-تبریز دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با پرتاب کوکتل و آتش زدن سطلهای زباله با شعار ایرانی باشرفدی شاه و
شیخ بی شرفدی

-مشهد دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن در چندین خیابان با آتش
-اهواز دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن در خیابان ساحلی با آتش زدن لاستیک
-اردبیل دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش در خیابان با شعار آذربایجان شرفدی پهلوی بی شرفدی
-تهران دوشنبه شب ۱۵ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن در مشیریه با آتش با شعار مرگ بر دیکتاتور
-مشهد دوشنبه شب ۱۵ دی: تهاجم با پرتاب پی در پی کوکتل به پایگاه بسیج موسوم به اقدسیه محل تجمع بسیجیان و جاسوسان
-مشهد دوشنبه شب ۱۵ دی: گوشمالی دادن یک بسیجی مزدور که مردم را میزد
-یافت آباد تهران، شهرک ولیعصر دوشنبه شب ۱۵ دی: به آتش کشیدن ۲ موتور نیروهای سرکوبگر انتظامی
-یزد منطقه مرادآباد دوشنبه شب ۱۵ دی: تهاجم به پایگاه بسیج سپاه پاسداران با پرتاب کوکتل
-قزوین دوشنبه شب ۱۵ دی: تهاجم به کمیته امداد خمینی در کمربندی باختر و پایگاه بسیج با پرتاب کوکتل

● ۱۶ دی

-ایلام سه شنبه شب ۱۶ دی: تهاجم به ون یکان ویژه، آزاد کردن دلاورانه دستگیر شدگان و به آتش کشیدن ون
-ایلام سه شنبه شب ۱۶ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن در چند خیابان با برافروختن آتش و شعار مرگ بر دیکتاتور
-نیشابور سه شنبه شب ۱۶ دی: جنگ و گریز و درگیری در قاسم آباد فلاحی با نیروهای سرکوبگر با پرتاب کوکتل
-تهران سه شنبه شب ۱۶ دی: تهاجم جمعی در بهارستان به مأموران حکومتی با پرتاب کوکتل
-یزدان شهر اصفهان سه شنبه شب ۱۶ دی: مقابله جمعی با مأموران سرکوبگر با سلاح سرد و با شعار تا آخوند کفن نشود، این وطن
وطن نشود

-یزدان شهر اصفهان سه شنبه شب ۱۶ دی: بستن ورودی شهر برای ممانعت از ورود نیروهای سرکوبگر
-نیریز سه شنبه شب ۱۶ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن در خیابان با آتش
-طوس مشهد سه شنبه شب ۱۶ دی: حمله دلاورانه به اتوبوس یکان ویژه، بیرون کشیدن وحوش از اتوبوس، خلع سلاح و بستن دست
های مزدوران. قهرمانان شورشگر در این تهاجم ۱۱ کلاشینکف و ۴ کلت از نفرات یکان ویژه در اتوبوس مصادره کردند
-مشهد سه شنبه شب ۱۶ دی: تهاجم به پاسگاه سرکوبگر انتظامی در خیابان سلمان فارسی و خلع سلاح مزدوران. شورشگران در این
تهاجم ۱۲ باتون و ۷ شوکر برقی و سلاح کلت وحوش را از آنها گرفتند
-تهران سه شنبه شب ۱۶ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش زدن سطلهای زباله در خیابان هلال احمر روبه روی مترو با شعار مرگ
بر دیکتاتور

-یزدانشهر اصفهان سه شنبه شب ۱۶ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش و درگیری با نیروهای سرکوبگر
-مشهد سه شنبه شب ۱۶ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش توسط شورشگران در صد متری فرودگاه
-ملکشاهی ایلام سه شنبه شب ۱۶ دی: تهاجم به مقر مزدوران سپاه. پاسداران مقر را تخلیه کردند و پا به فرار گذاشتند. حداقل ۷ تن
از وحوش جنایتکار در میدان شهر گوشمالی داده شدند

-ملکشاهی سه شنبه ۱۶دی: به دست گرفتن کنترل قسمتهایی از شهر و بستن جاده ورودی شهر به نحوی که رژیم مجبور شد برای انتقال مزدوران زخمی سپاه از جاده مهران استفاده کند

● ۱۷ دی

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی : درگیری دلاورانه با بیا بیا گفتن به مأموران روحیه باخته انتظامی و جنگ و گریز با مزدوران یکان ویژه در نقاط مختلف شهر

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی: تصرف و تخریب و به آتش کشیدن وسایل نقلیه و موتوری نیروی سرکوبگر انتظامی

-تهران چهارشنبه شب ۱۷ دی: تهاجم به وحوش یکان ویژه با پرتاب کوکتل و سنگ و گریختن آنان در زیباشهر

-شیراز چهارشنبه ۱۷دی: عقب‌نشینی و فرار یکان ویژه انتظامی در برابر تهاجم شورشگران در بنی هاشم

-ایلام چهارشنبه شب ۱۷ دی: به زیرکشیدن عکس خامنه‌ای در سرابله

-الیگودرز چهارشنبه شب ۱۷ دی: درگیری و جنگ و گریز شورشگران با وحوش انتظامی در میدان محمود

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی : انهدام اتوبوس ایادی سرکوب در پل فجر

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی: به آتش کشیدن برق‌آسای کانکس نیروی سوکوبگر انتظامی در پل فجر

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی: به آتش کشیدن تجهیزات نیروهای سرکوبگر انتظامی در طبرسی

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی: تهاجم جسورانه به یکان ویژه با سنگ و سلاح سرد و عقب‌نشینی ذلیلانه آنان

-نیشابور چهارشنبه شب ۱۷ دی: درگیری و جنگ و گریز با یکان ویژه و فراری دادن آنها

-فلاورجان چهارشنبه شب ۱۷دی: بستن میدان اصلی شهر با آتش برای جلوگیری از تحرک نیروهای دشمن

-بروجن چهارشنبه شب ۱۷دی: جنگ و گریز محله به محله و درگیریهای شدید بین شورشگران و وحوش حکومتی بطوریکه از هر سو صدای تیراندازی به گوش میرسید

- فارس چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری و جنگ و گریز با یکان ویژه با شلیک و رگبارهای متقابل در قائمیه

-فلاورجان چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری در میدان انقلاب و به آتش کشیدن حوزه جهل و جنایت

-شیروان چهارشنبه ۱۷ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه و مصادره تجهیزات و فراری دادن آنها

-آستارا چهارشنبه شب ۱۷ دی: تهاجم دلاورانه و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و فراری دادن مزدوران

-کازرون چهارشنبه شب ۱۷ دی: درگیری و جنگ تن به تن با وحوش انتظامی در سطح شهر

-تهران چهارشنبه شب ۱۷دی: به آتش کشیدن چند بانک غارتگر حکومتی در شهر قدس

- فارس چهارشنبه شب ۱۷ دی : به زیرکشیدن مجسمه جلاد قاسم سلیمانی در قائمیه

-قزوین چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری و مقابله با وحوش یکان ویژه و به آتش کشیدن موتور آنها

-لردگان چهارشنبه ۱۷دی: درگیری با وحوش سرکوبگر و گرفتن کلاشینکف برخی از آنها

-سردشت چهارشنبه شب ۱۷دی: تسخیر کلانتری سرکوبگر

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری مسلحانه با وحوش یکان ویژه و جنگ و گریز در مناطق اطراف در خیابان سیدی

-نیشابور چهارشنبه شب ۱۷ دی: حمله دلاورانه به کیوسک وحوش انتظامی و به آتش کشیدن آن

-آبادان چهارشنبه شب ۱۷ دی: به آتش کشیدن موتور مأموران سرکوبگر

-یزدانشهر اصفهان چهارشنبه شب ۱۷ دی: درگیری شدید با وحوش یکان ویژه و هلاکت ۵ تن از آنها

-قزوین چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری با مأموران یکان ویژه و هلاکت یک مزدور در حال شلیک به مردم

-گناباد چهارشنبه شب ۱۷دی: هدف قرار گرفتن و زخمی شدن یک مزدور انتظامی پس از ضرب و شتم مردم بیگناه

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷ دی: به آتش کشیدن بانک غارتگر و شهرداری حکومتی در خیابان طوسی شمالی

-تهران چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری با وحوش انتظامی با تیراندازی های متقابل در هفت حوض. تفنگ ساچمه‌ای مزدور بر زمین افتاده که با آن به مردم بیگانه شلیک میکرد از او گرفته شد

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: به آتش کشیدن دو بانک غارتگر حکومتی

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: هلاکت یک پاسدار تیرانداز در محله ساختمان

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: به آتش کشیدن فروشگاه ویژه سپاه پاسداران

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: به آتش کشیدن پایگاه سپاه موسوم به مالک اشتر درخیام شمالی

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری در کوی امیر، به آتش کشیدن موتور وحوش و گوشمالی دادن لومپنهای یکان ویژه انتظامی

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: به آتش کشیدن کانکس نیروی انتظامی و فرار مزدوران

-بروجرد چهارشنبه شب ۱۷دی: تهاجم به مقر فرماندهی خونخوار انتظامی با کمک مردم.سرکرده انتظامی بروجرد با وحشت بسیار

دستور شلیک داد و گفت تجهیزات را به بالای پشت بام ببرند تا از دسترس شورشگران در امان بماند.سرکرده انتظامی دستور داد «

میدان گلها رو پاکسازی کنن با احتیاط ، بعد بزنی ،آقایون دیگه تعارفی نکنن، بزنی».

نوار مکالمات بی سیمی و صدای سرکرده انتظامی در اختیار شورشگران است.

-گناباد چهارشنبه ۱۷دی: تهاجم به حوزه جهل و جنایت و تخریب محل تجمع و استقرار مزدوران بسیج و انتظامی

-شوشتر چهارشنبه ۱۷دی: به آتش کشیدن نماد جلاد قاسم سلیمانی با شعار مرگ برخامنه‌ای

-کازرون چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیری شدید با وحوش ولایت برای به دست گرفتن کنترل چنارشاهیجان

-گیلانغرب چهارشنبه ۱۷دی: تظاهرات مردم و جوانان با شعار مرگ بر دیکتاتور

-فسا چهارشنبه ۱۷دی: تظاهرات با شعار خامنه‌ای قاتله حکومتش باطله

-قزوین چهارشنبه ۱۷دی: مقابله و پس راندن آتشین یکان موتورسواران سیاهپوش دشمن که برای شلیک آمده بودند و وادار کردن

آنان به عقب نشینی و فرار

-آبادان چهارشنبه ۱۷دی: تهاجم به وحوش یکان ویژه و فراری دادن آنها با کمک مردم

-آبادان چهارشنبه ۱۷دی: پرتاب سنگ و جنگ و گریز و درگیری با وحوش و به آتش کشیدن موتور مزدوران درخیابان لاین یک

-شیراز چهارشنبه ۱۷دی: درگیری با وحوش یکان ویژه انتظامی و جنگ و گریز با پرتاب سنگ در خیابان باهنر

-شیراز چهارشنبه ۱۷دی:مسدود کردن جاده بوشهر تا چهار راه باهنر با آتش و ممانعت از نیرو رسانی دشمن

-رشت چهارشنبه ۱۷دی: تظاهرات با شعار امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه

-تهران جاده ورامین چهارشنبه ۱۷دی: تیراندازی وحوش انتظامی به سوی مردم طبق دستورات رادان سردرخیم فراجا و هلاکت دو

مزدور در تیراندازی متقابل

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیریهای سنگین در احمدآباد با وحوش حکومتی. تمام نمادهای حکومتی به آتش کشیده شد

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: درگیریهای سنگین با وحوش سپاه و انتظامی و اطلاعات در مناطق ۷ تیر، راهنمایی، فلسطین، بازار

موبایل، طباطبایی، نوده، رجایی، طبرسی، صیاد، وکیل آباد

-لردگان چهارشنبه ۱۷دی: هلاکت سرهنگ جنایتکار بامیری در درگیری‌ها.در جریان درگیری هشت تن از قهرمانان شورشگر به

شهادت رسیدند

-لردگان چهارشنبه ۱۷دی: هلاکت دو بسیجی جنایتکار در درگیری

-لردگان چهارشنبه ۱۷دی: بستن جاده اهواز با آتش برای جلوگیری از نیرو رسانی دشمن همراه با زدوخورد شدید با وحوش یکان

ویژه

-مشهد چهارشنبه شب ۱۷دی: تهاجم و تصرف محله ساختمان با کمک مردم. مزدوران انتظامی و سپاه و اطلاعات پا به فرار گذاشتند.

شورشگران چند تن از مزدوران را دستگیر کردند و گوشمالی دادند

-لردگان چهارشنبه شب ۱۷دی: تهاجم به فرمانداری رژیم و به آتش کشیدن آن.درگیری ها تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت. در پاسخ به تیراندازی های دشمن، تعدادی از مزدوران به جزای خود رسیدند

-قزوین چهارشنبه ۱۷دی: تظاهرات پرشور مردم با جلوداری شورشگران و شعارهای مرگ بر دیکتاتور در راسته بازار

-بجنورد چهارشنبه ۱۷دی: تظاهرات پرشور مردم با جلوداری شورشگران با شعار امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه

-ملکشاهی چهارشنبه ۱۷دی: جنگ و گریز دلاورانه و کنترل برخی مناطق شهر. خیابانهای شهر پر از آتش و درگیری با وحوش سپاه و انتظامی بود

-ملک شهر اصفهان چهارشنبه ۱۷دی: درگیری شورشگران با وحوش یکان ویژه و بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش در خیابان مفتح

-بندرعباس چهارشنبه ۱۷دی: تجمع و تظاهرات در پاساژ نگین با شعارهای مرگ بر دیکتاتور

-مشهد چهارشنبه ۱۷دی: تهاجم به بسیجی مهاجم و به آتش کشیدن موتور وی

-شیراز چهارشنبه ۱۷دی : جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه انتظامی و بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش در بلوار امیرکبیر، خیابان باهنر و خیابان نادر دانشگاه آزاد

-کرمانشاه چهارشنبه ۱۷دی: گوشمالی دادن یک بسیجی مزدور توسط دانشجویان

-تهران چهارشنبه ۱۷دی: جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر در بازار صالح آباد

-تهران چهارشنبه ۱۷دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن به بازار میل یافت آباد با آتش

-تهران چهارشنبه ۱۷دی: بستن راه نیروهای دشمن با آتش در خیابان هلال احمر با شعارهای مرگ بر خامنه‌ای. شورشگران راه نیرو رسانی دشمن را با برافروختن آتش بستند و با حمله به خودرو یکان ویژه دستگیر شدگان را آزاد کردند

۱۲- نمونه‌هایی از رزم شورشگران در ۱۸ دی ۱۴۰۴

-تهران پنجشنبه ۱۸ دی : منطقه نازی آباد تهران روز ۱۸دی به صحنه نبردی تمام عیار میان جوانان شورشگر و ماشین سرکوب رژیم تبدیل شد. شورشگران با تهاجمی گسترده، ناوگان موتوری و خودرویی یکان ویژه را به آتش کشیده و با کنترل خیابان‌ها، نیروهای دشمن را زمین گیر کردند.

- تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر انتظامی در ستارخان با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر

-تهران پنجشنبه ۱۸دی : جنگ و گریز در هفت حوض با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر

-تهران پنجشنبه ۱۸دی : تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر

-تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: تهاجم و به آتش کشیدن اداره غارتگر امور مالیاتی در شرق تهران

-تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: به آتش کشیدن کانکس نیروی انتظامی در سعادت آباد

-تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: به آتش کشیدن خودروهای سمند نیروی انتظامی در بلوار فردوس

-تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: درگیری و نبرد با وحوش انتظامی و به آتش کشیدن خودروی آنها در متروی سرسبز

-تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: به آتش کشیدن ۶ خودروی وحوش نیروی ویژه در ستارخان

-تهران پنجشنبه شب ۱۸دی: به آتش کشیدن خودروهای بسیجیان در ستارخان

- تهران پنجشنبه شب ۱۸ دی : تظاهرات مردم و جوانان با شعار: مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر در صادقیه

-تهران پنجشنبه شب ۱۸ دی : تظاهرات با شعارهای مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، مرگ بر دیکتاتور در کوکاکولا

-ملارد پنجشنبه ۱۸دی: هلاکت سرهنگ جنایتکار شاهین دهقان

-مشهد پنجشنبه ۱۸ دی : درگیری‌های خونین با وحوش انتظامی و بسیج در پاسگاه کاظم آباد

-بهارستان اصفهان پنجشنبه ۱۸ دی: فراری دادن بسیجی‌ها و مأموران هراسان انتظامی با پرتاب پی‌درپی کوکتل

-خرم‌آباد پنجشنبه ۱۸ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در خیابان علوی

- ایذه پنجشنبه ۱۸ دی: جنگ و گریز و مقابله با وحوش سرکوبگر انتظامی و بسیج
- تبریز پنجشنبه ۱۸ دی: درگیری بین شورشگران و وحوش یکان ویژه در چهار راه شهناز
- کرمانشاه پنجشنبه ۱۸ دی: درگیری‌های گسترده و آتشین با وحوش انتظامی در دولت‌آباد، رودکی، دیزل آباد و شهرک امام ملعون
- گیلانغرب پنجشنبه ۱۸ دی: تهاجم با نارنجک‌های دست‌ساز به بانک حکومتی تجارت
- سرآسیاب ملارد پنجشنبه ۱۸ دی: به آتش کشیدن موتور انتظامی و متواری کردن مزدوران
- کرمانشاه پنجشنبه ۱۸ دی: هلاکت حداقل ۱۰ مزدور یکان ویژه انتظامی در نبرد آتشین در پاسخ به شلیک مزدوران به جوانان معترض که علیه خامنه‌ای شعار می‌دادند در شهرک مهدیه
- بیجار پنجشنبه ۱۸ دی: به آتش کشیدن فرمانداری سرکوبگر حکومتی
- رشت پنجشنبه ۱۸ دی: تسخیر میدان مطهری و میدان شهرداری
- ایلام پنجشنبه ۱۸ دی: تصرف بانک غارتگر کشاورزی در لومار
- تاکستان پنجشنبه ۱۸ دی: به آتش کشیدن ساختمان کمیته امداد خمینی از مراکز اصلی غارت و دجالگری
- مشهد پنجشنبه ۱۸ دی: تظاهرات زنان شورشگر در مقابل وحوش انتظامی در الهیه با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر
- شیراز پنجشنبه ۱۸ دی: بستن خیابانها با آتش برای ممانعت از نیرو رسانی دشمن در شهرک سجادیه
- بابل پنجشنبه شب ۱۸ دی: تهاجم به کلانتری سرکوبگر ۲ و ۱۴ و خلع سلاح مزدوران در خیابان سلمان فارسی که در آن ۱۰ سلاح و تعدادی تجهیزات وحوش مصادره شد
- کرمانشاه پنجشنبه شب ۱۸ دی: هلاکت حداقل ۱۰ تن از وحوش حکومتی در شهرک پردیس
- گوهردشت کرج پنجشنبه شب ۱۸ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه
- گرگان پنجشنبه شب ۱۸ دی: به آتش کشیدن کانکس و خودرو و موتورهای نیروی انتظامی
- همدان پنجشنبه شب ۱۸ دی: درگیری و جنگ و گریز با کوکتل و سلاح سرد با وحوش یکان ویژه
- اسفراین پنجشنبه شب ۱۸ دی: هلاکت دادستان جنایتکار اسفراین
- داراب فارس پنجشنبه شب ۱۸ دی: تهاجم به محل تجمع جنایتکاران سپاه و تسخیر آن
- تهرانسر پنجشنبه شب ۱۸ دی: به آتش کشیدن ۶ موتور وحوش انتظامی
- تبریز پنجشنبه شب ۱۸ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش در آبرسان
- شیراز پنجشنبه شب ۱۸ دی: انهدام و به آتش کشیدن تجهیزات وحوش انتظامی
- مشهد پنجشنبه شب ۱۸ دی: به آتش کشیدن دو اتوبوس یکان ویژه انتظامی
- لنگرود پنجشنبه شب ۱۸ دی: تهاجم به فرمانداری حکومتی و به آتش کشیدن آن
- آستانه اشرفیه پنجشنبه شب ۱۸ دی: آتش زدن خودروی نیروی سرکوبگر انتظامی
- فولادشهر پنجشنبه شب ۱۸ دی: به دست گرفتن کنترل قسمتهایی از شهر
- یزدانشهر اصفهان پنجشنبه شب ۱۸ دی: بستن خیابانها با آتش و به دست گرفتن کنترل قسمتی از شهر با کمک مردم و جوانان محله‌ها
- بهارستان اصفهان پنجشنبه شب ۱۸ دی: درگیری و جنگ و گریز با مزدوران یکان ویژه در چهار راه ایثار و فلکه ولیعصر
- شیراز پنجشنبه شب ۱۸ دی: بستن مسیر نیرو رسانی دشمن با آتش. درگیری و جنگ و گریز با وحوش انتظامی در بنی هاشمی
- اندیمشک پنجشنبه ۱۸ دی: بستن خیابانها با آتش برای ممانعت از نیرو رسانی دشمن و انهدام دوربین‌های مدار بسته
- داراب فارس پنجشنبه شب ۱۸ دی: تهاجم به وحوش انتظامی و به آتش کشیدن موتورهای آنها
- تربت جام پنجشنبه شب ۱۸ دی: بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش
- کرج پنجشنبه شب ۱۸ دی: به آتش کشیدن تابلوها و نمادهای حکومتی در چند خیابان در مرکز شهر

- مشهد پنجشنبه شب ۱۸ دی : به آتش کشیدن موتور وحوش یکان ویژه در خیابان سیدی
 - نجف آباد اصفهان پنجشنبه شب ۱۸ دی: تهاجم با پرتاب کوکتل به تجمع وحوش یکان ویژه و پراکنده کردن آنها
 - اندیمشک پنجشنبه شب ۱۸ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه در فلکه جوان
 - فردیس کرج- پنجشنبه شب ۱۸ دی- جنگ و گریز و درگیری با نیروهای سرکوبگر یکان ویژه
 - سندرچ پنجشنبه شب ۱۸ دی : تظاهرات با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ برستمگر چه شاه باشه چه رهبر»، «ایران را پس می گیریم، حتی اگر بمیریم».
 - ارومیه پنجشنبه شب ۱۸ دی : تظاهرات مردمی با جلوداری جوانان شورشگر و شعارهای آذربایجان شرفدی پهلوی بی شرفدی
 - کرمانشاه پنجشنبه شب ۱۸ دی : تظاهرات مردم با شعارهای مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، مرگ بر دیکتاتور

۱۳- نمونه هایی از رزم شورشگران در ۱۹ دی ۱۴۰۴

- تهران تهرانپارس جمعه شب ۱۹ دی: درگیری و تهاجم با وحوش یکان ویژه و فراری دادن آنها
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی : بدست گرفتن کنترل محله مشیریه
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: بستن راه نیروورسانی دشمن با آتش و نبرد با وحوش انتظامی در خیابان شریعتی
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: حضور گسترده مردم و شورشگران با شعار امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه در اشرفی اصفهانی
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن کانکس نیروی انتظامی در صادقیه
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: حضور گسترده مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور و جلوداری شورشگران در خیابان اندرزگو
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش سپاه و یکان ویژه در پرند
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن پایگاه های وحوش بسیجی و عقب نشینی آنها در خاک سفید
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی : بستن راه نیرو رسانی دشمن با آتش در چهار راه ولیعصر
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: تهاجم و به آتش کشیدن شهرداری غارتگر حکومتی در منطقه ۱۵
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: تظاهرات گسترده مردم و شورشگران در یوسف آباد با شعار تا آخوند کفن نشود، این وطن، وطن نشود
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی : به آتش کشیدن حوزه جهل و جنایت خیابان زاهدی در خاک سفید
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی : انهدام و به آتش کشیدن دوربین های مداربسته در پاکدشت
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در بلوار جنوبی، میدان ساعت و خیابان علامه در پاکدشت
 - تهران جمعه شب ۱۹ دی: جنگ و گریز و درگیری با نیروهای انتظامی در نارمک
 - مشهد جمعه شب ۱۹ دی : به هلاکت رسیدن یک بسیجی مزدور در درگیری و تیراندازی متقابل
 - مشهد جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن کلانتری منطقه ۷
 - کرج جمعه شب ۱۹ دی: تهاجم و آتش به وحوش یکان ویژه و بستن مسیر دشمن
 - کرج جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن کانکس نیروی انتظامی
 - رشت جمعه شب ۱۹ دی : به آتش کشیدن شهرداری غارتگر منطقه یک رشت
 - بندرعباس جمعه شب ۱۹ دی: واژگون کردن خودروی وحوش انتظامی
 - اسلام آباد غرب جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن فرمانداری رژیم
 - اسلام آباد غرب جمعه شب ۱۹ دی: انهدام تمام دوربین های مداربسته در سطح شهر
 - اسلام آباد غرب جمعه شب ۱۹ دی: هلاکت ۶ تن از وحوش یکان ویژه
 - اراک شازند جمعه شب ۱۹ دی: درگیری و مقابله با وحوش یکان ویژه با پرتاب سنگ
 - اراک شازند جمعه شب ۱۹ دی: بستن مسیر نیروورسانی دشمن با آتش زدن سطل زباله و شعار مرگ بر خامنه ای

- گیلانغرب جمعه شب ۱۹ دی: تخریب تمام دوربین‌های سطح شهر
- گیلانغرب جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن یک خودروی سپاه
- شیراز جمعه شب ۱۹ دی: بستن مسیرهای نیروورسانی دشمن با آتش در دروازه سعدی
- شیراز جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن بانک غارتگر کشاورزی
- شیراز جمعه شب ۱۹ دی: تظاهرات بزرگ مردم همراه با شورشگران با شعار امسال سال خونه سید علی سرنگونه
- مشهد جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن بانک های رژیم در طبرسی و وکیل آباد
- مشهد جمعه شب ۱۹ دی: به آتش کشیدن اتوبوس‌های نیروورسانی یکان ویژه
- یزد جمعه شب ۱۹ دی: بستن خیابان پاک‌نژاد با آتش و مقابله با نیروهای انتظامی
- شیراز جمعه شب ۱۹ دی: جنگ و گریز و نبرد با وحوش سپاه و انتظامی در معالی آباد
- لامرد فارس جمعه شب ۱۹ دی : بستن مسیرهای نیرو رسانی دشمن با آتش با شعار امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه
- تنکابن جمعه شب ۱۹ دی: گوشمالی دادن بسیجیان مزدور
- تبریز جمعه شب ۱۹ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه
- تبریز جمعه شب ۱۹ دی: مردم در چهارراه شهناز جمع شده و همپای نبرد شورشگران شعار میدهند آذربایجان اوز یولونی تاپییدی ولایتی سلطنتی آتییدی (آذربایجان راه خودش را پیدا کرده و ولایت و سلطنت را دور انداخته) -کرج جمعه شب ۱۹ دی : تهاجم به شهرداری غارتگر
- ایذه جمعه شب ۱۹ دی ۱۹ دی: به آتش کشیدن فروشگاه ویژه سپاه پاسداران
- ایذه جمعه شب ۱۹ دی ۱۹ دی: جنگ و گریز و درگیری با وحوش انتظامی در میدان هلال احمر. صدای شلیک و دود محله را پر کرده است
- ایذه جمعه شب ۱۹ دی : به آتش کشیدن فرمانداری رژیم
- ایذه جمعه شب ۱۹ دی : هلاکت رساندن دو تن از وحوش یکان ویژه
- مشهد جمعه ۱۹ دی : انهدام دوربین‌های مداربسته در وکیل آباد
- گلشهرکرج جمعه شب ۱۹ دی : جنگ و گریز با سرکوبگران یکان ویژه
- کرمانشاه جمعه شب ۱۹ دی : جنگ و گریز و درگیری با وحوش سپاه و انتظامی در خیابان‌های نوبهار، برق و میدان فردوسی

۱۴-نمونه‌هایی از رزم شورشگران در ۲۰ و ۲۱ دی ۱۴۰۴

● ۲۰ دی

- تهران شنبه شب ۲۰ دی : مسدود کردن بلوار اشرفی اصفهانی با آتش و مقابله با وحوش انتظامی
- تهران شنبه شب ۲۰ دی: بستن مسیر نیرو رسانی دشمن با آتش در یوسف‌آباد با شعارهای مرگ بر دیکتاتور
- تهران شنبه شب ۲۰ دی: بستن خیابان گرگان با آتش جهت ممانعت از ورود دشمن
- تهران شنبه شب ۲۰ دی : جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در سعادت‌آباد
- تهران شنبه شب ۲۰ دی: به آتش کشیدن بلیبورد تصاویر سران رژیم در خیابان ستاری
- تهران شنبه شب ۲۰ دی : بستن راه نیرو رسانی وحوش یکان ویژه با آتش در بلوار فردوس با شعار مرگ بر خامنه‌ای
- تهران شنبه شب ۲۰ دی : درگیری با وحوش یکان ویژه در محدوده خیابان ۱۷ شهریور و شادآباد
- تهران شنبه شب ۲۰ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه در پونک
- تهران شنبه ۲۰ دی: به آتش کشیدن اتوبوس‌های نیروورسانی دشمن در گمرک تهران
- بندرعباس شنبه شب ۲۰ دی : به آتش کشیدن بانک غارتگر رژیم در بلوار موسوم به مصطفی خمینی

-رشت شنبه شب ۲۰ دی : هلاکت یک مزدور جنایتکار در درگیری خیابانی و تیراندازی متقابل

-سبزوار شنبه شب ۲۰ دی: تهاجم به تجمع وحوش یکان ویژه و فراری دادن آنها

-اهواز شنبه شب ۲۰ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در کوی علوی، گلستان، کیانپارس، زویه، کوت عبدالله، زیتون کارمندی و بازار

-آبیک قزوین شنبه شب ۲۰ دی: مسدود کردن ورودی‌های دشمن با آتش و درگیری با مزدوران یکان ویژه با پرتاب سنگ

-خرم‌آباد شنبه شب ۲۰ دی : جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه در منطقه ساحلی کیو

-کرمان شنبه شب ۲۰ دی : جنگ و گریز با مزدوران یکان ویژه

-گرگان شنبه شب ۲۰ دی: مسدود کردن مسیر نیرو رسانی دشمن با آتش

-گوهردشت کرج شنبه شب ۲۰ دی: خلع سلاح یک بسیجی مزدور پس از حمله به تظاهرات و ضرب و شتم مردم بیگناه و شلیک به جوانان معترض

-مشهد شنبه شب ۲۰ دی: درگیری‌های شدید با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه در وکیل‌آباد، هفت‌تیر، امامت، هنرستان، میدان آزادی، ۱۷ شهریور، طبرسی و طلاب

-کرج شنبه شب ۲۰ دی : بستن خیاباهای شهرک بنفشه با آتش و جنگ و گریز با دشمن با شعار مرگ بر دیکتاتور

-رشت شنبه شب ۲۰ دی: به آتش کشیدن بیلبرد تصاویر سران رژیم

-اسلام‌آباد غرب شنبه شب ۲۰ دی : بستن مسیر ورود دشمن با آتش با شعار مرگ بر خامنه‌ای

-قائم‌شهر شنبه شب ۲۰ دی : تهاجم به فرمانداری حکومتی

-مشهد شنبه شب ۲۰ دی: جنگ و گریز و سنگربندی چندین خیابان برای مقابله با وحوش یکان ویژه و سپاه

-مشهد شنبه شب ۲۰ دی : به آتش کشیدن کانکس انتظامی در نوده در برابر شلیک یکان ویژه

-مشهد شنبه شب ۲۰ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در وکیل‌آباد

-ارومیه شنبه شب ۲۰ دی: تسخیر پایگاه بسیج ضدمردمی

-ایلام شنبه شب ۲۰ دی: رویارویی و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه

-قوچان شنبه شب ۲۰ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه

-قوچان شنبه شب ۲۰ دی: به آتش کشیدن فرمانداری رژیم

-قوچان شنبه شب ۲۰ دی: شهادت ۸ تن از قهرمانان شورشگر

-شیراز شنبه شب ۲۰ دی: سنگربندی خیابان‌های معالی‌آباد و کوشکه و مقابله با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه

-شیراز شنبه شب ۲۰ دی: به آتش کشیدن بانک غارتگر کشاورزی

-شیراز شنبه شب ۲۰ دی : بستن مسیر نیرورسانی دشمن با آتش در قدوسی غربی

-فردیس شنبه شب ۲۰ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه

-اصفهان شنبه ۲۰ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در چهارباغ

-تبریز بامداد شنبه ۲۰ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه در حین شلیک

● ۲۱ دی

-تهران یکشنبه ۲۱ دی: تهاجم و درگیری با پرتاب سنگ به وحوش گارد ویژه و فراری دادن آنها در نقاط مختلف (نقشه نقاط درگیری موجود است)

-تهران یکشنبه ۲۱ دی: تشییع پیکرهای شهیدان در بهشت‌زهرا با شعار می‌کشم، می‌کشم آن‌که برادرم کشت و مرگ بر خامنه‌ای

-تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه در خیابانهای تهرانسر

-تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: تهاجم شیرزان شورشگر با کوکتل به مزدوران وحشی یکان ویژه در تهرانسر
 -تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: مسدود کردن مسیر دشمن با آتش در پونک
 -تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: جنگ و گریز با نیروی سرکوبگر یکان ویژه در زعفرانیه با شعارهای مرگ بر خامنه‌ای
 -تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: به آتش کشیدن یک موتور یکان ویژه در صادقیه
 -تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: گوشمالی دو بسیجی مزدور در صادقیه
 -تهران یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری های سنگین با وحوش یکان ویژه در هفت‌حوض
 -کرمانشاه یکشنبه شب ۲۱ دی: تهاجم به وحوش یکان ویژه و آزادکردن دختر جوان دستگیر شده و مصادره تجهیزات و مهمات
 وحوش

-کیش یکشنبه شب ۲۱ دی: به آتش کشیدن اداره غارتگر مالیات رژیم
 -رشت یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش خون‌ریز یکان ویژه و سپاه در خیابانهای شهر
 -رشت یکشنبه شب ۲۱ دی: به هلاکت رسیدن یک پاسدار جنایتکار در درگیری و تیراندازی متقابل
 -ایذه یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری با وحوش سپاه و گوشمالی تعدادی از مزدوران
 -اصفهان یکشنبه شب ۲۱ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در سهراب سیمین و ملک‌شهر
 -اصفهان یکشنبه شب ۲۱ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه در محدوده استانداری و چهارباغ و شمس‌آبادی
 -اصفهان یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه در خیابانهای شهدا، حکیم‌نظامی و سپاهان
 -فلورجان یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری شدید با وحوش سپاه و یکان ویژه و به دست گرفتن کنترل بخش‌هایی از شهر
 -بهارستان اصفهان یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه برای کنترل قسمتی از شهر
 -مشهد طوس یکشنبه شب ۲۱ دی: بستن خیابان با آتش جهت ممانعت از ورود دشمن
 -مشهد یکشنبه شب ۲۱ دی: تهاجم به پایگاه بسیج و به آتش کشیدن آن
 -کیان‌مهر کرج یکشنبه شب ۲۱ دی: به آتش کشیدن کلانتری جنایتکار ۴۳ با شعار مرگ بر خامنه‌ای
 -نجف‌آباد یکشنبه شب ۲۱ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه در سطح شهر
 -کرج یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری‌های شدید با وحوش یکان ویژه در گلستان ۲ و منطقه بنفشه با شعار مرگ بر دیکتاتور
 -کرمانشاه یکشنبه شب ۲۱ دی: درگیری‌های شدید با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه در میدان رفعت
 -کرمانشاه یکشنبه شب ۲۱ دی: مسدود کردن مسیر نیروورسانی دشمن با آتش

۱۵- نمونه‌هایی از رزم شورشگران از ۲۲ تا ۳۰ دی ۱۴۰۴

● ۲۲ دی

-تهران دوشنبه شب ۲۲ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه در پونک علی‌رغم قطعی برق توسط رژیم
 -تهران دوشنبه شب ۲۲ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در الهیه
 -تهران دوشنبه شب ۲۲ دی: به آتش کشیدن محل تجمع وحوش سپاه در خیابان کارگر
 -مشهد دوشنبه شب ۲۲ دی: به آتش کشیدن کانکس وحوش انتظامی در چهار راه مخابرات
 -کرمانشاه دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش سپاه و یکان ویژه در سطح شهر
 -اصفهان دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری سنگر به سنگر با جانیان سپاه در محلات مختلف
 -ارومیه دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه در محلات مختلف
 -بندرعباس دوشنبه شب ۲۲ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه
 -شیراز دوشنبه شب ۲۲ دی: سنگربندی و درگیری در محلات مختلف با وحوش یکان ویژه

-اصفهان دوشنبه شب ۲۲ دی: مسدود کردن قسمتهایی از خیابانهای با آتش جهت ممانعت از نیروورسانی دشمن

-کرمان دوشنبه شب ۲۲ دی: ادامه جنگ و گریز در نقاط مختلف شهر با وحوش یکان ویژه و سپاه

-ایذه دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش سپاه و یکان ویژه در خیابان سلمان فارسی و فلکه موسوم به سپاه

-سنندج دوشنبه شب ۲۲ دی: جنگ و گریز با مزدوران سپاه و مسدود کردن راه دشمن با آتش

-مشکان فارس دوشنبه شب ۲۲ دی: به آتش کشیدن خودرو وحوش انتظامی

-اهواز دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه و سپاه در محله ۲۲

-ماهیدشت دوشنبه شب ۲۲ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه

-ایذه دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه

-اهواز دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه

-اصفهان دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیری با یکان ویژه و مزدوران سپاه در خیابانهای شهر

-کرمانشاه دوشنبه شب ۲۲ دی: درگیریهای شدید با مزدوران سپاه در خیابانهای مختلف

● ۲۳ دی

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیریهای شدید با وحوش یکان ویژه در فلکه اول و فلکه سوم تهرانپارس و خیابان رشید

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: جنگ و گریز و نبرد سنگر به سنگر با وحوش یکان ویژه در یوسفآباد

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: رویایی و نبردهای خیابانی با مزدوران مسلح یکان ویژه در میدان کاج

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه در خیابانهای انقلاب، مولوی و شوش

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: به آتش کشیدن انبار مهمات مزدوران سپاه و بسیج در قلعهک

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیریهای شدید با وحوش یکان ویژه در صادقیه با پشتیبانی مردم و شعار مرگ بر دیکتاتور

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیری با مزدوران سپاه در تئاتر شهر و اشرفی اصفهانی

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه و سپاه در هفتحوض و پیروزی

-تهران سهشنبه شب ۲۳ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در تهرانپارس و ولیعصر

-اسلامآبادغرب سهشنبه شب ۲۳ دی: استمرار نبرد با یکان ویژه علیرغم شلیکهای بیرحمانه وحوش

-اراک سهشنبه شب ۲۳ دی: جنگ و گریز و درگیری با یکان ویژه

-قم سهشنبه شب ۲۳ دی: تهاجم و درگیری با وحوش یکان ویژه در زنبیلآباد، بلوار امین و نیروگاه

-یزدانشهر سهشنبه شب ۲۳ دی: نبرد و پاسخ متقابل به شلیک مزدوران سپاه و یکان ویژه

-سلماس سهشنبه شب ۲۳ دی: جنگ و گریز با یکان ویژه

-زاهدان سهشنبه شب ۲۳ دی: مسدود کردن ورودیهای دشمن با آتش زدن لاستیک

-چابهار سهشنبه شب ۲۳ دی: بستن مسیرهای نیروورسانی دشمن با آتش

-تبریز سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیری با مهاجمین یکان ویژه در آبرسان

-شیراز سهشنبه شب ۲۳ دی: نبردهای خیابانی با مزدوران مسلح سپاه در هفدهمین روز قیام

-کرج سهشنبه شب ۲۳ دی: جنگ و گریز با مزدوران مسلح یکان ویژه

-ایلام سهشنبه شب ۲۳ دی: درگیری با مزدوران مسلح سپاه و یکان ویژه

-کرمانشاه سهشنبه شب ۲۳ دی: ادامه جنگ و گریز، سنگر به سنگر، با مزدوران سپاه

-ارومیه سهشنبه شب ۲۳ دی: ایستادگی مردم و شورشگران در خیابانها علیرغم شلیک مستمر وحوش یکان ویژه

● ۲۴ دی

-تهران چهارشنبه شب ۲۴ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش مسلح یکان ویژه در خیابان گرگان
 -تهران چهارشنبه شب ۲۴ دی: تهاجم و درگیری با یکان ویژه در تهرانپارس
 -خوی چهارشنبه شب ۲۴ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه
 -کرج چهارشنبه شب ۲۴ دی: مقاومت شورشگران در حصارک و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه
 -مشهد چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد با وحوش یکان ویژه در بلوار دانشجو
 -کرمانشاه چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد سنگر به سنگر با وحوش یکان ویژه و سپاه در خیابان‌ها
 -کرمانشاه چهارشنبه شب ۲۴ دی: هلاکت یک مأمور سرکوبگر انتظامی و یک عضو بسیج در درگیری و تیراندازی متقابل
 -ایلام چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبردهای خیابانی با وحوش مسلح یکان ویژه و مزدوران سپاه
 -اصفهان چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد با وحوش یکان ویژه در ملک‌شهر و خیابان مطهری با شعار مرگ بر خامنه‌ای
 -رفسنجان چهارشنبه شب ۲۴ دی: به آتش کشیدن پست رژیم
 -گنبدکاووس چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد با وحوش یکان ویژه در خیابان‌ها
 -رفسنجان چهارشنبه شب ۲۴ دی: به آتش کشیدن کمیته امداد خمینی
 -گنبدکاووس چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد با وحوش یکان ویژه در خیابان‌ها
 -کرمانشاه چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد سنگر به سنگر با وحوش یکان ویژه و سپاه در خیابان‌ها
 -ایلام چهارشنبه شب ۲۴ دی: نبرد با وحوش مسلح یکان ویژه و مزدوران سپاه
 -مشهد چهارشنبه شب ۲۴ دی: جنگ و گریز در خیابان‌ها و مقابله با سرکوبگران یکان ویژه و سپاه

● ۲۵ دی

-تهران پنجشنبه شب ۲۵ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه در میدان امام حسین
 -رفسنجان پنجشنبه شب ۲۵ دی: درگیری و جنگ و گریز با یکان ویژه
 -کرمانشاه پنجشنبه شب ۲۵ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه در محله آناهیتا
 -کرمانشاه پنجشنبه شب ۲۵ دی: تداوم جنگ و گریز با وحوش سرکوبگر یکان ویژه
 -کرمانشاه پنجشنبه شب ۲۵ دی: به هلاکت رسیدن بسیجی جنایتکار مرتضی حشمتی در درگیری و تیراندازی متقابل
 -ایلام پنجشنبه شب ۲۵ دی: ادامه جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و مزدوران سپاه
 -مشهد پنجشنبه شب ۲۵ دی: نبرد با وحوش یکان ویژه و سپاه در خیابان‌ها
 -ساوه پنجشنبه شب ۲۵ دی: درگیری با وحوش یکان ویژه در خیابان مطهری
 -رفسنجان پنجشنبه شب ۲۵ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه
 -رفسنجان پنجشنبه شب ۲۵ دی: به آتش کشیدن یک بانک غارتگر رژیم
 -لنگرود پنجشنبه شب ۲۵ دی: نبرد خیابانی و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه

● ۲۶ دی

-تهران جمعه شب ۲۶ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در خیابان سلطانی
 -تهران جمعه شب ۲۶ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در تهرانپارس و درگیری با مزدوران
 -خوی جمعه شب ۲۶ دی: به آتش کشیدن بخشداری حکومتی
 -خوی جمعه شب ۲۶ دی: به آتش کشیدن مرکز بسیج ضدمردمی
 -قم جمعه شب ۲۶ دی: مسدود کردن مسیرهای ورودی دشمن با آتش و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه

● ۲۷ دی

-تهران شنبه شب ۲۷ دی: تهاجم به وحوش یکان ویژه و جنگ و گریز در خیابان ولیعصر با شعارهای مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر دیکتاتور

-تهران شنبه شب ۲۷ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در بلوار فردوس با شعار مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر دیکتاتور
-خوی شنبه شب ۲۷ دی: نبرد با وحوش یکان ویژه با پرتاب سنگ و شعارهای می کشم می کشم آنکه برادرم کشت، می کشم می کشم هرآنکه خواهرم کشت و تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود
-خوی شنبه شب ۲۷ دی: درگیری و گوشمالی دادن لمپن‌های یکان ویژه

● ۲۸ دی

-کرمانشاه یکشنبه شب ۲۸ دی: جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه و سپاه در طاق بستان

● ۲۹ دی

-تهران دوشنبه شب ۲۹ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش یکان ویژه در خیابان جمهوری
-تهران دوشنبه شب ۲۹ دی: پاسخ آتشین به شلیک گلوله‌های جنگی و گاز اشک‌آور به جانب مردم
-تبریز دوشنبه شب ۲۹ دی: تهاجم به وحوش یکان ویژه و جنگ و گریز در خیابان‌ها
-ایذه دوشنبه شب ۲۹ دی: درگیری با ایادی سرکوبگر سپاه و یکان ویژه در سطح شهر

● ۳۰ دی

-تهران سه‌شنبه ۳۰ دی: تهاجم به پایگاه بسیج ضد مالک اشتر در محله اتابک و درگیری با وحوش و گوشمالی دادن چند تن
-تهران سه‌شنبه ۳۰ دی: مسدود کردن راه‌های نیروورسانی دشمن و به آتش کشیدن پایگاه بسیج
-زاهدان سه‌شنبه شب ۳۰ دی: مسدود کردن مسیر ورودی دشمن با آتش با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر
-کرمانشاه سه‌شنبه شب ۳۰ دی: درگیری و جنگ و گریز با وحوش سپاه و یکان ویژه در مناطق مختلف شهر
-رشت سه‌شنبه ۳۰ دی: تهاجم به یکان ویژه و جنگ و گریز در خیابان‌ها
-مشهد سه‌شنبه ۳۰ دی: درگیری‌های خیابانی با مزدوران یکان ویژه در نقاط مختلف
-اصفهان سه‌شنبه ۳۰ دی : تهاجم به پایگاه بسیج ضد مردمی کوهپایه با پرتاب پی در پی کوکتل و زخمی شدن ۳ بسیجی مهاجم
-زاهدان سه‌شنبه شب ۳۰ دی: مسدود کردن مسیر ورودی دشمن با آتش با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر

فصل سوم

کانونهای شورشی و ارتش آزادی

از جرقه تا حریق

تهاجم متهورانه به مقر خامنه‌ای در ۴ اسفند

۱۶-یکی از مهمترین رویدادها در چهل و پنجمین سال حیات شورا، تهاجم گردانهای شورشی به امنیتی ترین منطقه تهران به نام «مجموعه مطهری» در بامداد روز دوشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۴، (۵ روز پیش از جنگ ۴۰ روزه) بود. در این روز ۲۵۰ تن از رزمندگان مجاهد خلق در یک عملیات مسلحانه و متهورانه در قلب تهران و امنیتی‌ترین نقطه پایتخت به مجموعه مطهری که مقر خامنه‌ای و

محل کار پسرش مجتبی و مقررسان قوای مجریه و قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی امنیت نظام را در برمی گیرد، مسلحانه تهاجم کردند.

پیش از ورود به برخی از جزئیات این تهاجم قهرمانانه، لازم است تاکید کنیم که این عملیات یک باره و بدون تمرینهای پیشین نبود. با مروری بر ترازنامه کانونهای شورشی از اول شهریور سال پیش، پیموده شدن راه انقلابی و دشوار طی شده برای صعود به این قله مشخص می شود. پیش از این هم گفته ایم که «آنچه در کارکردهای گردانهای پیشتاز انقلاب دموکراتیک، بسیار برجسته است، پیوند عملیات دلاورانه اختناق شکن آن قهرمانان، با مطالبات و دردهای اقشار مختلف مردم، به ویژه، محرومان و زحمتکشان از یک طرف، و پیوند با ریشه های مبارزه انقلابی با دو دیکتاتوری شیخ و شاه، از جمله زندانیان سیاسی از طرف دیگر است».

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در اطلاعیه روز دوشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۴ اعلام کرد:

از بامداد روز دوشنبه ۴ اسفند تا بعدازظهر دوشنبه در سلسله ای از درگیری ها با نیروهای رژیم که از بیت العنکبوت خامنه ای در هنگام اذان صبح آغاز شد، بیش از ۱۰۰ مجاهد شهید یا دستگیر شده اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران با سپاس از مردم آزاده و شریف ایران به خاطر کمک و پناه دادن به مجاهدان مجروح و بی جا و مکان، اعلام کرد که تعقیب و مراقبت و دستگیری ها به وحشیانه ترین صورت در نقاط مختلف تهران و شهرهای اطراف ادامه دارد. اسامی و مشخصات بیش از ۱۰۰ شهید و مجروح و دستگیری از مجاهدین در اسرع وقت در اختیار سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر قرار خواهد گرفت.

تلفات دشمن در داخل بیت العنکبوت که مجموعه مطهری نامیده می شود سنگین است اما آمار دقیقی از آن در دست نیست تردد آمبولانس ها تا ظهر دوشنبه به داخل بیت العنکبوت با اسکورت یکانهای ویژه ادامه داشت.

بیش از ۱۵۰ مجاهدی که در مدار دوم بیت العنکبوت موضع گرفته بودند، همگی تا ساعت ۲۴ دوشنبه شب به سلامت به پایگاه های خود بازگشتند.

محل کار و سکونت مجتبی خامنه ای، شورای نگهبان و خبرگان ارتجاع، دفتر مرکزی سردر خیم قضاییه جلادان، دفتر مرکزی وزیر اطلاعات، شورای عالی امنیت و تشخیص مصلحت نظام جنب بیت العنکبوت در همین مجموعه مطهری قرار دارد که مساحت آن کمتر از نیم کیلومتر مربع است.

ابعاد مجموعه مطهری که بیت العنکبوت در قسمت شمالی آن است ۶۲۰ متر در ۷۷۰ متر است.

محل استقرار خامنه ای با نام دجلانه "بیت الزهرا" ۱۳۰ در ۲۰۰ متر و محل سخنرانی او، حسینیه خمینی ملعون، با ابعاد ۱۰۰ در ۶۰ متر در همین «بیت» است.

دور تا دور بیت العنکبوت دیوار پیش ساخته از قویترین جنس بتون آرمه با ارتفاع بیش از ۴ متر و بر روی لبه دیوارها نرده های فلزی ضد پهباد و پرتابه نصب شده است.

در داخل مجموعه مطهری هر ساختمان محوطه و دیوار اطراف خودش را دارد.

در اطراف مطهری در ۱۷ نقطه دوربین دوار نصب کرده اند که با کمک نفراتی از داخل بیت العنکبوت تعدادی از آنها هنگام اذان صبح از کار افتاد.

نزدیک به ۸ هزار نفر حفاظت بیت العنکبوت و مطهری را در یکانهای گوناگون نظامی و اطلاعاتی برعهده دارند. سرکرده کل آنها پاسدار سرتیپ حسن مشروعی فر معروف به امامی است.

۲۰۰۰ نفر از سپاه حفاظت موسوم به ولی امر در این شمارند و ۲ هزار نفر دیگر از این سپاه در مجموعه ییلاقی دماوند و آبدلی و مصلای خمینی و کاخ ملک آباد مشهد هستند.

خلبانها و خدمه هلیکوپترهای ویژه خامنه ای در همین سپاه هستند.

مقر اصلی فرماندهی سپاه ولی امر در ساختمان چهارطبقه در جنوب بیت العنکبوت قرار دارد

نفرات حفاظت خامنه ای در بسیاری نقاط با عادی سازی حضور دارند اما همگی مسلح هستند.

ناوگانی از خودروهای زرهی ضدگلوله تویوتا، لندکروزهای تقویت‌شده، خودروهای مرسدس بنز و بی‌ام‌و برای تردد خامنه‌ای استفاده می‌شود.

مینی‌بوس‌های ضدگلوله برای همراهان نیز قسمتی از خودروهای همین ناوگان است.

حفاظت خامنه‌ای دارای تجهیزات ضدجاسوسی: دستگاه‌های پیشرفته فرکانس‌یاب برای کشف شنود در محل سخنرانی و جمرهای قطع موبایل و خنثی‌سازی پهبادهای انتحاری است.

سپاه ضدانصارالمهدی شامل ۲۷۵۰ نفر، حفاظت مدار ۲ و ۳ بیت‌العنکبوت را برعهده دارد. مدار ۲ دایره‌ای به شعاع ۳۵۰ متر از بیت‌العنکبوت و مدار ۳ دایره‌ای به شعاع ۵۰۰ متر است.

این سپاه حدود ۱۵ هزار پرسنل دارد و نیروی اصلی آن عناصر قابل اعتماد در سپاه پاسداران هستند.

این سپاه حفاظت مقامات درجه یک، وزراء، امام جمعه‌ها، استاندارها و سرکردگان بالای سپاه مانند قآنی را برعهده دارد. پاسدار سرتیپ اسدی سرکرده این سپاه است

این سپاه دارای یک یکان واکنش سریع به استعداد ۵۰۰ نفر است که در امور اطلاعاتی هم به آنها مأموریت داده می‌شود. پدافندهای ضدهوایی در اطراف بیت‌العنکبوت مستقر هستند.

یکان ضد نبی اکرم از نیروی انتظامی شامل ۲۵۰ نفر حفاظت ورودی‌های مطهری در مدار ۲ را به عهده دارند.

یکان‌های تقویتی حفاظت بیت‌العنکبوت در مدار ۳ ۸۰۰ نفر از تیپ تکاور امنیتی، یکان فاتحین بسیج و نیروهای سپاه در ناحیه سلمان فارسی در همین منطقه هستند.

تیپ تکاور امنیتی ضدالزهرها مجهز به سلاح‌های ضداغتشاش، تفنگ‌های ساچمه‌ای، گاز اشک‌آور، شوکر و پینت‌بال است که افراد را علامت‌گذاری می‌کند.

یک گردان ۵۶۰ نفره از یکان ویژه انتظامی در شرایط قیام در مدار ۳ حفاظت بیت‌العنکبوت مستقر است که دارای سلاح سبک و ضدشورش می‌باشد و در هماهنگی با تیپ تکاور امنیتی عمل می‌کند.

۴۰۰ نفر از یکان امنیتی ضد امام حسن نیز تحت‌امر تیپ تکاور هستند. این یکان ۱۱۰۰ نفر است و مسئولیت حفاظت مکان‌های مهم دیگر از جمله مجلس رژیم را به‌عهده دارد.

۱۷- بر خلاف تکذیب‌های زنجیره‌یی مقام‌ها و ارگان‌های مختلف رژیم، مدارس اطراف خیابان پاستور صبح دوشنبه تعطیل شد و یکان‌های ویژه در داخل مدرسه‌ها مستقر شدند. شلوغی خیابان و تردد مأموران برای همه مشهود بود.

مردم و رهگذران از ساعت ۷ صبح دوشنبه ۴ اسفند ماشین‌های ضدشورش رژیم را که مجهز به تیربار بودند، در تقاطع ولیعصر و جمهوری می‌دیدند. بر روی خودروهای سیاه‌رنگ ضدشورش نوشته بود «نوپو» (نیروی ویژه پاسداران ولایت).

در ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح ۳ نوبت پرواز هلیکوپتر از ارتفاع بسیار پایین بر فراز پاستور و بیت‌العنکبوت مشاهده شد.

نخستین بار سایت ممتاز نیوز رژیم در ساعت ۶ صبح دوشنبه سلسله انفجارها را خبر داد و نوشت: «دقایقی پیش تعدادی از کاربران پیام دادند که صدای انفجار در تهران الآن شنیده شده است».

متعاقباً خبرگزاری آریا از تهاجم همزمان به بیت خامنه‌ای و شورای عالی امنیت در منطقه پاستور در تهران خبر داد.

بولتن نیوز متعلق به سپاه پاسداران در ساعت ۱۱ و ۵۰ دقیقه قبل از ظهر دوشنبه ۴ اسفند نوشت: «صدای انفجارهای پیاپی شب گذشته در محدوده خیابان پاستور، امنیتی‌ترین منطقه پایتخت، پرسش سنگین را پیش روی همه مسئولان و دلسوزان نظام گذاشته است ما را چه شده است که دشمن اکنون به قلب تهران طمع کرده و به خود جرأت دست‌درازی داده است؟»

بولتن نیوز سپاه پاسداران افزود: «این پرسش، نه پرسش یک منتقد بیرونی، که فریاد دردمنده‌ای از درون است فریادی که می‌گوید کدام یک از شما آقایان از خود پرسیده‌اید ریشه این جسارت دشمن کجاست؟ غیر از این است که از ماست که برماست؟»

پاسخ به این سؤال بولتن‌نیوز سپاه پاسداران این است که آری، از شماس‌ت که بر شماس‌ت. این پاسخ شایسته فرزندان رشید خلق به کشتار و قتل‌عام و اعدام‌هاست. از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تا دی‌ماه ۱۴۰۴.

بولتن‌نیوز سپاه پاسداران اضافه کرد: «در چنین شرایطی، هیچ‌یک از ما حق نداریم حتی یک شب را با خیال آسوده به صبح برسانیم؛ چه رسد به این‌که دشمن جرأت کند در حساس‌ترین نقطه پایتخت -خیابان پاستور- دست به انفجار و تیرکشی بزند و نیروهای جان‌برکف ما را به چالش بکشد».

خبرگزاری مهر (وابسته به وزارت اطلاعات) روز ۵ اسفند ۱۴۰۴ با تیترو: اقدام مضحک مزدوران مجاهدین در تهران، نوشت: «در یک واکنش طنز و نمایشی چهار مزدور با لوله پلیکا چیزی شبیه اسباب بازی کودکانه ساختند و تلاش کردند سر و صدایی در مرکز تهران به راه بیندازند با توجه به اشراف گشته‌های فراجای تهران بزرگ این افراد در گشت منطقه‌یی فراجا دستگیر شدند».

احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ایران، روز سه‌شنبه به خبرگزاری کار، ایلنا، گفت: «بعید می‌دانم آن‌ها بتوانند چنین اقداماتی را انجام بدهند. اما به طور مشخص من از این خبر اطلاع ندارم و نمی‌دانم چنین اتفاقی باشد. سازمان مجاهدین خلق گفته بود عملیات یا حمله آن‌ها هنگام اذان صبح آغاز شده و تا بعدازظهر دوشنبه، چهارم اسفند، به "مجموعه مطهری" در داخل بیت رهبر جمهوری اسلامی ادامه داشته است. در این بیانیه اضافه شده بود "۱۵۰ نفر از ۲۵۰ نیروی این سازمان، به سلامت به پایگاه‌های خود بازگشتند".

سازمان مجاهدین خلق می‌گوید نیروهایش "تلفات سنگین" به ماموران محافظ این مجموعه وارد کرده‌اند. در خیابان پاستور و محدوده آن، بیت رهبر، ساختمان نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، دبیرخانه قوه قضائیه، شورای نگهبان و مجلس خبرگان قرار دارد.

آقای بخشایش با وجود ابراز بی‌اطلاعی از اصل این حمله به خبرگزاری ایلنا گفت: "محاسبه آن‌ها این است که کشور ضعیف شده یا نیروهای امنیتی و اطلاعاتی سرگرم موضوعات دیگرند، پس می‌توانند عملیات تروریستی انجام دهند تا کشور را ضعیف‌تر نشان بدهند." بولتن‌نیوز، وبسایت نزدیک به سپاه پاسداران، دیروز در مقاله‌ای نوشت: "صدای انفجارهای پیاپی شب گذشته در محدوده خیابان پاستور، امنیتی‌ترین منطقه پایتخت، پرسشی سنگین را پیش روی همه مسئولان و دلسوزان نظام گذاشته است. ما را چه شده است که دشمن اکنون به قلب تهران طمع کرده و به خود جرأت دست‌درازی داده است؟"

دیروز در شبکه ایکس "هشتک پاستور" مدتی داغ بود صدای انفجار و تیراندازی در محدوده پاستور.

به نوشته روزنامه همشهری «دور محله پاستور، خیابان فلسطین جنوبی، آذربایجان، خیابان کشور دوست و خیابان امام خمینی تحت تدابیر شدید حفاظتی قرار دارد. تردد برای ساکنان این منطقه با کارت صورت می‌گیرد و داخل پردیس فقط ورود خودروهای پلاک سبز مخصوص یکان‌های امنیتی و نیروهای مسلح یا خودروهای ویژه مقامات و یا دیپلماتیک با مجوز امکان‌پذیر است.»

وبسایت رویداد ۲۴ هم نوشت: «بازگرداندن دانش‌آموزان از بعضی مدارس در محدوده میدان پاستور و حوالی خیابان جمهوری در حالی گزارش شده که همزمان حضور قابل توجه نیروهای ویژه پلیس در این منطقه، نگرانی‌هایی جدی برای خانواده‌ها ایجاد کرده است. بر اساس مشاهدات میدانی و تماس والدین با خبرنگار ما، دانش‌آموزان منطقه ۱۱ تهران در بدو ورود به مدارس با سرویس‌ها به خانه بازگردانده شده‌اند» و «در دو مدرسه این منطقه در ساعات ابتدایی صبح امروز از طرف اولیای مدرسه با آن‌ها تماس گرفته شده و از آن‌ها خواسته شده فرزندان‌شان را به خانه برگردانند.»

۱۸- روز پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۴، سازمان مجاهدین خلق ایران اسامی شماری از دستگیری‌ها و مفقودین عملیات بیت‌العنکبوت در ۴ اسفند را که برای گزارشگر ویژه و مراجع بین‌المللی ارسال شده اعلام کرد و افزود: از آنجا که رژیم وحشت دارد و می‌خواهد بر این عملیات و رویارویی با مجاهدین در روی زمین، سرپوش بگذارد، اسامی هیچیک از دستگیرشدگان و شهیدان را تاکنون اعلام نکرده است. این در حالی است که سازمان مجاهدین چندین بار خواستار دیدار گزارشگر ویژه ملل متحد و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی با نفرات دستگیر شده و هم‌چنین رویت پیکرهای شهیدان شده است.

سازمان مجاهدین در ۶ اسفند نیز اعلام کرد: ۲ فیلمبردار حرفه‌ای که فقط برای فیلم گرفتن رفته بودند در شمار مفقودین هستند و اسامی و مشخصات آنها هم با ذکر کار حرفه‌ای فیلم‌برداری که برعهده داشتند برای مراجع ذیربط بین‌المللی ارسال شده است. به‌رغم تلاش رژیم برای پوشاندن تهاجم مجاهدین به مقر خامنه‌ای، این رخداد در رسانه‌های خارجی هم بازتاب یافت و مهره‌ها و رسانه‌های حکومتی نیز به آن اذعان کردند.

تایمز لندن ۶ آوریل (۱۷ فروردین ۱۴۰۵) نوشت: «اندکی پیش از آغاز جنگ، سپاه پاسداران با نیروهای سازمان مجاهدین خلق درگیر شد. درگیری پس از آن بود که این گروه تلاش کرد مجتمع مطهری محل استقرار ستاد خامنه‌ای و دیگر ارکان و نهادی رژیم از جمله شورای نگهبان، مجلس خبرگان، و دفتر و اقامتگاه مجتبی را به‌طور مسلحانه تصرف کند».

روز پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ ظهره‌وند یک مهره ارشد رژیم، در یک اشاره صریح به تهاجم مجاهدین در ۴ اسفند ۱۴۰۴ به مقر خامنه‌ای، گفت: «من [سال] ۷۸ هم باز اینجا شاهد بودم چه اتفاقی افتاد شما این‌ها را درست کردید می‌خواستند حمله کنند به بیت توی [سال] ۷۸ مثل همین اتفاقاتی که داشتند در همین قبل از شهادت حضرت آقا عملیات داشتند برای حمله به مثلاً بیت رهبری... می‌خواهم بگویم این را باید ما یک بار، آقا انتظار داشت از این‌ها یک تجدیدنظری ببیند یک جمع‌بندی بگوید آقا موهایتان سفید شد دیگه ما که این همه مدارا کردیم که بردید خوردید چیزی نگفتم باز، صبری کردیم که شاید متوجه شوید، نشدند... الان هم بحث این است من به اعتقاد این هستش که این تفکر متأسفانه الیگارشیک ساده یعنی عبور از انقلاب را در دستور کار دارد من اسمش را می‌گذارم کودتا کودتای نرم عبور از انقلاب است در حالی که امروز انقلاب خودش را نشان داد... ببینید شهادت آقا به نظر من نقطه عطف شد و امروز هم مردم رای خودشان را دادند دیروز رای خودشان را دادند این چند روز دادند ۱۳۰ روز ۱۳۰ شب رای خودشان را دارند می‌دهند و پای کار هستند».

نمونه دیگری از اذعان ناگزیر رژیم به عملیات بزرگ مجاهدین در تهاجم به مجموعه مطهری و مقر خامنه‌ای ۵ روز قبل از شروع جنگ، روایتگری کانال تلگرامی «دیده‌بان انقلاب» [بخوانید دیده‌بان ارتجاع حاکم] به تاریخ اول تیر ۱۴۰۵ است. این رسانه در چارچوب جنگ و جدالهای درون حاکمیت با به هم بافتن مجموعه‌ای از راست و دروغ، «وفاقین» (جماعت پزشکيان) را متهم کرده است که در یک عملیات مشترک با مجاهدین با الگوی ونزوئلا، می‌خواستند خامنه‌ای را شبانه دستگیر و تحویل آمریکایی‌ها بدهند اما کودتای پزشکيان لو می‌رود و مجاهدین هم کشته و دستگیر می‌شوند و سریعاً بیانیه می‌دهند و عملیات را گردن می‌گیرند. آمریکا هم که می‌بیند نمی‌شود خامنه‌ای را دستگیر کرد تصمیم به موشک زدن و کشتن او می‌گیرد.

دیده‌بان رژیم تحت عنوان ماجرای کودتا بر علیه خامنه‌ای چند روز قبل از شروع جنگ ۴۰ روزه و اینکه «چرا سید مجتبی هنوز مخفی مانده؟»، یادآوری می‌کند که چند روز قبل از شروع جنگ، مجاهدین بیانیه دادند که «ما به بیت رهبری حمله کردیم و چند صدا از محافظین رهبر را زدیم و بعد هم خودمان زخمی و کشته و یا دستگیر شدیم»

دیده‌بان رژیم می‌نویسد: «اونشب اتفاقات زیادی در تهران افتاد که ثابتی به آن اشاره کرد. وفاقین، قبل شروع جنگ، با استعداد چند هزار نیرو که پیشقراولش در حدود چند صد نفر بود به بیت رهبری حمله کردن. اونها می‌خواستن مثل ونزوئلا رهبر رو دستگیر کنن و شبانه تحویل آمریکا بدن و آمریکا هم همزمان بیاد برای پشتیبانی ازشون. قرار بود عملیات ضربتی باشه طوریکه ایرانیان و نظامیان ایران، صبح که از خواب بیدار شدن تازه خبردار بشن که چه اتفاقی افتاده و تصاویر انتقال رهبر به آمریکا، عین تصاویر دستگیری مادورو منتشر بشه. ولی عملیاتشون لو رفت و سپاه و بسیج فهمیدن و سریع ریختن خیابونا و همه جا ایست بازرسی گذاشتن و پیشقراولا رو زدن و بساطشونو جمع کردن و عملیات شکست خورد، تو همون نطفه زدن نطفه‌شون کردن. بعد که وفاقین دیدن عملیاتشون لو رفته، برای اینکه لو نرن، مجاهدین خلق از تو آلبانی سریع بیانیه دادن و عملیات رو گردن گرفتن که بله این ما بودیم که دیشب به بیت عنکبوت تو ایران حمله کردیم و مجاهدین ما کشته شدن و... بعد از لو رفتن این کودتا و اینکه وفاقین سردار خائن باقالی، نتونستن رهبر رو دستگیر و تحویل آمریکا بدن و وقتی دیدن که نخیر اینجا ونزوئلا نیست و همیشه رهبر رو دستگیر کرد، به این نتیجه رسیدن که حالا که همیشه دستگیرش کرد می‌زنیمش و می‌کشیمش و اینطوری بود که کارشون به قتل و جنایت ۹ اسفند

با همدستی آمریکا رسید. الان هم بدنبال حذف سید مجتبی هستن و رهبر بخاطر همین مجبور به مخفی شدن از دست این حرامیان جنایتکار شده»

سخنگوی مجاهدین دربارهٔ روایتگری دیدبان ولایت گفت: تهاجم بزرگ مجاهدین در قلب تهران با ۲۵۰ نفر در بامداد ۴ اسفند یعنی ۵ روز قبل از جنگ ۴۰ روزه درست است و خبرهای آن همراه با اسامی شهیدان و دستگیرشدگان در همان ایام اعلام و برای گزارشگر ویژه ملل متحد و سازمانهای مدافع حقوق بشر هم ارسال شده است. اما هرگونه اطلاع آمریکا و دولت و کشور دیگری از عملیات مجاهدین و هرگونه داعیهٔ مشارکت جماعت پزشکیان در آن کذب محض است و سرهم‌بندی کردن چنین چیزی ناشی از بالا گرفتن جنگ گرگها در داخل رژیم بعد از پیام مجتبی خامنه ای است.

۱۹- چنان‌که پیشتر اشاره شد، تهاجم ۲۵۰ رزمنده جان برکف مجاهد خلق به مقر خامنه ای در امنیتی ترین نقطهٔ پایتخت، نه یک رخداد یک باره و بدون پیشینه، بلکه برآمد رزم و پاکبازی بی وقفه کانونهای شورشی طی سالهای گذشته و به طور خاص یکسال اخیر است.

مرور این سلسله عملیات بی وقفه طی یک سال گذشته، که روز به روز و هفته به هفته و ماه به ماه در شهرهای سراسر ایران به رغم سرکوب و خفقان و دستگیری و تیغ اعدام پیوسته تداوم داشته است، به روشنی نشان می‌دهد که چگونه نیروی پیشتاز نبرد با استبداد خون آشام دینی شعله‌های قیام و سرنگونی را در خاک میهن برافروخته نگه می‌دارد. سلسله عملیاتی که پاسخ آتشین مردم و مقاومت ایران به رژیم اعدام و قتل عام بوده و با مبارزه و مطالبه و خواستهای ستمدیدگان و اقشار محروم پیوند داشته و خط قرمز مرزبندی با شیخ و شاه خونریز و پیکار آزادی برای تحقق جمهوری دموکراتیک را ترسیم کرده است.

بدینگونه تا روز ۷دی که قیامهای دیمه ۱۴۰۴ فوران کرد، عملیات و آتش کانونهای شورشی رشته اتصال و تداوم بدون انقطاع نبرد برای قیام و سرنگونی رژیم ولایت فقیه بود. نبردی که در جریان قیام دیمه هرچه بیشتر اوج گرفت و پس از آن نیز هم چنان ادامه دارد.

مسعود رجوی درباره این نبرد بی امان گفته است :

«آمار عملیات ضداختناق کانونهای شورشی در ۱۴۰۴ در میهن اشغال شده ۴۰۹۲ فقره و تعداد پراتیک‌های انقلابی در ۳۱ استان ۱۳ هزار و ۱۳۳ مورد شامل ۲۴۰ کارزار پیایی یعنی دو سوم ایام سال بود و از تلویزیون ملی ایران پخش شده است. کارزارهای بی‌وقفه در جمعه‌های زاهدان از دیمه ۱۴۰۱ تاکنون ۱۷۲ هفته است، ۱۷۲ هفته است که ادامه دارد. شرکت و حمایت از کارزار "سه شنبه‌های نه به اعدام" حسابی جداگانه دارد و در آماری که گفتم محسوب نشده است.

تشریح و توضیح آنچه کانونهای شورشی از هفتم تا بیست و یکم دیمه در جریان قیام در ۶۳۰ عملیات در مصاف با اهریمن و قوای دشمن ضدبشری در سراسر ایران انجام دادند، مبحث دیگری است. فقط تکرار می‌کنم که فرزندان رشید وطن درسهای ماندگار و فراموشی‌ناپذیر برجای گذاشتند که روزگاری به آن خواهیم پرداخت...

اما بر تارک و فراتر از همهٔ اینها، که در آمار و ارقام بالا محسوب نشده و نمی‌گنجد، عملیات بزرگ و شگفت پتک آتشین در فروغ ۲ در حمله به بیت‌العنکبوت خامنه‌ای در قلب تهران با شرکت ۲۵۰ نفر از مجاهدین در بامداد ۴ اسفند ۱۴۰۴ می‌درخشد. این سزاوار کتابی ویژه است. بگذارید دشمن از سر ترس هر چه می‌خواهد بپوشاند و انکار کند اما اسامی دستگیرشدگان و مفقودین برای مراجع بین‌المللی ارسال شده در حالیکه رژیم تا امروز حتی اسم یکی از آنها را (اعم از دستگیری یا شهید) اعلام نکرده است. ما باز هم به درخواستهای خود از گزارشگر ویژه ملل متحد و نمایندگان سازمانهای بین‌المللی برای دیدار با نفرات دستگیر شده و رویت پیکرهای شهیدان ادامه می‌دهیم» (پیام نوروزی ۱۴۰۵).

به‌همان گونه که بارها و از جمله در بیانیهٔ دو سال پیش گفته ایم: «تدارک شرایط ذهنی انقلاب و به‌ویژه در شرایط انقلابی، مهمترین تکلیف هر نیروی انقلابی و پیشتاز است. کانون شورشی، نیروهای میدانی مقاومت ایران برای به نتیجه رساندن این وظیفه خطیر است. آتش مستمر و پی در پی به سیستم عصبی (بافت امنیتی) دیکتاتوری حاکم موجب تزلزل در بافت و در سطح فرماندهی نیروهای

سرکوب شده و برای جنبش خیابانی و قیام راه باز می‌کند. کانون شورشی، تضمین یکپارچگی سرزمینی ایران در چارچوب دموکراسی و آزادی و حقوق ملیتهای تحت ستم و عالیتیرین پاسخ راهبردی به ضرورت سرنگونی استبداد دینی است».

فصل چهارم

جنگ ۴۰ روزه، هلاکت خامنه ای

ولایت موروئی در چالش خودکشی یا مرگ

۲۰ - پیش از ظهر روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، یک بار دیگر ایران مورد حمله نیروهای آمریکا و اسرائیل قرارگرفت و بسیاری از اهداف و افراد راهبردی، از جمله علی خامنه ای، ولی فقیه دوم نظام، در ۸۷ سالگی همراه با برخی از بالاترین سرکردگان نظامی و امنیتی رژیم در این عملیات به هلاکت رسیدند.

شماری از سرکردگان و کارگزاران به هلاکت رسیده رژیم در روز اول یا روزهای بعد در بمبارانها و حملات جنگی عبارتند از:

سرتیپ پاسدار علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی

آخوند اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات

دریابان علی شمخانی، دبیر شورای دفاع کشور

سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، سرکرده ستاد کل نیروهای مسلح

سرلشکر پاسدار محمد پاکپور، سرکرده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سرتیپ عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار محمد صالح اسدی، معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح

سرتیپ محسن دره باغی، معاون آماد و پشتیبانی ستاد کل نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار حسن علی تاجیک، سرکرده اداره آماد ستاد کل نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار بهرام حسینی مطلق، سرکرده اداره طرح و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار حسین جبل عاملیان، معاون پژوهشی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار رضا مظفری نیا، معاون آموزشی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار غلامرضا رضائیان، رئیس سازمان اطلاعات فراجا

سرتیپ بسیجی محمد شیرازی، رئیس دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ پاسدار اکبر ابراهیمزاده، جانشین رئیس دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ دوم پاسدار اسدالله بادفر، مسئول ارتباطات دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ دوم پاسدار عباس سعدآبادی، عضو دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ دوم پاسدار محمدرضا ظهوری، عضو دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ دوم پاسدار خلیل هلالی محمدی، عضو دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ دوم محمدباقر کاظمی مقدم، عضو دفتر فرمانده کل قوا

محمد باصری، مقام ارشد وزارت اطلاعات

سرتیپ پاسدار احمد جعفری سرتمی، رئیس اداره جنگ الکترونیک و سایبری ستاد کل نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار داود عسکری (علیزاده)، فرمانده عملیات نیروی قدس سپاه پاسداران در لبنان

سرتیپ پاسدار ابوالقاسم بابائیان، سرپرست ریاست دفتر فرمانده کل قوا

سرتیپ عبدالله جلالی نسب، جانشین معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح

سرتیپ پاسدار غلام رضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین
سرتیپ دوم پاسدار اسماعیل احمدی، معاون اطلاعات سازمان بسیج مستضعفین
سرتیپ دوم پاسدار عظیم اسماعیلی خسروآبادی، معاون بازرسی سازمان بسیج مستضعفین
سرتیپ دوم پاسدار علی محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران
سرتیپ دوم پاسدار سید مهدی قریشی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه اصفهان
دریادار پاسدار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه
دریادار دوم پاسدار بهنام رضایی، معاون اطلاعات نیروی دریایی سپاه
سرتیپ پاسدار جمشید اسحاقی، مشاور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
سرتیپ دوم پاسدار محمدعلی فتحعلی زاده، فرمانده یکان ویژه فاتحین
سرتیپ پاسدار مجید خادمی، فرمانده سازمان اطلاعات سپاه پاسداران
سرتیپ پاسدار سید یزدان میر، فرمانده یکان ۸۴۰ نیروی قدس
کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی

شایان یادآوری است که علی خامنه ای در یک جلسه پرتلاطم خبرگان به عنوان دومین ولی فقیه انتخاب شد. در شرایطی که موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه از ترس حمله ارتش آزادیبخش ملی ایران می گفت: «هم دوستان می ترسیدند و می لرزیدند و هم دشمنان به چنین روزی خیلی امیدوار بودند» (نماز جمعه، ۲ تیر ۱۳۶۸).

اما خامنه ای به تدریج و با شیوه های سخت افزاری و نرم افزاری، در مقام یک حاکم خودکامه، جنایتکار، چپاولگر، ضد مردم، بیرحم، فریبکار و تا بن استخوان مرتجع، خود را تحمیل کرد. آخرین جنایت کلان او، کشتار هزاران شهروند ایران زمین به شمول تعداد زیادی از کودکان بود که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه سال گذشته صورت گرفت. او فرمان داد که «اغتشاشگران» باید سر «جایشان نشانده شوند». در روز شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۴، هم به کشتار «چند هزار نفر» اعتراف کرد و گفت: «فتنه را خاموش» کردیم. این جنگ و ماجراجوییهای ولایت خامنه ای به قیمت به خطر انداختن جان و مال مردم ایران تمام شده است. ما کشتار مردم غیرنظامی از جانب دو طرف جنگ و به ویژه حمله به کودکان در مدرسه شهر میناب را غیرقابل قبول میدانیم و این قبیل حملات را، از هر طرف که باشد، قویا محکوم می کنیم.

۲۱- در بیانیه دو سال پیش «شورا» پیرامون «جنگ افروزی خامنه ای» اعلام کردیم: «اهداف خامنه ای از جنگ افروزی و صدور بحران به خارج از مرزها، علاوه بر سد بستن مقابل قیامهای در تقدیر و شرایط انفجاری جامعه، همراه با موج اعدامها و سرکوب، مقابله با پیمان ابراهیم و سیاستهای عربستان و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و کوبیدن میخ هژمونی در منطقه و طرف حساب شدن در سطح بین المللی با استفاده حداکثری از مماشات دولت آمریکا بود. مسأله اصلی در این جنگ افروزی، البته، مقابله با وضعیت انفجاری جامعه تحت تأثیر تورم، گرانی، فقر و ... بود که راهکارهای رئیسی پیرامون آن شکست کامل خورده بود».

در گزارش پیرامون آخرین اجلاس شورای ملی مقاومت ایران، که در روزهای ۵ و ۶ تیر ۱۴۰۵ برگزار شد، آمده است: «طی سالیان، شورای ملی مقاومت بارها و بارها تأکید کرد جنگ و مماشات قادر به مهار سیاست بنیادگرایانه رژیم ایران نیست و تجربه نشان داد که مماشات سرانجام منجر به جنگ ویرانگر می شود. این حقیقت را جنبش انقلابی و قیامهای دی ماه و جنگ اخیر ثابت کرد که هر گونه دخالت نظامی و خارجی و هر گونه جانشین سازی ارتجاعی استعماری و رباتیک، راه به جایی نمی برد و کسب آزادی و مبارزه برای رهایی از استبداد دینی حق و وظیفه مردم ایران و زنان و مردان آزادی خواه و نیروهای پیشتاز و شورشی است.

اعضای شورا تأکید کردند معامله و پول دادن و نفس دادن و فرصت دادن به این رژیم قرون وسطایی در هر شکل و به هر بهانه محکوم است و جز خسارت و زیان برای مردم ایران و برای منطقه و جهان حاصلی ندارد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۷ تیر ۱۴۰۵).

شهروندان ایران زمین که در تمامی آتش افروزیهای گذشته و حال رژیم ولایت فقیه به طور مستقیم و غیرمستقیم آماج خسارتهای انسانی، مالی و روانی آن بوده‌اند، هرگز در این جنگ ویرانگر در کنار حکومت نبوده‌اند و بسیج ورشکسته فاشیستی با لباس شخصی‌ها و سرسپردگان ولایت در میدانهای شهرهای بزرگ این واقعیت را به روشنی نشان داد.

در باره مسیری که سیاست خامنه‌ای به سوی جنگ ویرانگر طی کرد، مروری بر نقطه عطف فعال شدن بند ماشه یا اسنپ بک در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، شایان تأمل است. روز ۶ شهریور ۱۴۰۴ فرانسه، آلمان و بریتانیا طی نامه‌یی به شورای امنیت ملل متحد اعلام کردند که «مکانیسم ماشه» برای بازگرداندن تحریمهای سازمان ملل علیه ایران — که در چارچوب توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ تعلیق شده بودند — را فعال می‌کنند. در نامه سه کشور اروپایی آمده است: «عدم پایبندی رژیم ایران به برجام آشکار و عمدی است. تأسیسات ایرانی که از نظر گسترش سلاحهای هسته‌یی نگران‌کننده هستند، خارج از حوزه نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند. این رژیم هیچ توجیه غیرنظامی برای ذخایر اورانیوم بسیار غنی‌شده خود که در حال حاضر ۹ برابر بیشتر است ندارد. بنابراین برنامه هسته‌یی آن همچنان تهدیدی آشکار برای صلح و امنیت بین‌المللی است. اعلان فرآیند ماشه آغاز یک دوره ۳۰ روزه است که پس از آن قطعنامه‌های لغوشده قبلی شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانند بازگردانده شوند. این قطعنامه‌ها توسط شورای امنیت تصویب شده بودند و با توجه به تعهدات رژیم ایران در برجام لغو شدند».

خانم رجوی فعال شدن بند ماشه و اعمال قطعنامه‌های شورای امنیت را «دیر هنگام اما فوری و ضروری» توصیف کرد. همزمان عباس عراقچی حرکت سه کشور برای فعال کردن مکانیسم ماشه را «غیرقانونی و تأسفبار» اعلام کرد. وزیر خارجه آلمان گفت: «مکانیسم ماشه پایان دیپلماسی نیست. می‌تواند آغاز مرحله جدیدی از مذاکرات باشد. این به ایران بستگی دارد که دیگر از راه حل دیپلماتیک امتناع نکند».

دو روز پس از این رویداد، وبسایت حکومتی دیپلماسی ایرانی در مقاله‌یی با عنوان «سیاست انتحاری» یا «انعطاف دیپلماتیک» نوشت: «با ارسال نامه سه کشور اروپایی به شورای امنیت برای فعال سازی مکانیسم ماشه، روند بازگشت قطعنامه‌های پیشین علیه ایران وارد فاز عملیاتی شده است. از امروز تا ۳۰ روز آینده، تهران باید تصمیمی بگیرد که نه تنها بر آینده پرونده هسته‌یی، بلکه بر جایگاه منطقه‌یی و جهانی کشور نیز تأثیرگذار خواهد بود. با توجه به این موضوع، تهران در برابر دو مسیر کاملاً متفاوت قرار دارد: یا با سیاستهای تند و اقدامات متقابل راهی پرهزینه را انتخاب کند، یا با انعطاف و همکاری حساب شده فرصت تازه‌یی برای دیپلماسی بیافریند».

فعال شدن مکانیسم ماشه، تضادهای درونی رژیم را تشدید کرد. روز جمعه ۷ شهریور پزشکيان در پاسخ به آثار و تبعات مکانیسم ماشه گفت: «من اصلاً از اسنپ‌بک آنقدر واهمه ندارم که از اختلافات داخلی و یا درگیریهای داخلی واهمه دارم... گاهی از صدا و سیما و از مجلس صداهایی بیرون می‌آید که می‌خواهد این شکاف را بدتر بکند». این شکاف خطرش خیلی بالاتر از اسنپ‌بک است... الان اسنپ‌بک را خلیلیها می‌گویند بد است، همان آدمهایی که کل برجام را نمی‌پذیرفتند حالا می‌گویند دیدید اسنپ‌بک کردند، خب شما که اصلاً نمی‌پذیرفتید حالا می‌خواهید چی بگید؟».

در اولین واکنش، کیهان خامنه‌ای با درج کلیشه‌های روزنامه‌های طرفدار برجام نوشت: «خنجر مکانیسم ماشه، حاصل خودفريبیهای برجامی است».

روزنامه «ستاره صبح» مدعیان خروج از ان.پی.تی و بستن تنگه هرمز را جاسوس و نفوذی اسرائیل خواند و نوشت: «نفوذیهای اسرائیل عموماً با دادن شعارهای تند از طریق این جریان به مراکز حساس کشور نفوذ کرده‌اند».

رجانیوز وابسته به سعید جلیلی روز شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴ نوشت که دستگاه قضایی رژیم در برابر پرونده‌های فساد و سوءمدیریت دولت پیشین، به‌ویژه حسن روحانی و اطرافیانش، رویکردی منفعلانه در پیش گرفته است... صدها سکه طلا به ظریف، صالحی، عراقچی و دیگران اهدا شد، در حالی که نتیجه برجام به اذعان خودشان «تقریباً هیچ» بوده است. رجانیوز افزود بر اساس اعلام رسمی رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ارتجاع، دو پرونده مهم با صدها هزار شکایت علیه روحانی به قوه قضاییه ارجاع شده اما تاکنون بلا تکلیف مانده است.

این کشمکش‌ها بار دیگر ماهیت جنگ و جدال در درون دیکتاتوری ولایت فقیه را آشکار می‌سازد؛ جنگی که نه ربطی به عدالت دارد و نه به حقوق مردم، بلکه تلاشی است برای حفظ منافع جناح‌های قدرت در شرایط بحران زده کنونی.

وبسایت خامنه ای در ۵ مهر ۱۴۰۴ در واکنش به بازگشت تحریم‌ها با عنوان «سرمقاله جهش ایران» نوشت: «با آمادگی در چهار جبهه! ملت ایران در میانه تحولات پرشتاب منطقه‌یی و جهانی، بیش از هر زمان دیگر به آمادگی فراگیر نیاز دارد. تجربه جنگهای ترکیبی و فشارهای چندلایه علیه کشور نشان داده است که موفقیت جمهوری اسلامی تنها در سایه ارتقای همه جانبه توان ملی [بخوانید ماجراجویی] امکان پذیر است. امروز چهار میدان اصلی پیش روی ماست که هر یک به اندازه یک جبهه واقعی تعیین کننده‌اند: دفاعی، دیپلماسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی».

روز ۶ مهر ۱۴۰۴ قطعنامه های ششگانه شورای امنیت ملل متحد پس از ۱۰ سال تعلیق، بار دیگر اعمال شد. پیرامون این رویداد، خانم رجوی گفت: «رژیم بیشترین سوءاستفاده را از امتیازات توافق ۱۰ سال پیش به عمل آورده و درآمد نفت را صرف جنگ‌افروزی و سرکوب و صدور تروریسم و نیز برنامه موشکی و دستیابی به سلاح اتمی (شامل غنی‌سازی حداکثری) کرده است. اما طبق آمارهای بین‌المللی و اظهارات مقامات رژیم در حالی که صدور نفت از ژانویه ۲۰۲۱ تا ژانویه ۲۰۲۵ حدود ۶ برابر افزایش داشته است، وضع اقتصادی مردم بطور همه‌جانبه از جمله تورم، بیکاری، فقر و قیمت ارز به مراتب وخیم‌تر شده است.»

خانم رجوی افزود: «خامنه‌ای روز اول مهر گفت: "غنی‌سازی را از سی و چند سال قبل شروع کردند ... ما چون احتیاج به سلاح نداریم تا ۶۰ درصد بالا بردیم که رقم خیلی بالایی‌ست، رقم خیلی خوبی‌ست و برای برخی از کارهای مورد نیازمان در کشور لازم است ... دهها دانشمند و استاد مبرز، صدها دانش‌پژوه و هزاران تربیت شده گروههای هسته‌یی در حال فعالیت هستند. البته فشارها هم روی ما بسیار زیاد بوده اما ما تسلیم نشدیم و نخواهیم شد". به این ترتیب کاملاً روشن می‌شود که اگر ۱۳۳ رشته افشاگریهای مقاومت ایران در ۳۴ سال گذشته و مخصوصاً افشای تأسیسات مخفی اتمی در نطنز و اراک در اوت ۲۰۰۲ نبود، دیکتاتوری دینی و تروریستی اکنون به بمب اتمی مسلح بود و دنیا را در برابر عمل انجام شده قرار می‌داد. حال آن که اگر مماشات نبود، نیازی به جنگ نبود. جنگ اصلی از آغاز بین فاشیسم دینی با مردم ایران به ویژه زنان بوده است. اکنون هم حرف ما این است که راه حل نهایی تغییر رژیم بدست مردم ایران است، حق مقاومت در برابر رژیم ترور و قتل‌عام باید به رسمیت شناخته شود».

۲۲ - ساعاتی پس از شروع جنگ، خانم مریم رجوی، بر پایه اسناد مصوب شورا «دولت موقت جمهوری دموکراتیک» را به شرح زیر اعلام کرد:

«هموطنان عزیز، میهن ما در حاکمیت فاشیسم دینی درد و ویرانی بیشتری را تجربه می‌کند. در این شرایط سخت از همه شما به ویژه از جوانان غیور میهن می‌خواهم مراقب غیرنظامیان و عموم مردم مخصوصاً کودکان و سالخوردگان باشید. از آنها محافظت و به یکدیگر کمک کنید. اکنون زمان همبستگی است. قدرت ما در همبستگی و اتحاد خلقم‌ان در برابر دیکتاتوری دینی و بقایای فاشیسم سلطنتی است که برای به سرقت بردن انقلاب دموکراتیک خیز برداشته‌اند.

در این لحظه خطیر هموطنان و عموم نیروهای انقلاب دموکراتیک ایران را به هوشیاری و آمادگی فرا می‌خوانم.

در جنگی که امروز بر سر برنامه هسته‌یی و موشکی رژیم آخوندها درگرفته و مقاومت ایران از ۳ دهه پیش آن را افشا کرده بود طرفهای مقابل باید حداکثر مراقبت‌ها را در جلوگیری از وارد آمدن هرگونه آسیب جانی و مالی به مردم ایران و تأسیسات مدنی کشور به عمل آورند.

از عموم مردم به ویژه هواداران مقاومت و جوانان در کانون‌های شورشی و ارتش آزادی و عموم زنان و جوانان به پاخاسته می‌خواهم به یاری مردم آسیب‌دیده بشتابند.

تکرار می‌کنم که راه حل نهایی سرنگونی این رژیم و تعیین سرنوشت ایران به دست مردم و مقاومت سازمانیافته و فرزندان رشید میهن در کانونهای شورشی و صفوف ارتش آزادی است.

مسیر ما رو به آینده و استقرار یک جمهوری دموکراتیک است و نه بازگشت به دیکتاتوری مدفون گذشته.

شورای ملی مقاومت ایران بر اساس طرح ۱۰ ماده‌یی اعلام شده برای انتقال حاکمیت به مردم ایران دولت موقت را اعلام کرد. سابقه اعلام دولت موقت به مهر ماه ۱۳۶۰ برمی گردد.

پرسنل مردمی ارتش را فرا می‌خوانم که در کنار مردم ایران قرار گیرند. سپاه پاسداران و سایر نیروهای حفظ نظام باید سلاحهای خود را بر زمین گذاشته تسلیم مردم شوند. به جامعه بین‌المللی اعلام می‌کنم تنها مردم ایران مشروعیت تعیین آینده سیاسی کشور خود را دارند. ایران رژیم آن نیست. ایران مردم آن است و هیچ آینده‌یی برای ایران از بیرون تحقق نمی‌یابد. تنها توسط مردم ایران می‌توان آن را ساخت. همه را به حمایت از مردم ایران فرا می‌خوانم. مردم ایران همچنان که در قیام دی ماه نشان دادند خواهان آینده‌یی بر اساس یک جمهوری دموکراتیک‌اند و شاه و شیخ را نفی می‌کنند. میهن ما تلاطم‌های زیادی را پشت سر گذشته. این لحظه و این مقطع را هم پشت سر خواهد گذاشت. اما باید در جبهه خلق وحدت و همبستگی و امید را انتخاب کنیم و بهای آن را هم هر چه باشد بپردازیم».

دو روز پس از شروع جنگ (دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴) مسئول شورا با تأکید بر جنگ اصلی بین مردم و مقاومت ایران با استبداد دینی و مرزبندی نه شاه نه شیخ اعلام کرد:

«جنگ جنگها و آزمایش آزمایشات برای پایان ۱۰۰ سال استبداد و خجسته میلاد آزادی و جمهوری دموکراتیک. خامنه‌ای مرد، خلق زنده می‌شود، به شرط این‌که نگذاریم محصول رنج و خون و مقاومت ۴۷ ساله در برابر شیخ خون‌ریز و رژیم ولایت فقیه را دنبالچه شاه ستمگر و فاشیسم سلطنتی سرکوبگر به سرقت ببرد.

خمینی در آستانه ۹۰ سالگی حکم قتل‌عام مجاهدین را نوشت. آخرین آزمایش خامنه‌ای هم در ۸۷ سالگی، آن "کیسه‌های سیاه" کشتار قیام دیمه بود. رؤیت همان مقدار از اجساد شهیدان در آن کیسه‌ها که خودش از تلویزیون حکومتی برای ارباب شورشگران به تماشا گذاشت، دل عالمی را ریش می‌کرد. لرزاننده بود و از قساوتی بی‌حد و مرز حکایت می‌کرد. به راستی که دل مادران و پدران شهیدان "خونابه غم بود و جگرگوشه درد بر سر آتش جور". جور ولایت و "سلطنت مطلقه فقیه" را می‌گویم که ورد زبان خمینی بود. آه که در دهه ۶۰ در همین حد هم به گفته اشرف شهیدان "جهان خبردار نشد" که در ایران چه گذشت.

بگذریم و به امروز بپردازیم: در ایران اکنون چه می‌گذرد و موضوع چیست؟

موضوع این است که پس از ۴۷ سال رنج و خون و فدا، رسیده‌ایم به جنگ جنگها و آزمایش آزمایشات.

۱۲۰ سال است که این ملت در قفای آزادی در خروش و در غوغاست. از ستارخان و باقرخان تا کوچک‌خان و مصدق و فاطمی و پدر طالقانی تا حنیف و خیابانی و اشرف. به موازات و به ترتیب شهادت، باید از دکتر ارانی و خسرو روزبه و پویان و احمدزاده و جزنی و پاک‌نژاد نام برد، هر چند که فهرستی ناقص است. من محضر ۸ تن از این یاران خاموش اما تابان و پرخروش را درک کرده و با آنها بسیار گفت و شنود داشته‌ام. سیمای مجسم شرف و حریت تاریخ معاصر ایران بودند.

مجاهدین ۶۰ سال از این ۱۲۰ سال را بدون یک روز یا حتی یک ساعت وقفه و تعطیل یا مرخصی، دست‌اندرکار مبارزه و درگیر جنگ و مقاومت بوده‌اند. وقتی می‌گویم اکنون به جنگ جنگها رسیده‌ایم، بسا فراتر از جنبه نظامی، جنگ جاری در میهن‌مان، یک تمامیت سیاسی اجتماعی و نظامی و ایدئولوژیکی است. در واقع یک تمامیت تاریخی به درازای ۱۲۰ سال است. جنگ بین ناخدای استبداد با خدای آزادیست. آزادی، خجسته آزادی.

کشاکش میان "گذشته" و "حال" با "آینده" است. جنگ ارتجاع و ترقی است.

این سرفصل، که لیلۀ قدر و تعیین سرنوشت خلق و میهن است، در عین حال آزمایش آزمایشهای تمام افراد و گروهها در جبهه خلق است. تاریخ بر ما داوری خواهد کرد که در برابر اژدرهای ۱۰۰ ساله شاه استعماری و سلطنت دینی و انواع اپورتونیسم چه می‌کنیم و در کجا ایستاده‌ایم.

دولتها، آلترناتیو و ایران آزاد و مستقل را بر نمی‌تابند مگر این‌که چاره دیگری نباشد. آنچه بعضاً در این منطقه برای برگرداندن ما به گذشته می‌کنند، بر کسی پنهان نیست. پروپاگاندا و تحریف تاریخ با "فیک" و تقلب و صحنه‌سازی و رقم‌سازیهای شگفت، مضافاً بر سانسور قرن بیداد می‌کند. گویی ایران باید اسیر و وابسته بماند و کماکان در مدار شیخ و شاه در دور باطل بچرخد.

ما بر آنیم که این دور باطل را در هم بشکنیم. فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم. طرح دولت موقت برای انتقال قدرت و حاکمیت به جمهور مردم که در تاریخچه مقاومت ایران قدمتی ۴۴ ساله دارد.

بار خدایا جبهه خلق و یکایک ما را در جنگ جنگها و آزمایش آزمایشات، برای پایان دادن به ۱۰۰ سال استبداد، همزمان با اعلام دولت موقت برای انتقال حاکمیت به مردم ایران و برپایی جمهوری دموکراتیک، بر اساس برنامه ۱۰ ماده ای مریم و شورای ملی مقاومت ایران مدد کن. باشد که توان پرداخت بهای آن را داشته باشیم؛ باشد که جوانان بلندهمت شورشگر تا به آخر عزم جزم کنند و در این آزمایش تاریخی سرفراز شوند؛ باشد که در پایان شب سیه صد ساله سپیده سحر بدمد و مهر تابان آزادی در ایران طلوع کند».

۲۳- هلاکت خامنه ای و برآمد آقازاده، ولایت موروئی - در اولین دقیقه های جنگ، آخوند تبهکار علی خامنه ای و شماری از سرکردگان نیروهای نظامی و امنیتی به هلاکت رسیدند. رسانه های حکومتی روز ۱۰ اسفند از کشته شدن موسوی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح رژیم؛ پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران، شمخانی، مشاور فرمانده کل قوا و دبیر شورای دفاع و نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح خبر دادند.

به دنبال هلاکت علی خامنه ای، طبق قانون اساسی رژیم یک شورای رهبری شامل سران سه قوه و یک فقیه شورای نگهبان، وظایف ولی فقیه را عهده دار شدند. رسانه های حکومتی صبح یکشنبه ۱۰ اسفند اعلام کردند: تا هنگام معرفی جانشین خامنه ای، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف ولی فقیه را به طور موقت به عهده می گیرد. رسانه های رژیم متعاقباً خبر دادند که مجمع تشخیص مصلحت نظام، آخوند علیرضا اعرافی از فقهای شورای نگهبان و نایب رئیس خبرگان ارتجاع را به عنوان عضو شورای موقت رهبری معرفی کرده است.

چنان که در مقدمه این بیانیه گفته شد سرانجام خبرگان ارتجاع در روز ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ مجتبی خامنه ای را به عنوان سومین رهبر نظام «تعیین و معرفی» کرد. دو روز بعد رسانه دیده بان ایران (۱۹ اسفند ۱۴۰۴) به نقل از یک عضو خبرگان نوشت: «الحمدالله بیش از دو سوم اعضای مجلس خبرگان جمع شدند و البته به خاطر شرایط امنیتی شاید به بعضیها هم خبر نرسید یا نتوانستند بیابند ولی اکثریت قریب به اتفاق بحمدالله شرکت کردند و بحث شد و گزینه هایی مختلف مطرح شد و آیت الله سید مجتبی خامنه ای [۵۶ ساله] با رأی حدود ۸۵ درصد افراد حاضر در مجلس انتخاب شد».

سه ماه بعد رسانه رویداد ۲۴ روز ۱۲ خرداد، کلیپی از آخوند محسن حیدری آل کثیر، عضو مجلس خبرگان را منتشر کرد که در باره جلسه خبرگان برای تعیین جانشین خامنه ای می گوید: «کم کم بقیه هم رسیدند و هیأت رئیسه هم جمع شدند. پس از قرائت قرآن اعلام کردند این جلسه صرفاً برای رأی گیری درباره رهبر و هیچ بحث و گفتگوی دیگه ای انجام نمیشه. اوضاع خطرناکه و احتمال کشف محل و بمباران هم هست. بعد یکی از این افراد که شرکتش در جلسه غیرقانونی بود دو نفر را به عنوان گزینه مطرح کرد: صادق لاریجانی و علیرضا اعرافی. حضور او از نظر قانونی مشکل داشت چون طبق قانون اگر قرار باشد فردی خارج از مجلس خبرگان در جلسه رسمی اون شرکت کنه باید مقدمات خاصی طی بشه. وقتی اسم این افراد مطرح شد بعضی از حاضران ناراضی بودند. اون شخص که در بمباران بیت رهبری زخمی شده بود و با عصا و کمک راه می رفت هم حضور داشت و گفت که جای بحث نیست اینجا. در آن لحظه احساس کردم که باید حرف بزنم. ایستادم و رو به آقای بوشهری گفتم ما در مکتب امامان انقلاب تربیت شدیم؛ امام خامنه ای و امام خمینی. اونا معیاری برای تشخیص حق از باطل به ما دادن و آن نگاه به موضع دشمنه. گفتن اگه موضع دشمن به کسی مثبت بود او رو کنار بذارید و اگه منفی بود به طرفش برید. در میان نامزدهای مجلس خبرگان او فقط با یه نفر مخالفت کرده با مجتبی خامنه ای، او رو فردی نامناسب می دونه گفته او فرزند علی خامنه ای و صلاحیت رهبری نداره و ممکن نیست رهبر بشه. این موضع ترامپ بود بنابراین بر اساس همین معیار و با توجه به دشمنی دشمنان اسلام ما جز به آیت الله سید مجتبی خامنه ای به کسی رأی نخواهیم داد آیت الله سید مجتبی خامنه ای. وقتی این حرف ها رو با صدای بلند زدم بسیاری از اعضا بلند شدن و با تکبیر تأییدش کردن. بعد افراد دیگه ای هم حرف زدن از جمله آقای احمد خاتمی امام جمعه تهران و عضو شورای نگهبان که گفت ما باید کسی را انتخاب کنیم که وقتی ترامپ اسمش رو می شنوه آخ بگه و همین طور اگه محمد خاتمی اسمشو بشنوه آخ بگه. آخ یعنی دردشون

اومده و اون شخص کسی نیست جز سید مجتبی خامنه‌ای. سید محمد خاتمی آخ میگه. در ادامه هیأت رئیسه تلاش کرد فضا رو آروم کنه و گفتن حالا وقت رأی‌گیری نه بحث. در نهایت رأی‌گیری انجام شد و ۵۹ نفر به سید مجتبی رأی دادن ۸ نفر هم به آقای اعرافی رأی دادن و یک رأی هم باطل شد به این ترتیب با اکثریت حدود ۸۵ درصد انتخاب طبق قانون مجلس خبرگان انجام شد».

چند روز بعد، جماران نیوز ۱۶ خرداد کلیپی از اظهارات آخوند پیشنهادی، عضو دیگر خبرگان را منتشر کرد که در جلسه‌یی در استانداری مازندران در باره جلسه تعیین جانشین خامنه‌ای چنین می‌گوید: «الحمدالله مکان خاصی مدّ نظر قرار گرفت. خب دیگه، اون مکان امکانات مطلوب یه جلسه پارلمانی رو نداشت. فضا برای صحبت کم بود. عزیزان در همون جای خودشون صحبت‌هایی می‌کردند. اما چند تا نکته عرض کنم نکته اول عزیزان، حتی یک نفر از اعضای خبرگان رهبری راجع به غیر رهبر عزیز ما سخن نگفت. اگر حرفه‌ایی بیرون مطرح می‌شود حرفه‌ایی است که مبنایی ندارد. نکته دوم: این برنامه ضبط شد، یک چیز ماندگار نیست، سند نیست چون دو تا دیدگاه بود جلسه انتخاب غیرحضورى بشود به خاطر شرایط سخت جنگی اون ایام، جمع زیادی از عزیزان، خود بنده، تأکیدشون این بود که باید حضوری باشد. مطلب مطلب مهمی است. این، فردا اگر غیرحضورى باشه با تردیدها، تشکیک‌ها می‌تونه روبرو بشه. جلسه حضوری برگزار شد بحمدالله. این نکته مهم بود. نکته بعدی که عرض کردم رأی مکتوب بود اما خب غیرعلنی. یعنی این نبود که نوشته معلوم بشه کی به کی رأی داده است لذا این که گفته بشود کی به چه کسی رأی داده است حرف غلطیه. این که ۱۰ نفر به فلان کس رأی دادن ۲۰ نفر به فلان کس این اتفاق نیفتاد این شایعاتی است که مطرح است... اصلاً عدد فرصت نشد خونده بشه که بگیم ۵۰ و خرده یی عدد فلان، ۱۰ تا فلان، این حرفا حرفه‌ای بی‌مبنایی‌ست. اونچه که خونده شد این بود که وقتی ایشون سریع دیدن فرمودن که خبرگان رهبری با رأی قاطع، حضرت آیت الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رو انتخاب کردند».

۲۴- درباره حاصل سیاسی نشست مجتبی خامنه‌ای به تخت ولایت موروثی، مسئول شورای ملی مقاومت گفت: «پس از ۳۶ سال و ۹ ماه از سلطنت خامنه‌ای، ولی فقیه «کینگ مجتبی خامنه‌ای دوم» بر تخت ولایت نشست! ولایت فقیه هم موروثی شد! حاصل سیاسی آن، قبل از هر چیز، پس زدن و پرتاب بچه شاه به عقب است. یعنی تا وقتی آن یکی هست و تعیین تکلیف نشده، قیمت این یکی در بازار سیاست داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی کیفاً کمتر است. اگر کسی می‌خواست بچه‌شاه را بر تخت بنشاند باید او را بلافاصله پس از هلاکت خامنه‌ای «صدا می‌زد» و به رسمیت می‌شناخت. اما یک هفته گذشت نه از بالا و نه از پایین خبری از «صدا و رضا» نشد و خبرگان، مجتبی را در یک هفته «آیت‌الله» کرد و بر تخت نشاند. در حالی که حتی یک روز هم نباید به خبرگان فرصت می‌دادند. این نکته را زودتر از همه، حسن روحانی رئیس‌جمهور اسبق رژیم و شاهزاده حسن خمینی دریافتند و سریع و خاضعانه بیعت کردند.

در زورآزمایی‌های پیشین هم دیدیم که خامنه‌ای در مقام ولایت، رقیبان قدرتمندی مانند «اکبر شاه» و خاتمی و موسوی و روحانی را، که تقاضای فراندوم هم داشت، یکی پس از دیگری، در هم پیچید و کنار گذاشت. اکنون در جنگ شاهزادگان هم دیدیم که مجتبی، حسن و رضا را در هم پیچید! این معنی مشخص انتخاب بچه خامنه‌ای در عرصه سیاسی و جنگ جانشینی در میان ورثه شیخ و شاه است» («پیام نوروز» ۱۴۰۵).

خلیفه سوم ارتجاع در اولین موضع‌گیری پیرامون جنگ در پیام خود به مناسبت عید نوروز گفت: «...این جنگ، بعد از ناامیدی دشمن از حرکت مردمی چشمگیر به نفع خودش، و با این توهم صورت گرفت که اگر رأس نظام و عده‌یی از مؤثرین نظامی‌ها را به شهادت برساند، در شما مردم عزیزمان ترس و یأس ایجاد کرده، موجب ترک عرصه از سوی شما شده و از این طریق رؤیای تسلط بر ایران و سپس تجزیه آن را تحقق خواهد بخشید... شما قبلاً در ۲۲ دی کودتا را سرکوب کردید و در ۲۲ بهمن بار دیگر ضدیت خود با استکبار جهانی، و خستگی‌ناپذیری خود را نشان دادید و در ۲۲ اسفند، که مصادف با روز قدس بود، با زدن این ضربه به او فهمانیدید که سر و کارش فقط با موشک و پهپاد و اژدر و امور نظامی نیست... توصیه‌ام به رسانه‌های داخلی کشورمان، با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی که ممکن است داشته باشند این است که از پرداختن به نقاط ضعف، به‌طور جدّی، خودداری کنند، در غیر این صورت امکان وصول دشمن به مقصودش وجود دارد...»

ثالثاً یک روزنه امید دشمن، بهره‌گیری از ضعفهای اقتصادی و مدیریتی است که از دیرباز شکل گرفته است. رهبر شهیدمان، اعلی‌الله مقامه، در سالهای مختلفی محور اصلی و شعار سال را متوجه امر اقتصاد کرده بودند، به‌نظر قاصر این حقیر هم تأمین معیشت مردم و ارتقای زیرساختهای زیستی و رفاهی و تولید ثروت برای عموم مردم، نکته کانونی و نوعی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی، که دشمن به‌راه انداخته تلقی شود...

و در آخر این قسمت با تأسی به رهبر عظیم‌الشأن شهید، شعار امسال را "اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی" اعلام میدارم.

رابعاً و آخراً آنچه بنده در بیانیه نخستین در مورد دیدگاه و سیاست نظام در باب مراوده با کشورهای همسایه ذکر کرده‌ام، امری جدی و واقعی است...

در همین‌جا می‌خواهم تقاضا کنم که دو کشور برادرمان یعنی افغانستان و پاکستان باید برای رضای الهی و عدم شقّ عصای مسلمین هم که شده، روابط بهتری با هم برقرار سازند و بنده به‌سهم خود حاضر به اقدامات لازمه هستم.

همچنین متذکر می‌شوم حملاتی که در ترکیه و عمان، که هر دو با ما روابط مناسبی دارند، علیه بعضی از نقاط این کشورها صورت گرفته به‌هیچ‌وجه از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سایر نیروهای جبهه مقاومت نبوده است، این حمله‌یی است که دشمن صهیونی با استفاده از ترغیب دروغین برای ایجاد تفرقه بین جمهوری اسلامی و همسایگانش صورت میدهد و ممکن است در بعضی کشورهای دیگر هم اتفاق بیفتد، بقیه مطالب مربوط به این بخش را قبلاً ذکر کرده‌ام. سید مجتبی حسینی خامنه‌ای ۲۹ اسفند ۱۴۰۴.

۲۵ - جنگ چهل روزه، ادامه جنگ دوازده روزه: شروع جنگ در روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی نبود. این جنگ از نظر خصلت و ماهیت، ادامه جنگ ۱۲ روزه است که در بیانیه سال پیش شورا به طور جامع و شفاف پیرامون آن اعلام موضع کردیم. یادآوری برخی نکات مندرج در آن بیانیه به خاطر این است که آن چه در آن موقع گفته شد، بیان، تفسیر و تحلیل امروز است:

در مقدمه آمده بود: «دخالت‌های منطقه‌یی و سیاست‌های جنگ‌افروزانة خامنه‌ای، سرانجام، ایران را وارد یک جنگ ویرانگر کرد که هنوز تمامی ابعاد آن روشن نشده است.

حقیقت این است که عامل حمله بامداد جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) به سرزمین ایران، اسرائیل بود، امّا هیچ‌کس جز خامنه‌ای و سپاه پاسداران مسئول کشاندن ایران به این درگیری و پیامدهای آن از جمله کشتار غیرنظامیان و مردم غیرنظامی نیست. واقعیت این است که جنگ خارجی و آلترناتیوسازی با مبارزه مردم ایران علیه استبداد مذهبی سازگاری و همخوانی ندارد و بنابراین مردم ایران هرگز از جنگ خارجی استقبال نمی‌کنند.

از این رو در همان روز (جمعه ۲۳ خرداد) مسعود رجوی در پاسخ به خامنه‌ای گفت: "ملت ایران با فرزندان رشیدش درصدد جنگ اصلی با قیام و سرنگونی است، مگر این‌که مانند جنگ ۸ ساله رژیم و عراق "واپس بتمرگید" و "جام زهر" بخورید! پس از سقوط بشار اسد بار دیگر گفتیم بفرمایید مذاکره کنید و زهر میل کنید! راستی نتیجه ۵ دور مذاکره جز غافلگیری بزرگ چه بود؟!».

هم چنین در متن بیانیه سال پیش شورا آمده بود:

«در یک موضعگیری ماندگار دیگر در بحبوحه جنگ، رئیس‌جمهور برگزیده شورا پس از حمله آمریکا به سایتهای اتمی رژیم در روز اول تیر ۱۴۰۴ اعلام کرد: "مردم ایران از پایان جنگ استقبال می‌کنند و صلح و آزادی می‌خواهند. خامنه‌ای مسئول یک پروژه ضد ملی است که علاوه بر جانهای بسیار، لااقل دو تریلیون دلار برای مردم ایران هزینه داشت و حالا دود شده است. نه مماشات، نه جنگ، سرنگونی دیکتاتوری دینی به دست مردم و مقاومت ایران. پیش‌به‌سوی ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک غیراتمی با جدایی دین از دولت و برابری زن و مرد».

روز ۳ تیر ۱۴۰۴ نیز بلافاصله پس از اعلام آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه توسط رئیس جمهور آمریکا، مریم رجوی بلادرنگ، با "استقبال از آتش‌بس و پایان جنگ خارجی" و "تأکید مجدد برخواست مردم ایران، آزادی و پیروزی در جنگ سرنوشت با فاشیسم مذهبی"، اعلام کرد: "پیشنهاد آتش‌بس و پایان جنگ، یک پیشروی برای راه‌حل سوم است: نه جنگ، نه مماشات. بگذارید مردم ایران خود در جنگ سرنوشت، خامنه‌ای و دیکتاتوری ولایت‌فقیه را به‌زیر بکشند. مردم ایران در مبارزات یکصد ساله خود با بهای سنگین و خونین با قیامهای پی‌درپی بر دیکتاتوریه‌های شاه و شیخ دست زده‌اند. تکرار می‌کنم که ما خواهان یک جمهوری دموکراتیک غیراتمی با جدایی دین از دولت و برابری زن و مرد و همچنین خودمختاری ملیتها در ایران هستیم. این، صلح و دموکراسی و حقوق بشر و ثبات و سازندگی و دوستی و همکاری و توسعه اقتصادی را برای منطقه و جهان به‌همراه دارد."

خامنه‌ای دو روز پس از آتش‌بس، با روایت مضحکی از جنگ ۱۲ روزه دم از پیروزی زد و با تبریکات پوشالی گفت: "یکی تبریک پیروزی بر رژیم جعلی صهیونیست. با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، رژیم صهیونی در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد... تبریک دوم مربوط به پیروزی ایران عزیزمان بر رژیم آمریکاست. رژیم آمریکا وارد جنگ مستقیم شد، چون احساس کرد که اگر وارد نشود، رژیم صهیونیستی به‌کلی نابود خواهد شد. وارد جنگ شد برای این‌که او را نجات بدهد، لکن هیچ دستاوردی از این جنگ نداشت. به مراکز هسته‌یی ما حمله کردند اما نتوانستند کار مهمی انجام بدهند. اینجا هم جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً جمهوری اسلامی سیلی سختی به گونه آمریکا نواخت؛ به یکی از پایگاههای مهم آمریکا در منطقه، پایگاه العدید، حمله کرد و خساراتی وارد کرد." (سایت خامنه‌ای، ۵ مرداد ۱۴۰۴)

ظهور بعدی خامنه‌ای و اولین سخنرانی‌اش پس از جنگ ۱۲ روزه در روز چهارشنبه ۲۵ تیر در جمعی از سرکردگان قضاییه جلادان بود. در این سخنرانی هم تلاش کرد به ولایت وارفته روحیه بدهد و گفت: "ما هم در میدان دیپلوماسی، هم در میدان نظامی هر وقت وارد بشویم با دست پر وارد خواهیم شد. دستان پر است، هم در زمینه دیپلوماسی دستان پر است، هم در زمینه نظامی، البته ما در این قضیه مهمی که پیش آمد، در این حادثه اخیر، ما از جنگ استقبال نکردیم. ما رژیم صهیونیستی را سرطان می‌دانیم. رژیم آمریکا را هم به خاطر پشتیبانی از او جنایتکار می‌دانیم اما ما از جنگ استقبال نکردیم ما به پیشواز جنگ نرفتیم ولی وقتی دشمن حمله کرد پاسخ ما کوبنده بود. ما در جنگ محکم وارد شدیم دلیلش هم این است که رژیم صهیونیستی که طرف مقابل جنگ بود مجبور شد به آمریکا متوسل بشود. اگر خم نشده بود، اگر به زمین نچسبیده بود، اگر احتیاج نداشت، اگر قادر بود از خودش دفاع کند؛ این جور متوسل به آمریکا نمی‌شد. این مربوط به رژیم صهیونیستی است. در مورد آمریکا هم همین جور، آمریکا هم که حمله کرد ضربه متقابل ما به آمریکا ضربه خیلی حساسی بود."

در باره این سخنان، مسعود رجوی گفت: "خامنه‌ای دلش خوش است که سرنگون نشده، از این بهتر و بیشتر نمی‌شد به تهدید موجودیت و سرنگونی رژیم اذعان کرد. به‌رغم شکست مفتضح سیاسی و نظامی، می‌گوید هر وقت وارد بشویم، هم در دیپلوماسی و هم در زمینه نظامی دست پر وارد خواهیم شد. ببینیم و تعریف کنیم! از این‌رو، باز هم می‌گوییم شب دراز است و قلندر قیام بیدار و در انتظار..."

خامنه‌ای در همین سخنرانی (۲۵ تیر)، به سرکردگان نظام توصیه کرد دهانشان را ببندند و حرف‌هایی که "مضر است" نزنند. او گفت: "ایرادهای غیرلازم را به میان کشیدن و درباره‌اش بحث کردن و جنجال کردن، این مضر است."

دلیل آن توصیه نیاز به توضیح ندارد. کیهان، رسانه ویژه آتش به اختیاران ولی‌فقیه، یک روز پیشتر ۲۴ تیر ۱۴۰۴، مذاکره و غافلگیری را جمع‌بندی کرده و درمورد نتایج آن از جمله نوشته بود: "تزلزل پایه‌های عزت و غیرت و بی‌محتوا شدن حکمت و مصلحت در دستگاه سیاسی و دیپلوماسی در صورت حضور مجدد بر سر میز مذاکره‌یی که به گفته رئیس‌جمهور محترم و رئیس دستگاه دیپلوماسی توسط آمریکا منهدم شده است!"

- تحقیرآمیز بودن حضور مجدد ایران بر سر میز مذاکره، پس از برملا شدن ۵ دور مذاکره پوششی فریبکارانه برای کسب فرصت و حمله غافلگیرانه علیه جمهوری اسلامی ایران.

- بی‌پاسخ ماندن "هوشمندی، عقلانیت و شرافتمندی" مطرح شده از سوی رهبری انقلاب در اذهان عمومی مردم در رد مذاکره با آمریکا.

- انفعال، تزلزل و به‌هم‌ریختگی در نظام تصمیم‌سازی سیاسی جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم خیانت و جنایت آمریکا پس از ۵ دور مذاکره..."

یک ماه بعد، در روز ۲۲ مرداد، سلحشوری، عضو سابق مجلس با کنایه به خامنه‌ای که گفته بود جنگ نمی‌شود و مذاکره نخواهیم کرد، نوشت: "جمهوری اسلامی با دکترین "امت اسلامی"، نه امتی ساخت، نه ملت ایران را نگه داشت. از ایران ویرانه ماند، از امت اسلامی نفرین و تنفر برایش ماند. "عزت و حکمت" را با "نه جنگ، نه مذاکره" به باد داد، و هم جنگ شد، هم مذاکره، و حالا در حفظ ایران هم درمانده..."

در همین روز، روحانی رئیس‌جمهور پیشین ولایت سربرداشت و ضمن پیش کشیدن سؤال از مردم بر سر مسائل اقتصادی یا سیاست خارجی، گفت: "باید استراتژی نوینی را طراحی کنیم."

محسن هاشمی رفسنجانی روز ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ در تلویزیون حکومتی گفت: "آن چیزی که فکر نمی‌کردیم - و حتی مقام معظم رهبری هم فکر نمی‌کردند که جنگ اتفاق بیفتد و می‌گفتند که مذاکره نمی‌کنیم جنگ هم اتفاق نمی‌افتد- اتفاق افتاد... باید تصمیم‌های سخت را هر چه زودتر بگیریم اگر نگیریم می‌تواند برایمان خُسرانهای انکار ناپذیر داشته باشد..."

از سوی دیگر، شریعتمداری نیابتی خامنه‌ای در کیهان (۲۰ مرداد ۱۴۰۴) در کشاکش جنگ یا مذاکره در درون نظام خطاب به پزشک‌یکان، نوشت: "آقای رئیس‌جمهور این دو قطبی واقعی نیست. برخی از دولتمردان به گونه‌یی پاسخ می‌دهند که انگار بین مذاکره و جنگ باید یکی را انتخاب کنیم! مفهوم دیگر این دیدگاه آن است که یا بایستی از طریق مذاکره در مقابل خواسته‌های آمریکا سر تسلیم فرودآوریم و یا در جریان جنگ به خواسته‌های آمریکا تن بدهیم!..."

خامنه‌ای به منظور حفظ هژمونی و مواجهه با دوران پساجنگ، در سیاستی شیادانه، ساز دم‌زدن از کلمات "ایران" و "ملت ایران" را کوک کرد و حرفهای خودش در مقام ولی‌امر مسلمین جهان را هم از قول "ملت ایران" عرضه می‌کرد. در واکنش به این ترفند ولی‌فقیه ارتجاع، مسئول شورا در یکی از پیام‌هایش از او پرسید: "راستی "امت اسلام" چه شد؟ سر و کله "ملت ایران" چرا و از کجا پیدا شد؟ پس چرا با آن همه تقاضای ما در سال ۵۸ و ۵۹ برای این‌که لااقل اسم مجلس شورای ملی را عوض نکنید، برچسب "منافق" زدید و مخالفت کردید؟" (۲۸ خرداد ۱۴۰۴).

این "ملی‌گرایی" پوشالی که با ادبیات "دفاع مقدس" و "فتح قدس از طریق کربلا" در جنگ ۸ ساله ضدمیهنی غنی‌سازی می‌شد، به وضوح در خدمت توجیه خطوط ارتجاعی و ضدایرانی بود و به لقل زبانی مداحان و روضه‌خوانهای دربار خلافت، نمایندگانش در جمعه بازارها و سخنگویان دولت و سپاه تحت‌امر، تبدیل شد. اما سر بازکردن سریع‌السیر تضادها در سرتاپای نظام، به نمایشهای زودگذر "وحدت ملی" چندان امان نداد.

در این میان، درخواست برگزاری رفراندوم برای تأسیس مجلس مؤسسان و تغییر قانون اساسی رژیم از سوی میرحسین موسوی، نخست‌وزیر پیشین نظام، به دجالبازی خلیفه ضربه وارد کرد.

موسوی که از سال ۱۳۸۹ تاکنون به‌دستور خامنه‌ای همراه با همسرش در حصر خانگی بسر می‌برد، در بیانیه‌یی که در ۲۰ تیر (۱۷ روز پس از آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه) منتشر شد، به طرح درخواستهای خود از "حکومت" پرداخت و نوشت: "مردم پس از آن‌چه گذشت انتظاراتی از حکومت دارند که بی‌پاسخ ماندنشان دشمن را شاد می‌کند. در کوتاه‌مدت، اقداماتی سریع و نمادین چون آزادی زندانیان سیاسی و تغییر واضح در رویکردهای رسانه ملی کمترین توقعات است." وی افزود: "برگزاری رفراندوم برای تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی، راه را برای تحقق حق تعیین سرنوشت مردم هموار و دشمنان این مرز و بوم را از دخالت در امور کشور مأیوس می‌کند..." قبل از آن هم در مرداد ۱۴۰۱ در مورد گمانه‌زنی‌ها درباره جانشینی بچه خامنه‌ای به عنوان رهبر بعدی رژیم نوشت: "زبان‌شان لال! مگر سلسله‌های ۲۵۰۰ ساله بازگشته‌اند که فرزندی پس از پدرش به حکومت برسد؟".

... ضربه‌یی را که پیام موسوی به بساط "وحدت" خامنه‌ای در داخل رژیم زده نمی‌توان و نباید کتمان کرد. هم‌چنان که خدمات بچه شاه به رژیم و مشخصاً تفرقه‌اندازی با شاه‌پرستی ارتجاعی و استعماری به سود خامنه‌ای و سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، قابل انکار نیست» (بیانیه سالانه شورا - مرداد ۱۴۰۴).

۲۶ - برد - برد در حرف ، جنگ - جنگ در عمل: پیش از شروع جنگ ۴۰ روزه رئیس جمهور آمریکا طیف وسیعی از «گزینه‌های نظامی» را در نظر داشت اما تکرار می‌کرد که «همچنان دیپلماسی» را ترجیح می‌دهد. روز ۳۰ بهمن ۱۴۰۴، وبسایت بیلد نوشت: «آیا دونالد ترامپ (۷۹ ساله) رئیس جمهور آمریکا به رژیم ایران حمله می‌کند؟ او در سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه "شورای صلح" خود، کاملاً بی‌سروصدا به این موضوع اشاره کرد. او از بمباران تأسیسات هسته‌ای ملاحا توسط آمریکا در ژوئن گذشته و صلح "فوری" متعاقب آن در خاورمیانه تمجید کرد. سپس احتمال جنگ را مطرح کرد. رئیس جمهور آمریکا گفت: "حالا ممکن است مجبور شویم یک قدم جلوتر برویم، یا شاید نه. ممکن است به توافق برسیم. احتمالاً در ده روز آینده متوجه خواهید شد". بنابراین تصمیم در مورد جنگ در این بازه زمانی گرفته خواهد شد! بعداً، او دوباره به ملاحا اشاره کرد: "ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. اگر آنها سلاح هسته‌ای داشته باشند، صلحی در خاورمیانه نمی‌تواند وجود داشته باشد. این موضوع به آنها خیلی واضح گفته شده است..."».

وال استریت ژورنال روز جمعه اول اسفند ۱۴۰۴ نوشت: «رئیس جمهور ترامپ در حال بررسی یک حمله نظامی محدود اولیه به ایران است تا آن را مجبور به پذیرش خواسته‌هایش برای توافق هسته‌یی کند، گامی که برای فشار آوردن به تهران برای رسیدن به توافق طراحی شده است، اما به اندازه یک حمله تمام عیار که می‌تواند الهام‌بخش یک انتقام بزرگ باشد، نیست. افراد آشنا با این موضوع گفتند که حمله اولیه، که در صورت صدور مجوز می‌تواند ظرف چند روز انجام شود، چند سایت نظامی یا دولتی را هدف قرار خواهد داد. اگر ایران همچنان از پیروی از دستور ترامپ برای پایان دادن به غنی‌سازی هسته‌ای خود امتناع ورزد، ایالات متحده با یک کمپین گسترده علیه تأسیسات رژیم - که احتمالاً با هدف سرنگونی رژیم تهران است - پاسخ خواهد داد».

در همین روز (اول اسفند) وبسایت کاخ سفید سخنان رئیس جمهور آمریکا را منتشر کرد. ترامپ گفت: «همانطور که می‌دانید، ایران در حال حاضر در یک نقطه بحرانی است و آنها (ویتکاف و جرد کوشنر) در حال ملاقات هستند و رابطه خوبی با نمایندگان ایران دارند. و می‌دانید، مذاکرات خوبی در حال انجام است. در طول سال‌ها ثابت شده است که رسیدن به یک توافق معنادار با آنها آسان نیست. ما باید یک توافق معنادار داشته باشیم، در غیر این صورت اتفاقات بدی رخ می‌دهد، اما ما باید یک توافق معنادار داشته باشیم. اما آنها رابطه بسیار خوبی با نمایندگان ایران دارند. آنها رابطه بسیار خوبی با طرف دیگری دارند که اکنون واقعاً روی آن کار می‌کنند، زیرا بسیاری از اینها - منظورم این است که، به عنوان مثال، کوزوو، صربستان - من آن را انجام دادم...»

در همین روز آکسیوس نوشت: «ترامپ می‌گوید ظرف ۱۰ تا ۱۵ روز آینده درباره بمباران ایران تصمیم خواهد گرفت. مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی به "آکسیوس" می‌گویند که یک عملیات نظامی علیه ایران احتمالاً به صورت یک کارزار گسترده و چند هفته‌یی خواهد بود و می‌تواند ظرف چند روز آغاز شود. ترامپ روز پنجشنبه در نشست "شورای صلح غزه" در واشینگتن گفت: "اکنون ممکن است مجبور شویم گامی فراتر برداریم یا شاید هم نه. شاید با ایران به توافق برسیم. شما احتمالاً طی ۱۰ روز آینده متوجه خواهید شد". چند ساعت بعد، ترامپ در هواپیمای ویژه ریاست جمهوری در مسیر جورجیا به خبرنگاران گفت که ۱۰ روز "زمان کافی خواهد بود، ده، پانزده روز، تقریباً حداکثر زمان است..."».

در همین روز سایت خبری نیوزویک نوشت: «با وجود مشارکت هر دو طرف در مذاکرات هسته‌ای طی هفته جاری، روند تجمع نظامی ایالات متحده در اطراف ایران متوقف نشده است. پرزیدنت دونالد ترامپ تهدید کرده است که اگر دیپلماسی نتایج مطلوب را به بار نیاورد، اقدام مستقیم علیه جمهوری اسلامی انجام خواهد داد. با اعزام دومین گروه ضربت ناو هواپیمابر به سمت خلیج فارس، هشدارهای ترامپ مبنی بر این که حمله به ایران فراتر از بمباران‌های تابستان گذشته علیه تأسیسات هسته‌ای خواهد بود، طیف وسیعی از گزینه‌ها را پیش روی رئیس‌جمهور باز می‌گذارد؛ از دور جدید حملات هدفمند و ترور رهبران ارشد گرفته تا یک کارزار نظامی مستمر که می‌تواند به چیزی شبیه به "جنگ سوم خلیج فارس" تبدیل شود... اگرچه ارزیابی می‌شود که ایران در حال حاضر سلاح

هسته‌ای ندارد، اما این کشور بزرگترین زرادخانه موشکی و پهپادی خاورمیانه را در اختیار دارد. برد این سلاحها دست کم ۲۰۰۰ کیلومتر (۱۲۴۰ مایل) تخمین زده می‌شود که کل خاورمیانه و بخشهایی از جنوب شرقی اروپا را در تیررس قرار می‌دهد.

در همین روز واشینگتن تایمز در مقاله‌ی با عنوان «چالش ترامپ با ایران: توافق یا نابودی» نوشت: «جان رتکلیف، مدیر اطلاعات مرکزی آمریکا، این روزها با کمبودی در زمینه تهدیدات پیچیده و شرورانه علیه امنیت ملی ایالات متحده - از جمله تکثیر تسلیحات، تروریسم فراملی، روسیه، چین و کره شمالی - روبرو نیست تا نگاه خود را بر آنها متمرکز کند. با این حال، ایران همچنان یک هدف اطلاعاتی با بالاترین اولویت باقی مانده است، به‌ویژه در حالی که دولت ترامپ درگیر مذاکرات هسته‌ای است.

اوایل ماه جاری، دولت ترامپ مذاکرات غیرمستقیمی را، که صرفاً بر موضوع هسته‌ای متمرکز بود، با تهران در عمان آغاز کرد. ایران با خودداری از مذاکره درباره برنامه موشک‌های بالستیک، حمایت‌های مادی از تروریست‌های نیابتی و غنی‌سازی هسته‌ای برای مصارف غیرنظامی، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، موضع سختی اتخاذ کرد...»

به گزارش وبسایت حکومتی دیدار، روز سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴، عباس عراقچی وزیر امور خارجه رژیم در گفتگو با شبکه سی.بی.اس «توافق برد - برد با آمریکا را در دسترس» دانست و گفت: «هنوز شانس خوبی برای دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک بر پایه بازی برد - برد وجود دارد و این گزینه کاملاً در دسترس است؛ توافقی بهتر از توافق برجام در سال ۲۰۱۵. عراقچی افزود در حال تدوین پیش‌نویسی هستیم که نگرانیها و منافع هر دو طرف را در نظر بگیرد و احتمالاً پنجشنبه همین هفته این طرح را در ژنو به استیو ویتکاف، نماینده ترامپ ارائه خواهیم داد».

به گزارش رویترز در همین روز (۵ اسفند)، کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، در پاسخ به پرسشی درباره ایران به خبرنگاران گفت: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، همواره نخستین گزینه‌اش دیپلماسی است، اما در صورت لزوم آماده استفاده از نیروی مرگبار نیز هست».

چهار روز بعد، در روز شنبه ۹ اسفند دیپلوماسی و توهم برد - برد رنگ باخت و دوران دیگری از جنگ آغاز شد که همچنان ادامه دارد.

۲۷ - پس از ۴۰ روز جنگ و بمباران و حملات متقابل موشکی، روز ۱۹ فروردین با میانجیگری چند کشور منطقه به ویژه پاکستان یک آتش بس دو هفته‌ای برقرار شد. دونالد، ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، پیش از ساعت ۲ بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین، اعلام کرد: به درخواست نخست‌وزیر پاکستان برای توقف اعزام نیروی مخرب به ایران، من با تعلیق بمباران و حمله به ایران، به مدت دو هفته موافقت می‌کنم مشروط به این که ایران با بازگشایی کامل، فوری و ایمن تنگه هرمز موافقت کند.

ترامپ افزود: این یک آتش‌بس دو طرفه خواهد بود. دلیل انجام این کار این است که ما قبلاً به تمام اهداف نظامی رسیده‌ایم و از آنها فراتر رفته‌ایم و تا رسیدن به یک توافق قطعی در مورد صلح بلندمدت با ایران و صلح در خاورمیانه پیشرفت زیادی کرده‌ایم. وی اضافه کرد: ما یک پیشنهاد ۱۰ ماده‌ای از ایران دریافت کردیم و معتقدیم که این یک مبنای عملی برای مذاکره است. تقریباً تمام نکات مختلف اختلاف گذشته بین ایالات متحده و ایران مورد توافق قرار گرفته است و یک دوره دو هفته‌ای امکان نهایی شدن و به سرانجام رساندن توافق را فراهم می‌کند. از طرف ایالات متحده آمریکا به عنوان رئیس‌جمهور و همچنین به نمایندگی از کشورهای خاورمیانه، باعث افتخار است که این مشکل بلندمدت در آستانه حل و فصل است («تروث سوشیال»، ۱۹ فروردین ۱۴۰۵).

پس از اعلام آتش بس، خانم مریم رجوی از «آتش‌بس، به ویژه توقف حملات به زیرساختها و تأسیسات مدنی»، استقبال کرد و گفت «این مناسب‌ترین تصمیم در حساس‌ترین لحظات از طرف آمریکا بود».

خانم رجوی یادآوری کرد که «شعار مقاومت و دولت موقت از ابتدا صلح و آزادی بوده و هست».

رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، ابراز امیدواری کرد که «آتش‌بس ۱۵ روزه، بر خلاف آنچه بقایای شیخ و شاه می‌خواهند، به خاتمه جنگ منجر شود و مسیر صلح و آزادی را هموار کند».

خانم رجوی خاطرنشان کرد «صلح پایدار هم‌چنان که مقاومت ایران از ۴۵ سال پیش تأکید کرده است، تنها با سرنگونی دیکتاتوری تروریستی و جنگ‌افروز ولایت فقیه توسط مردم و مقاومت سازمانیافته و برقراری جمهوری دموکراتیک محقق می‌شود. توقف اعدامها در ایران به عنوان خواست تمام مردم ایران باید در هر توافق بین‌المللی گنجانده شود».

پس از اعلام آتش بس در ۱۹ فروردین، شورای عالی امنیت رژیم با گزافه‌گویی بسیار اعلام کرد: طبق تصمیم مسئولین نظام تصمیم بر این بود که جنگ تا تحقق اهداف از جمله پشیمان و مستأصل شدن دشمن و رفع تهدید بلند مدت از کشور ادامه پیدا کند و جنگ تا امروز که روز چهلیم است ادامه پیدا کرد. ایران تاکنون چندین بار ضرب الاجل‌های ارائه شده از سوی رییس جمهور امریکا را رد کرده و هم‌چنان تأکید می‌کند هیچ اهمیتی برای هیچ نوع ضرب الاجلی از جانب دشمن قائل نیست. اکنون تقریباً تمامی اهداف جنگ محقق شده و دشمن را به عجزی تاریخی و شکستی ماندگار کشانده است.

شورای عالی امنیت رژیم افزود: مطابق تدبیر مجتبی خامنه‌ای و تصویب شورای عالی امنیت ملی، تصمیم گرفته شد، برای نهایی کردن جزئیات، مذاکرات در اسلام آباد انجام شود تا ظرف حداکثر ۱۵ روز با نهایی شدن جزئیات، پیروزی نظام در مذاکرات سیاسی نیز تثبیت گردد.

قابل توجه این که هم‌زمان با رجزخوانی رژیم، تلگرام چند ثانیه رژیم (چهارشنبه ۱۹ فروردین) به نقل از یک کارشناس نظام نوشت: «غرق روایت پیروزی نشویم! هیچ اعتمادی به دشمن وجود ندارد. خطر "فروغ جاویدان ۲" را دور از نظر نداریم».

عراقچی وزیر خارجه رژیم هم اعلام کرد: به مدت دو هفته تردد امن در تنگه هرمز در هماهنگی با نیروهای مسلح ایران و با نظر داشت محدودیت‌های فنی موجود مقدور خواهد بود (خبرگزاری فارس، ۱۹ فروردین ۱۴۰۵).

به دنبال اعلام خبر آتش بس قیمت نفت تقریباً با ۱۵ درصد کاهش به زیر ۱۰۰ دلار برگشت (اکسیوس، ۱۹ فروردین ۱۴۰۵). اکسیوس در همین روز نوشت: جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، در پایان سفر خود به بوداپست به خبرنگاران گفت که «سوء تفاهمی» بین آمریکا و ایران در مورد آتش بس در لبنان وجود دارد. بنظر من ایرانی‌ها فکر می‌کردند آتش بس شامل لبنان هم می‌شود ولی این طور نبود. ما هرگز این قول را ندادیم. ما هرگز اشاره نکردیم که چنین خواهد بود. چیزی که ما گفتیم این است که آتش بس بر ایران و متحدان آمریکا، یعنی اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس، متمرکز خواهد بود. ونس افزود: اگر ایران بخاطر لبنان از مذاکرات خارج شود، احمقانه خواهد بود، اما این انتخاب آنهاست.

کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید، هم روز ۱۹ فروردین به خبرنگاران گفت: این مذاکرات فوق‌العاده حساس و پیچیده در طول دو هفته آینده پشت درهای بسته انجام خواهد شد. من به رسانه‌ها قویاً توصیه می‌کنم که از دنبال کردن روایت‌هایی که هیچ اساسی در واقعیت ندارند، خودداری کنند. آنچه ایران به طور علنی می‌گوید یا به مطبوعات می‌دهد، بسیار متفاوت از آن چیزی است که به طور خصوصی به ایالات متحده، رئیس جمهور و تیم او اظهار می‌کند.

خط قرمزهای رئیس جمهور، یعنی پایان غنی‌سازی ایران در ایران، تغییر نکرده و این ایده که پرزیدنت ترامپ لیست درخواستهای ایران را به عنوان یک توافق پذیرفته، کاملاً مزخرف است. رئیس جمهور و تیم مذاکره‌کننده‌اش در طول دو هفته آینده بر این تلاش تمرکز خواهند کرد تا زمانی که تنگه هرمز بدون هیچ محدودیت یا تأخیری باز بماند.

روز بعد (پنجشنبه ۲۰ فروردین) رئیس جمهور آمریکا در تروث سوشیال اعلام کرد: «تمامی ناوها، هواپیماها و نیروهای نظامی ایالات متحده، همراه با مهمات افزوده، تسلیحات و هر آنچه برای انهدام دشمن تضعیف شده ضروری است، در محل خود در داخل و اطراف ایران باقی می‌مانند، تا زمانی که توافق واقعی به دست آید و به طور کامل رعایت شود. اگر به هر دلیلی این گونه نشود، آنگاه شلیک‌ها آغاز خواهد شد: بزرگتر، بهتر و قدرتمندتر از هر آنچه تاکنون دیده شده است. از مدتها پیش توافق شده و برخلاف تمام لفاظی‌های ساختگی، هیچ سلاح هسته‌ای وجود نخواهد داشت و تنگه هرمز باز و امن خواهد بود».

رویترز روز شنبه ۲۲ فروردین از شروع مذاکرات اسلام آباد خبر داد و به نقل از یک منبع پاکستانی نوشت: در این مذاکرات جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، استیو ویتکاف فرستاده ویژه ترامپ و جرد کوشنر، داماد ترامپ، و از ایران محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه شرکت دارند.

سرانجام پس از ساعتها گفتگو در ساعات اولیه بامداد سه شنبه ۲۳ تیر پایان بی نتیجه مذاکرات اسلام آباد بین رژیم و آمریکا به سراسر جهان مخابره شد.

جی دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد: ما ۲۱ ساعت گفتگو کردیم و بدون رسیدن به توافق به ایالات متحده بازمی گردیم. ونس گفت: ما خطوط قرمز خود را بسیار شفاف بیان کردیم، در چه مواردی مایل به کنار آمدن با آنها هستیم و در چه مواردی مایل به کنار آمدن با آنها نیستیم. آنها ترجیح دادند شروط ما را نپذیرند. ما با یک پیشنهاد بسیار ساده اینجا را ترک می کنیم، یک چارچوب تفاهم که پیشنهاد نهایی و بهترین پیشنهاد ماست. خواهیم دید که آیا ایران آن را می پذیرد یا خیر.

قالیباف رئیس تیم مذاکره کننده رژیم نوشت: همکاران من ابتکارات رو به جلویی مطرح کردند ولی طرف مقابل در نهایت نتوانست در این دور از مذاکرات اعتماد هیأت ایرانی را جلب کند. آمریکا منطق و اصول ما را درک کرد و حالا وقت آن است تا تصمیم بگیرد که آیا میتواند اعتماد ما را جلب کند یا نه؟

خبرگزاری سپاه پاسداران ۲۳ تیر هم نوشت: تیم مذاکره کننده دست آوردهای میدان را صیانت کرد. ایران برنامه یی برای دور بعدی مذاکرات ندارد.

۲۸- سرنوشت عبرت آموز مذاکره و تفاهمنامه - پس از شکست دور اول مذاکرات در پاکستان، رئیس جمهور آمریکا روز ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ در تروث سوشال نوشت: «ایران قول داد تنگه هرمز را باز کند، و آنها آگاهانه در انجام این کار کوتاهی کردند. این امر باعث اضطراب، جابجایی و درد بسیاری از مردم و کشورها در سراسر جهان شد. آنها می گویند که مین ها را در آب قرار داده اند، حتی اگر تمام نیروی دریایی آنها و بیشتر "مین ریزها"ی آنها کاملاً منفجر شده باشد. آنها ممکن است این کار را کرده باشند، اما کدام صاحب کشتی می خواهد این ریسک را بکند؟ بی آبرویی بزرگ و آسیب دائمی به اعتبار ایران و آنچه از "رهبران" آنها باقی مانده است، وجود دارد، اما ما فراتر از همه اینها هستیم. همانطور که آنها قول دادند، بهتر است روند باز کردن سریع این آبراه بین المللی را آغاز کنند! هر قانونی که در کتاب وجود دارد توسط آنها نقض می شود. من به طور کامل توسط معاون رئیس جمهور جی. دی. ونس، فرستاده ویژه استیو ویتکاف و جرد کوشنر، در مورد جلسه یی که در اسلام آباد با رهبری مهربان و بسیار شایسته فیلد مارشال عاصم منیر و نخست وزیر شهباز شریف پاکستان برگزار شد، توجیه شده ام.

آنها مردان بسیار خارق العاده ای هستند و پیوسته از من به خاطر نجات جان ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفر در جنگی که می توانست به یک جنگ وحشتناک با هند تبدیل شود، تشکر می کنند. من همیشه از شنیدن این جمله قدردانی می کنم - میزان انسانی که از آن صحبت می شود غیرقابل درک است.

جلسه با ایران از صبح زود شروع شد و در طول شب - نزدیک به ۲۰ ساعت - ادامه یافت. می توانم جزئیات زیادی را شرح دهم و در مورد بسیاری از دستاوردهای آن صحبت کنم، اما تنها یک چیز مهم است: ایران حاضر نیست از جاه طلبی های هسته ای خود دست بکشد!

از بسیاری جهات، "نکاتی که بر سرشان توافق شده، بهتر از ادامه عملیات نظامی ما تا رسیدن به نتیجه نهایی است، اما همه آن نقاط در مقایسه با این موضوع که اجازه دهیم قدرت هسته ای در دست چنین مردمی بی ثبات، مشکل ساز و غیرقابل پیش بینی قرار بگیرد، اهمیتی ندارد".

سه نماینده من، در تمام این مدت، با نمایندگان ایران، محمدباقر قالیباف، عباس عراقچی و علی باقری، بسیار دوستانه و محترمانه رفتار کردند، اما این مهم نیست زیرا آنها در مورد مهمترین مسأله بسیار سرسخت بودند و همانطور که همیشه گفته ام، از همان ابتدا و سال ها پیش، ایران هرگز سلاح هسته ای نخواهد داشت!

جلسه خوب پیش رفت، روی بیشتر نکات توافق شد، اما تنها نکته ای که واقعاً مهم بود، یعنی انرژی هسته ای، مورد توافق قرار نگرفت. نیروی دریایی ایالات متحده، بلافاصله روند مسدود کردن هر کشتی ای را که سعی در ورود یا خروج از تنگه هرمز دارد، آغاز خواهد کرد.

در مقطعی، ما به یک اصل "همه مجاز به ورود، همه مجاز به خروج" خواهیم رسید، اما ایران با گفتن این که "ممکن است در جایی مین‌گذاری شده باشد" که هیچ کس جز خودش از آن خبر ندارد، اجازه چنین کاری را نداده است. این یک اخاذی جهانی است و رهبران کشورها، به ویژه ایالات متحده آمریکا، هرگز مورد اخاذی قرار نخواهند گرفت. من همچنین به نیروی دریایی خود دستور داده‌ام که هر کشتی را که در آب‌های بین‌المللی به ایران عوارض پرداخت کرده است، جستجو و توقیف کند. هرکسی که عوارض غیرقانونی بپردازد، عبور امنی در دریاهای آزاد نخواهد داشت.

ما همچنین شروع به از بین بردن مین‌هایی که ایرانی‌ها در تنگه‌ها کار گذاشته‌اند، خواهیم کرد. هر ایرانی که به ما یا به کشتی‌های صلح‌آمیز شلیک کند، به جهنم خواهد رفت! ایران بهتر از هر کسی می‌داند که چگونه به این وضعیت که این کشور را ویران کرده، پایان دهد.

نیروی دریایی آنها از بین رفته، نیروی هوایی آنها از بین رفته، ضدهوایی و رادار آنها بی‌فایده است، خامنه‌ای و بیشتر "رهبران" آنها مرده‌اند، همه به خاطر جاه‌طلبی هسته‌ای‌شان. محاصره به زودی آغاز خواهد شد. کشورهای دیگر نیز در این محاصره دخیل خواهند شد. به ایران اجازه داده نخواهد شد از این اقدام غیرقانونی اخاذی سود ببرد. آنها پول می‌خواهند و مهمتر از آن، سلاح هسته‌ای می‌خواهند. علاوه بر این، و در یک لحظه مناسب، ما کاملاً "دست به ماشه" هستیم و ارتش ما اندک باقی‌مانده از ایران را نابود خواهد کرد».

تلاشهای میانجیگران و تبادل پیامها برای برگزاری دور بعدی مذاکرات و امضای تفاهمنامه با کش و قوس بسیار سرانجام به یک یادداشت تفاهم ۱۴ ماده‌ای منجر شد که روز چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ توسط ترامپ که در کاخ ورسای میهمان ماکرون بود، امضا شد و همزمان پزشکیان و همچنین نخست وزیر پاکستان آن را امضا کردند. این یادداشت تفاهم پیش از آن توسط ونس و قالیباف به صورت دیجیتالی در روز یکشنبه ۲۴ خرداد امضا شده بود. به گزارش رسانه‌های حکومتی، در بیانیه شورای عالی امنیت رژیم در این باره آمده است: «به دنبال یک دوره مذاکرات دشوار و فشرده چند ماهه، و بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، متن یادداشت تفاهم در خصوص مذاکرات پایان جنگ (مذاکرات اسلام آباد) میان ایران و آمریکا در شامگاه ۲۴ خرداد ماه» نهایی شد.

گزارشهای متعدد خبری حاکی از این بود که امضای تفاهمنامه پس از مذاکرات حضوری در سوئیس توسط ونس و قالیباف صورت خواهد گرفت اما این مذاکرات که در شامگاه یکشنبه ۳۱ خرداد با حضور ونس و قالیباف و نخست وزیران پاکستان و قطر و فرمانده ارتش پاکستان شروع شد، در بامداد دوشنبه اول تیر بی نتیجه و با اختلاف نظرهای متعدد خاتمه یافت. آسوشیتدپرس اول تیر نوشت: مذاکره‌کنندگان ارشد آمریکا و ایران پس از شروعی دشوار دور طولانی مذاکرات اولیه خود در سوئیس را که با هدف تثبیت پایان دائمی جنگ بین دو کشور آغاز شده بود، روز دوشنبه به پایان رساندند. بعد از اظهارات تند دونالد ترامپ در روز یکشنبه رسانه‌های دولتی ایران اعلام کردند که مذاکرات متوقف شده و هیأت ایرانی محل مذاکره را ترک کرده است اما یک دیپلمات ارشد آمریکایی اواخر روز یکشنبه گفت ایرانی‌ها در محل باقی مانده‌اند و مذاکرات ادامه دارد.

جی دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا روز دوشنبه اول تیر در کنفرانس مطبوعاتی در سوئیس اعلام کرد: ایران موافقت کرد که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را دعوت کنند. این یک نقطه عطف بزرگ و اولین گام در خلع سلاح هسته‌ای دائمی یا پایان دادن دائمی به برنامه تسلیحات هسته‌ای در ایران است و این دقیقاً همان کاری بود که می‌خواستیم انجام دهیم. این گفته ونس از سوی مقامات رژیم که مدعی بودند اصلاً بر سر موضوع اتمی گفتگو نشده رد شد. از سوی دیگر منابع رژیم ادعا می‌کردند که بخشی از پولهای مسدود شده رژیم در مذاکرات سوئیس آزاد شده، اما این ادعا از سوی ونس تکذیب شد و او در کنفرانس خود در روز دوشنبه در سوئیس گفت: من گزارش‌های نادرستی درباره دارایی‌های مسدود شده یا آزاد شده ایران دیده‌ام. یکی دیگر از کارهایی که می‌خواستیم انجام دهیم، این بود که اطمینان حاصل کنیم اگر روزی دارایی‌های ایران را آزاد کردیم تضمین کنیم که آن پول صرف مردم ایران شود و نه تأمین مالی تروریسم.

همزمان با مذاکرات سوئیس، گزارشگر ارشد امور خارجی فاکس نیوز با نقل مصاحبه خود با ترامپ در روز یکشنبه ۳۱ خرداد درباره اختلافات بین آمریکا و رژیم ایران گفت این مصاحبه در واکنش به مقامات رژیم ایران بود که می‌گویند تنگه هرمز را در پاسخ به

حملات اسرائیل علیه حزب الله در لبنان خواهند بست. رئیس جمهور ترامپ به فاکس نیوز گفت طی شب با مقامات ایرانی صحبت کرده و گفته است اگر تنگه هرمز را ببندید، دیگر کشوری نخواهید داشت.

گزارشگر فاکس نیوز افزود: پزشکيان کمی پیشتر در مورد غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران گفته بود: ما از حق غنی‌سازی خود دست نخواهیم کشید و آنها مجبور به پذیرش آن خواهند شد. رئیس جمهور ترامپ مستقیماً به او پاسخ داد و گفت پزشکيان بهتر است مراقب دهانش باشد و خودش را جمع و جور کند. ترامپ بطور جامع‌تری در مورد تفاهم نامه صحبت کرد و گفت این فقط یک تمدید آتش بس است و این توافق نهایی با رژیم ایران نیست.

پس از ناکامی مذاکرات سوئیس به رغم اقدامات میانجیگران و تبادل پیامها، مذاکرات و اجرای تفاهمنامه بین رژیم و آمریکا به بن بست برخورد کرد و سرانجام با دو حمله پی در پی و غافلگیرکننده رژیم به کشتیها در تنگه هرمز در نخستین ساعات بامداد یکشنبه ۲۱ تیر، جنگ میان آمریکا و رژیم دوباره، اما در مقیاسی محدود شعله ورشد. حملات رژیم به کشتی ها در تنگه هرمز درحالی صورت گرفت که مذاکراتی در عمان با شرکت قطر درباره عبور و مرور کشتیها جریان داشت. به دنبال حملات رژیم سنتکام اعلام کرد که برای پاسخگو کردن ایران در قبال حملاتش به کشتیهای تجاری، نیروهای ارتش آمریکا طی سه دور حملات هوایی بیش از ۳۰۰ هدف نظامی را بمباران کردند.

به گزارش رویترز ۲۲ تیر در حملات موشکی و پهپادی سنگینی که طی روزهای یکشنبه و دوشنبه بین آمریکا و رژیم ایران جریان داشت، نیروهای آمریکایی به دهها هدف نظامی رژیم در استانها مرکزی، خوزستان، هرمزگان، بوشهر و سیستان و بلوچستان حمله کردند. رژیم ایران نیز به اهدافی در بحرین، کویت، اردن، قطر و عمان با موشک و پهپاد حمله کرد. رژیم ایران روز یکشنبه تأسیسات ایالات متحده در کشورهای خلیج فارس را هدف قرار داد و گفت دوباره تنگه حیاتی هرمز را بسته است. حملات رژیم ایران به قطر نیز گسترش یافت درحالی که این کشور میانجی مذاکرات آتش بس بود و از ماه آوریل مورد حمله قرار نگرفته بود، امارات نیز که از اوایل ماه مه هدف حمله قرار نگرفته بود، اعلام کرد پدافند هوایی آن با موشکها و پهپادهای ایران مقابله کرده است.

وزارت خارجه رژیم ایران در بیانیه‌ی حملات آمریکا را محکوم و اعلام کرد مذاکراتش با عمان در روز شنبه در مسقط به دلیل فشارهای «آشکار و پنهان» آمریکا بر عمان به نتیجه‌ی نرسید.

رویترز افزود: مرکز مشترک اطلاعات دریایی که مسئولیت آن برعهده آمریکاست، اعلام کرد ایران تنگه هرمز را کنترل نمی‌کند و طبق دستورالعمل‌های صادر شده از سوی این مرکز، یک مسیر جنوبی «گسترده‌تر» در تنگه هرمز در نزدیکی عمان برای تردد دو طرفه کشتیها در دسترس است و به رغم تهدیدهای امنیتی، تردد در آن جریان دارد.

از سوی دیگر، ارگان تازه‌تأسیس رژیم ایران برای کنترل و اخذ عوارض در تنگه هرمز موسوم به «اداره تنگه خلیج فارس» روز یکشنبه اعلام کرد که عبور از تنگه هرمز به دلیل «تحركات غیرقانونی اخیر نیروهای نظامی آمریکا در منطقه» در حال حاضر امکان‌پذیر نیست.

رویترز در گزارش ۲۲ تیر خود نوشت: ترامپ هفته گذشته گفت، آتش بس را پایان یافته می‌داند، با این حال در را برای مذاکرات بیشتر باز گذاشته است.

۲۹ - یک یاد آوری از خلیفه مدفون و رویکرد خلیفه موروثی: علی خامنه ای در روز ۱ مهر ۱۴۰۴ پیرامون مذاکره با آمریکا گفت: «حرف من اینه، که در حال حاضر با وضعیتی که وجود داره، حالا ممکنه ۲۰ سال دیگه ۳۰ سال دیگه وضعیت دیگری وجود داشته باشه با او کار نداریم، در وضع کنونی مذاکره با دولت آمریکا اولاً، هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کنه. هیچ سودی برای ما نداره. هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد. اولاً این. یعنی کاریست بدون سود بدون این که برای کشور فایده‌ای داشته باشه؛ بدون این که ضرری رو دفع کنه، مطلقاً چنین تأثیری نداره.

ثانیاً، به عکس، زبان‌هایی هم مترتبه برش. یعنی سود که نداره هیچ. مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور داره که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران ناپذیر هستند. یه چنین زبان‌هایی هم داره. من حالا اینا رو شرح خواهم داد. اما این که می‌گیم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای نداره چون طرف آمریکایی پیشاپیش نتیجه مذاکرات رو معین کرده خودش، یعنی اعلام کرده که مذاکره یی رو قبول داره؛ می‌خواهد مذاکره یی بکند که نتیجه اون مذاکره، تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای غنی‌سازی در کشور ایران باشه یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره با آمریکا و نتیجه گفتگوهایی که با اون‌ها خواهیم کرد این باشه که حرفی که او گفته باید انجام بگیره. این که دیگه مذاکره نیست، این دیکته است، این تحمیل. بشین مذاکره کن با یه طرفی که نتیجه اون مذاکره الزاماً باید همون چیزی باشه که او می‌خواد؛ همون چیزی باشه که او می‌گه. این مذاکره است؟ طرف مقابل امروز این‌جوری حرف می‌زنه، بگه مذاکره کنیم و از مذاکره این دربیاد که ایران غنی‌سازی نداشته باشه. حالا این غنی‌سازی رو گفته. چند روز قبل از این معاونش اعلام کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشه؛ نه موشک دوربرد، موشک میانبرد هم نباید داشته باشه؛ موشک کوتاه برد هم نباید داشته باشه.» (تلویزیون حکومتی شبکه یک)

برخلاف نظر ولی فقیه دوم، کمتر از یک سال از صحبت‌های او، رژیم مجبور شد وارد مذاکره مستقیم با آمریکا شود. مجتبی خامنه‌ای هم با تقلید از پدرش، سیاست گریز از مسئولیت را پیش گرفت و در بیانیه‌ی به تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ اعلام کرد: «همانگونه که مطلع شدید، تفاهمنامه‌ی بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا امضا شد. در مسیر رسیدن به این مرحله، مسئولین امر، از سر دلسوزی و با حسن نظر، تلاش‌های زیادی را به‌عمل آوردند و البته این رئیس‌جمهور آمریکا بود که از روی استیصال، از انواع اهرم‌ها برای این امر استفاده می‌کرد.

بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم. ایشان همچنین تصریح کرده‌اند که اگر طرف آمریکایی بخواهد زیاده‌خواهی کند زیر بار آن نخواهند رفت. از این لحظه، ما، یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز، منتظر تحقق شروط گفته‌شده خواهیم بود. اما بدیهی است مذاکرات حضوری که در آینده برقرار خواهد شد، به معنی پذیرش نظر دشمن نخواهد بود.»

ولی فقیه نورسیده نظام پس از ابراز مخالفت «علی‌الاصول» با تفاهمنامه امضا شده توسط پزشک‌یان و ترامپ، دست روی دست نگذاشت.

در ابراز این مخالفت و برهم زدن میز مذاکره و تفاهمنامه، سپاه و هسته سخت قدرت، مراسم جنازه گردانی و دفن خامنه‌ای را مغتنم شمرده و با بسیج حد اکثری نیروهای پاسدار و بسیجی و لباس شخصی و اطلاعاتی، یک مانور بزرگ سیاسی و امنیتی در پوشش عزاداری برای حفظ نظام و جا انداختن ولایت موروئی به‌راه انداختند تا با لشکر کشی و تهاجم شدید مدعیان قدرت و سهم خواهان درون حاکمیت را مرعوب کنند.

نمونه‌هایی از شعارها و نوحه‌های این مراسم چنین است:

- انتقام انتقام

- مرگ بر نفوذی، مرگ بر سازشکار

- این آخرین پیامه، مذاکره حرامه

- مرگ بر نفوذی

- مرگ بر سازشکار

- مرگ بر آمریکا

- مرگ بر اسرائیل

- خونخواه رهبریم؛ خونخواه رهبریم

- از حق انتقام محال است بگذریم

- شعار ما یک کلام: انتقام، انتقام

و تکرار پی در پی «لبیک سید مجتبی»

این شعارها و بسج حداکثری برای جا انداختن رهبری مجتبی خامنه ای، در زمین سیاست با حملات شدید به تفاهمنامه و مذاکره با آمریکا و شعاردادن و حتی سنگ زدن به دست اندرکاران مذاکره مثل عراقچی و شعار و حملات خیابانی به پزشکيان و قالیباف همراه بود.

روز سه شنبه ۱۶ تیر پاسدار محسن رضایی، مشاور مجتبی خامنه ای، که حرفهایش از تلویزیون شبکه خبر پخش می شد، گفت: انتقام به معنای خروج آمریکا از منطقه باید صورت پذیرد، اما ترامپ و نتانیاهو نباید از انتقام در بروند.

در همین روز، حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در کیهان، در مطلبی زیرعنوان «سر ترامپ را می خواهیم!» نوشت: «در مراسم تشییع خامنه ای، خونخواهی او پرشمارترین شعاری بود که با فریادهای بی امان در فضا طنین انداز بود. این خواسته مردم دقیقاً و بی کم و کاست همان خواسته ای است که در توصیه های امام (رفته) و امام حاضر به صراحت آمده و بر ضرورت آن تاکید شده است. می توان به گام هایی اشاره کرد که انتظار می رود با جدیت برداشته شود.

- گام اول: رسماً اعلام شود که جمهوری اسلامی ایران، ترامپ و سایر همپالکی های او، حتی خلبانانی را که در کشتن خامنه ای دست داشته اند، واجب القتل می داند و هر جا او را بیابد، به قتل می رساند.

- گام دوم: تعیین جایزه از سوی دولت و اعلام رسمی آن برای فرد یا افرادی که ترامپ را به قتل برسانند. یک خبر موثق حکایت از آن دارد که تاکنون از سوی مردم بیش از ۱۰۰ میلیون دلار به عنوان جایزه برای قاتل ترامپ تهیه شده است. این مبلغ رو به افزایش است.

- گام سوم: تیم مذاکره کننده کشورمان می تواند و باید با صراحت اعلام کند که حاضر به مذاکره با قاتل رهبر نیست و بر سر میز مذاکره بی نمی نشینند که طرف مقابل آن، ترامپ و یا نمایندگان این آدم باشند و باید پیشنهاد جایگزینی هیأتی متشکل از نمایندگان کنگره را (که علی الظاهر) غیردولتی تلقی می شوند، ارائه کند..

- گام چهارم: درخواست تحویل ترامپ به ایران برای محاکمه و مجازات، یکی از چند شرط ایران و اولین از یادداشت تفاهم باشد» («کیهان»: ۱۶ تیر ۱۴۰۵).

در همین روز (سه شنبه ۱۶ تیر) تلگرام «چند ثانیه» رژیم نوشت: بامداد امروز اعلامیه هایی با محتوای تهدیدآمیز در اطراف منزل مسکونی، درب ورودی و خودرو جعفر قائم پناه (معاون پزشکيان) نصب شده است در این اعلامیه ها که توسط گروهی ناشناس منتشر شده، عباراتی مبنی بر تهدید به آسیب جسمی تا حد حذف فیزیکی کامل درج شده بود. به نظر می رسد این اقدام در واکنش به صحبت های اخیر قائم پناه درخصوص پیام رهبری باشد.

در همین روز سایت حکومتی «رویداد ۲۴» روی نکته سیاسی دیگری در سازماندهی مراسم جنازه گردانی انگشت گذاشت و نوشت: «در مراسمی که قرار بود تصویری کم سابقه از انسجام داخلی ایران ثبت کند، غیبت محمد خاتمی، حسن روحانی و محمود احمدی نژاد بیش از حضور بسیاری از چهره ها به چشم آمد؛ غیبتی که نه فقط یک مسأله تشریفاتی، بلکه از دست رفتن فرصتی برای نمایش اجماع سیاسی در یکی از حساس ترین مقاطع کشور بود».

۳۰ - سرانجام در شبانگاه سه شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۵ حملات غافلگیر کننده موشکی و پهپادی رژیم به کشتی های قطر و عربستان در تنگه هرمز رخ داد که در عمل تیر خلاص به آتش بس و تفاهمنامه بود. پزشکيان امضا کننده تفاهمنامه که برای ششمین روز جنازه گردانی ولی فقیه مرده به عراق رفته بود، به سرعت به تهران برگشت و جلسه کابینه اش را تشکیل داد تا نظاره گر کارهای صاحبان واقعی قدرت در حاکمیت ولایت فقیه باشد.

در همان شبانگاه ۱۶ تیر نیروهای آمریکایی در پاسخ به حملات موشکی رژیم به ۳ کشتی تجاری، حملات پیاپی خود را از سر گرفتند. این حملات جدید در بامداد چهارشنبه نیز ادامه یافت و فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا اعلام کرد: در پاسخ فوری به حملات ایران

علیه کشتیهای تجاری در تنگه هرمز، بیش از ۸۰ هدف شامل سیستمهای پدافند هوایی فرماندهی و کنترل رادار ساحلی، توانمندی موشکی ضد کشتی و بیش از ۶۰ قایق پاسداران هدف قرار گرفتند.

از صبح چهارشنبه ۱۷ تیر بحران درونی رژیم و حملات سیاسی به پزشکيان و قالیباف به شدت بالا گرفت. رسایی، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس رژیم، که در شعبده انتخابات رژیم در تهران بیش از قالیباف رأی آورده بود، نوشت: «چرا امضاکنندگان تفاهم‌نامه و افتخارکنندگان به این تفاهم‌نامه در برابر این سخنان صریح ترامپ ساکتند؟ آقای پزشکيان! شما که تعهد داده بودید چه کردید؟ آقای قالیباف! شما که به این تفاهم‌نامه افتخار می‌کردید، چه می‌کنید؟ چرا همچنان اصرار دارید این امضای نحس را پایدار بدانید؟ این تفاهم‌نامه، آخرین حلقه از زنجیره‌بی بلند از تعهدات نوشته‌شده بر کاغذهایی است که آمریکا یک به یک پاره کرده است. چرا نمی‌خواهید باور کنید که دیگر امیدی به اینها نیست. چرا هنوز به تفاهم‌نامه‌یی که زیر پایشان لگدمال می‌شود، دل می‌بندید؟ تنها راه، ایستادگی بی‌چون و چراست تا شاید از این روش غلط، باز ایستند و شما هم دست از این مسیر غلط بردارید» (تلگرام حمید رسایی، ۱۷ تیر ۱۴۰۵).

روز بعد کیهان با تیتر «**تفاهم‌نامه به پایان رسید، ادامه مذاکره توجیهی ندارد**» نوشت: «ارتش و سپاه پایگاه‌های دشمن را در منطقه کوبیده‌اند و قیمت نفت بلافاصله افزایش یافته است. این تازه آغاز کار است. وقتی نیروهای مسلح ما سفت و سخت‌تر از قبل گلوی انرژی جهان را در تنگه هرمز بفشارند و **کارت باب‌المنذب** رو شود، شریان اقتصادی غرب قطع خواهد شد. ترامپ این‌بار مأیوس‌تر از همیشه برای آتش‌بس التماس خواهد کرد. امروز این موشک‌های ایرانی هستند که سرنوشت را رقم می‌زنند. دستگاه دیپلماسی باید رسماً پایان تفاهم‌نامه را اعلام کند تا میدان، تکلیف ترامپ را یک‌بار برای همیشه روشن کند» (کیهان، ۱۸ تیر ۱۴۰۵). در همین روز پاسدار سعید قاسمی، سرچماقدار خامنه‌ای و از سرکردگان سپاه، اعلام کرد: «تفاهم‌نامه کذایی، علی‌الاصول از همان روز اول هم تکه‌پاره‌ی بی‌ارزش و زباله بود؛ هر کس به امضای آن دل خوش کرده بود قطعاً دچار بلاهتی تمام ناشدنی است. شیپور جنگ را با تمام توان بنوازد تا در این معرکه نهایی، مرد از نامرد، رسوا و مشخص شود». (سایت فرارو، ۱۷ تیر ۱۴۰۵)

در همین روز (۱۷ تیر) تلویزیون رژیم با تهدید ترامپ به قتل در اجلاس ناتو در ترکیه گفت: «حالا ترامپ نزدیکی مرزهای ماست، در تیررس ماست، در ترکیه است ما تا خون ترامپ را روی زمین نریزیم دست از هیچ مقاومت و ایستادگی بر نمی‌داریم. انتقام به معنای والای خودش سر جای خودش؛ قصاص این نفس، که با هر نفش انگار حوالی و پیرامون خودش رو آلوده و آلوده‌تر می‌کنه، سر جای خودش باید محفوظ بمانه. این حق طبیعی مردم ماست. این مطالبه حقیقی مردم ماست».

در پاسخ به تهدیدهای رژیم، رئیس‌جمهور آمریکا در گفتگو با خبرنگاران در آنکارا با حضور دبیرکل ناتو، گفت: ما دیشب با قدرت بسیار به افراد بسیار خطرناکی از ایران حمله کردیم. آن‌ها بیمار هستند. مشکلی در آن‌ها وجود دارد. ما می‌گوییم بروید و مراسم تشییع جنازه خود را برگزار کنید، اما آن‌ها در عوض دیروز شروع به شلیک موشک به سمت کشتی‌ها کردند. بنابراین ما دیشب ضربه بسیار سختی به آن‌ها زدیم؛ بسیار سخت. من می‌گویم ۲۰ به ۱ یعنی ۲۰ برابر سخت‌تر. و من به آن‌ها گفتم هر بار که ضربه بزنید ما ضربه می‌زنیم. البته آن‌ها بازیگران کثیفی هستند بنابراین به دنبال همه می‌روند که احتمالاً شامل من نیز می‌شود.

ترامپ افزود: من سال‌هاست که نفر اول در لیست آن‌ها بوده‌ام. و اگر می‌خواهید حقیقت را بدانید آن‌ها گروهی از فرومایگان هستند. آن‌ها شرور هستند. اصل موضوع، خلع سلاح هسته‌یی ایران است و ما آن‌ها را خلع سلاح خواهیم کرد. ما به آن‌ها اجازه این کار را نخواهیم داد زیرا دیوانه هستند و نمی‌توانند سلاح هسته‌یی داشته باشند. آن‌ها به هر سو می‌روند و کشتار می‌کنند؛ آن‌ها هزاران تن از سربازان ما را کشته‌اند؛ آن‌ها بمبهای کنار جاده‌یی داشتند که کار سلیمانی بود و من در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌ام کار او را یکسره کردم. او پدر بمب‌های کنار جاده‌یی بود.

رئیس‌جمهور آمریکا اضافه کرد: به صراحت بگویم که ما وقتمان را با آن‌ها تلف می‌کنیم. ما فقط باید کار خودمان را انجام دهیم. آن‌ها دیروز شروع به شلیک بمب، در واقع شلیک موشک به سمت کشتی‌ها کردند. آن‌ها افرادی بسیار بد و بی‌کفایت هستند. زیرا اگر باکفایت بودند مدت‌ها پیش توافق می‌کردند. آن‌ها ۴۷ سال است که مایه دردسر بوده‌اند و ما اولین گروه از رهبران آن‌ها را از میان برداشتیم. دومین گروه از رهبران آن‌ها را نیز از میان برداشتیم. آن‌ها می‌خواهند رهبر ایالات متحده یعنی من را از میان بردارند. اما

شاید این وضعیت خیلی طول نکشد زیرا ما افراد فوق‌العاده‌ای داریم و ما باید سرطان آن‌ها را ریشه‌کن کنیم. باید سرطان را در مراحل اولیه قطع کرد. و این احساس من است. من دیگر نمی‌خواهم با آن‌ها تعامل داشته باشم. آن‌ها اراذل و اوباش هستند. آن‌ها شرور هستند و اگر سلاح هسته‌ای داشته باشند از آن استفاده می‌کنند. تعامل با آن‌ها صرفاً اتلاف وقت است. آن‌ها دروغگو هستند. چون مذاکره کنندگان ما با آن‌ها توافق می‌کنند که سلاح اتمی نباشد. ولی آن‌ها بیرون می‌روند و با مطبوعات صحبت می‌کنند و می‌گویند ما هرگز حتی درباره آن صحبت نکرده‌ایم. تا جایی که به من مربوط می‌شود کار تمام شده است و من نمی‌خواهم وقتم را با آن‌ها تلف کنم. اکنون اجازه می‌دهم مذاکره‌کنندگان فوق‌العاده ما، اگر می‌خواهند به گفتگو ادامه دهند، اما من چنین چیزی را پیش‌بینی نمی‌کنم.

در همین روز خبرگزاری و ابسته به نیروی تروریستی قدس («تسنیم»، ۱۷ تیر) زیر عنوان «تفاهمنامه اسلام‌آباد مرد» با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا، نوشت: «ترامپ رسماً اعلام کرد که تفاهمنامه اسلام‌آباد به پایان رسیده است. از همان ابتدا روشن بود که هیچ تفاهمی توسط آمریکاییها اجرا نخواهد شد. این تفاهمنامه به رغم تلاش مسئولان، از همان ابتدا با خلف وعده امریکاییها مرده به دنیا آمد و شب گذشته فقط اعلام مرگ آن اتفاق افتاد».

سپس در هفتمین و آخرین روز مانور سیاسی-امنیتی برای حفظ نظام و جا انداختن ولی فقیه موروئی، باقیمانده جنازه علی خامنه‌ای در اقدامی گستاخانه و منزجر کننده برای شیعیان، در یکی از شبستانهای حرم امام رضا در مشهد دفن شد.

همزمان، تلویزیون رژیم (۱۸ تیر) حرفها و شعارهای عوامل رژیم در مراسم جنازه گردانی در مشهد را پخش می کرد که از جمله می‌گفتند و شعار می دادند:

- مذاکره غیر از ذلیل شدن هیچ اثری ندارد.

- مرگ بر سازشگر

- قاتل رهبر جز طناب دار نیست

- بخششی در کار نیست، در کار نیست

- حاشا حاشا حاشا، در انتقامت بشود کوتاهی

- کلاً، کلاً، کلاً، زمین بماند خونخواهی

- حرف ما یک کلام انتقام انتقام

برآیند سیاسی بسیج هفت روزه رژیم (از جمعه ۱۲ تیر تا پنجشنبه ۱۸ تیر) و کلان مانور امنیتی در پوشش عزاداری که میز مذاکره و تفاهمنامه را به کلی درهم ریخت و به شروع مجدد جنگ منجر شد، توسط مسئول شورای ملی مقاومت، بدینگونه بیان شده است: «کینگ مجتبی حاصل همه تجمعات و جنازه گردانی با شعارهای انتقام، انتقام را برای تنور جنگ و حفظ هژمونی خودش می‌خواست. تکرار می‌کنیم که بچه خامنه‌ای مثل بچه شاه ادامه جنگ را می‌خواهد. اینان خوب می‌دانند که بدون جنگ، آینده و شانسی ندارند. هر بلایی بر سر ایران و مردم ایران بیاید برای آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد. بچه شاه و شیخ فقط در پی کسب قدرت و حفظ قدرت به هر قیمت هستند. سلطنت و ولایت و دیگر هیچ. مجاهدین و مقاومت ایران صلح و آزادی می‌خواهند و آن را در ۶۱ سال با پاکبازی و رود خروشان خون شهیدان ثابت کرده‌اند. لازمه صلح و آزادی و استقلال پرداخت بهای تمام عیار برای قیام و سرنگونی و انقلاب دموکراتیک و حاکمیت جمهور مردم ایران است» (۲۱ تیر ۱۴۰۵).

فصل پنجم

موج سواری بچه شاه روی جنگ خارجی

و سقوط آزاد در لجنزار رسوایی

۳۱- سالی که گذشت، سال در هم شکستن توطئه قالب کردن آلترناتیوهای مجعول ارتجاعی - استعماری و شکست خفت بار تلاشهای بچه شاه بود که تلاش می کرد از نمد جنگ خارجی برای خودش تاج و تختی بسازد. او در توهمات خود به دنبال فروپاشی رژیم بعد از حملات نظامی خارجی بود تا به کمک سپاه و بسیج و ارتش کار رژیم را تمام کند و قدرت را به دست بگیرد! اما نمی دانست که آن اوضاع خاص تاریخی و سیاسی و بین المللی، که در آن یک بار پدر بزرگ و بار دیگر پدرش با کودتا به شاهی ایرانی گماشته شدند، از بین رفته و آن سبو بالکل بشکسته. او در برخورد با دیوار سخت واقعیت و شنیدن این جمله از ترامپ که خواهان «تغییر رژیم» در ایران نیست، حباب آرزوها و توهماتش ترکید.

معاون رئیس جمهور آمریکا، جی دی ونس، همین موضع را با صراحت بیشتر مطرح کرد و گفت: «دونالد ترامپ هرگز نگفت که هدف اقدامات او به قدرت رساندن رضا پهلوی در ایران است». وی همچنین گفت: «اگر مردم ایران می خواهند قیام کنند و دولت خود را تغییر دهند، این به خودشان مربوط است. ولی ما ۱۵۰ هزار سرباز نیروی زمینی نمی فرستیم تا تغییری در یک رژیم ایجاد کنیم، مگر این که خود مردم در صحنه بخواهند به آن نتیجه برسند. البته به هر حال نیرو نمی فرستیم، اما در مورد پیشنهاد اعزام نیرو یعنی این که بگویید ارتش آمریکا باید کار مردم ایران را انجام دهد، ما دیگر در آن کسب و کار نیستیم. واقعاً نیستیم».

خیال باطل رضا پهلوی این بوده و هست که همچون «گشتاسب» تاج و تخت شهریاری را با دسیسه از بیگانگان طلب کند. نمی داند که اکنون «لهراسب» بر تخت سلطنت نیست که وادهد. آن بیگانه، آقازاده حاضر به یراق کینگ مجتبی را به شاه نسیه و موهوم ترجیح می دهد.

تأمل در فعالیتهای بچه شاه از قیام سال ۱۴۰۱ تا امروز و به خصوص توجه به سیاست تفرقه افکنانه و جنگ طلبانه وی نشان می دهد که این جریان چه خُسران های سنگینی برای جنبش آزادی خواهانه مردم ایران به بار آورده است.

طرح شعار «مرگ بر سه فاسد ...»، فتنه یا کودتا و نکبت نامیدن انقلاب ۲۲ بهمن، سوار شدن بر موج قیام مردم و تفرقه افکنی در صفوف مخالفان و معترضان و مهمتر از همه حمایت از جنگ خارجی و ایجاد توهم رهایی توسط جنگ خارجی نشان داد که «رهبری دوران گذار» یک امر نسیه است و آن چه نقد است: تفرقه افکنی و توهم پراکنی و اخلال در مبارزه برای سرنگونی رژیم است.

بچه شاه چون تشکیلات و نیروی رزمنده یی روی زمین ندارد، معجزه را در «آسمان» و حمله خارجی جستجو می کند و با عنوان ابلهانه و خائنانۀ «جنگ بشردوستانه»، به دنبال نقابی برای پنهان کردن «وابستگی» است.

درحالی که تشت رسوایی بازیهای اینترنتی برای مطرح کردن و بالا کشیدن بچه شاه و تبلیغ برای سلطنت از طریق حسابهای جعلی و بازدیدکنندگان و فالورهای تقلبی از بام جهان فرو افتاده بود، او شروع به دمیدن در حباب پوشالی دیگری کرد و با رونمایی از یک تارنما با عنوان سرقت شده «ایران را پس می گیریم»، ادعا کرد این «سامانه شاهراهی است برای بسیج و سازماندهی نیروها». رضا پهلوی هیچ توضیحی در مورد حسابهای قبلی، مانند جورج تاون، ققنوس، مونیخ و بادکنکهای ترکیده دیگر نمی دهد. شعر صائب تبریزی شاید تصویرگر این قبیل حسابهای پوشالی چند لایه باشد:

دنیا چو حباب است و لیکن چه حباب

نی بر سر آب، بلکه بر روی سراب

آن هم چه سراب، آن که بینند به خواب

وان خواب چه خواب، خواب بد مست خراب

در چنین خواب و خیال آشفته یی، بچه شاه روز ۱۱ مهر سال پیش در یک مصاحبه سفارشی در شورای روابط خارجی آمریکا ادعا کرد که حباب سامانه جدیدش طی ۲۴ ساعت بیش از یک و نیم میلیون بازدید کننده داشته است. او هم چنین به نحو مسخره یی مدعی شد که به درخواست او برای اولین بار طی ۴۶ سال گذشته جشن مهرگان در ایران در وسیع ترین مقیاس ممکن برگزار شده است! بچه شاه در یک تقلب ننگین دیگر برای جذب مأموران امنیتی و نظامی رژیم، که در حقیقت جذب خودش توسط آنهاست، مدعی شد که ۵۰ هزار نفر از عوامل رژیم به او اعلام پیوستگی کرده اند. کمی بعد همین عدد را به ۱۰۰ هزار نفر افزایش داد.

در مورد این فیل هواشده هم، فصاحت قلب و جعل چنان بود که کاربران شبکه‌های اجتماعی با انتشار پست‌ها و کلیپ‌های فراوان، همراه با داده‌های فنی و مستند، نشان دادند که هر نفر می‌تواند ده‌ها و صدها بار دکمه «رأی» به بچه شاه را بزند! در ردیف این رخدادها، خبرهای دستگیری برخی از نزدیکان بچه شاه مانند قانع‌فر، توسط پلیس آمریکا به جرم رابطه با سپاه (مهر ۱۴۰۴) و کامبیز کاراندیش به جرم قاچاق انبوه کوکائین به ارزش ۲۳ میلیون دلار از آمریکا به کانادا (مرداد ۱۴۰۴) و به جریان افتادن دادگاه فلوریدا برای رسیدگی به جنایات پرویز ثابتی، سردرّخیم ساواک خونریز شاه و قتل مسجودی در کانادا، تشریفات رسوایی دیگری بود که پی در پی با صدای گوش‌خراش از بام عالم فرو افتادند.

محتوای تمامی این بازیها درست مانند روشهایش، سراپا جعلی، تقلبی و وارونه‌گویی است. هدف آن هم مطرح کردن و بالا کشیدن بچه شاه، تبلیغ سلطنت و مقابله با انقلاب دموکراتیک مردم ایران است.

نفوذفشیست‌های دور و بر بچه شاه برای رضاشاه لقب جعلی «پدر ایران نوین» را به کار می‌برند، حقیقت این است که او «پایه‌گذار اختناق نوین» ایران است: یک دستگاه به‌شدت متمرکز بر پایه شکنجه، زندانهای مخوف و قتل مخالفان.

بنیادگذاری زندان قصر، رواج دادن شکنجه، کشتار مخالفان (میرزاده عشقی، فرخی، مدرس، دکتر ارازی و ...) در ابعاد گسترده، ممنوع کردن فعالیت سیاسی و دادن قدرت فوق‌العاده به یک سردرّخیم (سرپاس مختاری)، همه عناصری است که دیکتاتوری دهشتناک یک قرن اخیر بر پایه آنها رشد کرده است: از قصر به اوین رسیده است، از سرپاس مختاری به ثابتی و لاجوردی و از شهربانی رضاشاهی به ساواک شاه، و وزارت اطلاعات خمینی و خامنه‌ای.

تجربه یکسال گذشته، بار دیگر، نشان داد سرنگونی رژیم ولایت‌فقیه یک پروژه ملی، مردمی و ایرانی است که با قیام‌های سازمان‌یافته و مبارزه و فداکاری کانون‌های شورشی و ارتش آزادیبخش محقق می‌شود، نه با بمباران‌های خارجی.

۳۲- مسئول شورای ملی مقاومت در اطلاعیه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ نوشت: «درس بزرگ ۲ جنگ و یک قیام در ۴۰۴ این است که بازگشت به فاشیسم دست‌نشانده سلطنتی سرابی بیش نیست. در تاریخ ایران همه سلسله‌ها با قدرت شمشیر خود بر تخت نشستند. فقط خانواده پهلوی گماشته و حاصل کودتای اجنبی بود. شیر و خورشید مقوایی و مصنوعی یا حلبی و چلبی جایی ندارد دود و دم و حبایی بیش نیست.

فایده پروپاگاندا و نمایش‌ها و برگ‌هایی که بچه شاه در این سالیان، یکی پس از دیگری، رو کرده بالفعل در جیب رژیم ریخته و باعث تفرقه در میان مخالفان رژیم شده است. آنقدر که یکبار یکی از روزنامه‌های حکومتی نوشت "پهلوی‌خواهان با اختلاف‌افکنی میان اپوزیسیون خدمتی به جمهوری اسلامی کردند که هیچ گروه دیگری قادر به انجام آن نبود" («وطن امروز» - ۱۳ بهمن ۱۴۰۳). حالا فکرش را بکنید که اگر از قیام دی‌ماه ۹۶ به بعد این همه جفتک چارکش‌های بچه شاه در صحنه سیاسی ایران نبود، وضعیت تا کجا به زیان رژیم متفاوت بود.

یک‌سال پس از خاتمه جنگ زمینی در عراق، لس‌آنجلس تایمز درباره تمامیت جنگ اشغال عراق فاش کرد "ایرانیها با فریب‌دادن آمریکا یکی از بزرگترین عملیات جاسوسی تاریخ معاصر جهان را انجام داده‌اند. بر اساس گزارشهای مطبوعاتی، به نقل از منابع آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، این آژانس معتقد است که برنامه جمع‌آوری اطلاعات احمد چلبی (رئیس) کنگره ملی عراق برای سرویس اطلاعاتی ایران یک پوشش بوده است". سپس نیوزویک جاسوسی دوجانبه را همراه با عکس چلبی و آخوند خاتمی افشا کرد.

به یقین می‌توان گفت که بچه شاه علاوه بر ارتباطات آلوده خود با سپاه پاسداران از ربع قرن پیش تدریجاً و تا خرخره در حلقه‌یی از اطرافیان اطلاعاتی غرق شده و اسناد آن بی‌تردید مانند اسناد کودتای ۲۸ مرداد روزی در برابر چشم همگان قرار خواهد گرفت. این بار اما بر خلاف روزگار کودتا علیه مصدق بزرگ، انقلاب دموکراتیک ایران و جمهوری دموکراتیک به دست توانای مردم ایران و ارتش آزادی پیروز می‌شود».

مسئول شورا درباره «جنگ بشردوستانه» که بچه شاه ابداع کرده بود، در پیام نوروزی ۱۴۰۵ در بحبوحه جنگ ۴۰ روزه، گفت: «جنگ بشردوستانه» که تکیه کلام بچه شاه است، منتهای ابتذال و دجالیست است. مضحک و حاکی از فقدان بینش سیاسی و تاریخی است.

جنگ‌ها برای منافع مشخص صورت می‌گیرند و نقطه عزیمتی جز این ندارند. کسی که امروز خواهان “جنگ بشردوستانه” و “حملات استراتژیک” برای “فروپاشی” رژیم است تا دیروز سراپا “خشونت پرهیز” بود و قسم و آیه می‌خورد که “متد مبارزه” او همیشه پرهیز از خشونت و “نافرمانی مدنی” بوده است. قبل از آن هم دستبند سبز به دست می‌کرد.

مسعود رجوی اضافه می‌کند: «فرضیه “فروپاشی” هوایی و خودبخودی که عمود خیمه شاهپرستان و مرکز ثقل بافته‌های میان‌تهی بچه شاه است، به کلی باطل و موهوم است. نشان می‌دهد که او از مبانی ساختار رژیم ولایت فقیه و تاریخچه آن بی‌اطلاع است و از آن فهمی ندارد. این رژیم از هوا فرو نمی‌پاشد. از زمین و توسط یک نیروی مشخص، فروپاشانده و سرنگون می‌شود. فروپاشی خودبخودی و قیام خودبخودی جواب ندارد. سرنگون کردن رژیم ولایت فقیه نیازمند نیروی جنگنده و رزم‌آور بر روی زمین است. تشکیلات و سازمان رزم و ایدئولوژی مشخصی هم می‌خواهد. “گارد جاویدان” کاغذی نیست که بتوان آن را یک‌شبه با پروپاگاندا و هوچیگری درست کرد. اگر می‌شد، چرا با ۴۷ سال تأخیر؟ ما برای تشکیل کانونهای شورشی در فضای اختناق حداکثری ۱۲ سال بی‌وقفه کار کرده و قیمت داده‌ایم. آن هم با استفاده از تجارب گرانبهای ارتش آزادیبخش که سابقه آن به ۱۳۶۶ برمی‌گردد. این با حباب‌سازی و حباب‌بازی متفاوت است!».

پیش از آن مسعود رجوی در ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ اعلام کرد: «بچه شاه می‌گوید جنگ را کمک آورده و بی‌صبرانه در انتظار ورود به نخستین شهر آزاد شده ایران است. قبلاً گفته بودیم حرف شورشگران و ارتش آزادی‌ستان هم ساده و روشن و فقط دو کلمه است: بیا! بیا! اکنون باید اضافه کرد که تصرف حتی یک وجب از خاک ایران توسط هر طرف و عناصر دست‌نشانده مانند بچه شاه، مضافاً بر تعارض آشکار با قوانین بین‌المللی، غیرقابل قبول و به سود فاشیسم دینی حاکم بر ایران است. “کینگ” مجتبی خامنه‌ای، ولی فقیه نورسیده، نخستین طرفی است که از آن سود می‌برد تا مبارزه جبهه متحد خلق در ایران با استبداد دینی را به انحراف بکشانند. با سوءاستفاده از ناسیونالیسم ایرانی مانند جنگ ۸ ساله با عراق خود را درگیر یک جنگ ملی و وطن‌پرستانه جلوه دهد و در نتیجه رژیم ولایت فقیه جان بدر ببرد. صد سال است که جنگ اصلی در ایران بین آزادی با استبداد و شاه و شیخ ستمگر است. بچه شاه می‌خواهد به مخاطبان خود بگوید بچه خامنه‌ای جای مرا گرفته. من مانند پدر بزرگم یا مانند پدرم با کودتا یا مثل چلبی با بمبها “در نخستین شهر آزاد شده” به‌زودی فرود می‌آیم! قبلاً هم گفتم که از سال ۲۰۰۰ با سپاه در ارتباط بوده‌ام. سرلشکر زاهدی کودتاجی و پسرش اردشیر زاهدی و هم‌چنین شعبان بی‌مخ تاجبخش، مرده‌اند اما ثابتی، سرشکنجه‌گر ساواک، را بر دوش گذاشته برایتان سوغاتی می‌آورم تا دمار از روزگار پنجاه و هفتی‌ها که میلیون‌ها میلیون “مرگ بر شاه” می‌گفتند، در بیاوریم. پاسخ مردم و آزادیخواهان ایران پیوسته این است: “مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر».

جنگ طلبی رضا پهلوی را می‌توان با واکنش او به آتش بس نیز محک زد. مسعود رجوی در اطلاعیه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ تحت عنوان «تشت رسوایی و سنگ پا از نوع رضا چلبی» نوشت: «بچه شاه خطاب به “هم‌میهنان” می‌گوید که می‌داند خبر آتش‌بس، بسیاری از آنها را “دل‌سرد” و “نا امید” کرده است! عجباً به آن “هم‌میهنان” که با بمب و بمباران و زدن زیرساخت‌هایشان دلگرم و امیدوار می‌شوند. با آتش‌بس، تشت رسوایی‌اش از بام جنگ‌طلبی “بشردوستانه” (!) فرو افتاده، پنجاه هزار نفر از عناصر امنیتی و اطلاعاتی رژیم که به او اعلام پیوستگی کرده بودند ظاهراً پشیمان شده‌اند. از گارد جاویدانش خبری و اثری نیست. قبل از آتش‌بس هم دست به دامان ارتش تحت‌المر ولایت فقیه شد تا به “میدان” بیایند و “ایران را نجات دهند” اما کسی محل نگذاشت و طرح فرودآمدن در نخستین شهر آزاد شده بر باد رفت!

در حسرت ادامه جنگ و بمباران برای هم‌میهنان، که خودش هرگز درگیر آن نبوده و طعم آن‌را نچشیده، با سلیبی صورت خود را سرخ نموده، برای این که از تک و تا نیفتد در یک تقلب آشکار ادعا می‌کند: “ما از آغاز می‌دانستیم که جمهوری اسلامی... از طریق حملات هوایی سقوط نمی‌کند!” به این می‌گویند سنگ پا از نوع رضا چلبی، به‌خصوص که در همین حال تأکید می‌کند: “آنچه در این ۴۰ روز رخ داد، دقیقاً در مسیر همان مطالباتی است که ملت ایران از جامعه جهانی خواست!” حال اگر برسید که تکلیف آن میلیون‌ها نفری که می‌گفت او را صدا زده‌اند و تکلیف گارد جاویدان و آن پنجاه هزار نفر چیست؟ می‌گوید: “شکیبا باشید، از خودتان محافظت کنید!”

طفلکی خیلی هم دل‌نازک است و بغض کرده و گریان می‌گوید: ”همه هدف من این است که اقدام نهایی برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی با کمترین هزینه جانی باشد. جان تک‌تک شما برای من ارزشمند است!“

نهایتاً هم رهنمود می‌دهد: ”در انتظار لحظه تعیین‌کننده بمانید. در این فاصله، من و همه هم‌میهنان‌مان در خارج از کشور با تمام توان، خواست شما را که پایان دادن به جمهوری اسلامی است، فریاد خواهیم زد!“

پس باید منتظر بود تا در این فاصله بچه شاه و دنباله‌های سلطنت و ساواک خواست هم‌میهنان را در خارج فریاد بزنند! راستی که ابتدال تا به کجا...؟

دیگر بس است. دکانهای شیخ و شاه را، که همان بساط استبداد و وابستگی است، باید از اساس گل گرفت و به زباله‌دان تاریخ ایران انداخت. شعارهای فاشیستی جاوید شاه، حزب فقط رستاخیز یا حزب فقط حزب الله و خامنه‌ای رهبر را باید دور ریخت. مغازه‌های ارتجاعی و استعماری مداحی شیخ و شاه را باید تحریم کرد».

۳۳- هرچند «دفترچه اضطرار» که سال گذشته در ۱۶۸ صفحه منتشر شد و ما در بیانیه چهل و چهارمین سالگرد تأسیس شورا به آن پرداختیم؛ هیچ تردیدی در ماهیت فاشیستی و شوونیستی بچه شاه باقی نمی‌گذاشت، اما موضع او علیه گروههای سیاسی کردستان ایران، نشان داد که در توهمات خود به دنبال سیاستهای رضاخانی است. او در ۶ اسفند ۱۴۰۴ گروههای کرد ایرانی را «چند گروه تجزیه‌طلب» توصیف کرد و ارتش تحت امر خامنه‌ای را به مقابله با آنها فراخوند و نوشت: «می‌توان انتظار داشت که ارتش ایران نیز به وظیفه ملی - میهنی خود عمل کند، در کنار ملت بایستد و از ایران در برابر جمهوری اسلامی و تجزیه‌طلبان دفاع کند».

مسئول شورا در همان‌روز در اطلاعیه‌یی خاطرنشان کرد: «بچه شاه بار دیگر در یک بحر طویل از اغلاط اضافی، نیروهای سیاسی کردستان ایران را به ”تجزیه‌طلبی“ متهم و ”اوامر ملوکانه“ برای ”پاسخ قاطع“ به آنها را خطاب به ارتش تحت‌امر خامنه‌ای صادر کرده است! معلوم نیست چرا باید مردم ایران یا بخشی از ایران مانند کردستان به‌طور اصولی از حق تعیین سرنوشت خود محروم باشند و همه حقوق از آن شیخ و شاه باشد. در حالی که بچه شاه پیوسته به مناسبات دیرین خود با سپاه پاسداران بالیده و هم‌اکنون هم به گفته خودش جذب در ۵۰ هزار ریزشی نیروهای امنیتی و نظامی همین رژیم است، در پروژه ”شکوفایی“ سلطنتی خود، گروههای ”تجزیه‌طلب“ و ”پژاک و جیش‌العدل“ را در کنار بازماندگان سپاه پاسداران به ”اتاق عملیات مرزی مشترک“ حواله داده که لابد ریاست آن با امثال ثابتی و لاجوردی است. هم‌زمان یکی از شاهزادگان رژیم آخوندی در نیروی قدس به نام سعدالله زارعی، رئیس سابق اداره سیاسی سپاه پاسداران، خواهان ”برخورد قاطع و محکم“ با کردستان شده و ”فرهیختگان“ خامنه‌ای هم تأکید کرده است که رژیم ”حق خود می‌داند با ابزارهای مختلف و هر گاه نیاز ببیند به افراد و مراکز آنها هجوم ببرد“ (۶ اسفند). مواضع ننگین بچه شاه علیه ملیتهای ستمزده ایران باز هم ضرورت این اصل اساسی را برجسته می‌کند که مقاومت و قیام برای آزادی ایران از چنگال استبداد دینی مستلزم مرزبندی صریح با فاشیسم سلطنتی و تأکید بر اصل راهنمای ”نه شاه و نه شیخ“ است. روزگار جویدن استخوانهای صدام در جنگ ضد‌میهنی با شعار قدس از طریق کربلا نیز به پایان رسیده است. جنگی که منتظری جانشین و قائم‌مقام رسمی خمینی به صراحت در مورد آن گفت: ”توبه دارد“ (کیهان، ۲۳ بهمن ۱۳۶۷).

سازمان مجاهدین خلق ایران روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت اقدام ردیالانه و شنیع بچه شاه در به راه انداختن دسته ساواک با آرم ساواک در شهر رگنزبورگ در ایالت بایرن آلمان را به عنوان عملی کثیف و مجرمانه و تأیید وقیحانه شکنجه‌های ساواک شاه محکوم و اعلام کرد: «۸۰ سال پس از جنگ جهانی دوم و سقوط فاشیسم هیتلری در آلمان، استفاده از نمادهای نازی از قبیل صلیب شکسته و انکار هولوکاست جرم است. اقدام ننگین بچه شاه در روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت نیز جرم و همدستی و دفاع از جنایت‌های ساواک شاه محسوب می‌شود. شناسایی حاملان پرچم ساواک و مزدورانی که آرم ساواک را بر سینه خود نصب کرده‌اند و معرفی آنها به پلیس وظیفه ملی و میهنی هر ایرانی آزاده و شرافتمند است. هیچ ایرانی آزاده و شرافتمندی، این ننگ و لکه سیاه را بر پیشانی ایرانیان خارج کشور برنمی‌تابد. پرویز ثابتی، سردرّخیم ساواک، هم‌اکنون در آمریکا تحت محاکمه است. بی‌تردید در ایران آزاد با قضائیه مستقل، شکنجه‌گران ساواک و همدستان و مدافعان آنها، که آشکارا به ملت ایران و فرزندان آزادیخواه آن اعلان جنگ داده‌اند، در برابر عدالت

قرار خواهند گرفت و بایستی پاسخگوی اقدام مجرمانه خود باشند. شلاق با کابل، ضرب و شتم، شوک الکتریکی، آپولو، کشیدن ناخن‌ها و نشانیدن زندانیان سیاسی بر روی اجاق برقی و صفحات داغ فلزی از روش‌های شناخته شده ساواک است، که توسط عفو بین‌الملل مستند شده است. به رگبار بستن زندانیان سیاسی با دست‌ها و چشمان بسته در تپه‌های اوین در ۳۰ فروردین سال ۱۳۵۴ توسط دژخیمان ساواک را نیز همه می‌دانند. اقدامات هیستریک فاشیسم سلطنتی، آن روی سکه فاشیسم دینی حاکم بر ایران و یقه‌درانی حزب‌اللهی‌های خمینی است.

نماینده‌ی شورای ملی مقاومت ایران در آلمان نیز قویترین اعتراض خود نسبت به این قبیل اقدامات ننگین و مجرمانه بقایای شاه و ساواک او در آلمان را به اطلاع پلیس و وزارت کشور و وزارتخارج آلمان رساند.

همچنانکه پیش از این گفته شد در خرداد ۱۴۰۵ «بیانیه جوانان نسل ضد، ضددیکتاتوری و وابستگی با چراغ راهنمای "نه شاه نه شیخ" منتشر شد که به امضای بیش از هزار تن از جوانان در خارج کشور رسیده و در آن تأکید شده بود «اگر تفرقه‌اندازی و مزاحمت آنها (بچه شاه و دار و دسته اش) در قیام‌های یک دهه گذشته، به‌ویژه قیام‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴، نبود، نتیجه سراپا متفاوت بود».

زینت میرهاشمی عضو کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و سردبیر نشریه نبرد خلق در ۲۲ اردیبهشت تحت عنوان «برافراشتن پرچم ساواک؛ تطهیر شکنجه و جنایت» نوشت:

«حرکتهایی که ذوب‌شدگان راه به تاج و تخت رساندن رضا پهلوی از خود نشان می‌دهند، از سلامهای هیتلری تا نمایش پرچمهای ساواک، تلاشی تازه برای خودنمایی پس از شکست پروژه به‌قدرت‌رسیدن از مسیر جنگ و دخالت خارجی و آگاهی رسانی به همه آزادخواهان است. پرچم ساواک، نماد یکی از مخوف‌ترین نهادهای سرکوب و شکنجه در دوران سلطنت پهلوی دوم، در هر جامعه‌ای که خود را پایبند به آزادی و حقوق بشر بداند، اقدامی شرم‌آور و محکوم است. دموکراسی نمی‌تواند هم‌زمان مدافع آزادی باشد و چشم بر تطهیر ابزارهای شکنجه و سرکوب ببندد. حافظه تاریخی مردم ایران، و برای نمونه نویسندگان این متن کوتاه، هنوز زخم زندانها، شکنجه‌ها و خفقان ساواک را فراموش نکرده است. عادی‌سازی چنین نمادی، توهین به قربانیان شکنجه و سرکوب است و هیچ نسبتی با ارزشهای انسانی و آزادی‌خواهانه ندارد.

در شهر رگنزبورگ آلمان، عده‌یی مسخ‌شده با نماد ساواک راهپیمایی کردند. گرچه آزادخواهی با چنین نمایشهایی جمع نمی‌شود، اما این‌گونه اقدامات، اهانت به آزادی، حقوق بشر و تلاشی برای تحریف و به‌فراموشی‌سپردن تاریخ است؛ پروژه‌یی که باید در برابر آن ایستاد. تطهیر ساواک، جنایتکارترین نهاد سرکوب در دوران سلطنت پهلوی دوم و نمایش آرم آن، نه "آزادی‌خواهی" بلکه دفاع از تاریخ سرکوب و شکنجه است. کسانی که امروز پرچم ساواک را در دست دارند، در حقیقت در برابر دادخواهی زندانیان سیاسی، شکنجه‌شدگان و خانواده‌های جان باختگان استبداد ایستاده‌اند. جامعه‌یی که اجازه دهد جنایتکاران دیروز با پرچم و شعار بازگردند، راه را برای تکرار همان سرکوب هموار می‌کند. در برابر این تحریف آشکار تاریخ و عادی‌سازی جنایت، سکوت جایز نیست».

۳۴- فضاحت بچه شاه از اوایل سال ۱۴۰۵ و بر ملا شدن نقش ویرانگر او در قیام دیمه و دود شدن آرزوهایش برای جلوس بر عرش سلطنت بر بال جنگنده‌های خارجی، ابعاد گسترده بین‌المللی پیدا کرد.

گزارش تحقیقی و مبسوط خبرگزاری رویترز در روز ۶ مرداد در باره بچه شاه بسیار گویاست. رویترز می‌نویسد: در جریان تهیه این گزارش که توسط ۹ خبرنگار و گزارشگر و ادیتور تنظیم شده، «با بیش از ۵۰ نفر، از جمله هشت تن از همکاران فعلی و سابق پهلوی مصاحبه کرده، صدها صفحه از اسناد حقوقی را بررسی نموده و سوابق گسترده ویدئویی، تصویری و رسانه‌های اجتماعی پهلوی و حامیان او را، که برخی از آنها خواهان احیای نظام پادشاهی پیش از انقلاب ایران هستند، واکاوی کرده است».

در این گزارش آمده است که بچه شاه «اواخر فوریه مدت کوتاهی پس از آغاز جنگ، در شبکه اجتماعی "ایکس" اعلام کرد: مردم ایران از من خواسته‌اند تا رهبری دوران گذار پس از رفتن رژیم را بر عهده بگیرم. من این مسئولیت را پذیرفته‌ام. در اواسط ژانویه، ترامپ به رویترز گفت که پهلوی خیلی خوب به نظر می‌رسد، اما من نمی‌دانم که او در کشور خودش چگونه ایفای نقش خواهد کرد. دولت ترامپ در پشت صحنه این شاهزاده را به حاشیه راند. جی‌دی وونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، پس از اعلام تفاهم‌نامه میان

ایالات متحده و ایران توسط ترامپ در ۱۴ ژوئن، گفت: رئیس‌جمهور ایالات متحده هرگز نگفته است که هدفش روی کار آوردن رضا پهلوی به عنوان رهبر جدید ایران است. در این میان، پهلوی و دستیاران ارشدش چاره‌یی جز انتقاد شدید از این توافق در شبکه‌های اجتماعی نداشتند. اعتبار و پیشینه اصلی پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران بودن است. به نظر نمی‌رسد پهلوی یک جنبش سازمان‌یافته توده‌یی در داخل کشور داشته باشد که آماده به دست گرفتن قدرت باشد.

اسکات اندرسون، نویسنده کتاب «شاه‌شاهان: انقلاب ایران» (کتابی که در سال ۲۰۲۵ درباره قیامی که منجر به سرنگونی پدر پهلوی شد)، گفت: او در نوعی حباب سلطنت‌طلبی زندگی کرده است. اندرسون افزود: تمام چیزهایی که من همیشه از مردم جامعه مهاجران ایرانی درباره او شنیده‌ام این است که او تا حدی بی‌وزن و غیرجدی است.

در ۹ مارس، یک خبرنگار آزاد کرد عراقی به نام سیلاشور مشغول پوشش پیامدهای یک درگیری بود که پس از حضور حامیان پهلوی در یک رستوران کردی در لندن رخ داده بود. آن‌ها خواستار نصب پرچم خودشان در این محل شده بودند. لحظاتی پس از رسیدن او، یک مرد ایرانی به گروهی از کردهای محلی که در خارج از رستوران ایستاده بودند توهین کرد و این امر جرقه برخورد دیگری را زد. چندین مرد به خبرنگار کرد که در حال فیلم گرفتن بود حمله کردند، او را به زمین انداختند و بارها با مشت و لگد به سر و کمرش کوبیدند. او برای محافظت از خود، کیفش را روی سرش قرار داد.

سیلاشور گفت: فکر کردم این پایان زندگی من است. او همان شب به دلیل کبودی شدید دنده‌هایش در بیمارستان بستری شد و تحت مداوا قرار گرفت. او گفت که هم‌چنان از درد کمر و پا رنج می‌برد.

سیلاشور گفت پس از گزارش این حمله به پلیس، مأموران عکس‌هایی را به او نشان دادند که از طریق آن‌ها یکی از مهاجمان احتمالی خود را شناسایی کرد. رویترز حساب‌های کاربری آن مرد در شبکه‌های اجتماعی را بررسی کرد که شامل پست‌های متعددی بود که او را در حال شرکت در تظاهرات و تجمعات طرفداران پهلوی نشان می‌داد.

این حمله یکی از حداقل چهار مورد اخیر در سه کشور - انگلستان، هلند و اتریش - بود که رویترز در آن‌ها دست داشتن حامیان پهلوی در خشونت یا آزار و اذیت را مستند کرده است. علاوه بر این، در ماه مارس دو تن از حامیان پهلوی در کانادا به قتل یکی از منتقدان او متهم شدند.

در ماه فوریه، چند نفر که خود را از حامیان پهلوی معرفی می‌کردند، با مهدی شاهپوری، صاحب یک رستوران ایرانی در وین، برخورد کردند و از او خواستند پرچم آنها را نصب کند. شاهپوری به رویترز گفت وقتی او امتناع کرد، آن‌ها او را به تخریب کسب و کارش تهدید کردند، به کارکنان توهین کردند و مشتریان را ترساندند. ویدئوی این حادثه ضبط شده و در شبکه‌های اجتماعی موجود است. در دادگاهی که برگزار شد، مردی به دو اتهام - تهدید خطرناک و اجبار - محکوم شد. او به پرداخت مبلغ نمادین ۱۰۰ یورو به شاهپوری محکوم شد. دادستان‌های وین می‌گویند هم‌چنان در حال تحقیق درباره یک زن مظنون هستند.

به گفته برخی از منتقدان پهلوی، او نتوانسته است لحن توهین‌آمیزی را که برخی از نزدیک‌ترین دستیارانش و همچنین همسرش علیه دیگر مخالفان ایرانی به کار می‌برد کنترل کند، امری که به تفرقه بیشتر در این اپوزیسیون از قبل منشعب‌شده، دامن زده است. در اوایل سال ۲۰۲۳، چهره‌های اپوزیسیون تلاش مشترکی را آغاز کردند که به دلیل برگزاری اولین جلسه در دانشگاه جورج‌تاون در واشینگتن دی‌سی، به ائتلاف جورج‌تاون معروف شد.

در چارچوب این تلاش، اعضا در مارس ۲۰۲۳ برای یک پنل گفتگو در تورنتو گرد هم آمدند. به گفته سه منبع آگاه، در حالی که شرکت‌کنندگان در اتاقی جانبی منتظر رفتن روی صحنه بودند، یاسمین پهلوی، همسر شاهزاده تبعیدی، وارد شد و بدون مقدمه به سایر مخالفان گفت که آن‌ها در مقایسه با همسرش عددی نیستند. البته یاسمین به رویترز می‌گوید که هرگز چنین چیزی نگفته و آن را کاملاً ساختگی خواند.

یکی از دستیاران کلیدی پهلوی، سعید قاسمی‌نژاد، در پستی در ماه ژانویه در شبکه ایکس نوشت: شما یا با شاهزاده رضا پهلوی هستید یا با جمهوری اسلامی. اگر به هر دلیلی فرمانده میدان را تضعیف کنید، مأمور دشمن هستید.

در ۶ مارس، پلیس کانادا جسد مسعود مسجودی، دانشگاهی و معلم ریاضی متولد ایران را که در نزدیکی ونکوور زندگی می‌کرد، پیدا کرد. اندکی پس از آن، مقامات دو تن از حامیان پهلوی را به قتل او متهم کردند. مسجودی یک فعال متعهد دموکراسی‌خواه ایرانی بود که پیش از این از پهلوی حمایت می‌کرد و حتی در سال ۲۰۲۱ در یک گفتگوی ویدیویی طولانی با او شرکت کرده بود... اما او در نهایت راه خود را از پهلوی جدا کرد. در سال ۲۰۲۴، او مجموعه‌یی از شکایتها را در دادگاه عالی بریتیش کلمبیا علیه پهلوی و برخی از حامیانش تنظیم کرد که در نهایت شامل هزاران صفحه اسناد دادگاه شد. در اواخر سال گذشته، مسجودی متقاعد شد دو تن از وفاداران سرسخت رضا پهلوی که او از آنها نیز شکایت کرده بود در حال توطئه برای ترور او هستند. در ماه اکتبر، او در شبکه ایکس ادعا کرد متهمان به توطئه - مهدی احمدزاده رضوی و آرزو سلطانی - تلاش کرده‌اند تا به ماده‌یی کشنده برای کشتن او دست یابند تا شکایت‌های او علیه پهلوی و دیگران متوقف شود.

رزیتا فاطمی، یک پزشک محلی، بعداً سوگندنامه‌یی ارائه داد و اعلام کرد که در سپتامبر ۲۰۲۵ با این دو متهم دیدار کرده و یکی از آنها از من دارویی خواست تا "از شر او خلاص شوند". بر اساس روند گفتگو، متوجه شدم که سوژه سلطانی برای درخواست آن دارو مسجودی بوده و هدف آنها قتل او بوده است. فاطمی گفت این درخواست را رد کرده است...».

رویترز در باره **تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران** می‌نویسد: «دو فعال سیاسی درگیر در کارزار جهانی برای تروریستی اعلام کردن سپاه توسط کشورها می‌گویند پهلوی به جز پست‌های شبکه‌های اجتماعی و حداقل یک یادداشت مطبوعاتی، حضور ملموسی در این کارزار نداشت. پس از بمباران ایران توسط اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه سال گذشته، ۱۵ تن از چهره‌های برجسته تجاری ایرانی - آمریکایی یک گروه واتساپ را برای گفتگوهای خصوصی درباره اوضاع راه‌اندازی کردند. این گروه در نهایت به ۲۸ عضو رسید. به گفته یکی از اعضا، شرکت‌هایی که آنها رهبری می‌کنند در حال حاضر ارزشی معادل بیش از یک تریلیون دلار دارند.

یکی از اعضای گروه گفت: آنها این باور را نداشتند که پهلوی فرد مناسبی است. این منبع افزود در نهایت، کمتر از ۱۰ نفر در مجموع بیش از ۳ میلیون دلار کمک کردند. یکی از حامیان مالی ایرانی - آمریکایی گفت تصور می‌شد پهلوی به توصیه‌های حامیان مالی خود توجه بیشتری خواهد کرد. اما با وجود تماس‌های ویدیویی مکرر بین پهلوی و برخی از این فعالان تجاری، ثابت شد که اوضاع این‌گونه نیست. این کمک‌کننده دیگر مبالغ بیشتری پرداخت نکرده است: ما همگی تاجر هستیم. شما انتظار دارید سرمایه‌گذاری‌تان بازگشت داشته باشد».

۳۵ - مجله آتلانتیک روز ۱۸ اردیبهشت نوشت: «در اوایل فوریه، در حالی که بخش زیادی از جهان بر جنگ قریب‌الوقوع در خلیج فارس متمرکز بود، یک تبعیدی پر سر و صدای ایرانی به نام مسعود مسجودی در کانادا ناپدید شد. چند روز بعد، ۱۰ چهره شناخته‌شده دیگر اپوزیسیون خارج کشور در پیامی تهدیدآمیز و ناشناس در ایکس (توییتر سابق) تگ شدند: "به‌زودی باید دنبال جنازه‌های بیشتری بگردید".

اما وقتی جسد مسجودی در ماه مارس پیدا شد، تحقیقات به جمهوری اسلامی اشاره نداشت. در عوض، پلیس کانادا دو تن از هواداران رضا پهلوی، پسر ۶۵ ساله آخرین شاه ایران و برجسته‌ترین چهره اپوزیسیون ایران، را به قتل متهم کرد. مسجودی، که منتقد سرسخت پهلوی بود، ماهها جنبش او را محکوم می‌کرد و به‌طور مشخص از همان دو مظنون نام برده و گفته بود که آنها در حال توطئه برای ساکت کردن او هستند.

نیک آهنگ کوثر، روزنامه‌نگار و کارتون‌نویست شناخته‌شده‌یی که زمانی به پهلوی نزدیک بود، در ماه آوریل نوشت: "مردی با امتیازات موروثی، بدون هیچ دستاورد جدی، با استعدادی برای حرکت در جهت باد، و توانایی قابل‌توجهی در آن که میلیون‌ها نفر را از نظر احساسی درگیر نگه دارد، در حالی که چیزی جز تناقض، توهم و ناامیدی ارائه نمی‌دهد".

علیرضا نادر، تحلیلگر سیاست‌گذاری که زمانی به شاهزاده نزدیک بود، گفت: "آنها سال‌هاست علیه منتقدان پهلوی نفرت‌پراکنی می‌کنند و بارها هشدار داده بودند که این روند به اتفاقی بد منجر خواهد شد".

دستیاران و حامیان با او مانند پادشاهی رفتار می کنند که سخنش نباید مورد پرسش قرار گیرد. یکی از ایرانیان سرشناس آمریکایی در صنعت فناوری - که مانند چند نفر دیگر به دلیل فضای آزار و اذیت آنلاین نخواست نامش فاش شود - از شکافی عمیق در شبکه های ثروتمندی که پهلوی تلاش کرده از آنها کمک مالی بگیرد سخن گفت: "بعضی ها می گویند پهلوی تنها گزینه است. برخی دیگر می گویند: چرا باید یک دیکتاتور را با دیکتاتوری دیگر عوض کنیم؟"

فردی که با قاسمی نژاد و اعتمادی (دومشاور بچه شاه) کار کرده به من گفت این مشاوران پهلوی معتقدند که "درهم کوبیدن اپوزیسیون به همان اندازه جنگ با رژیم اهمیت دارد. آنها واقعاً باور دارند که پهلوی نمی تواند مؤثر باشد مگر این که تنها صدا باشد."

مسجودی، ریاضیدان و فعال مستقر در کانادا، نیز در ابتدا از تحسین کنندگان شاهزاده بود اما خیلی زود سرخورده شد و دیری نگذشت که به یکی از صریح ترین و سرسخت ترین منتقدان جنبش پهلوی تبدیل شد ... سرانجام، مسجودی متقاعد شد که دو مشاور جوان پهلوی مخفیانه برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کار می کنند.

کریستین امانپور، مجری سی.ان.ان، در مصاحبه ای تلویزیونی در مونیخ از او (بچه شاه) پرسید آیا حاضر است رفتار تهاجمی برخی از وفادارانش را محکوم کند یا نه. پهلوی پاسخ داد که با هرگونه ارباب مخالف است. او افزود: "فکر می کنم رژیم پشت بسیاری از این کارزارها قرار دارد."

در واقع، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد ارتش سایبری رژیم تلاش کرده تنش ها را در درون اپوزیسیون شعله ور کند، گاهی حتی با ظاهری سلطنت طلبانه. اما نکته امانپور بلافاصله پس از مطرح شدنش اثبات شد؛ زمانی که گروهی از حامیان پهلوی در همان مراسم مونیخ به امانپور نزدیک شدند و با خشم شروع به فریاد زدن کردند و او را به همکاری با رژیم متهم ساختند.

اما منتقدان او (بچه شاه) در اپوزیسیون اکنون بلندتر از هر زمان دیگری سخن می گویند. اواخر ماه گذشته زندانی سیاسی، منوچهر بختیاری، در پیامی صوتی تند و کوبنده خطاب به پهلوی گفت: "در میان کسانی که مدعی حمایت از سلطنت هستند، این تو بوده ای که بیش از هر کس دیگری به آنچه سوگند خورده بودی پاس بداری، به خود نهاد سلطنت پشت کرده ای"

درخواست های پهلوی برای بمباران بیشتر، اکنون لحنی درمانده و مستأصل پیدا کرده است. از یکی از حامیان سرشناس پهلوی پرسیدم حالا که به نظر می رسد این همه راهبرد شکست خورده، او چه راه حلی برای مقابله با جمهوری اسلامی پیشنهاد می کند، گفت: "اگر ارتش آمریکا بتواند برای ولیعهد در یکی از شهرهای ایران یک منطقه فرود امن فراهم کند، همه چیز تغییر خواهد کرد. فکر می کنم آن وقت کار سپاه تمام است." من از شنیدن این حرف شوکه شدم. به خاطر غیرواقعی بودن این سناریو، خود پهلوی نیز احتمالاً حاضر نیست چنین سفر پرخطری را انجام دهد. او همان فردی است که در سال ۲۰۲۳ به مصاحبه کننده ای گفته بود: "زندگی من در ۴۰ سال گذشته اینجا در آمریکا بوده است. فرزندانم اینجا زندگی می کنند، دوستانم اینجا هستند، همه کسانی که می شناسم اینجا هستند. اگر قرار باشد برگردم، به چه چیزی برگردم؟".

- خبرگزاری هلند (نوس) روز ۳۰ فروردین ۱۴۰۵ (قبل از مجله آتلانتیک) در گزارش مشابهی تحت عنوان «ایرانیان از همه سو تهدید می شوند؛ حتی به نام پهلوی» نوشت: «منتقدان او (پهلوی) در مقیاسی گسترده - هم به صورت آنلاین و هم حضوری - مورد آزار قرار می گیرند. در یک کانال تلگرامی به نام De Huurlingen (مزدورها)، ایرانیانی که نظر متفاوتی دارند "دست نشانده رژیم" خوانده می شوند. نام بیش از ۱۷۰ ایرانی ساکن هلند و بلژیک در این کانال منتشر شده است؛ از جمله وکلا، استادان دانشگاه و روزنامه نگاران. هرکس که هوادار پهلوی نباشد - یا حتی حاضر نشود شعار "جاوید شاه" بدهد - هدف آزار قرار می گیرد.

عکس ها و اطلاعات شخصی افراد منتشر می شود. به گفته یوپ لیندمان، استاد حقوق آیین دادرسی کیفری (دانشگاه اوترخت)، همه نشانه ها حکایت از دوکسینگ دارد؛ یعنی انتشار عامدانه داده های شخصی برای ترساندن افراد. این کار در هلند جرم است و می تواند تا دو سال زندان به دنبال داشته باشد. تا کنون دست کم ۲۰ ایرانی شکایت رسمی نزد پلیس ثبت کرده اند. به گفته امین روزدار، وکیل دادگستری (که خود نیز تهدید شده است)، موکلانش فقط به صورت آنلاین مورد هدف قرار نگرفته اند. روی خانه یکی از آن ها شعارهایی که او را "خائن" می نامد نوشته شده. هرچند بسیاری از تهدیدها ناشناس است، روزدار می گوید روشن است که این ها از اردوی پهلوی می آید.

برای نگین شیرآقایی، فعال حقوق بشر و روزنامه‌نگار سابق بی.بی.سی، نیز منشأ تهدیدها روشن است: «هرکس طرفدار پهلوی نباشد، یا حتی حاضر نشود شعار "جاوید شاه" بدهد، مورد آزار قرار می‌گیرد. در سراسر اروپا ایرانیان را می‌ترسانند». در ویدئوهای منتشرشده آنلاین دیده می‌شود که مغازه‌داران و رستوران‌داران با تهدید خشونت مجبور می‌شوند که پرتره‌های ولیعهد را نصب کنند».

۳۶- سفر رضا پهلوی به برلین در دوم و سوم اردیبهشت ۱۴۰۵، با مخالفتها و انتقادات گسترده همراه شد. محور مشترک این انتقادات، فقدان مشروعیت سیاسی، فاصله نگرفتن از میراث استبدادی سلطنت پهلوی، شکاف‌افکنی در میان اپوزیسیون ایران، نزدیکی به اسرائیل و حمایت از حملات خارجی، و نیز ناتوانی در ارائه برنامه مشخص برای آینده ایران بود. در جریان این سفر سخنگوی دولت اعلام کرد که دولت آلمان «هیچ دلیلی» برای گفت‌وگو با پهلوی نمی‌بیند و او را «یک شخص خصوصی» می‌داند. علاوه بر دولت، رسانه‌ها گزارش کردند که شخصیت‌هایی از احزاب دموکرات مسیحی، سبزها و چپ‌ها با دیدار رسمی یا نیمه‌رسمی با او مخالفت یا ابراز تردید کردند. فلور بادنبرگ، وزیر دادگستری ایالت برلین از حزب دموکرات مسیحی، یادآور شد که خانواده پهلوی نماد یک نظام اقتدارگرا پیش از سال ۱۹۷۹ است و پدر رضا پهلوی مخالفان سیاسی را تعقیب، شکنجه و به قتل می‌رساند. جانسو اوزدمیر، از حزب چپ، دیدار با پهلوی را «بسیار مسئله‌ساز» خواند و لویزه آمتسبرگ از سبزها گفت که او در جامعه ایرانی به شدت قطبی‌سازی می‌کند.

اوج این فاصله‌گذاری سیاسی در برنامه «مایبریت ایلنر» شبکه دوم آلمان دیده شد. وقتی از تورستن فرای، رئیس اداره صدراعظمی و وزیر فدرال برای مأموریت‌های ویژه، پرسیده شد چرا دولت فدرال با پهلوی ملاقات نکرده است، او ضمن محکوم کردن رژیم حاکم بر ایران تأکید کرد که «تغییر رژیم را هرگز نمی‌توان از بیرون سازمان‌دهی کرد، بلکه باید از دل خود مردم رخ دهد». او گفت اگر دولت با سیاستمداران اپوزیسیون گفتگو کند، رضا پهلوی «حتماً نخستین آدرس نیست».

روزنامه فرانکفورتر روندشاو در مقاله‌ای تحت عنوان «رضا پهلوی اپوزیسیون ایران و سیاست آلمان را دچار شقه می‌کند»، نوشت: سازمان‌های متعدد آلمانی - ایرانی، سیاستمداران آلمانی را به خاطر مشروعیت‌بخشی به «شخصی عمیقاً تفرقه‌افکن» مورد انتقاد قرار داده‌اند. نزدیکی پهلوی به اسرائیل و حمایت او از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران از عواملی است که باعث قطبی‌سازی شدید او شده است. در نامه سرگشاده و بیانیه جوامع ایرانی - آلمانی نیز همین نکته برجسته شد: مشروعیت دموکراتیک باید از مردم ایران سرچشمه بگیرد، نه از قدرت نظامی خارجی. این انتقاد در فضای آلمان، به‌ویژه به دلیل حساسیت نسبت به مداخله خارجی و پیامدهای انسانی جنگ، وزن زیادی پیدا کرد.

تاگس‌سایتونگ در یادداشتی با عنوان «شاهزاده‌یی که خود را دلقک کرد»، نوشت: اگر هدف پهلوی از حضور در کنفرانس مطبوعاتی فدرال، معرفی خود به عنوان دولتمردی توانا بود، «به طرزی رقت‌انگیز شکست خورد. او بخش بزرگی از وقت خود را صرف نصیحت کردن به خبرنگاران کرد، به مطبوعات آلمان اتهام زد که درباره ایران به اندازه کافی گزارش نمی‌دهند و در برابر پرسش‌های محتوایی درباره چگونگی گذار سیاسی پاسخ مشخصی ارائه نکرد». مقاله چنین پایان می‌یابد: «شاهزاده‌یی که می‌خواهد شاه شود» در برابر مطبوعات بیشتر به صورت «دلقک دربار» ظاهر شد؛ آن هم دلقکی که دیگر درباری ندارد.

در گزارش‌های مطبوعاتی در آلمان بارها تأکید شد که رضا پهلوی از جنایات دوران پدرش فاصله نگرفته و حتی در برخی مواضع، میراث خانوادگی خود را مثبت جلوه داده است. روزنامه فرانکفورتر روندشاو به اظهارات فلور بادنبرگ درباره تعقیب، شکنجه و قتل مخالفان سیاسی در دوران شاه اشاره کرد. همچنین انتقادات محافل کردی را بازتاب داد که از خاطرات تلخ و خشونت علیه اقلیت‌های قومی سخن گفته بودند.

مجله اشپیگل نوشت: پسر شاه در میان اپوزیسیون ایران بسیار بحث‌برانگیز است. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد: پهلوی از حملات ایالات متحده و اسرائیل که بر جمعیت غیرنظامی نیز تأثیر گذاشته است، حمایت می‌کند. پدر او نیز با مشت آهنین بر کشور حکومت می‌کرد. او مخالفان را سرکوب می‌کرد، منتقدان را زندانی می‌کرد و سرویس مخفی بدنام او به طرز وحشیانه‌یی علیه مخالفان عمل می‌کرد.

۳۷- **سفر بچه شاه به سوئد** در همین ماه نیز با اعتراض روبرو شد. در یک کنفرانس در حاشیه پارلمان وقتی یک پارلمانتار از او پرسید: آیا به عملکرد پدرش انتقاد دارد؟ گفت: بهتر است به جای تمرکز بر گذشته، درباره آینده صحبت کنیم. من به پیشینه و نام خانوادگی ام افتخار می‌کنم، اما تمرکز من بر آینده ایران است. وقتی دوباره از او سؤال شد که گذشته سیاسی پدرش برای او مشکل ایجاد کرده؟ گفت نمی‌دانم چرا برخی افراد هم‌چنان بر اتفاقاتی تمرکز می‌کنند که دهه‌ها پیش رخ داده است. من ترجیح می‌دهم درباره آینده صحبت کنیم. من به پیشینه و خانواده ام افتخار می‌کنم.

روزنامه داگنر نی‌هیتتر (۸ اردیبهشت) در مقاله‌ای با عنوان «افتخار آشکار به شکنجه در محضر تاریخ» به قلم پونه روحی نوشت: «او (بچه شاه) هرگز از اقدامات پدرش اعلام برائت نکرده و گفته می‌شود از این که مدام درباره این موضوع از او سؤال می‌شود خسته است... این قابل درک است. دوران حکومت پدرش دوره‌ای تاریک با پیامدهای فاجعه‌بار بود و یادآوری آن چندان خوشایند نیست. ماندن در آینده‌ای خیالی آسان‌تر از روبه‌رو شدن با تاریخی است که دیده و ثبت شده است. در اینترنت جست‌وجو می‌کنم و چندین گزارش از سازمان عفو بین‌الملل پیدا می‌کنم؛ یکی از آن‌ها مربوط به سال ۱۹۷۶ است، یعنی سه سال پیش از سقوط شاه. این گزارش با این نکته آغاز می‌شود که شاه تنها مرجع قدرت است و کنترل کامل کشور را در دست دارد. او فرمانده کل نیروهای مسلح است و رئیس پلیس امنیتی ساواک را منصوب می‌کند؛ نهادی که «تقریباً قدرتی نامحدود» در اختیار دارد. این ساواک است که مسئول شکنجه، مثله‌کردن، زندانی کردن و تهدید مخالفان است. از «نظام خبرچینی به شدت بی‌رحمانه» استفاده می‌شود که رعب و وحشت را در میان مردم گسترش می‌دهد. هیچ آزادی بیان یا آزادی تشکیلی وجود ندارد. مطبوعات به شدت سانسور می‌شوند و آزادی دانشگاهی به‌طور جدی محدود است... تمامی زندانیان سیاسی در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند و جلسات رسیدگی پشت درهای بسته برگزار می‌شود. این ساواک است که بدون حکم دادگاه دستور بازداشت افراد را صادر می‌کند و خود تحقیقات را آماده می‌سازد؛ تحقیقاتی که هیچ محدودیت زمانی ندارد و بعداً مبنای کیفرخواست قرار می‌گیرد. متهم حق انتخاب وکیل ندارد و وکلای تعیین‌شده اغلب افسران بازنشسته نظامی هستند که لزوماً صلاحیت حقوقی ندارند. متهم حق احضار شاهد یا ارائه شواهد دیگر، جز شهادت خود را ندارد.

زندانیان سیاسی از شکنجه شهادت داده‌اند. روش‌هایی که در گزارش عفو ذکر شده عبارت‌اند از: شلاق، ضرب و شتم، شوک الکتریکی، کشیدن ناخن‌ها و دندان‌ها، تزریق آب داغ به رکتوم، آویزان کردن وزنه‌های سنگین از بیضه‌ها، بستن زندانیان به فلز داغ‌شده، فرو کردن بطری‌های شکسته در مقعد و تجاوز. به عنوان نمونه، از زندانی‌ای به نام اصغر بدیع‌زادگان یاد می‌شود که گفته شده او را به صفحه‌ای فلزی بسته و تا حدی سوزاندند که بخش پایینی بدنش فلج شد و تنها می‌توانست با کمک دست‌هایش روی زمین کشیده شود. به گفته عفو، شهادت‌هایی مبنی بر مرگ افراد زیر شکنجه نیز غیرمعمول نیست... برای شناخت روش‌های شاه نیازی نیست گزارش‌ها و مقالات قدیمی را از نو بیرون بکشیم. در سوئد، ایرانیان تبعیدی بسیاری هستند که می‌توانند از دوران شاه بگویند... پدر من در ۲۴ سالگی بازداشت شد و سه سال و هشت ماه در زندان‌های شاه زندانی بود. حکم او در اصل سه سال بود، اما مدتی بیشتر نگهش داشتند... طبقه بالاتر از محل نگهداری او، زندانیان زیر ۱۸ سال نگهداری می‌شدند؛ نوجوانانی که قرار بود در طول حبس «آموزش ایدئولوژیک» ببینند.

روش‌های سرکوبگرانه شاه امروز با شدتی بیشتر به کار گرفته می‌شود. به همین دلیل است که من امروز در این کشور هستم. با وجود آن که پدرم پس از زندان دیگر فعالیت سیاسی نداشت، (رژیم شاه) هم‌چنان او را تعقیب کرد، به‌طور خودسرانه زندانی‌اش کرد و جانش را تهدید نمود. شیوه‌های برخورد با مخالفان از پیش شکل گرفته بود، ساز و کارها آماده بود و همه پرونده‌ها به دقت نگهداری شده بودند. دانش گرفتن اعتراف تحت شکنجه، نظارت و کنترل جمعیت، و برگزاری دادگاه‌های نمایشی از قبل وجود داشت. در برخی موارد حتی افرادی که این سرکوب را اجرا می‌کردند تغییر نکردند.

شاه از این نظر آموزگار حکومت اسلامی بود. اعترافات اجباری تلویزیونی که امروز در ایران پخش می‌شود، در دوران شاه نیز وجود داشت. همان‌طور که امروز عمل می‌شود، در زمان شاه هم ارتش به سوی معترضان غیرمسلح شلیک می‌کرد؛ همان‌گونه که امروز عمل می‌شود، از سفارتخانه‌ها برای نظارت بر ایرانیان خارج از کشور استفاده می‌شد... قابل درک است که رضا پهلوی نمی‌خواهد درباره

عملکرد پدرش صحبت کند. همین خشونت و خودکامگی به انقلابی انجامید که بعداً توسط خمینی مصادره شد. این مسئولیتی بسیار سنگین است که بر دوش پدر او قرار دارد».

۳۸- **سفر بچه شاه به هلند** در تیرماه هم با اعتراض سیاستمداران هلندی و مخالفان ایرانی مواجه شد. روزنامه ان.آر.سی، ۱۵ (تیر) تحت عنوان زخمهای گذشته دوباره باز می‌شوند مقاله‌یی منتشر کرد. در قسمتهایی از آن آمده است: «رضا پهلوی، که خودش را رهبر در تبعید اپوزیسیون ایران معرفی می‌کند، بعد از ظهر دوشنبه به مجلس نمایندگان هلند رفت. نمایندگان گروه‌های مختلف اقلیت‌های ایرانی نیز حضور داشتند که پسر آخرین شاه ایران را با گذشته اقتدارگرایانه حکومت پدرش یکی می‌دانند.

از ساعت ۱۳:۰۰ ورودی مجلس بسته شد. حدود ۸۰ نفر از حامیان رضا پهلوی که از کشورهایی مانند سوئد، نروژ و آلمان آمده بودند، مقابل ورودی تجمع کردند. جلسه با رضا پهلوی غیرعلنی برگزار شد.

۱۶ سازمان ایرانی، از جمله سازمانهای بلوچ‌ها، کردها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و هم‌چنین گروه‌های چپ‌گرای ایرانی در هلند، در نامه‌یی سرگشاده به مجلس نوشتند: «برای بسیاری از مردم ایران، نام پهلوی نه یادآور آزادی، بلکه یادآور یک حکومت اقتدارگراست». جریان دعوت از رضا پهلوی با آشفتگی همراه بود... یکی از دلایل جنجالی شدن موضوع رضا پهلوی این است که او هرگز از ساواک سازمان اطلاعات و امنیت حکومت پدرش که مخالفان سیاسی را زندانی و شکنجه می‌کرد، فاصله نگرفته است. سپیده عرفا، پژوهشگر علوم سیاسی و رئیس سازمان «جوانان ایرانی در هلند»، می‌گوید حضور رضا پهلوی خاطرات دردناک گذشته را دوباره زنده کرده است. او می‌گوید: «وقتی سه ساله بودم، جای زخم‌های روی پای پدرم را دیدم؛ پدری که پنج سال در دوران شاه زندانی بود. همان موقع فهمیدم شکنجه یعنی چه. برای من و بسیاری از ایرانیان هلند، حضور او در مجلس باعث می‌شود زخم‌های گذشته دوباره باز شوند». در داخل جلسه فقط ۴ نماینده که ۲ تن از آنان همان دعوت کنندگان رضا پهلوی بودند، حضور داشتند. در جایگاه تماشاگران هم تنها چند ایرانی حضور داشتند. وقتی جلسه غیرعلنی رضا پهلوی آغاز شد از همه افراد دیگر خواسته شد ساختمان مجلس را ترک کنند».

۳۹- رسانه های فرانسوی در ماههای گذشته، یکی پس از دیگری، در مورد شکست پروژه بچه شاه نوشتند:

– **خبرگزاری فرانسه** روز ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ نوشت: «رضا پهلوی، که از زمان انقلاب ۱۹۷۹ که سلطنت را سرنگون کرد، به ایران بازنگشته، خود را به عنوان یک جایگزین در صورت سقوط رژیم ایران معرفی می‌کند. او اسرائیل و ایالات متحده را به جنگ در ایران تشویق کرده و بذر تفرقه پاشیده است. حکومت استبدادی و سرکوبگرانه پدرش، که او از آن فاصله نگرفته، دشمنان زیادی برایش به ارمغان آورده. او حمایت دونالد ترامپ را که هرگز رسماً با او ملاقات نکرده و بارها در مورد توانایی او برای رهبری ایران ابراز تردید کرده، به دست نیاورده است...».

– **تلویزیون فرانس انفو** – شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵- آنتونی بلانژه، سردبیر خارجی تلویزیون فرانس انفو، وقتی در مورد کسانی که در جریان جنگ اخیر «بازنده» شدند مورد سؤال قرار گرفت گفت: «به طور خلاصه، آنها (مردم ایران) چهل روز متوالی بمباران شدند. به شما یادآوری می‌کنم که بیش از ۱۵۰۰۰ حمله هوایی اسرائیلی - آمریکایی در ایران انجام شده است. واضح است که مردم ایران چیزهای زیادی را از دست داده‌اند، اما یک ایرانی وجود دارد که به طور خاص، همه چیز را از دست داده است: شاهزاده رضا پهلوی. می‌دانید، ولیعهد ایران. با نقل قول از مولیر، می‌توانم بگویم که از نظر سیاسی «شاه کوچک مرده است» بله، زیرا او به معنای واقعی کلمه توسط تاریخ حذف شده است. کسی که مردمش را به خیابان‌ها فراخواند؛ کسی که گفت کمک‌های آمریکا در راه است؛ کسی که گفت حملات اسرائیل و آمریکا برای آزادی مردم ایران است... خوب، او توسط تاریخ محو شده است و قطعاً، تاریخ بدون او نوشته می‌شود. همانطور که تالیران در مورد اشراف فرانسوی که در طول انقلاب فرانسه مهاجرت کرده بودند، گفت: «آنها هیچ چیز را فراموش نکرده‌اند و هیچ چیز هم نفهمیدند». این هنوز هم صدق می‌کند. رضا پهلوی هیچ چیز را فراموش نکرده، او هنوز هم به همان اندازه کینه‌توز است و قطعاً هیچ چیز را هم نفهمیده است».

هفته نامه شارلی هبدو، ۱۴ اسفند ۱۴۰۴، در مقاله‌ی تحت عنوان «رضا پهلوی، ابزاری دیجیتالی در خدمت ملاها؟» نوشت: «طبق گفته‌ی تردستون - ۷۱، یک شرکت اطلاعاتی آمریکایی، او (رضا پهلوی) صرفاً یک مهره در خدمت رژیم ملاهاست. او از طرف مردم ایران، به رئیس‌جمهور آمریکا به خاطر "هدف قراردادن رژیم سرکوبگر" و "ارائه چشم‌انداز آزادی" به کشورش تبریک گفت... پهلوی خود را متقاعد کرده است که مرد زمانه است. مهم نیست که او بیش از چهل سال است که پا به ایران نگذاشته است. او می‌داند که "حمایت چندین میلیون ایرانی" را دارد. واقعاً؟ ... در واقع، ولیعهد محبوبیت خود را در درجه اول مدیون رسانه‌های اجتماعی است. به ویژه در X، جایی که او به داشتن حداقل ۲.۱ میلیون دنبال‌کننده (!) و هزاران نظر تشویق‌آمیز در هر یک از توییت‌هایش افتخار می‌کند. مشکل: همه اینها چیزی جز یک فریب بزرگ نیست و پهلوی سوژه شوخی است.

تردستون - ۷۱، این کلاهبرداری را کشف کرد. چگونه؟ به لطف به‌روزرسانی X در پایان سال گذشته که ناگهان موقعیت‌های فیزیکی کاربران را فاش کرد. تحقیقاتی که در پایان ژانویه بر اساس ده‌ها میلیون نقطه داده منتشر شد و "یک واقعیت مشکوک" را کشف کرد: این که "بسیاری از پروفایل‌هایی که ادعا می‌کردند فعالان مخالف ایرانی مستقر در غرب هستند، در واقع مستقیماً از ایران فعالیت می‌کردند." این استراتژی گمراه‌کننده، ضمن این که به طور مصنوعی محبوبیت پهلوی - و در این فرآیند، خودخواهی او - را افزایش می‌دهد، در جهت منحرف کردن توجه از قیام‌های مختلف در طول سال‌ها عمل می‌کند. اما مهم‌تر از همه، این یک جایگزین دموکراتیک بالقوه را تضعیف می‌کند. به گفته دانچو دانچف، تحلیلگری که این گزارش را نوشته است، بسیاری از حساب‌های ایرانی از "سیم‌کارت‌های سفید" استفاده می‌کردند. این روش اتصال که در ایران مختص مقامات رژیم است، به آنها دسترسی نامحدود به اینترنت را در کشوری که قطعی‌های اعمال شده توسط دولت رایج است، می‌دهد. دانچف می‌نویسد: «بسیاری از افراد، از جمله روزنامه‌نگاران و چهره‌های سیاسی که قبلاً منتقد رژیم محسوب می‌شدند، با دسترسی بدون فیلتر و مجاز به اینترنت فعالیت می‌کردند ... سوابق عمومی نشان می‌دهد که این مجوزها توسط سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی اعطا می‌شوند و عموماً شامل تعهد کتبی یا حداقل توافق شفاهی برای عبور نکردن از خطوط قرمز خاص هستند. فریبکاری به همین جا ختم نمی‌شود.

رژیم ایران تنها به همکاری و توافق با افراد واقعی بسنده نکرده، بلکه ارتشی از حساب‌های رباتیک (بات‌ها) نیز ایجاد کرده است. دانچف با تکیه بر داده‌های ریاضی، این پدیده را "ضربان مترونوم" نامیده است. بر اساس محاسبات و تحلیل‌های او، هزاران حساب کاربری دقیقاً در ثانیه صفر هر دقیقه ایجاد شده‌اند؛ الگویی که هر ۶۰ ثانیه یک‌بار تکرار شده است. چنین دقتی که در حد کسری از ثانیه تنظیم شده، از توان یک انسان خارج است و به همین دلیل تیم ترداستون - ۷۱ نتیجه گرفته که حدود ۹۰ درصد از دنبال‌کنندگان به‌شدت مشتاق پهلوی در اینستاگرام، در واقع ربات هستند. دانچف در گزارش خود با اعتراض می‌نویسد: "این یک حمله مستقیم به آگاهی عمومی است" ... او ادامه می‌دهد: "سیاست‌گذاران و روزنامه‌نگارانی که برای ارزیابی میزان حمایت عمومی به داده‌های تعامل کاربران تکیه می‌کنند، با انبوهی عناصر ساختگی و جعلی روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، ایرانیان و همچنین اعضای دیاسپورای ایران به این باور سوق داده می‌شوند که اوج‌گیری و پیشرفت پهلوی واقعیتهایی تثبیت‌شده و غیرقابل‌تردید است."

با این حال، این رویکرد نیز نتوانست دونالد ترامپ را متقاعد کند. رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به پرسش روزنامه نیویورک تایمز درباره این که چه کسی می‌تواند رهبری ایران را بر عهده بگیرد، گفت سه نفر را در ذهن دارد. اما اندکی بعد در گفت‌وگو با شبکه ABC اظهار کرد که همه افرادی که به آنها فکر می‌کرده، فوت کرده‌اند. در این میان، رضا پهلوی همچنان به انتشار پیام‌های خود در شبکه ایکس (تویتر سابق) ادامه می‌دهد.

۴۰- «فیگارو» - ۱۰ بهمن ۱۴۰۴، در یک گزارش تحقیقی از خبرنگارش در اسرائیل تحت عنوان «حساب‌های جعلی، "لایک"ها و شاه ایران» نوشت: «در ماه‌های اخیر، پژوهشگران و متخصصان حوزه اطلاعات نادرست شاهد رشد چشمگیر کارزارهای هماهنگ تأثیرگذاری بوده‌اند که مخاطب آنها جامعه ایرانی است. این کارزارها از خارج از کشور هدایت می‌شوند و بر شبکه‌هایی از حساب‌های غیرواقعی و محتوای دست‌کاری‌شده یا تولیدشده با هوش مصنوعی تکیه دارند. به گفته این کارشناسان، رد پای دولت اسرائیل در این عملیات

دیده می‌شود، عملیاتی که هم با هدف حمایت از اعتراضات انجام می‌شود و هم برای برجسته‌سازی چهره رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران که در سال ۱۹۷۹ سرنگون شد.

سازمان مستقل «سوشیال فورنزیکس» Social Forensics که در تحلیل دست‌کاری‌های دیجیتال تخصص دارد، ۴۷۶۵ حساب را شناسایی کرده که روزانه بیش از ۱۰۰ پیام منتشر می‌کنند و در مجموع در طول عمر خود ۸۴۳ میلیون توییت تولید کرده‌اند. ۱۱،۴۲۱ حساب دیگر به دلیل حجم غیرعادی تعاملات متمایز شده‌اند و در مجموع ۱.۷ میلیارد «لایک» ثبت کرده‌اند. افزون بر این، ۸۸۳۰ حساب چندین بار نام کاربری خود را تغییر داده‌اند، رفتاری که معمولاً با عملیات هماهنگ مرتبط است. در نهایت، ۳۳۶۱ حساب مرتبط با این گفتگوها توسط پلتفرم تعلیق شده‌اند.

از جمله اهداف آشکار این کارزارها، ترویج رضا پهلوی است. او از حمایت اسرائیل برخوردار است و اسرائیل روایت سلطنت‌طلبانه را در شبکه‌های اجتماعی پیش می‌برد. فیلیپ می، پژوهشگر آزمایشگاه رسانه‌های اجتماعی دانشگاه متروپولیتن تورنتو، در ایمیلی می‌نویسد: «کسی یا گروهی به‌طور بسیار جدی در فضای آنلاین، به‌ویژه در شبکه X، کار می‌کند تا رضا پهلوی را به مرد لحظه، صدای واحد و چهره یگانه اپوزیسیون تبدیل کند. برخی از این حساب‌ها پیام خود را فقط به یک مخاطب مشخص خطاب می‌کنند: رئیس‌جمهور ایالات متحده، با هدف قانع کردن او به اقدام علیه ایران و حمایت از رضا پهلوی».

در نتیجه، شبکه اجتماعی X مملو از حساب‌هایی با نمادهای تصویری (ایموجی) «تاج» شده است. هویت‌های جعلی‌یی که برای شبیه‌سازی حمایت مردمی به کار می‌روند. این تکنیک با هدف ایجاد توهم بسیج گسترده انجام می‌شود. گزارش سوشیال فورنزیکس Social Forensics برآورد می‌کند که بیش از ۹۵٪ از این حساب‌های «تاج» غیرواقعی هستند».

روزنامه لیبراسیون در ۲۴ دی ۱۴۰۴ در مقاله‌یی تحت عنوان «رضا پهلوی، منجی جعلی» به قلم روموآل سیورا، پژوهشگر انستیتوی فرانسوی روابط بین‌المللی و استراتژیک (IRIS) نوشت: «رضا پهلوی تا یک یا دو سال پیش هنوز چهره‌یی کم‌رمق و بی‌اثر تلقی می‌شد؛ یکی از همان وارثان سلسله‌های ساقط شده است که بوی نفتالین می‌دهند و به حاشیه سیاست بین‌الملل رانده شده‌اند. اما اکنون، او را به لطف یک مهندسی ارتباطی گسترده از سوی شبکه‌های پیرامونش، «شارل دوگل ایرانی»، ناجی ملت، و پدر یک مردم رنج دیده معرفی می‌کنند. حتی گفته می‌شود که نام او از سوی جمعیت‌های ایرانی فریاد زده می‌شود. حال آن که هر منبع جدی نشان می‌دهد که این امر تنها به چند گروه پراکنده معترض، اینجا و آنجا، محدود است و شعار «نه شاه - نه ملا» بسیار گسترده‌تر در خیابان‌های تهران طنین‌انداز است».

۴۱ - هفته نامه «نول ابزرواتور» در شماره ۲۴ تا ۳۱ اردیبهشت در مقاله‌یی تحت عنوان «رضا پهلوی: ساخت یک پادشاه» به ظهور و افول بچه شاه در صحنه سیاست ایرانی پرداخت. در این مقاله با جزئیات و فاکت‌های متعدد و متنوع تلاش‌های شکست خورده یک ماشین شاه‌سازی را بر ملا کرده که می‌خواست یک فرد درجه ۲ و دست دوم را به عنوان نمادی از اپوزیسیون برجسته و پررنگ کند. در این مقاله از جمله آمده است: «داستان از فوریه ۲۰۲۳ در دانشگاه جورج تاون در واشینگتن دی سی، در قلب شبکه‌های دیپلماتیک آمریکا، جایی که محققان، سیاستمداران و چهره‌های مهاجر گردهم می‌آیند، آغاز می‌شود.

به محض این که «کمیته جورج تاون» ایجاد شد، سریعاً منحل شد. رضا پهلوی می‌خواهد متحد کند... ولی فقط حول خودش. او شاهزاده به دنیا آمده بود و قصد داشت شاهزاده باقی بماند. اما در آن زمان، وزن کمی داشت. آزاده کیان، جامعه‌شناس، می‌گوید: «تقریباً هیچ‌کس او را نمی‌شناخت، نه در ایران و نه در صحنه بین‌المللی».

چگونه می‌توانیم توضیح دهیم که در عرض سه سال، این شخصیت نمادین درجه دو - طرفدار یک ایران سکولار، طرفدار یک سلطنت مشروطه میانه‌رو، و تحسین‌کننده مارتین لوتر کینگ - می‌تواند خود را به عنوان رهبر طبیعی اپوزیسیون ایران تثبیت کند و مورد تحسین جمعیتی قرار گیرد که کلاهای MIGA (ایران را دوباره بزرگ کنیم) برسر دارند و شعارهای برتری‌جویانه‌یی مانند «یک میهن، یک پرچم، یک رهبر» را که در مونیخ شنیده می‌شود، سر می‌دهند؟».

بعد از افول شتابان، کار بچه شاه به اقدامات مجرمانه نظیر راهاندازی دسته‌های ساواک و حملات چماقداران ساواکی به ایرانیان مخالفی رسید که حاضر به دادن شعار جاوید شاه نیستند یا عکس بچه شاه را نصب نمی‌کنند.

فصل ششم

اقتصاد ویران، فلاکت عمومی

جامعه انفجاری و تشدید تضاد طبقاتی

۴۲ - سالیان سال است که هر دانش‌آموخته اقتصاد (حکومتی، غیرحکومتی ایرانی و غیرایرانی) بر بحران ساختاری و وجود ابربحران‌های بی‌درمان در چارچوب نظام ولایت فقیه تأکید می‌کند. اما آنچه بر اقتصاد ایران در یک سال پیش گذشت حیرت‌آور است، به خاطر آنکه هیچ نیروی بیگانه و اشغالگری در تاریخ ایران به اندازه حکومت ولایت فقیه در این مدت، اقتصاد، جامعه و کشور را ویران نکرده است. سقوط پی‌درپی اقتصاد کشور تحت نظام ولایت فقیه فقط مژمن، ساختاری با ترکیبی از ابربحران‌ها نیست بلکه هر ابربحرانی دارای چند وجه گوناگون است. مقایسه حداقل دستمزد با حداقل هزینه زندگی و تعمق در ناهنجاری‌های ناشی از فقر گویای این واقعیت است. نمونه دیگر قطع اینترنت از ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۲ خرداد ۱۴۰۵ است. این خاموشی طولانی ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرد اما منافع امنیتی کلانی برای نظام داشت. سقوط شتابان قدرت خرید مردم، کمبود اساسی آب، برق و گاز، بی‌ارزش شدن پول ملی، فقیرتر شدن جامعه، فساد در هرم قدرت و ثروت، رانت‌خواری نظام‌یافته، نابرابری در دسترسی به منابع و فرصت‌ها، خلق پول بی‌اعتبار و پولی‌سازی کسری بودجه و تزریق نقدینگی بی‌پشتوانه و سیاست گران‌سازی کالاها سیمای اقتصاد تحت حاکمیت ولایت فقیه را روشن می‌کند.

دو سال پیش در بیانیه شورا نظام اقتصادی کنونی ایران را این‌گونه تعریف کردیم:

«مناسبات اقتصادی در ایران اگر در کلی‌ترین ارزیابی "سرمایه‌داری در یک کشور پیرامونی" است، اما در آن پدیده‌های "سوداگری" که در قرن‌های پیش در اروپا رایج بود؛ "غارتگری یا چپاول" که در روابط بین کشورهای استعماری جریان داشت و "رانت‌خواری" که یک "عارضه یا ویروس" در رشد سیستم سرمایه‌داری است، در اقتصاد تحت نظام ولایت فقیه جنبه غالب دارد. از این رو، در سیستم اقتصادی ایران "سوداگری"، "غارتگری یا چپاول" و "رانت‌خواری" حاکم است و این عناصر در بسیاری از موارد، نظام حاکم را با چالش‌های بی‌شمار روبه‌رو کرده است».

دانش اقتصاد سیاسی، خروجی ترکیب ارگانیک همه آنچه به طور خلاصه بر شمرده شده را «شرایط یا وضعیت انقلابی» نام‌گذاری می‌کند که سال‌هاست کل جامعه در بالا و پایین درگیر آن است. ارزش یک دلار در بازار آزاد در شهریور سال ۱۴۰۳ حدود ۶۰ هزار تومان بود و در پایان مرداد ۱۴۰۵ حدود ۱۹۲ هزار تومان است. این جهش ۱۱۵ درصدی به تار و پود جامعه رخنه کرده و هم‌زمان با افزایش سرسام‌آور نقدینگی و به دنبال آن تورم، افزایش ضریب جینی، افزایش بیکاری و فلاکت مردم، کیسه حاکمان را سنگین‌تر کرده است. هزینه دو جنگ ویرانگر طی یک سال گذشته از جیب و سفره شهروندان پرداخت می‌شود و نیاز حاکمان ستمگر به جنگ و ماجراجویی در فلاکت فزاینده عمومی بازتاب پیدا می‌کند.

جنبه دیگر این شرایط افزایش خشم و نفرت کلان از حاکمان غارتگر است که خود را به شکل‌های گوناگون نشان می‌دهد. باروت متراکم خشم و قهر زحمتکشان و محرومان را در سال گذشته هم در قیام سترگ دی‌ماه دیدیم و هم در زنجیره کنش‌های مداوم نیروهای کار.

۴۳ - **رشد تصاعدی نقدینگی؛** نقدینگی در سال ۱۳۹۰ تقریباً ۳۵۳ هزار میلیارد تومان بود. در ابتدای سال ۱۳۹۷ به حدود ۱۵۳۷



هزار میلیارد تومان رسید. در دی ماه ۱۴۰۰ سه برابر افزایش یافت و به بیش از ۴۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسید. سپس در اسفند ۱۴۰۴ مطابق گزارش بانک مرکزی به ۱۵۵۸۱ هزار میلیارد تومان جهش کرد. بدین سان در فاصله ۱۵ سال نقدینگی بیش از ۴۴ برابر شده است. در حالی که در همین بازه رشد اقتصادی تقریباً صفر یا بسیار ناچیز بوده است. در نتیجه غول نقدینگی با پیامدهای ویرانگری که مهم ترین آن جهش تورم است، زندگی مردم را نابود کرده است.

سایت حکومتی تابناک می نویسد: «رشد نقدینگی در هشت ماهه نخست سال به سطوح نگران کننده بی رسیده است؛ به گونه ای که بانک مرکزی از رشد ۴۰.۴ درصدی نقدینگی و ۴۷.۵ درصدی پایه پولی خبر داده است!».

این گزارش در تحلیل پیامدهای سیر صعودی نقدینگی می نویسد: «این بدان معناست که طی این بازه زمانی ۴۱۷،۱۵۰ میلیارد تومان پول پر قدرت به سیستم بانکی کشور تزریق شده است. این حجم از تزریق پول، به عنوان یک متغیر پیشرو، زنگ خطر جدی را برای افزایش تورم در کوتاه مدت و میان مدت به صدا درآورده است و انتظار می رود تا پایان سال جاری، این رقم مرزهای جدیدی را تجربه کند» («تابناک»، ۳۰ دی ۱۴۰۴).

جامساز، کارشناس حکومتی درباره خطرات چاپ انبوه پول بی پشتوانه گفت: «کشور در تمام سال ها با کسر بودجه روبه رو بوده است، اما امسال این کسر بودجه منحصر به فرد است یعنی روزانه باید ۱۰۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی خلق شود تا بودجه تأمین گردد. این به مفهوم فرو ریختن آوار تورم ۸۰ درصدی بر اقتصاد کشور است» («ستاره صبح»، ۲۸ مهر ۱۴۰۴).

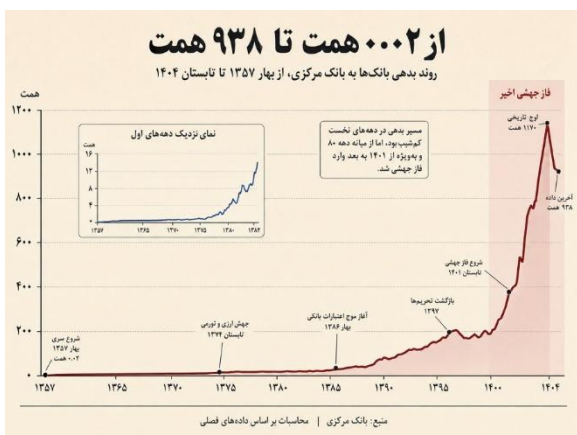
یکی از عمیق ترین پیامدهای مستقیم این دگرگونی پولی، تخلیه فوری اثرات انتظارات بر تورم اقلام خوراکی و سبد غذایی خانوار است. روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد در این باره نوشت: «همبستگی میان "نرخ تورم خوراکی" و "رشد پول" از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا خرداد سال جاری به ۰.۹۱ رسیده، حال آن که این رقم از سال ۱۳۹۱ تا پایان ۱۴۰۰ به میزان ۰.۵۲ بوده است.

بررسی های آماری نشان می دهد که همبستگی میان جزء تورم زای نقدینگی با تورم خوراکی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. این موضوع تأیید می کند که رشد پول ناشی از تغییر انتظارات تورمی اثر آنی خود را در تورم خوراکی ها تخلیه می کند و منشأ بالا رفتن هزینه های سفره خانوار می شود». (دنیای اقتصاد، ۲۰ مهر ۱۴۰۴)

داستان نقدینگی از اینجا شروع می شود: دولت هر ساله با کسر بودجه یی روبه روست که بخشی از آن را از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می کند. این استقراض به معنای خلق پول بی پشتوانه است؛ پولی که به اقتصاد تزریق می شود تولید واقعی یا ارزش افزوده یی در پشتوانه اش نیست. نتیجه مستقیم این فرآیند رشد نقدینگی است و رشد نقدینگی بدون رشد تولید چیزی نیست جز تورم» (جهان صنعت، ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵).

در حاکمیت آخوندی دولت ها یا از بانک مرکزی مستقیم استقراض می کنند یعنی بانک مرکزی را مجبور به چاپ پول بدون پشتوانه می کنند یا از بانک ها قرض می گیرند و بانک ها از بانک مرکزی استقراض می کنند.

به نوشته روزنامه حکومتی جهان صنعت «رکورد ۸۶۳.۶ همتی بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی را نباید جدا از وضعیت شبکه بانکی دید. این عدد بخشی از یک معماری بزرگ تر تأمین مالی است؛ معماری یی که در آن دولت، بانک ها و بانک مرکزی در یک زنجیره بدهی به هم متصل شده اند. اگر این زنجیره شفاف، محدود و قابل کنترل نباشد، نتیجه نهایی آن چیزی جز رشد پایه پولی، تداوم تورم و فرسایش قدرت خرید خانوارها نخواهد بود» (جهان صنعت، ۲۱ خرداد ۱۴۰۵).



بانک‌های کشور هم مبالغی با ارقام نجومی از بانک مرکزی استقراض کرده‌اند. به حدی که «بدهی بانک‌های کشور به بانک مرکزی به رقم ۱۱۷۰ همت یعنی هزار و ۱۷۰ هزار میلیارد تومان رسید؛ عددی که اگر بخواهیم با نقطه آغاز این داستان مقایسه کنیم باید بگوییم بدهی‌ها در طول ۴۷ سال تقریباً ۴۲ هزار برابر شده است» (جهان صنعت، ۱۲ خرداد ۱۴۰۵).

۴۴ - فرار سرمایه‌ها؛ رکود مزمن و درازمدت اقتصاد کشور که باز نمود آن در ناتوانی در جذب سرمایه، به حداقل رسیدن ظرفیت ایجاد شغل، نابسامانی زیربناها و توقف توسعه اقتصادی و اجتماعی است، پیامدهایی نیز همچون فرار سرمایه‌ها دارد. در سال‌های اخیر این یکی از روند و شوندهای ثابت اقتصاد ایران شده است. بخشی از این سرمایه‌ها ارزهای حاصل از فروش صادرات فرآورده‌های پتروشیمی است، بخش دیگر صادرات فولاد و فلزات است، بخش دیگر به صورت رانت از کشور خارج می‌شود، بخش دیگر در معاملات نفتی و... مطابق تحقیقی که در دانشگاه تربیت مدرس صورت گرفته، هر سال بین ۳۰ تا ۸۰ میلیارد دلار، بسته به میزان درآمدهای نفتی، از ایران خارج می‌شود (روزنامه حکومتی اعتماد، ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳).

صمصامی، عضو مجلس رژیم گفت: «از سال ۹۷ تا ۴ ماهه ۱۴۰۴ - ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی ما بوده، برخلاف قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۹۵ میلیارد دلار برگشته؛ این ۹۵ میلیارد دلار عمدتاً یا قاچاق شده یا فرار سرمایه شده» (تلگرام حکومتی خانه ملت، ۲۰ مهر ۱۴۰۴).

تابناک می‌نویسد: «در حوزه پتروشیمی‌ها از مجموع چهار میلیارد و ششصد میلیون دلار ارز سررسید شده، حدود ۳۰ درصد معادل یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار تا پایان سال بازنگشته است، بخش فلزات هم ۷۰ درصد ارز را برنگردانند... ۳۰ درصد از ارزهای پتروشیمی‌ها برگشته است، اما در مورد شرکت‌های فلزی و فولادی، وضعیت پیچیده‌تر است. در سال ۱۴۰۲، ۴۸ درصد از ارز سررسید شده فلزات برگشته بود و این رقم در سال ۱۴۰۳ به ۷۴ درصد افزایش یافته است. این وضعیت نشان می‌دهد که در صنایع فلزی و فولادی، عدم بازگشت ارز به میزان نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است» (۲۱ اسفند ۱۴۰۳).

غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق مجلس رژیم نیز از فروش ۲۱ میلیارد دلار نفت و وصول تنها ۱۳ میلیارد دلار خبر داده است.

عبدالناصر همتی هم درباره «نشتی ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلاری» و نقش تراستی‌ها در این فرآیند، صحبت کرد و بار دیگر توجه‌ها را به این نقطه جلب کرد که مسأله فقط تحریم نیست (جهان صنعت، ۱۴ دی ۱۴۰۴).

اظهارات اخیر رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس این واقعیت نگران‌کننده را عیان‌تر کرده است: دولت و حتی بالاترین مقامات اقتصادی کشور از جزئیات فروش نفت، محل نگهداری منابع، کیف پول‌ها و مسیر انتقال پول بی‌اطلاع هستند. این وضعیت به معنای شکل‌گیری شکافی عمیق میان «مسئولیت» و «اختیار» است.

روزنامه حکومتی کیهان در گزارشی تحت عنوان «پول هست، مدیریت نیست» نوشت: «۹۵ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیرنفتی از سال ۹۷ تاکنون به کشور بازنگشته و بیش از ۲۰۰۰ همت (هزار میلیارد تومان) درآمد نامشروع برای عده‌یی ایجاد کرده که تقریباً ۵۰ درصد بودجه عمومی کشور می‌شود؛ این ۹۵ میلیارد دلار مربوط به ۶۰۰ نفر است (۱۱ آبان ۱۴۰۴).

اسکات بسنت (وزیر خزانه‌داری آمریکا) در ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ در حساب ایکس خود نوشت: «رژیم مانند موش‌های یک کشتی در حال غرق شدن، دیوانه‌وار وجوه دزدیده‌شده از خانواده‌های ایرانی را به بانک‌ها و مؤسسات مالی در سراسر جهان منتقل می‌کند».

۴۵ - رتبه سوم پرتورم‌ترین کشورهای جهان؛ تورم ساختاری، شتابان و مزمن در اقتصاد ایران تحت حاکمیت آخوند پاسدارها، به یک بحران چندبعدی در حوزه‌های معیشتی، اجتماعی و زیستی تبدیل شده است. این پدیده که ناشی از انباشت کسری‌های وحشتناک در بودجه سالیان، نوسانات ارزی که البته بخش عمده آن برای غارت مردم بوده، غارتگری‌های بی‌حساب سپاه پاسداران و نهاد ولایت فقیه و تنش‌های ژئوپلیتیک است، کل ساختار رفاهی خانوارها را تحت تأثیر قرار داده است. واضح است که جنگ هم مزید بر علت شده و فشارها و آثار همه جانبه آن فرودستان و تهیدستان را کمرشکن کرده است.

در اردیبهشت ۱۴۰۵ یک شوک قیمتی جدید در اقتصاد ایران رخ داد. بر اساس داده‌های رسمی مرکز آمار، نرخ تورم سالانه در اردیبهشت‌ماه به ۵۷.۷ درصد رسید. تورم نقطه به نقطه نیز در سطح ۸۳.۹ درصد ایستاد (فرارو، ۱۵ خرداد ۱۴۰۵).

به فاصله فقط دو ماه بعد، در ماه تیر مرکز آمار در ارزیابی‌های خود تجدیدنظر کرد و با انتشار داده‌های جدیدی نرخ تورم سالانه را ۶۲.۵ درصد اعلام کرد. صندوق بین‌المللی پول در سال میلادی ۲۰۲۶ تورم ایران را ۶۸.۹ درصد پیش‌بینی می‌کند که ایران را در رتبه سوم پرتورم‌ترین کشورهای جهان قرار می‌دهد (بامداد، اردیبهشت ۱۴۰۵).

این ارقام، بالاترین سطح تجربه‌شده تورم در حاکمیت آخوندهاست. اما اهمیت آن فقط در پشت سر گذاشتن یک رکورد تاریخی نیست، بلکه هم‌چنین در این است که افزایش تصاعدی این نرخ، سقوط پی‌درپی اقتصاد کشور را بازنمایی می‌کند. بالاترین تورم ثبت شده در صد سال اخیر، نرخ ۱۱۰.۵ درصد در خلال اشغال ایران در جنگ جهانی دوم است. قابل پیش‌بینی است که در ماه‌های پس از این، تورم به سیر صعودی ادامه دهد.

سال گذشته، یک کارشناس اقتصادی حکومتی به نام عبده تبریزی که از احتمال نزدیک شدن تورم به ۶۰ درصد اظهار نگرانی می‌کرد، هشدار می‌داد که وقتی تورم به این سطح می‌رسد، دیگر چنین سیری را طی نخواهد کرد که از ۶۰ درصد به ۷۰ درصد و سپس به ۸۰ درصد افزایش یابد، بلکه به دلیل بی‌اعتماد شدن جامعه به پول کشور و «دلاریزه شدن اقتصاد»، نرخ تورم ممکن است به دو هزار یا سه هزار درصد جهش کند و «تمام نظام قیمت‌ها، قیمت‌های دستوری و نرخ بهره یک‌دفعه بر سر مردم آوار خواهد شد» (۲۳ آذر ۱۴۰۴).

روزنامه «آکادمی اقتصادی» تفاوت قیمت‌ها در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۴ را برای مهم‌ترین کالاهای یارانه‌ی نشان داده است. این مقایسه جدول زیر را به دست می‌دهد:

کالا	قیمت در ۱۴۰۰ (کیلو/تومان)	افزایش	قیمت در ۱۴۰۴ (کیلو/تومان)
ماکارانی	۱۰۰۰۰	٪۵۰۰	۵۰۰۰۰
مرغ	۴۰۰۰۰	٪۶۲۵	۲۵۰۰۰۰
تخم‌مرغ	۵۰۰۰۰	٪۹۰۰	۴۵۰۰۰۰
شیر	۱۰۰۰۰	٪۹۵۰	۹۵۰۰۰
ماست	۱۵۰۰۰	٪۱۰۰۰	۱۵۰۰۰۰
گوشت	۲۰۰۰۰۰	٪۱۰۰۰	۲میلیون
روغن	۲۰۰۰۰	٪۱۵۰۰	۳۰۰۰۰۰
حبوبات	۲۰۰۰۰	٪۱۵۰۰	۳۰۰۰۰۰
برنج	۳۰۰۰۰	٪۲۰۰۰	۵۰۰۰۰۰

مأخذ: روزنامه آکادمی اقتصادی

بانک مرکزی گزارشی از تورم از سال ۱۳۲۴ تا ۱۴۰۴ منتشر کرده که نشان می‌دهد در ۸ سال گذشته، تورم انباشته تا ۲۰۰۰ درصد می‌رسد، به این معنی که قدرت خرید مردم به نسبت ۸ سال گذشته ۲۱ برابر کاهش پیدا کرده است. این نمودار از نظر مفهوم اقتصادی «رشد تجمعی شاخص قیمت‌ها در ۸ سال» را نشان می‌دهد، نه نرخ رسمی تورم.

۴۶ - معیشت خانوار: از اردیبهشت سال گذشته تا سال جاری، روغن نباتی ۴۳۱ درصد گران شده است، یعنی ۵.۳۱ برابر شده است؛ روغن مایع ۳۵۳ درصد، تخم‌مرغ ۳۴۲ درصد، مرغ ۲۸۷ درصد، برنج خارجی ۲۲۲ درصد، برنج ایرانی ۱۶۱ درصد، گوشت گاو یا گوساله

۱۵۷ درصد. نان که قوت لایموت مردم ایران است، در یک سال منتهی به پایان خرداد ۱۴۰۵، ۱۴۰ درصد گران شده است، یعنی قیمت نان تقریباً ۲.۵ برابر شده است (دنیای اقتصاد، ۳ تیر ۱۴۰۵). قیمت دارو در برخی موارد تا ۵۰۰ درصد گران شده است (روزنامه آرمان ملی، ۱۰ خرداد ۱۴۰۵).

روزنامه «دنیای اقتصاد» نموداری منتشر کرده که نشان می‌دهد حبوبات که کم‌ترین افزایش قیمت را داشته، نسبت به سال گذشته ۸۲ درصد گران شده؛ در حالی که افزایش بهای روغن نباتی جامد در همین مدت به ۴۳۱ درصد رسیده است (دنیای اقتصاد، ۱۷ خرداد ۱۴۰۵).

سایت حکومتی بامداد با انتشار یک اینفوگرافی در خرداد ۱۴۰۵، نشان داد که ایران دومین کشور پرتورم جهان در زمینه مواد غذایی است. متوسط نرخ تورم در جهان ۳ تا ۵ درصد است، با این نرخ تورم، مدت زمان لازم برای دو برابر شدن قیمت کالا در حدود ۲۰ سال است. اما در ایران ظرف یک سال همه قیمت‌ها ۲ برابر شده است.

سایت حکومتی رویداد ۲۴ نوشت: «نمودارهای تازه صندوق بین‌المللی پول پرده از واقعیتی تلخ برمی‌دارند: ایران در سال ۲۰۲۵ در جمع سه کشوری قرار گرفته که پول ملی‌شان با بیشترین شتاب سقوط کرده است؛ سقوطی که به زبان ساده به معنای نابودی حدود یک‌سوم دارایی شهروندان از مسیر تورم و چاپ پول است؛ پدیده‌ای که برای مردم، چیزی جز «دزدی سیستماتیک» نیست. اگر بخواهیم فاجعه اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۵ را نه با عدد و نمودار، بلکه با تجربه زیسته مردم توضیح دهیم، کافی است یک سؤال ساده بپرسیم: اگر ابتدای سال، ارزش پس‌انداز شما معادل ۱۰۰ دلار بود، امروز چه چیزی از آن باقی مانده است؟ پاسخ برای شهروند ایرانی تکان‌دهنده است: ۶۹ دلار» (۲۸ آذر ۱۴۰۴).

سیر تصاعدی قیمت‌ها، نرخ تورم و سیاست پایین نگه داشتن دستمزدها شرایط معیشتی دهشتناکی به اکثر خانواده‌ها تحمیل کرده است. از اجتماعات اعتراضی کارگران، بازنشستگان، پرستاران و معلمان به وضوح شنیده می‌شود که ناداری، سوءتغذیه، بی‌خانمانی و انواع محرومیت‌ها کاسه صبرشان را لبریز کرده است.

نهادهای حکومتی در گزارش‌های رسمی خود پنهان نمی‌کنند که میان هزینه زندگی و دستمزدهای ناچیز شکاف بزرگی ایجاد شده که قابل پر کردن نیست.

حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، روز شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵، در شبکه یک تلویزیون رژیم اعلام کرد: «بر اساس محاسبات انجام‌شده، حداقل هزینه زندگی یک خانوار ۴ نفره در اردیبهشت ۱۴۰۵ ماهانه حدود ۱۶۳ میلیون تومان است؛ این رقم برای هر نفر حدود ۴۱ میلیون تومان برآورد می‌شود».

شورای عالی کار رژیم سبد معیشت سال ۱۴۰۴ را ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرد. در آن زمان سبد معیشت خانوار بین ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان تخمین زده می‌شد. اما در اسفندماه به ۶۵ میلیون تومان افزایش یافت (فرامرزی توفیقی، عضو شورای عالی کار رژیم، روزنامه حکومتی «توسعه ایرانی»، ۶ اسفند ۱۴۰۴).

کارشناسان سبد معیشت را تا ۱۰۰ میلیون تومان هم برآورد می‌کنند، اما اگر همان سبد معیشت ۶۵ میلیون تومانی را مبنای مقایسه قرار دهیم، ۴ برابر حداقل دستمزد تعیین‌شده برای امسال (۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان) است.

سعید لیلارز، از کارشناسان حکومتی گفت: «دو تا رئیس کل بانک مرکزی که من نمی‌توانم و نمی‌خواهم اسمش را اینجا بیاورم گفتند که ما به این جمع‌بندی رسیدیم که ۷۰ درصد یارانه‌هایی که دولت می‌پردازد به دست مصرف‌کنندگان نمی‌رسد».

۴۷ – **گسترش فقر؛** با حداقل دستمزد روزانه ۳۴۶ هزار و ۳۶۵ تومان در سال ۱۴۰۴، یک کارگر می‌توانست تنها حدود ۳۰۰ گرم گوشت قرمز بخرد؛ مصرف سرانه گوشت قرمز برای سه دهک پایین جامعه به حدود ۷۰۰ گرم در سال رسیده بود (بهار نیوز، ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴) و با حداقل دستمزد روزانه به زحمت می‌توان ۲۸۰ گرم گوشت تهیه کرد. این وضعیت می‌تواند ترجمه‌ای از فاجعه در سفره ایرانی و فروپاشی سلامت غذایی در بخش زیادی از جامعه باشد.

در اردیبهشت ۱۴۰۵، سهم هزینه اقلام خوراکی اساسی یک خانواده ۴ نفره از حداقل دستمزد به ۷۱.۵ درصد رسید. پیش‌بینی می‌شود در آینده کل حداقل دستمزد صرف خوراکی‌ها شود. تورم سبد غذایی خانوارها بر اساس طبقه‌بندی وزارت رفاه رژیم، نزدیک به ۱۴۵ درصد افزایش یافته است؛ در حالی که حداقل دستمزد سرپرست یک خانواده ۴ نفره تنها نزدیک به ۶۰ درصد افزایش یافته است (دنیای اقتصاد، ۱۷ خرداد ۱۴۰۵).

در زندگی روزمره مردم ایران بسیاری از مواد غذایی از جمله گوشت، لبنیات، میوه و سبزیجات از سفره‌ها پر کشیده است. در فاصله بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ افزایش دستمزد در مجموع ۱۹۳ درصد بوده است؛ یعنی حداکثر ۳ برابر شده است اما قیمت‌ها تا ۱۵ و حتی ۲۰ برابر افزایش پیدا کرده و موجب نابودی بخش اعظم سفره خانواده‌های ایرانی شده است. هزینه‌های زندگی در فاصله فقط یک سال ۲۷۹ درصد رشد کرده و تقریباً ۴ برابر شده است. در واقع نتایج شوم جنگ و ویرانی در کنار غارتگری بی‌رحمانه رژیم بر سر خانوار ایرانی آوار شده است. در بازار خرید، برخی از مشتریان که مشخص است از قشر کارمند و آبرودار هستند، مراجعه می‌کنند و تقاضای «نصف نان» یا نان تکه‌یی دارند، چون پول یک قرص کامل نان سنگک را ندارند و خرید میوه به خرید دانه‌یی تغییر کرده است آن هم برای طبقه متوسط (شرق، ۹ خرداد ۱۴۰۵).

طبق گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و تحلیلگران مستقل، اکنون بیش از ۸۰ درصد از خانوارهای ایرانی زیر خط فقر جهانی قرار دارند. شکاف میان درآمد و هزینه نیز به دره‌یی پرشدنی تبدیل شده است.

محاسبات نشان می‌دهد که برای یک زندگی بسیار ساده و بقامحور (خط فقر)، یک خانواده ۳ نفره در تهران به درآمدی بین ۵۲۰ تا ۶۵۰ دلار در ماه نیاز دارد. این در حالی است که حداقل دستمزد یک کارگر متأهل، حتی با احتساب تمام مزایا و حق مسکن، به زحمت به ۱۵۰ دلار می‌رسد.

تورم قیمت مواد غذایی، امنیت غذایی میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند. گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود ۷ میلیون نفر در وضعیت «فقر مطلق» و گرسنگی پنهان به سر می‌برند و ۴۰ میلیون نفر دیگر در فقر نسبی دست و پا می‌زنند. پیش‌بینی‌های نهادهای معتبر بین‌المللی برای سال آینده میلادی، هیچ روزنه‌امیدی را نشان نمی‌دهد.

بانک جهانی رشد اقتصادی ایران را برای سال ۲۰۲۶ منفی ۲.۸ درصد پیش‌بینی کرده است. این یعنی رکود عمیق‌تر خواهد شد، کارخانه‌های بیشتری تعطیل می‌شوند و بیکاری گسترش می‌یابد. دولت که اکنون با کسر بودجه‌یی نجومی روبروست، گزینه‌های چندانی روی میز ندارد (رویداد ۲۴، ۲۸ آذر ۱۴۰۴).

در زمینه مسکن هم اوضاع فاجعه‌بار است: یکی از هزینه‌های سنگینی که بخش عمده درآمد ناچیز مردم ایران را می‌بلعد هزینه مسکن می‌باشد، بنا به برخی گزارش‌ها، اجاره ۷۰ درصد درآمد زوج‌های شاغل را می‌بلعد یعنی اگر تنها یک نفر شاغل باشد، ۱۰۰ درصد درآمد او کفاف پرداخت اجاره را نمی‌دهد. این یک پدیده نادر است که فقط در ایران اتفاق می‌افتد (روزنامه حکومتی توسعه ایرانی، ۱۵ خرداد ۱۴۰۵).

شاید مهم‌ترین شاخص برای درک عمق بحران اجاره، سهم این هزینه از درآمد خانوارها باشد. اگر طی سال‌های گذشته ۲۵ تا ۴۰ درصد درآمد خانواده‌ها صرف اجاره می‌شد، امروز این عدد به ۵۰ تا ۷۰ درصد رسیده است. «به طور متوسط، بین ۵۰ تا ۷۰ درصد درآمد خانوارها صرف مسکن می‌شود» (بهار نیوز، ۲۸ مهر ۱۴۰۴). البته این آمار برآورد متعلق به مهر سال گذشته است و در ماه‌های پس از آن به خصوص تحت تأثیر وقایع شوک‌های اقتصادی ناشی از جنگ افزایش بیشتری پیدا کرده است. اکنون وضعیت به مراتب فاجعه‌بارتر شده است. بر اساس برآوردها، درآمد سرانه سال گذشته در کشورهای پیشرفته حدود ۸۰ تا ۸۲ هزار دلار بوده است در حالی که این رقم در ایران تنها حدود ۴۰۰ تا ۴۲۰ دلار برآورد می‌شود. به عبارت دیگر درآمد سرانه آن‌ها بیش از ۲۰ برابر ایران است (روزنامه حکومتی جهان صنعت، ۱۸ خرداد ۱۴۰۵).

ویژوال کیتالیست با انتشار یک اینفوگرافی دستمزد در شهرهای مختلف جهان را نشان می‌دهد. مقایسه آن با سطح دستمزد در ایران اختلاف فاحشی را ظاهر می‌کند. به عنوان مثال یک حقوق‌بگیر متوسط در ژنو بیش از ۶۱ برابر یک حقوق‌بگیر متوسط در تهران، حقوق می‌گیرد، در حالی که قیمت برخی از مواد غذایی از جمله گوشت در ایران و کشورهای دیگر تقریباً برابر است. در این شرایط ۵۰

درصد جامعه به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند و طی دو دهه گذشته ۳۰ درصد از طبقه متوسط به زیر خط فقر کشیده شده‌اند (توسعه ایرانی، ۴ خرداد ۱۴۰۵).

وزارت بهداشت آمار تکان‌دهنده‌ی منتشر کرده که بر اساس آن سالانه حدود ۱۲۰ هزار ایرانی به دلیل سوءتغذیه جان خود را از دست می‌دهند!

به گزارش وبسایت خبری - تحلیلی انتخاب، مدیر دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت در این مورد توضیح داد: «۱۰ هزار نفر به دلیل عدم دریافت اسیدهای چرب امگا۳ جان خود را از دست می‌دهند. ۱۰ هزار مرگ منتسب به دریافت ناکافی میوه و سبزی هستند. ۲۵ هزار نفر به دلیل عدم مصرف لبنیات و نان کامل به میزان کافی، جان خود را از دست می‌دهند. مصرف لبنیات در کشور کمتر از نصف مقدار توصیه شده است. دلیل این موضوع، قیمت بالای محصولات لبنی است». در بیانیه سال پیش نتیجه گرفتیم که:

«بر کمتر کسی پوشیده است که مسئول این وضعیت فاجعه‌بار، رژیم تبهکار آخوندی و شخص خامنه‌ای [اکنون بخوانید مجتبی] است که ثروت و منابع کشور را در چاه ویل جنگ‌افروزی و تروریسم و سرکوب ریخته و در همین شرایط هم از تاراج برق و سوخت کم نکرده است. منابع حکومتی اذعان می‌کنند که "ایران یکی از صادرکنندگان بزرگ برق در منطقه به حساب می‌آید و بیش از ۴۰ درصد برق کشور عراق را تأمین می‌کند" (سایت حکومتی فراز، ۲۷ آذر ۱۴۰۳). علاوه بر این روزانه ۲۰ تا ۳۰ میلیون لیتر بنزین و سوخت از کشور قاچاق می‌شود. این قاچاق عظیم توسط سپاه پاسداران انجام می‌شود».

۴۸ - ابربحران بیکاری؛ توقف اشتغال‌زایی و جمعیت دهها میلیونی غیرفعال؛ زیر تأثیر سیاست‌گذاری مخربی که اقتصاد ایران را در وضعیت انسداد قرار داده، بسیاری از مردم بیکارند و آن‌هایی هم که شاغلند، درآمدشان کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. آمارهایی که رژیم می‌سازد، ابعاد بیکاری را می‌پوشاند؛ مرکز آمار رژیم نرخ بیکاری زمستان ۱۴۰۴ را ۷.۶ درصد اعلام کرد، این ادعا حتی توسط رسانه‌های رژیم به کلی بی‌اعتبار خوانده شد.

روزنامه حکومتی «دنیای اقتصاد» در تفسیر نرخ بیکاری ۷.۶ درصدی که مورد ادعای رژیم است نوشت: «این عدد در مقایسه با سایر کشورهای جهان، در سطحی معمولی قرار دارد که ممکن است در نگاه اول، شرایط رضایت‌بخشی را از بازار کار ارائه دهد. با این حال، نرخ بیکاری تصویر همه‌جانبه‌ی را از بازار کار بازتاب نمی‌دهد و لازم است که نرخ مشارکت نیروی کار نیز مد نظر قرار گرفته شود. میانگین نرخ مشارکت اقتصادی در جهان، بر اساس آخرین داده‌های سازمان بین‌المللی کار، حدود ۶۱.۱ درصد برآورد شده است. این در حالی است که نرخ مشارکت اقتصادی ایران در زمستان ۱۴۰۴ تنها ۳۹.۷ درصد برآورد شده است. به بیان دیگر، ۶۰.۳ درصد از افراد در سن اشتغال، نه تنها شاغل نیستند، بلکه به دنبال شغل نیز نمی‌گردند» (دنیای اقتصاد، ۲۱ خرداد ۱۴۰۵).

صمصامی، عضو مجلس رژیم، درباره نرخ مشارکت نیروی کار می‌گوید: «براساس گزارش‌های سازمان جهانی کار، قطر نرخ مشارکت ۸۷.۳ درصدی دارد، کویت ۷۵.۳، عمان ۷۴.۶ درصد، امارات متحده عربی ۸۲.۶ درصد، عربستان سعودی تقریباً ۶۰ درصد، جمهوری آذربایجان ۶۶.۳ درصد که می‌بینیم اکثر کشورهای همسایه در این شاخص با اختلاف از ایران جلوترند».

مسعود نیلی، اقتصاددان حکومتی، در این زمینه گفت: «در کشور ما حدود ۱۲ میلیون جوان زندگی می‌کنند که نه در حال تحصیلند، نه شاغلند. معنی این عدد آن است که تقریباً ۱۴ درصد از جمعیت کشور، دقیقاً در تمام ۲۴ ساعت، فعالیتی را در دست انجام ندارد. این عدد، به‌طور کاملاً هشداردهنده‌ی در مقایسات بین‌کشوری بالاست. از این نظر، جامعه ایران، یک انبار باروت است که هر لحظه امکان انفجار دارد. از نظر اشتغال، از سال ۱۳۹۸ تاکنون، تقریباً روند افزایش تعداد شاغلان، متوقف شده است. تعداد شاغلان کشور در تابستان سال ۱۳۹۸، معادل ۲۴.۷۵ میلیون نفر بوده که در سال ۱۴۰۴ یعنی پس از ۶ سال فقط با ۲۰۰ هزار نفر افزایش (عدد ناچیز ۳۳۰۰ نفر در سال)، به ۲۴.۹۵ میلیون نفر رسیده است. این در حالی است که در همین فاصله، بیش از ۴.۴ میلیون نفر، به جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور افزوده شده است. یعنی نه تنها هیچ‌یک از این ۴.۴ میلیون نفر وارد بازار کار نشدند (اضافه شدن به جمعیت غیرفعال)، بلکه حدود ۷۰۰ هزار نفر هم از بازار کار خارج شدند و در واقع ۵.۱ میلیون نفر، به جمعیت وابسته، افزوده شد. این‌ها

نشانه‌هایی است از این که، بازار کار و در نتیجه کل جامعه ایران، مدت‌هاست به معنی واقعی کلمه، در شرایط بحرانی به سر می‌برد؛ به گونه‌یی که هر لحظه در معرض وقوع یک انفجار غیرقابل مهار بوده است» (دنیای اقتصاد، ۱۸ بهمن ۱۴۰۴).

در ایران، کل جمعیت (طبق برآورد مرکز آمار) نزدیک به ۸۷ میلیون نفر برآورد می‌شود. تا سال ۱۳۹۸ مرکز آمار بازه سنی ۱۰ تا ۶۴ ساله را برای محاسبه جمعیت در سن کار در نظر می‌گرفت. اما از آن تاریخ به بعد، برای کاستن از انبوه حیرت‌آور جمعیت غیرفعال، بازه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال را مبنای محاسبه خود قرار داد. این تغییر هفت میلیون نفر از جمعیت در سن کار کم می‌کند. بر اساس مبنای قبلی، بیش از ۶۶-۶۷ میلیون نفر در ۱۵ سالگی یا بیشتر قرار دارند که همان جمعیت در سن کار محسوب می‌شوند. جمعیت فعال کمی بیش از ۲۶ میلیون نفر است و جمعیت غیرفعال به رقم سرسام‌آور ۴۱ میلیون نفر رسیده است. این جمعیت عظیم غیرفعال به معنای راکد ماندن ۶۱ درصد ظرفیت انسانی کشور است و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سقوط اقتصادی ایران و بلای دهشتناکی است که رژیم ولایت فقیه بر سر نیروی انسانی کشور آورده است. رژیم ادعا می‌کند که شمار بیکاران کم‌تر از ۲ میلیون نفر و نرخ بیکاری حدود ۸ درصد است. این آمارسازی‌ها نمی‌تواند رسوایی سیاست ویرانگری را بپوشاند که نیروی خلاقه ده‌ها میلیون ایرانی را به بطالت کشانده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نزدیک به ۷۳ درصد از جمعیت غیرفعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین از بین جمعیت زنان فعال در بازار کار، ۱۵ درصد بیکار هستند که دو برابر مردان بیکار است. جمعیت زنان ۱۵ ساله و بالاتر، طبق آمار زمستان ۱۴۰۴ حدود ۳۳ میلیون و ۲۹۵ هزار نفر است. از این تعداد، تنها ۴ میلیون و ۷۷ هزار نفر جمعیت زنان فعال است و ۲۹ میلیون و ۲۱۸ هزار نفر جمعیت زنان غیرفعال‌اند؛ یعنی تمایل یا امکان حضور در بازار کار را ندارند. این یعنی نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۲.۲ است. میانگین جهانی این آمار، در نزدیکی عدد ۵۰ درصد قرار دارد (دنیای اقتصاد، ۲۱ خرداد ۱۴۰۵).

فقر فراگیر؛ فقر مطلق یعنی درآمد کمتر از ۲ دلار در روز. در سال ۱۳۸۹ نرخ رشد فقر مطلق ۲۵ درصد بود ولی در ۱۵ سال گذشته به تدریج روند رشد بیشتری را طی کرد. بر اساس آماری که وزارت کار رژیم اعلام کرده در سال ۱۴۰۳ نرخ رشد فقر به ۴۴ درصد رسید (هم‌میهن، ۲۵ آذر ۱۴۰۴).

اگر همین ۲ دلار در روز را معیار قرار بدهیم یک خانواده ۴ نفری باید ماهی ۳۲۰ دلار حقوق داشته باشد، یعنی بیش از ۵۰ میلیون تومان، با این درآمد خانواده فقط در فقر مطلق قرار نمی‌گیرد ولی کماکان فقیر است، اما کارگران و بخش اعظم حقوق‌بگیران ایرانی، دستمزدشان از نصف این عدد هم کمتر است و با این شاخص تا ۸۰ درصد جامعه به شدت درگیر فقر هستند. بر اساس آمارهایی که رسانه‌های رژیم منتشر کردند، از هر ۱۰ شاغل در ایران، تنها ۴ نفر بیمه و شغل رسمی دارند و بیش از نیمی از نیروی کار در وضعیت غیررسمی و آسیب‌پذیر هستند.

روزنامه حکومتی خراسان در این زمینه نوشت: «تحلیل داده‌های دو دهه اخیر و اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد بیش از ۵۸ درصد شاغلان در بخش غیررسمی مشغول به کارند، جایی که حقوق، بیمه و امنیت شغلی حداقلی نیست. طبق این گزارش، بازار کار ایران در دو دهه گذشته کوچک‌تر شده است؛ نه از نظر تعداد شاغلان، بلکه از نظر کیفیت و پایداری شغل، نرخ مشارکت اقتصادی کاهش یافته است. اشتغال غیررسمی، یعنی کار بدون قرارداد، بیمه یا حمایت، اکنون ۵۸ درصد شاغلان را در بر می‌گیرد و در روستاها به ۹۰ درصد می‌رسد. خوداشتغالی نیز از ۳۰ درصد در ۱۳۸۴ به ۳۶.۹ درصد در ۱۴۰۱ رسیده است. بنگاه‌های خرد (یک تا ۴ کارکن) ۶۵ درصد اشتغال را تشکیل می‌دهند. این مشاغل، در دوران رکود اقتصادی و بحران‌ها نخستین قربانیان هستند.

مجلس رژیم در گزارشی خاطرنشان کرده است که پنج عامل بی‌ثباتی در بازار کار را نهادینه کرده است، از جمله موقتی‌سازی نیروی کار و تفسیرپذیری ماده ۷ قانون کار که اجازه می‌دهد قرارداد موقت حتی در مشاغل مستمر منعقد شود. بیش از ۹۰ درصد کارگران بناچار با قرارداد موقت کار می‌کنند... عامل بعدی این است که کارگران کارگاه‌های کوچک، کارگران بخش کشاورزی و مناطق آزاد و کارکنان موقت شهرداری‌ها، از قانون کار خارج هستند. ۶۵ درصد کارگران در کارگاه‌های زیر پنج نفر هستند و از حمایت قانونی محروم‌اند» (۱۹ بهمن ۱۴۰۴).

بخش زیادی از نظام بانکی ایران در سال‌های اخیر با ورشکستگی یا توقف مواجه شده است اما رژیم که برای پوشاندن وخامت اوضاع عنوان فریبکارانه «ناترازی» را برای جنبه‌های مختلف سقوط اقتصاد کشور ابداع کرده، ورشکستگی بانک‌ها را نیز زیر عنوان «ناترازی بانک‌ها» کوچک‌نمایی و پنهان می‌سازد. سیف، رئیس اسبق بانک مرکزی رژیم در این باره گفت: «نظام بانکی ایران سال‌هاست درگیر ناترازی‌های عمیق و مزمنی است که در ترکیب دارایی‌ها، رفتار ترازنامه‌یی و ساختار نظارتی ریشه دارد. با این حال، در سطح سیاست‌گذاری اقتصادی، درک روشنی از ابعاد این ناترازی‌ها وجود ندارد. بخش قابل توجهی از تصمیم‌گیران بانکی و اقتصادی، مشکلات شبکه بانکی را به یک شاخص فرو کاسته‌اند: «نسبت کفایت سرمایه». در ظاهر این شاخص به‌عنوان معیار سلامت مالی بانک‌ها شناخته می‌شود، اما در عمل، تمرکز افراطی بر آن بدون توجه به کیفیت دارایی‌ها و پایداری منابع، نه‌تنها اصلاحی ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند واقعیت بحران را پنهان سازد» (دنیای اقتصاد، ۳۰ آذر ۱۴۰۴).

وضعیت بانک‌ها انباشت دارایی‌های موهومی، قفل شدن منابع در پروژه‌های فاقد توجیه اقتصادی و انباشت مطالبات غیرجاری (سررسیدشده، معوق و مشکوک‌الوصول) است که حیات کل سیستم پولی را تهدید می‌کند. بر اساس گزارش‌های رسمی، میزان بدهی غیرجاری ۲۶ بانک و مؤسسه اعتباری کشور تا پایان اسفند ۱۴۰۳ از مرز ۷۷۹ هزار میلیارد تومان (همت) فراتر رفته است (تابناک، ۲۳ فروردین ۱۴۰۴). این حجم عظیم از بدهی‌های منجمد، کانال‌های واسطه‌گری پولی را به کلی مسدود کرده و بانک‌ها را در یک وضعیت دشوار ساختاری قرار داده است. بانک‌هایی نظیر بانک دی و بانک ایران زمین تا سال ۱۴۰۳ سهمی نزدیک به ۴۰ درصد از اضافه‌برداشت‌های کل سیستم بانکی از بانک مرکزی را به خود اختصاص داده بودند (سایت حکومتی تابناک، ۲۳ فروردین ۱۴۰۴). سعید لیلاز، کارشناس حکومتی، در این زمینه می‌گوید: «لان ملت ایران غارت‌زده هستند؛ ۴۰ درصد کل دارایی‌های شبکه بانکی ایران موهوم است» (خبرآنلاین، ۴ دی‌ماه ۱۴۰۴).

بانک مرکزی رژیم در آخرین گزارش خود، فهرستی از ۲۳ ابربدهکار بانکی منتشر کرده است. «نگاهی به این فهرست نشان می‌دهد بزرگ‌ترین بدهکاران بانکی ایران ترکیبی از شرکت‌های دولتی، بنگاه‌های بانکی و برخی نام‌هایی است که در دهه ۹۰ اسم آن‌ها با برخی پرونده‌های فساد گره خورده است» (فرارو، ۲۵ تیرماه ۱۴۰۴). این ابربدهکاران تماماً وابسته به حاکمیت هستند، در گزارش بانک مرکزی رژیم آمده است که در صدر این فهرست، هم‌چنان «ایران‌مال» با بدهی هنگفت ۵۷ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومانی قرار دارد. پس از آن «هواپیمایی هما» با بدهی ۳۸ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومانی و واگن‌سازی تهران با بدهی ۷ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومانی به بانک شهر قرار دارند (فرارو، ۲۵ تیرماه ۱۴۰۴).

محمد رستمی‌صفا با بدهی بالغ بر ۱۴ هزار میلیارد تومان به بانک پارسیان و حسین هدایتی با بدهی ۳.۲ هزار میلیارد تومان به بانک سرمایه، از دیگر ابربدهکاران هستند. محمد رستمی صفا با کمک امیرحسین و محمدصادق مصدق، فرزندان آخوند مصدق، معاون اول پیشین قضائیه جلادان، این فساد مالی گسترده را انجام دادند.

زیان انباشته شبکه بانکی بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، فراتر از ۷۰۰ همت برآورد می‌شود. بیش از نیمی از این زیان افسانه‌یی تنها به یک بانک خصوصی یعنی بانک آینده اختصاص دارد. این بانک با خلق پول بدون پشتوانه، تورم را شعله‌ور کرد. گزارش‌ها می‌گویند این بانک مسئول ۷ درصد تورم کشور است. بانک آینده که در سال ۱۳۹۱ در پی ادغام بانک تات، مؤسسه مالی و اعتباری صالحین و آتی تأسیس شد، بزرگ‌ترین پرونده فساد پولی و غارت منابع عمومی در تاریخ بانکداری ایران است. علی انصاری، بنیان‌گذار بانک آینده و مالک ایران‌مال معرفی شده است. اما نفر اصلی مجتبی خامنه‌ای است و انصاری نفر جلوی ویتترین است. بانک آینده بیش از ۹۱ درصد وام‌هایش را به شرکت‌های مرتبط با خودش داده است. این وام‌ها، که ۳۲۹۵ برابر حد مجاز بود، عمدتاً به ایران‌مال رفت و ۹۵ درصد آن بازنگشت. ایران‌مال، با ۱.۷ میلیون مترمربع زیربنا، بزرگ‌ترین مرکز خرید خاورمیانه است. ارزش آن در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۳۵ هزار میلیارد تومان (نزدیک ۵.۵ میلیارد دلار) برآورد شد، اما سودآوری نداشت و منابع بانک را قفل کرده بود. راغفر، اقتصاددان حکومتی گفت: ۶۱ نفر بدون وثیقه، ۱۳۰ همت از بانک آینده وام گرفتند و پس ندادند. با بدهی‌های این بانک می‌توانستیم ۱۲۰ بیمارستان فوق تخصصی در کشور بسازیم. این بانک ۴۵۰ هزار میلیارد تومان زیان و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان به بانک مرکزی بدهی دارد (ایلنا، ۳ آذر ۱۴۰۴).

لیلاز، کارشناس حکومتی، در خصوص بانک آینده می‌گوید: «بی‌خودی دنبال قاتل بروس لی می‌گردند در حالی که از سال ۹۶-۹۷ این بانک تحت کنترل بانک مرکزی بود؛ سه چهار تا رئیس کل بانک مرکزی هم عوض کرد؛ دو سه تا رژیم هم عوض شد؛ چون آقای روحانی بود و آقای رئیسی بود و آقای پزشکیان، هر سه تا هم یک جور بیشتر کارکرد نداشتند، پول استقراض کردند تا بدهند به سپرده‌گذاران و وام‌هایی دادند که این وام‌ها فیک است» (خبرآنلاین، ۴ دی ۱۴۰۴).

رسانه حکومتی عصر ایران با عنوان سایه تاریک ناترازی بر «آینده» برخی بانک‌ها نوشت: نکته قابل تأمل اینجاست که تقریباً همه بانک‌های ناتراز، یا وابستگی مستقیم به نهادهای «حاکمیتی» دارند یا ساختار سهام‌داری‌شان با مجموعه‌های عمومی و شبه‌دولتی درهم‌تنیده است (۳ آبان ۱۴۰۴).

روزنامه‌وال‌استریت ژورنال در دی‌ماه گذشته گزارش داد که «بانک سپه در آستانه ورشکستگی» است و این «زنگ خطر فروپاشی نظام بانکی ایران» است. این روزنامه نوشت: «مقام‌های بانک مرکزی به‌طور غیرعلنی اذعان کرده‌اند که وضعیت ترازنامه برخی بانک‌های دولتی، از جمله بانک سپه، به مرحله‌ی رسیده که ادامه فعالیت آن‌ها بدون تزریق منابع کلان دولتی امکان‌پذیر نیست... نسبت کفایت سرمایه بانک سپه به‌شدت پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی است؛ موضوعی که آن را در معرض فروپاشی مالی قرار داده است. سال‌ها سوءمدیریت، فساد ساختاری، بدهی‌های معوق گسترده و تأمین مالی نهادهای وابسته به حکومت، شبکه بانکی ایران را به نقطه بحرانی کنونی رسانده است. (رژیم) ایران برای جلوگیری از تبعات اجتماعی و سیاسی ورشکستگی بانک‌ها، ناچار به چاپ پول و تزریق نقدینگی شده؛ اقدامی که به تشدید تورم و کاهش ارزش پول ملی دامن زده است. فروپاشی احتمالی بانک سپه، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بانک‌های دولتی در ایران، می‌تواند اعتماد عمومی به نظام بانکی را به‌شدت متزلزل کرده و موج تازه‌ی از نارضایتی اجتماعی را رقم بزند... بحران بانکی ایران، نه یک مشکل مقطعی، بلکه نتیجه سال‌ها سیاست‌گذاری ناکارآمد و اقتصاد رانتی است؛ بحرانی که هزینه اصلی آن را مردم ایران می‌پردازند» (وال‌استریت ژورنال، ۲۳ دی ۱۴۰۴).

بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی ۸۶۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان می‌باشد؛ این عدد ۱۱۵ برابر میزان این بدهی در بهار سال ۱۳۸۰ است... رکورد ۸۶۳.۶ همتی بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی را نباید جدا از وضعیت شبکه بانکی دید. این عدد بخشی از یک معماری بزرگ‌تر تأمین مالی است؛ معماری‌یی که در آن دولت، بانک‌ها و بانک مرکزی در یک زنجیره بدهی به هم متصل شده‌اند. اگر این زنجیره شفاف، محدود و قابل کنترل نباشد، نتیجه نهایی آن چیزی جز رشد پایه پولی، تداوم تورم و فرسایش قدرت خرید خانوارها نخواهد بود». (روزنامه حکومتی جهان صنعت، ۲۱ خرداد ۱۴۰۵).

کارشناسان رژیم تأکید می‌کنند که کارکرد پرداخت سودهای بانکی بالا در اقتصاد ایران چیزی جز «خلق نقدینگی از هیچ» نبوده است؛ زیرا بانک‌ها به دلیل عدم بازپس‌گیری تسهیلات کلان و مطالبات معوق خود، پولی برای پرداخت به سپرده‌گذاران نداشتند و مجبور به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی شدند. این مکانیسم پولی معیوب، پیامدهای فاجعه‌باری برای زندگی مردم و ثبات اقتصادی کشور به همراه داشته است:

- اولاً، هدایت منابع به سمت بازارهای غیرمولد و سوداگری توسط خود بانک‌ها، بازار مسکن و طلا را ملتهب کرده است. بانک‌ها به جای ایفا کردن نقش سنتی خود در جذب پس‌اندازها و هدایت آن‌ها به سمت تولید واقعی، سپرده‌های مردم را وارد چرخه خرید املاک لوکس، ساخت مجتمع‌های تجاری بزرگ و انباشت طلا کردند تا از تورم عقب‌نمانند. این رفتار سوداگرانه، قیمت مسکن و اجاره‌بها را به‌طور مصنوعی جهش داد و دسترسی قشر ضعیف و متوسط جامعه به سرپناه مناسب را ناممکن ساخت.

- ثانیاً، چاپ پول ناشی از پرداخت این سودهای موهومی، ارزش پول ملی را به شدت سقوط داده است. بانک‌ها هم همچون سایر نهادها، در این رژیم به کلی کارکرد متفاوتی دارند. نقش آن‌ها تأمین مالی نیروهای سرکوبگر و پشتیبانی از تروریسم و جنگ‌افروزی رژیم است.

قانون بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور مجموع منابع و مصارف را معادل ۱۵ هزار و ۵۱۳ تریلیون تومان تعیین کرده است که نسبت به سال گذشته ۳۷.۵ درصد افزایش داشته است. بودجه سال ۱۴۰۴ برابر با ۱۱ هزار و ۲۸۰ تریلیون تومان است (۱۱,۲۷۹,۵۳۰,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰). این رقم نسبت به بودجه سال ۱۴۰۳ بیش از ۲.۴ برابر شده بود. بودجه سال ۱۴۰۳ بر اساس قانون بودجه، ۶ هزار و ۴۵۹ تریلیون تومان است (۶,۴۵۸,۷۱۲,۳۹۹,۷۰۰,۰۰۰).

افزایش بودجه در رژیم آخوندی به دلایل متعدد یکی از نشانه‌های اقتصاد به یغما رفته ایران است: اول این که رشد واقعی در اقتصاد رخ نداده و تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا نکرده که بر اساس آن بودجه بزرگ‌تر شود، یعنی منبعی جدید برای تولید بودجه ایجاد نشده است.

دوم: سرمایه‌گذاری مولد و زیرساختی شکل نگرفته است، نه تنها در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری انجام نشده که فرسودگی زیرساخت‌ها زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده از جمله، در صنایع بالادستی تولید برق و حامل‌های انرژی. سوم: صادرات کاهش پیدا کرده و درآمد صادراتی رژیم افت چشمگیر داشته است. چهارم: کسر بودجه وحشتناک در سال‌های پی‌درپی از طریق چاپ پول بدون پشتوانه تأمین شده است. و پنجم: بالا رفتن شتابان و عظیم نقدینگی و شکل‌گیری یک اقتصاد به‌شدت رانتی.

اما در بودجه سال جاری، منابع بودجه عمومی به نسبت قانون بودجه سال ۱۴۰۴، رشدی حدود ۳۰ درصد داشته است، (قانون بودجه ۱۴۰۴ و قانون بودجه ۱۴۰۵). بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۴ نزدیک به ۵۳۸۵ تریلیون تومان بوده است. بر اساس قانون بودجه، منابع عمومی دولت با نرخ رشد اسمی چشمگیر مواجه بوده است؛ به طوری که این رقم از ۲۵.۶ میلیون میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳، با ۹۳ درصد رشد به ۴۹.۵ میلیون میلیارد ریال در سال ۱۴۰۴ و در نهایت با رشد ۲۶.۶ درصدی به ۶۲.۷ میلیون میلیارد ریال در سال ۱۴۰۵ افزایش یافته است.

این شتاب اسمی شدید چالش‌های عمده‌یی را در حوزه سیاستگذاری مالی ایجاد کرده است، زیرا سهم بودجه عمرانی و رفاهی تحت تأثیر شدید هزینه‌های جاری دولت و لزوم تأمین مالی ارگان‌های حاکمیتی تحلیل رفته است (سایت حکومتی قوانین). سهم امور نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و سرکوبگرانه در بودجه عمومی سال ۱۴۰۵ بیش از ۲۳۴۷ تریلیون تومان و دربرگیرنده ارقام زیر است:

- نهادهای نظامی (سپاه، ارتش، وزارت دفاع، ستاد کل): بیش از ۱۲۱۴ تریلیون تومان
- نهادهای مرتبط با اطلاعات و امنیت (مانند وزارت اطلاعات): نزدیک به ۳۴۱ تریلیون تومان
- اعتبارات متمرکز بنیة دفاعی (موضوع جدول شماره ۱ - ۲۴ قانون بودجه): ۳۵۲ تریلیون تومان
- طرح‌های مقابله با تهدید اصلی (موضوع جدول شماره ۲ - ۲۴ قانون بودجه): ۲۳۰ تریلیون تومان
- منازل سازمانی و سایر نیازهای نیروهای مسلح (موضوع جدول شماره ۳ - ۲۴ قانون بودجه): ۴۵ تریلیون تومان
- نیروی انتظامی: بیش از ۱۶۵ تریلیون تومان.

اما بودجه نهادهای امنیتی و سرکوبگر محدود به بودجه عمومی دولت نیست، در سال ۴۰۳ پاسدار تروریست احمد وحیدی، وزیر کشور کابینه رئیسی جلاد، اعلام کرد ۶ میلیارد یورو دیگر برای فراجا تصویب شد (تلویزیون شبکه خبر، ۲۳ خرداد ۱۴۰۳). این رقم بیش از ۴ برابر کل بودجه سالانه فراجا بود که روی کاغذ در قانون بودجه آمده بود.

بودجه برخی از نهادها تحت عنوان نهادهای مذهبی که غالباً در کارهای تروریستی هستند؛ این بخش با استخراج ارقام از جدول شماره ۷ب (قانون بودجه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲) و جدول شماره ۱۲ (همان، ص ۱۷۳) محاسبه شده است. به‌عنوان مثال، سازمان اوقاف و امور خیریه که خودش باید پرداخت‌کننده باشد، دریافت‌کننده از بودجه عمومی است و بیش از ۳.۳ تریلیون تومان به آن اختصاص یافته است. جمع کل بودجه نهادهای مذهبی، تقریباً ۸۰ تریلیون تومان است.

بودجه نهادهای نظامی، امنیتی و سرکوبگر برابر با ۳۲.۳ درصد از بودجه عمومی کشور را تشکیل می‌دهد. چنان که در بیانیه سال گذشته شورا محاسبه شده بود، این نسبت در بودجه سال ۱۴۰۴، ۲۹.۲ درصد بود.

بودجه نهادهای مذهبی نیز تقریباً ۱.۲ درصد از بودجه عمومی کشور را تشکیل می‌دهد. علاوه بر بودجه‌های کلانی که به سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی و سرکوبگر رژیم پرداخت می‌شود، سپاه پاسداران به اسم دور زدن تحریم، بر صادرات نفت چنگ انداخته است. رویترز در سال ۱۴۰۳ از قول کارشناسان گزارش داد که تا سال ۱۴۰۳، ۵۰ درصد صادرات نفت ایران در اختیار سپاه پاسداران است. این سهمیه ظرف دو سال گذشته به احتمال زیاد بیشتر شده است. سایت حکومتی «نفت ما» در این باره نوشت: فروش نفت توسط وزارت دفاع، نیروهای مسلح و یا امثال بابک زنجانی نتیجه‌ی جز تخریب نفت ایران ندارد. اورعی، کارشناس حکومتی گواهی می‌دهد که «شخصاً موارد عینی این وضعیت را در دبی مشاهده کردم؛ جایی که دلالتان ایرانی، آقازاده‌ها و مافیای نفتی برای فروش نفت فعالیت دارند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. این رقابت مخرب باعث شده بازار نفت ایران به شدت تضعیف شود؛ حتی شرکت ملی نفت ایران نیز عملاً توان فروش مؤثر نفت را از دست بدهد» (سایت نفت ما، ۸ بهمن ۱۴۰۴). دستگاه‌هایی که در این رژیم بودجه‌های کلان می‌گیرند آن قدر بی‌خاصیت هستند که در درون رژیم هم در جنگ و دعوای باندى سوژه دعوا می‌شوند. روزنامه حکومتی آرمان ملی در یک مورد نوشت: «بودجه مجمع تشخیص مصلحت نظام تقریباً به اندازه یک وزارتخانه است که نیازمند بازنگری جدی است» (آرمان ملی، ۶ آبان ۱۴۰۴). حاکمیت آخوندی فقط سرمایه‌های کشورمان را صرف جنگ‌افروزی، تروریسم، ساخت بمب اتمی کرده و البته غارتگری‌هایی که بی‌حد و حصر از اموال مردم انجام دادند. از سال ۱۳۵۷ تا پایان آذر ۱۴۰۳، حدود ۱۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب کشور شده است که اگر تنها یک‌سوم آن صرف توسعه زیرساخت‌ها می‌شد، وضعیت کنونی وجود نداشت (جهان صنعت، ۶ آبان ۱۴۰۴).

۵۱- کسر بودجه

اقتصاددانان کسر بودجه را ام‌المصائب اقتصادی می‌دانند. به نوشته رسانه‌های رژیم، بودجه سال ۱۴۰۵ کسری‌های وحشتناکی دارد؛ بودجه سال ۱۴۰۴ با کسر بیش از ۹۵۰ تریلیون تومان (حدود ۶ درصد تولید ناخالص داخلی) روبرو بوده است (روزنامه حکومتی آرمان ملی، ۶ آبان ۱۴۰۴ و ۱۸ آبان ۱۴۰۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد کسر بودجه دولت که اواخر پارسال به مرز ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود، اکنون از مرز ۱۵۵۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته و تمایل دولت به استقراض از بانک مرکزی برای طرح‌هایی نظیر اعتبار کالا برگ هوشمند، پرداخت یارانه حامل‌های انرژی و تأمین هزینه بازسازی جنگ اخیر بسیار بالاست. همین کسر بودجه دولت و اتکای آن به بانک مرکزی، موجب چاپ پول بدون پشتوانه، خلق نقدینگی جدید و نهایتاً تشدید تورم در اقتصاد ملی خواهد شد (روزنامه حکومتی اطلاعات، ۲۴ خرداد ۱۴۰۵). یک اقتصاددان حکومتی گفت: «وقتی کسر بودجه افزایش پیدا می‌کند، این فشار در نهایت به نظام بانکی و بانک مرکزی منتقل می‌شود و از این مسیر به رشد نقدینگی و تورم منجر می‌شود» (روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد، ۲ خرداد ۱۴۰۵). روزنامه حکومتی شرق هم در این باره نوشت: در اقتصادی که پیش از جنگ نیز با کسر بودجه مزمن و فشار تورمی مواجه بود، تعهدات جدید (ناشی از جنگ) عملاً به معنای تعمیق همان شکاف مالی است و کسر بودجه دیگر یک احتمال نیست، بلکه واقعیتی در حال شکل‌گیری است (روزنامه حکومتی شرق، ۲ اردیبهشت ۱۴۰۵). واضح است که به دلیل رکود گسترده در بخش تولید، بسیاری از درآمدهایی که در بودجه پیش‌بینی شده محقق نخواهد شد و باز هم کسر بودجه زندگی مردم را از طریق غول نقدینگی خواهد بلعید.

طبق اعلام شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۵ به میزان ۶۰ درصد افزایش یافت. بر اساس این مصوبه، مجموع دریافتی یک کارگر مجرد بدون فرزند، به حدود ۲۲ میلیون تومان در ماه افزایش پیدا کرد. همچنین، حق اولاد به ازای هر فرزند حدود یک میلیون و ۶۶۰ هزار تومان تعیین شد. در مجموع، سرپرست یک خانواده ۴ نفره بر اساس این مصوبه، ماهانه ۲۵ میلیون و ۶۴۷ هزار تومان دریافت می‌کند. با نگاهی به هزینه ۲۱ میلیون تومانی سبد اقلام خوراکی اساسی، نزدیک به ۸۳ درصد از حداقل دستمزد، به خرید خوراکی‌های اساسی تخصیص می‌یابد (روزنامه حکومتی «دنیای اقتصاد»، ۱۷ خرداد ۱۴۰۵).

با در نظر گرفتن سبد معیشت خانوار، حداقل دستمزد فقط می‌تواند ۲۴ درصد هزینه خانوار را تأمین کند. متوسط سهم دستمزد در هزینه تمام‌شده کالا در کشورهای پیشرفته بین ۵۰ تا ۷۰ درصد است اما در ایران ۷ تا ۱۳ درصد می‌باشد؛ این یعنی استثمار وحشیانه کارگران و نیروی کار ایرانی. این موضوع وقتی به زنان می‌رسد، ابعاد وخیم‌تری به خودش می‌گیرد چون برای کار مساوی، دستمزد زنان و مردان در کشورمان یکسان نیست. از طرف دیگر، افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد به سرعت تبخیر شد و به پایان خرداد نرسیده، تورم تمام آن ۶۰ درصد را بلعید. در واقع «افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد آن‌قدر سریع بی‌اثر شد که مشابه آن در گذشته تجربه نشده بود» (سایت حکومتی «خبرآنلاین»، ۲۳ خرداد ۱۴۰۵). ارزش دلاری حداقل دستمزد از حدود ۱۲۵ دلار در فروردین ۱۴۰۴ به حدود ۹۰ دلار در اردیبهشت ۱۴۰۵ رسیده؛ به عبارتی در فاصله یک سال، ارزش دلاری دستمزد کارگران حدود ۲۸ درصد کاهش یافته است (سایت حکومتی چندثانیه، ۲۳ خرداد ۱۴۰۵).

دستمزد به قدری ناچیز و قدرت خرید آن کم است که دستمزد یک روز کارگر حتی کفاف ۲۵۰ گرم گوشت را نمی‌دهد (خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۵ خرداد ۱۴۰۵).

خبرگزاری حکومتی ایلنا در این باره نوشت: «حتی با افزایش حقوق‌ها، قدرت خرید کارگران به‌جای بهبود، کاهش یافته و هزینه یک وعده غذای ساده برای یک خانواده، عملاً از توان روزانه یک کارگر خارج شده است و بخش بزرگی از جامعه کارگری در "حسرت یک غذای ساده" به‌سر می‌برد» (خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۵ خرداد ۱۴۰۵).

معادل دلاری حداقل دستمزد ماهانه در ایران چیزی نزدیک به ۶۵ دلار است. در مقایسه با دستمزدها در سایر کشورها، حداقل دستمزد در انگلستان، ساعتی ۱۲ پوند (ماهانه معادل ۲۶۴۰ دلار) است که ۴۰ برابر حداقل دستمزد در ایران است. حداقل دستمزد در آمریکا به طور متوسط ساعتی ۱۰.۵ دلار و در ماه ۱۸۵۰ دلار است که تقریباً ۲۸ برابر دستمزد کارگر ایرانی است. حداقل دستمزد در امارات ۱۳۶۰ دلار، در عربستان سعودی ۱۰۶۶ دلار، در ترکیه ۵۲۵ دلار و در قطر ۴۹۰ دلار است. اما در ایران فقط ۶۵ دلار است و در یکی از پایین‌ترین ردیف‌های جدول دستمزدها در جهان قرار دارد.

یک بررسی دیگر که با شاخص قدرت خرید مواد غذایی صورت گرفته نشان می‌دهد قدرت خرید کارگران در عربستان ۱۷ برابر، در آمریکا ۴۱ برابر، در عراق ۵ برابر و در کانادا ۵۰ برابر قدرت خرید کارگران ایران است.

یک بررسی دیگر که با شاخص میزان برابری دستمزدها با ارزش طلا صورت گرفته نتایج زیر را به دست می‌دهد:

وزن طلای قابل خرید	حداقل دستمزد ماهانه یک کارگر ایرانی
۸.۷۸ گرم	در سال ۱۳۸۰
۷.۶۸ گرم	در سال ۱۳۹۰
۱.۵۹ گرم	در سال ۱۳۹۹
نیم گرم	در سال ۱۴۰۵

۵۳ - انباشت طرح‌های نیمه‌تمام

پروژه‌های ناتمام یکی از دیرینه‌ترین چالش‌های ساختاری در اقتصاد ایران است. این پدیده نه تنها به عنوان اتلاف آشکار سرمایه‌های ملی تلقی می‌شود، بلکه به طور مستقیم ظرفیت‌های رشد میان‌مدت و بلندمدت اقتصاد کشور را محدود ساخته و با ایجاد گسست‌ها و

عقب ماندگی های فاحش، ناترازی های گسترده در زیرساخت های اساسی کلیدی مانند انرژی، آب، غذا، محیط زیست، حمل و نقل، مسکن و ورزش، هزینه های سنگینی را به زنجیره تولید تحمیل کرده است.

پروژه های ناتمام حاصل تناقض میان اجبارات اقتصادی و اجتماعی با نیازهای امنیتی رژیم است. رژیم از یک سو برای مهار نارضایتی های انفجاری جامعه هر سال با یک رویکرد پوپولیستی «کلنگ» شروع انواع طرح ها را می زند؛ از سوی دیگر بودجه مصوب همان طرح ها را صرف امور امنیتی، نظامی و تروریستی می کند.

پزشکیان در جلسه شورای برنامه ریزی آذربایجان غربی گفت: «امروز حدود ۶ هزار همت پروژه روی زمین مانده داریم که بدون در نظر گرفتن اعتبارات لازم برای آن وعده داده شده و کلنگ زنی شده است. این که پروژه های متعدد تعریف کنیم، کلنگ زنی کنیم ولی نتوانیم منابع لازم برای تکمیل کردن آن را تأمین کنیم، مدیریت نیست» (روزنامه حکومتی هم میهن، ۳ آبان ۱۴۰۴).

در سخنرانی دیگری، پزشکیان برآورد بیشتری درباره اعتبار مالی پروژه های نیمه تمام ارائه کرد: «۷ میلیون میلیارد پروژه نیمه تمام توی این کشور آمدیم همین جوری امضا کردیم و رفتیم، کار درستی انجام دادیم؟».

یادآوری می شود که این رقم بیش از کل بودجه عمومی سال ۱۴۰۴ است. پزشکیان پیش بینی کرد که با توجه به تأثیر تورم در حال صعود بر هزینه این پروژه، به اتمام رساندن آن ها تا ۲۰ سال و حتی ۴۰ سال دیگر هم ممکن نیست (تلویزیون رژیم، اول آبان ۱۴۰۴). روزنامه حکومتی هم میهن در این باره نوشت: «هر سال بودجه عمرانی نه تنها کم می شود بلکه همان مقدار تصویب شده هم تخصیص پیدا نمی کند. بررسی عملکرد بودجه های گذشته هم نشان می دهد این تخصیص ها اصلاً رقم قابل توجهی نبوده است. امسال هم ۵۶۰ هزار میلیارد تومان به بخش عمرانی تخصیص یافته که ۱۲.۲ (دوازده و دو دهم) درصد از منابع بودجه عمومی را شامل می شود ... ۵۶۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی در شرایطی تعیین شده که هم اکنون بیش از ۲ هزار طرح عمرانی با عمر بالای ۱۷ سال در کشور روی دست دولت مانده است. اعتبار مورد نیاز برای اتمام کار این میزان پروژه بر زمین مانده بنا به گفته پزشکیان بین ۵ تا ۶ هزار هزار میلیارد تومان است. با این روند بودجه ریزی، تمام شدن این پروژه های نیمه کاره، بیش از ۱۵ سال زمان خواهد برد که قرار بود ۱۴۰۷ پروژه ها تکمیل شود» (۳ آبان ۱۴۰۴).

متین رمضان خواه، معاون مطالعات دفتر هیأت دولت رژیم، فاش کرد که «تعداد ۶۷ هزار پروژه نیمه تمام در کشور وجود دارد که بسیاری از آن ها با گذشت زمان دیگر فاقد ضرورت اجرایی و توجیه اقتصادی هستند» (خبرگزاری ایسنا، ۸ آذر ۱۴۰۴).

دلایل اصلی افزایش پروژه های نیمه تمام در رژیم آخوندی را می توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

- نخست، عدم تخصیص کامل بودجه عمرانی؛ در یک دهه گذشته، به طور متوسط تنها ۱۷ درصد از بودجه عمرانی به این امور تخصیص یافته است.

- دوم، کلنگ زنی های عوام فریبانه توسط مسئولان محلی و استانی برای تبلیغات و نمایش که منجر به شروع پروژه هایی بدون تأمین مالی پایدار شده است.

- سوم، نوسانات درآمدهای نفتی و کسر بودجه به مثابه عامل کلیدی و نیز تورم بالا و افزایش هزینه ها که عمر مفید پروژه ها را کوتاه کرده و اجرای آن ها را فرسایشی می سازد. برای مثال، در بخش شهری، نیمی از ۷۰ هزار پروژه به دلیل کمبود اعتبار نیمه تمام مانده است. در نهایت، رکود ساخت و ساز و پایین آمدن درآمدها، تأمین مالی را مختل کرده و چرخه معیوب را تشدید می نماید.

پروژه های نیمه تمام، مانند سیاهچال هایی بودجه بی عمل می کنند و تأثیرات مخربی بر اقتصاد دارند. برای تکمیل طرح های ملی، حدود ۴ هزار تریلیون تومان بودجه لازم است. این وضعیت، کسر بودجه مزمن را تشدید کرده و اجرای طرح های جدید را غیرممکن می سازد. از دیدگاه اقتصادی، راکد ماندن سرمایه های هنگفت (حدود ۱۱۴ میلیارد دلار) رشد را متوقف کرده و تورم را افزایش می دهد (روزنامه حکومتی «آرمان امروز»، ۳ آذرماه ۱۴۰۴).

روزنامه حکومتی جوان در این زمینه نوشت: سازمان برنامه و بودجه دولت چهاردهم در اقدامی بی سابقه و سؤال برانگیز، با انتشار سندی تحت عنوان «اصلاحیه»، عملاً شاکله و روح «قانون برنامه هفتم توسعه» را از اعتبار ساقط کرده است. شاید تکان دهنده ترین بخش این اصلاحیه، نصف کردن سهم بودجه عمرانی از بودجه عمومی (از ۲۵ درصد به ۱۲ درصد) باشد. بودجه عمرانی، موتور محرک

پروژه‌های زیربنایی کشور از جمله راه، سد، نیروگاه، بیمارستان و مدرسه است. کاهش این سهم به معنای توقف یا کندی شدید پروژه‌های عمرانی، فرسودگی بیشتر زیرساخت‌های موجود و از دست رفتن فرصت‌های شغلی بی‌شمار در این حوزه است (روزنامه حکومتی جوان، ۳۰ مهر ۱۴۰۴).

روزنامه وابسته به سپاه پاسداران با دل سوزاندن برای «پروژه‌های زیربنایی» در واقع منابع امنیتی و غارتگرانه سپاه به‌خصوص «قرارگاه خاتم» را مدنظر دارد تا به نام طرح‌های عمرانی، تأسیسات مورد نیاز ساخت موشک و پهپاد و کنترل سرکوبگرانه شهرها را احداث کند. طول عمر پروژه‌های ناتمام از مهم‌ترین شاخص‌های جهت‌گیری مخرب رژیم علیه توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور است. محمدرضا رضایی کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس رژیم، در این زمینه گفت: میانگین عمر تقریبی بیش از ۷۰ هزار طرح عمرانی نیمه‌تمام در کشور به ۲۰ سال رسیده است (خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۰ اسفند ۱۴۰۳).

مرکز پژوهش‌های مجلس با برآورد «۱۰۱ سال برای اتمام طرح‌های موجود» (جهان صنعت، ۳۰ بهمن ۱۴۰۴) تصویر واضحی از انباشت عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌ها در امور زیربنایی کشور ارائه می‌کند. این روزنامه می‌نویسد: «عدد ۱۰۱ سال را سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه به زبان آورده؛ عددی که بیشتر شبیه یک اغراق تلخ است تا یک برآورد رسمی. داده‌ها اما نشان می‌دهد ماجرا نه اغراق است و نه استعاره بلکه تصویر عریان یک بحران انباشته است. اگر همه پروژه‌های عمرانی کشور از امروز هیچ طرح تازه‌یی به خود نبینند و اگر حتی یک کلنگ جدید هم به زمین نخورد، باز هم تکمیل همین فهرست موجود بیش از یک قرن زمان می‌برد.

بسیاری از کشورهای جهان توانسته‌اند پروژه‌های نیمه‌تمام خود را مدیریت کنند.

کره جنوبی، با ایجاد چارچوب قانونی شفاف برای مشارکت عمومی - خصوصی، بازار پروژه‌های زیرساختی را توسعه داد و هزاران طرح را تکمیل کرد.

هند با اولویت‌بندی پروژه‌ها بر اساس نرخ بازگشت سرمایه و استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بیش از ۵۰ هزار پروژه را در دهه گذشته تکمیل نمود.

استرالیا نیز با واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام به کنسرسیوم‌های خصوصی، هزینه‌های دولتی را ۳۰ درصد کاهش داد.

در کشورهای آفریقایی مانند کنیا، تمرکز بر مدیریت پروژه‌های کوچک و متوسط با ابزارهای دیجیتال، نرخ تکمیل را به ۸۰ درصد رساند. (روزنامه حکومتی آرمان امروز، ۳ آذر ۱۴۰۴)

۵۴ - خشم گرسنگان

«هر روز که از خانه بیرون می‌آیم می‌ترسم فردا چه چیزی گران می‌شود. دیگر نمی‌توانم برنامه‌ریزی کنم، احساس می‌کنم زیر فشار اقتصادی دارم خرد می‌شوم». این گفته‌های یک شهروند تهرانی است که در روزنامه حکومتی اقتصاد پویا، ۳۰ مهر ۱۴۰۴ زیر عنوان «خطر ته کشیدن آستانه تحمل مردم» درج شده است. «در واقع این وضعیت به خشم عمومی انجامیده است. می‌توان گفت خشم و عصبانیت، محصول مستقیم استیصال است و هرچه جامعه بیشتر به سمت استیصال برود، به خشم نزدیک‌تر می‌شود». نویسنده معتقد است که مطالبات اصلی مردم «عدالت اجتماعی» است و قیام با یک جرقه و «رخداد» توسط طبقه متوسط شروع می‌شود و با خشم گرسنگان پیش می‌رود. جنبش‌های سال‌های اخیر هم نمونه‌هایی از این وضعیت‌اند. البته در ادامه، طبقات فرودست هم به این اعتراضات می‌پیوندند و حتی ممکن است شعارها دستخوش تغییر شوند، اما خاستگاه اصلی حرکت، بر محور مفاهیم معنوی و اجتماعی شکل می‌گیرد. معمولاً چنین اعتراضاتی با یک رخداد یا رویداد آغاز می‌شوند... (هم‌میهن، ۳۰ شهریور ۱۴۰۴).

احسان فرزانه، یک تحلیل‌گر اقتصادی در گفتگو با روزنامه حکومتی توسعه ایرانی ضمن هشدار نسبت به بروز مجدد ناامنی‌ها گفت: طبقه متوسط تا حدود زیادی در ایران فرو ریخته و بخش مهمی از این طبقه به نیروهای روزمزد و موقتی تبدیل شده‌اند که واقعاً در تأمین معاش روزمره خود هم دچار مشکلند. اگر به شاخص‌ها و آمارها و ارقام مراجعه کنیم مشخص است که این طبقه با وجود آمار بالای بیکاری، تورم، فقر و فاصله طبقاتی وضعیت خوبی ندارد... پرولتریزه شدن یا فروپاشی تدریجی بخش‌هایی از طبقه متوسط می‌تواند

تحولات سیاسی خیلی جدی داشته باشد و تبعات این مسأله صرفاً در سطح اقتصادی و معیشتی محدود نمی‌ماند. این مسأله بر الگوهای کنش سیاسی و تحولات آینده ایران تأثیر بلافصلی دارد. به طور کلی می‌توان گفت یک شکلی از رادیکالیسم و افراطی‌گری را پشت خود خواهد داشت که می‌تواند زمینه‌ساز بروز «دی‌ماه»‌های دیگری باشد («توسعه ایرانی»، ۳۰ خرداد ۱۴۰۵).

فصل هفتم

نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر

اعدام و ارباب عمومی در سایه جنگ

حماسه سربداران در قزل‌حصار

۵۵- رژیم آخوندی در یکسال گذشته بالاترین شمار اعدامها بعد از سال ۱۳۶۷ را در پرونده خود ثبت کرد. این کارنامه نقض حقوق بشر با دو مشخصه دیگر هم برجسته میشود: یکی اعدامهای پی در پی اعضای مجاهدین و شورشگران دلیر، بویژه دستگیر شدگان قیام و دیگری اعتراض، مقاومت و اعتصاب زندانیان بویژه زندانیان سیاسی و استمرار کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام. شمار اعدامهای ثبت شده در سال ۱۴۰۴ به ۲۶۵۷ رسید. ۱۷۳۰ مورد یعنی دوسوم اعدامها به ۵ ماه مهر تا بهمن یعنی ماههای قبل و بعد از قیام تعلق دارد. شمار اعدامها در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۳۰ درصد بیشتر از سال ۱۴۰۳ (۱۱۵۹ اعدام)، ۲۲۶ درصد بیشتر از سال ۱۴۰۲ (۸۱۵ اعدام) و ۲۸۰ درصد بیشتر از ۱۴۰۱ (۶۹۹ اعدام) است.

اعدامها در سال ۱۴۰۴ دست کم در ۱۰۰ شهر در تمام ۳۱ استان کشور صورت گرفته است. سال پیش از آن ۸۲ شهر محل وقوع اعدامها بوده است. بنابراین جغرافیای محل اعدامها ظرف یک سال ۲۰ درصد گسترش داشته است. استانهایی که بیشترین اعدام در آنها صورت گرفته عبارتند از: خراسان رضوی با ۲۴۹ اعدام، تهران با ۱۹۸ اعدام، اصفهان با ۱۹۰ اعدام، فارس با ۱۶۶ اعدام، لرستان با ۱۴۸ اعدام، خوزستان با ۱۴۴ اعدام، همدان با ۱۰۴ اعدام، کرمان با ۱۰۳ اعدام، آذربایجان شرقی با ۸۸ اعدام، مرکزی با ۸۳ اعدام، گیلان با ۸۱ اعدام، سیستان و بلوچستان و قم هر کدام با ۸۰ اعدام، یزد با ۷۸ اعدام، خراسان جنوبی و سمنان هر کدام با ۷۴ اعدام، مازندران با ۷۱ اعدام، کرمانشاه با ۶۸ اعدام، آذربایجان غربی با ۶۷ اعدام، قزوین با ۶۶ اعدام، البرز و گلستان هر کدام با ۵۶ اعدام و زنجان با ۵۴ اعدام.

دست کم ۱۴۱ تن از قربانیان ماشین اعدام دیکتاتوری دینی هموطنان بلوچ هستند که علاوه بر استان سیستان و بلوچستان، در استانهای دیگر هم اعدام شده‌اند. در میان اعدام شدگان دست کم ۶۸ زن به چشم می‌خورد که ۷۹ درصد نسبت به اعدام ۳۸ زن در سال ۱۴۰۳ افزایش داشته است. شش زندانی اعدام شده در زمان ارتکاب جرم انتسابی کمتر از ۱۸ سال داشتند. ۱۳ تن از زندانیان در ملأعام حلق آویز شدند که بیش از یک و نیم برابر ۸ مورد اعدامی است که سال قبل در ملأعام واقع شده است. در حالی که هر نظامی در بحبوحه جنگ خارجی، تلاش می‌کند جبهه داخلی خودش را فعال نکند، اما رژیم آخوندی که جنگ اصلی خود را با مردم و قیام و مقاومت می‌بیند و خطر سرنگونی را از جانب آنها احساس می‌کند در بحبوحه جنگ مجاهدان خلق محمد تقوی و اکبر دانشورکار را در ۱۰ فروردین، بابک علیپور و پویا قبادی را در ۱۱ فروردین و ابوالحسن منتظر و وحید بنی عامریان را در ۱۵ فروردین در زندان قزل‌حصار اعدام کرد و هراس خود را از مجاهدین و کانونهای شورشی به نمایش گذاشت. امری که توجهات گسترده‌ای از سوی عموم مردم و بویژه جوانان برانگیخت و انعکاسات گسترده‌ای در سطح بین‌المللی داشت. این ۶ مجاهد خلق در آذر ۱۴۰۳ در شعبه ۲۶ بیدادگاه ضدانقلاب تهران توسط دژخیم ایمان افشاری به خاطر عضویت در مجاهدین به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شدند.

محمد تقوی ۵۹ ساله از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و ۷۰ در سال ۱۳۹۹ نیز به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شد. او چندی پس از آزادی، مجدداً در اسفند ۱۴۰۲ دستگیر گردید. وی جمعا ۸ سال را در زندانهای رژیم آخوندی

بسر برد. اکبر دانشور کار ۶۰ ساله، مهندس عمران در دی ماه ۱۴۰۲ به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین دستگیر شد. قضاییه جلادان حضور «در اغتشاشات و اقدامات شهری و رویارویی با نیروهای حافظ امنیت» را در شمار اتهامات آنها ذکر کرد و نوشت: «محمد تقوی به عنوان سردسته تیم مبادرت به تشکیل دسته یی با استفاده از دیگر عناصر می کند و به قصد ضربه زدن به امنیت کشور، در بررسی و شناسایی نقاط حساس و عملیات های ایزدایی علیه مراکز و نهادهای مختلف کشور مشارکت داشته و اقدام به تهیه خانه امن کرده و سایر متهمان پرونده را در این خانه ها سکنی داده است. اکبر دانشور کار و محمد تقوی، به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور، ارتکاب اقدامات مؤثر ایزدایی در جهت حمایت از سازمان مجاهدین با هدف سرنگونی نظام، عضویت در سازمان مجاهدین با هدف برهم زدن امنیت کشور» محکوم به اعدام شدند («فارس»، خبرگزاری سپاه پاسداران، ۱۰ فروردین ۱۴۰۵).

بابک علیپور ۳۴ ساله، حقوقدان، از فرزندان مردم آمل در دی ۱۴۰۲ برای دومین بار دستگیر شد. او در آبان ۱۳۹۷ به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین در رشت دستگیر شد و ۴ سال در زندان بود.

پویا ۳۳ ساله، مهندس برق و از فرزندان مردم سنقر در اسفند ۱۴۰۲ دستگیر شد. او هم قبلاً دو بار در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ دستگیر شده بود.

قضاییه جلادان اعلام کرد: «بابک علیپور و پویا قبادی از عناصر مسلح سازمان مجاهدین و از عناصر دشمن در داخل کشور در عملیات های تروریستی متعددی در تهران مشارکت داشتند. آنها به منظور ضربه زدن به امنیت کشور با استفاده از سلاح گرم منحنی زن (لانچر) به مراکز حساس و اماکن عمومی حمله می کردند... بابک علیپور پس از اجرای قرار تشکیلاتی و ارتباط گیری با نفر عملیاتی، اقدام به شلیک ۴ قبضه لانچر به ساختمان یکی از نهادهای کشور کرده... در خانه تیمی که بابک علیپور در آن حضور داشته تجهیزات ساخت سه راهی انفجاری کشف شده است. وی هم چنین به همراه تعدادی دیگر از جمله محمد تقوی و اکبر دانشور کار به ورودی ساختمان وزارت اطلاعات با لانچر تعرض کرده است. پویا قبادی در عملیات های متعدد مشارکت داشته است و اقدامات متعددی را علیه امنیت کشور انجام داده است» («میزان»، خبرگزاری قضاییه جلادان، ۱۱ فروردین ۱۴۰۵).

۵۶- وحید بنی عامریان ۳۳ ساله، از فرزندان مردم سنقر، مهندس برق و فوق لیسانس مدیریت از دانشجویان و فارغ التحصیلان نخبه، در دی ۱۴۰۲ دستگیر شد. او از سال ۹۶ چند بار دستگیر شده و جمعاً شش سال زندانی بوده است. ابوالحسن منتظر ۶۷ ساله، اهل تهران، مهندس معماری از زندانیان سیاسی زمان شاه و از زندانیان دهه ۶۰ بود. او در سال های ۹۶، ۹۷ و ۹۹ و آخرین بار در ۳۰ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و جمعاً بیش از ۱۱ سال را در زندانهای رژیم آخوندی در اسارت بود... قضاییه جلادان اتهام های آنها را عضویت در مجاهدین با هدف سرنگونی و برهم زدن امنیت نظام، انجام عملیات و تهیه لانچرهای انفجاری و اقدامات متعدد و انفجارهایی در سطح شهر تهران ذکر و تأکید کرد وحید بنی عامریان «در عملیات های تعرض به اماکن مختلف نیز مشارکت داشته» و «به همراه ابوالحسن منتظر در حالی که قصد انجام عملیات پرتاب لانچر را داشتند با چهار قبضه لانچر» دستگیر شده است. قضاییه جلادان افزود: ابوالحسن «نقش مهم و تأثیرگذاری در هدایت تیم داشته؛ به همراه محمد تقوی با استفاده از بودجه یی که منافقین در اختیار آنها قرار داده بودند اقدام به تهیه خانه امن» کرده و «سایر مرتبطين را در خانه های تشکیلاتی اسکان داده بودند... خانه های مورد اجاره نیز به منظور کارگاه ساخت لانچر و بمب های دست ساز استفاده شده است». او «کارگاه ساخت لانچر و بمب های دست ساز» ایجاد و «با همکاری دیگر اعضای تیم اقدامات مسلحانه در راستای اهداف مجاهدین انجام داده» است («میزان»، ۱۵ فروردین ۱۴۰۵).

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، گفت: دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران بار دیگر خون رشیدترین فرزندان مردم ایران را بر زمین ریخت و وحشت و درماندگی خود را در برابر مجاهدین و ارتش آزادی بر ملا کرد. این اعدامهای جنایتکارانه در گرماگرم یک جنگ خارجی اعتراف آشکار آخوندهای حاکم به این حقیقت است که دشمن اصلی رژیم، مردم و مقاومت ایران است، اما این

خونریزیهای بی حساب از سوی جوانان شورشگر و رزم آوران آزادی بی پاسخ نخواهد ماند و طومار ننگین این رژیم ضدبشری را برای همیشه در هم خواهد پیچید.

خانم رجوی محمد و اکبر و بابک و پویا و ابوالحسن و وحید را الگوهای صدق و فدا در روزگار ما و آموزگاران پایداری برای جوانان شورشگری خواند که در قیامهای پیاپی به صحنه می آیند و نام این رادمردان که در برابر هیچ شکنجه و فشاری سرخم نکردند و تا به آخر بر عهد و پیمان خود استوار ماندند، برای همیشه در تاریخ ایران باقی می ماند. آخوندهای حاکم با اعدام این مجاهدین سر موضع، بیهوده تلاش میکند سرنگونی محتوم خود را چند صباحی به تأخیر بیندازند، اما این خونهای به ناحق ریخته شده خشم و انزجار مردم و عزم رزمندگان آزادی را دوچندان می کند.

۵۷ - فرمانده وحید بنی عامریان در لایحه دفاعی خود از شکنجه گاه اوین خطاب به مردم ایران می گوید: «این رژیم از آنجایی که خودش خیلی خوب میدونه هیچ مشروعیتی نداره، از علنی کردن دادگاه زندانیان سیاسی به شدت وحشت داره، پس آی ولی فقیه که می خواهی ما را اعدام بکنی و اینطوری ترس ایجاد بکنی توی جامعه و مانع گسترش جنبش بشوی و در مقابل انقلاب سد ایجاد بکنی می خواهم بهت یادآوری بکنم که من و امثال من از خون جوانان آزادیخواهی بلند شدیم که توی تمام این سال ها بی نام و نشان، بدون این که خیلی ها بفهمند چی بودند و چی کردند و توی سیاه چال های رژیم شما چه شکنجه هایی را متحمل شدند اما در برابر تو و خمینی سرخم نکردند و هزار هزار بر چوبه های دار بوسه زدند. پس یقین کن که اگر من و امثال من را اعدام کنی اما تکثیر می شویم حتی اگر جنازه های مان را مخفی کنی و یقین کن که رژیمت هم از سرنگونی راه فراری نخواهد داشت. من به همراه ۵ تن دیگر از دوستانم در محکمه یی به اعدام محکوم شدیم که هیچ شباهتی به دادگاه نداشت و اساساً قوه قضاییه و دستگاه امنیتی در رژیم هایی که دیکتاتوری و فاشیستی هستند، پایه های سرکوب جنایت اند و نه مجری عدالت و قانون، برای همین پاسخهای ما خیلی کوتاه بود. ما اصلاً به رسمیت نمی شناسیم چنین دستگاهی رو و حرفی هم باهاش نداریم. خلاصه آن چیزی که گفته شد از طرف من توی دادگاه میشه توی چند جمله خلاصه اش کرد این که ما اتهاماتی که شما زدید قبول نداریم... لطفاً زحمت دادگاههای فرمالیته را هم به خودتان ندید چون که بر مبنای حرف امامتان هر کسی که سر موضع باشه مهدورالدم هست و مستحق اعدام، پس من هم سر موضع هستم و تمام. این کل دادگاه ما بود».

وحید می افزاید: «حرام باشه بر من اون زندگی یی که بهاش پا گذاشتن روی وجدان و چشم بستن روی دردهای مردم باشه. کور خواندید. من نه به اون زندگی عادی بر می گردم و نه اجازه میدم که شما و پاسدارانتان با خیال راحت به زندگی عادی تون با چپاول و ویرانی و قتل عام مردم ادامه بدهید. این عین زیبایی زندگی هست برای من: انما الحیات عقیده و جهاد.

شما بعد از آزادی از زندان با دست خودتون مرا تبعید کردید به بشاگرد. حالا من، بچه های معصوم بلوچ رو که توی کپرهای محروم با نیش عقرب پرپر می شدند، دیده باشم با چشمهای خودم، سکوت کنم بعد از آن طرف شما از جیب مردم و روی خون جوانان برای خودتون به تخت قدرت لم بدید و به قتل عام و ویرانی تون ادامه بدید؟ میلیونها انسان را زیر خط فقر نگهدارید و جنگ راه بندازید و زن ستیزی تون رو ستم مضاعف علیه ملیتها و مذاهب و عقاید رو ادامه بدید؟ بعد، من راحت سرم را بکنم توی درسم و توی زندگیم و توی ادامه تحصیلم؟ هرگز، هرگز.

بگذارید خیلی روشن بگم، من در شرایطی که زیر حکم اعدام قرار دارم شبها رو نه با ترس چوبه های دار شما که با یاد دردهای مردم روی بالش می گذارم... دین فروشها! کور خوندید.

بگذارید آب پاکی روی دستتان بریزم الگوی من کی ها هستند اشرفی ها، همانها که از اسمشان وحشت دارید؛ همانها که جوانی شان را؛ کل زندگی شان را؛ دار و ندار شان را گذاشتند برای آزادی مردم و آبادی این خاک؛ از کردستان تا بلوچستان خون فشان و از نزارهای ماهشهر تا آذربایجان و تک به تک شهرهای ایران...

برای وزارت تروریستی اطلاعات آخوندی و برای ساواک شکنجه‌گر پهلوی، ماها همیشه متهم به اتهاماتی مثل تروریسم و مخل امنیت ملی و یاغی و باغی و امثالهم بودیم که پیشیزی هم برایش ارزش قائل نیستیم. اتفاقاً هر چه بیشتر اتهام بزیند مطمئن تر می‌شویم به راهمان...

ولی اتهامی که بابتش به مرگ محکوم شده ام و به آن افتخار می‌کنم هواداری از سازمان مجاهدین خلقه؛ سازمانی که ۶۰ ساله پای حرفی که زده ایستاده، با رنج و شکنجه و خون. و عهد بسته که سرنوشت مردم رو با چنگ و ناخن و دندان هم که شده از چنگال استبداد و وابستگی در بیاورد و مبارزه یی را که از مشروطه شروع شده با انتقال قدرت به مردم ایران و تحقق جمهوری دموکراتیک به سر منزل خودش برساند: با صداقت، با شرافت، با فدای بی‌منت و یک صد و بیست هزار شهید و به کسی هم باج نداده و نمی‌دهد. این هم آلت‌رناتیوش برنامه ۱۰ ماده‌ای مریم رجوی، لغو مجازات اعدام، جدایی دین از دولت و... من افتخار می‌کنم که جزء کوچکی از مقاومتی هستیم که اهل عمل و قیمت دادن هست نه فضای مجازی و خودنمایی و موج‌سواری؛ رهبرش یک زن است مریم رجوی که به شدت ازش وحشت دارید؛ کابوستان هست: سرشار از درد و رنج مردم ایستاده بر بلندای رفیع‌ترین قله‌های مسئولیت‌پذیری و فداکاری، تعهدش این است؛ خوب گوش کنید: "نقشه مسیر ما این بوده و هست که اگر برای رسیدن به آزادی باید از هفتخوان سرکوب و زندان و شکنجه و تیرباران گذشت؛ اگر برای رسیدن به آزادی، باید از هفتخوان اتهام و شیطان‌سازی و خنجر و خیانت عبور کرد؛ اگر برای رسیدن به آزادی باید از هفتخوان هفتاد ابتلا و آزمایش گذشت، آری! آری! ما در نبرد برای آزادی، برای صدها هفتخوان دیگر حاضر و آماده‌ایم". وحید در پاسخ به دفاع آخرش، جلادان را به محاکمه کشید و گفت: «این شماست که باید در یک دادگاه عادلانه مردمی در فردای سرنگونی‌تان حاضر شوید و به یکایک جنایاتی که در این سالیان مرتکب شدید پاسخ دهید. البته طبعاً در دادگاهی که شریعت آخوندی شما در آن جایی ندارد؛ حق برخورداری از وکیل را دارید؛ حق محاکمه علنی را دارید و باید بترسید از آن روز حسابرسی که در پیش دارید: چه توی این دنیا، چه در آخرت. اما اگر از من بپرسید من شخصاً دفاعی از خود ندارم. من از مردم تحت ستم دفاع می‌کنم و دادخواه همه برادران و خواهران عزیزم هستیم که شما خونشان را توی قیامها به زمین ریختید: از خدانور و کومار و روزبه تا آیلار و حدیث و سارینا و صفی بی‌پایان از بهترین بچه‌های این سرزمین. همین جا با صدای بلند اعلام می‌کنم من برای آزادی ایران، نه تنها بر سر جانم با شما چانه نمی‌زنم چون از روز اول، وصیتم را نوشتم و زیر سر داشتم بلکه عزم جزم کرده‌ام که بالاتر از جان هر روز و هر ساعت عواطفم به عزیزترین‌هایم را فدای این مردم کنم و باکی هم ندارم. آخر اگر من و نسل من و همه دوستان من به همین اتهام در زندانهای مختلف الآن دارند حکم اعدام می‌گیرند؛ بر خواهران و برادران و کسانی که زیر حکمهای سنگین در زندانهای مختلف یا بیرون از زندانها هستند؛ اگر ما این قیمت را ندهیم نسلهای بعدی باید تاوانش را خیلی بیشتر پرداخت کنند. پس اگر قرار است که توبه بکنم از خدا بابت تمام روزها و ساعتهایی که سرم را توی زندگی شخصی‌ام فرو برده بودم، طلب بخشش می‌کنم و حرف آخرم با شما جلادها این است: شماست که ذاتتون همان ذات پلید سال ۶۷ هست، حرف ما هم همین؛ حرف من اینه: اگر بهای زنده ماندن، دست شستن از نام مجاهد خلق است پس ننگ بر این زندگی، این از آن شما باد».

۵۸- موج اعدامها بعد از آتش بس (۱۹ فروردین) بازهم ادامه یافت. دوشنبه ۳۱ فروردین، مجاهدان قهرمان، فرمانده حامد ولیدی و محمد معصوم‌شاهی در زندان مرکزی کرج سربدار شدند. مقاومت ایران از روز قبل ارگان‌های ذیربط ملل متحد و سازمان‌های مدافع حقوق بشر را در جریان اعدام احتمالی این دو زندانی سیاسی قرار داده و خواستار اقدام فوری برای نجات جان آنها شده بود. حامد، مهندس عمران ۴۵ ساله، فرزند دلاور مردم کرمانشاه و محمد (نیما) معصوم‌شاهی، کارگر فنی ۳۸ ساله، فرزند سرافراز مردم تهران در ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ همراه با خویشاوندانشان در تهران دستگیر و تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتند.

قضاییه جلادان اتهامات حامد و محمد، را «آتش زدن تعدادی از اماکن نظامی و عمومی»، «محرابه»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «عضویت در گروه تروریستی مجرمانه با هدف بر هم زدن امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» ذکر کرده و نوشته است آنها «پس از ساخت پرتابه انفجاری و انتقال آنها به محل‌های پرتاب، قبل از هرگونه اقدام به همراه ۱۰ پرتابه انفجاری آماده شلیک

دستگیر می‌شوند؛ در ادامه از محل سکونت متهمان در کرج و اصفهان و خانه تیمی آن‌ها در تهران، مهمات و پرتابه‌های انفجاری آماده و اقلام ساخت خمپاره کشف و ضبط شد».

خانم مریم رجوی با درود به فرمانده حامد ولیدی و محمد معصوم‌شاهی، سردارانی که جان بر سر عهد و پیمان خود برای آزادی و رهایی میهن و مردمشان گذاشتند، گفت: همان‌گونه که شاه با ریختن خون بهترین فرزندان این میهن نتوانست از سرنگونی نجات پیدا کند، آخوندهای جنایتکار هم از فوران خشم خلق و عزم آتشین جوانان شورشگر گریزی ندارند.

فرمانده حامد ولیدی در یاداشتی در اولین روز از سال ۱۴۰۴ که مصادف با شب قدر بود، تجدید عهد کرد و نوشت «با شهدای راه آزادی عهد می‌بندم با راه و مرام مجاهدین برای آخرین نفس و آخرین لحظه در کنار آنها بودن و با تمسک به "می‌توان و باید" که خواهر مریم شاخص آن هستند، متعهد می‌شوم همه موانعی را که در مسیر مبارزه تا سرنگونی این رژیم هست کنار زده و همواره و همگام با مجاهدین نقشه مسیر شب قدر را رقم بزنم... برای نابودی رژیم آخوندی حاضر، حاضر، حاضر».

آخوند اژه‌ای، سردرّخیم قضاییه جلادان، روز ۳۰ فروردین همزمان با انتقال این دو مجاهد خلق برای اعدام، در نشست با کارگزاران قضاییه گفت: در رسیدگی به پرونده «عناصر پیاده‌نظام و همراه با دشمن... در تمامی مراحل و مراجع، چه دادسرا و دادگاه و چه دیوان عالی، باید به صورت فوق‌العاده رسیدگی شود». سردرّخیم در اشاره آشکار به شکنجه زندانیان گفت: «اکنون که عدلیه آرایش جنگی به خود گرفته، مقام قضایی وقتی صبح پرونده را برای تکمیل تحقیقات در اختیار ضابط قرار می‌دهد، بایستی بعد از ظهر، استرداد پرونده را مطالبه کنه، نه یک هفته دیگر نه ۱۰ روز دیگر. بازپرس اگر لازمه از اتاقش بیاد بیرون برود توی اوین، توی زندان بپرسد که آقا متهم چیه، سؤال، جواب، تحقیق، تفهیم اتهام، آخرین دفاع رو بگیره، کیفرخواست را بدهد، دادگاه همینطور، شماها الان خودتون، همه‌تون در تجدید نظر میتونید حکم بدهید، شعبه اول تجدید نظر استان با کیه؟ خود شما می‌توانید حکم بدهید. بالاخره رئیس کل (دادگستری استان) باید این احساس داشته باشه که اگر واقعاً سر تجدید نظرش شلوغه خودش بیاد با اون مستشار دو تا مستشارش بیاد. شب جمعه، روز جمعه، روز تعطیل، اصلاً ما که دیگه الان روز و شب و جمعه نداریم. در تمامی مراحل و مراجع باید به صورت فوق‌العاده رسیدگی شود. همه شماها الان در تجدید نظر میتوانید حکم بدهید».

روز ۳۱ تیرماه، درّخیمان رژیم آخوندها مجاهد خلق مهدی خانکی ۲۶ ساله، فارغ‌التحصیل حقوق را پس از ماه‌ها شکنجه‌های فیزیکی و روانی و به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین، حضور فعال در قیام دی‌ماه، و ساخت و تهیه اسلحه، اعدام کردند. مهدی توسط بیدادگاه ضدانقلاب کرج به اعدام و مصادره کلیه اموال محکوم شده بود.

مهدی خانکی از قیام دی‌ماه ۱۴۰۴ تحت پیگرد و تعقیب بود و سرانجام در ۲۱ بهمن در کرج دستگیر شد. سازمان مجاهدین دستگیری و شکنجه‌های شدید مهدی را در ۱۰ اسفند گذشته به گزارشگر ویژه ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر اطلاع داده بود.

قضاییه جلادان ادعا کرد مهدی چند روز قبل از قیام دی‌ماه «سلاح‌های گرم و مهمات را از مکانی که با ارسال مشخصات و فیلم آن از سوی رابط به وی اعلام شده بود تحویل داده و تجهیزات ارتباطی را هم از مکان دیگری در ماهدشت کرج به همین روش دریافت کرده» و در زمان دستگیری در کرج «۵ قبضه سلاح کمری، ۹۰ تیر فشنگ، ۹ تیغه خشاب، ریموت‌های انفجاری، ۱۱ نارنجک دست‌ساز، ۱۲ عدد منور دست‌ساز، ۳۰ عدد لوله منفجره دست‌ساز دوش‌پرتاب، بمب‌ها و سدهای انفجاری با قدرت تخریب زیاد و مقادیر قابل توجهی از مواد اولیه ساخت بمب و مواد منفجره از وی کشف و ضبط» شده است. قضاییه جلادان همچنین مدعی شد «حسب بررسی‌های فنی انجام شده و نظریه کارشناسان و آزمایشگاه اسلحه و مهمات، با سلاح‌های مکشوفه از مهدی خانکی، در بازه زمانی اغتشاشات دی‌ماه سال ۱۴۰۴ تیراندازی شده است» («میزان»، ۳۱ تیر ۱۴۰۵).

خانم مریم رجوی در ۳۱ تیر، «اعدام‌های پیاپی شورشگران و مجاهدان آزادی، به‌ویژه قیام‌آفرینان دی‌ماه ۱۴۰۴ را محکوم کرد و ادامه این اعدام‌ها را نشان دیگری از استمرار قیام مردم و فرزندان رشید ایران در برابر فاشیسم دینی و وحشت رژیم از انفجار خشم مردم توصیف کرد».

مهدی خانکی در عهدنامه‌یی که در شهریور ۱۴۰۳ از خود بجای گذاشته، می‌نویسد: «۴۵ سال است که این دیار به جز رنج و عذاب چیز دیگری به خود ندیده است. از روزی که خمینی دجال قدم شومش را در این میهن گذاشت جز ریختن خون مظلوم این سرزمین چیزی به خود ندید. از کشتار مردم کردستان تا دهه وحشتناک و سیاه ۶۰ تا امروز که رژیم در محاصره سلسله قیامهای مردم ایران قرار گرفته، کشتار و شکنجه و تجاوز، چشم درآوردن، کار این جماعت وحشی و خونخوار است... خامنه‌ای حرامزاده برای حفظ حکومت شیطانیش به بهانه تار مویی، دختران این سرزمین را می‌کشد چرا که به‌خوبی می‌داند به دست همین زنان و دختران نابود خواهد شد و ایران به دست این شیرزنان آزاد خواهد شد... خدا شاهد است که امروز امید و آرزویی جز این ندارم که هر چه زودتر دیوارهای قزلحصار را از میان بردارم و برای همیشه تمام زندانهایی را که شاه ملعون ساخت و برای ولیعهدش، خمینی به ارث گذاشت نابود کنم تا دیگر هیچ انسانی در آن اسیر نباشد و هر روزی که این کار دیرتر میشه شرمنده و اندوهگینم».

پس از اعدام مهدی خانکی مسعود رجوی نوشت: «به بچهٔ سفاک خامنه‌ای (مجتبی) می‌گویم که به عمد در روز میلاد امام موسی کاظم، مجاهد خلق مهدی خانکی را سربهدار کردی. رسم یزید و آل ابی سفیان همین است. بنابراین منتظر انتقام باش. جنگ مجاهدین با شیخ و شاه ستمگر و خونریز ۶۱ سال است ادامه دارد و تا روز سرنگونی رژیم پلید ولایت و حاکمیت مردم ایران و برپایی جمهوری دمکراتیک به هر قیمت ادامه می‌یابد. با اتمی، بی اتمی، با زهر و تفاهم‌نامه یا بدون آن، جنگ فرزندان رشید ایران تا پایان و ریشه کنی ستمگران. درود بر شهیدان» (۳۱ تیر ۱۴۰۵).

۵۹ - در یک سال گذشته شمار قابل توجهی از زندانیان سیاسی به اتهام هواداری از مجاهدین به اعدام محکوم شدند یا حکم اعدام آنها توسط دیوانعالی رژیم تأیید شده است:

- روز ۱۷ شهریور ۱۴۰۴ قضائیه جلادان حکم اعدام زندانی سیاسی محبوس در اوین، پژمان توبره‌ریزی، ۳۱ ساله را به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران با اتهام «افساد فی الارض» به او ابلاغ کرد.

- روز شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴ دیوان عالی قضائیه جلادان، حکم اعدام زندانی سیاسی هوادار مجاهدین محمدجواد وفایی ثانی را تأیید کرد. جواد وفایی ۳۰ ساله، قهرمان و مربی بوکس باشگاه‌های مشهد، در اسفند ۱۳۹۸ در مشهد دستگیر و تحت شکنجه‌ها و فشارهای روحی و جسمی شدید قرار گرفت.

- روز ۱۶ مهر ۱۴۰۴ دیوان عالی رژیم حکم اعدام احسان فریدی دانشجوی محبوس در زندان تبریز را مورد تأیید قرار داد. احسان فریدی ۲۲ ساله در ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ دستگیر و در اردیبهشت ۱۴۰۴ به خاطر هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران به اعدام محکوم شد.

- روز ۳ آبان ۱۴۰۴ قضائیه جلادان زندانی سیاسی زهرا طبری محبوس در زندان لاکان رشت را به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران به اعدام محکوم کرد. این حکم در بیدادگاه ضدانقلاب رشت به ریاست دژخیم «احمد درویش گفتار» صادر شد. این به اصطلاح محاکمه به مدت ۱۰ دقیقه و از طریق ویدئو کنفرانس و بدون دسترسی زهرا طبری به وکیل انتخابی برگزار شد.

- روز ۱۵ آبان ۱۴۰۴ قضائیه جلادان حکم اعدام زندانی سیاسی رضا عبدالی را در زندان شیبان اهواز به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران تأیید و ابلاغ کرد. رضا ۳۵ ساله در بهمن ۱۴۰۳ در اهواز دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت.

- روز ۲۳ آبان ۱۴۰۴ دیوانعالی رژیم حکم اعدام زندانیان سیاسی فرشاد اعتمادی فر، علیرضا مرداسی (حمیداوی) و مسعود جامعی را که در زندان شیبان اهواز محبوس هستند، به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران، تأیید کرد. فرشاد اعتمادی فر ۳۰ ساله از اهالی باشت در استان کهگیلویه و بویراحمد، مسعود جامعی ۴۸ ساله، کارمند شرکت نفت، و علیرضا مرداسی ۵۲ ساله، معلم در اهواز هستند. مسعود و علیرضا هر دو از هموطنان عرب هستند.

- روز ۱۵ آذر ۱۴۰۴ حکم اعدام زندانی سیاسی کریم خجسته در زندان رشت به وی ابلاغ شد. کریم ۶۲ ساله، از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و مهندس تولید دستگاههای صنعتی، اهل انزلی، در اسفند ۱۴۰۳ در کارگاه صنعتی دستگیر و به اتهام «بغی» به خاطر هواداری از مجاهدین محاکمه شد.

- در ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ دیوانعالی جلادان حکم اعدام زندانی سیاسی منصور جمالی، محبوس در زندان چوبیندر قزوین، را به اتهام «عضویت در سازمان مجاهدین خلق» تأیید کرد.

- در هفته سوم اردیبهشت ۱۴۰۵، بیدادگاه رشت بار دیگر حکم اعدام منوچهر فلاح را به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین مورد تأیید قرار داد.

- در ۱۵ خرداد ۱۴۰۵ قضاییه جلادان برای دومین بار، یعقوب درخشان، زندانی سیاسی هوادار سازمان مجاهدین را که در زندان لاکان رشت به سر می‌برد، به اعدام محکوم کرد. یعقوب ۵۱ ساله در فروردین ۱۴۰۴ دستگیر شده بود.

- در ۱۰ تیر ۱۴۰۵ قضاییه جلادان ارغوان فلاحتی، زندانی سیاسی هوادار مجاهدین را به اعدام محکوم کرد. این حکم در شعبه ۱۵ بیدادگاه ضدانقلاب تهران به ریاست قاضی جنایتکار صلواتی صادر شد. ارغوان فلاحتی، ۲۵ ساله، در تاریخ ۶ بهمن ۱۴۰۳ در شهر پرند دستگیر و به بند ۲۴۱ زندان اوین، که تحت کنترل حفاظت اطلاعات قضاییه جلادان است، منتقل شد. او حدود ۵ ماه در سلول انفرادی تحت بازجویی و شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روحی قرار داشت و پس از بمباران و تخلیه اوین به سلول انفرادی در زندان فشافویه (زندان تهران بزرگ) منتقل شد. وی هم‌اکنون در بند زنان زندان اوین محبوس است.

- در اول مرداد ۱۴۰۵ دبیرخانه شورای ملی مقاومت صدور حکم اعلام زندانی سیاسی امیرحسن اکبری منفرد ۲۳ ساله در زندان اوین را توسط قضاییه جلادان، به اتهام «بغی از طریق ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران» اعلام کرد. این حکم انتقام‌جویانه صرفاً به خاطر نسبت خانوادگی با فرشید اسدی در پرونده «آبدارچی» و هلاکت دژخیمان رازینی و مقیسه توسط شعبه ۱۵ بیدادگاه ضدانقلاب تهران به ریاست جلال صلواتی صادر شده است.

- در ۲ مرداد ۱۴۰۵ دبیرخانه شورا صدور حکم اعدام زندانی سیاسی عیسی چاری، کارگر ۳۷ ساله را به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران توسط قضاییه جلادان اعلام کرد. این حکم در شعبه ۲۳ بیدادگاه ضدانقلاب تهران توسط قاضی جنایتکار محمدمهدی شه‌میرزادی صادر شده است.

۶۰ - روز ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ رژیم خونریز آخوندی در وحشت از انفجار خشم مردم، در یک جنایت وحشیانه در آستانه نوروز، سه جوان شورشگر قیام دیمه به نامهای صالح محمدی ۱۹ ساله، قهرمان کشتی کشور، مهدی قاسمی و سعید داوودی را در ملأ عام در قم به دار آویخت. قضاییه جلادان اعلام کرد: سه محکوم اغتشاشات دی، صبح امروز پنج‌شنبه ۲۸ اسفند با حضور جمعی از مردم قم حلق آویز شدند. اتهام آنها «محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد در تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات منتهی به قتل عوامل نیروی انتظامی» و «تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور» ذکر شده است («میزان»، ۲۸ اسفند ۱۴۰۴). به نوشته میزان آنها در جریان قیام عباس اسدی و محمد قاسمی دو مامور نیروی انتظامی را مجازات کرده بودند.

- روز ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ شورشگر دلیر امیرحسین حاتم‌می ۱۸ ساله از جوانان قیام آفرین دیمه ۱۴۰۴ که توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شده بود، به اتهام محاربه سربدار شد. به نوشته خبرگزاری قضاییه رژیم، امیرحسین در قیام دی ماه «به همراه تعداد دیگری از آشوب‌گران به یکی از مکان‌های تهران تعرض کرده و از طریق انسداد خیابان و آتش‌سوزی‌های پراکنده ساختمان را محاصره می‌کنند. اوباش با بالا رفتن از دیوار و حصار تخریب شده وارد حیاط ساختمان می‌شوند» («میزان»، ۱۳ فروردین ۱۴۰۵).

اشاره قضاییه جلادان به تهاجم شورشگران به پایگاه ۱۸۵ بسیج سپاه پاسداران در خیابان دماوند در شرق تهران و به آتش کشیدن و مصادره بخشی از سلاحهای آن در شبانگاه ۱۸ دیمه ۱۴۰۴ است.

- روز ۱۶ فروردین ۱۴۰۵، شورشگران دلیر شاهین واحدپرست ۳۱ ساله و محمدامین بیگلری ۱۹ ساله سربدار شدند. علی فهیم عضو دبگر این پرونده روز ۱۷ فروردین سربدار شد. افراد این پرونده در ۱۸ بهمن در شعبه ۱۵ بیدادگاه ضد انقلاب تهران به ریاست دژخیم صلواتی به اعدام محکوم شدند. این حکم در شعبه ۹ دیوان عالی به ریاست دژخیم قاسم مزینانی تأیید شد. قضاییه جلادان اعلام کرد این افراد «ضمن تخریب و آتش زدن آن مکان، قصد ورود به اسلحه‌خانه را داشتند... علی فهیم اقدام به بیرون کشیدن موتورسیکلت‌های

موجود در حوزه کرده که توسط اغتشاشگران به آتش کشیده شدند... او در زمان حادثه تلفن به همراه نداشته است که نشانگر هوشیاری و توجه وی نسبت به حضور در صحنه‌های عملیاتی آشوب و اغتشاشات است» («میزان»، ۱۷ فروردین ۱۴۰۵).

- روز اول اردیبهشت ۱۴۰۵، شورشگر دلیر امیرعلی میرجعفری ۲۴ ساله، دانشجو و تکنسین کامپیوتر که در جریان قیام دی‌ماه در تهران دستگیر شده بود سربهدار شد. به گزارش قضاییه جلادان امیر علی «توسط سازمان اطلاعات سپاه شناسایی و دستگیر شد. وی به عنوان یکی از لیدرهای شبکه همکار دشمن، در تخریب اموال عمومی و اقدامات ضدامنیتی نقش مؤثری داشت» و به «حمل سلاح سرد، همراه داشتن مواد آتش‌زا و ایفای نقش سرکردگی، انسداد معابر با سوزاندن سطل‌های زباله و هدایت تجمعات ضدامنیتی» پرداخته است. به آتش کشیدن محل بسیجیان در مسجد قلعهک از دیگر اتهامات این شورشگر سربهدار است.

از ۲۲ متهم دیگر این پرونده «۸ نفر به حبس بیش از ۱۰ سال و ۱۴ نفر دیگر به حبس زیر ۱۰ سال، به همراه مجازات‌های تکمیلی محکوم شده‌اند» («میزان»، اول اردیبهشت ۱۴۰۵).

- روز ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵، شورشگر دلیر عرفان کیانی از فرزندان مردم اصفهان سربدار شد. اتهامات عرفان «نقش لیدری» در قیام دی‌ماه «تخریب اموال عمومی و خصوصی، ایجاد آتش‌سوزی، حمل و استفاده از کوکتل مولوتف، حمل سلاح سرد، مسدودکردن مسیر خودروها و حمله به مأموران»، ذکر شده است («میزان»، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵).

- روز ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، قضاییه جلادان عامر رامش ۲۲ ساله، زندانی سیاسی از هموطنان بلوچ را در زندان مرکزی زاهدان اعدام کرد. عامر از فرزندان مردم چابهار، در مهر ۱۴۰۳ در بخش پیرسهراب چابهار دستگیر شد و تحت شکنجه قرار گرفت. قضاییه جلادان اعلام کرد: «عامر رامش با عناوین اتهامی بغی از طریق بمب‌گذاری و اجرای کمین در مسیر نیروهای نظامی، عضویت در جیش‌العدل و عضویت در گروه جنبش دادخواهان بلوچ» در بیدادگاه ضدانقلاب زاهدان محکوم به اعدام شد.

- روز ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، رژیم ضدبشری آخوندی شورشگر دلیر ساسان آزادوار از فرزندان مردم اصفهان را، که در قیام دی‌ماه دستگیر شده بود سربهدار کرد. قضاییه جلادان اتهامات ساسان را «حمله به ماموران نیروی انتظامی با قصد مقابله با نظام، تخریب خودرو نیروی انتظامی، برهم زدن امنیت کشور و تشویق دیگران به اغتشاشات و آشوب با هدف براندازی نظام» برشمرد.

- روز ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵، جوان شورشی محراب عبدالله‌زاده ۲۸ ساله از هموطنان کرد به اتهام مشارکت در مجازات یک بسیجی جنایتکار در قیام ۱۴۰۱ به دست دژخیمان رژیم آخوندها در زندان ارومیه اعدام شد» («ایسنا»، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵).

- روز ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ دژخیمان سه شورشگر دلیر از فرزندان مردم مشهد: مهدی رسولی، محمدرضا میری و ابراهیم دولت‌آبادی را در زندان وکیل‌آباد اعدام کردند. قضاییه جلادان اتهامات آن‌ها را «لیدری و هدایت اغتشاشگران با هدف مقابله با نظام»، مشارکت در مجازات شماری از بسیجیان، «تهییج مردم در فضای مجازی برای شرکت در اغتشاشات» و «ساخت و همراه داشتن شمشیر دست‌ساز» ردیف کرد. مهدی رسولی، کارگر ۲۵ ساله و محمدرضا میری، کارگر ۲۱ ساله در هلاکت «نیروی حافظ امنیت حمیدرضا یوسفی‌نژاد، نقش مستقیم داشتند». ابراهیم دولت‌آبادی باعث کشته شدن «تعدادی از نیروهای حافظ امنیت شد» و «با حضور در بلوار طبرسی مشهد، اقدام به لیدری و هدایت اغتشاشگران به سمت استانداری و صدا و سیما جهت اقدامات مخربانه کرده است».

- روز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، عبدالجلیل شه‌بخش، زندانی سیاسی از هموطنان بلوچ به اتهام «بغی از طریق حمله مسلحانه به مقرهای انتظامی و عضویت در گروه انصارالفرقان» در زندان زاهدان سربدار شد. قضاییه جلادان اعلام کرد عبدالجلیل یکی از عناصر کلیدی تیمی بود که در قیام ۱۴۰۱ «با هدف انتقام‌جویی و ایجاد ناامنی، شناسایی مقرهای انتظامی را در دستور کار قرار داده بود».

- روز ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵، شورشگر دلیر محمد عباسی ۵۵ ساله، که در جریان قیام دی‌ماه در ملارد دستگیر شده بود، در زندان قزلحصار اعدام شد. اتهام وی شرکت «در تجمعات اغتشاشی و اقدامات ضدامنیت داخلی» و مشارکت در قتل سرهنگ جنایتکار شاهین دهقان در ۱۷ دی‌ماه در سرآسیاب ملارد اعلام شد.

- روز ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، قضاییه جلادان اعلام کرد رامین زله و کریم معروف‌پور دو زندانی سیاسی از هموطنان کرد در زندان مرکزی نرده اعدام شدند. رامین ۲ سال پیش و کریم ۵ سال پیش دستگیر شده بودند. اتهام این دو زندانی «ترور فرمانده پایگاه سپاه

یکی از شهرستان‌های غرب کشور و خالی کردن دو خشاب به سمت یک خودرو حامل نیروهای نظامی و فیلم‌برداری از این عملیات» ذکر شده است.

- روز ۴ خرداد ۱۴۰۵، عباس اکبری فیض آبادی از فرزندان مردم نایین به اتهام «محاربه، تخریب عمدی اموال عمومی به قصد مقابله با نظام و اخلال در نظم و امنیت، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور» و «حمله به فرمانداری شهرستان و مراکز تامین امنیت» در جریان قیام دی ماه اعدام شد.

- روز ۱۱ خرداد ۱۴۰۵، دژخیمان ۲ شورشگر دلیر مهرداد محمدی‌نیا و اشکان مالکی را تحت عنوان لیدرهای قیام در دی‌ماه ۱۴۰۴ سربهدار کردند. قضائیه جلادان اتهامات این جوانان را مشارکت در اقدامات عملیاتی برخلاف امنیت به قصد مقابله با نظام، آتش‌زدن مرکز بسیج در کوی نصر (گیشا) تهران و آتش‌زدن حوزه چهل و جنایت در این منطقه... ذکر کرده است. مسجد جعفری و بسیج مستقر در آن یکی از مراکز سرکوب در غرب تهران است و از ۲۰ سال پیش در تیول ابراهیم رئیسی جلاد ۶۷ بوده است.

- روز ۱۳ خرداد ۱۴۰۵، قضائیه رژیم از اعدام جنایتکارانه فتح‌الله آوری ۴۲ ساله که در ملارد دستگیر شده بود، خبرداد. خبرگزاریهای قضائیه و وزارت اطلاعات رژیم، اتهام فتح‌الله آوری را مجازات یک سرگرد نیروی سرکوبگر انتظامی به نام محمد جواد بخشیان در جریان قیام دیمه در همدان اعلام کردند («میزان» و «مهر»، ۱۳ خرداد ۱۴۰۵). سرگرد مزبور در سرکوب قیام در همدان نقش فعال داشت و در رویارویی با گروهی از معترضان به هلاکت رسید.

- روز ۲۶ خرداد ۱۴۰۵، دژخیمان رژیم، جواد زمانی و ابوالفضل ساعدی، دو شورشگر دلیر از جوانان شاهرود را تحت عنوان «لیدرهای مسلح» قیام دی‌ماه ۱۴۰۴ سربهدار کردند. آخوند جنایتکار محمدصادق اکبری، رئیس دادگستری استان سمنان، گفت این دو جوان به اتهام «محاربه و افساد فی الارض از طریق کشیدن سلاح گرم و سرد، مقابله با نظام، اخلال در نظم و امنیت، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت، شکستن تجهیزات و درب چند شعبه بانک، ایجاد آشوب و شورش در مقابل فرمانداری، واژگون کردن خودروی پلیس و مشارکت در آتش‌زدن آن» به اعدام محکوم شدند.

- روز ۲۴ تیر ۱۴۰۵، دژخیمان رژیم، عارف خوشکار، ۲۸ ساله، از زندانیان قیام ۱۴۰۱، را در زندان قزلحصار به اتهام هلاکت یک بسیجی، که در سرکوب تظاهركنندگان شرکت فعال داشت اعدام کردند. همزمان در اصفهان، محمد امینی دهقانی از دستگیرشدگان قیام دی‌ماه اعدام شد.

- روز، ۲۸ تیر ۱۴۰۵، دژخیمان رژیم، دو تن از زندانیان قیام دی‌ماه ۱۴۰۴ عرفان اسفندیاری ۱۸ ساله و گل محمد محمدی ۲۴ ساله (با اصالت افغانستانی) را در اصفهان به اتهام «محاربه» و «افساد فی الارض» و به هلاکت رساندن ۴ مأمور انتظامی، سربهدار کردند.

- روز ۶ مرداد ۱۴۰۵، قضائیه جلادان دو شورشگر به نامهای ابوالفضل سپاهی بادجانی ۲۴ ساله و امیرحسین صفری حسین‌آبادی ۲۷ ساله، را برای ایجاد فضای رعب و وحشت در ملأ عام در میدان علیخانی اصفهان به‌دار آویخت. نیروهای سرکوبگر رژیم برای کنترل صحنه و مقابله با اعتراض مردم، در خیابانها و پشت بامهای اطراف مستقر شده بودند. با این حال، مردم با سر دادن شعارهای «بی‌شرف، بی‌شرف» علیه این اقدام ددمنشانه اعتراض کردند. یکان ویژه ضدشورش با شلیک و رگبارهای هوایی و با شوکر و گاز اشک‌آور برای متفرق کردن جمعیت هجوم آورد.

خانم مریم رجوی در موضعگیریهای متعدد خود در قبال موج عدام‌های شقاوت‌بار جوانان برومند ایران‌زمین، تأکید کرد: هدف از این جنایات وحشیانه زهرچشم گرفتن از مردم و قیام آفرینانی است که در هرفرصتی برای سرنگونی فاشیسم دینی و رسیدن به آزادی و جمهوری دموکراتیک به‌پا خاستند. اما هیچ جنایتی نمی‌تواند این رژیم را از آتشفشان خشم خلق در امان نگه دارد.

خانم رجوی شورای امنیت ملل متحد و کشورهای عضو را به اقدامات فوری برای توقف ماشین اعدام و سرکوب آخوندها فراخواند. وی بار دیگر تکرار کرد احترام و پابندی به اصول جهان‌شمول حقوق بشر ایجاب می‌کند که سردمداران رژیم آخوندی به‌خاطر ۴۷ سال جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در برابر عدالت قرار گیرند.

۶۱ - سه‌شنبه‌های «نه به اعدام» در سومین سال، ادامه و گسترش یافت و به بیرون از زندان هم کشیده شد. این طولانی‌ترین شکل مقاومت در زندان‌های ایران به شمار می‌رود. این کارزار که در بهمن ۱۴۰۲ از سوی زندانیان سیاسی زندان قزلحصار آغاز شد، با استمرار هفتگی، سازمان‌یافتگی درون زندان‌ها و تأکید بر مخالفت با مجازات اعدام موفق شد از یک حرکت محدود در چند زندان به شبکه‌یی سراسری در دهها زندان تبدیل شود. زندانیان هر هفته با اعتصاب غذا و انتشار بیانیه‌یی مشترک به افشای وضعیت زندان‌ها، احکام صادرشده، تهدیدهای امنیتی و فشار علیه خانواده‌های زندانیان می‌پردازند.

این کارزار که در سه‌شنبه ۲۷ مرداد در هفته‌ی صد و سی و چهارم به ۶۰ زندان در سراسر کشور گسترش یافته، مستمراً تأکید می‌کند که حکومت با اعدام، تبعید، شکنجه، احضار خانواده‌ها و سرکوب فعالان در صدد است فضای وحشت را بر جامعه حاکم کند. آنها در نخستین بیانیه تأکید کردند که «اعدام نه راه عدالت بلکه ابزار هراس‌افکنی است». بر همین اساس، این کارزار توانست مبارزه با اعدام را به یک مطالبه عمومی و اجتماعی تبدیل کند.

همچنان که در بیانیه چهل و چهارمین سالگرد شورای ملی مقاومت آمده بود، دژخیمان در ۴ مرداد ۱۴۰۴ با حمله به زندان قزلحصار و اعدام مجاهدان سرفراز بهروز احسانی و مهدی حسنی در روز ۵ مرداد و پراکنده کردن و تبعید پاره‌یی از زندانیان تصور می‌کردند که بر کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام نقطه پایان گذاشته‌اند. مجاهدانی که در ماههای بعد سربهدار شدند نیز در استمرار این کارزار نقش بسزا داشتند، اما رژیم نتوانست پویایی و استمرار حرکت را متوقف کند و کارزار با قدرت هرچه بیشتر ادامه یافت و زندان‌های جدیدی هم به آن پیوستند و باز هم زندانهای دیگری افزوده می‌شود.

به این ترتیب هم اکنون کارزار بزرگ سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۶۰ زندان زیر جریان دارد:

زندان اوین (بندهای زنان و مردان)، زندان قزلحصار (واحدهای ۲ و ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان فردیس کرج، زندان تهران بزرگ، زندان قرچک، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اهر، زندان اراک، زندان لنگرود، زندان قم، زندان خرم‌آباد، زندان بروجرد، زندان یاسوج، زندان اسدآباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیپان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بندهای زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل آباد شیراز (بندهای زنان و مردان)، زندان فیروزآباد فارس، زندان دهدشت، زندان زاهدان (بندهای زنان و مردان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بزم، زندان یزد (بندهای زنان و مردان)، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مرکزی بیرجند، زندان مشهد، زندان گرگان، زندان سبزوار، زندان گنبدکاووس، زندان قائمشهر، زندان رشت (بندهای مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبیرم لاهیجان، زندان دیزل آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان مهاباد، زندان بوکان، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج، زندان کامیاران، زندان ایلام، زندان کرمان، زندان بروجن، زندان نیشابور و زندان گچساران.

همچنان که ملاحظه می‌شود گسترش جغرافیایی کارزار چشمگیر است و زندان‌های ۲۴ استان از ۳۱ استان کشور در آن شرکت دارند شامل تهران، البرز، قزوین، مرکزی، قم، لرستان، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، فارس، سیستان و بلوچستان، بوشهر، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، کرمانشاه، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی، گلستان، آذربایجان غربی، کردستان، کرمان، مازندران و یزد.

در این دوره، حضور بندهای زنان نقش برجسته‌یی داشت. از جمله بند زنان اوین، قرچک، سپیدار اهواز، عادل‌آباد شیراز، زاهدان در اعتصاب‌های هفتگی مشارکت دارند.

در سال گذشته به رغم تشدید سرکوب زندانیان، ۱۵۰۰ زندانی محکوم به اعدام در زندان قزلحصار دوبار دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب غذای اول زندانیان از ۲۱ تا ۲۷ مهر ۱۴۰۴ رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد و اعدام زندانیان مرتبط با مواد مخدر در این زندان متوقف شد که هنوز هم ادامه دارد.

در تیرماه ۱۴۰۵ وقتی رژیم مجدداً با انتقال ۶ تن از محکومان به اعدام در واحد ۲ زندان به سلولهای انفرادی تصمیم داشت اجرای احکام اعدام را از سر بگیرد، ۱۵۰۰ زندانی محکوم به اعدام از ۲۱ تیر بار دیگر دست به اعتصاب غذا زدند. روز ۶ مرداد پس از ۱۶ روز اعتصاب هیأتی از قضاییه جلادان و زندانبانان و جمعی از رؤسای بندها و عوامل سرکوبگر حراست برای جلوگیری از گسترش اعتصاب

در محل حضور یافتند و در جلسه‌یی با حضور نمایندگان زندانیان تلاش کردند با ایجاد تفرقه میان زندانیان، آنان را به پایان اعتصاب متقاعد کند. اما پایداری و اتحاد زندانیان، این تلاش را به شکست کشاند و دژخیمان ناگزیر متعهد شدند که تا اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اجرای احکام اعدام در این واحد متوقف شود و ۶ زندانی را که برای اجرای حکم به سلول‌های انفرادی منتقل کرده بودند به بندهای عمومی بازگردانند. همچنین آن‌ها متعهد شدند که پرونده همه محکومان به اعدام در این واحد در عرض شش ماه مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد.

در این دوره شاهد شکل‌گیری شبکه‌یی از همبستگی میان زندانیان، خانواده‌ها و بخش‌های وسیعی از جامعه بودیم. در بیرون از زندان نیز خانواده‌ها نقش روزافزون و تعیین‌کننده‌یی پیدا کردند. در بسیاری از هفته‌ها خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام مقابل مجلس، دادگستری‌ها، زندان‌ها و نهادهای حکومتی تجمع کردند و خواستار توقف اجرای احکام شدند. بیانیه‌های کارزار بارها از «خانواده‌های دادخواه» به عنوان ستون فقرات جنبش ضد اعدام یاد کرده‌اند.

روز ۲۰ شهریور ۱۴۰۴ جمع کثیری از مردم بر سر مزار شهید مهران بهرامیان، فرزند دلیر مردم سمیرم، در آرامستان اصفهان گرد آمدند و یاد او را گرامی داشتند. مهران بهرامیان زندانی قیام ۱۴۰۱ روز شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۴ در زندان دستگرد اصفهان اعدام شد. رژیم در وحشت از اعتراض‌های مردمی اجازه نداد پیکر این شهید در زادگاهش به خاک سپرده شود و ناگزیر او را در اصفهان دفن کردند. این در حالی بود که یکان‌های ویژه و نیروهای امنیتی با حضور گسترده و ایجاد جو رعب و وحشت می‌خواستند از تجمع مردم جلوگیری کنند. اما به رغم همه فشارها و محدودیت‌ها مردم یاد مهران را گرامی داشتند و تجمع کنندگان تأکید کردند مسیر مهران را تا رسیدن به آزادی ادامه خواهند داد.

در کرمانشاه، بازنشستگان در تجمعات خود شعار «ایران بدون اعدام» و «احکام گشت و اعدام نابود باید گردد» و «سفره ما خالیه جنگ افروزی کافیه»، سر دادند. در دانشگاه‌ها، در میان معلمان، دانشجویان، کارگران و بازنشستگان نیز شعار «نه به اعدام» وارد ادبیات اعتراضی شد.

در کرمانشاه، بازنشستگان در تجمعات خود شعار «ایران بدون اعدام» و «احکام گشت و اعدام نابود باید گردد» سر دادند. در دانشگاه‌ها، در میان معلمان، دانشجویان، کارگران و بازنشستگان نیز شعار «نه به اعدام» وارد ادبیات اعتراضی شد.

۶۲-واکنش نهادهای بین‌المللی - گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، مای ساتو، بارها نسبت به افزایش اعدام‌ها، شرایط زندان‌ها و نقض حق حیات هشدار داد. هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل به ریاست سارا حسین نیز در گزارش‌های خود به نقض گسترده حق زندگی، سرکوب معترضان و اعدام‌های فزاینده اشاره کرد.

هفتاد و دومین قطعنامه سازمان ملل ضمن اشاره به قتل عام زندانیان سیاسی در ۱۳۶۷، نسبت به روند فزاینده اعدام‌ها ابراز نگرانی کرد و عفو بین‌الملل نیز در این دوره بارها درباره برخی پرونده‌ها، از جمله انتقال زندانیان سیاسی، اعدام‌ها، قطع انگشتان زندانیان ارومیه و موج احکام اعدام موضع گرفت.

روز ۲۱ مرداد نماینده عالی اتحادیه اروپا و ۳۲ کشور طی بیانیه مشترکی اعدام معترضان در ایران را محکوم کردند. متن این اطلاعیه به شرح زیر است: «کانادا، آلبانی، اتریش، استرالیا، بلژیک، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، استونی، نماینده عالی اتحادیه اروپا، فنلاند، فرانسه، آلمان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مونته‌نگرو، هلند، نیوزیلند، مقدونیه شمالی، نروژ، پرتغال، رومانی، اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سوئد و بریتانیا، به شدیدترین وجه ممکن اعدام‌های جاری معترضان و استفاده از مجازات اعدام توسط جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنند.

استفاده از مجازات اعدام برای خاموش کردن مخالفت‌ها، ارعاب جوامع و مجازات افرادی که از حقوق بشر خود استفاده می‌کنند، هرگز قابل توجیه نیست. مردم ایران باید آزاد باشند که بدون ترس، حقوق خود در زمینه آزادی بیان و تجمع را اعمال کنند.

ما از ایران می‌خواهیم که فوراً استفاده از مجازات اعدام را متوقف کند و تمامی افرادی را که به‌طور خودسرانه بازداشت شده‌اند آزاد کند. همچنین از ایران می‌خواهیم که به صدای مردم که خواهان تغییر هستند گوش فرا دهد و گام‌های معناداری در جهت تضمین احترام به حقوق بشر بردارد»

در آبان ۱۴۰۴ (نوامبر ۲۰۲۵)، گروهی از ورزشکاران و چهره‌های شناخته‌شده ورزشی از کشورهای مختلف جهان با انتشار بیانیه‌ی مشترک، نسبت به خطر قریب‌الوقوع اعدام محمدجواد وفایی ثانی، قهرمان و مربی بوکس اهل مشهد، هشدار دادند. امضاکنندگان این بیانیه اعلام کردند که وفایی ثانی بیش از پنج سال را در زندان، تحت شرایط سخت از جمله انفرادی و شکنجه، گذرانده و به دلیل مشارکت در اعتراضات سال ۱۳۹۸ و حمایت از مجاهدین خلق با مجازات اعدام روبه‌رو شده است.

در این بیانیه تأکید شده که پرونده محمدجواد وفایی ثانی یک مورد استثنایی نیست، بلکه در امتداد روندی قرار دارد که طی آن شماری از ورزشکاران ایرانی مانند حبیب خبیری، کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران و نوید افکاری، کشتی‌گیر ایرانی، به دلیل عقاید سیاسی یا مشارکت در اعتراضات اعدام شده‌اند. این بیانیه از سازمان ملل متحد، فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی و دولت‌ها خواسته است برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام محمدجواد وفایی ثانی اقدام فوری انجام دهند. در میان امضاکنندگان، نام شماری از قهرمانان برجسته جهانی، از جمله مارتینا ناوراتیلوا، شارون دیویس کریگ فاستر دیده می‌شود.

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، سازمان «عدالت برای قربانیان قتل عام ۱۳۶۷ در ایران» نامه‌ی سرگشاده خطاب به آنتونیو گوترز، دبیرکل سازمان ملل متحد، منتشر کرد که به امضای ۳۲۰ تن از شخصیت‌های برجسته حقوقی، سیاسی، دانشگاهی و مدنی جهان رسیده است. این نامه نسبت به تشدید اعدام‌ها و سرکوب سیاسی در ایران هشدار داده و خواستار اقدام فوری جامعه بین‌المللی شده است.

در این نامه آمده است که از زمان آغاز درگیری‌های منطقه‌ی یی در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، رهبران رژیم با سوءاستفاده از شرایط بحرانی، موجی از بازداشت‌های گسترده، شکنجه، اعدام و محدودیت‌های ارتباطی را به اجرا گذاشته‌اند. ده‌ها زندانی سیاسی و معترض از مارس ۲۰۲۶ اعدام شده‌اند و گروه دیگری نیز با خطر اجرای حکم اعدام روبه‌رو هستند.

در میان امضاها نام رئیس پیشین شورای حقوق بشر سازمان ملل، رئیس پیشین دیوان کیفری بین‌المللی، رئیس پیشین مجمع عمومی سازمان ملل، رئیس پیشین شورای امنیت، گزارشگران ویژه سابق سازمان ملل، رؤسای پیشین دادگاه‌های قانون اساسی اروپا و ده‌ها قاضی و حقوقدان برجسته بین‌المللی دیده می‌شود.

روث دریفوس، رئیس‌جمهور پیشین سوئیس، ایروین کاتلر، وزیر دادگستری پیشین کانادا، چری بلر، جفری رابرتسون، بیانکا جگر، کری کندی و ده‌ها استاد دانشگاه‌های ییل، پرینستون، استنفورد، آکسفورد، برکلی و نهادهای معتبر حقوق بشری، و همچنین چندین برنده جایزه صلح نوبل، از جمله جودی ویلیامز، اولکساندرا ماتویچوک، اسکار آریاس سانچز، و شماری از برندگان نوبل در رشته‌های فیزیک، شیمی، پزشکی و اقتصاد، از امضاکنندگان این بیانیه هستند.

فصل هشتم

کنفرانسها و فعالیتهای سیاسی و بین‌المللی مقاومت

صلح و آزادی و راه حل سوم

۶۳ - فصل حاضر گزیده‌ی است از مهم‌ترین اقدامات بین‌المللی و تظاهرات و کنفرانسهایی که در یک سال گذشته در فاصله‌ی دو بیانیه‌ی شورا در مبارزه برای آزادی و استقلال ایران، بدون وقفه با تلاش خستگی‌ناپذیر نیروها و یاران مقاومت تداوم داشته است.

در ۱۲ ماه گذشته، کوشش شورای ملی مقاومت و نیروهای اجتماعی انقلاب دموکراتیک مردم ایران برای منزوی کردن رژیم ولایت‌فقیه در عرصه‌ی بین‌المللی و به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای سرنگونی رژیم و استقرار جمهوری دموکراتیک ابعاد کلانی داشت. صدها تظاهرات و آکسیون توسط هموطنانمان و صدها کنفرانس و سمینار در کشورهای مختلف جهان با شرکت نمایندگان پارلمان اروپا و

پارلمانهای کشوری در اروپا و کانادا و کشورهای عربی، اعضای مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، رهبران و شخصیت‌های بین‌المللی برگزار شد. ایرانیان آزادیخواه بارها اعلام کردند: «ما می‌خواهیم مردم ایران را در کانون توجهات قرار دهیم».

در یک‌سال گذشته خانم مریم رجوی بارها و به مناسبت‌های گوناگون، دولت‌ها و رهبران جهان را به شنیدن فریاد آزادیخواهی مردم ایران شامل موارد زیر فراخوانده است:

- به رسمیت شناختن مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم آخوندها و نبرد جوانان و کانونهای شورشی با سپاه پاسداران

- اقدام فوری و مؤثر شورای امنیت ملل متحد و کشورهای عضو برای ممانعت از اعدام زندانیان سیاسی و حمایت از کارزار سراسری نه به اعدام

- ارجاع پرونده نقض فاحش، گسترده و نظام‌مند حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد و تحت پیگرد و محاکمه قراردادن سران رژیم به‌خاطر جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در چهاردهه گذشته در یک دادگاه بین‌المللی یا در دادگاههای کشوری براساس اصل صلاحیت قضایی جهانی

- نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران و تعطیلی سفارت‌های رژیم و اخراج دیپلمات‌ها و مزدوران سپاه و وزارت اطلاعات

- قطع کامل شریانهای مالی رژیم آخوندی

- ایجاد تسهیلات فنی برای دستیابی مردم به اینترنت آزاد

- تضمین حقوق ساکنان اشرف ۳ در برابر توطئه‌ها و فشارهای رژیم ایران، بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و قانون بین‌المللی

در یک سال گذشته، با تغییر اوضاع و احوال و بارز شدن ضعف رژیم و نفرت جهانی از آن، به‌ویژه پس از قیام دی‌ماه و آن «کیسه‌های سیاه»، سرانجام در بهمن ۱۴۰۴ فراخوانها و کارزارهای چندده ساله مقاومت ایران برای گنجاندن سپاه پاسداران با اجماع ۲۷ کشور عضو در لیست تروریستی اتحادیه اروپا به نتیجه رسید. پنج ماه بعد در تیر ۱۴۰۵ دولت انگلستان هم سپاه پاسداران را در لیست سازمانهای ممنوعه تروریستی قرار داد. کارزارهای چند ده ساله مقاومت ایران بر کسی پوشیده نیست اما از قیام ۱۴۰۱ لیست‌گذاری سپاه به یک خواسته عمومی ایرانیان تبدیل شده بود. اما باز هم کشورهای بزرگ اروپایی در ادامه خط مماشات با رژیم، لیست‌گذاری سپاه را نمی‌پذیرفتند. ولی در بهمن ۱۴۰۴ و تیر ۱۴۰۵ تعادل پیشین با رژیم ایران بکلی درهم ریخت.

یادآوری می‌کنیم که اداره‌های حراست از قانون اساسی در آلمان اعم از اداره فدرال و ادارات ایالت‌های مختلف در گزارش سال ۲۰۲۵ خود که در سال ۲۰۲۶ منتشر شده است بار دیگر بر نقش سرویس‌های اطلاعاتی رژیم ایران علیه مخالفان بویژه شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران تأکید ورزیده‌اند. در گزارش سال اداره حراست ایالت هامبورگ آمده است که رژیم ایران «از سرویس‌های اطلاعاتی خود به عنوان ابزار حیاتی برای تضمین قدرت رهبری مذهبی و سیاسی خود استفاده می‌کند. بنابراین، تمرکز سرویس‌های اطلاعاتی ایران روی جاسوسی و مبارزه با گروه‌ها و افراد مخالف در داخل و خارج از کشور است... تمرکز اصلی وزارت اطلاعات در فعالیت‌های اطلاعاتی خود در خارج از کشور روی سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران است. هدف شورای ملی مقاومت ایران سرنگونی دولت مذهبی ایران است».

در خصوص شناسایی حق مردم ایران برای نبرد آزادیبخش در برابر استبداد دینی، کتاب «یک پرونده زیبا؟ نه یک هدف متعالی، تاریخچه مبارزه حقوقی مقاومت ایران» نوشته ژان پیر اسپیتزر حقوقدان فرانسوی سندی گویاست.

در این کتاب، که در ۱۹۵ صفحه و ۴ بخش در تابستان ۱۴۰۵ منتشر شد، اسپیتزر داستان مبارزه ۹ ساله حقوقی و سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران برای ابطال برچسب ارتجاعی - استعماری و پیروزی مجاهدین در این پرونده را «پیروزی حکومت قانون بر حقوق حکومت» توصیف می‌کند.

ژان پیر اسپیتزر، مشاور در کابینه رولاند دوما وزیر خارجه فرانسه و نماینده شخصی موریس فور وزیر دادگستری در دهه ۱۹۸۰ میلادی، پس از لیست‌گذاری ناعادلانه مجاهدین خلق ایران توسط اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ که براساس درخواست رژیم آخوندها صورت گرفت، وکالت این سازمان را به‌عهده گرفت و در یک مبارزه خستگی‌ناپذیر به همراه لرد گوردون اسلین، قاضی پیشین دادگاه اتحادیه

اروپا و دیوید وون، وکیل سرشناس انگلستان با رتبه «مشاور ملکه» نقش بسزایی در حذف نام مجاهدین از این لیست ایفا کرد. او چهار بار در برابر قضاات دیوان عدالت اروپا در لوکزامبورگ برچسب تروریستی علیه مجاهدین را به چالش کشید. ژان پیر اسپیتزر این چهار مرحله و همه مشکلات و موانع آن را در چهار فصل این کتاب توضیح می‌دهد. هر چهار دادگاه به نفع مجاهدین رأی دادند، اما او تشریح می‌کند که چگونه اتحادیه اروپا به‌خاطر «منافع» اقتصادی یا سیاسی و دیپلماتیک درصدد نادیده‌گرفتن احکام دادگاه برآمد. در سومین و مهمترین حکم، دادگاه بدون هیچ ابهامی و با قاطعیت به حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی حکم داد و شورای وزیران اتحادیه اروپا ناگزیر در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ با حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی، این لیست را بدون نام مجاهدین منتشر کرد.

اسپیتزر در مورد حکم ۴ دسامبر ۲۰۰۸ دادگاه لوکزامبورگ از جمله می‌نویسد:

«گفتن این‌که ما در ۴ دسامبر ۲۰۰۸ سرخوش هستیم، کم لطفی است. ما هنوز نمی‌توانیم باور کنیم که توانسته‌ایم همه ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و به ویژه سرسخت‌ترین‌ها - فرانسه و انگلیس - را شکست دهیم. این یک پیروزی معمولی نیست، بلکه پیروزی با ناکاوت است. کاملاً مطلق! یک پیروزی که نه شورای اتحادیه اروپا، نه کمیسیون، و نه انگلیس به آن اعتراض نکردند. تنها فرانسه درخواست تجدیدنظر داد. همان‌طور که هنگام ترک دادگاه گفتم، این زیبا و بزرگ است چون نه تنها علیه همه مقامات اجرایی اتحادیه اروپا به‌دست آمد، بلکه شعار "عقل دولت باید تابع حاکمیت قانون باشد" را تحمیل کرد.

دولت فرانسه که حمله ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ به اور سوراوز و دستگیری خانم رجوی و بسیاری از اعضای مجاهدین را به‌درخواست رژیم ایران و به بهانه وجود نام مجاهدین در لیست تروریستی سازمان داده بود، از حکم دسامبر ۲۰۰۸ استیناف خواست و سه سال بعد در سال ۲۰۱۱ دادگاه لوکزامبورگ با ۱۳ قاضی تشکیل شد و ژان پیر اسپیتزر و دیوید وون شجاعانه به دفاع برخاستند. بالاخره دادگاه در حکم ۲۱ دسامبر خود درخواست استیناف فرانسه را رد کرد و حکم دسامبر ۲۰۰۸ دادگاه لوکزامبورگ را تأیید کرد».

اسپیتزر در قسمت پایانی کتاب خود می‌نویسد: «در جشن آخرین پیروزی که بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و حقوقدانان برجسته در آن حضور داشتند، خطاب به خانم رجوی گفتم: اکنون باید در نبردی که دلیل وجودی شماست، پیروز شوید و ملاها و نوچه‌هایشان را بیرون کنید. آرزوهای ما در جستجوی ایران دموکراتیک و آزاد همراه شماست. حمایت ما از آن شماست. در این راستا، بر عهده اروپاییهایی است که به لطف نظام قضایی خود گامی برداشته‌اند تا گام بعدی را با حمایت از شورای ملی مقاومت و رئیس‌جمهور منتخب آن خانم رجوی بردارند».

اسپیتزر می‌افزاید: «این مضحک است که نوادگان کسانی که اعلامیه جهانی حقوق بشر را نوشتند، به‌جای حمایت از سازمانی که با بدترین دیکتاتوری دینی و تروریستی مبارزه می‌کند، آن را تروریست بنامند. امروز من بار دیگر فرمولی را که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ در برابر قضاات دادگاه اتحادیه اروپا به‌کار بردم، خطاب به رهبران اروپایی تکرار می‌کنم: "نترسید" من شما را به حمایت از مقاومت ایران علیه رژیم ملاها فرا می‌خوانم.

ماجرای لیست‌گذاری مجاهدین گواهی است بر بی‌عدالتی‌یی که مجاهدین متحمل شدند. آنها این خوش‌شانسی تاریخی را نداشتند که چرچیلی در کار باشد که گوشش به خواسته‌های دولت وقت فرانسه (دولت دست‌نشانده هیتلر) که ژنرال دوگل را به جرم تروریسم به اعدام محکوم کرده بود، بسته باشد. چرچیل در سال ۱۹۴۰ به "دلایل دولتی" علیه دوگل استناد نکرد، به عکس، او از مبارزان مقاومت ضد فاشیستی فرانسه حمایت کرد.

امروز نیز کسانی که برای توجیه عدم حمایت از مقاومت ایران با صدای پایین و با کنایه به مجاهدین انتقاد می‌کنند، نمی‌خواهند ببینند یا بشنوند. اینها صداهای شرم‌آور است؛ صداهایی که کاملاً مخالف صدای هزاران نماینده پارلمان است که از مبارزه مجاهدین حمایت می‌کنند؛ صداهایی که کاملاً مخالف نظرات کارشناسی دهها استاد و حقوقدان بزرگ در مورد این مقاومت است. اینها صدای کسانی هستند که نمی‌توانند بخوانند. زیرا طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی برای ایران آزاد فردا هم‌تراز برنامه شورای ملی مقاومت فرانسه در سال ۱۹۴۴ است.

من باید آرزویی را مطرح کنم؛ آرزوی برقراری حاکمیت قانون در کشور بزرگ ایران، یعنی پیروزی مبارزه‌یی که مقاومت با هدایت خانم رجوی به پیش می‌برد؛ رویای ایران آزاد و دموکراتیک. همان‌طور که آندره مالرو می‌گوید، «رؤیاهای بزرگ انسانها را به اقدامات بزرگ سوق می‌دهند». این وظیفه ماست که به آنها کمک کنیم».

۶۴- تظاهرات ایران آزاد در بروکسل روز شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۴ به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران، با حضور دهها هزار ایرانی از کشورهای مختلف اروپا و شخصیت‌های برجسته بین‌المللی از جمله مایک پنس، گی فرهوفشتاد، جان برکو، پاتریک کندی و پروفیسور آخو ویدال کوادراس برگزار شد.

خانم رجوی در سخنرانی خود گفت ۶۰ سال از روزی که سازمان مجاهدین خلق ایران تأسیس شد، گذشت؛ ۶۰ سال، بدون یک‌روز و یک ساعت توقف. باورکردنش مشکل است اما عین حقیقت است. به‌همین خاطر، مجاهدین امروز ۶۰ شمع فروزان و خاموشی‌ناپذیر روشن می‌کنند. نسل صدهزاران، نسل بی‌شماران از اتاقهای شکنجه و جوخه‌های تیرباران و چوبه‌های دار سرفرازانه عبور کرد و مجاهدین در این ۶۰ سال بارها و بارها از خاکستر خود برخاستند و ماندگار شدند. به‌خصوص در مقابل برچسب‌های ناچسب و شیطان‌سازی‌های بی‌حد و مرز. تا امروز که مجاهدین به‌عنوان یک عضو شورای ملی مقاومت و در چارچوب شورای ملی مقاومت، تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل را فرا راه ۱۲۰ سال مبارزات مردم ایران برای آزادی قرار داده‌اند. اگر آن کودتای سیاه علیه دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نبود و اگر بازگرداندن شاه به ایران نبود، خمینی هرگز به قدرت نمی‌رسید و سرنوشت ایران و منطقه به کلی متفاوت بود.

ارزش مجاهدین در این است که ۶۰ سال در زیر بالاترین فشارها، استقلال سیاسی و مالی خود را حفظ کرده‌اند. آنها برای خود چیزی نمی‌خواهند. در پی کسب قدرت نیستند. در پی آزادی و انتقال حاکمیت به جمهور مردم ایرانند و این بزرگترین «جرم»! این مقاومت است.

خمینی ۳۷ سال پیش به کشتن همه مجاهدین «سرموضع» فتوا داد. امروز هم خامنه‌ای دوباره دادگاه‌هایش را برای دادن حکم اعدام به مجاهدین به‌راه انداخته است. درباره دادگاه ۱۰۴ نفر و محاکمه آنها از جمله خود من، به‌خاطر بغی و محاربه، به آخوندها می‌گوییم: بیدارگهتان علیه مجاهدین را به‌جای هر دو هفته یک بار، هر روز برگزار کنید. چرا که جرم‌های مجاهدین در مقابله با رژیم آخوندی بی‌شمار است! جرمشان این است که به قانون اساسی ولایت‌فقیه قاطعانه نه گفتند. دین‌فروشی تحت نام اسلام را افشا کردند. شعار فتح قدس از طریق کربلا را به رسوایی کشیدند. در جنگ ضدمیهنی خمینی با عراق، پرچم صلح و آزادی برافراشتند و ماشین جنگی خمینی را شکست دادند، با افشای مستمر برنامه بمب‌سازی اتمی، نگذاشتند فاشیسم دینی به بمب اتمی دست پیدا کند. ارتش آزادیبخش و قانون‌شورشی برپا کردند. برنظام آخوندسالار و مردسالار شوریدند و پرچم دفاع از برابری زن و مرد و فراتر از آن، قرارگرفتن زنان در کلیدی‌ترین مواضع رهبری‌کننده را برافراشتند. در سال ۵۷، بعد از آزادی از زندان شاه، مسعود در اولین سخنرانی خود اعلام کرد: ما خواهان «انقلاب دموکراتیک» هستیم. امروز نیز ما همین را می‌خواهیم و بس؛ انقلاب دموکراتیک، جمهوری دموکراتیک و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک.

از جانب مردم و مقاومت ایران اعلام می‌کنم: پاسخ مسأله ایران، سرنگونی تمامیت دیکتاتوری دینی است. مردم ایران بیش از همیشه آماده‌اند. جامعه در وضعیت انفجاری است و راه‌حل، فقط راه‌حل سوم است. یعنی نه مماشات و نه جنگ. بلکه تغییر رژیم به‌دست مردم و مقاومت سازمانیافته آنها. خطاب به جهان غرب، تأکید می‌کنم آقایان! بیش از این در نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران و اعمال قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد پروژه‌های اتمی رژیم تعلل نکنید. بیش از این در به‌رسمیت شناختن حق مقاومت کانونهای شورشی در برابر پاسداران تعلل نکنید. زمان دادن به این رژیم، بار دیگر جنگ را به ارمغان می‌آورد.

مایک پنس در سخنرانی خود در تظاهرات بروکسل گفت: من افتخار می‌کنم که امروز در کنار شما بایستم و بگویم: زمان آزادی ایران فرارسیده است. سپاسگزارم از ایستادگی و شجاعت شما. ما در این گرده‌مایی ایران آزاد جمع شده‌ایم تا یک نقطه عطف با اهمیتی خارق‌العاده را در تاریخ ایران گرامی بداریم. ۶۰ سال پیش، جنبشی در اعماق قلب مردم ایران متولد شد. جنبشی که دیکتاتوری شاه و

سپس سببیت وصف‌ناپذیر استبداد دینی را تاب آورد. جنبشی مستقل که امروز، از نگاه من و در برابر دیدگان جهان، از هر زمان دیگر بزرگتر، نیرومندتر، الهام‌بخش‌تر و پرقدتر است. جنبشی توقف‌ناپذیر برای آزادی به‌نام سازمان مجاهدین خلق ایران. به خانم مریم رجوی، از طرف مردم آزادیخواه سراسر جهان، می‌گویم: سپاس، سپاس به‌خاطر شجاعت شما، به‌خاطر رهبری پایدار شما. شما به بی‌صدایان صدا دادید، به ستم‌دیدگان شجاعت بخشیدید و به میلیون‌ها نفری که رویای ایران آزاد و دموکراتیک را در سر دارند، امید دادید.

به دوستانم که این‌جا در بروکسل گردهم آمده‌اند و به آنانی که در سراسر جهان گوش می‌دهند، به‌ویژه در روستاهای ایران، به‌صورت پنهان و با خطرپذیری شخصی بزرگ، پیام ساده‌یی دارم: شما تنها نیستید. شما فراموش نشده‌اید. روز آزادی‌تان از هر زمان دیگر نزدیک‌تر است. حتی یک لحظه شک نکنید که مردم آمریکا و میلیون‌ها نفر دیگر در سراسر جهان آزاد با شما هستند. ما از هدف شما برای برپایی یک ایران دموکراتیک، با جدایی دین و دولت و غیراتمی حمایت می‌کنیم و تا رسیدن آن روز در کنار شما خواهیم ایستاد.

البته، آخوندها بدون نبرد کنار نخواهند رفت. آنها با سببیتی از روی استیصال که قبلاً هم دیده‌اید به قدرت می‌چسبند. بسیاری از شما به‌طور دست اول از آن آگاه هستید. آنها هر کسی که قدرتشان را تهدید کند، زندانی می‌کنند، شکنجه می‌دهند و می‌کشند. آنها همان‌طور که در گذشته کردند، اقیانوسی از خون خواهند ریخت. همان‌طور که در سال ۱۳۶۷ ۳۰ هزار زندانی سیاسی را قتل‌عام کردند. این قتل‌ها تا به امروز ادامه دارد. به‌تازگی دو تن از اعضای مجاهدین به‌ناحق محکوم و اعدام شدند و همین حالا که صحبت می‌کنیم، ۱۴ ایرانی بی‌گناه دیگر به‌اتهام هواداری از مجاهدین در صف اعدام قرار دارند. دعا‌های ما همراه آنان و خانواده‌هایشان است.

هدف رژیم روشن است: نابود کردن مقاومت سازمانیافته و خفه کردن امکان قیام برای آزادی. اما در این مسیر، آخوندها عمیق‌ترین ترس خود را آشکار کرده‌اند: دشمن واقعی این رژیم نه در آمریکا یا غرب است، نه در اسرائیل یا هیچ کشور دیگر. بزرگترین تهدید برای این رژیم خود مردم ایران هستند. و من این‌جا در بروکسل می‌گویم: ما در برابر این رژیم شرور سکوت نخواهیم کرد. ما خواهیم ایستاد. ما سخن خواهیم گفت و با تمام توان از مقاومت حمایت خواهیم کرد. به یاری خدا.

من از صمیم قلب باور دارم که آخوندها شکست خواهند خورد. آنها شکست می‌خورند چون مردم ایران مقاومتی آزموده، سازمانیافته و اثبات‌شده دارند. مقاومتی که سلول‌های زندان، جوخه‌های اعدام و طناب‌های دار را تاب آورده و با این حال هر روز قوی‌تر شده است. این مقاومت همان شورای ملی مقاومت ایران است. امروز در سراسر ایران، جوانان در کانون‌های شورشی جان خود را به خطر می‌اندازند تا شعله آزادی را زنده نگه دارند. کانون‌های شورشی در داخل ایران ایران قلب تپنده امید برای مردم و الهام‌بخش جهانند.

می‌دانم که از طرف دهها میلیون آمریکایی سخن می‌گویم وقتی می‌گویم: مردم آمریکا به‌طور قاطع و بدون تردید در کنار مردم ایران و مقاومت آنها برای آزادی ایستاده‌اند. حکومت تهران از مقاومت بیش از هر قدرت خارجی می‌ترسد. به‌همین دلیل است که رژیم، خانم رجوی و دیگر رهبران را در دادگاه‌های غیابی محاکمه می‌کند تا نسل بعدی را بترساند. اما این ارباب شکست‌خورده است. مردم ایران دیگر نمی‌ترسند و شجاعتشان، ندای ما را در سراسر جهان که به آزادی باور داریم فرامی‌خواند.

یکی از بزرگترین دروغ‌هایی که رژیم گفته این است که هیچ آلترناتیوی وجود ندارد و تنها راه، بازگشت به دیکتاتوری است. ولی ما حقیقت را می‌دانیم: یک آلترناتیو وجود دارد. همین امروز این آلترناتیو در برابر ما ایستاده است. من با چشم خود آن‌را می‌بینم. این آلترناتیو سازمانیافته است. در جان مردم ایران ریشه دارد. متعهد به دموکراسی، حقوق‌بشر و برابری است. و این آلترناتیو همان شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق است. من این آلترناتیو را همین امروز در بروکسل می‌بینم. هم‌سرم و من در اشرف ۳ در آلبانی بوده‌ایم. در میان مجاهدین بازمانده (از قتل‌عام) این رژیم قدم زده‌ایم. چهره‌های کسانی که دیده‌ایم که عزیزانشان را تحت شکنجه و اعدام از دست داده‌اند. خودم آن کتاب سرخ را دیده‌ام که نام و عکس هزاران دختر و پسر، پیر و جوان، اعدام‌شدگان به دست این رژیم در آن ثبت شده است. آنچه برای من و همه آزادیخواهان جهان روشن است این است که این جنبش آماده است ایران را به آزادی و دموکراسی برساند.

سپاسگزارم از برنامه ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی و چشم‌انداز آن برای یک ایران آزاد و دموکراتیک. این برنامه همان ارزش‌هایی را در بر دارد که مردم کشور من از زمان تأسیس ایالات متحده، نزدیک به ۲۵۰ سال پیش، گرامی داشته‌اند: آزادی فردی، دموکراسی، آزادی مذهب

برای همه ادیان، آزادی بیان و مطبوعات، قوه قضاییه مستقل و پایان دادن به حاکمیت مطلقه دینی، یک بار برای همیشه. امید و دعای من این است که همین امروز که شما در بروکسل گردهم آمده‌اید، دوستان ما در اروپا صدای دهها هزار نفری را که این‌جا جمع شده‌اند بشنوند. زمان تردید گذشته است. زمان عمل فرا رسیده. لحظه را دریابید. متحدان ما در اروپا، وقت آن است که دوباره تحریمهای فلج‌کننده را علیه این رژیم اعمال کنید و آشکارا در کنار مردم ایران و آرمانهایشان برای آزادی بایستید.

۶۵-گی فرهوفشتاد، نخست وزیر پیشین بلژیک، در تظاهرات بروکسل گفت: این حضور گسترده و عظیم ایرانیان خارج کشور نشانه آن است که یک آلترناتیو دموکراتیک در برابر رژیم شرور، ظالم و جنایتکار آخوندها در ایران وجود دارد. ایران تحت حاکمیت آخوندها رکورددار جهانی در اعدام است. پیامی که امروز می‌خواهم به شما و جامعه بین‌المللی بدهم این است که بقای رژیم آخوندها و ادامه جنایاتش، اثبات شکست استراتژی مماشاتی است که جامعه جهانی، غرب و به‌ویژه اروپا تاکنون دنبال کرده‌اند. در واقع، استراتژی مماشات- مذاکره با آخوندها بر سر همه چیز از جمله سلاح هسته‌یی- ثابت کرده که اوضاع در ایران بدتر شده است. این استراتژی قبل از هر چیز شرایط را برای مردم ایران که سالهاست زیر یوغ این رژیم رنج می‌برند، بدتر کرده است. این استراتژی اوضاع منطقه را وخیم‌تر کرده است، زیرا رژیم آخوندها پشت تمامی بحرانهای یک سال اخیر در خاورمیانه است. این سیاست ثبات جهان را نیز به‌خطر انداخته است و در نهایت، استراتژی مماشات، تهدید هسته‌یی رژیم ایران را از بین نبرده، زیرا رژیم آخوندها هیچ‌گاه به توافق‌های بازدارندگی هسته‌یی پایبند نبوده است. بنابراین جامعه جهانی و به‌ویژه اروپا نیازمند یک استراتژی جدید هستند. استراتژی تعامل مثبت با مردم ایران، با اپوزیسیون دموکراتیک و با مقاومت سازمانیافته. این استراتژی باید بر سه پایه اساسی بنا شود: اول، سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی شناخته شود، همین فردا.

دوم، تحریمها علیه سران حکومت افزایش یابد؛ به‌ویژه سپاه پاسداران و بخشهایی که ستون فقرات رژیم هستند؛ مانند بانکها و بخش نفت.

سوم، مهمترین عنصر این استراتژی جدید باید آغاز گفتگوی ساختاری با اپوزیسیون دموکراتیک باشد براساس برنامه ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی.

ما در غرب و اروپا، باید دست از این حرف برداریم که آلترناتیوی برای آخوندها وجود ندارد. حضور گسترده شما در اینجا، خلاف آن را اثبات می‌کند. شما آلترناتیو آخوندها در تهران هستید. پس بیایید از اینجا آغاز کنیم. بیایید از این گردهمایی باشکوه در بروکسل شروع کنیم برای یک ایران آزاد و دموکراتیک.

پاتریک کندی گفت: می‌خواهم درود ویژه‌یی بفرستم به دوستانم در اشرف ۳. از شما سپاسگزارم برای گواهی شخصی‌تان در راه آزادی. شما با شجاعت‌تان، نبردی شگفت‌انگیز را به‌خاطر همه ایرانیان در اشرف ۱، اشرف ۲ و اشرف ۳ پیش بردید. امروز می‌خواهم همراه شما شصتمین سالگرد مجاهدین خلق را جشن بگیرم. در این سالیان، مجاهدین شکنجه شده‌اند، زندانی شده‌اند و به‌قتل رسیده‌اند. اما آیا این مجاهدین را متوقف کرده است؟ خیر، هرگز. مجاهدین خلق ایران قدرت واقعی را در اختیار دارند. آنها قدرت ایستادن در برابر تفنگها، گلوله‌ها، بمبها و چوبه‌های دار را دارند. هیچ قدرتی بزرگتر از قدرت روح انسانی برای ایستادن در برابر چنین نیروهای سرکوبگری نیست. پس بیایید به یاد بیاوریم که مجاهدین خلق در برابر ساواک شاه ایستادند. در برابر تروریستهای مخفی آخوندها نیز ایستادند، چه در داخل ایران و چه در سراسر جهان. اما امروز، مجاهدین تنها نماد مخالفت با شاه و دیکتاتوری نیستند، تنها نماد مخالفت با ملاها و استبداد دینی هم نیستند. امروز، آنها نماد امید برای آینده‌یی روشن‌تر در ایران آزادند؛ آینده‌یی که در رهبری خانم مریم رجوی و شورای ملی مقاومت ایران تجسم یافته است.

می‌خواهم از همکاران اروپایی‌ام سپاسگزاری کنم که در این‌جا حضور دارند تا بگویند: مماشات کافی است. مماشات هرگز امنیت نمی‌آورد؛ مماشات فقط به فاشیسم اجازه می‌دهد که ادامه یابد. بنابراین ما باید تحریمها را دوجندان کنیم. باید مطمئن شویم که سپاه پاسداران مورد حسابرسی قرار می‌گیرد. ما، مردم آزاد در سراسر جهان، باید در برابر سرکوب آخوندها در ایران متحد شویم.

امروز شما مرا می‌بینید، معاون رئیس‌جمهور، پنس را می‌بینید، رئیس مجلس (برکو) و نخست‌وزیر (فرهوفشتاد) را می‌بینید و مردمانی از گوشه و کنار جهان را می‌بینید. آیا شگفت‌انگیز نیست که امروز این‌جا در کنار دوست بزرگمان، آخو ویدال کوادراس، شهید زنده این جنبش هستیم.

۶۶-پروفسور آخو ویدال کوادراس، سخنران دیگر تظاهرات بروکسل خطاب به انبوه جمعیت گفت: آینده ایران یک رویا نیست. آینده ایران همین امروز در برابر ما ایستاده است. شما که شجاع و متعهدید، شما تجسم زنده اراده مردم ایران برای تغییر هستید. شما حاشیه‌یی نیستید، شما دسته‌یی کوچک نیستید، شما یک گروهک نیستید. شما صدای میلیون‌ها ایرانی هستید. شما ضربان قلب یک ملتید. خانم مریم رجوی گرامی، شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران تنها نیستند. شما واقعیت ایران امروز را نمایندگی می‌کنید. خانواده‌ها، همسایگان، هم‌میهنان شما، همان آینده‌یی را آرزو می‌کنند که شما با فداکاری در حال ساختن آن هستید. ایران سرزمینی است خفه‌شده در استبداد و حضور شما در این‌جا یک همه‌پرسی زنده است. ندایی رعدآسا برای چشم‌انداز دموکراتیکی که در برنامه ۱۰ ماده‌یی بیان شده است.

چه رقت‌انگیزند کسانی که رویای کشاندن ایران به گذشته‌یی شکست‌خورده را در سر دارند. اکثریت عظیم ایرانیان نمی‌خواهند یک رژیم جنایتکار، فاسد و تروریست را با یک دیکتاتوری سلطنتی جایگزین کنند که چیزی جز جاه‌طلبی خودخواهانه برای جامعه ایران ندارد. من دیده‌ام، من کانونهای شورشی داخل ایران را دیده‌ام؛ بی‌باک و چالشگر که شصت‌مین سالگرد مجاهدین را با آتش، اراده و ایمان گرامی داشتند. به من بگویید، آیا جنبش دیگری هست که چنین شجاعتی در هسته خود شعله‌ور داشته باشد؟

دوستان عزیز، اگر از حمله بزدلانه و سبانه آخوندها جان سالم به‌در بردم، برای این بود که امروز با شور و تعهدی بیشتر از هر زمان دیگر در کنار شما بایستم. بله، دوستانم، من به شما تعهد می‌دهم که به‌عنوان یک سرباز سرافراز در صفوف شما، زیر پرچم شما و به رهبری رئیس‌جمهور، مریم رجوی، تا رسیدن به ایران آزاد باقی بمانم. و بگذارید سخنم را با پیامی خطاب به این مشت از جنایتکاران که مردم ایران را سرکوب می‌کنند، به پایان برسانم؛ آخوندها باید بدانند که می‌توانند ما را بکشند، شکنجه کنند، زندانی کنند، اما باید بدانند که ما هرگز، هرگز، هرگز تسلیم نخواهیم شد.

جان برکو، رئیس سابق مجلس عوام انگلستان گفت: آنچه امروز در تهران شاهدیم، سرکوب است، اما سرکوب نه نشانه قدرت، بلکه نشانه ضعف است. تصور این که برای دیکتاتوری آخوندها هیچ آلترناتیوی وجود ندارد، توهینی نفرت‌انگیز و نابخشودنی به مردم ایران است... آلترناتیو، مماشات با رژیم نیست. آلترناتیو، جنگ خارجی هم نیست. آلترناتیو، انتخاب آزادی است... منظور ما نوعی شاه‌بچه نیست... منظور ما کسی نیست که دهه‌ها بر سفره چپاول نشسته و حالا در لباس یک شاهزاده خوشگذران در آن سوی آبها، با سخاوتمندی ظاهری به نجات مردم ایران آمده باشد...

شورای ملی مقاومت ایران و کانونهای شورشی مجاهدین از هر زمان دیگر بزرگتر، فعالتر و گسترده‌تر در میان جامعه هستند. در رأس رهبری مقاومت دموکراتیک، خانم رجوی قرار دارد؛ کسی که تمام زندگی خود را نه صرف ثروت‌اندوزی، بلکه وقف آرمان ایران آزاد کرده است... تا زمانی که نفس در سینه دارم، از آرمان آزادی ایران حمایت خواهم کرد و چشم به روزی دارم که، خانم رجوی! با اجازه شما، بتوانم در تهران، همراه دیگر شخصیت‌های برجسته، پیروزی دموکراتیک شما را مورد ستایش و قدردانی قرار بدهم و جشن بگیرم.

کریس وان دیک، نماینده پارلمان اروپا از بلژیک گفت: شما در ایران، در سرزمینی مبارزه می‌کنید که یکی از نخستین تمدنهای بشری بوده و امروز به‌دست نیروهای تاریکی اشغال شده که مدعی هستند به نام خدا عمل می‌کنند. در حالی که آن‌چه آنان می‌گویند درست در نقطه مقابل چیزی است که ما به آن باور داریم؛ چرا که خدای واقعی، خدای صلح، آزادی و برابری است. هر جایی که مردم شجاعت مبارزه برای حقوق بنیادین بشر، آزادی بیان، انتخابات آزاد، برابری بین زن و مرد و آزادی دین را داشته باشند، من در کنار آنها می‌ایستم. به این دلیل این‌جا هستم. قدرت واقعی، همان‌طور که من به خانم رجوی در استراسبورگ گفتم، شما هستید؛ مردم متحد ایران، هیچ نیرویی قوی‌تر از اراده مردم نیست. رویای من، رویای شماست: یک ایران آزاد که در آن حقوق بنیادین بشر محترم شمرده شود و ما بتوانیم با هم دنیایی بهتر بسازیم. من در کنار شما هستم.

بیش از ۳۰۰ گروه پارلمانی همراه با نخست‌وزیران و وزیران پیشین، نمایندگان پارلمانها، شهرداران، حقوقدانان و وکلا در بیانیه مشترکی که قبل از تظاهرات بروکسل صادر شد، پشتیبانی خود را از این تظاهرات و راه‌حل سوم - نه مماشات، نه جنگ خارجی، تغییر به دست مردم و مقاومت سازمانیافته - اعلام کردند.

امضاکندگان با تأکید بر آزادی بیان، برابری زن و مرد، جدایی دین از دولت، لغو اعدام که در برنامه ۱۰ ماده‌یی مریم رجوی آمده از خواسته‌های مردم و مقاومت ایران حمایت کردند و خواستار محکومیت نقض حقوق بشر، توقف اعدامها، لیست‌گذاری تروریستی سپاه پاسداران، توقف مماشات و به رسمیت شناختن حق مقاومت برای برپایی جمهوری دموکراتیک شدند. علاوه بر کمیته‌های پارلمانی و اتحادیه‌های کارگری و انجمنهای حقوق بشری، گیر هارده، نخست‌وزیر پیشین ایسلند، پتره رومن، نخست‌وزیر پیشین رومانی، آنلی یتمکی، نخست‌وزیر سابق فنلاند، گی فرهوفشتاد نخست‌وزیر پیشین بلژیک، وین ایستر، دادستان کل پیشین کانادا، ترزا ویلیرز و دیوید جونز از وزرای پیشین انگلستان، و شمار زیادی از پارلمانتراها از کشورهای مختلف اروپایی در میان امضا کنندگان دیده می‌شوند.

۶۷- تظاهرات سومین سالگرد قیام ۱۴۰۱ با شعار «مرگ بر ستمگر چه شاه شاه چه رهبر» در پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ اروپایی، آمریکا، کانادا و استرالیا همراه با آکسیونهای مختلفی توسط ایرانیان آزاده و هواداران شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران برگزار شد. در این سلسله تظاهرات که از ۲۱ تا ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ جریان داشت، تظاهرکنندگان با شعارهای «نه شاه، نه شیخ، آری به جمهوری دموکراتیک»، «زن، مقاومت، آزادی» و «نه جنگ خارجی، نه مماشات، تغییر رژیم به دست مردم و مقاومت سازمانیافته»، پشتیبانی خود را از برنامه ۱۰ ماده‌یی خانم مریم رجوی و راه‌حل سوم ابراز داشتند.

شماری از شهرهایی که شاهد برگزاری این سلسله تظاهرات بودند عبارتند از: برلین، کلن، روستوک، برمن، گوتینگن، مونستر، هایدلبرگ و نورنبرگ (آلمان)، پاریس، لندن، رم، نیویورک، تورنتو، اتاوا، مونترال و وینیپگ (کانادا)، استکهلم، یوتوبری و مالمو (سوئد)، اسلو، لاهه، آمستردام، ژنو، بازل و وینترتور (سوئیس)، وین، سیدنی، ملبورن، کپنهاگ و آرهوس (دانمارک).

در برخی از شهرها ایرانیان در مقابل پارلمان، نخست‌وزیری، وزارت خارجه یا دیگر مراکز دولتی تظاهرات کردند و خواستار قراردادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی، محاکمه خامنه‌ای و سردمداران رژیم به‌خاطر ارتکاب جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، و به رسمیت‌شناختن حق مردم ایران و کانونهای شورشی برای سرنگونی رژیم و استقرار جمهوری دموکراتیک شدند.

کارزار ایرانیان در نیویورک در اعتراض به حضور پزشک‌های رئیس‌جمهور خامنه‌ای در سازمان ملل، از جمعه ۲۸ شهریور تا پایان چهارشنبه ۲ مهر ۱۴۰۴ به مدت شش روز در برابر مقر سازمان ملل متحد برگزار شد؛ ایرانیان با فریاد بلند «نه» به رژیم قتل‌عام و رکورد اعدام، پیام اعتراض میلیون‌ها ایرانی را به افکار عمومی جهان منتقل کردند. تظاهرات بزرگ ایرانیان در روزهای اول و دوم مهر از سوی خبرنگاران «یک نمایش عظیم قدرت» توصیف شد.

خانم رجوی در پیامی به تظاهرکنندگان گفت: در حضور قدرتمند شما در برابر مقر ملل متحد، جهان می‌بیند که مردم ایران را شما نمایندگی می‌کنید؛ نه رئیس‌جمهور ولی‌فقیه که در ۱۴ ماه ریاستش تا دیروز ۱۸۱۷ نفر را اعدام کرده است... آیا زمان به رسمیت شناختن مبارزه و مقاومت و قیام مردم ایران برای تغییر این رژیم طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر فرا نرسیده؟ دیکتاتوری دینی در ایران تا به حال ۷۱ بار در مجمع عمومی و دیگر ارگانهای ملل متحد به‌خاطر اعدامها و شکنجه و نقض وحشتناک حقوق بشر توسط جامعه جهانی محکوم شده است.

حرف ما این است که کرسی مردم ایران در ملل متحد نباید به رژیم اعدام و قتل‌عام داده شود. پرونده نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در ایران به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود و مسئولان جنایتها در دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند...

برای آینده ایران حرف ما و پیام ما ساده است: حاکمیت جمهور مردم. روزگار هر نوع دیکتاتوری، چه دینی و چه سلطنتی به سر رسیده است.

در تظاهرات نیویورک، مایکل موکیزی، وزیر دادگستری پیشین آمریکا، گفت: باید برای دولتهای خود روشن کنیم که تنها گزینه برای مردم ایران و جهان تغییر رژیم است و باید پیشنهاد افرادی هم چون پسر شاه را رد کنیم که می گویند افراد سپاه و وزارت اطلاعات می توانند در نظم جدیدی در ایران مشارکت کنند.

کارلا سندرز، سفیر پیشین آمریکا در دانمارک، گفت: رژیم ایران تنها در ماه اوت ۱۷۰ نفر را اعدام کرد. در ماه ژوئیه ۲ عضو مجاهدین خلق اعدام شدند و ۱۵ تن دیگر در معرض اعدام فوری هستند؛ اینها قتل حکومتی است. برخی می خواهند سلطنت شکست خورده گذشته را احیا کنند؛ اما مردم ایران هم شاه و هم آخوندها را رد کرده اند و به عقب باز نخواهند گشت.

لیندا چاوز، مدیر پیشین روابط عمومی کاخ سفید، گفت: سازمان مجاهدین ۶۰ سال با دو دیکتاتوری مبارزه کرده و من در خانم رجوی مرکز امید را می بینم، کسی که خستگی ناپذیر است و می خواهد مردم ایران این فرصت را داشته باشند که خودشان رهبران خودشان را انتخاب کنند. شاه یک دیکتاتور قاتل بود و برای من غیر قابل تصور است که آینده ایران در اختیار پسر او گذاشته شود، کسی که به رابطه اش با سپاه پاسداران می بالد و آنها را بخشی از آینده ایران می داند.

مارک گینزبرگ، سفیر پیشین آمریکا در مراکش گفت: شما این جا هستید چون دیکتاتوری گذشته شاه را رد می کنید و حاضر نیستید فریب نمایش هالیوودی پسر او را برای بازگرداندن همان رژیم خودکامه و فاسد بپذیرید.

ژنرال تاد والترز، فرمانده پیشین ناتو و فرمانده نیروهای آمریکا در اروپا (۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲) گفت: رژیمی که تروریسم را صادر و هر قطره ای از آزادی را سرکوب می کند، نماینده ملت بزرگ ایران نیست، و باید یک آلترناتیو دموکراتیک وجود داشته باشد. شورای ملی مقاومت ایران می تواند این کار را به سرانجام برساند.

۶۸- پهلوان مسلم اسکندر فیلابی، مسئول کمیسیون ورزش شورای ملی مقاومت در تظاهرات نیویورک گفت: امروز ما اینجا ایستاده ایم تا صدای میلیونها ایرانی باشیم که تحت حاکمیت یک رژیم سرکوبگر زندگی می کنند. آخوندهای حاکم بیش از ۴ دهه است. که نه تنها مردم ایران، بلکه امنیت و صلح جهانی را به گروگان گرفته اند. مادران بی شماری، فرزندان خود را تنها به جرم آزادیخواهی از دست دادند. جنایت این رژیم محدود به مرزهای ایران نیست. گروگان گیری شهروندان خارجی، دخالت های نظامی و تروریستی در منطقه و تهدید امنیت جهانی بخشی از سیاست های ثابت رژیم است. اما در مقابل این دیکتاتوری وحشی و سرکوبگر، تاریخی از مقاومتها و مبارزات پاکترین فرزندان مردم ایران چهره واقعی ایران را ترسیم می کنند. کانونهای شورشی، قهرمانانی که خواب را بر خامنه ای و نظام فاسدش حرام کرده اند، امید مردم ستمدیده برای رهایی از شر این رژیم جنایتکار و فاسد و دیکتاتور است. امروز سؤال ما این است که آیا زمان آن نرسیده که سازمان ملل از بی عملی به عمل برسد و مکانیسم های بین المللی را برای محاکمه جنایتکاران حاکم بر ایران به کار گیرد؟ مردم ایران بهای این بی عملی را هر روز با قربانیان بیشتر می دهند. شما اعضای مقاومت ایران، دهها سال تحت رهبری آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی با این حکومت جلاد مبارزه می کنید. رژیم ولایت فقیه پی در پی شکست می خورد و در حال احتضار است. سیاست مماشات با فاشیسم دینی شکست خورده است و کانونهای شورشی با جنگ آوری و فداکاری در حال سازماندهی قیامند.

روز ۲۰ خرداد ۱۴۰۵ در آستانه مسابقات جام جهانی فوتبال در لس آنجلس، یک نمایشگاه و آکسیون درباره جنایتهای فاشیسم دینی حاکم بر ایران علیه ورزشکاران ایرانی با حضور ملی پوشان فوتبال ایران در این شهر برگزار شد. نمایشگاه شهدای قهرمان ورزشکار در مقابل شهرداری لس آنجلس مورد توجه خبرنگاران و بازدیدکنندگان قرار گرفت.

اصغر ادیبی، قهرمان ملی پوش فوتبال ایران و عضو شورای ملی مقاومت در این آکسیون گفت: من این جا آمده ام که بگویم این تیم ملی ایران نیست. این حرف تنها من نیست، حرف مردم ایرانست که بارها گفته اند که این تیم، تیم آخوندهاست، این تیم، تیم ملی ایران نیست. ما انقلاب کردیم برای رسیدن به آزادی و دموکراسی، خمینی به انقلاب مردم خیانت کرد. ولی مردم و جوانان ایرانی، سازمانهای انقلابی و در رأسش سازمان مجاهدین خلق از همان ابتدا با انحصارگری خمینی مقابله کردند. بسیار عادی بود که ورزشکاران ایران که نمایندگان مردم ایران بودند، در کنار مردم قرار بگیرند. حبیب خبیری، دلاورمرد ورزش ایران؛ کسی که جان خودش را برای

آزادی ایران گذاشت. مهشید رزاقی، فروزان عبدی، هوشنگ منتظرالظهور، صمد منتظری و بسیار ورزشکارانی که سالهای طولانی را در زندانهای مخوف رژیم گذراندند ولی بر عهد و پیمان خودشان وفادار ماندند. و بسیار ورزشکارانی که مجبور به مهاجرت شدند؛ ورزشکارانی که می‌خواستند در ایران بمانند، به جوانان ایران خدمت بکنند و ورزش بی‌سامان ایران رو به سروسامانی برسانند.

اصغر ادیبی در قسمت دیگری از سخنانش گفت: ماه گذشته، رئیس بدنام فدراسیون فوتبال رژیم را که یک سپاهی سرکوب‌گر است، به کانادا راه ندادند، در حالی که تمامی رؤسای فدراسیونها آنجا بودند و امروز هم به آمریکا راهش نمی‌دهند. کشورهای پیشرفته چگونه اجازه می‌دهند قاتل مردم ایران، رکورددار اعدام، کسانی را به اسم تیم فوتبال، اینجا در این میدان جهانی بیاورد و آنها را به نام مردم ایران به جهان قالب بکند؟ کمیسیون ورزش شورای ملی مقاومت و مسئول آن، مسلم اسکندر فیلابی، قهرمان کشتی جهان و پهلوان ایران، در اطلاعیه‌یی که بسیاری از ورزشکاران ملی‌پوش ایران آن را امضا کردند، خواهان راه ندادن تیم رژیم به جام جهانی شد. و من هم آمده‌ام که وجدانهای بیدار را فرا بخوانم که به یاری مردم و به یاری مقاومت ایران بیایید. درود بر حبیب، درود بر کسانی که جان خود را برای آزادی ایران گذاشتند و زنده‌باد آزادی مردم ایران.

بهرام مودت، قهرمان ملی‌پوش فوتبال ایران و عضو شورای ملی مقاومت گفت: رژیم آخوندها، با پاسداران در تمام دستگاهها و ارگانهای ورزشی ایران رخنه کرده‌اند. مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال از افراد سپاهی و امنیتی است و در کشتار هموطنان کرد در اوایل انقلاب شرکت داشته است. نه در رژیم شاه رؤسای فدراسیونها سالم و متخصص بودند و نه در این رژیم. همان‌طور که در برنامه مقاومت تصریح شده مسئولان همه ارگانها باید افراد متخصص، آگاه و سالم باشند. با اعدامها و سرکوبهایی که فعلاً در ایران شاهد هستیم، تعداد بسیاری از ورزشکاران، که صدای جامعه ایران هستند زیر ظلم و ستم به سر می‌برند.

ما می‌خواهیم توجه دنیا را به رژیم سفاک جلب کنیم. رژیمی که عموم مردم به‌خصوص ورزشکاران را سرکوب می‌کند. ما می‌خواهیم جهان در کنار قربانیان این رژیم بایستد. این خواست من از همه ورزشکاران، ورزش‌دوستان و در این مقطع از علاقه‌مندان به فوتبال است.

۶۹- گردهمایی نمایندگان ۳۲ انجمن جوانان هوادار مقاومت از اروپا، آمریکا و استرالیا روز سوم آبان ۱۴۰۴ با حضور خانم رجوی برگزار شد. در این اجتماع که ۸ ساعت جریان داشت، خانم رجوی گفت: گردهمایی شما حمایت از کانونهای شورشی و ارتش آزادی و نیروی تعیین‌کننده نبرد و قیام یعنی نسل جوان و شورشگر میهن ماست که سازمان می‌دهد، سازمان می‌یابد، می‌رزم، از خودگذشتگی می‌کند و رژیم ولایت‌فقیه را به‌زیر می‌کشد.

خانم رجوی به جوانان آگاه و دلیری که در ۵ مهر سال ۱۳۶۰ با فریاد مرگ بر خمینی و شاه سلطان ولایت، مرگت فرارسیده، پرچم سرنگونی را برافراشتند، درود فرستاد و خطاب به آنها گفت: شما قیامهای ادامه‌دار ایران را برافروختید و برمی‌افروزید. از قیام مشهد در سال ۱۳۷۱ تا قیامهای ۱۴۰۱، آخوندها هرگز تصور نمی‌کردند که صف بی‌انتهایی از ستارگان دنباله‌دار این نسل در راهند و کار رژیمشان را به‌پایان خواهند رساند. افتخار بر شما و نسل شما که هم‌چون وحید و جواد و بابک و یارانشان در زیر حکم اعدام زندانهای خامنه‌ای و چوبه‌های دار را تحقیر کرده‌اید. در مقابل این بساط اختناق و ارباب و این اعدامها و دستگیریهاست که این نسل پرتوان و بی‌شمار به خامنه‌ای می‌گوید: آری بگیر، ببند، بکش، گور خود کنی به دست خود.

در این اجتماع، نمایندگان انجمنهای جوانان از کشورها و رسته‌های مختلف مانند نمایندگان جوانان ورزشکار، مهندسان و متخصصان، وکلا و حقوقدانان، پزشکان و کادر درمانی، دانشجویان، دانشگاهیان، محققان و فارغ‌التحصیلان و خانواده‌های شهیدان و جوامع جوانان ایرانی در کشورهای مختلف سخنرانی کردند و در پایان، قطعنامه اجتماع جوانان قرائت شد. در این قطعنامه آمده است:

- راه‌حل ایران سرنگونی این رژیم و استقرار دموکراسی و حاکمیت مردمی است که بیش از هر زمان دسترسی‌اش نزدیکتر است. هم جامعه، انفجاری است و هم نیروی سرنگون‌کننده و جایگزین دموکراتیک و انقلابی در صحنه حضور دارد.

- سازمان مجاهدین با تجربه ۶۰ سال مبارزه علیه شاه و شیخ با ریشه‌های عمیق و گسترده و ائتلاف دیرپای شورای ملی مقاومت که ۴۴ سال بر پرنسیپهای دموکراتیک و انقلابی خود پافشاری کرده فرصت بی‌نظیری در تاریخ ایران برای نیل به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی فراهم کرده است.

- کانونهای شورشی با هزاران عملیات علیه سپاه پاسداران و دیگر مراکز سرکوب، فرهنگ مقاومت را در بخشهای مختلف جامعه از جمله در میان زندانیان غیرسیاسی رسوخ داده است. اشرف ۳ با ۱۰۰۰ زن قهرمان و ۱۰۰۰ زندانی سیاسی سابق الگوی الهام‌بخشی برای زنان و جوانان است که خواستار آزادی هستند.

- جنگ ۱۲ روزه یک بار دیگر به‌روشنی اثبات کرد سرنگونی تنها به‌دست مردم و مقاومت سازمانیافته امکانپذیر است و اصالت و حقانیت راه‌حل سوم خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت را نشان داد که از ۲۱ سال پیش به‌طور مکرر گفته‌اند نه جنگ خارجی و نه مماشات با فاشیسم دینی تغییر رژیم به دست مردم و مقاومت.

- بچه شاه و شاه پرستان متحد بالفعل رژیم آخوندها هستند. آنها نه تنها مظاهر وابستگی و استبداد هستند بلکه هم‌چنان که در قیام ۱۴۰۱ و در وقایع ماههای اخیر شاهد بودیم عملکردها و سیاستهای آنها در کفه فاشیسم دینی و کارشکنی در مسیر سرنگونی است.

- وظیفه ما جوانان قبل از هر چیز پشتیبانی سیاسی و عملی از کانونهای شورشی، سازمان مجاهدین و اشرف ۳ و خنثی کردن توطئه‌ها و زدو بندهای دشمنان استقلال و آزادی ایران است. برعهده ماست که همه طرفهای بین‌المللی را متقاعد کنیم که مبارزه کانونهای شورشی را به رسمیت بشناسند. ما مشارکت فعال در تأمین مالی مقاومت ایران را وظیفه خود می‌دانیم.

- تا آنجا که به آینده برمی‌گردد ما و هزاران جوان متخصص، استاد، دانشمند و کارآفرین خود را موظف می‌دانیم که بدون هیچ‌گونه چشم داشتی ظرفیتها و تواناییهای خود را در خدمت بازسازی ایران ویران شده و تحقق برنامه ۱۰ ماده‌ای خانم مریم رجوی قرار دهیم. ما در برابر تاریخ و ملت ایران سوگند یاد می‌کنیم که با تمسک به ارزشهایی که از مجاهدین فراگرفته‌ایم در راستای انجام وظایف انقلابی و میهنی که برعهده ما قرار دارد و با چشم بستن بر منافع فردی تا پای جان از هیچ چیز فروگذار نکنیم.

۷۰- کنفرانس در مجلس اعیان انگلستان با عنوان «ضرورت پاسخگویی بین‌المللی برای توقف اعدامها در ایران» در ۱۴ آبان ۱۴۰۴ با حضور اعضای هردو مجلس از احزاب مختلف، شخصیت‌های سیاسی، جوانان و نمایندگان خانواده‌های شهیدان برگزار شد.

لرد بلینگهام، در این کنفرانس گفت به یک نقطه عطف در ایران بسیار نزدیک هستیم. اعدام زندانیان سیاسی نشانه ضعف و استیصال حکومت است.

لرد کارلایل، اعدامهای وحشیانه در ایران را نشانه ضعف و فساد رژیم آخوندها توصیف کرد و گفت رژیمی که مردم را می‌کشد، مثل چیزی که بوی پوسیدگی می‌دهد، فاسد است و این دقیقاً همان چیزی است که در ایران رخ می‌دهد، نه به این دلیل که مجرمان بسیارند بلکه چون خود حکومت متشکل از مجرمان است.

لرد استیو مک‌کیب، گفت هدف خامنه‌ای از افزایش اعدامها مقابله با مقاومت است و هرچه رفتار رژیم سخت‌تر باشد، مقاومت رشد بیشتری می‌یابد؛ این رژیم نه از طریق نیروهای خارجی بلکه به‌دست مردم ایران و کانونهای شورشی سقوط خواهد کرد.

بارونس ردفرن، گفت ۱۷ زندانی سیاسی دیگر، از جمله محمدجواد وفایی ثانی که پنج سال زیر شکنجه بوده، تنها به دلیل حمایت از مجاهدین خلق در خطر اعدام قرار دارند. در پس این وحشیگری چیزی جز ترس رژیم از مردم نیست؛ حمایت از مقاومت ایران ضرورتی راهبردی برای صلح جهانی است.

لرد همیلتون با یادآوری این که سالهاست از مجاهدین حمایت می‌کند، گفت اوضاع به طرز چشمگیری در حال تغییر است. نفوذ رژیم در خاورمیانه کاهش یافته، تحریم نفت مشکلات عظیمی ایجاد کرده و روزهای این رژیم به شمارش افتاده است.

بارونس اولون، عضو مستقل مجلس اعیان، گفت قوه قضاییه در ایران ابزار سرکوب است. زندانیان وابسته به مجاهدین شکنجه می‌شوند و از محاکمه عادلانه محروم‌اند. مردان و زنان با الهام از ۴ دهه مبارزه مجاهدین، شورا و خانم رجوی، مقاومت می‌کنند. ایران سزاوار

زندگی است نه مرگ؛ اصول برابری، آزادی و عدالتی که خانم رجوی ارائه کرده بازتاب اراده واقعی مردم ایران است و به همین دلیل آینده ایران جمهوری دموکراتیک خواهد بود.

مری گلیندون، نماینده پارلمان انگلستان گفت افتخار بزرگی است در کنار انسانهای شجاع، به‌ویژه زنان ایران، حضور دارد. نمایندگان باید فشار بیشتری بر دولت برای اقدام وارد کنند، افزایش شمار کشته‌شدگان به‌دست رژیم قابل‌پذیرش نیست.

جیم شانون، نماینده پارلمان انگلستان با استناد به آیه‌یی از انجیل گفت اگر مردم را بخشی روز حساب در راه است و آن روز برای حکومت ایران نزدیک است. رژیم در سال ۱۹۸۸، ۳۰ هزار زندانی سیاسی، عمدتاً اعضا و هواداران مجاهدین خلق، را قتل‌عام کرد؛ امروز رسانه‌های حکومتی آشکارا خواستار تکرار همان اعدام‌های جمعی‌اند و این با سرکوب علیه اقلیتهای مذهبی و قومی همراه است. وی افزود: پروفیسور جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران، گفته بود اگر جامعه جهانی در دهه ۱۹۸۰ به‌موقع مداخله کرده بود و جلوی قتل‌عام ۱۹۸۸ را می‌گرفت، امروز شاهد این فجایع نبودیم؛ این رژیم شرور باید هرچه زودتر به پایان برسد و بریتانیا باید با اتحادیه اروپا و سازمان ملل از وقوع قتل‌عامی دیگر جلوگیری کند. وی افزود مردم ایران دیکتاتوری شاه را به زباله‌دان تاریخ فرستادند و به‌زودی همین کار را با رژیم آخوندی خواهند کرد.

خانم مریم رجوی، در بخشی از پیامش به این کنفرانس ضمن قدردانی از اعضای مجلسین انگلستان گفت جهش شوکه‌کننده شمار اعدام‌ها در ایران طینت قضایی ندارد بلکه تصمیمی سیاسی است که شخص خامنه‌ای برای جلوگیری از شروع مجدد قیامها اتخاذ کرده است. تنها یک راه واقعی برای توقف ماشین کشتار و تروریسم و جلوگیری از برنامه هسته‌یی رژیم وجود دارد و آن سرنگونی رژیم است. راه‌حل ریشه‌یی، به‌رسمیت شناختن حق مقاومت و نبرد مردم ایران به‌خصوص جوانان شجاع و شورشگر است.

۷۱- کنوانسیون «ایران آزاد ۲۰۲۵» در واشینگتن با عنوان «نقشه مسیر جمهوری دموکراتیک در ایران» با شرکت متخصصان، پژوهشگران، وکلا و اساتید دانشگاه و جوانان جوامع ایرانی مقیم آمریکا، در ششمین سالگرد قیام آبان ۹۸، روز ۲۴ آبان ۱۴۰۴ برگزار شد و شامل ۵ پنل تخصصی درباره وضعیت کنونی ایران، موقعیت رژیم، آلترناتیو دموکراتیک و چشم‌اندازهای آینده بود. پیامهای زندانیان سیاسی و کانون‌های شورشی از داخل کشور در این کنفرانس قرائت شد و خانم رجوی در بخشی از سخنانش که به صورت آنلاین ایراد شد، خطاب به شرکت‌کنندگان در این گردهمایی گفت: حاکمیت آخوندها به اواخر زمستان خود رسیده است. دریایی از خون میان مردم با رژیم حاکم جاری است. سقوط پی‌درپی اقتصاد کشور کنترل‌ناپذیر شده است. به‌رغم زیانهای بزرگ، جنگ‌افروزی در منطقه و برنامه اتمی، خامنه‌ای همچنان بر ادامه آن اصرار دارد. تغییر رژیم ضروری است. اما سؤال اصلی این است که تغییر چگونه؟ ۲۱ سال پیش در پارلمان اروپا اعلام کردم که راه‌حل ایران نه مداخلات است و نه جنگ، بلکه راه‌حل سوم است؛ یعنی تغییر رژیم به‌دست مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنها. همچنین به روشنی گفتم که مداخلات با رژیم، آن را در سیاستهای تشویق و دست آخر جنگ را به کشورهای غربی تحمیل می‌کند. این پیش‌بینی حالا موبه مو اثبات شده است. با وقوع جنگ در ماههای اخیر، اثبات شد که جنگ باعث سرنگونی این رژیم نمی‌شود. پاسخ در نمایشها و جنجالها و هیاهوی تبلیغاتی نیست. پاسخ در انسانهای از خودگذشته‌یی است هم‌چون مجاهدان اشرف ۳ که همه چیز را در کفه انقلاب گذاشته‌اند. زنان و مردانی که الهام‌بخش صدق و پاکی و وفا به‌پیمان برای جوانان مشتاق آزاداند. و ۶۰ سال تجربه سیاسی، تشکیلاتی و مبارزاتی را پشتوانه گشودن راه آزادی کرده‌اند. پاسخ در کانونهای شورشی است که اراده مردم ایران برای تغییر را نمایندگی می‌کنند. آنها هستند که سرنوشت یک انقلاب را تعیین می‌کنند. انسانهای مصممی که از فدای هستی خود نمی‌هراسند. آنها که به‌قول مسعود، گام باقیمانده تا قیام را شتابان و با چنگ و ناخن و دندان درمی‌نوردند.

در کنوانسیون واشینگتن، مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا، جان برکو رئیس و سخنگوی پیشین مجلس عوام انگلستان، سفیر کارلا سندز، پاتریک کندی و نیز دانشمندان ایرانی از جمله پروفیسور مرتضی قریب سخنرانی کردند.

مایک پمپئو، موقعیت رژیم را «در ضعیف‌ترین وضعیت و منزوی‌تر از همیشه» ارزیابی کرد و گفت مشروعیت مردمی رژیم عملاً وجود ندارد، اقتصادش فرو ریخته و تنها ابزارش برای حفظ خود، ترس و ارعاب است. آلترناتیو دموکراتیکی که خانم رجوی و بسیاری از شما سالها برایش تلاش کرده‌اید آماده است؛ نقشه راه روشن است، هرچند مسیر پرخطر است و هرگز آسان نیست.

کارلا سندز گفت: شورای ملی مقاومت ایران یک اپوزیسیون روی کاغذ نیست، بلکه دولتی در انتظار است که جنبشی پشتیبان آن است که زندان، اعدام، تروریسم و تبعید را دوام آورده و قوی‌تر از همیشه ایستاده است. هیچ مسیری برای آینده ایران از طریق دیکتاتوری، نه حفظ بخشی از حکومت دینی و نه بازگشت سلطنت، وجود ندارد؛ مردم ایران ۴۶ سال پیش دیکتاتوری شاه را رد کردند و ایران عملمه را با تاج معاوضه نخواهد کرد. اشرف ۳ نمونه زنده‌یی است از آنچه مقاومت ایران، رها از خشونت رژیم، قادر به انجام آن است؛ آینده ایران، مانند اشرف ۳، کثرت‌گرا و مدرن خواهد بود. تنها انقلاب خاورمیانه که به‌رهبری زنان است، مقاومت ایران است؛ در برابر رژیمی مبتنی بر ستم جنسیتی، آلترناتیو آن به‌رهبری زنان و با قدرت هزاران زنی است که کانونهای شورشی و کارزارهای بین‌المللی را فرماندهی می‌کنند؛ تاریخ این را ثبت خواهد کرد که ایران تحت رهبری دخترانش به‌پا خواهد خاست.

جان برکو گفت: با ۴۶ سال فعالیت سیاسی، در هیچ کنوانسیونی شور و اشتیاقی نزدیک به آنچه امروز در این سالن دیدم، مشاهده نکرده‌ام. باید به شورای ملی مقاومت و به ساکنان اشرف که مدت‌ها فداکاری کرده‌اند، ادای احترام کرد. این رژیم بیش از ۴۰ سال تلاش کرده با بربریت علیه مردم ایران پیش برود؛ رژیمی که مشخصه‌اش عدم بردباری، بی‌رحمی و وحشیگری است و اصلاً درکی از معنای حکومت ندارد.

دکتر محمدحسین تسوجی، پروفیسور مهندسی الکترونیک و عضو شورای ملی مقاومت ایران در این کنوانسیون، پروفیسور مرتضی قریب، محقق و مخترع ارشد دانشگاه کل‌تک را با بیش از ۱۷۰ اختراع ثبت‌شده از جمله در درمان گلوکوما، اسکنر سه بعدی دندان و دستگاه تشخیص نارسایی قلبی، معرفی کرد.

پروفیسور قریب گفت: نوآوری و خلاقیت نمی‌تواند در جامعه‌یی که اجازه تفکر آزاد نمی‌دهد بارور شود؛ نظام شاه سیستمی دموکراتیک نبود و اجازه آزادی آکادمیک نمی‌داد، به همین، دلیل کشور را ترک کردم، البته بسیاری از هم‌کلاسیهای من که بهتر از من بودند، ماندند و به مبارزه برای دموکراسی ادامه دادند و برخی از آنان اکنون از رهبران مجاهدین و شورای ملی مقاومت‌اند. ایران در میان ۳ کشور برتر جهان از نظر ضریب هوشی است و بر بزرگترین منابع طبیعی جهان نشسته، اما از این منابع بهره نبرده‌ایم؛ حدود ۱۰ درصد رؤسای دانشکده‌های مهندسی برق آمریکا ایرانی‌الصلند. شرط بازگرداندن این استعدادها به ایران، داشتن یک جمهوری دموکراتیک، باجدایی دین و دولت و صلح‌آمیز است که اجازه تفکر آزاد بدهد.

پروفیسور قریب افزود: هوش مصنوعی یک ابزار است و بستگی دارد که ما چگونه از آن استفاده کنیم. بنابراین آینده فناوری، به‌ویژه مهندسی و پزشکی، به این بستگی خواهد داشت که ما چگونه از هوش مصنوعی استفاده کنیم تا روند پیشرفت را از تشخیص گرفته تا درمان و اساساً پیشبرد کارها در زمینه‌های مختلف، تسریع کنیم. فکر می‌کنم نکته کلیدی که به مهندسی و علم کمک می‌کند این است که ما از هوش مصنوعی به‌عنوان تصمیم‌گیرنده استفاده نکنیم، بلکه به‌عنوان یک ابزار از آن بهره ببریم و خودمان قاضی باشیم که بهترین راه برای مواجهه با این مشکلات چیست. هوش مصنوعی با اطلاعاتی که ما در گذشته به آن داده‌ایم زنده است.

پروفیسور قریب در بخش دیگری از سخنان خود تاکید کرد: بدون هیچ‌گونه مبالغه و اغراقی، تأثیرگذارترین بخش ملاقات من با خانم رجوی بحثهای علمی بود. ایشان یک دانشمند شگفت‌انگیز است، من این را در حضور خودشان هم می‌گویم. می‌دانید، نوع سؤالاتی که ایشان از من می‌پرسیدند، نوع و عمق سؤالات، از هوش مصنوعی گرفته تا فیزیک کوانتوم، اخترفیزیک و پزشکی. در مورد ایران آینده ما طرح ۱۰ ماده‌یی را داریم. این طرح تمام محیط‌ها و الزامات مورد نیاز شما را برای تحقق هر چیزی که من به آن اشاره کردم، ایجاد می‌کند. بنابراین تنها پیشنهاد من این است که بیایید از همان ۱۰ ماده پیروی کنیم. آن وقت در وضعیت خوبی قرار خواهیم گرفت.

۷۲-کنفرانس در پارلمان اروپا هم‌زمان با روز جهانی حقوق بشر با حضور دهها عضو پارلمان اروپا و برخی از شخصیت‌های برجسته اروپایی در ۱۹ آذر ۱۴۰۴ برگزار شد.

خانم رجوی در سخنرانی خود در این کنفرانس گفت: تحولات شش ماه اخیر، همان‌طور که موقعیت سرنگونی رژیم را تردیدناپذیر کرده، شبه‌راه‌حلاها و مسیرهای کاذب را هم نقش بر آب کرده است. برخی خاک به چشم مردم می‌پاشیدند که منتظر تغییری از درون این رژیم جنایتکار باشند. این توهم‌پراکنی نیز بی‌اعتبار شد. ما بارها هشدار داده بودیم که سیاست مماشات، راه جنگ‌افروزی آخوندها را

باز می‌کند و چنین شد. در مقابل اما آن‌چه به اثبات رسید، نظرگاه مقاومت مردم ایران، راه حل سوم، است. یعنی سرنگونی به‌دست مردم و مقاومت ایران؛ مقاومتی متکی به نیروی رزمنده و فداکار که همواره استقلال و آزادی را پیشروی خود داشته است. جای خوشوقتی است که امروز در جبهه مردم ایران، شخصیتها و گروههای سیاسی با وجود عقاید متفاوت یا ملیتهای گوناگون، هر روز بیش از پیش بر سر این سه اصل، هم‌سو می‌شوند.

اول - به زیرکشیدن رژیم ولایت‌فقیه که با مبارزه و ارادهٔ مردم ایران امکانپذیر است و نه دخالت هیچ قدرت و دولت خارجی.
دوم - مرزبندی قاطع با شاه و شیخ.

و سوم - جدایی دین و دولت.

اینها اصولی است که شورای ملی مقاومت در جبهه همبستگی بر آن تأکید کرده است.

میلان زور، رئیس مشترک دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا و وزیر سابق آموزش و ورزش اسلونی گفت: ۷۷ سال پیش، سازمان ملل متحد، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند و بر حقوق مطلق همهٔ انسانها تأکید کرد. امسال، ما توجه خود را به ایران یکی از بزرگترین چالشهای حقوق بشری در جهان معطوف می‌کنیم. سرکوب سیستماتیک زنان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و اقلیتها، همراه با تأمین مالی گروههای افراطی و گروههای شبه‌نظامی نیابتی توسط تهران، رژیم ایران را به منبع اصلی ناامنی، نه فقط در سطح منطقه بلکه در جهان، تبدیل کرده است. من از سال ۲۰۰۹ که به‌عنوان نمایندهٔ پارلمان اروپا انتخاب شدم، از جنبش خانم رجوی، حمایت می‌کنم. رژیم ایران ما را در لیست سیاه خود قرار داده است. دوست ما آَلخو (ویدال کوادراس) حتی هدف گلوله قرار گرفت. ولی ما همواره در کنار قربانیان ستم ایستاده‌ایم. مردم ایران برای مدتی بسیار طولانی قربانی بوده‌اند و اروپا باید بهتر عمل کند.

پتراس آستراویچیوس، عضو کمیسیون خارجه و رئیس مشترک دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا گفت: این اجلاس، فراخوانی است برای اقدام از سوی اتحادیهٔ اروپا و کشورهای عضو آن تا در سیاستهای چندین دهه و شکست خورده خود تجدیدنظر کنند و بر حقوق بشر و حسابرسی در ایران تمرکز کنند. رژیم در حال زمینه‌سازی برای تکرار جنایات فجیع گذشته است، همان‌طور که احکام اعدام اخیر علیه ۱۸ زندانی سیاسی به دلیل حمایت از سازمان مجاهدین خلق این موضوع را نشان می‌دهد.

اتحادیهٔ اروپا باید از فراخوان خانم مریم رجوی، برای ارجاع پروندهٔ جنایا رژیم علیه بشریت به شورای امنیت سازمان ملل حمایت کند و با این شورا برای بررسی گزینه‌های حسابرسی از طریق اصل صلاحیت قضایی جهانی در کشورهای عضو وارد تعامل شود. اتحادیهٔ اروپا باید این جایگزین دموکراتیک را به رسمیت بشناسد.

فرانسیسکو آسیش، عضو کنفرانس رؤسای هیأتها در پارلمان اروپا و هماهنگ‌کنندهٔ حقوق بشر در گروه سوسیالیستها گفت: کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا نباید بی‌عملی تاریخی خود را در قبال قتل عام سال ۱۳۶۷ تکرار کنند، زمانی که ۳۰ هزار زندانی سیاسی در ایران اعدام شدند. امروز، ما باید قاطعانه عمل کنیم تا از تکرار تاریخ جلوگیری شود. این همان کاری است که زندانیان سیاسی شجاع در پشت میله‌ها با به چالش کشیدن رژیم و سیاست اعدام آن، انجام می‌دهند.

ما باید همکاری نزدیکتری با شورای ملی مقاومت ایران داشته باشیم تا کارزار آنها برای عدالت‌خواهی به نام مردم ایران را تقویت کنیم و از طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی برای آیندهٔ ایران و همچنین از آلترناتیو دموکراتیک شورای ملی مقاومت در برابر بحران حقوق بشر در ایران حمایت کنیم.

گی فرهوفشتاد، نخست‌وزیر سابق بلژیک گفت: انتظار امروز من از سیاستمداران و نمایندگان پارلمان حاضر در این سالن این است که از رهبری اروپا بخواهند که استراتژی خود را در سریع‌ترین زمان ممکن تغییر دهند، زیرا استراتژی مامشات در ده سال گذشته هیچ مشکلی را برطرف نکرده است. این سیاست به یک ایران عاری از سلاح هسته‌یی منجر نشده است، زیرا رژیم آخوندی در این زمینه به هیچ وجه قابل اعتماد نیست. پس اکنون، به ویژه در روز جهانی حقوق بشر، زمان آن فرا رسیده که فشار را بر رهبران خودمان در اروپا برای تغییر مسیر افزایش دهیم. من می‌خواهم که اتحادیه اروپا، اپوزیسیون دموکراتیک و به ویژه خانم رجوی را به‌عنوان نمایندهٔ واقعی مردم ایران به رسمیت بشناسد.

راسا یوکنه ویچینه، عضو کمیسیون خارجه و کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان اروپا، وزیر دفاع سابق لیتوانی و رئیس مجمع وزرای ناتو ۲۰۱۸ گفت: می‌خواهم از کسانی تشکر کنم که تقریباً هر روز این‌جا هستند و برای آینده ایرانی متفاوت تلاش می‌کنند؛ ایرانی باز، ایرانی برای همه. اکنون ما در زمانه‌ی بسیار چالش‌برانگیز و متفاوت به‌سر می‌بریم، اما من هنوز معتقدم که ما باید دقیقاً همان کار را انجام دهیم. به دموکراسی ایمان داشته باشیم، به مبارزه خود ایمان داشته باشیم. زیرا من باور ندارم که دیکتاتورها در سطح جهان بتوانند پیروز شوند. در نهایت ما پیروز خواهیم شد.

ماتئو رنزی، نخست وزیر ایتالیا (۲۰۱۴-۲۰۱۶) در سخنانش در کنفرانس پارلمان اروپا گفت: اعدام ۴۶ نفر در زندانهای تهران در پنج روز گذشته، به ما یادآوری می‌کند که رژیم ایران چقدر بی‌رحم است. اما این بی‌رحمی، خود نشانه‌ی است از ضعف باورنکردنی رژیم ایران. من ۱۰ سال پیش، زمانی که در مقام نخست‌وزیری بودم، در تهران بودم. ما هر نوع تلاشی را برای استفاده از راه دیپلماتیک و میانه‌رو کردن این رژیم به کار بستیم. و اکنون باید بپذیریم که این کار غیرممکن است. بنابراین ما باید جنبشی را مانند جنبش شما، خانم رجوی، تشویق کنیم که در داخل و خارج از ایران تلاش می‌کند تا پیامی از اعتبار و امید بدهد. از ده سال پیش تا کنون، چیزهای زیادی در بخشهایی از خاورمیانه تغییر کرده است، اما ما ایران را به‌عنوان مهمترین مشکل پیش رو داریم. ایران خاستگاه یکی از مهمترین تمدنهای تاریخ است. ایران باید افق بعدی ما باشد.

لیولوکا اورلاندو، عضو کمیسیون خارجه پارلمان اروپا و معاون گروه رابطه با کشورهای مشرق زمین گفت: این رژیم با به راه انداختن یک جنگ دائمی علیه شهروندان، به‌ویژه زنان، قدرت را حفظ کرده و مرتکب جنایاتی شده که در حد جنایت علیه بشریت و حتی نسل‌کشی است. سازمان مجاهدین خلق ۶۰ سال است که برای دموکراسی مبارزه کرده و هم با دیکتاتوری شاه و هم با استبداد مذهبی آخوندها مخالفت کرده است. مقاومت ایران، هم سیاست مماشات و هم جنگ را رد کرده و در عوض از گزینهٔ سوم، یعنی یک تغییر دموکراتیک توسط مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنها، حمایت می‌کند.

آندری گوواچف، عضو هیأت رئیسهٔ پارلمان اروپا گفت: من از مقامات اروپایی و شورای اروپا می‌خواهم که از فراخوان خانم رجوی برای ارجاع پروندهٔ فاجعه‌بار حقوق‌بشری این رژیم به شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت کنند. این امر برای محاکمهٔ مسئولان جنایت علیه بشریت، ضروری است و امیدوارم به زودی شاهد یک ایران آزاد و دموکراتیک باشم.

پکا تووری، عضو کنفرانس رؤسای هیأتها در پارلمان اروپا گفت: زمان آن فرارسیده که از مردم ایران و مقاومت سازمانیافته و دموکراتیک آنها برای پایان دادن به حکومت آخوندها حمایت کنیم. بیش از چهار دهه است که رژیم تهران با ارعاب، سرکوب و خشونت بی‌وقفه حکومت کرده است. ایران امروز شاهد یکی از تاریکترین دوره‌های وحشیگری دولتی است. با این حال، در میان این سختیها، نیرویی قدرتمند ظهور کرده است: کانونهای شورشی سازمان‌یافته مجاهدین خلق که به‌سرعت، به‌ویژه در میان نسل جوان ایران، در حال گسترش هستند. آینده ایران نمی‌تواند بازگشت به یک خودکامگی دیگر در قالب سلطنت باشد. مردم ایران هیچ تمایلی به بازگشت به هیچ شکلی از خودکامگی، چه با تاج و چه با عمامه، ندارند. ایرانیان یک جمهوری دموکراتیک و مبتنی بر جدایی دین و دولت می‌خواهند، نه چیزی کمتر. بیایید سمت درست تاریخ را انتخاب کنیم و در کنار مردم ایران بایستیم تا روزی که به جمهوری دموکراتیکی که شایسته آن هستند، دست یابند.

۷۳- در روز ۱۹ آذر ۱۴۰۴ در پارلمان اروپا کنفرانس دیگری تحت‌عنوان «**حقوق بشر، حسابرسی از رژیم و نقش اتحادیهٔ اروپا**» برگزار شد که شخصیت‌های پارلمانی و سیاسی و حقوق‌بشری از جمله این شخصیتها در آن شرکت داشتند: سفير استفن جی. رپ، سفير آمریکا برای عدالت کیفری جهانی و دادستان دادگاه ویژه سازمان ملل برای سیرالئون ۲۰۰۷-۲۰۰۹، کومی نایدو دبیرکل عفو بین‌الملل (۲۰۱۸-۲۰۲۰)، خوان فرناندو لوپز آگوئیلار، نمایندهٔ پارلمان اروپا و وزیر دادگستری اسپانیا (۲۰۰۴-۲۰۰۷)، دومینیک آتیاس، رئیس شورای اداری بنیاد وکلای اروپایی و رئیس کانون وکلای اروپا با بیش از یک میلیون عضو (۲۰۲۱-۲۰۲۲) و نایب‌رئیس کانون وکلای پاریس

(۲۰۱۷-۲۰۱۵)، دکتر مارک الیس، مدیر اجرایی انجمن بین‌المللی وکلا، آنتونیو لویز- ایستوریس وایت، عضو کنفرانس رؤسای هیأت‌های پارلمان اروپا از اسپانیا، استرون استیونسون، نماینده پارلمان اروپا (۲۰۰۴-۲۰۱۴) از مسئولان کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت و هماهنگ‌کننده کارزار تغییر برای ایران، دورین روکماکر، نماینده پیشین پارلمان اروپا از هلند، دکتر سینا دشتی، پزشک و متخصص بیماری‌های عفونی و رئیس هیأت مشاوران «ائتلاف برای آگاهی عمومی» (سوئد) و آزاده ضابطی، رئیس کمیته وکلای ایرانی در انگلستان. **خانم رجوی** در این کنفرانس گفت: امروز روز خلق‌هایی است که دیگر نمی‌خواهند شکنجه و حلق‌آویز و اختناق و سانسور سرنوشت‌شان را تعیین کند. پروفیسور کاظم رجوی، شهید بزرگ حقوق‌بشر ایران، گفته بود: «ما تاریخ حقوق‌بشر را با خون‌های خود می‌نویسیم». او در ژنو پایتخت اروپایی ملل متحد به‌دست عوامل جنایتکار رژیم آخوندها ترور شد. در ایران، آخوندها هر روز حقوق‌بشر را به‌دار می‌کشند. پرونده جنایات هولناک آنها نیاز به بررسی سالانه ندارد. این پرونده تراژیک در تمام روزهای سال و در تمام ساعت‌های روز باز است. تنها در ماه نوامبر ۳۳۵ زندانی اعدام شده‌اند. دستگیریه‌ها هر سال به حدود ۲ میلیون نفر می‌رسد. آخوندها حتی از تخریب مزار زندانیان سیاسی که در دهه ۶۰ به قتل رسیدند، فروگذار نمی‌کنند.

خانم رجوی دولتهای اروپا را به موارد زیر فراخواند:

- پایان دادن به سکوت درباره وضعیت ۱۸ زندانی سیاسی که تنها جرمشان حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران است.

- مشروط کردن هر گونه رابطه با رژیم به توقف اعدامها

- تعطیل سفارتها و نهادهای وابسته به رژیم آخوندی که مراکز پشتیبانی سرکوب فرامرزی رژیم هستند

- قراردادن سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات رژیم در لیست تروریستی

استرون استیونسون در سخنرانی خود گفت: زمان آن فرارسیده تا سفارتخانه‌های ایران در اروپا بسته شوند. زمان آن فرارسیده است که عوامل رژیم اخراج شوند. زمان آن فرارسیده است که فرانسه، بریتانیا و اتحادیه اروپا از آمریکا، کانادا و استرالیا پیروی کرده و سپاه پاسداران را به‌عنوان یک سازمان تروریستی در لیست سیاه قرار دهند. غرب باید بدون هیچ گونه ابهامی در کنار مردم ایران بایستد، نه در کنار ستمگرانی که آنها را سرکوب می‌کنند. ساعت تغییر نزدیک است. بیایید اطمینان حاصل کنیم که وقتی تاریخ نوشته می‌شود، از اروپا به عنوان قاره‌یی که در سمت اشتباه تاریخ ایستاد، یاد نشود.

استفن جی رپ: آمار اعدام در ایران در سال ۲۰۲۵ از هر زمان دیگری به جز قتل‌عام هولناک سال ۱۹۸۸ فراتر رفته است. من به عنوان یک دادستان سابق بین‌المللی که مسئول محکومیت عاملان نسل‌کشی رواندا و سپس جنایات جمعی در سیرالئون بودم، می‌توانم بگویم که اینها جنایت علیه بشریت و جنایت علیه قوانین بشری هستند. به‌عنوان فردی که در به محاکمه کشاندن جنایتکاران بین‌المللی تجربه دارد، می‌دانم که پاسخگویی کند است، اما هرگز غیرممکن نیست. حاکمان ایران شاید امروز بر مصونیت از مجازات تکیه کنند، اما با فشار مداوم، فردا می‌توانند با عدالت روبه‌رو شوند؛ چه در برابر شهروندان خود و چه در یک دادگاه بین‌المللی که در آینده تشکیل خواهد شد. در هفتاد و هفتمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر، ما باید متعهد شویم که دیگر هرگز حقوق بشر و عدالت را، حتی در ازای وعده‌هایی در مورد غنی‌سازی ایران، معامله نکنیم. این به معنای عدم انجام مذاکرات سخت بر سر مسائلی چون کنترل تسلیحات نیست، همان‌طور که در دوران جنگ سرد داشتیم. اما آن مذاکرات مانع حمایت فعال ما از مخالفان آن رژیم نشد. و قطعاً، همان‌طور که از خانم رجوی شنیدیم، باید پیش از نشستن با هر یک از نمایندگان این رژیم، بر توقف فوری این کشتارهای روزانه پافشاری کنیم. **دورین روکماکر:** من از اتحادیه اروپا می‌خواهم که صلاحیت قضایی جهانی را در موارد ممکن برای محاکمه مقامات ایرانی مسئول جنایت علیه بشریت اعمال کند و از شورای حقوق‌بشر سازمان ملل بخواهد تا دادگاهی برای ایران با مأموریت محاکمه مسئولان نقض مستند حقوق بشر تشکیل دهد.

دورین روکماکر خواستار به‌رسمیت شناختن قتل‌عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ به‌عنوان جنایت علیه بشریت شد و ضمن تأکید برخواستهای زیر، اتحادیه اروپا را به پیگیری آنها فراخواند:

- ایجاد یک مکانیسم پاسخگویی بین‌المللی برای ارجاع موارد نقض حقوق بشر ایران به شورای امنیت سازمان ملل

- وادار کردن رژیم به این‌که به هیأت‌های حقیقت‌یاب و گزارشگران ویژه سازمان ملل دسترسی نامحدود به زندانهای ایران بدهد

- مشروط کردن روابط با ایران به بهبود حقوق بشر و پاسخگویی و توقف فوری اعدامها و آزادی همه زندانیان سیاسی

- اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی

کومی نایدو، دبیر کل پیشین عفو بین الملل: از طرح ۱۰ ماده‌یی که شنیدیم الهام گرفته‌ام و برای همین می‌خواهم قبل از هر چیز، یک طرح شش ماده‌یی به اتحادیه اروپا ارائه دهم.

۱- خواستار توقف فوری اعدامها در ایران شوید.

۲- برای ایجاد یک فرایند تحت‌رهبری سازمان ملل و با همکاری کمیساریای عالی حقوق بشر لابی کنید تا شواهد جنایات علیه بشریت که در دهه‌های گذشته رخ داده، مستند و حفظ شود.

۳- از جامعه مدنی، سازمانهای حقوق زنان و روزنامه‌نگاران مستقل ایرانی که موارد نقض حقوق بشر را مستند می‌کنند، حمایت کنید.

۴- از مخالفان و مدافعان حقوق بشر ایرانی در اروپا محافظت کنید و صدای خود را به صدای این جامعه اضافه کنید. اگر می‌خواهید به ارزشهایتان پایبند بمانید، باید در این مورد موضع‌گیری کنید.

۵- خواستار ایجاد یک سازوکار تحقیقی سازمان ملل شوید که بر قتل عام سال ۱۳۶۷ و میراث ادامه‌دار آن متمرکز باشد.

۶- هرگونه تعامل دیپلماتیک با ایران را به پیشرفت ملموس در زمینه حقوق بشر مشروط کنید، نه وعده و وعید.

کومی نایدو ضمن اشاره به صدور حکم اعدام در یک محاکمه ده دقیقه‌یی برای زهرا طبری به خاطر این که پلاکارد «زن- مقاومت- آزادی» در دست داشته، گفت: خطاب به رژیم ایران می‌گویم: سرکوب هرگز نشانه قدرت نیست. سرکوب نشانه ضعف سیاسی شماست.

۷۴- کنفرانس دوحزبی در سنای آمریکا در حمایت از اشرف ۳ با شرکت سناتورهای حامی قطعنامه ۱۴۵ از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه روز ۱۹ آذر ۱۴۰۴ برگزار شد.

خانم مریم رجوی که به صورت آنلاین در این کنفرانس شرکت کرده بود گفت تغییری که ما در پی آن هستیم با قیام سازمانیافته و کانونهای شورشی انجام می‌شود. به همین دلیل از هیچ دولت خارجی نه پول می‌خواهیم نه سلاح. تنها خواست ما این است که جامعه بین‌المللی مبارزه مردم ایران را برای سرنوشتی رژیم، به رسمیت بشناسد. پشتوانه راه حل برای ایران یک جنبش سازمانیافته است؛ سازمان مجاهدین خلق ایران با هزاران کادر آزموده و یک جایگزین دموکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت.

وی افزود تحولات ایران به خصوص در ۶ ماه گذشته شبه‌راه‌حله‌ها و آلترناتیوهای ساختگی برای آینده ایران را کنار زده است. امروز فقط دو گزینه باقی مانده: یا ادامه وضع موجود یا تغییر واقعی توسط مردم و مقاومت ایران برای یک جمهوری دموکراتیک و کثرت‌گرا. خواست ما قاطعیت جهانی در برابر این رژیم ضدبشری و به رسمیت شناختن مبارزه مردم ایران برای سرنوشتی رژیم و نبرد جوانان شجاع ایران با سپاه پاسداران است.

سناتور جین شهین، رهبر دموکرات‌ها در کمیته روابط خارجی سنا، عضو کمیته قوای مسلح و کمیته تخصیص بودجه، گفت: ما در سال گذشته شاهد تغییرات بزرگی در خاورمیانه بوده‌ایم و فرصتی واقعی برای آینده‌یی آزاد و دموکراتیک فراهم شده و امیدواریم ایران نیز در فهرست این کشورها قرار گیرد. با وجود کاهش نفوذ رژیم در سوریه پس از سقوط اسد و فروپاشی اقتصادی ایران، رژیم تهران از تهدیدات هسته‌یی، اعدامهای جمعی، سرکوب زندانیان سیاسی و تبعیض و خشونت جنسیتی دست نکشیده است.

سناتور شهین تأکید کرد باید از ساکنان اشرف ۳ حمایت کرد، بودجه مستندسازی نقض حقوق بشر توسط رژیم را افزایش داد و تحریمها علیه ناقضان حقوق بشر در تهران را بیشتر کرد؛ مردم ایران شایسته ایرانی مبتنی بر جدایی دین و دولت و دموکراتیک و رها از استبداد هستند.

سناتور کوری بوکر، عضو رهبری دموکراتها در سنا و عضو کمیته روابط خارجی، سخن مارتین لوتر کینگ را یادآوری کرد که بی‌عدالتی در هر کجا تهدیدی برای عدالت در همه جاست. مردم ایران طعم آزادی را می‌شناسند و از تاریکی استبداد بیزارند و این سالن با وجود اختلافات سیاسی، دموکراتها و جمهوریخواهان را حول تعهد مشترک به آزادی متحد می‌کند.

سناتور بوکر گفت از مردم ایران که عزمی راسخ و مقاومتی شگرف نشان می‌دهند الهام می‌گیرد و سنا در تعهد به یک ایران آزاد دوشادوش این مبارزه ایستاده است.

سناتور جان کورنین، جمهوریخواه از تکزاس و عضو کمیته روابط خارجی سنا، با اشاره به آشنایی خود با ساکنان اشرف ۳ طی سفر به آلبانی در سال ۲۰۱۷ گفت: ایران منشأ اکثر اتفاقات ناگوار خاورمیانه است و بیش از آنکه «سر مار» باشد، «سر اختاپوس» گروه‌هایی چون حزب‌الله و حوثی‌هاست که از طرف بزرگترین دولت حامی تروریسم جهان عمل می‌کنند؛ وی اعلام کرد به حمایت از مقاومت ایران ادامه خواهد داد.

سناتور روبن گایگو، عضو کمیته بانکداری سنا، گفت: از زمان حضورش در مجلس نمایندگان با موضوع ایران و تهدید خامنه‌ای درگیر بوده است. مردم ایران مانند هر ملت دیگری خواهان آزادی عبادت و بیان بدون سرکوب دولتی هستند؛ باید از این جنبش حمایت کرد زیرا مردم ایران شایسته دموکراسی هستند.

ژنرال جیمز جونز با اشاره به بحرانهای اقتصادی، فقر و فساد حکومتی در ایران گفت این رژیم در داخل ایران بیش از هر جای دیگر ضعیف و هراسان است. پاسخ رژیم به خواسته‌های مردم خشونت است؛ تنها امسال ۱۹۳۲ ایرانی از جمله ۵۶ زن اعدام شده‌اند که بالاترین رقم در بیش از ۳ دهه است، و هم‌اکنون ۱۸ مبارز به اتهام همکاری با مجاهدین خلق در صف اعدام قرار دارند. با وجود این وحشیگری، مردم ایران عقب‌نشینی نکرده‌اند و کانونهای شورشی مجاهدین به نبض زنده سرکشی تبدیل شده‌اند. مردم هم دیکتاتوری شاه و هم استبداد آخوندها را رد کرده و خواهان جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین و دولت هستند.

سناتور روی بلانت، گفت رژیم هرگز تا این حد ضعیف نبوده و نیروهای نیابتی منطقه‌یی آن حذف شده‌اند اما در تهران سرکوب و اعدام ادامه دارد؛ تنها ماه گذشته بیش از ۳۰۰ نفر اعدام شدند. مجاهدین خلق از مبارزه با این رژیم عقب‌نشینی نمی‌کنند.

۷۵- کنفرانس در شهر تاریخی ایپر در بلژیک، (شهری که سنگین‌ترین نبردهای جنگ جهانی اول در اطراف آن رخ داده و صدها هزار تن در آن جان باخته یا مجروح و مفقود و اسیر شده‌اند) روز ۲۰ آذر ۱۴۰۴ در شهرداری تاریخی ایپر، برگزار شد. قبل از برگزاری کنفرانس، خانم رجوی و آقای ایو لترم نخست‌وزیر سابق بلژیک از موزه جنگ جهانی اول در شهرداری ایپر بازدید کردند.

خانم رجوی در سخنرانی خود در کنفرانس گفت: ایپر شهری است که تاریخ آن با جهان سخن می‌گوید. هر شب در ساعت هشت شب، به ما درس‌هایی از جنگ را یادآوری می‌کند و به کسانی که برای کرامت انسانی و صلح و آزادی تلاش می‌کنند، امید می‌دهد. ایپر شهری است که از طریق یادآوری جنگهای وحشیانه، تخریب و نابودی و سربازان بی‌نام و نشانی که به‌خاطر گاز مرگبار خردل از دست رفتند، تبدیل به یک یادآوری اخلاقی در رابطه با بهای جنگ و ارزش صلح شده است. جهان هرگز فداکاریهای ایپر را فراموش نخواهد کرد. ساعتی دیگر من در مراسم «آخرین نواخته» در دروازه منین، گل‌هایی را با افتخار به یاد سربازانی نثار می‌کنم که بر روی این خاک جان خود را فدا کردند. این مراسم که ۹۶ سال است هر روز استمرار دارد، بیش از یادبود قربانیان جنگ است؛ این گریستن تاریخ برای فرزندان انسان است که رنج کشیدند و در عین حال بزرگداشت آنهاست. پس بیایید به احترام کسانی که زندگی خود را در این حادثه غمناک از دست دادند، بایستیم و یک دقیقه سکوت کنیم.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت در ادامه گفت: در این لحظه می‌خواهم در مورد کشورم ایران صحبت کنم؛ جایی که ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ قتل‌عام شدند. تاکنون بیش از صد هزار تن از اعضای این مقاومت در مبارزه برای پایان دادن به این رژیم وحشی، جان باخته‌اند. اما این رژیم فراتر از کشتن انسانها، کرامت انسانی ملت ما را هدف قرار داده است؛ با تحقیر زنان، با تبعیض دینی، با اعمال اجبارات دینی، با نادیده گرفتن حقوق ملیتها و با انکار حق آزادی و حق انتخاب آحاد مردم ایران. جنبش ما درگیر یک نبرد سخت است برای آزادی، کرامت انسانی، برابری زن و مرد و حقوق بشر. دیروز در پارلمان اروپا گفتم و حالا تکرار می‌کنم که آزادی ایران نیاز همه جهان است.

ایولترم، نخست‌وزیر سابق بلژیک در سخنرانیش در کنفرانس ایپر گفت: این سالنی است که من ساعتها در آن به تمرین دموکراسی و مشروعیت‌بخشیدن به تصمیم‌گیرها برای این شهر گذرانده‌ام. البته این تنها نمونه کوچکی از تمرین دموکراسی است. بسیار متفاوت از

مبارزه‌یی است که شما در پیش گرفته‌اید. ما مدتی پیش با هم ملاقات کردیم و گرچه بیان احساساتم آسان نبود، اما من در آن روز آفتابی در حومه پاریس، از یک سو تحت تأثیر توصیف واقعی و تکانه‌دهنده شما از وقایع کشورتان قرار گرفتم و از سوی دیگر، مجذوب شجاعتی شدم که شما نماد آن هستید. شجاعتی که نشان می‌دهد حتی در یأس‌آورترین شرایط و در رویارویی با قساوت بی‌حد و حصر رژیم حاکم بر ایران، نه یک یا دو نفر، بلکه هزاران و صدها هزار نفر از هموطنان ایرانی شما هستند که تحت رهبری شما به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، می‌خواهند مبارزه کنند و حق حیات، حق آزادی بیان و حق زندگی در آزادی در میهن خود را به دست بیاورند. خانمها و آقایان، ایران کشوری پنهانور است و ملتی با ظرفیتهای عظیم دارد. بنابراین، من برای شما، برای جنبش شما و فراتر از آن، برای تمام مردمی که در حال حاضر رنج می‌برند در حالی که ما این‌جا در ایپر، در این تالار شهر و در این سالن شورای شهر در امنیت نشسته‌ایم، ابراز امیدواری می‌کنم که به‌زودی شرایط به‌طور واقعی تغییر کند. پس بیایید به شجاعت مردم ایران نیز ادای احترام کنیم.

کاترین دسومر، شهردار ایپر در سخنانش گفت: از طرف شورای شهر ایپر، به همه شما در تالار ایپر خوش‌آمد می‌گویم. یک روز پس از روز جهانی حقوق بشر، ما مفتخریم که میزبان خانم مریم رجوی باشیم و به او خوش‌آمد بگوییم؛ شخصیتی که نقشی مهم برای آینده ایران و در سطح بین‌المللی در مبارزه برای حقوق بشر، ارزشهای دموکراتیک و کرامت اجتماعی ایفا می‌کند. خانم رجوی، برای شهر ما افتخار بزرگی است که میزبان شما در این‌جا باشیم و همراه با شما به معنای صلح، آزادی و پایداری انسانی بیندیشیم. ایپر شهری است که بیش از یک قرن است پیامدهای جنگ و سرکوب را به جهان یادآوری می‌کند. فاجعه جنگ جهانی اول نه تنها ساختمانها و جانها را نابود کرد، بلکه به درکی عمیق نیز منجر شد: این که صلح را هرگز نمی‌توان امری بدیهی دانست و جوامع باید فعالانه از ارزشهایی که هم‌زیستی انسانها را ممکن می‌سازند، پاسداری کنند. مراسم روزانه «آخرین نواخته» زیر دروازه منین نماد زنده این امر است. آیینی که هر غروب بر مسئولیت ادامه تلاش برای گفتگو، عدالت و احترام میان ملتها تأکید می‌کند. در این بستر تاریخی و اخلاقی، استقبال از شما در این‌جا در ایپر معنای ویژه‌یی دارد. تعهد دیرینه شما به دفاع از حقوق اساسی و تلاش شما برای آینده‌یی برای ایران که در آن شهروندان بتوانند آزادانه زندگی کنند، با ارزشهای بنیادین این شهر هم‌سو است. ایپر نه تنها مکانی برای یادآوری، بلکه محلی برای آگاهی و تعهد است. حضور شما در این‌جا امروز به ما این فرصت را می‌دهد تا به اهمیت همبستگی بین‌المللی و گوش سپردن به داستانهای یکدیگر بیندیشیم. امروز، ما می‌خواهیم تأکید کنیم که چقدر مهم است صداهایی که برای کرامت انسانی به‌پامی‌خیزند، همچنان شنیده شوند. در شهر ما، جایی که یادآوری و چشم‌انداز آینده دست در دست هم دارند، چنین صداهایی جایگاهی می‌یابند که با احترام و توجه پذیرفته شوند. این سنتی است که ما به‌عنوان ساکنان ایپر به آن افتخار می‌کنیم و آن را ارج می‌نهیم. خانم رجوی عزیز، بازدید شما از ایپر که البته کوتاه است، نه تنها آموزنده بلکه الهام‌بخش نیز خواهد بود.

۷۶- کنفرانس بحران کنونی ایران به ابتکار کمیته پارلمانی ایران دموکراتیک در مجلس ملی فرانسه، روز ۲۴ آذر ۱۴۰۴ به ریاست خانم کریستن اریگی رئیس این کمیته و با حضور و سخنرانی خانم مریم رجوی و شماری از نمایندگان مجلس ملی فرانسه از احزاب مختلف تشکیل شد.

سخنرانان عبارت بودند از: هروه سولینیاک، معاون کمیته پارلمانی ایران دموکراتیک، پاتریک هتزل، نماینده پارلمان از حزب جمهوریخواه، آلن ویوین، وزیر سابق و نخستین رئیس هیأت نخست‌وزیری در مقابله با فرقه‌ها، ژیلبر میتران، رئیس بنیاد فرانس لیبرته دانیل میتران، خانم دومینیک آتیاس، رئیس سابق کانون وکلای اروپایی، ژان پیر برار شهردار و نماینده سابق مجلس ملی و از بنیانگذاران کمیته پارلمانی ایران دموکراتیک، ژان فرانسو لوگاره، شهردار سابق منطقه یک پاریس، خانم سارا نوری، وکیل و حقوقدان و دکتر حمیدرضا طاهرزاده، عضو شورای ملی مقاومت ایران.

خانم رجوی در سخنرانی خود گفت: رژیم می‌خواهد برای جلوگیری از شکل‌گیری قیام مردمی، فضای وحشت ایجاد کند. هدف این سرکوب، جلوگیری از پیوستن جوانان به کانونهای شورشی است. با وجود این، آن‌چه که گسترش می‌یابد، نه ترس بلکه مقاومت است. کشورهای غربی به‌خاطر منافع تجاری یا به‌دلیل شانتاژ و جنگ‌طلبی و تروریسم و گروگانگیری، چشم‌شان را روی اعدامها، سرکوب و

تروریسم رژیم می‌بندند. اما پس از کشیدن ماشه و اعمال تحریم‌های جدید شورای امنیت، دولتهای غرب باید سیاست مداخلات را رها کنند و در کنار مردم ایران قرار بگیرند؛ در کنار «کانون‌های شورشی» که پشت‌ازان قیام هستند و هر روز بر توانمندی آنها در در مقابل با سپاه پاسداران افزوده می‌شود.

گریستین اریگی، رئیس کمیته پارلمانی ایران دموکراتیک گفت: مبارزه برای آزادی در ایران فراتر از یک مطالبه سیاسی یا نبرد ایدئولوژیک؛ یک ضرورت انسانی و اخلاقی است. به همین دلیل، کمیته پارلمانی برای ایران دموکراتیک، طی ۱۶ سال گذشته همواره در کنار مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنها ایستاده است. ما ۴ بار حمایت اکثریت نمایندگان مجلس ملی را به دست آورده‌ایم. خانم اریگی تأکید کرد: پس از جنگ ۱۲ روزه در ژوئن گذشته، یک واقعیت بر همگان آشکار شده است. نه جنگ، نه دخالت خارجی، نه اپوزیسیون خودخوانده سلطنت‌طلب و نه مداخلات با رژیم، هیچ‌کدام نمی‌توانند بن‌بست ایران را حل کنند. همان‌طور که خانم رجوی به‌طور منظم بیان می‌کند، یک راه سوم وجود دارد. تغییر توسط مردم و مقاومت سازمانیافته آنها که دهه‌هاست ادامه دارد. گسترش کانونهای شورشی در تهران و بسیاری از شهرها که رژیم نیز امروز به آن اعتراف می‌کند، گواه این امر است. طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی مقاومتی را نشان می‌دهد که تنها به رویارویی با دیکتاتوری بسنده نمی‌کند، بلکه مدل مشخصی برای آینده‌یی آزاد، فراگیر و دموکراتیک ارائه می‌دهد. این رویکرد، راه‌حلی ملموس و قابل اجرا برای تغییر در ایران است.

خانم اریگی افزود: مقاومت ایران نه تنها با سرکوب بی‌رحمانه روبه‌روست، بلکه با یک کارزار گسترده شیطان‌سازی و پخش اطلاعات نادرست نیز مواجه است. این کارزار هم توسط قدرت حاکم و هم توسط برخی حامیان بازگشت سلطنت هدایت می‌شود. با این حال، آلترناتیوی که مقاومت ارائه می‌دهد، بسیار روشن است.

هروه سولینیاک، نایب‌رئیس کمیته پارلمانی ایران دموکراتیک از گروه سوسیالیست‌ها در سخنرانی خود گفت: همبستگی برای دفاع از حقوق بشر و آزادی در هر کجا که تهدید می‌شود، یک وظیفه اخلاقی برای هر جمهوریخواه است؛ کمیته ما در ۱۸ سال گذشته با تکیه بر نقش محوری مقاومت ایران، جهت‌گیریهای سیاسی روشن، موضعی ثابت، وفادار به ارزشهای جمهوری فرانسه و مستقل از دولتهای متوالی اتخاذ کرده است که بارها توسط اکثریت قاطع مجلس ملی تأیید شده است. حمایت از آزادی در ایران در برابر یکی از سرکوبگرترین رژیمهای جهان، بدون فشار، ارعاب و تلاش برای انحراف مسیر، نمی‌تواند پیش برود؛ این مبارزه اغلب در شرایط دشوار انجام شده است. رژیم ایران که با وجود سرکوب و اعدامهای گسترده قادر به شکست مقاومت نیست، یک کارزار گسترده شیطان‌سازی را در خارج از کشور علیه مخالفان خود به راه انداخته است که گاهی کمیته خود ما را نیز هدف قرار می‌دهد.

هروه سولینیاک افزود: من تحسین‌کننده سرسختی مقاومت شما در طول سالها هستم و متقاعدم این مقاومت شایسته یک ایران آزاد و دموکراتیک است. مبارزه شما توسط زنان و مردان شجاعی انجام می‌شود که با عزمی ستودنی، با یک دیکتاتوری وحشی و غیرانسانی روبه‌رو هستند؛ رژیمی که تحت پوشش دین، سلطه‌یی عمیقاً سرکوبگرانه بر مردم تحمیل می‌کند. سرکوب رژیم ایران تنها به داخل کشور محدود نمی‌شود، بلکه در خارج نیز فعالیتهای بسیار خطرناک و بی‌ثبات‌کننده‌یی انجام می‌دهد که امنیت و ثبات اروپا را تهدید می‌کند.

آلن ویوین، وزیر سابق و نخستین رئیس هیأت نخست‌وزیری در مقابل با فرقه‌ها گفت: مجاهدین خلق بی‌وقفه از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، جدایی دین و دولت، برابری کامل زن و مرد، ممنوعیت هر گونه شکنجه و حق محاکمه عادلانه دفاع می‌کنند. تمام این ارزشها توسط رژیم کنونی پایمال می‌شوند، رژیمی که روزهای قدرتش به شماره افتاده است؛ سرکوب وحشیانه به‌ویژه علیه زنان یکی از گویاترین نشانه‌های وحشیگری آخوندهاست. رژیم به این واقعیت پی برده است که زنان قلب تپنده مقاومت را تشکیل می‌دهند؛ بسیاری از کانونهای شورشی که امروز رژیم را به چالش می‌کشند، توسط زنان رهبری می‌شوند. همین زنان شعار «زن، مقاومت، آزادی» را به شعار سقوط رژیم تبدیل کرده‌اند؛ این زنان به‌ویژه از نسل جدید، با شجاعت، رژیم و پاسداران آن را در هر کوچه و خیابان به چالش می‌کشند. سمیه رشیدی، ۴۲ ساله، به‌دلیل نوشتن شعار علیه آخوندها دستگیر، زندانی و در زندان کرج شکنجه شد و جان باخت؛ زیرا فریاد زده بود: «مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد مریم رجوی».

ژیلبر میتران، رئیس بنیاد فرانس لیبرته - بنیاد دانیل میتران، در سخنان خود گفت: ما این جا هستیم تا حمایت کامل و تعهدمان را نسبت به شورای ملی مقاومت و رئیس‌جمهور آن، مریم رجوی، نشان دهیم، تعهد ما به ظهور یک ایران آزاد به همان اندازه قدرتمند است که شما آرزو می‌کنید؛ برای احترام به منشور حقوق بشر ما همه پشت سر شما هستیم. ما این جا هستیم تا احترام به حق و حقیقت و عدالت را در برابر قتل عام گسترده‌یی که مردم ایران ۴۴ سال است متحمل می‌شوند، از جمله قتل عام سال ۱۳۶۷، مطالبه کنیم. مصونیتی که مقامات ایرانی دارند، به آنها اجازه می‌دهد از مرزهای وحشت فراتر روند. تلاشهای زیادی برای رسیدن به تصمیمات عملی لازم است. ما این جا هستیم برای به رسمیت شناختن اپوزیسیون ایران که سازمانیافته‌ترین اپوزیسیون در جهان است؛ این اپوزیسیون پیشنهادها واقعی برای ایران فردا دارد. مبارزه شورای ملی مقاومت ایران عادلانه است. من اعتماد خود را به مریم رجوی در رأس شورای ملی مقاومت ابراز می‌کنم.

۷۷- تظاهرات دهها هزار ایرانی در برلین در ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در سرمای شدید و بی‌سابقه برگزار شد و جوامع ایرانی، شخصیت‌های سیاسی و مدافعان حقوق بشر شرکت داشتند، حاضران با یک دقیقه دست‌زدن یاد شهدای قیام‌های اخیر را گرامی داشتند و بر ضرورت به رسمیت شناختن مقاومت سازمانیافته تأکید کردند. سخنرانان بر سه پرسش اساسی درباره آینده ایران تمرکز کردند: امکان‌پذیری تغییر در برابر حاکمیتی سراپا مسلح، جلوگیری از خلأ قدرت و هرج و مرج پس از تغییر، و ماهیت آلترناتیو دموکراتیک واقعی.

خانم رجوی در این تظاهرات گفت: ما برای سالروز انقلاب ضدسلطنتی علیه دیکتاتوری شاه جمع شده‌ایم. اما ابتدا از قیام دی‌ماه شروع می‌کنیم. قیامی که سرخ‌فام شد، اما با خون کهکشان شهیدان و هزاران جان شیفته و خشم و خروش خلق قهرمان، ایران و جهان را به لرزه درآورد. حالا دیگر در دنیا کسی در حتمیت سرنگونی این رژیم تردید ندارد. سالها و سالها می‌گفتیم سرنگونی، سرنگونی. اینک همه مقدم آن را به چشم می‌بینند و صدای پایش را می‌شنوند. شجاعت شورشگران ایران زمین درخشید و عالم‌گیر شد و طلسم مماشات در رابطه با سپاه پاسداران در اروپا درهم شکست.

حالا دیگر زمان به رسمیت شناختن مقاومت ۴۴ ساله مردم ایران برای سرنگونی است. بله زمان به رسمیت شناختن نبرد کانونهای شورشی و ارتش آزادیبخش ملی ایران است، که در آستانه ورود به ۴۰ سالگی است.

قیام دی‌ماه در مجموع سه طرف داشت؛ یک طرف شورشگران که صحنه نبرد را در دست داشتند و جان خود را فدای آزادی می‌کردند. در طرف مقابل، شیخ که بی‌دریغ خون می‌ریخت. و طرف دیگر بقایای شاه و بچه شاه که آمده بود حاصل خونها را به سرقت ببرد. با شعار فوق ارتجاعی جاوید شاه که به شیخ در کشتار، دست بازتر می‌داد. شعاری که شاخص تفرقه‌اندازی، در خدمت خامنه‌ای و نیروهای سرکوبگر و راهبند قیام است.

اما ما در دهه سوم قرن بیست و یکم هستیم و به قول مسعود رجوی «اگر کسی گمان می‌کند می‌تواند انقلاب دموکراتیک نوین ایران را مانند انقلاب مشروطه و انقلاب ضدسلطنتی برپاید و در لجه خون اندازد، سخت در اشتباه است».

می‌پرسند مگر می‌توان این استبداد سراپا مسلح را سرنگون کرد؟ قیام دی پاسخ می‌دهد: آری و با تهاجم صاعقه‌آسای خود، راه را نشان داد. راه ارتش قیام، ارتش بزرگ آزادی مردم ایران.

می‌پرسند: بعد از سرنگونی رژیم چطور باید از هرج و مرج جلوگیری کرد؟ می‌گوییم این رژیم خودش سرچشمه ناامنی و هرج و مرج است و خلقی که آن را سرنگون کند با تکیه بر یک جایگزین دموکراتیک و همبستگی تمام نیروهای جبهه خلق می‌تواند از آشوب و بی‌سروسامانی هم جلوگیری کند.

ایران آینده، یک جمهوری دموکراتیک است در امتداد راه مصدق، با جدایی دین از دولت، خودمختاری ملیتها و یک ایران غیراتمی و در صلح با همه جهان.

می‌پرسند آیا آلترناتیوی هست؟ آری هست. فقط باید به آن چشم گشود. ۴۴ سال است که با چراغ راهنمای نه شاه نه شیخ، در آتش و خون دوام آورده. این چراغ راهنما به معنی نفی دیکتاتوری و وابستگی و اثبات آزادی و استقلال است.

طبق برنامه شورای ملی مقاومت، قانون اساسی در ایران آینده توسط مجلس مؤسسانی تدوین می‌شود که انتخابات آن حداکثر شش ماه بعد از سرنگونی برگزار می‌شود. روح و ترجیع‌بند آن چه مردم ما می‌خواهند، آزادی، آزادی و آزادی است. مشارکت فعال و برابر زنان در رهبری است و عدالت است برای همه؛ و مشارکت متساوی همگان به‌ویژه ملیت‌های ایران در حقوق و اداره امور اعم از کرد و بلوچ و ترکمن و عرب.

شارل میشل، رئیس پیشین شورای اروپا از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ و نخست‌وزیر بلژیک از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در سخنرانی خود گفت: چندین دهه شما با دستان خالی ولی با قدرت و تعهد مقابل این استبداد ایستادید. ما می‌دانیم شما قیمت سنگینی دادید برای مبارزه علیه دو دیکتاتوری، دیکتاتوری شاه و دیکتاتوری آخوندها. در سال ۱۳۵۷، شما شاه و رژیم جنایتکار او را سرنگون کردید. او مجبور شد از ایران فرار کند. ولی این انقلاب توسط آخوندها به سرقت رفت و شما باز هم در رنج یک دیکتاتوری بی‌رحم گرفتار آمدید. امروز به‌رغم سببیت و جنایتها، شما مقاومت می‌کنید و همراه با هم برای آزادی فراخوان می‌دهید. برای آزادی بی‌وقفه مبارزه می‌کنید. ما باید به‌روشنی بگوییم آزادی حق شماست.

در سراسر ایران، مردان، زنان، جوانان، افراد مسن، کارگران و بازاریان قیام می‌کنند. شما یک صدا دارید و شما یک آرزو دارید: آرزوی یک آینده بهتر و یک آینده آزاد. یک چیز روشن است. سکوت به سود مصونیت متجاوزین خواهد بود. جهان به شما مدیونست که با افشای پروژه‌های اتمی رژیم چشم‌هایش را باز کردید. بیایید به‌روشنی بگوییم: این جاه‌طلبی اتمی و فراتر از آن موشک‌های بالستیک برای این هست که بیشتر هرج و مرج ایجاد کنند اما ما مرعوب نمی‌شویم.

دوستان عزیز ایرانی، ما درسهای خود را آموخته‌ایم: درس اول: مماشات راه چاره نیست. این که رژیم خودش را اصلاح کند، فقط یک توهم است و هم‌چنین یک دخالت خارجی نمی‌تواند یک راه‌حل باثبات و بادوام بیاورد.

درس دوم: سکوت همدستی است. بیایید مرعوب نشویم. باج‌خواهی را رد کنیم.

این مرا به درس سوم می‌رساند: یک آلترناتیو وجود دارد. آیا یک آلترناتیو وجود دارد؟ بله یک آلترناتیو وجود دارد. یک سازمان، همان جنبش شجاعانه شما مردم ایران، فقط شما حق دارید که آینده را تعیین کنید و قانون اساسی‌تان را تعیین کنید. هیچ کس نباید حق این را داشته باشد که آرزوهای شما را برایتان تعیین کند. در هفته‌های اخیر ما شاهد یک تلاش برای سرقت آرزوهای شما بودیم. این بار توسط پسر شاه، پسر یک دیکتاتور که حقارت و شرم می‌پراکند. کشتارها و شکنجه‌هایی را که در دوران دیکتاتوری شاه صورت گرفت هیچ‌گاه از یاد نمی‌بریم. پسر شاه سرمایه عظیمی با هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی خرج می‌کند و تلاش می‌کند یک تصویر فیک و دروغین ارائه بده تا بار دیگر آینده مردم ایران را سرقت ببرد و خودش را تحمیل کند. اما شما مقاومت سازمانیافته و خواهان دموکراسی هستید. شما صادقانه خواهان دموکراسی هستید، می‌خواهید به مردم‌تان خدمت کنید و این تفاوت بنیادین شما با آنهاست.

شما از انتخابات آزاد و عادلانه حمایت می‌کنید. آزادی در قلب حاکمیت آینده یک جمهوری دموکراتیک در ایران است و برنامه ۱۰ ماده‌یی، مسیر درست برای رفتن از استبداد به دموکراسی است. اینها بنیادهای این حکومت خواهد بود. خانم رجوی برنامه ۱۰ ماده‌یی یک پل قدرتمند است از استبداد به آزادی. با ایستادن در کنار شما ما پیام روشنی رو به جهان می‌فرستیم.

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا (۲۰۱۸ - ۲۰۲۱): مردم ایران به‌روشنی با قیام‌هایشان نشان داده‌اند خواهان استبداد نیستند، خواهان حکومت سلطنتی هم نیستند. آنها خواهان یک جمهوری دموکراتیک هستند. قیامی که این روزها اتفاق افتاد در ۴ دهه جنبش دموکراسی‌خواهی ایران ریشه دارد. جنبش شما قدرت خود را برای جایگزینی با این رژیم نشان داده است. شما که در اشرف هستید، آنچه الآن در ایران اتفاق می‌افتد نشان قدرت شما است. رژیم را نمی‌توان از بیرون سرنگون کرد. آزادی ایران با نیرویی محقق می‌شود که دهه‌ها فداکاری کرده است. ایران فقط می‌تواند با یک مقاومت سازمانیافته آزاد شود. تنها خواست مقاومت ایران به‌رسمیت شناخته شدن حق مقاومت برای مبارزه با عوامل این رژیم و مشخصاً علیه سپاه پاسداران است.

پیتر آلتمایر، رئیس دفتر صدراعظم آلمان آنکلا مرکل (۲۰۱۸-۲۰۱۳): هیچ امیدی به تغییر رفتار رژیم ایران نیست. در ایران باید تغییر رژیم صورت بگیرد. این رژیم باید با حکومتی جایگزین شود که در آن آزادی و دموکراسی حاکم باشد. این خواست در برنامه ده ماده‌ی خانم مریم رجوی آمده است. برقراری انتخابات آزاد، برابری زن و مرد و لغو حکم اعدام، این وظیفه‌ی است که به عهده شماس است. پاسداران بالاخره توسط اتحادیه اروپا لیست‌گذاری تروریستی شد. اما این اولین قدم است، باید قدمهای بیشتری در این مسیر برداشت. **زاینه لویت هویزر آشنانبرگر**، وزیر دادگستری آلمان (۱۹۹۶-۱۹۹۲ و ۲۰۱۳-۲۰۰۹): مردم ایران جان خود را برای مبارزه در راه تغییر رژیم به خطر انداختند. شعار آنها این است: «مرگ بر حکومت آخوندی»، «پیش به سوی آزادی» و «حق زندگی به شیوه‌ی که خود می‌خواهند». دقیقاً همان چیزی که خانم رجوی مطالبه می‌کند و شما خواهان آن هستید. حضور امروز شما در این جا و پیامی که برای ایرانی آزاد و برقراری یک جمهوری دموکراتیک با خود آورده‌اید، امیدبخش است. این رژیم باید منزوی بشود.

۷۸-تظاهرات هزاران ایرانی همزمان با کنفرانس امنیتی مونیخ در ۲۴ بهمن ۱۴۰۴ علیه فاشیسم دینی حاکم بر ایران، برگزار شد. **خانم رجوی** در این تظاهرات در پیام خود گفت: رهبران جهان را فرامی‌خوانیم به این خواسته‌های حق‌طلبانه مردم ایران پاسخ مثبت دهند:

- ۱- به رسمیت شناختن مبارزه و مقاومت مردم ایران برای سرنگونی رژیم و نبرد جوانان و کانونهای شورشی با سپاه پاسداران
- ۲- اقدام فوری شورای امنیت ملل متحد برای ممانعت از اعدام زندانیان قیام و زندانیان سیاسی و حمایت از کارزار سراسری نه به اعدام
- ۳- ایجاد تسهیلات برای دستیابی مردم به اینترنت آزاد
- ۴- ارجاع پرونده خامنه‌ای و سایر سردمداران رژیم به شورای امنیت ملل متحد برای محاکمه در یک دادگاه بین‌المللی به‌خاطر جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی و همزمان پیگرد قضایی آنها در دادگاههای ملی کشورها بر اساس اصل صلاحیت جهانی.
- ۵- تعطیلی سفارت‌های رژیم و اخراج دیپلمات‌ها و مزدوران سپاه و وزارت اطلاعات
- ۶- قطع کامل شریانهای مالی رژیم آخوندی

ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه شورای ملی مقاومت در این تظاهرات: گفت آن چه در ایران در جریان است یک اعتراض مقطعی نیست، یک نبرد سرنوشت‌ساز برای آزادی و حاکمیت مردم است. کشتار جوانان در خیابانها، شلیک به سر معترضان، هجوم به بیمارستانها و کشتار مجروحان روی تخت بیمارستان، نشانه قدرت یک حکومت نیست، نشانه وحشت یک رژیم در حال سرنگونی است. اما بگذارید روشن‌تر بگویم: مردم ایران نه برای بازگشت به گذشته قیام کرده‌اند، نه برای تعویض یک دیکتاتور با یک دیکتاتور دیگر. پروژه سفیدسازی سلطنت با ارتش حسابهای جعلی و تبلیغات مهندسی‌شده، توهین به خون جوانانی است که در خیابانها فریاد می‌زدند: مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر. پس درود بر کانونهای شورشی و قهرمانان قیام دی‌ماه.

جان برکو، رئیس و سخنگوی پارلمان انگلستان (۲۰۰۹-۲۰۱۹): آلترناتیو برای استبداد خونریز تهران، این نیست که به عقب برگردیم. به سلطنت، به قدرت فئودالی و یک حکومت خودکامه برگردیم. ما خواهان دیکتاتوری در ایران نیستیم، چه از نوع آخوندها یا از نوع شاه یا از نوع پسر شاه.

من در پارلمان انگلستان به مدت ۲۲ سال خدمت کرده‌ام که ۱۰ سال آن رئیس و سخنگو بودم. من با افرادی که برای آزادی کارزار می‌کردند در سراسر جهان ملاقات کرده‌ام. باید به شما بگویم که هیچ‌گاه کسانی را ملاقات نکردم که برای تغییر به جانب دموکراسی در جهان، نسبت به خانم مریم رجوی متعهدتر و شجاع‌تر یا منسجم‌تر باشند. او یک قهرمان برای بشریت است. من پسر شاه را از نزدیک نمی‌شناسم، آنچه می‌دانم این است که برای مبارزه قهرمانانه‌ی که در ایران صورت می‌گیرد، هیچ چیزی را فدا نکرده، هیچ اقدامی نکرده. هیچ کاری نکرده، برعکس خانم مریم رجوی همه زندگی خودش را وقف تحقق آزادی مردم خودش کرده است. هیچ نمونه دیگری از فداکاری و از خودگذشتگی مانند شورای ملی مقاومت و خانم رجوی که یک برنامه ۱۰ ماده‌ی دارد، نیست. ضروری است که جامعه جهانی به صراحت بگوید ما معتقدیم آینده ایران توسط مردم ایران و با انتخاباتی که توسط مردم ایران برگزار می‌شود، تعیین خواهد شد. در ایران دولتی برای ایران و توسط مردم ایران برقرار خواهد شد. کشور من قوانین و اصول دموکراتیک خودش را دارد.

خیلی اوقات اشتباهاتی می‌کنیم ولی یک دموکراسی هستیم. آن‌چه برای مردم ایران می‌خواهم آزادی و دموکراسی و عدالت و حاکمیت قانون است. مردم کشور ما مدتهاست از اینها بهرمنده می‌شوند و مردم ایران برای مدتی بیش از اندازه طولانی، از آن محروم بوده‌اند. مبارزه را ادامه بدهید و من تا وقتی نفس می‌کشم هم‌چنان علیه این رژیم وحشتناک و به سود شورای ملی مقاومت ایران و برای شجاع‌ترین زنی که در جهان می‌شناسم، موضع خواهم گرفت.

محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت: ما آمده‌ایم بگوییم ایران چلبی‌بردار نیست. ایران عراق ۲۰۰۳ نیست، بقایای رژیم گذشته، جایی در ایران ندارند. عرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند. ما در اینجا جمع شدیم که بگوییم حق مردم ایران برای مقاومت علیه این رژیم، حق کانونهای شورشی، حق سازمان مجاهدین خلق ایران برای مبارزه قهرآمیز با سپاه پاسداران و نیروهای سرکوبگر باید به رسمیت شناخته شود. تجربه ۴۴ ساله برای صدمین بار تأیید کرد که تنها راه، راه مجاهدین و راه کانونهای شورشی، علیه فاشیسم دینی است. اگر صلح در منطقه می‌خواهید، اگر به آزادی برای مردم ایران احترام می‌گذارید، که امیدوارم این‌طور باشد، باید حق مقاومت در برابر این رژیم را به رسمیت بشناسید. «نه شاه، نه شیخ» راهبند استبداد و استعمار است. ما از تبار ستارخان هستیم که وقتی به او پیشنهاد کردند پرچم یک دولت خارجی را بر بالای امیرخیز برافرازد، گفت هفت کشور باید بیایند زیر بیرق ایران. ما از نوادگان مصدق هستیم که سیاست موازنه منفی را فرا راه مردم ایران و خلقهای خاورمیانه گذاشت و قیمتش را هم به تمام معنا پرداخت. ما از فرزندان حنیف‌نژاد و سعید محسن و بدیع‌زادگان هستیم که برای مبارزه با دیکتاتوری وابسته شاه، تمام قیمت را پرداخت کردند و راهی را گشودند که امروز ما در ادامه آن مسیر هستیم. ما دانش‌آموختگان مکتب مسعود رجوی هستیم که سر سوزنی از منافع ملی ایران کوتاه نمی‌آید. پرچمدار ما مریم رجوی است که پرچم استقلال، عزت و شرافت ملت ایران را در سراسر جهان بلند کرده است. ما با کسی سر دشمنی نداریم، اما در برابر استبداد و هر طرفی که استقلال و وحدت و یک‌پارچگی ایران را نقض کند، سر فرود نمی‌آوریم.

۷۹-کنفرانس بین‌المللی «رهبری زنان؛ ضرورت ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک»، روز ۳ اسفند ۱۴۰۴ در آستانه روز جهانی زن برگزار شد. در این کنفرانس خانم مریم رجوی و زنان برجسته سیاسی از اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای لاتین سخنرانی کردند که از جمله عبارت بودند از:

- میشل آلیوماری (وزیر امور خارجه و اروپا، وزیر دادگستری و آزادیها، وزیر کشور و وزیر دفاع سابق فرانسه)،

- روزالیا آرتیگا سرانو (رئیس‌جمهور اکوادور در سال ۱۹۹۷)،

- آنلی یاتین‌ماکی (نخست‌وزیر و وزیر سابق دادگستری فنلاند)،

- آنا هلنا چاکان اچوریا (معاون رئیس‌جمهور کاستاریکا ۲۰۱۴ - ۲۰۱۸)،

- کارلا سندز (سفیر آمریکا در دانمارک ۲۰۱۷ - ۲۰۲۱)،

- اینگرید بتانکورت (سناتور سابق و نامزد ریاست‌جمهوری کلمبیا)،

- جودی اسگرو (نماینده پارلمان کانادا و وزیر سابق شهروندی و مهاجرت کانادا)،

- نایکه گروپیونی (عضو کمیسیون خارجی پارلمان ایتالیا)،

- الیزا پیررو (عضو مجلس سنای ایتالیا)،

- لیندا چاوز (رئیس سابق روابط عمومی کاخ سفید)،

- دومینیک آتیاس (رئیس هیأت مدیره فدراسیون وکلای اروپا / رئیس پیشین قانون وکلای اروپا)،

- پیلا روخو (رئیس کمیسیون خارجی سنای اسپانیا)،

- روسا رومرو (رئیس کمیسیون برابری سنای اسپانیا)،

- هلنا کاریاس (وزیر دفاع پرتغال ۲۰۲۲ - ۲۰۲۴)،

- فیونا اولافلین (نایب رئیس سنای ایرلند و رئیس حزب فینافل در سنا)،

- دانا هیوز (پروفسور گروه مطالعات جنسیت و زنان)،

- هلن گودمن (نماینده سابق مجلس عوام انگلیس، معاون پارلمانی وزیر در وزارت جوامع، وزیر سایه امور اروپا)،

- ایو بورگ بونلو (نماینده پارلمان مالت)،

- الی فان وایک (عضو سنای هلند)،

- دورین روکماکر (نماینده پارلمان اروپا از هلند ۲۰۱۹ - ۲۰۲۴)،

- کارن اسمیت (مشاور ویژه دبیرکل سازمان ملل در «مسئولیت حفاظت» ۲۰۱۹ - ۲۰۲۱)،

- الیزابتا زامپاروتی (از انجمن «به قابیل دست زنید» و نماینده سابق پارلمان ایتالیا).

- سروناز چیت‌ساز (مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران)،

- زینت میرهاشمی (سرمدیر نشریه نبرد خلق و عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)،

- و شماری از مجاهدان اشرف و نمایندگان جوامع زنان ایرانی در خارج کشور

خانم رجوی در سخنانش بر نقش زنان ایران به‌عنوان نیروی تغییر تأکید کرد و گفت، بدون رهبری زنان نه تغییر دموکراتیک در ایران امکانپذیر است، نه پس از سرنگونی رژیم انتقال آرام، منظم و دموکراتیک قدرت متصور است و نه از دموکراسی و عدالت و توسعه حقیقی اثری خواهد بود. سرنگونی این رژیم ممکن نمی‌شود مگر این که زنان، نیروی اصلی تغییر باشند و آزادی و دموکراسی به‌دست نمی‌آید مگر با حضور زنان در رهبری سیاسی جامعه.

شورای ملی مقاومت، با ارائه برنامه‌ها و طرحهای مشخص، بر این اصل پامی‌فشارد که حقوق‌بشر همان حقوق زنان است و باید در تمامی پهنه‌ها به‌رسمیت شناخته شود. از آزادی انتخاب‌کردن و انتخاب شدن، تا حق انتخاب آزادانه پوشش، آزادی اشتغال، حق فعالیت سیاسی اجتماعی و اقتصادی، حق استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات هنری و ورزشی، دریافت مزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی، آزادی گزینش همسر، حق متساوی طلاق و منع هرگونه بهره‌کشی جنسی از زنان تحت هر عنوان. ما هر اجبار و تحمیل را قاطعانه رد می‌کنیم؛ نه حجاب اجباری، نه دین اجباری و نه حکومت اجباری.

وی رهبری زنان را شاخص قاطعی برای شناخت مدعیان دانست و خاطرنشان کرد که اگر با این شاخص به جماعت نئوفاشیست مدعی سلطنت بنگرید، می‌بینید که در تفکر زن‌ستیز و سرکوبگر، همزاد رژیم ارتجاعی است بی‌آن که عمامه داشته باشد.

کارلا سندز گفت: یک برداشت غلط وجود دارد که زنان در دوران شاه حقوق داشتند و از برابری برخوردار بودند، اما این ادعا نادرست است... وی با اشاره به مصاحبه‌های شاه و نقل‌قولهای عمیقاً زن‌ستیزانه شاه نتیجه‌گیری کرد که یک دیکتاتوری ذاتاً نمی‌تواند برابری جنسیتی ارائه دهد... زنان ایرانی به این درک رسیده‌اند که آزادی شخصی آنها از آزادی کل ملت جدایی‌ناپذیر است و این درک آنها را از قربانی به رهبران جنبش مقاومت ملی تبدیل کرده است.

میشل آلیوماری گفت: روز زن، فرصتی است برای ما تا همبستگی، حمایت و محبت خود را به زنان و مردان ایرانی ابراز کنیم که با شجاعت و عزمی بی‌نظیر در برابر یکی از مردسالارانه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین رژیمهای سیاره ما ایستاده‌اند.

اینگرید بتانکور ضمن رد هر نوع دیکتاتوری اعم از سلطنتی یا مذهبی گفت هر نوع استبداد، ضدبرابری است. در دوران شاه، برابری بدون دموکراسی صرفاً ظاهری بود. تحت رژیم مذهبی، تبعیض جنسیتی، زن‌ستیزی و خشونت علیه زنان در قانون و سیاست نهادینه شده است.

جودی اسگرو تأثیرات رهبری زنان در مقاومت ایران را فراتر از مرزهای ملی توصیف کرد و آن را دستاوردی برای جنبش جهانی برابری خواند. او خطاب به خانم رجوی گفت دستاوردهای شما نه تنها به نفع مردم ایران، بلکه به نفع زنان در سراسر جهان بود.

سروناز چیت‌ساز گفت: رژیم زن‌ستیز آخوندها تصور می‌کند که می‌تواند مردم ایران را با قتل‌عام، دستگیریهای گسترده، شکنجه و زندان و اعدام سرکوب کند و با نشان دادن اجساد مردم در کیسه‌های سیاه، آنها را بترساند و به سکوت وادارد. اما مقاومت انقلابی مردم ایران که از ۳۰ خرداد ۶۰ آغاز شده و دهه‌هاست با نقش درخشان زنان پایداری سازش‌ناپذیر کرده، مصمم است که راه را تا رسیدن به آزادی و برابری ادامه دهد. مردم ما هر فشاری را تحمل کردند، هر هزینه‌ای را که لازم بوده، پرداخت کردند، تا به ستم و تبعیض پایان دهند. زنان و مردان ایرانی خواهان آزادی، برابری و عدالت و نفی هرگونه دیکتاتوری هستند. پیام آنها واضح است: نه شاه، نه شیخ.

زینت میرهاشمی گفت: من افتخار دارم که در انقلاب ۵۷ در مبارزه علیه رژیم سلطنتی و سرنگونی آن حضور داشتم، یک «پنجاه و هفتی» هستم و این افتخار من است.

درود می‌فرستم به زنان زندانی سیاسی که در سیاه‌چالهای قرون وسطایی جمهوری اسلامی، هر لحظه نفس کشیدنشان را با مقاومت سپری می‌کنند. در ایران، زن ضمن آن که قربانی نظامی مدافع تبعیض است، هم‌زمان روایتگر ایستادگی تاریخی است. برجستگی نقش زنان را در قیام دی‌ماه امسال دیدیم؛ زنانی که با شجاعت، فصلی تازه در تاریخ مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری مذهبی گشودند.

واقعیت این است که تبعیض علیه زنان رکن اصلی ساختار قدرت در ایران است. در نظام ولایت فقیه، زنان - که نیمی از جامعه‌اند - صدایشان شنیده نمی‌شود و حتی اندام آنها تحت کنترل نظم مردسالار است و در بسیاری موارد سرکوب می‌شود. این واقعیت ۴۷ ساله رژیم حاکم بر ایران است. اما نیروی مقاومت در برابر این نظم ضدانسانی روز به روز رشد کرده و زنان خودشان راه عقب‌گرد را بسته‌اند. آنچه امروز در جنبش زنان ایران جریان دارد، فقط یک اعتراض مقطعی نیست؛ بلکه بروز خشم تاریخی انباشته‌شده زنانی است که چند دهه تبعیض در خانه و جامعه را تجربه کرده‌اند. این نسل دیگر سکوت نمی‌کند؛ نسلی است که ترس را شناخته، هزینه را پرداخته و با پایداری خود تعادل پیشین قدرت را به لرزه انداخته است. صدایی که از خیابانهای ایران در سال ۱۴۰۱ و دی‌ماه خونین ۱۴۰۴ برخاست، مرزها را درنوردید و حقیقتی جهانی را ثبت کرد: بدون آزادی زنان، هیچ جامعه‌ای آزاد نخواهد شد و بدون حضور فعال زنان، هیچ جنبشی دستاورد نخواهد داشت.

۸۰- کنفرانس «نقض حقوق بشر در ایران، نقش اتحادیه اروپا برای صلح و امنیت در منطقه، اقدام عملی برای توقف اعدامها» روز ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ در پارلمان اروپا برگزار شد. در این کنفرانس شماری از اعضای پارلمان از گروههای مختلف پارلمانی طی سخنانی حمایت خود را از آلترناتیو دموکراتیک شورای ملی مقاومت و برنامه ۱۰ ماده‌یی خانم مریم رجوی ابراز کردند. سخنرانان عبارت بودند از:

- خاویر سارسالخوس (عضو کنفرانس روسای کمیسیونها و رئیس کمیسیون آزادیهای مدنی، عدالت و امور داخلی پارلمان اروپا)
- پتراس استراویچیوس (عضو کمیسیون خارجه و رئیس مشترک دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا، لیتوانی)
- فرانسیشکو آسیش (عضو کنفرانس روسای هیئت‌ها در پارلمان اروپا و عضو کمیسیون خارجه، پرتغال)
- آنتونیو لویز-ایستوریس وایت (عضو کنفرانس روسای هیئت‌ها در پارلمان اروپا و عضو کمیسیون خارجه، اسپانیا)
- لئولوکا ارلاندو (نماینده پارلمان اروپا و عضو کمیسیون خارجه، ایتالیا)
- کارلو چیچولی (نماینده پارلمان اروپا، ایتالیا)
- نیکولاس پاسکال دلا پارت (عضو کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان اروپا، اسپانیا)
- کریس فان دیک (نماینده پارلمان اروپا، بلژیک)
- آنا استروئلبرگ (نماینده پارلمان اروپا، هلند)
- پروفیسور هرتا دویدلرگملین (وزیر دادگستری آلمان ۱۹۹۸-۲۰۰۲)
- گی فرهوفشتاد (نخست‌وزیر بلژیک ۱۹۹۹-۲۰۰۸)

خانم رجوی در این کنفرانس ۸ نکته اساسی را از جانب مقاومت ایران اعلام کرد:

یکم - رژیم ولایت فقیه با پسر خامنه‌ای، همان رژیم است با همان هویت و ماهیت و کمترین ظرفیتی برای اصلاح و تغییر ندارد. این رژیم، به‌رغم هر مانوری از برنامه بمب‌سازی اتمی و گروههای نیابتی دست برنمی‌دارد و حیاتش به سرکوب وحشیانه مردم وابسته است. دوم - رژیم حاکم که در دی‌ماه گذشته با یک قیام سراسری مواجه شد، در موقعیت سرنگونی قرار دارد و هیچ‌گاه به اندازه امروز لرزان، ضعیف و آسیب‌پذیر نبوده است. این رژیم خشم جامعه ایران و مقاومت سازمانیافته را تهدید موجودیت خود می‌داند نه جنگ خارجی.

سران رژیم، نگران پیامدهای صلح و فوران قیام هستند. از هنگام مرگ خامنه‌ای آنها همه قوای خود را در خیابانها نگه داشته‌اند تا با خیزش عمومی مقابله کنند.

سوم - مقاومت سازمانیافته در ماههای اخیر اعتلای روزافزون داشته است. در قیام دی‌ماه، کانونهای شورشی در گسترش قیام و سمت‌دادن به آن نقش مهمی داشتند.

آنها در دفاع از تظاهرکنندگان بی‌سلاح با ۶۳۰ تهاجم به مراکز سپاه و بسیج و سایر نهادهای رژیم به مقابله با سرکوب وحشیانه پرداختند. مجاهدین در چهارم اسفند ۱۴۰۴، پنج روز قبل از جنگ اخیر، با ۲۵۰ رزمنده، مقر خامنه‌ای و سایر مراکز اصلی حکومتی یعنی حفاظت‌شده‌ترین نقطه کشور را مورد تهاجم قرار دادند. در این تهاجم حدود ۱۰۰ تن از آنها شهید، مفقود و دستگیر شده‌اند. چهارم - شورای ملی مقاومت ایران روز نهم اسفندماه ۱۴۰۴، دولت موقت برای انتقال حاکمیت به مردم ایران و برپایی جمهوری دموکراتیک را بر اساس برنامه ۱۰ ماده‌یی این مقاومت اعلام کرد.

این دولت وظیفه دارد که حداکثر شش‌ماه بعد از سرنگونی رژیم با یک انتخابات آزاد، مجلس مؤسسان را تشکیل دهد. بعد از آن، همه قدرت به نمایندگان مردم در این مجلس منتقل می‌شود تا یک دولت جدید را تعیین کند.

پنجم - در برابر پسر خامنه‌ای که مدعی حدود ۳۰ میلیون جان فدا برای رژیم است، باز هم اعلام می‌کنم که اگر راست می‌گوید یک انتخابات آزاد مجلس مؤسسان یا ریاست‌جمهوری را تحت نظارت ملل متحد بر اساس اصل حاکمیت مردم و نه حاکمیت آخوند قبول کند!

ششم - از نخستین روز شروع جنگ اخیر، شورای ملی مقاومت بر شعار صلح و آزادی تأکید کرد. به محض اعلام آتش‌بس شورای ملی مقاومت از آن استقبال کرد و تأکید کرد که صلح پایدار تنها با سرنگونی دیکتاتوری دینی توسط مردم و مقاومت سازمانیافته و برپایی یک جمهوری دموکراتیک برقرار می‌شود.

اگر اروپا می‌خواهد در برقراری صلح و دموکراسی در خاورمیانه تأثیرگذار باشد، باید هر گونه ممانعت با رژیم را کنار بگذارد و در کنار مقاومت سازمانیافته برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک در ایران بایستد.

هفتم - بامداد دوشنبه همین هفته استبداد دینی دو عضو مجاهدین را با شقاوت تمام حلق‌آویز کرد. با این جنایت شمار اعضای مجاهدین که فقط ظرف سه هفته گذشته اعدام شده‌اند، به هشت نفر رسید.

هشت جوان شورشگر نیز اعدام شدند. یکی از آنها همین دیروز اعدام شد و یکی دیگر از دستگیرشدگان قیام، زیر شکنجه به قتل رسیده است. همزمان، رژیم با موشک‌باران و حملات پهلپادی پی‌درپی به مقر احزاب کرد ایرانی شماری از پیشمرگان را به شهادت رسانده است. در ۱۹ آذر سال گذشته در همین پارلمان به احکام ناعادلانه اعدام که برای ۱۸ نفر به‌انهم عضویت در مجاهدین صادر شده بود، اشاره کردم و عکسهای آنها را نشان دادم و خواستار اقدام فوری شدم.

آخوندها با استفاده از شرایط جنگی به اعدامهای بی‌وقفه روآورده‌اند تا راه قیامها را ببندند.

امروز زندانیان سیاسی با تهدید کشتار مواجهند. سکوت رهبران اتحادیه اروپا و دولتهای عضو غیرقابل توجیه است و من امروز می‌خواهم مجدداً به سکوت در برابر این اعدامها اعتراض کنم.

هشتم - یکی از اهرمهای رژیم برای مقابله با قیام و مقاومت، میدان دادن به یک آلترناتیو ساختگی حول بقایای دیکتاتوری شاه است. رژیم آخوندی هیچ‌گاه بقایای رژیم شاه را تهدید موجودیت خود نمی‌بیند و نظریه‌پردازانش می‌گویند بقایای شاه، به بقای رژیم کمک می‌کنند. متأسفانه پاره‌یی محافل غربی هم با انگیزه‌ها و منافع مختلف در این آلترناتیو سازی با رژیم هم‌سو می‌شوند.

این پروژیهی است بر اساس جعل و دروغ و مهندسی رسانه‌یی و مجازی و رقم‌سازیهی نجومی. این خیمه‌شب‌بازیه‌ها البته دیکتاتوری سلطنتی را به ایران باز نمی‌گرداند اما عمر رژیم را طولانی‌تر می‌کند و در برابر سرنگونی مانع ایجاد می‌کند. حاصل عملکرد بقایای شاه در قیام ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ ایجاد تفرقه در صفوف مردم و هموار کردن راه برای کشتار بزرگ در دی‌ماه گذشته بوده است.

خاویر سارسالخوس: با ابراز قدردانی صمیمانه از خانم مریم رجوی برای حضور ایشان امروز در پارلمان اروپا، گفت: رهبری و تعهد شما به آزادی، هم‌چنان الهام‌بخش بسیاری در سراسر جهان است. امروز ما حمایت بی‌دریغ خود را از ایران دموکراتیک دوباره تأیید

می‌کنیم. این موضع دائم ما قبل و بعد از ۲۸ فوریه بوده و صرف‌نظر از تغییر شرایط ژئوپلیتیکی است. تعهد ما مشروط نیست. بلکه اصولی است. ما همیشه از یک ایده ساده اما اساسی دفاع کرده‌ایم. آینده ایران متعلق به مردم ایران است. این آنها هستند، که تنها یک روز، باید سرنوشت خود را تعیین کنند. ما می‌توانیم مردم ایران را همراهی کنیم. ما می‌خواهیم این کار را انجام دهیم. ما می‌خواهیم کمک کنیم. ما باید درباره اعدامهای انجام شده توسط رژیم روشن و قاطع باشیم. چه قبل و چه بعد از ۲۸ فوریه. جامعه بین‌المللی و اتحادیه اروپا نمی‌توانند در مواجهه با چنین نقضهای شدید و بزرگ کرامت انسانی بی‌تفاوت بمانند. ما به یک ایران آزاد، به یک ایران دموکراتیک، به یک ایران که با خود و با جهان در صلح است، اعتقاد داریم. این چیزی است که ما در پارلمان دموکراسی اروپا، از آن حمایت می‌کنیم.

پتراس آستراویچیوس: وضعیت ایران دیگر تنها مایه نگرانی ایرانیان و مردم ایران نیست، بلکه برای همه ما اهمیت دارد. صلح و امنیت، چه در خاورمیانه و چه در اروپا و فراتر از آن، و حتی اقتصاد جهانی، به آن چه اکنون در ایران می‌گذرد، گره خورده است. کمک به رفع تهدیدات ناشی از رژیم ایران وظیفه و منفعت مشترک ماست. مسأله ایران از طریق جنگ خارجی یا سیاست مداخلات حل نخواهد شد. من از مدتها پیش به این باور رسیده‌ام که تغییر واقعی تنها از طریق مردم ایران، اقدامات آنها، مقاومت‌شان و مقاومت سازمانیافته محقق می‌شود. ما در پارلمان اروپا چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ ما باید از نیروهای تغییر در داخل ایران حمایت کنیم. ما باید آنها را به رسمیت بشناسیم.

فرانسیسکو آسپیش: سازمان مجاهدین به این دلیل هدف اصلی رژیم است که بیشترین شانس برای سرنگونی ملایان و دستیابی به تغییری واقعی است. اتحادیه اروپا باید بر حق مردم ایران و کانونهای شورشی برای دفاع از خود در برابر سرکوب سیستماتیک نیروهای امنیتی رژیم تأکید کند، این در نهایت به معنای رد جایگزینهای مصنوعی و ساخته شده در خارج و حمایت صریح ما از مقاومت ایران و طرح ۱۰ ماده‌یی خانم مریم رجوی است. ما نسبت به سکوت اتحادیه اروپا در قبال اعدامهای اخیر نگران هستیم. به عنوان فردی از جناح چپ و میانه-چپ، از سکوت سنگین چپ اروپا در برابر این تراژدی واقعی انسانی متأسفم. رژیم تحت لوای جنگ، نه تنها می‌تواند خود را در نگاه جامعه جهانی قربانی جلوه دهد، بلکه می‌تواند جنگ علیه مردم خود را با بهره‌گیری از قطع اینترنت و در مصونیت کامل ادامه دهد. رژیم می‌داند که با پایان جنگ، بار دیگر باید با قیام و خشم مردم روبه‌رو شود. رژیم بر اساس تجربه می‌داند که هم‌افزایی میان اعتراضات توده‌یی، واحدهای مقاومت و رزمندگان سازمان مجاهدین خلق، تهدیدی موجودیتی و سهمگین برای بقای آن است.

ما می‌خواهیم موضع خود را روشن کنیم. این وظیفه اتحادیه اروپا نیست که اپوزیسیونی را که بیشتر می‌پسندد انتخاب کند و به اپوزیسیونی که کمتر می‌پسندد بی‌اعتنایی ورزد. وظیفه اروپا به هیچ وجه تسلیم شدن در برابر فشارهایی نیست که هدفشان ترویج وارثان سلطنت پیش از سال ۱۹۷۹ است؛ سلطنتی که با سرکوب توسط پلیس مخفی مخوف (ساواک)، اعدامها، شکنجه و انحلال احزاب سیاسی شناخته می‌شد. این حق مردم ایران است که تقدیر خود و حاکمانی را که می‌خواهند در رأس کشورشان ببینند، از طریق انتخابات آزاد، انتخاب کنند. اتحادیه اروپا باید با شورای ملی مقاومت ایران، به عنوان جایگزینی دموکراتیک که متعهد به گذاری مبتنی بر حاکمیت مردم است، وارد گفتگو شود.

اتحادیه اروپا باید سفارتخانه‌های رژیم را تعطیل و سفرا، دیپلماتها و مأموران آن را که به عنوان ابزارهای سرکوب فراملی و فعالیتهای خصمانه رژیم در سراسر اتحادیه اروپا عمل می‌کنند، اخراج کند.

اما مهمتر از همه، اتحادیه اروپا باید بر حق مردم ایران و واحدهای مقاومت مردمی برای تلاش در جهت تغییر دموکراتیک و حفاظت از خود در برابر سرکوب سیستماتیک نیروهای امنیتی رژیم تأکید کند. این در نهایت به معنای رد جایگزینهای مصنوعی و ساخته شده در خارج و حمایت صریح ما از مقاومت ایران و از طرح ۱۰ ماده‌یی ارائه شده توسط خانم مریم رجوی است؛ زیرا تنها راه معتبر به سوی ۳ هدف اساسی یعنی صلح، آزادی و دموکراسی است.

آنتونیو لویز - ایستوریس وایت: ما از شورای اروپا و دولتها خواستیم که بدون تأخیر، سپاه پاسداران را به طور کامل به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنند و ما به این هدف دست یافتیم. ما خواستار اقدامات تنبیهی بیشتر علیه رژیم ایران و تحریمهای هدفمند علیه افراد و نهادهای مسئول در سرکوب خشونت‌آمیز معترضان شدیم، آیا این کافی است؟ قطعاً خیر. ما متوقف نخواهیم شد و تا زمانی

که دموکراسی و آزادی به ایران نرسد، ساکت نخواهیم ماند. دولتها سالیان متمادی در محکوم کردن رژیم کوتاهی کردند و حتی با آنها معامله کردند؛ با این بهانه‌ها: «خاتمی، رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب»، «رفسنجانی عمل‌گرا» و «روحانی، رئیس‌جمهور میانه‌رو». اینها واژگانی بود که بسیاری در دولتها و متأسفانه در دیگر نهادهای اروپایی برای توصیف عاملان کشتارهای خونین به کار می‌بردند. اکنون زمان تغییر این ادبیات است.

پروفسور هرta دویدلر گملین: من معتقدم یک نقشه راه بسیار خوب برای چگونگی شکل‌گیری یک ایران دموکراتیک و پایبند به حاکمیت قانون وجود دارد و آن، «طرح ۱۰ ماده‌یی» شماس است. معتقدم که باید این طرح را پذیرفت. شاید این طرح ابزاری باشد که بتواند خواسته‌ها برای برداشتن گامهای مؤثرتر توسط دولتهای ما و رهبران اروپایی را تقویت و حمایت کند.

نکته جالب دیگر برای من این است که اکنون شاهد حضور افراد یا جریانهای سیاسی هستیم که سودای بازگشت به گذشته و احیای نقش پسر شاه سابق را در سر دارند. برای من خواندن بیانیه‌های مطبوعاتی او در روزهای اخیر تکاندهنده بود؛ گفته بود: «آنچه پدرم انجام داد، کار بسیار خوبی بود». من به‌عنوان کسی که در دوران شاه در برلین دانشجوی بودم، پلیس امنیتی ساواک و فضای سرکوبگرانه و ابزارهای آنها را به‌خوبی به یاد دارم؛ نه تنها در داخل ایران، بلکه در قبال جوانانی که در برلین علیه شاه و سیاستهای او تظاهرات می‌کردند. سخن گفتن از تبعیض علیه ملیتها - آن‌گونه که در بیانیه‌های پسر شاه علیه کردها مطرح شد - نه تنها یک فاجعه، بلکه یک جنایت است.

نیکولاس پاسکوال دلا پارت: ما با جنایتکارترین و خونریزترین رژیم روی زمین مواجهیم. تکرار می‌کنم، جنایتکارترین و خونریزترین رژیم روی زمین. آنها بیش از هر حکومت دیگری در جهان دست به اعدام می‌زنند. این واقعیتی است که باید بارها و بارها تکرار کنیم تا این پیام به‌وضوح منتقل شود.

مردم ایران شایسته آزادی و دموکراسی هستند. اما شما به همراهی و پشتیبانی دوستانتان نیاز دارید و در این‌جا، در تمام پارلمان اروپا، دوستان بسیاری دارید.

ایران نباید به سلاح هسته‌یی دست یابد. این دومین پیامی است که باید بر آن تصریح کنیم: ایران هرگز نباید سلاح هسته‌یی داشته باشد. ما باید هر آن‌چه در توان و در اختیار داریم به کار بندیم تا از وقوع این امر جلوگیری کنیم.

من معتقدم طرح ۱۰ ماده‌یی شورای مقاومت ایران، بهترین برنامه ممکن است که در اختیار داریم. اگر کس دیگری ایده‌های خوبی دارد، لطفاً ارائه دهد تا بررسی کنیم؛ اما تاکنون، بهترین برنامه‌یی که من شخصاً دیده‌ام، همان طرح ۱۰ ماده‌یی مقاومت است که شما، خانم رجوی، ارائه کرده‌اید.

کارلو چیچولی: امروز از هر دیدگاهی که به موضوع بنگریم، شاهد آن هستیم که در پایان یک رژیم قرار داریم. و پایان یک رژیم، دشوارترین لحظه است. وقتی یک قدرت سیاسی به پایان راه می‌رسد، پیش از تسلیم شدن، ممکن است دست به هر کاری بزند. این رژیم خطری برای جهان است. اروپا برای سالهای متمادی رویکردی منفعلانه داشت؛ این رفتار تمامی دولتها بود، حتی جمهوریهای با سنت دیرینه دموکراتیک. بنابراین ما وظیفه داریم با هوشیاری، شجاعت و حس عدالتخواهی، تمام این جنایات را محکوم کرده و برای مقابله با آن اقدام کنیم. نقش «شورای ملی مقاومت ایران» و برنامه سیاسی آن مبنی بر جدایی دین از دولت، لغو مجازات اعدام، حق رأی همگانی، حق تعیین سرنوشت و برابری زن و مرد، نکاتی بنیادین و گامهایی حیاتی هستند. اگر چه ممکن است دیدگاههای متفاوتی وجود داشته باشد، اما اینها اصولی اجتناب‌ناپذیرند.

کریس ون دیک: من به طرح ۱۰ ماده‌یی باور دارم. اینها اصول بسیار مهمی هستند: آزادی برای همگان، حقوق بشر جهانی، برابری جنسیتی و دیگر موارد. لذا ما موظف به حمایت هستیم. امیدوارم مردم ایران روزبه‌روز شجاعت بیشتری برای مبارزه در راه آزادی خود بیابند. من معتقدم این یک گام بسیار بزرگ برای بشریت نیز خواهد بود؛ گامی بزرگ، چرا که رژیم ایران در حال حاضر ضدانسانی‌ترین رفتارها را در سطح جهان از خود نشان می‌دهد.

۸۱- استماع خانم رجوی در اجلاس رسمی کمیسیون حقوق بشر سنای ایتالیا: جلسه استماع روز ۲۵ تیر ۱۴۰۵ با حضور و اظهار نظر شماری از سناتورهای ایتالیایی شامل جولیو ترتری، جیلا ناتوراله، مارکو لومباردو، پارتولومئو آمیده‌ای و استفانیا پوچارلی، رئیس کمیسیون و خانم مریم رجوی پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران برگزار شد.

خانم مریم رجوی گفت: در یکسال اخیر، هجوم وحشیانه رژیم به همه پهنه‌های حقوق بشر مردم ایران، تشدید شده است. از مرداد سال قبل تا امروز، حدود ۲۴۰۰ نفر اعدام شده‌اند. رژیم با استفاده از فضای جنگ در ماههای اخیر به دستگیری گسترده مخالفان و اعدامهای سیاسی رو آورده است.

دهها زندانی سیاسی، از جمله ۱۰ عضو سازمان مجاهدین و شمار زیادی از جوانان دیگر به جرم شرکت در قیام دی حلق‌آویز شدند. پیکر مجاهدان اعدام‌شده هنوز به خانواده‌هاشان تحویل نشده و آنها از محل دفن عزیزانشان بی‌اطلاع هستند. صدور احکام اعدام نیز، همچنان ادامه دارد.

همه اعدامها بر اساس تصمیم‌های سیاسی برای ایجاد جو رعب و وحشت صورت می‌گیرد تا مانع از سرگیری قیام شود. در نتیجه حق دادرسی عادلانه را به‌طور سیستماتیک نقض می‌کند. این جنایتها بر اساس الگویی اجرا می‌شود که نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. در همین مدت، رژیم با حملات موشکی و پهبادی به مراکز احزاب کرد ایران شماری از اعضای آنها را به قتل رسانده است. از شروع قیام ایران در دی‌ماه گذشته، رژیم به قطع اینترنت در ایران دست زد که تا چند هفته بعد از آتش‌بس در جنگ اخیر ادامه داشت. قطع سراسری و کامل اینترنت که ۴ ماه و ۱۸ روز طول کشید یکی از ابزارهای اعمال خفقان در ایران است.

در جریان قیام، خامنه‌ای در سخنرانی علنی، دستور کشتار قیام‌کنندگان را صادر کرد. سپاه پاسداران و سایر نیروهای امنیتی هزاران نفر را در خیابانها به قتل رساندند. و دست کم ۵۰ هزار نفر را دستگیر کردند.

متأسفانه جامعه جهانی سالهاست رژیم ایران و سردمدارانش را از مجازات‌شدن در قبال جنایتهایشان مصون نگه داشته است. یکی از بزرگترین جنایتهای مجازات نشده، قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ است که ما اکنون در آستانه ۳۸مین سالگرد آن هستیم.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه ملل متحد در گزارش خود در سال ۲۰۲۴ در باره قتل عام ۱۳۶۷ می‌نویسد: مقامات عالی‌رتبه دولتی در برنامه‌ریزی، دستور دادن و ارتکاب جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی علیه اتباع کشور خود توطئه کردند و فعالانه درگیر شدند. شورای ملی مقاومت ایران که روز ۳۰ تیر وارد چهل و ششمین سال حیات خود می‌شود، همواره برای صلح و آزادی مبارزه کرده است. برای ایران آزاد فردا ما خواهان ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام هستیم. از چهار دهه پیش رودر روی خمینی، قوانین شریعت آخوندی و قانون قصاص را ضدانسانی و در تعارض با تعلیم اسلام اعلام کرده‌ایم.

مردم و مقاومت ایران از ایتالیا که از پیش‌تازان لغو حکم اعدام در جهان است، انتظار دارند که مبتکر اقدامات و تصمیمات مؤثر در اتحادیه اروپا، در برابر کشتار و اعدام در ایران شود از جمله این اقدامات:

- مشروط کردن هرگونه روابط دیپلماتیک و تجاری با رژیم به توقف اعدام
- تحت تعقیب قرار دادن جنایتکاران حاکم بر ایران، توسط دولتها بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی.
- ارجاع پرونده نقض حقوق بشر ایران به شورای امنیت و این‌که اطمینان حاصل کنید که هرگونه توافق بین‌المللی شامل توقف اعدامها باشد و رژیم را مجبور کند تا به هیأت‌های حقیقت‌یاب و گزارشگران ویژه سازمان ملل اجازه بازدید از زندانهای ایران و دسترسی نامحدود به زندانیان به‌ویژه زندانیان سیاسی را بدهد.

سناتور جولیو ترتری، رئیس کمیسیون سیاستهای اروپایی سنا، گفت: من جلسه استماع امروز را فوق‌العاده حائز اهمیت می‌دانم. این جلسه نه تنها از این جهت بسیار مهم است که ایران هر روز بیشتر در ورطه نقض هولناک حقوق بشر و جنایاتی که همچنان مرتکب می‌شود، به‌ویژه علیه مجاهدین خلق ایران، فرو می‌رود، بلکه اکنون چندین ماه است که کل جامعه بین‌المللی را نیز درگیر خود کرده است؛ و این نشانه‌دهنده اهمیت بزرگ این موضوع است. اما اهمیت دوم در این است که امروز ما در این کمیسیون فرصت داریم تا صدای واقعی مردم ایران را از طریق این سازمان و بخش وسیعی از جامعه ایران بشنویم که خود را در جنبش شما، خانم رجوی، می‌بینند؛

جنبشی که یادآور می‌شوم اعضای آن از زمان استقرار در کمپ لیبرتی و پیش از آن در کمپ اشرف، از سوی سازمان ملل متحد به عنوان پناهندگان سیاسی شناخته شده‌اند؛ این اهمیت و همچنین عمق تاریخی مطالبی است که شما امروز به ما گفتید؛ جنبش شما، جنبشی است که بیشترین همخوانی و انطباق را با مفاهیم بنیادی حاکمیت قانون و دفاع از حقوق بشر دارد که ما از آنها حمایت می‌کنیم و خانم رجوی امروز بار دیگر بر آنها تأکید کردند. بنابراین سؤال من این است که چه کارهای دیگر باید انجام شود تا اطمینان حاصل شود که صدای مردم ایران از طریق سازمان مجاهدین خلق ایران همچنان در تمامی میادین جهان آزاد، رسا و آزاد باقی بماند و دستخوش محدودیتهایی که از سوی یک رژیم جنایتکار مطالبه می‌گردد، نشود.

استفانیا پوچارلی، رئیس کمیسیون حقوق بشر، در سخنان پایانی گفت: نمایش رنج مردم ایران ما را بر آن می‌دارد که آرزو کنیم مطالبات دیرینه آنان یعنی آزادی، برابری و کرامت انسانی میان زن و مرد و صلح هرچه زودتر محقق شود؛ کمیسیون ما همواره به این خواستها توجه ویژه دارد و امیدوارم مردم ایران هرچه زودتر از این وضعیت دشوار رهایی یابند.

۸۲- کنفرانس «بحران ایران: راه حل دموکراتیک برای آینده» در ۲۵ تیر ۱۴۰۵ در سالن رجینا در مجلس نمایندگان ایتالیا در کاخ مونته‌چیتوریو با حضور و سخنرانی خانم مریم رجوی، فابیو رمپلی نایب‌رئیس پارلمان ایتالیا، نایکه گروپ‌یونی نماینده پارلمان از کمیسیون خارجه، سناتور جولیو ترترزی رئیس کمیسیون سیاستهای اروپایی سنا و وزیر خارجه پیشین ایتالیا، سناتور مارکو اسکوریا، رودی جولیانی، شهردار سابق نیویورک، و پاتریک کندی نماینده پیشین کنگره آمریکا، و با شرکت شماری از نمایندگان و سناتورهای ایتالیایی برگزار شد.

فابیو رامپلی در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس به همه حاضران خوشامد گفت و با درود به خانم رجوی و دیگر میهمانان برجسته و همکاران و نمایندگان و سناتورهای حاضر افزود: این تالار که به درستی، سالن رسمی مجلس نمایندگان در کاخ «مونته‌چیتوریو» شناخته می‌شود؛ نماد و معبد دموکراسی ایتالیاست. کنفرانس امروز فرصتی است تا به موضوعات پیچیده و مبرمی بپردازیم؛ موضوعاتی چون شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی ایران، نقشی که جامعه بین‌المللی برای تسهیل ثبات در خاورمیانه ملزم به ایفای آن است، صیانت از حقوق بشر و چشم‌انداز مسیری واقعی به سوی صلح و دموکراسی برای مردم ایران.

وقتی از ایران سخن می‌گوییم، از جامعه‌ی کهن، با فرهنگ و از نظر جمعیتی جوان صحبت می‌کنیم؛ جامعه‌ی که دهه‌هاست تحت نظام و رژیم زندگی می‌کند که آزادیهای اساسی آنان را سرکوب کرده و در نتیجه، توسعه و آینده جامعه را به مخاطره انداخته است. امروز ما با باوری استوار، بر قاطعیت خود در برابر سرکوبگران و بر همبستگی خود با مبارزان و کسانی که مقاومت می‌کنند، تأکید می‌کنیم؛ با این آگاهی که ترسیم آینده ایران بر عهده خود ایرانیان است، اما جامعه بین‌المللی باید اطمینان حاصل کند که این آینده در شرایطی سرشار از آزادی، امنیت و قوانین بین‌المللی بنا خواهد شد.

خانم رجوی در سخنرانی خود تأکید کرد در ایران، یک وضعیت اضطراری و استثنایی شکل گرفته که با فشارهای طاقت‌فرسا روی دهها میلیون ایرانی همراه است. جنگ و تنشهای ماه‌های اخیر، جنگ اصلی در ایران را از نظرها دور نگه داشته است. در حقیقت، جنگ اصلی میان رژیم حاکم و مردم ایران است. این نبردی است که از ۴۵ سال پیش شروع شده و امروز در قیامهای ادامه‌دار مردم ایران و در فعالیتهای شورشی جریان دارد. مردم ایران می‌خواهند به یک جمهوری با جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد، خودمختاری ملیتها و توسعه اقتصادی و اجتماعی دموکراتیک دست پیدا کنند. این چشم‌اندازی است که شورای ملی مقاومت ایران، نمایندگی می‌کند.

امروز سه موضوع اساسی اثبات شده است:

اول - دیکتاتوری دینی و جنگ افروز حاکم بر ایران دشمن مردم ایران و یک خطر دائمی برای صلح و امنیت جهان است.

دوم - پاسخ این حکومت چیزی جز سرنگونی نیست.

و سوم - سرنگونی این رژیم تنها از یک مسیر امکانپذیر است و آن قیام مردم و مقاومت سازمانیافته مردم ایران است.

کافی است به دهها هزار جوان شورشی دستگیر شده در قیام دی‌ماه نگاه کنید که رزمندگان این میدان هستند. هم‌چنین به ۶۳۰ تهاجم کانونهای شورشی نگاه کنید به مراکز رژیم که در خلال قیام دی صورت گرفت. پنج روز پیش از شروع جنگ، در بامداد چهارم اسفند، واحدهای متعددی از مجاهدین شامل ۲۵۰ رزمنده به مقر خامنه‌ای در امنیتی‌ترین نقطه تهران تهاجم کردند.

خانم رجوی در قسمت دیگری از سخنانش گفت: صلح و آزادی در ایران دو روی یک سکه است. اگر اتحادیه اروپا در فراخوانهای خود به صلح جدی است، باید همزمان به حق مردم و مقاومت ایران برای سرنگونی این رژیم اذعان کند و در کنار آنها بایستد. مردم ایران بیش از هر زمان دیگری به تغییر سرنوشت خود نزدیک شده‌اند و انتظار دارند مدافعان آزادی و حقوق بشر در جهان از جمله در ایتالیا را در کنار خود ببینند.

نایکه گروپیونی: برای من افتخار و مسئولیت بزرگی است که در مقر نمایندگی دموکراتیک ایتالیا، همان‌طور که پیش‌تر نایب‌رئیس یادآوری کردند، کنفرانس درباره ایران آینده را برگزار می‌کنیم، هم‌چنین دروهای رئیس گروه پارلمانی «برادران ایتالیا» در مجلس نمایندگان، «گالتاتسو بینامی» را که به دلیل قرارهای رسمی غیرقابل تعویق نتوانست در این جلسه حضور یابد، ابلاغ می‌کنم. ایشان به من مأموریت داد تا همبستگی خود را با این ابتکار عمل و قدردانی صمیمانه خود را از کنفرانسی که توجه جامعه بین‌المللی را به حفاظت از حقوق بشر، آزادی و کرامت انسانی جلب می‌کند، ابراز نمایم.

حضور خانم رجوی فراتر از حضور یک رهبر سیاسی نشاندهنده امید میلیون‌ها زن و مرد ایرانی است که آرزوی زندگی در کشوری آزاد، دموکراتیک و در صلح را دارند. شما سالهاست که با شجاعت، قاطعیت و ثبات قدم فوق‌العاده، مبارزه‌ی را بر پایه ارزشهای جهانی آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون، جدایی دین از دولت، برابری زن و مرد و احترام کامل به حقوق بشر به پیش می‌برید. طرح ۱۰ ماده‌ی شما یک پیشنهاد سیاسی روشن و معتبر برای ایرانی آزاد، کثرت‌گراست. دیدگاه شما دیدگاهی رو به آینده است و هم‌چنان الهام‌بخش کسانی است که باور دارند تغییر می‌تواند از نیروی ایده‌ها و اراده مردم سرچشمه بگیرد. بنابراین مایلم، هم‌چنین به نام همه حاضران، عمیق‌ترین سپاسگزاری خود را برای پذیرش دعوت ما و برای تلاش خستگی‌ناپذیرتان در راه آزادی مردم ایران ابراز دارم.

این کنفرانس، ایران و مردم آن را در مرکز توجه قرار می‌دهد و هر یک از ما را به یک مسئولیت مهم فرا می‌خواند؛ این که خود را به نظاره‌گر بودن رویدادها محدود نکنیم، چرا که دموکراسیهای بزرگ با این توانایی نیز سنجیده می‌شوند که وقتی ملتها خواستار آزادی هستند، روی خود را به سوی دیگر برنگردانند.

سناتور جولینو ترتری: پیش از هر چیز می‌خواهم از رئیس‌جمهور رجوی برای حضور در این جا و برای سخنانش تشکر کنم و معتقدم آنچه مریم رجوی گفت، نوری است که بار دیگر با قدرت بر تاریکی چیره شده از سوی رژیم آخوندها می‌تابد؛ تاریکی‌یی که درست زمانی سایه افکند که با سقوط شاه، شعله نیرومندی از دموکراسی و آزادی در انتهای تونل در حال افروخته شدن بود - رژیمی که آن هم از بسیاری جهات، حکومتی منفور و جنایتکار بود. بیاید حقیقت تاریخی را بگوییم؛ آن گونه نیست که پسر شاه در مصاحبه‌های تلویزیونی‌اش می‌گوید وقتی از او می‌پرسند: «میراث پدرتان برای کشورش چه بود؟» و پسر شاه مرتباً تکرار می‌کند. او این را دو یا سه بار تکرار کرده و اخیراً در پارلمان هلند هنگام تکرار آن هو شد که: «آه، من درباره این مسائل صحبت نمی‌کنم چون فقط تاریخ می‌تواند درباره آن قضاوت کند». این نگرش ذهنی است که می‌خواهد با نشانهای اشرافی خودساخته دوباره خود را مطرح کند، در حالی که قطعاً در حد و اندازه‌ای نیست که بتواند مظهر آزادیخواهی، قدرت و اراده ملت ایران برای حرکت به جلو باشد؛ اراده‌ی که مریم رجوی نماینده آن است.

اروپا به بسیاری از ناظران، که من نیز یکی از آنها هستم، این برداشت را داده که گویی همه چیز را می‌توان همواره با تلاش، اصرار و حتی التماس برای ادامه گفتگو حل کرد؛ آن هم با رژیمی که از گفتگو صرفاً برای زمان خریدن، به تأخیر انداختن امور، تسلیح خود و ادامه کشتار صدها هزار مخالف سیاسی استفاده می‌کند. فراموش نکنیم که در سال ۱۳۶۷ با فتوای خمینی، ۳۰ هزار نفر قتل‌عام شدند. ما مدیون مجاهدین خلق و فعالیتهای بزرگ آنان هستیم؛ مدیون آموزه و الگویی از شجاعت. و هم‌چنین مدیون درس شفافیت بزرگی درباره چگونگی تدوین یک سیاست خارجی که قادر باشد مانع از گسترش این هیولای خشونت، توتالیتاریسم و سلطه‌جویی به‌ویژه در کشورهای حوزه مدیترانه شود.

سناتور مارکو اسکوریا: وقتی سخن از توافق یا معاهده‌یی میان ایالات متحده و جامعه بین‌المللی با ایران به میان می‌آید، من چندان متقاعد نمی‌شوم؛ و این به معنای مخالفت من با صلح یا عدم علاقه من به آن نیست، بلکه به این دلیل است که به رژیم ایران اعتماد ندارم. این رژیمی است که سالهاست ما را در قضیه هسته‌یی به بازی گرفته است؛ رژیمی که مذاکره و گفتگو را صرفاً برای اتلاف وقت و تداوم بخشیدن به اهداف خود می‌خواهد. این حکومتی است که هیچ قصدی برای گشودن پرونده حقوق بشر ندارد. خانم رجوی، من از شما و جنبش شما سپاسگزارم؛ چراکه درسی بنیادین به ما می‌آموزید: درس شجاعت، چیزی که گاه در جوامع امروز به سختی یافت می‌شود. شجاعت کسانی که با وجود داشتن عزیزانی زندانی یا جان‌باخته - مانند بسیاری از حاضران در این سالن - تصمیم گرفتند سر تسلیم فرود نیاورند و باور دارند که فریاد زدن برای اشتیاق بیکران به آزادی ارزشش را دارد؛ چراکه سرانجام، این آزادی آغوش خود را به روی ملت شما خواهد گشود.

رودی جولیان: ما اکنون در مقطعی قرار داریم که یکی از پرسشهای اصلی مطرح‌شده این است: «بسیار خوب، گام بعدی چیست؟ چه چیزی می‌تواند جایگزین این حکومت شود؟» و بارها در چنین شرایطی می‌شنویم که «ما از بد به بدتر خواهیم رفت». چون این تجربه را داشته‌ایم که از بد به وضعیتی کاملاً گیج‌کننده رسیده‌ایم. اما در این جا چنین نیست و مجبور نیستیم این مسیر را طی کنیم. ما می‌توانیم از وضعیت بد به وضعیت شناخته‌شده و مشخص برویم. ما می‌دانیم با خانم رجوی چه چیزی در انتظار ماست و می‌دانیم با مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت که نه یک روز، نه یک هفته و نه یک ماه، بلکه ۴۷ سال تلاش کرده‌اند، چه چیزی به دست می‌آوریم؛ کسانی که پیش از آن نیز علیه شاه مبارزه می‌کردند. آن هم تنها و تنها برای یک هدف: آزادی برای مردم ایران؛ کمترین و ابتدایی‌ترین حق شایسته آنها. و نیازی نیست به جای دیگری نگاه کنیم. در واقع، هیچ‌کس دیگری وجود ندارد. هیچ‌کس دیگری نیست. اوه، شاه! چقدر این حرف دیوانه‌وار است! این فرد، فرزند یک قاتل و یک دزد است. چه بخواهید او را شاه بنامید و چه شاهزاده، من قاتلان و دزدان را محاکمه کرده‌ام؛ اما من فکر می‌کنم شاه حتی بیشتر از اکثر کسانی که من محاکمه کردم، آدم کشته است، او بسیار بیشتر از کسانی که من محاکمه کردم، دزدی کرد. و این شخص پسر اوست. حالا گاهی اوقات، پسران می‌توانند تغییر کنند. می‌دانید، شما گناهان پدر را به پای پسر نمی‌نویسید؛ مگر اینکه پسر دو هفته پیش به شما بگوید به پدرش بسیار افتخار می‌کند و معتقد است پدرش بزرگترین رهبر ایران بوده است. او با ساواکیها احاطه شده و با سپاه پاسداران معامله می‌کند. به همین دلیل است که به شما می‌گویم، دولت آمریکا هرگز او را نخواهد پذیرفت.

در واقع، مجاهدین خلق تنها گزینه واقعی روی میز هستند. آنها حقوق مردم را به شیوه معمول تضمین کرده‌اند؛ این طرح ۱۰ ماده‌یی تقریباً تمام حقوق شهروندی ما و فکر می‌کنم حتی فراتر از آن را پوشش می‌دهد. در این جا با گروهی روبه‌رو هستیم که درباره نحوه انجام این کار اندیشیده و برنامه دارد. فراتر از آن، آنها شایستگی این کار را کسب کرده‌اند. در شرایطی این‌چنینی، شما تنها زمانی اعتماد مردم را جلب می‌کنید که در کنار آنها خون داده باشید. آنها بیش از هر گروه دیگری در ایران برای آزادی خون داده‌اند. یک جایگزین به من معرفی کنید! وقتی شاه را به شما معرفی می‌کنند، او را پیش من بیاورید و به او بگویید: «بله، وقتی پولی را که دزدید و غذایی را که از دهان مردمش ربود پس داد، شاید بتوانیم شغلی در اداره پست به او بدهیم» اما ما اجازه نخواهیم داد این آقا زاده رانتی و بی‌ارزش یکی از پیچیده‌ترین کشورهای جهان را اداره کند، در حالی که زنی را داریم که خون و ذهن درخشانش را وقف اندیشیدن به این راه کرده است. این وظیفه ماست که این پیام را به گوش همه برسانیم، زیرا این پیام وجود دارد اما سرکوب شده است. بنابراین ما باید با این سرکوب مبارزه کنیم و آن را منتشر سازیم.

پاتریک کندی: امروز ما شاهد جنایت علیه بشریت هستیم و مسبب اصلی این جنایات علیه بشریت، آخوندهای حاکم بر تهران هستند که در چند دهه گذشته تریلیونها دلار، دو، سه یا چهار تریلیون دلار، را صرف دستیابی به سلاح هسته‌ای کرده‌اند. نیازی نیست آنها درگیر این جنگ باشند. اگر از عزم خود برای ارباب جهان با سلاح هسته‌یی دست برمی‌داشتند، به راحتی می‌توانستند مانع این جنگ شوند و این حقیقت را دریابید: آخوندهایی که امروز در تهران بر مسند قدرت هستند و رژیم ایران، بزرگترین حامی تروریسم در سراسر جهان به شمار می‌روند. اما مهمتر از همه، آنها مردم خود را مرعوب و سرکوب می‌کنند. ایران رتبه نخست اعدام شهروندان خود در جهان را دارد. ما به عنوان جامعه بین‌المللی باید از مردم حمایت کنیم. ما باید از خانم رجوی، شورای ملی مقاومت ایران و کانونهای

شورشی و سازمانیافته در سراسر ایران، یعنی رزمندگان مقاومت مجاهدین خلق که دهه‌هاست این مبارزه را پیش می‌برند، حمایت کنیم. از این رو، خطاب به خانم رجوی، اعضای شورای ملی مقاومت و همه اعضای مقاومت در ایران می‌گوییم: ما با شما هستیم. من ایرانی هستم! من ایرانی هستم! من ایرانی هستم!

۸۳- کنفرانس «ایران: یافتن راه‌حلی پایدار برای یک بحران جهانی» در روز ۲۶ تیر ۱۴۰۴ در بنیاد لوئیجی ایناودی در ایتالیا با سخنرانی خانم مریم رجوی و حضور آندرا گانچینی، دبیرکل بنیاد، سناتور جولیو ترتری دی سانت‌آگاتا، وزیر خارجه پیشین ایتالیا، و شهردار رودی جولیانی برگزار شد.

خانم رجوی گفت: وضعیت کنونی ایران مبرم‌ترین چالش سیاسی و ژئوپلیتیکی جهان امروز است؛ در لحظه حاضر، رژیم حاکم بر ایران برای بقا دست و پا می‌زند و مردم ایران هم‌چنان که در قیام دی ماه نشان دادند، در تکاپو برای سرنگونی این رژیم هستند. در ماههای اخیر برخی به اشتباه ارزیابی می‌کنند که گویا رژیم قوی‌تر از جنگ بیرون آمده است، اما این ادعا پشتوانه سیاسی ندارد بلکه پژواک شعارهای خود رژیم است. ما از ابتدا اعلام کردیم بمباران خارجی به سرنگونی رژیم منجر نخواهد شد؛ سرنگونی فقط به‌دست مردم و مقاومت سازمانیافته آنها امکانپذیر است و رژیم در تنگنایی است که نه راهی به پیش دارد و نه می‌تواند به عقب برگردد. از شروع جنگ در نهم اسفند ۱۴۰۴، رژیم از آن مانند سپری برای بقای خود سود برد، هزاران جوان مخالف را دستگیر و شماری از شرکت‌کنندگان در قیام دی و ده تن از اعضای مجاهدین را اعدام کرد؛ مزدوران بسیجی را ماههاست در خیاباها نگه داشته است. از هنگام آتش‌بس، بی‌ثباتی رژیم بیشتر ظاهر می‌شود؛ منازعات داخل حکومت به‌خصوص بر سر امضای یادداشت تفاهم با آمریکا شکاف بزرگی در رأس حکومت پدید آورده، تا آن‌جا که حتی در مراسم تشییع خامنه‌ای شماری از ایادی رژیم علیه پزشک‌یان و قالیباف شعار «مرگ بر سازشکار» سردادند و به‌سوی وزیر خارجه رژیم سنگ پرتاب کردند. ساعتی پس از امضای تفاهم‌نامه، رهبر رژیم اعلام کرد نظر دیگری داشته است؛ مجلس خبرگان به دو پاره تقسیم شده و از ۸۴ عضو آن ۶۱ نفر با بیانیه‌یی در برابر یادداشت تفاهم صف‌آرایی کردند. نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، فرماندهان را از هرگونه مجادله بر سر تفاهم‌نامه برحذر داشت و امام جمعه‌ها یک به یک علیه آن سخنرانی می‌کنند، و رادیو تلویزیون حکومتی به تریبونی علیه رئیس‌جمهور دست‌نشانده خامنه‌ای بدل شده است؛ این شکافها ریشه در ماهیت و استراتژی رژیم دارد، نه یک بحران گذرا.

خانم رجوی گفت: اقتصاد ایران در حالت سقوط آزاد است؛ سالهاست رشد تولید ناخالص داخلی منفی است، پول ایران بی‌ارزش شده، زیرساختها ویران و محیط زیست فروپاشیده است، بسیاری شهرها از جمله پایتخت با کمبود آب مواجهند و رژیم با قراردادن اقتصاد زیر کنترل سپاه پاسداران، طبقه متوسط و بخش خصوصی را نابود کرده است؛ حتی اگر درآمد نفتی رژیم جهش کند یا داراییهای مسدودشده آزاد شود، وضع بهتر نخواهد شد زیرا درآمدها صرف موشک و پهپاد و نیروهای نیابتی می‌شود. سه هفته پیش پزشک‌یان گفت: «ما ۲۰ میلیون بشکه نفتی را که مال دولت بود به سپاه پاسداران دادیم تا بتواند خودش را تجهیز کند»، و پیش‌تر سخنگوی ستادکل نیروهای مسلح گفته بود پس از جنگ ۱۲ روزه لحظه‌یی خط تولید موشکها تعطیل نشده است.

سناتور جولیو ترتری گفت: شورای ملی مقاومت ایران منتظر کمک خارجی نیست، اما کمک خارجی برای صلح در منطقه و بازگشایی تنگه‌ها و مهار پاسداران ضرورت دارد. من از آغاز این دوره قانونگذاری همواره خواستار تروریستی اعلام‌شدن سپاه پاسداران بوده‌ام؛ این تصمیم در شورای امور خارجه در فوریه گذشته اتخاذ شد و پاسداران را به‌عنوان موجودیت تروریستی تحریم شد؛ حتی فراتر از تعاریف قطعنامه‌های سازمان ملل درباره داعش و القاعده. این تاریخچه از سال ۱۹۸۸ آغاز می‌شود؛ آن قتل‌عام و ۳۰ هزار قربانی برطبق فتوای خمینی که رئیسی عضو هیأت مرگ آن بود. سپس ترور پروفیسور کاظم رجوی در سال ۱۹۹۰ در ژنو، ترور محمدحسین نقدی در سال ۱۹۹۳ در رم، تلاش برای حمله تروریستی در ویلپنت نزدیک پاریس در ژوئن ۲۰۱۸ که خنثی شد، و سوءقصد سال ۲۰۲۳ به آخو ویدال کوادراس. درست در همین ساعات ۳۲ سال از حمله به مرکز یهودیان بوئنوس آیرس با ۸۵ کشته و ۳۰۰ زخمی می‌گذرد که قوه قضاییه آرژانتین آن را به پاسداران نسبت داد. دیگر بس است؛ زمان آن رسیده که به «اما» و «اگر»ها خاتمه دهیم و در اجرای تحریمها علیه این حکومت تروریست کاملاً قاطع باشیم.

شهردار رودی جولیان گفت: دیکتاتوریه‌های آدم‌کش در هرج و مرج سقوط می‌کنند؛ بحث بر سر «آیا» نیست، بر سر «چه زمان» است. اما پرسش این است چه کسی جایگزین می‌شود؛ نخبگان بین‌المللی خود می‌دانند که مجاهدین خلق شجاعانه و به حق علیه شاه جنگیدند و سپس توسط نیروهای فوق‌مذهبی مورد خیانت قرار گرفتند و در ابعاد وسیع کشتار شدند؛ این که نتوانستند آنها را از بین ببرند، سند بزرگی بر حقانیت و شجاعتشان است. بحث «بد به بدتر» بی‌معناست، زیرا این یعنی بازگشت به پسر یک دزد و دیکتاتور که هرگز یک روز کار نکرده و با پولی که از مردم ایران دزدیده شده زندگی کرده و اکنون می‌گوید با ۵۰ تا ۱۰۰ هزار پاسدار در ارتباط است؛ در آمریکا ارتباط با سپاه پاسداران جرم فدرال است. تنها یک گروه باقی می‌ماند که طرح ۱۰ ماده‌ی مبتنی بر آزادی و دموکراسی و تاریخی از تعهد به حقوق زنان دارد که با خون و اشک و فداکاری پشتیبانی می‌شود؛ رسالت من این است که این پیام را در کشورم و سراسر جهان ترویج کنم.

۸۴-گردهمایی ایرانیان آزاده در رم تحت عنوان «نه به اعدام- آری به جمهوری دموکراتیک» روز ۲۵ تیر ۱۴۰۵ برگزار شد.

خانم رجوی خطاب به شرکت کنندگان گفت: درود بر شما که در مبارزه برای آزادی ایران خستگی نمی‌شناسید و با تمام قوا در برابر دیکتاتوریه‌های شیخ و شاه ایستاده‌اید. امروز بازماندگان رژیم در کابوس برآمدن دوباره قیامها هستند؛ ایدئولوژی ریایی و استراتژی شوم آنها درهم شکسته و وحدت پوشالی‌شان از هم گسیخته است؛ خبرگان، مجلس و حتی سپاه پاسداران دچار شقه و کشمکش‌اند. بچه شاه نیز که برای جنگ و بمباران ایران سر از پا نمی‌شناخت، نزد مردم ایران و جهان بی‌اعتبار شده است. دولت انگلستان سرانجام سپاه پاسداران را در فهرست تروریست‌ها اعلام کرد؛ امیدوارم این تصمیم به رسمیت شناختن مبارزه کانونهای شورشی با سپاه پاسداران را نیز به دنبال داشته باشد.

خانم رجوی افزود: اکنون کلید این قفل بزرگ در دست شماست؛ یک ماه پیش در تظاهرات ۳۰ خرداد پاریس، جهان شجاعت شما را دید. امروز اکثریت نمایندگان ایتالیا در سنا و پارلمان در کنار شما و از دولت موقت و جنبش مقاومت حمایت می‌کنند. شما نیروی اصلی مستقل و دموکراتیک برای تغییر در ایران، مدافع قهرمانان در زنجیر و پشتوانه کانونهای شورشی و ارتش آزادی هستید؛ به هر جبهه‌ی که گشوده‌اید ده جبهه دیگر بیفزایید، برای انقلاب دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک برخیزید. پیروز باشید.

دکتر ماریا رایان سخنران دیگر این اجتماع گفت: پیشینه همکاری من با مجاهدین خلق از سال ۲۰۱۸ آغاز شد و از شهردار جولیان که از ابتدا در کنار اشرف ۱، ۲، لیبرتی و اشرف ۳ بوده سپاسگزارم. سال گذشته در پاریس افتخار آشنایی با قهرمانی به نام «عزیز رضایی» را داشتم؛ او ۹۶ یا ۹۷ ساله است و هنوز آثار شکنجه‌های دوران محمدرضا پهلوی را بر پا دارد و چهار فرزندش را در دوران شاه و چهار عضو خانواده‌اش را در دوران خمینی از دست داده است.

عزیز پاکنژاد عضو شورای ملی مقاومت ایران نیز در آغاز سخنانش از استاد رضا اولیا یاد کرد و افزود: درگذشت دوست و رفیق و هم‌رزم عزیزم را به شما و همه آزادیخواهان ایران و جهان از صمیم قلب تسلیت عرض کنم. رضا اولیا در همه عمر پربارش هنرمندی بود پرکار و بی‌ادعا و صمیمی و متعهد به آزادی و رهایی مردم از قید و بند ارتجاع و استعمار و این را به روشنی در آثار و ساخته‌های هنرمندانه‌اش از انتخاب سوژه تا احترامی که به انقلابیون ایران و جهان می‌گذاشت، به خوبی می‌شود دید و تحسین کرد. فقدانش برای ما در شورای ملی مقاومت ایران دریغ‌انگیز است اما با تعهد به ادامه راهش به خاطر او احترام می‌گذاریم و در ایران آزاد آینده، مقام هنری و شخصیت انسانی و انتخاب سیاسی او را گرامی خواهیم داشت.

امروز در این جا جمع شدیم تا نسبت به نقض دائمی حقوق انسان در ایران تحت حاکمیت این نظام ددمنش اعتراض کنیم و با زندانیان سیاسی دربند و به خصوص شورشگرانی که زیر حکم اعدام قرار دارند و همین‌طور با ۱۵۰۰ زندانی در زندان قزل‌حصار که از ۲۲ تیر برای اعتراض به اعدام اعتصاب خود را شروع کردند، ابراز همبستگی کنیم.

بر اساس گزارش هیومن رایتس مانیتور رژیم سفاک ولایت فقیه در ماه نوامبر ۲۰۲۵ دست کم ۳۳۶ مورد اعدام را ثبت کرده که افزایش شوکه‌کننده‌ی در استفاده از مجازات اعدام را نشان می‌دهد که در میان آنها ۹ زن حضور داشتند و دو زندانی در ملأعام اعدام شدند. همین سازمان در گزارش ماهانه دسامبر ۲۰۲۵ می‌گوید که تعداد اعدام به ۳۷۶ نفر شامل ۱۰ زن افزایش یافته و در گزارش ژانویه

۲۰۲۶ دوره‌یی از خشونت بی‌سابقه حکومتی و تشدید گسترده نقض حقوق بشر در سراسر ایران را ثبت و اعلام کرده است. این همزمان با قیام عظیم مردم بود که با سرکوبی خونین و هماهنگ از سوی رژیم حاکم مواجه شد.

این گزارش به‌طور مشخص بر اعدام زندانیان در ژانویه ۲۰۲۶ تمرکز دارد. بیش از ۳۴۱ مورد اعدام ثبت شده است. ما اینجا هستیم تا از جامعه بین‌المللی و تمامی سازمانهای مدافع حقوق بشر، ملل متحد و مدافعان عدالت بخواهیم که این اعمال ضدانسانی را قاطعانه محکوم و رژیم حاکم بر ایران را بابت جنایات فاحش علیه بشریت پاسخگو کنند تا ماشین اعدام و سرکوب علیه مردم ایران متوقف شود. در پایان به عزم راسخ و رزم بی‌امان شما در حمایت از کانونهای شورشی و مردم آزادیخواه ایران درود می‌فرستم.

دکتر حمیدرضا طاهرزاده، هنرمند عضو شورای ملی مقاومت ایران خطاب به ایرانیان آزاده و یاران مقاومت گفت: به عزم راسخ شما درود می‌فرستم؛ شما جزء ارزنده‌ترین سرمایه‌های این مقاومت هستید که در هیچ سازمان دیگری یافت نمی‌شود، چون این ظرف واقعی مبارزه است که مسعود و مریم رجوی، بانی و سازنده آن بوده‌اند. این مقاومت از سخت‌ترین گذرگاههای سیاسی، حتی فروپاشی بلوک شرق، عبور کرده و با وجود ضرباتی که هر دولتی را نابود می‌کرد، پابرجا مانده است. درود به برادران و خواهران مجاهدان در اشرف و کانونهای شورشی؛ فشاری که این مقاومت و هواداران آن بر دولت بریتانیا برای تروریستی‌خواندن سپاه پاسداران وارد کردند، بالاخره به نتیجه رسید.

۸۵- کنفرانس «ایران فراتر از جنگ، قدرت مردم به عنوان راه حل» در روز ۲۶ تیر ۱۴۰۵ در رم ایتالیا با حضور خانم مریم رجوی، پائولو جنتیلونی و کارلو کوتارلی نخست‌وزیران سابق ایتالیا، گی فرهوفشتاد، نخست‌وزیر سابق بلژیک، سناتور جولینو ترتری وزیر خارجه سابق ایتالیا و شماری از شخصیت‌های برجسته اروپایی و ایتالیایی برگزار شد.

خانم رجوی در سخنان خود در این کنفرانس گفت: راه‌حل بحران ایران نه ادامه این رژیم است و نه بازگشت به دیکتاتوری سرنگون‌شده شاه، بلکه برپایی جمهوری دموکراتیک است؛ زیرا هر دو دیکتاتوری به بن‌بست تاریخی رسیدند و رژیم کنونی فقط با کشتار مردم و جنگ‌افروزی خارجی سرپا مانده است.

وی در ادامه، «مشخصات یک جایگزین شایسته» را که بتواند از عهده سرنگونی رژیم برآید و به تغییر دموکراتیک جامعه عمل بپوشاند، بدین شرح برشمرد: اولاً، عزم نبرد با سپاه پاسداران یعنی ستون فقرات رژیم ولایت‌فقیه را داشته باشد و قیمت دریافتن آن را بدهد. ثانیاً، برخاسته از درون جامعه باشد و صاحب نیروی روی زمین در شهرهای ایران و وابسته به هیچ دولت و قدرت خارجی نباشد. ثالثاً، سازمانیافته باشد و از جوانان آگاه و رزمنده‌یی تشکیل شده باشد که مبارزه را انتخاب کرده‌اند و حاضرند برای آن فداکاری کنند.

پائولو جنتیلونی گفت: نشست امروز ما بسیار به‌موقع برگزار می‌شود؛ تأکید بر این واقعیت بسیار حائز اهمیت است که آنچه امروز در ایران در جریان است، راه را برای یک آلترناتیو، برای مقاومت و برای مردم ایران باز می‌گذارد، و نه صرفاً برای جنگ و ویرانی. من فکر نمی‌کنم که جنگ و هدف قراردادن سران رژیم، راههایی برای حل این وضعیت باشند. اما باور نکنید که جنگ، مردم ایران را در حمایت از رژیم، گرد هم آورده است. این ادعا صحت ندارد. تغییر از کجا می‌تواند آغاز شود؟ من باید بگویم که شخصاً به نوعی در امیدها و توهّمات مربوط به راه‌کارهای دیپلماتیکی که اروپاییها و آمریکاییها ۱۰ سال پیش آزمودند، شریک بودم؛ یعنی برجام و تمام توافقاتی که توسط رئیس‌جمهور اوباما و دوستم جان کری در ۱۰ سال پیش پایه‌ریزی شد. امروز، پس از گذشت ۱۰ سال، نخست باید بگویم که این نوع مسیر دیپلماتیک کارایی ندارد و دیگر کارساز نخواهد بود. اما در عین حال، جنگ نیز راه‌حل نیست. مسیر دیپلماتیک موفقیت‌آمیز نبود، اما جنگ، و مداخله خارجی نیز به هیچ‌وجه یک راه‌حل نیست. تحریمها اثرگذار هستند. تحریمها باید در چندین حوزه تقویت شوند. اما مانند همیشه، تحریمها ابزار تعیین‌کننده‌یی برای حل این قبیل مسائل نیستند. می‌دانیم که تحریمها کشورهایی را که هدف قرار می‌دهیم، تضعیف می‌کنند و اگر ما در اعمال تحریمها قاطع‌تر عمل کنیم، اثربخش‌تر خواهند بود اما خود به خود راه‌حل نهایی نیستند.

می‌توان گفت راه‌حل در دستان شماست؛ در دستان مردم ایران و در گرو حمایت جامعه بین‌المللی از مردم ایران. راه‌حل دیگری وجود ندارد؛ نه مسیر دیپلماتیک، نه جنگ، و نه حتی تحریمها. ما باید حمایت خود را تقویت کنیم و من بسیار خرسندم که سناتور ترتری

نقشی کلیدی در حمایت از مقاومت و فعالیتهای شما ایفا می‌کند. راه حل همین است. ما هرگز مبارزه مردم ایران برای آزادی را فراموش نخواهیم کرد. از این رو، برای کسانی مانند من، که عاشق ایران و سنتهای آن هستند و چند بار از این کشور بازدید کرده‌اند؛ آزادی، دموکراسی و حمایت از شورای ملی مقاومت، تنها راه پیش‌رو است.

گی فره‌وشناد: گزینه‌های جنگ و مماشات، نه مردم ایران را آزاد می‌کند، نه به جنگهای نیابتی پایان می‌دهد و نه از دستیابی ایران به سلاح هسته‌یی جلوگیری می‌کند. راهبرد سومی وجود دارد: «تعامل فعال جهان دموکراتیک با مردم و مقاومت ایران»، مبتنی بر دو ستون؛ نخست انزوای کامل رژیم از جمله تحریم همه اجزای آن، اخراج دیپلماتها و توقیف داراییهایشان، و دوم، به رسمیت شناختن اپوزیسیون دموکراتیک و مقاومت سازمانیافته به عنوان تنها نماینده مردم ایران، از جمله حمایت از دولت موقت و واگذاری کرسیهای بین‌المللی ایران به آنها، طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی نقطه شروع مناسبی برای آن است.

کارلو کوتارلی، گفت آینده ایران را نه قدرتهای خارجی بلکه مردم ایران رقم خواهند زد و موج اخیر دستگیریها و اعدامها نشانه هراس رژیم از فروپاشی است نه نشانه قدرت آن.

وی افزود: مشکلات اقتصادی ایران ریشه‌دارتر از تحریمهاست و ناشی از سیاست‌گذاری نادرست، فساد و مداخله نهادهای سیاسی و نظامی در اقتصاد است. شورای ملی مقاومت با طرح ده‌ماده‌یی خود بر انتخابات آزاد، جدایی دین از دولت، استقلال قضایی، برابری جنسیتی و نفی سلاح هسته‌یی تأکید کرده است. مسئولیت جوامع دموکراتیک دفاع از اصول جهان‌شمول است، نه تصمیم‌گیری برای آینده ایران. این تصمیم حق مردم آن است.

دکتر لیام فاکس، گفت برجام نه تنها سیاست مماشات بلکه دارای ایرادات بنیادی بود؛ رژیم بدون هیچ تعهدی به داراییهای آزادشده دست یافت، برنامه هسته‌یی‌اش صرفاً به تأخیر افتاد و پولهای آزادشده صرف حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها شد. تنها راه حل مسأله ایران «تغییر رژیم» است، زیرا کارگزاران این رژیم نمی‌توانند اصلاح شوند. باید در کنار تحریمها، به‌ویژه به جوانان ایران، چشم‌انداز اقتصادی و امید داد، زیرا آزادی همیشه از پایین جامعه شکل می‌گیرد و تنها مردم ایران می‌توانند جمهوری دموکراتیک فارغ از استبداد آخوندها و شاهان و مبتنی بر جدایی دین و دولت بنا کنند.

سفیر هانس-اولریش زایت، سفیر سابق آلمان، گفت در حوزه اقتصادی، افول رژیم با تورم، بیکاری و کمبود انرژی ادامه دارد و در حوزه سیاسی، رهبری رژیم پس از تشییع خامنه‌ای متزلزل و دچار اختلاف نظر شده است. آینده ایران نه به مداخله خارجی بلکه به اپوزیسیون دموکراتیک شورای ملی مقاومت بستگی دارد و تلاش برای معرفی رضا پهلوی به عنوان رهبر، مانعی برای نیروهای دموکراتیک درون کشور بوده است؛ طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی با انتخابات آزاد ظرف شش ماه پس از سرنگونی، بازتاب آرمانهای مردم ایران است. **یواخیم روکر،** رئیس سابق شورای حقوق بشر سازمان ملل، گفت: مداخله نظامی خارجی نتوانسته به اهدافش از جمله توقف سرکوب مردم ایران دست یابد، هرچند توقف اعدامها می‌توانست هدفی دست‌یافتنی باشد. رژیم با بحران اقتصادی عمیق، نارضایتی عمومی گسترده و شکافهای فزاینده درون حاکمیت مواجه است. وی افزود: راهبرد «فراتر از جنگ و مماشات» مستلزم حمایت رهبران اروپایی و به رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت است که بر اساس پلتفرم آن، انتخابات آزاد ظرف شش ماه پس از سرنگونی رژیم برگزار خواهد شد.

فصل نهم

تظاهرات ۳۰ خرداد در پاریس و دو اجلاس جهانی

کهکشان ایران آزاد ممنوع شد تا تکثیر شود

۸۶ - روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۵ در چارچوب کارزار «گردهم‌آیی های سالانه ایران آزاد» یا «کهکشان ایران آزاد ۱۴۰۵» و به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد مقاومت انقلابی سراسری، روز شهیدان و زندانیان سیاسی و سالروز تأسیس ارتش آزادیبخش ملی

ایران، دهها هزارتن از ایرانیان و حامیان مقاومت در میدان ووبان و چند میدان دیگر پاریس گرد آمدند و با شعار «نه شاه - نه شیخ» از دولت موقت شورای ملی مقاومت بر اساس برنامه ده‌ماده‌یی خانم مریم رجوی حمایت کرده و خواستار توقف اعدامهای جنایتکارانه در ایران شدند. این در حالی بود که در شامگاه پنجشنبه ۲۸ خرداد در بحبوحه حرکت بسیاری از تظاهرکنندگان از شهرهای مختلف اروپایی و آمریکا و کانادا به سمت پاریس، پلیس این تظاهرات را ممنوع اعلام کرده بود.

کپهکشان ایران آزاد سلسله‌یی از کارزارهای ایرانیان آزاده است که رو در روی توطئه‌های ارتجاعی و استعماری در پشتیبانی از ارتش آزادیبخش و شورشگران دلیر و حمایت از آلترناتیو دموکراتیک و مستقل - شورای ملی مقاومت - برگزار می‌شود و سرنگونی رژیم را پیشروی خود دارد. بخشی از این کارزار، تظاهرات ۳۰ خرداد در پاریس بود که در فراخوان آن آمده بود: «در یکصد سال گذشته جنگ اصلی مردم ایران با شاه و شیخ ستمگر، برای آزادی و استقلال ادامه داشته و نبرد ۴۵ ساله مردم و مقاومت ایران با چراغ راهنمای «نه شاه - نه شیخ» اثبات کرده است که مصاف سرنگون‌ساز با این رژیم، کار مردم ایران، جوانان شورشگر، شهرهای شورشی و ارتش آزادیبخش ملی است؛ همان کانون‌های شورشی که نقش تعیین‌کننده‌یی در گسترش قیام دی ماه و حفاظت از قیام‌کنندگان ایفا کردند و همان یکنه‌های ارتش آزادیبخش، که ۵ روز قبل از جنگ اخیر، با ۲۵۰ رزمنده مجاهد خلق به بیت العنکبوت خامنه‌ای و مراکز اصلی استبداد دینی در مرکز تهران و حفاظت شده‌ترین مکان تهاجم کردند».

در اجلاس میان‌دوره‌یی شورای ملی مقاومت، خانم بدری پورطباخ، همدیف مسئول اول مجاهدین گزارش داد که کمیته فرانسوی برگزاری این تظاهرات با مسئولیت آقای لوگاره، شهردار سابق منطقه یک پاریس و شخصیت‌های برجسته دیگر از اواسط فروردین تشکیل شد و نزدیک به ۶۰۰ انجمن و شخصیت ایرانی و فرانسوی و اروپایی مدافع حقوق بشر حمایت خود را از برگزاری این تظاهرات اعلام کردند. درخواست برگزاری این تظاهرات جهت کسب موافقت مراجع رسمی دو ماه زودتر در ۳۱ فروردین، به پلیس داده شد. پلیس پاریس از همان زمان شفاهاً با برپایی تجمع در میدان ووبان موافقت کرد و در تماس‌های بعدی در مورد مسیر راهپیمایی نیز با برگزار کنندگان به توافق رسید. کمیسر پلیس پاریس در روز دوشنبه ۲۵ خرداد در ملاقات با نمایندگان کمیته برگزاری مجدداً با برگزاری تجمع در میدان ووبان موافقت کرد و یک مسیر جدید برای راهپیمایی پیشنهاد کرد. کمیته برگزاری پس از بررسی این مسیر سه ساعت بعد در همان روز ۲۵ خرداد موافقت خود را به کمیسر پلیس اطلاع داد. در روزهای ۲۶ تا ۲۸ خرداد هماهنگی‌های مختلف با پلیس ترافیک درباره جزئیات فنی بدون هیچ مشکلی ادامه یافت. کمیسر مربوطه ساعت ۱۹ و ۲۷ دقیقه پنجشنبه ۲۸ خرداد، در ایمیلی از تأخیر در ارسال مجوز کتبی تظاهرات عذرخواهی کرد و تنها هفت دقیقه بعد، در ساعت ۱۹ و ۳۴ دقیقه یعنی پس از پایان وقت اداری، نامه فرمانداری پاریس مبنی بر لغو تظاهرات به کمیته برگزاری فرستاده شد.

چند ساعت قبل از دستور لغو، عراقچی، وزیر خارجه رژیم، با وزیر خارجه فرانسه گفتگوی تلفنی داشت. این دومین گفتگوی آنها در فاصله ۵ روز بود.

صبح روز بعد - ۲۹ خرداد - برگزارکنندگان در اعتراض به تصمیم نا به هنگام فرمانداری یک شکایت فوری به دادگاه اداری پاریس ارائه کردند. جلسه استماع به بعد از ظهر موکول شد. نماینده فرمانداری در این استماع گفت هیچ مشکلی با برگزارکنندگان ندارد. آنها افرادی جدی و منظم‌اند و هیچ اخلاقی در تظاهرات‌شان وجود ندارد. نگرانی از این است که تظاهرکنندگان میان عوامل رژیم و عوامل سلطنت قرار بگیرند. قاضی در پاسخ گفت وظیفه پلیس این است که امنیت تظاهرکنندگان را تأمین کند و جلو تعرض دیگران به آنها را بگیرد.

در آخرین لحظه قبل از تشکیل جلسه استماع فرمانداری پاریس از سوی دستگاه‌های امنیتی فرانسه یک گزارش به دادگاه ارائه شد. این گزارش که «نت بلانش» (یادداشت سفید) نام دارد، گزارشی است که مخالفت با آن از سوی دادگاه‌های اداری و فوری بسیار غیرمعمول است. این گزارشها از تهدیدهایی صحبت می‌کند که قضات قادر به تأیید یا رد آن نیستند و اگر آن را رد کنند و بعداً اتفاقی بیفتد، مسئولیت آن متوجه دادگاه می‌شود.

«سازمان مجاهدین خلق ایران یک جنبش مخالف ایرانی است که در ابتدا با رژیم شاه مخالفت می‌کرد و پس از سقوط شاه، به یکی از مخالفان تبعیدی حکومت دینی حاکم بر ایران تبدیل شد.

مسیر راهپیمایی اعلام‌شده از سوی برگزارکنندگان، از میدان ووبان (Place Vauban) آغاز و در خیابان سگور (Avenue de Ségur) در منطقه هفتم پاریس پایان می‌یابد.

شعار اصلی این راهپیمایی، همانند سال‌های گذشته، «نه شاه - نه شیخ» خواهد بود؛ شعاری که از یک سو مبارزه گذشته این جریان با خاندان سلطنتی و مخالفت آن با بازگشت رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران، به قدرت را نشان می‌دهد و از سوی دیگر بیانگر مخالفت آن با نظام تئوکراتیک حاکم بر ایران است.

مسئولان شورای ملی مقاومت ایران ابراز خرسندی کرده‌اند که شعار «نه شاه - نه شیخ» اکنون فراتر از هواداران این سازمان، توسط دیگر مخالفان حکومت ایران نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد آنان، بخشی از برنامه سیاسی‌شان در حال گسترش و نفوذ در میان نیروهای مختلف است و حمایت برخی نقش‌آفرینان سیاسی و اجتماعی را جلب کرده است؛ موضوعی که می‌تواند شمار شرکت‌کنندگان را افزایش دهد.

بر همین اساس، اقلیت‌های قومی ایران نیز اکنون بیش از گذشته از برنامه‌های سازمان مجاهدین خلق حمایت می‌کنند و حتی اعلام شرکت در راهپیمایی ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶ کرده‌اند. در این چارچوب، انتظار می‌رود نمایندگان کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها و اعضای دیگر قبایل و اقوام ایرانی، هم‌چنین فعالان و مسئولان جریان‌های کمونیست و سوسیالیست در این مراسم حضور داشته باشند. علاوه بر این، برگزارکنندگان تظاهرات ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶ از مشارکت گسترده هواداران خود از دیگر کشورهای اروپایی و نیز انجمن‌های وابسته در ایالات متحده، کانادا و استرالیا ابراز رضایت کرده‌اند.

تا تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۲۶، برگزارکنندگان اعلام کرده بودند که بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ دستگاه اتوبوس برای انتقال شرکت‌کنندگان اجاره کرده‌اند؛ موضوعی که از احتمال حضور بی‌سابقه شرکت‌کنندگان حکایت دارد.

هرچند این رقم ممکن است بیش از حد برآورد شده باشد، اما مشخص شده است که یک شرکت حمل و نقل مسافری در منطقه ایل‌دوفرانس که از سوی تشکلهای مختلف وابسته به مجاهدین خلق مورد تماس قرار گرفته بود، ناچار شده است علاوه بر ناوگان موجود خود، ۱۵ دستگاه اتوبوس اضافی نیز تأمین کند.

هم‌چنین چندین شخصیت غیرایرانی که پیشتر نیز در گردهمایی‌های بزرگ مجاهدین خلق حضور داشته‌اند، قرار است در این مراسم سخنرانی کنند. از جمله این افراد می‌توان به شارل میشل، نخست‌وزیر پیشین بلژیک و رئیس سابق شورای اروپا، اینگرید بتانکور و ژنرال آمریکایی جیمز ال. جونز اشاره کرد که هر سه به زبان فرانسه تسلط دارند...

با این حال، شرایط و تحولات بین‌المللی سال جاری، خطرات و چالش‌های جدی را برای برگزاری این تظاهرات ایجاد کرده است. در همین زمینه، در اول مارس ۲۰۲۶، وبسایت شورای ملی مقاومت ایران مطلبی با عنوان «یکان‌های مقاومت مجاهدین خلق پس از اعلام دولت موقت از سوی شورای ملی مقاومت در سراسر ایران به حرکت درآمده‌اند» منتشر کرد. بر اساس اعلام سازمان مجاهدین خلق، هدف از تشکیل این دولت موقت آن است که در نهایت قدرت را به مردم ایران منتقل کند.

علاوه بر این، در مقاله‌ی منتشرشده در روزنامه لوموند مورخ ۵ مارس ۲۰۲۶، این سازمان مسئولیت یک حمله در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۶ علیه اقامتگاه آیت‌الله علی خامنه‌ای را بر عهده گرفته بود؛ اقامتگاهی که در مجموعه مطهری در تهران (ایران) قرار دارد. این حمله چند روز پیش از کشته شدن او در حملات هوایی نیروهای ائتلاف اسرائیلی - آمریکایی رخ داده است.

این واقعیت که سازمان مجاهدین خلق چنین عملیاتی را انجام داده است، خطر اقدامات تلافی‌جویانه در خاک فرانسه را تشدید می‌کند، به‌ویژه در زمان برگزاری این بسیج گسترده در فضای عمومی.

در این خصوص یادآوری می‌شود که اعدام افراد مظنون به ارتباط با سازمان مجاهدین خلق توسط رژیم ایران در ماه‌های اخیر افزایش یافته است. به‌عنوان نمونه، محمد تقوی و اکبر دانشورکار در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۲۶ به اتهام وابستگی به این سازمان اعدام

شدند. روز بعد، مقامات قضایی ایران اعلام کردند که بابک علیپور و پویا قبادی نیز اعدام شده‌اند؛ با این ادعا که آنان ”در چندین عملیات تروریستی علیه اماکن عمومی و مراکز حساس در تهران با استفاده از سلاح گرم مشارکت داشته‌اند“.

دخالت رژیم تهران در اقدامات خشونت‌آمیز علیه مخالفان سیاسی در گذشته نیز اثبات شده است.

در همین زمینه، یک زوج بلژیکی با اصالت ایرانی در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ در منطقه بروکسل بازداشت شدند؛ در حالی که در خودروی آنان حدود ۵۰۰ گرم ماده منفجره قوی (TATP) و یک مکانیسم انفجاری کشف شد. آن‌ها به سرعت مظنون به برنامه‌ریزی برای انجام یک حمله تروریستی در همان روز در شهر ویلپنت شدند؛ جایی که گردهمایی سالانه بزرگ شورای ملی مقاومت ایران برگزار می‌شد.

دادستانی بلژیک در آن زمان اعلام کرد که ”این حمله تروریستی با همکاری سرویس امنیت دولتی بلژیک و مقامات قضایی فرانسه و آلمان خنثی شده است“. علاوه بر این زوج، یک دیپلمات ایرانی به نام اسدالله اسدی، که در زمان وقوع این پرونده در سفارت ایران در وین (اتریش) مشغول به کار بود، نیز به دلیل نقش احتمالی در این طرح تحت پیگرد قرار گرفت.

مقامات قضایی بلژیک در سال ۲۰۲۰ چهار نفر، از جمله این دیپلمات را به دادگاه کیفری به اتهام ”اقدام به قتل با ماهیت تروریستی“ و ”مشارکت در فعالیت‌های یک سازمان تروریستی“ ارجاع دادند. اسدالله اسدی در این پرونده از سوی دستگاه قضایی بلژیک به‌عنوان هم‌هانگ‌کننده این طرح در یکی از بخش‌های وزارت اطلاعات ایران معرفی شد.

پس از خنثی شدن این اقدام تروریستی در خاک فرانسه در سال ۲۰۱۸، سازمان مجاهدین خلق تصمیم گرفت گردهمایی سال بعد خود (۲۰۱۹) را به آلبانی منتقل کند. با این حال، مقامات این کشور نیز موفق شدند یک طرح تروریستی علیه این رویداد را خنثی کنند.

در سال ۲۰۲۲، زمانی که این سازمان بار دیگر قصد برگزاری گردهمایی سالانه خود در آلبانی را داشت، مقامات این کشور به دلیل یک حمله سایبری که به رژیم ایران نسبت داده شد و موجب فلج شدن سامانه‌های اداری شد، این رویداد را لغو کردند. در واکنش به این حمله، دولت آلبانی در ۷ سپتامبر ۲۰۲۲ روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد.

سرکوب مخالفان توسط رژیم ایران در داخل کشور که پس از جنگ موسوم به ”جنگ دوازده روزه“ علیه ائتلاف اسرائیلی آمریکایی (۱۳ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵) و سپس عملیات «خشم حماسی» از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ شدت گرفته است، خطر بیشتری را متوجه مخالفان تبعیدی در کشورهای خارجی، به‌ویژه در فرانسه، می‌کند.

به نظر می‌رسد یادآوری این نکته ضروری باشد که یک سوءقصد با استفاده از مواد منفجره علیه دفتر مرکزی بانک آمریکا در پاریس، واقع در خیابان لا بوئسی (منطقه هشتم پاریس) در ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد شنبه ۲۸ مارس ۲۰۲۶ خنثی شد.

مأموران یکان مبارزه با جرایم (BAC) نوجوانی ۱۷ ساله را که صورت خود را پوشانده بود، در حالی بازداشت کردند که قصد داشت یک بمب دست‌ساز قرار داده‌شده در مقابل بانک را به آتش کشیده و منفجر کند.

به گفته دادسرای ملی مبارزه با تروریسم فرانسه (PNAT) که مسئول رسیدگی به این پرونده بود، این اقدام ”احتمالاً می‌توانست به گروه طرفدار ایران موسوم به حرکت أصحاب الیمین الإسلامیة (HAYI) مرتبط باشد“. این گروه پیش‌تر مسئولیت چندین حمله اخیر علیه جامعه یهودیان در اروپا را بر عهده گرفته بود؛ امری که به گفته گزارش، نشان‌دهنده توانایی کنونی ایران برای هدف قرار دادن دشمنان خود در خاک فرانسه است.

لوران نونز، وزیر کشور فرانسه، نیز از وجود «ارتباطی» میان این اقدام و جنگ خاورمیانه و همچنین ”نیروهای نیابتی“ وابسته به ایران سخن گفته بود.

در شرایط کنونی که مذاکرات میان ایالات متحده و ایران با هدف دستیابی به یک توافق صلح در جریان است، این گردهمایی سازمان مجاهدین خلق با خطر جدی یک اقدام تروریستی مواجه ارزیابی می‌شود.

با این حال، حکومت ایران تنها تهدیدی نیست که این تجمع سازمان مجاهدین خلق را هدف قرار می‌دهد. در واقع، این سازمان طی ماه‌های اخیر وارد نوعی جنگ نفوذ و رقابت سیاسی با جریان دیگری از مخالفان حکومت ایران، یعنی سلطنت‌طلبان ایرانی حامی

بازگشت رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران، شده است؛ زیرا هر دو جریان تلاش می کنند خود را به عنوان تنها اپوزیسیون مشروع و معتبر ایران معرفی کنند.

سازمان مجاهدین خلق پیش تر حمله به یکی از اعضای خود توسط هواداران جریان سلطنت طلب را که در جریان یک تجمع عمومی در تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۲۳ در بروکسل رخ داده بود، علناً افشا و محکوم کرده بود.

این سازمان همچنین از به نمایش گذاشته شدن نمادهای **ساواک** - سازمان امنیت داخلی دوران محمدرضا شاه - توسط هواداران این جریان در تظاهرات ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ در لندن و ۱۰ مه ۲۰۲۶ در رگنسبورگ آلمان انتقاد و شکایت کرده است. همچنین محمد صادقی آهنگر، فعال شناخته شده جریان سلطنت طلب، که به دلیل فعالیت های سیاسی خود و مواضع تهدیدآمیزش، به ویژه علیه نیروهای انتظامی فرانسه و رئیس جمهور این کشور، شهرت یافته است، از هواداران خود خواسته بود که: ”راه را بر روی کاروان و راهپیمایی سازمان مجاهدین خلق ببندند“.

او اخیراً در شبکه های اجتماعی خود، بدون این که شخصاً در آن ویدئوها دیده شود، دو ویدئوی به ویژه نگران کننده منتشر کرده است: در ویدئوی اول، فرد مورد نظر در حال دست کاری یک سلاح کمری نیمه خودکار است و در پس زمینه یک سلاح بلند نیز دیده می شود؛ و در ویدئوی دوم، یک سلاح نیمه خودکار ساخته شده با چاپ سه بعدی نشان داده می شود که در حال شلیک است. نماد **ساواک** در چندین گزارش ثبت شده در پلتفرم «moncommissariat.fr» در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۶ مورد استفاده قرار گرفته است؛ گزارش هایی که در آن ها یک یا چند فرد، به طور مشخص تهدید کرده اند که در صورت صدور مجوز برگزاری تظاهرات ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶، اقدام به بمب گذاری خواهند کرد.

این اقدامات، اگرچه در ظاهر ممکن است به اپوزیسیون سلطنت طلب ایران و در چارچوب رقابت آن با سازمان مجاهدین خلق نسبت داده شود، اما از سوی دیگر احتمال داده شده است که می تواند از سوی حکومت ایران و از طریق نیروهای نیابتی و واسطه یی نیز هدایت شده باشد.

در نهایت، این تجمع در بستری از درگیری و فشار شدید بر نیروهای پلیس در سطح کشور برگزار می شود.

در واقع باید یادآوری کرد که نیروهای امنیتی در هفته های اخیر به طور گسترده برای تأمین امنیت چندین رویداد بزرگ و دارای پوشش بین المللی و رسانه یی به کار گرفته شده اند؛ از جمله:

- رویداد «Bharat Innovates» در نیس (از ۱۴ تا ۱۶ ژوئن ۲۰۲۶)؛
- نشست سران گروه G7 در اویان (از ۱۵ تا ۱۷ ژوئن ۲۰۲۶)؛
- نمایشگاه VivaTech در پارک نمایشگاهی پورت دو ورسای پاریس (از ۱۷ تا ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶)؛
- نمایشگاه Eurosatory در پارک نمایشگاهی پاریس - نور / ویلپنت در سن - سن - دنی؛
- و همچنین جشن موسیقی سال ۲۰۲۶ (Fête de la Musique).

علاوه بر این، فرانسه با تهدید تروریستی بسیار بالا مواجه است؛ به گونه یی که نخست وزیر این کشور در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۲۴ آماده باش امنیتی را به بالاترین سطح خود (Vigipirate) ”وضعیت اضطراری حمله“ ارتقا داده است. در این شرایط، تجمعات بزرگ در فضای عمومی، به ویژه در حاشیه رویدادهای دارای بازتاب گسترده رسانه یی، به طور خاص هدف گروه های تروریستی قرار می گیرند؛ گروه هایی که تحت تأثیر تبلیغات جهادی، به استفاده از روش های ساده مانند حمله با چاقو یا وسایل نقلیه برای افزایش تلفات و اثرگذاری حملات خود تشویق می شوند«.

دادگاه اداری پاریس صبح روز شنبه در حکم خود اعلام کرد دستور ممنوعیت پلیس شامل دلایل کلیشه یی و عاری از هرگونه اطلاعات زمینه یی است، اما گزارش های اطلاعاتی که در اختیار دادگاه گذاشته شده، نشان می دهد تظاهرات ۳۰ خرداد «در معرض خطر حمله بزرگ رژیم ایران یا سلطنت طلبان ایرانی قرار دارد». در حکم دادگاه گفته شده است: بقایای رژیم شاه «یک سرویس امنیت داخلی به نام ساواک دارد» که در اروپا فعال است و تهدید کرده در صورت صدور مجوز تظاهرات در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶ بمبی کار خواهد گذاشت. حکم همچنین با اشاره به حضور ساواک در تظاهرات ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ در لندن و ۱۰ مه همان سال در رگنسبورگ

آلمان، که طی آن شرکت‌کنندگان در راهپیمایی لباسها و برههایی با نماد ساواک به نمایش گذاشته بودند، از محمد صادقی آهنگر، عضو فعال جنبش سلطنت‌طلب که به‌خاطر مواضع تهدیدآمیزش نسبت به نیروهای امنیتی فرانسه و رئیس‌جمهور شناخته شده، نام برد که از هوادارانش خواسته بود راهپیمایی را مسدود کنند. بر پایه اسناد دادگاه اداری پاریس که در همان روز صادر شد، دادگاه با استناد به گزارش‌های امنیتی و تهدیدهای بمب‌گذاری، درخواست استیناف برگزارکنندگان برای لغو ممنوعیت را رد کرد (اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت - ۳۰ خرداد ۱۴۰۵).

۸۸ - بعد از ظهر جمعه ۲۹ خرداد ۱۴۰۵، کنفرانسی روشنگرانه در پاریس با حضور خانم کریستین آریگی، رئیس کمیته پارلمانی برای ایران آزاد در مجلس ملی فرانسه، ژیلبر میتران رئیس فرانس لیبرته (بنیاد دانیل میتران)، بهزاد نظیری، عضو شورای ملی مقاومت و افشین علوی سخنگوی مطبوعاتی مجاهدین برگزار شد.

خانم کریستین آریگی، ضمن محکوم کردن لغو تظاهرات ۲۰ ژوئن در پاریس گفت امروز با حکومتی خون‌ریز در ایران مواجهیم که اعدام‌ها در آن به امری روزانه تبدیل شده و کمیته فراحزبی او از مردم ایران با تمام طیف‌هایشان در برابر این رژیم حمایت می‌کند. وی افزود مطلع شدن از ممنوعیت، یک روز پیش از برگزاری تظاهراتی برای حقوق بشر، «واقعاً توهین به مردم ایران» و مایه نگرانی عمیق او به‌عنوان نماینده مجلس است، و این، در درجه اول، نگرانی درباره حاکمیت قانون است زیرا استدلال اخلاقی در نظم عمومی بر هیچ سند و مدرکی استوار نیست؛ او یادآور شد این ممنوعیت جلو هیچ‌چیز را نمی‌گیرد چون همه اتوبوسها و هواپیماها و صد هزار نفری که قرار بود شرکت کنند، ناگزیر به پاریس خواهند رسید. آریگی هم‌چنین گفت به‌عنوان یک شهروند نیز نگران است زیرا از طریق مطبوعات مطلع شده که تماسی تلفنی میان وزیر امور خارجه فرانسه و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، درست پیش از دریافت حکم ممنوعیت برقرار شده بود. وی ابراز امیدواری کرد که دادگاه با پذیرش شکایت تازه ثبت‌شده، دولت فرانسه را به مسیر عقلانیت بازگرداند.

ژیلبر میتران، رئیس فرانس لیبرته، گفت: این گردهمایی بزرگ سالانه برای حمایت از مقاومت ایران با حضور شرکت‌کنندگانی از سراسر جهان، امر جدیدی در فرانسه نیست و گفتگوها با مقامات برای کسب مجوز از ۲۰ آوریل آغاز شده بود. او پرسید چگونه ناگهان در ۱۸ ژوئن اتفاقی رخ داده که موضع مقامات فرانسوی را نسبت به تظاهراتی که خود به آن چراغ سبز داده بودند، تغییر داده است؟ ژیلبر میتران این رفتار را از سوی دولتی مانند فرانسه «بسیار بی‌ملاحظه و دور از نزاکت» خواند؛ به‌ویژه آن که یک دلیل روشن در ۱۸ ژوئن وجود داشت: امضای یک تفاهم‌نامه [با رژیم ایران] در ورسای. وی افزود چگونه دولت فرانسه می‌تواند بار دیگر تسلیم باج‌خواهی مقامات ایرانی شود، آن‌هم درباره راهپیمایی هزاران هزار تظاهرکننده از سراسر جهان برای دموکراسی و حقوق بشر؟

بهزاد نظیری با تشریح روند ثبت این تظاهرات گفت، این تظاهرات که برای صلح و آزادی و هشدار نسبت به افزایش بی‌سابقه تعداد اعدام‌ها در ایران بود، در ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین ۱۴۰۵) در اداره پلیس پاریس ثبت شد و تمام جزئیات فنی لازم برای فرمانداری ارسال شد؛ در ۱۵ ژوئن نیز هیأتی هشت‌نفره شامل پنج عضو کمیته برگزارکننده و سه نماینده شرکتهای خدمات با هیأتی از ستاد پلیس دیدار کردند و برگزاری در میدان ووبان و مسیر راهپیمایی مورد تأیید قرار گرفت. شامگاه پنجشنبه، ساعت ۱۹ و ۲۷ دقیقه ایمیلی از همان کمیسر دریافت شد که در آن نوشته بود: «عذرخواهی می‌کنم که [دیر] به شما پاسخ می‌دهم، اما منتظر تأیید مقامات بالادستی‌ام بودم»، و تنها هفت دقیقه بعد ایمیلی از دفتر فرماندار حکم ممنوعیت را ابلاغ کرد. نظیری نتیجه گرفت «از ۲۰ آوریل که ما این درخواست را ثبت کردیم، حاکمیت قانون بود که جریان داشت... اما از دیشب به بعد، دیگر حاکمیت قانون نیست که عمل می‌کند، بلکه منافع دیگر و پای معامله‌های دیگری در میان است».

افشین علوی در ادامه این کنفرانس گفت: «دلایل ارائه‌شده در حکم استانداری بسیار واهی و حتی مضحک است، از این جهت که در هیچ‌یک از تظاهرات برگزارشده توسط این جنبش و انجمن‌های حامی شورای ملی مقاومت هرگز حادثه‌یی رخ نداده و همواره مسالمت‌آمیز بوده‌اند؛ بنابراین، استدلال‌هایی مانند احتمال درگیری یا وجود ساختمانهای دیپلوماتیک در آن محله و استناد به «شرایط به‌ویژه پرتنش ملی و بین‌المللی»، صرفاً با هدف توجیه ممنوعیتی مطرح شده‌اند که ریشه در یک تصمیم سیاسی دارد. رژیم

ایران سالهاست چنین باج‌خواهی را علیه کشورهای اروپایی اعمال می‌کند تا فعالیتهای مقاومت را محدود و مانع افشای جنایاتش شود».

خبرگزاری رویترز اعلام کرد پلیس پاریس تجمع مخالفان ایرانی را که از مدتها پیش برنامه‌ریزی شده بود و قرار بود روز شنبه برگزار شود ممنوع کرد و وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد وزیر امور خارجه و همتای ایرانی‌اش در تماس تلفنی روز پنجشنبه هرگز درباره مجاهدین خلق صحبت نکردند.

روزنامه لوموند نوشت استانداری پاریس گردهمایی علیه اعدام چهره‌های مخالف در ایران را به‌دلیل «شرایط ملی و بین‌المللی به‌ویژه پرتنش» ممنوع اعلام کرد؛ طبق حکمی که عصر پنجشنبه صادر شد، استانداری این ممنوعیت را با استناد به «خطر جدی درگیری میان فعالانی با دیدگاههای مخالف» توجیه کرد، این نگرانی به‌ویژه از آن‌رو مطرح شده بود که مسیر راهپیمایی از نزدیکی هتل انولید در منطقه ۷ پاریس و چند ساختمان عمومی و نمایندگی‌های دیپلماتیک عبور می‌کند. سازمان‌دهندگان و چندین سازمان غیردولتی این «بهانه‌های بی‌اساس» را محکوم کردند و آن را تصمیمی دانستند که تنها چند ساعت پس از تماس تلفنی وزیران خارجه دو کشور اتخاذ شده بود؛ ادعایی که وزارت امور خارجه فرانسه رد کرد و اعلام کرد ژان نوئل بارو نه به این تظاهرات اشاره کرده و نه درخواست لغو آن مطرح شده بود.

روزنامه فیگارو گزارشی زیر عنوان «نقض آشکار و غیرقانونی آزادی تظاهرات» منتشر ساخت و ازجمله نوشت: ون‌سان برنگار، وکیل حقوق‌بشر نوین فرانسه، از برگزارکنندگان این تجمع، گفت این توجیه فوق‌العاده دیر هنگام، نشان‌دهنده بی‌اساس بودن کامل این ممنوعیت و ماهیت خودسرانه آن است. برگزارکنندگان به‌همراه ویلیام بوردون، با استناد به «نقض آشکار غیرقانونی آزادی تظاهرات»، درخواست تجدیدنظر اضطراری را به دادگاه اداری پاریس ارائه کردند. تاریخ ۲۰ ژوئن به یاد ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ برای این تظاهرات انتخاب شده بود که به‌گفته شورای ملی مقاومت، ۵۰۰ هزار معترض را در تهران گردهم آورد، تظاهراتی که به‌طرز وحشیانه‌یی سرکوب شد و «آغاز مقاومت در برابر دیکتاتوری مذهبی» را رقم زد. ممنوع کردن تظاهرات در حالی بود که واشینگتن و تهران روز چهارشنبه تفاهم‌نامه‌یی [در ورسای] برای پایان درگیری امضا کرده بودند، هرچند به‌گفته سازمانهای غیردولتی اعدام مخالفان از زمان اعتراضات ژانویه در ایران رو به افزایش بوده است.

کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت به لغو تظاهرات «ایران آزاد ۲۰۲۶» در پاریس شدیداً اعتراض کرد و نوشت خاموش کردن صدای ۱۰۰ هزار ایرانی بر اثر تهدیدهای رژیم ایران «شرم‌آور است». پروفیسور آلفو ویدال کوادراس، رئیس این کمیته، تأکید کرد تحقیقات مستقل فوریت و ضرورت دارد و خسارت باید پرداخت شود.

مرآپ، جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی میان خلقها، نیز با صدور بیانیه‌یی تحت عنوان «نه شیخ، نه شاه، همبستگی با مردم ایران»، ممنوع کردن تظاهرات ایرانیان در ۲۰ ژوئن در پاریس را قویاً محکوم و اعلام کرد از آنجا که این ممنوعیت در آخرین لحظه اعلام شد و تظاهرکنندگان با اتوبوس از کشورهای مختلف به پاریس آمده بودند، جلوگیری از تظاهرات صلح‌آمیز عملاً غیرممکن بود و نیروهای پلیس برای متفرق کردن آنها از اسپری فلفل استفاده کردند که به مجروح و مصدوم شدن بسیاری انجامید؛ این جنبش ممنوعیت تظاهرات و استفاده مفرط پلیس از زور را محکوم و بار دیگر همبستگی خود را با مردم و مقاومت ایران اعلام کرد.

۸۹ - با این‌همه، «خروش کم‌سابقه ایرانیان، کهکشان تکثیر شد»: «مائیم که از باده بی‌جام خوشیم / هر صبح منوریم و هر شام خوشیم / گویند سرانجام ندارید شما / مائیم که بی هیچ سرانجام خوشیم».

با وجود ممنوعیت گردهمایی، هزاران ایرانی آزادیخواه در میدان ووبان و چندین نقطه دیگر دست به تظاهرات زدند. صبح آن روز، نخستین اتوبوسها ساعت ۶ با نزدیک به ۱۰ هزار نفر به میدان ووبان رسیدند؛ ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه نخستین گروه پلیس با لباس شخصی وارد شد و ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه گروه دوم پلیس با لباس رسمی با بلندگو خواستار متفرق شدن جمعیت شد. دقایقی بعد نیروهای پلیس ضدشورش وارد شدند و برای متفرق کردن جمعیت به زور متوسل شدند. از ساعت ۱۰ درگیریها افزایش یافت، پلیس

ابتدا میدان ووبان و خیابانهای منتهی به آن را بست و سپس کوچه‌های فرعی را نیز از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه مسدود کرد و به شرکت‌کنندگان در تظاهرات اجازه ورود به این منطقه را نمی‌داد. در نتیجه اتوبوسها دیگر نمی‌توانستند وارد شوند و گروه‌های صدها نفره در خیابانهای اطراف پراکنده شدند. آنها به نقاط دیگر پاریس، از جمله باستیل، تروکادرو، جمهوری و خیابانهای سگور و انولید رفتند و تجمعات خود را ادامه دادند. این پراکندگی تا ساعت ۹ شب ادامه داشت و در همین حال، عده‌یی از هموطنان که از کشورهای مختلف به‌ویژه از اسکاندیناوی و ایتالیا می‌آمدند از فرودگاههای شارل دوگل و اورلی بازگردانده شدند. طبق آمار، ۸۳۷ اتوبوس در پاریس ثبت شد؛ ۴۱ نفر مجروح شدند که ۴ نفرشان به بیمارستان منتقل شدند و ۵۳ نفر بازداشت شدند که بیشترشان بلافاصله آزاد شدند، ۲۰ نفر تا غروب در بازداشت ماندند و ۳ نفر به مدت چند روز در بازداشت به‌سر بردند.

در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران که در روزهای جمعه و شنبه ۵ و ۶ تیر ۱۴۰۵ برگزار شد، خانم رجوی «با اشاره به فشار و شانتاژ رژیم که ممنوعیت ناموجه تظاهرات ۳۰ خرداد را در پی داشت و با قدردانی از هموطنان و دست‌اندرکاران کارزار ایران آزاد، که این توطئه را نقش بر آب کردند»، گفت: «اسناد رسمی پلیس فرانسه که به دادگاه ارائه شد تصریح می‌کند که تظاهرات در معرض خطر حمله بزرگ رژیم آخوندی است و از سوی ساواک بازماندگان شاه تهدید به بمب‌گذاری شده است. یعنی در برابر مقاومت مردم ایران و جایگزین دموکراتیک، بقایای دیکتاتوری شاه به خدمت بقایای شیخ درآمده‌اند».

اعضای شورا با تبریک کارزار ایران آزاد و گردهماییهای کهکشان مقاومت و شکست رژیم در جلوگیری از رساندن پیام تظاهرات ۳۰ خرداد، تأکید کردند: «امواج خروشان دهها هزار تن از هموطنان و حامیان مقاومت از زن و مرد و پیر و جوان که برای تظاهرات به پاریس آمده بودند، در میدان ووبان و در چندین نقطه دیگر شهر صدای مردم مظلوم ایران و رزمندگان آزادی و کانونهای شورشی را رساتر از همیشه طنین انداز کردند. آنها به مثابه گردانهای نبرد و پایداری در برابر این رژیم به جهانیان نشان دادند که یگانه راه برقراری آزادی و دموکراسی در ایران همین جایگزین دموکراتیک و ارتش آزادی است و این حقیقت را به اثبات رساندند که اراده آزاد و داوطلبانه فرزندان میهن شکست ناپذیر است و بقایای شیخ و شاه در برابر فرزندان آزادیخواه و شورشگر ایران‌زمین، زبون و محکوم به شکست هستند».

شورا بر این عقیده بود که کهکشان ایران آزاد امسال آزمون سیاسی و بین‌المللی بزرگی بود که بار دیگر نشان داد چگونه شورای ملی مقاومت در مسیر ۴۵ سال پایداری، با وفاداری بی‌شکاف به مرزبندی و شعار اصولی "نه شاه - نه شیخ"، در پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران، حضوری تعیین‌کننده داشته و در برابر انواع توطئه‌ها ایستادگی کرده است. مقاومتی که در ۴۵ سال گذشته پیوسته بهای سنگین ایستادن در برابر دشمنی خونخوار همچون خمینی ضد بشر را پرداخت کرده است».

هم‌زمان با این رویدادها «فرازی دیگر از کهکشان ایران آزاد» رقم خورد: بیش از ۱۰۰ تن از رؤسای سابق دولتها، وزیران، نمایندگان کنونی پارلمان‌ها، دیپلماتها، فرماندهان ارشد نظامی و رهبران سیاسی از اروپا و آمریکای شمالی در روزهای شنبه ۳۰ خرداد و یکشنبه ۳۱ خرداد در کنفرانس ایران آزاد گردهم آمدند و پیامی متحد در حمایت از مبارزه مردم ایران برای آزادی صادر کرده، هم دیکتاتوری دینی حاکم و هم هرگونه بازگشت به دیکتاتوری سلطنتی را رد کردند. در ابتدا قرار بود سخنرانان روز شنبه در میدان ووبان سخنرانی کنند؛ اما پس از لغو تظاهرات از سوی پلیس، برگزارکنندگان این برنامه را به‌سرعت به مکانی سرپوشیده منتقل کردند.

مهدی سامع سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در اجلاس شورا گزارشی از مشاهداتش در تظاهرات ۳۰ خرداد ارائه کرد که در بخشی از آن آمده بود: «رسیدم به صحنه، قبل از رسیدن به میدان خانمی را دیدم که در سایه نشسته و به بچه اش شیر میدهد. عده‌یی وسط میدان دارند شعار میدهند، پشت سرشون هم پلیس. هم در ضلع شمالی و هم در ضلع جنوبی جمعیت شعار می‌دادند و من وسط جمعیت می‌گشتم. تقریباً کسی را نمی‌شناختم، ولی گویی که همه آشنا بودند. به زبان بی‌زبانی می‌گفتند صحنه جنگه، هر کسی سنگرش رو خودش انتخاب می‌کند. البته آب تعارف می‌کردند، کلاه تعارف می‌کردند خانمی را که بچه اش را شیر میداد، چند لحظه بعد دیدم کفش کتانی پوشیده بود، یک حالت ورزشکاری داشت، گفت "ما تصمیم داشتیم هر جوری هست

تظاهرات را برگزار کنیم.“ به او گفتم ”و اگر نمی‌توانستید؟“ گفت: ”حرف نمی‌توانستید را نزدیکاً لطفاً. من حتی تنهایی راه می‌افتادم تو شانزله‌شعار می‌دادم و این پلاکاردها را دستم می‌گرفتم.“

من یاد جمله‌یی از مارکس افتادم. در پایان یک تحلیل حرف جالبی می‌زند: ”گل همین جاست، همین جا برقص.“ منظورش از گل، فرانسه هست. و آن روز ۳۰ خرداد در پاریس ”رقصی چنین میانه میدان“ واقعاً شگفت‌انگیز بود. یاد شعر سهراب سپهری افتادم: ”تا شقایق هست زندگی باید کرد.“ و من یاد شقایق‌های سرخ افتادم. مرور کردم، خیلی روزهای مختلف را. جنبش ما روزهای سختی داشت، شقایق‌های سرخ زیادی داشت و آخرینش این فرماندهان دلاور (سربدار شده) به هر حال، معمولاً ما، همیشه فکر می‌کنیم که مرغ همسایه غازه و به توانایی خودمون کمتر بها می‌دهیم. مثلاً راهپیمایی در چین؛ راهپیمایی معروف انقلاب چین که خیلی عظمت داشت. ولی وقتی جزئیاتش را می‌خوانید، می‌بینید که بسیاری از مناطق اساساً نیروی دشمن وجود نداشت، توی اون سرزمین پهناور با اون همه جمعیت. ولی راهپیمایی ما چی؟ یک لحظه دشمن به ما امان نداده است. یادم افتاد اولین تظاهرات مجاهدین نزدیک انقلاب بود یا بعد از انقلاب، در دانشگاه. همه قدیمی‌های مجاهدین من جمله مسعود جلودار اون تظاهرات بودند. اون تظاهرات چند هزار نفر، ۴ هزار، ۵ هزار نفر بیشتر نبود. من بعداً که تظاهرات بزرگ مجاهدین را دیدم، می‌دیدم نطفه اون تظاهرات و خیلی چیزهای دیگر از همان زمان شروع شد، به‌هرحال برگردیم به میدان ووبان. پلیس دو تا تاکتیک داشت؛ اول این که ایجاد شکاف کند و جمعیت را به چند قسمت تقسیم کند، موفق شد. قسمت دوم این بود که جمعیت شمالی را براند به سمت جنوب.

در این لحظات بود که خانم سیفی را دیدم، یک کوره گداخته، انگشت تکان میداد و می‌گفت ”۱۰۰ هزار نفر تثبیت شد، ۱۰۰ هزار نفر تثبیت شد.“ چشمان او مثل آتش می‌درخشید.

به‌هرحال من از میدان ووبان آمدم، یکی از بچه‌ها زد که ما در میدان جمهوری هستیم. رفتم میدان ریپابلیک. اونجا هم همه جدید بودند یا اگر قدیمی هم بودند من نمی‌شناختم. ولی خانم مریم شیخی، سارای شیخی و آمیتیس را دیدم. سارا همیشه خیلی پرشور ولی پشت چهره آرام مریم چی می‌گذرد؟ با صدای متین و ملایم. لحظاتی گذشت دیدم در سکوه‌های این مجسمه وسط میدان، عده‌یی ایستادند و مریم و آمیتیس بغل هم دارند شعار می‌دهند. باور کنید هنوز صدای مریم توی گوشم است. یادم افتاد بار گذشته که همین اتفاق در فرانسه افتاد (سال ۱۴۰۲) من در توصیف آن لحظه، که تظاهرات آرام تمام شد و ملت شروع کردن به شادی و وزن و بکوب وسط همین میدان، من گفتم آن جمعیت گردانهای از جنگ برگشته بودند، و خستگی‌ناپذیر. ولی امسال در میدان ریپابلیک و میدان ووبان، گردانهای در حال جنگ را دیدم.

به هر حال ما برای تظاهرات هدفی داشتیم. به این هدف رسیدیم یا نرسیدیم؟ به گمان من رسیدیم و خوب هم رسیدیم. ولی سؤال بعدی این است که: آیا پس ما مشوق این هستیم که هر تظاهراتی می‌گذارند ممنوع کنند؟ مسلماً نه. این حق ماست که از این شرایط استفاده کنیم و استفاده خواهیم کرد.

در میدان ریپابلیک پس از تظاهرات و راهپیمایی اتوبوسها آمدند که تظاهرکنندگان بر گردند، همزمان پلیس هم آمد تا آن زمان پلیس نبود. پلیس که آمد دوباره شروع کردند. جلوی پلیس ایستادند و شعار دادند. نتیجه این که اگر به اراده آزاد و داوطلبانه جامعه متکی باشیم، شکست نمی‌خوریم».

۹۰ - گردهمایی جهانی ایران آزاد ۲۰۲۶

پیش به‌سوی جمهوری دموکراتیک - ارتش آزادی، تنها راه برای آزادی

در ۳۰ خرداد ۱۴۰۵ با سخنرانی خانم مریم رجوی؛ شارل میشل (رئیس پیشین شورای اروپا ۲۰۱۹-۲۰۲۴) نخست‌وزیر بلژیک ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸؛ بوریس جانسون (نخست‌وزیر انگلستان ۲۰۱۹-۲۰۲۲)؛ جان برکو (سخنگوی سابق مجلس عوام انگلستان)؛ سناتور رابرت توریسلی؛ بارونس اولون (عضو مجلس اعیان انگلستان)؛ کریستین آریگی (نماینده مجلس ملی فرانسه و رئیس کمیته پارلمانی برای ایران دموکراتیک)؛ دومینیک آتیاس (رئیس سابق شورای کانون‌های وکلای اروپا)؛ نایکه گروپیونی (عضو کمیسیون

خارجی پارلمان ایتالیا؛ کارستون مولر (نماینده مجلس فدرال آلمان)؛ پروفیسور آخو ویدال کوادراس؛ جان برد (وزیر خارجه سابق کانادا)؛ جودی اسکرو (نماینده پارلمان کانادا)؛ دیمیتر کولبا (وزیر خارجه سابق اوکراین) و پتره رومان (نخست‌وزیر سابق رومانی) برگزار شد.

خانم مریم رجوی در این گردهمایی گفت: «پسر خامنه‌ای که میراث‌بر ویرانه ولایت فقیه است، بر پیشانی‌اش حتمیت سرنگونی حک شده و این ایستگاه آخر رژیم است. به بقایای رژیم می‌گوییم از هر راهی که بروید، قیام و سرنگونی در انتظار شماست و شهرهای موشکی‌تان در برابر شورشگران و شهرهای شورش‌کار از پیش نمی‌برد و سیرک‌های خیابانی و اعدام هر روزه زندانیان سیاسی نیز شما را نجات نمی‌دهد... مقاومت ایران که قریب ۵۰ ساله خواهان آزادی و صلح بوده و با ۱۳۳ افشاکری، به‌ویژه با افشای تأسیسات پنهانی نطنز و اراک، مهم‌ترین مانع دستیابی این رژیم به بمب اتمی شده است، از تفاهم برای پایان جنگ و مصیبت‌های مردم ایران استقبال می‌کند، اما در ایران کسی جز بقایای شیخ و شاه خواهان جنگ نبوده و نیست. تلاش برای تولید بمب اتمی و جنگ‌افروزی بخشی از استراتژی دیکتاتوری دینی برای بقاست؛ جنگ سپر این رژیم در برابر قیام‌های مردمی است و سرنگونی آن برعهده مردم ایران و مقاومت سازمان‌یافته آن‌هاست. این که پسر خامنه‌ای کمتر از ۲۴ ساعت پس از امضای یادداشت تفاهم علم مخالفت با آن را بلند کرد، شکاف مرگبار در رأس رژیم و بی‌ثباتی آن را نشان داد. به آخوندهای حاکم می‌گوییم سپر جنگ و اعدام را زمین بگذارید تا ببینید طغیان بغض‌های فروخورده چه بر سر این رژیم پوشیده می‌آورد. جنگ اصلی میان مردم ایران است با این رژیم در حال مرگ، که ده‌ها میلیون نفر را گرسنه نگه داشته است. نجات مردم ایران تنها یک راه دارد: سرنگونی این رژیم پلید با انقلاب دموکراتیک. تشبثات رژیم برای جلوگیری از تظاهرات بزرگ ایران آزاد بازتاب هراس آخوندها از همین سرنوشت است... در چهار دهه گذشته نه مذاکره به خطر فاشیسم دینی پاسخ داده و نه جنگ؛ امروز نیز یک ایران صلح‌جو و غیراتمی فقط با سرنگونی رژیم به‌دست مردم و مقاومت سازمان‌یافته امکان‌پذیر است و حاکمیت مردم و صلح با همسایگان در گرو برپایی جمهوری دموکراتیک است.

راه آزادی ایران نه جنگ خارجی است، نه چشم‌دوختن به فروپاشی خودبه‌خودی رژیم و نه آلترناتیوسازی فیک و رباتیک؛ نیروی واقعی تغییر برخاسته از مردمی است که همراه با مقاومتی سازمان‌یافته با ۶۱ سال تجربه مبارزه با دو دیکتاتوری، در پی جامعه‌ی آزاد و عادلانه‌اند...

در سال ۱۳۸۲ در اشرف، حدود ۲۰ هزار سلاح سبک و سنگین و ۲۰ هزار تن مهمات از مجاهدین گرفته شد. سنتکام نیز در اطلاعیه‌ی رسمی در ۱۷ مه ۲۰۰۳ گردآوری ۲۱۳۹ تانک و نفربر زرهی و سلاح از مجاهدین را اعلام کرد. اگر ارتش آزادی‌بخش ملی ایران این سلاح‌ها را در کنار مرزهای ایران می‌داشت، سرنوشت قیام‌های ۹۶، ۹۸، ۴۰۱ و ۴۰۴ به‌کلی متفاوت بود، چرا که به‌قول مسعود، ارتش آزادی تنها راه برای آزادی است.

خانم رجوی در پایان گفت: «مجاهدان سربهدار از زندان‌ها بارها برایش نوشتند: «ایستاده‌ایم تا پایان». حال بگذارید در پاسخ به این سربهداران و سربهداران قتل‌عام ۶۷ و همه زندانیان مقاوم ... یادآوری کنم: هر قطره خونی که در این ۴۸ سال سیاه از پیکرتان بر زمین ریختند؛ هر شلاقی که بر شما فرود آمد؛ هر دقیقه‌ی که در سیاه‌چال‌ها و شکنجه‌گاه‌ها اسیر بودید و هر چه از زندگی‌تان در فقر و کرونا و جنگ‌افروزی رژیم بر باد رفت، بر مسئولیت من و تمام جنبش مقاومت می‌افزاید. تعهد من پیمانی است ناگسستنی برای آزادی همه مردم ایران، از هر ملیت با هر مرام، هر عقیده و با هر دین و هر آیین؛ تعهد من دفاع از آزادی و شرف و استقلال ایران، رودرروی هرگونه دیکتاتوری و وابستگی است، در راهی پر پیچ و خم با هفت‌خانی از ابتلا و سختی‌ها، اما ما بر این پیمان ایستاده‌ایم. عهد ما با شهیدان راه آزادی، عهد ما با مردم ایران و عهد ما با مسعود است تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون».

شارل میشل گفت: پاریس فراتر از یک پایتخت اروپایی، نماد آزادی و مقاومت است؛ انقلاب فرانسه آرمان‌خواهی و آزادی‌های فردی را در کانون جوامع ما نشانده و در سال ۱۹۴۸ در همین شهر اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد که همه انسان‌ها را آزاد و برابر می‌داند، و هیچ‌چیز، حتی یک دادگاه اداری در پاریس، نمی‌تواند این حقیقت را پاک کند.

وی افزود: در سال ۲۰۲۵ بر اساس گزارش عفو بین‌الملل، ۲۱۵۹ اعدام در ایران صورت گرفته، یعنی شش اعدام در هر روز، و اروپاییان باید با صدایی رساتر از آزادی و کرامت انسانی دفاع کنند. او گفت در کنار بوریس جانسون و دیگر دوستان ایران آزاد سه پیام دارد:

- نخست، سیاست استمالت در قبال دیکتاتوری هرگز کارساز نبوده و رژیم ملاها همواره از آن برای خرید زمان، توسعه سلاح هسته‌یی و موشکی و صدور تروریسم سوءاستفاده کرده است.
 - دوم، جنگ راه‌حل نیست؛ عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل که پسر شاه آن را ترغیب کرده بود، بدون مشورت با اروپا و بدون شفافیت انجام شد در حالی که جایگزین واقعی همان مقاومت سازمان‌یافته و دموکراتیک است که ملتی متحد با رنج و اعدام و گرسنگی را نمایندگی می‌کند.
 - سوم، مردم ایران حق انتخاب دارند و این هسته طرح ده‌ماده‌یی خانم رجوی است:
 - یک، دموکراسی از طریق جمهوری دموکراتیک، انتخابات آزاد و لغو مجازات اعدام؛
 - دو، آزادی زنان و برابری زن و مرد، آزادی عقیده و بیان؛
 - سه، ایرانی در صلح با خود، با مردمش و با همسایگانش و غیرهسته‌یی؛
- طرحی که بازتاب همان ارزش‌های دموکراسی، صلح، آزادی و شکوفایی است که اتحادیه اروپا پس از دو جنگ جهانی و هولوکاست به شهروندانش وعده داد. وی افزود: ایران کشوری غنی از منابع است اما ایرانیان بی‌بهره از منابع‌اند، چرا که رژیم پول مردم را در مسابقه هسته‌یی و موشکی هدر می‌دهد؛ رژیمی که قادر به برآوردن نیازهای اولیه مردمش نباشد آسیب‌پذیر است و میزان ترس آن را می‌توان با میزان جنایاتش برای بقا در قدرت سنجید. این رژیم از جوانان، دانشجویان و زنان ایران و صدا و چهره آنان می‌ترسد و رژیمی که می‌ترسد اعدام می‌کند و وحشت می‌آفریند؛ رژیمی رو به زوال است؛ تاریخ نشان داده تغییر به‌کندی شکل می‌گیرد اما ناگهان رخ می‌دهد و هیچ نظام مبتنی بر ترس در برابر اراده ملتی مصمم دوام نمی‌آورد.
- وی در پایان گفت: تغییر در قلب مجاهدان اشرف ۳، در هر تظاهرات در تهران و مشهد و اصفهان، در چشمان محکومان به اعدام و در وقار زنانی که با سر بالا در برابر گشت ارشاد می‌ایستند، جریان دارد؛
- ما صدای شما را می‌شنویم، شما تنها نیستید و هر روز شمار بیشتری از ما در کنار شما قرار می‌گیرند.

۹۱ - بوریس جانسون گفت: «از تصمیم مقامات فرانسوی برای لغو این گردهمایی شوکه و سرخورده شدم، هرچند در عمل نتوانستند مانع برگزاری آن شوند. بهانه‌های واهی همچون گرمای بیش از حد هوا یا احتمال درگیری فیزیکی، اراجیفی بیش نبود. حقیقت این است که وزارت خارجه فرانسه پس از تماس تلفنی با عراقچی در تهران تصمیم گرفت به اپوزیسیون ایران اجازه گردهمایی ندهد، و دولت فرانسه با این کار در برابر رژیمی سر تسلیم فرود آورد که مخالفانش را در مقیاسی صنعتی شکنجه و اعدام می‌کند؛ زنان جوان را به دلیل پوشش‌شان می‌کشد. این رژیم نیم قرن است ترور و هرج و مرج را به نام ایدئولوژی مذهبی و حکومت دینی به سراسر خاورمیانه و جهان صادر می‌کند.

سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز اپوزیسیون در هر زمانی نادرست است و مردم باید حق بیان نظر درباره سپاه پاسداران را داشته باشند و مردم ایران باید بدانند از حمایت جهانیان برخوردارند. پس از سه ماه بمباران و جنگ، ثابت شده که موشک‌های تاماهاک به‌تنهایی آزادی را برای مردم ایران به ارمغان نمی‌آورد. بلکه تغییر باید از درون آغاز شود، زیرا مردم ایران، نخبه و جوان و تحصیل‌کرده، خواهان آینده‌یی متفاوت‌اند... با رئیس‌جمهور آمریکا در مورد این نکته مخالفم که نابودی تمدن ایرانی ممکن باشد، چرا که ایران و پرشیا در ریاضیات، فلسفه، سیستم‌های حکومتی، ارتباطات و حتی نخستین سیستم پستی جهان به تمدن بشری خدمت کرده‌اند، و مردم فوق‌العاده باهوش و درخشان ایران باید سرانجام فرصت بیان آزادانه عقاید و مشارکت در اقتصاد جهانی را، رها از این رژیم نفرت‌انگیز و بزدل بیابند».

کریستین اریگی، نماینده مجلس ملی فرانسه و رئیس کمیته پارلمانی برای ایران دموکراتیک، گفت:

« به نمایندگی از کمیته‌های برادر و خواهر در پارلمان‌های اروپا و آمریکای شمالی سخن می‌گویم؛ با وجود زبان‌ها و گرایش‌های سیاسی متفاوت، وجه مشترک همه ما وقف‌شدن برای آزادی مردم ایران از یوغ دیکتاتوری مذهبی و تلاش برای استقرار جمهوری دموکراتیک با جدایی دین و دولت با نقش ویژه زنان در رهبری است. این تظاهرات عظیم نشان می‌دهد مردم ایران، همان‌گونه که از طریق کانون‌های شورشی و جوانان دستگیرشده پس از کشتار ژانویه می‌شنویم، می‌گویند: نه به جنگ و مماشات و آری به قیام و آزادی از طریق مقاومت مستقل.

این همان چیزی است که مریم رجوی بیش از ۲۰ سال بر آن تأکید کرده و ما از طرح ۱۰ ماده‌یی او حمایت کرده‌ایم. این تجمع تجسم ایرانی آزاد و امید مشترک برای سرنگونی دیکتاتوری و برقراری جمهوری دموکراتیک با جدایی دین و دولت است. این سخنان قرار بود در میدان ووبان بیان شود، اما تظاهرات ممنوع شد؛ قلبم برای فرانسه، میهن حقوق بشر با شعار آزادی، برابری، برادری، به درد می‌آید. توجیه ممنوعیت به بهانه «اخلال در نظم عمومی» بی‌پایه است، چنان‌که تظاهرات مشابه در پاریس و برلین بدون هیچ اخلالی برگزار شده بودند؛ این پرسشی است که از دولت فرانسه می‌پرسم. با آن که صدور مجوز هفته‌ها هماهنگ شده بود، تنها دقایقی پس از گفتگوی تلفنی وزرای خارجه فرانسه و ایران، حکم ممنوعیت صادر شد؛ وزارت خارجه فرانسه مدعی شد خواهان این ممنوعیت نبوده، اما این خود فرانسه بود که تصمیم به منع گرفت، هرچند خواست آن از سوی رژیم آخوندی مطرح شده بود. ممنوعیت چنین تظاهراتی هم از نظر انسانی و هم دیپلماتیک غیرمسئولانه است؛ فرانسه باید روابط خود را نه با رژیم آخوندها بلکه با مقاومتی از سر بگیرد که با وجود اختلافات، ارزشهای مشترک دارد و فردا در قدرت است؛ رژیم نیز از همین رو با هراس تلاش می‌کند تمام تظاهرات آن را ممنوع کند».

دیمیتر کولبا گفت «آنچه شاهدش بودند تأسفبار است. اما هم‌اکنون از شهروندان اوکراینی پیام دریافت می‌کند که از ممنوعیت این تجمع در فرانسه، کشوری که مدافع دموکراسی و آزادی است، شوکه شده‌اند؛ مردم اوکراین در کنار همه کسانی که از دموکراسی و آزادی دفاع می‌کنند، می‌ایستند. با آن که پیش از این هرگز با خانم رجوی ملاقات نکرده‌ام، سخنرانی و شور او یکی از عمیق‌ترین تأثیراتی بود که پذیرفته‌ام و مردم ایران خوش‌اقبال‌اند که چنین رهبری دارند. ایستادگی در برابر رژیمی که فریب می‌دهد، می‌کشد و شکنجه می‌کند هرگز آسان نبوده، اما در تاریخ بشر عمر هیچ رژیمی از عمر مردمی که با آن مخالفند طولانی‌تر نبوده است: رژیم‌ها نابود می‌شوند و ملت‌ها پیروز می‌شوند... درست همان‌گونه که اوکراینی‌ها در برابر کسانی که شانس برایشان قائل نبودند ایستادند، مردم ایران نیز امروز چنین می‌کنند. باور داشته باشید، متعهد بمانید و مصمم باشید، چرا که اگر به خود باور نداشته باشید، هیچ‌کس دیگری باور نخواهد کرد؛ و به محض آغاز پیروزی‌ها، همان مقاماتی که تجمع را ممنوع کردند دعوت‌نامه خواهند فرستاد، اما دوستان آغاز راه، ارزشمندترین دوستان خواهند ماند».

او در پایان با اشاره به این شعار شرکت‌کنندگان در تظاهرات که «تا به آخر ایستاده‌ایم و تسلیم نمی‌شویم» گفت: تعهد، عزم و عشق آنان به میهن را می‌ستاید و باید قوی بمانند و پیروز شوند.

۹۲- پتره رومان گفت: «حضور در جمع مبارزان راه آزادی ایران افتخار بزرگی است و این اوست که افتخار مشارکت در این آرمان عادلانه را دارد، نه برعکس. وضعیت ایران و جهان نسبت به سال گذشته به دلیل شرایط جنگی پیچیده‌تر شده است: رژیم ملایان هزاران نفر را قتل‌عام کرده و با تهدید تنگه هرمز اقتصاد جهانی را تحت اخاذی قرار داده و اکنون ادعای پیروزی می‌کند، در حالی که اقتصاد ایران کاملاً ویران است و میلیون‌ها ایرانی در فقر مطلق زندگی می‌کنند؛ این نشان می‌دهد رژیم بسیار ضعیف‌تر از گذشته شده است و معترضانی که به خاک و خون کشیده شدند نماد زوال این رژیم‌اند که به‌زودی طومارش درهم پیچیده خواهد شد». او با یادآوری تجربه خود در مبارزه با دیکتاتوری چائوشسکو در رومانی - که دستور شلیک به معترضان را صادر کرد - گفت خود در پشت سنگرهای مرکز بخارست حضور داشت؛ از میان ۸۱ نفر حاضر در آن سنگر، ۳۹ نفر از جمله ۱۷ نوجوان زیر ۱۸ سال کشته شدند، اما درست ۱۲ ساعت پس از آن کشتار، رژیم فروپاشید و رومانی آزاد شد.

او گفت: «امروز طرح ۱۰ ماده‌یی مریم رجوی ابزاری بسیار جدی و جایگزینی واقعی است که مسیر را به سوی ایرانی آزاد و دموکراتیک هموار می‌سازد، زیرا مردم در نهایت به یقین نیاز دارند که تنها از طریق یک برنامه و چشم‌انداز روشن به دست می‌آید. همان‌طور که یک رژیم دیکتاتوری تنها ظرف ۱۲ ساعت فروپاشید، فروپاشی رژیم ملایان نیز بسیار نزدیک است».

جان بروکو گفت: «تسلیم حقیرانه و بزدلانه مقامات پاریس در برابر فشار رژیم تهران، اقدامی نه هوشمندانه بلکه به‌غایت احمقانه و بازی در زمین ملاءهای تهران بود. تظاهرات ما همواره مظهر اعتراض مسالمت‌آمیز علیه یکی از مستبدترین حکومت‌های جهان بوده و تصور تهدیدآمیز بودن آن یک شوخی کریه است؛ می‌توان یک تظاهرات یا یک گردهمایی را لغو کرد، اما هرگز نمی‌توان یک «اندیشه» را کشت، و اندیشه آزادی همواره زنده خواهد ماند.

رژیم آخوندی وحشیانه‌ترین نمونه حکمرانی در جهان است که تمام مأموریتش کشتن، اعدام، زندان و سرکوب برای نابود کردن امید است، اما این امید هرگز خاموش نخواهد شد و سیاست مماشات هرگز کارساز نیست. خانم رجوی هرگز خواهان جنگ یا مداخله نظامی نبوده و جایگزین واقعی باید حول اراده مردم ایران شکل گیرد. رضا پهلوی که خود را ولیعهد می‌نامد، فردی بی‌کفایت و بدون هیچ سابقه کار مفید است که در مصاحبه‌بی اعتراف کرد به «هر کاری» که خانواده‌اش در دوران دیکتاتوری انجام دادند افتخار می‌کند؛ چنین کسی هرگز صلاحیت منصب عمومی در یک دموکراسی را ندارد. آنچه لازم است تغییری بنیادین و بازگشت‌ناپذیر است؛

شورای ملی مقاومت تجسم ایرانی جوان، با جدایی دین و دولت، مدرن و تکثرگراست، نه بازگشت به گذشته فئودالی و اشرافی. دموکراسی یعنی انتخابات دوره‌یی، نه «یک نفر، یک رأی، برای یک بار»، و برنامه ۱۰ ماده‌یی مریم رجوی شیواترین بیان این تعهد است. حمایت پارلمان بریتانیا از شورای ملی مقاومت در تمام این سال‌ها فراحزبی و مداوم بوده و اکنون برای به‌رسمیت‌شناختن این شورا و رفتار با رژیم ایران همچون یک مطرود سیاسی، بدون هرگونه ماجراجویی نظامی، باید تلاش مضاعف کرد».

رابرت توریسلی گفت: «ایستادن در کنار خانم رجوی در این سال‌های طولانی افتخار زندگی من بوده و سخنانم خطاب به کسانی است که امروز در پاریس از حق سخن گفتن محروم شدند و آن‌ها که در زندان‌های ایران منتظر اعدام‌اند. به دوستان اشرف می‌گویم همان‌گونه که پاریس یادگار مبارزان فرانسوی را در پلاک‌های خیابانی حفظ کرده، تهران نیز روزی چنین یادمان‌هایی برای مبارزان امروز خواهد داشت. فرانسه شأنش فراتر از این رفتار امروز است؛ لغو این تجمع به بهانه احتمال در دسر هواداران پهلوی نشان می‌دهد که او هیچ نیاموخته و به‌عنوان نیرویی برای آینده ایران کاملاً بی‌اعتبار است. ما وارد فصلی ناشناخته و پرخطر شده‌ایم؛ رژیم ایران که چند ساعت پیش تهدید به بستن تنگه هرمز کرد هرگز به هیچ توافقی پایبند نبوده است. آزادی هرگز به دست نیروی هوایی یا ارتش بیگانه، و نه از واشینگتن یا عمارت پهلوی، بلکه در خیابان‌های تهران به دست خواهد آمد، هر چه طول بکشد، در راه آرمان آزادی دوشادوش یکدیگر خواهیم ایستاد».

بارونس اولون گفت: «دیشب بسیار نگران شدم وقتی شنیدم فرانسه راهپیمایی‌یی را که مجوزش صادر شده بود، ممنوع کرده است. قرار بود ۱۰۰ هزار نفر در پاریس گرد آیند و این ممنوعیت پس از تماس تلفنی وزیر خارجه ایران با مقامات فرانسوی رخ داد. هیچ سابقه‌یی وجود ندارد که شورای ملی مقاومت در خیابان‌های هیچ پایتختی آشوب ایجاد کرده باشد؛ ناآرامی تنها زمانی رخ می‌دهد که عوامل سپاه پاسداران یا وزارت اطلاعات ظاهر شوند. این اقدام انکار ارزش‌های آزادی و برابری فرانسه است و امروز آزادی بیان نه‌تنها از مردم ایران بلکه از حامیان‌شان از رومانی، لیتوانی، هند، کانادا و آمریکا نیز سلب شد. به وکلایی که علیه این ممنوعیت می‌جنگند تبریک می‌گویم؛ با وجود پیگیری گزارش‌های میدانی، هیچ اقدام غیرقانونی از سوی حامیان آزادی ایران ندیده‌ام. این وضعیت بار دیگر شکست سیاست استمالت را نشان می‌دهد و اهمیت ایستادگی ما در کنار هم و در کنار عزیزان اشرف ۳ را دوچندان می‌کند؛ رژیم ایران خواهان برگزاری چنین رویدادهایی نیست چون میزان حمایت بین‌المللی را نشان می‌دهد. باید تلاش برای حمایت از شورای ملی مقاومت، رئیس‌جمهور و خانم رجوی را دوچندان کنیم».

۹۳ - دومینیک آتیاس گفت: «به زن بودن خود افتخار می‌کنم؛ سکوت‌هایی مرگبارند و ممنوعیت‌هایی مایه ننگ. ما مایوس و بسیار خشمگینیم که این جمهوری خود را لکه‌دار می‌کند: مجوز تظاهراتی کاملاً مسالمت‌آمیز که تنها مخالفت با چوبه‌های دار تهران، اصفهان و شیراز را اعلام می‌کرد، لغو کرد. آنچه در جریان است ترس و مماشات است و دست رژیم ایران بر نهادهای ماست. مدافعان حقوق بشر خاموش می‌شوند تا مستبدان آزرده نشوند. آزادی تظاهرات لطف دولت نیست، حقی است که قانون اساسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اعلامیه ۱۷۸۹ تضمین کرده‌اند؛ ممنوعیت استثناست و آزادی قاعده، و وقتی استثنا ابزار تسلیم دیپلماتیک شود، این بزدلی است در ردای قانون. به‌عنوان وکیل مدافع زنان زندانی ایرانی، که نام و چهره و سلولشان را می‌شناسم، می‌دانم آنان در برابر پاسداران سر خم نکردند؛ آیا ما در مهد حقوق بشر باید در برابر تهدید تلفنی یک سفارتخانه سر فرود آوریم؟ هرگز؛ سکوت ما حکم محکومیت آن زندانیان خواهد بود، هر تظاهرات ممنوع در پاریس طناب داری دیگر در تهران است. ما به اعتراض در تمام مراجع قضایی تا دادگاه استراسبورگ ادامه خواهیم داد و به خیابان‌ها خواهیم آمد، چرا که دموکراسی که از دفاع از مظلومان باز ماند، جز ننگ برای خود چیزی ندارد»

نایکه گروپیونی گفت: «امروز با احساس مسئولیتی که این برهه تاریخی ایجاب می‌کند سخن می‌گوییم؛ شوق مردم ایران برای آزادی از ترسی که رژیم می‌خواهد تحمیل کند قویتر است و آرمان آزادی ایران، آرمانی جهانی است. حتی وقتی مانند امروز جلوی یک تظاهرات گرفته می‌شود، آزادی راه خود را می‌یابد؛ هیچ ممنوعیتی نمی‌تواند ملتی را که اراده کرده به پا خیزد متوقف کند و تنها مردم ایران‌اند که آینده خود را رقم خواهند زد. هیچ ملتی خواهان جنگ نیست، اما این فاجعه مسبب مشخصی دارد: دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران. هیچ دیکتاتوری ابدی نیست، هر رژیمی که بر پایه ترس بنا شده محکوم به سقوط است و آن روز برای ایران نیز فرا خواهد رسید؛ و من در کنار آزادی، مردم ایران، زنان ایران و مریم رجوی خواهم ایستاد».

کارستن مولر گفت: «در حالی که ما این‌جا گرد هم آمده‌ایم، در تهران آخوندها ماشین تبلیغاتی خود را به راه انداخته‌اند تا وانمود کنند رژیمی قدرتمندند، حال آنکه حقیقت برعکس است، زیرا معیار واقعی قدرت یک حکومت، پیوند با مردم است؛ امروز در ایران هم‌چنان شکنجه، اعدام، سانسور و هراسی بزرگ حاکم است و ایران بیشترین اعدامها را در جهان دارد. این نشانه قدرت نیست بلکه نشانه انسان‌ستیزی و ضعف است. باید از کسانی که همچون مجاهدین خلق بیش از ۶۰ سال بهای سنگینی برای آزادی، دموکراسی و برابری پرداخته‌اند حمایت کرد. حمایتی که در آلمان از یک حزب فراتر رفته و طیف گسترده احزاب دموکراتیک را در بر می‌گیرد. وی افزود نباید به سیاست مماشات ادامه داد و نباید تنها چشم به آمریکا دوخت، بلکه اروپا نیز باید در کنار آزادیخواهان ایران بایستد و از طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی حمایت کند».

پروفسور آخو ویدال کوادراس، گفت: «بسیار مایه افتخار است که بار دیگر در کنار مقاومت ایستاده‌ام، هرچند از ممنوعیت گردهمایی بزرگ در پاریس از سوی دولت فرانسه سرخورده شده‌ام. خطاب به سران رژیم می‌گویم دوران رژیم شما به سرآمده است. هر تهمت، حمله، گلوله و اعدامی که علیه این مقاومت به کار ببرید، مقاومت را قوی‌تر می‌سازد. من ۲۵ سال پیش در اور سور اواز برای اولین بار با خانم رجوی دیدار کردم و جذب آرمان این مقاومت شدم. فعالیت در کنار مقاومت ایران ارزشمندترین بخش زندگی سیاسی خودم میدانم. هر کس علیه این مقاومت با این شرارت معامله یا همکاری کند، خود بخشی از شرارت می‌شود».

جان برد، گفت: «از حضور در این گردهمایی بسیار خرسندم خطاب به دوستانم در اشرف و مردم ایران می‌گویم نبرد شما نبرد ماست و ما تا روز پیروزی در کنار شما هستیم. فاشیست‌های مذهبی حاکم بر ایران خود شرارت‌اند و نمی‌توان با شرارت مذاکره یا مماشات کرد، بلکه باید آن را شکست داد، و این دقیقاً همان چیزی است که در حال رخ دادن است. مردم ایران هرگونه دیکتاتوری؛ چه فاشیست‌های مذهبی و چه نظام سلطنتی را رد کرده‌اند. آنان شایسته گزینه بهتری یعنی یک جمهوری دموکراتیک بدون رهبر مذهبی و امتیاز موروثی هستند. تنها راه رسیدن مردم ایران به آزادی، برخاستن و سرنگونی این رژیم است؛ شورای ملی مقاومت ایران تحت رهبری مریم رجوی دارای سازماندهی میدانی در داخل کشور و طرح ۱۰ ماده‌یی روشنی برای آینده ایران است و برای بیش از ۴۰ سال بهای سنگینی پرداخته است. دیکتاتورها پیروز نخواهند شد، بلکه انتخابات آزاد، جدایی دین از دولت، برابری جنسیتی، حقوق اقلیت‌ها، لغو اعدام و ایران غیرهسته‌یی، برنامه شورای ملی مقاومت و خانم رجوی پیروز خواهد شد».

جودی اسکرو، پس از معرفی نمایندگان کانادایی حاضر در کنفرانس گفت: سال‌های متمادی است به گردهمایی ایران آزاد می‌آید و هر سال انگیزه بیشتری می‌گیرد، اما این بار با اطمینانی بیشتر به این که آزادی مردم ایران در پیش است، این مکان را ترک می‌کند. او گفت: «مردم ایران هم‌چنان با یکی از بی‌رحم‌ترین دیکتاتوری‌های جهان مواجهند و پس از قیام دی‌ماه ۱۴۰۴، رژیم با سرکوبی بی‌سابقه پاسخ داد: هزاران معترض کشته، ده‌ها هزار نفر بازداشت و بسیاری شکنجه و ناپدید شدند؛ با این حال مردم و کانونهای شورشی به رهبری زنان، از جمله خانم رجوی، به مبارزه ادامه می‌دهند. رژیم و لابی‌گرانش این روایت دروغین را ترویج می‌کنند که جایگزین دموکراتیکی وجود ندارد و سرنگونی به هرج‌ومرج می‌انجامد، حال آن که شورای ملی مقاومت ایران بیش از چهار دهه است به‌عنوان ائتلافی دموکراتیک، متعهد به آزادی و جدایی دین از دولت فعالیت می‌کند».

۹۴ - دومین اجلاس گردهمایی جهانی ایران آزاد ۲۰۲۶ روز ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ برگزار شد.

سخنرانان این گردهمایی علاوه بر خانم مریم رجوی، عبارت بودند از:

آنلی یتنمکی (اولین نخست‌وزیر زن فنلاند ۲۰۰۳ - نایب‌رئیس پارلمان اروپا ۲۰۱۷-۲۰۱۵)، مارگوت کاسمن (رهبر کلیسای پروتستان آلمان)، دیوید جونز (وزیر برگزیت در دولت انگلستان ۲۰۱۷-۲۰۱۶، وزیر ولز ۲۰۱۴-۲۰۱۲)، سفیر رابرت جوزف (معاون پیشین وزیر امور خارجه آمریکا در امور کنترل تسلیحاتی و امنیت بین‌المللی)، ژنرال تاد وولترز (فرمانده ناتو و نیروهای آمریکا در اروپا - ۲۰۱۹-۲۰۲۲)، ژنرال جیمز جونز (مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا ۲۰۱۰-۲۰۰۹، فرمانده پیشین ناتو)، کارلا سندز (سفیر آمریکا در دانمارک، گرینلند و جزایر فارو ۲۰۲۱-۲۰۱۷)، ژنرال کیت کلاگ (فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا برای اوکراین ۲۰۲۵)، پائولو کازاکا (نماینده سابق پارلمان اروپا)، لویی فری (رئیس اداره تحقیقات فدرال آمریکا ۲۰۰۰-۱۹۹۳)، دکتر لیام فاکس (وزیر دفاع انگلستان ۲۰۱۱-۲۰۱۰، وزیر تجارت ۲۰۱۹-۲۰۱۶)، اینگرید بتانکور (کاندیدای پیشین ریاست‌جمهوری کلمبیا)، سفیر لینکلن بلومفیلد (معاون پیشین وزیر امور خارجه آمریکا)، کاتلین دیپورتر (نماینده پارلمان فدرال بلژیک، نایب‌رئیس کمیسیون روابط خارجی)، خانم لیندا چاوز، گیرهیلمار هارده (نخست‌وزیر ایسلند ۲۰۰۹-۲۰۰۶)، باب بلکمن (نماینده پارلمان انگلستان، رئیس مشترک کمیته بین‌المللی پارلمان‌تها برای ایران دموکراتیک)، استرون استیونسون (نماینده سابق پارلمان اروپا)، اینیگو فرناندز (عضو سنای اسپانیا)، سناتور تد کرو، سناتور روبن گایگو، پتراس آستراویچیوس (عضو کمیسیون خارجه و رئیس مشترک دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا).

خانم رجوی در سخنان خود به پیشگامان قیام ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و همه قهرمانان و شهیدان این راه درود فرستاد و گفت:

«این مقاومت از قیام ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شد؛ صورت مسأله بودن یا نبودن، آزادی یا دیکتاتوری، مقاومت یا تسلیم بود و ما مقاومت را انتخاب کردیم. آخوندهای حاکم بر ایران در خرداد ۱۳۸۲ دوازده دولت را علیه ما برانگیختند؛ با لیستهای تروریستی و پرونده‌ی ۱۰۰ هزار صفحه‌ی، که ابطال آن ۱۵ سال طول کشید؛ سرانجام سرفراز بیرون آمدیم، هرچند دست‌کم دو دهه بر عمر رژیم افزوده شد و با اقدامات امثال چلبی، مقدمات خلع سلاح مجاهدین در عراق فراهم شد، اما از پا نشستیم. کانون‌های شورشی در سراسر ایران با جوانانی که هستی خود را نثار آزادی می‌کنند؛ وحید بنی‌عامریان و یکان قهرمانش از قلب زندان‌ها جامعه ایران را برانگیختند و در فروردین امسال اعدام شدند.

با چنین مقاومت سازمان‌یافته و آلترناتیوی که ۴۵ سال آزمایش پس داده، معادله ایران پاسخ خود را یافته، در شرایطی که رژیم ضعیف‌تر از همیشه است: خامنه‌ای در میان نیست، پسرش قادر به پرکردن جای او نیست و نزدیک به نیمی از مجلس خبرگان به او رأی ندادند. ولی فقیه جدید یادداشت تفاهم اخیر را در همان چند ساعت اول تخطئه کرد و گفت اجازه امضا را فقط از باب تهدید به "پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت" داده است که منظورش همان خط‌قرمزهای فاشیسم دینی و سیاست‌های جنگ‌افروزان منطقه‌ی است.

دولت موقت اعلام‌شده از سوی شورای ملی مقاومت، نماد راه‌حل برای جمهوری دموکراتیک با نفی دیکتاتوری‌های شاه و شیخ است؛ وظیفه‌اش انتقال قدرت به مردم و برگزاری انتخابات آزاد مجلس مؤسسان ظرف حداکثر ۶ ماه است تا این مجلس قانون اساسی جمهوری جدید را تدوین کند. ما چشم به کسب قدرت ندوخته‌ایم، بلکه به دنبال انتقال حاکمیت به مردم ایران هستیم».

آنلی یتنمکی گفت: «امروز گردهم آمده‌ایم تا به رژیم‌یی که بر پایه سرکوب سیستماتیک و اعدام بنا شده «نه» بگوییم و بگوییم مردم ایران حق دارند در صلح و آزادی و دموکراسی زندگی کنند. قیام اخیر نشان داد تغییر نه از طریق جنگ یا معامله یا سکوت، بلکه به دست مردمی که آماده مخاطره‌اند، رقم می‌خورد. حکومت‌های دیکتاتوری دوام نمی‌آورند؛ همان‌طور که دیوار برلین فرو ریخت. من به ایرانی آزاد و طرح ۱۰ ماده‌یی مریم رجوی باور دارم و روزی شاهد حاکمیتی به رهبری او خواهیم بود».

مارگوت کسمن گفت: «به‌عنوان یکی از ۳۰ اسقف و خاخام زن و مرد، بیانیه‌یی را که پیشتر روان ویلیامز، اسقف اعظم سابق کلیسای انگلیکن امضا کرده بود، امضا کردم و موج اعدام‌های سیاسی در ایران را محکوم و خواستار احقاق حقوق اقلیتهای مذهبی شدیم. موضوع ایران در وهله اول درباره انسانهاست؛ درباره زنان، مردان و کودکانی که از ترس و بحران رنج می‌برند و وجدان مذهبی و دموکراتیک ما نباید در برابر آن خاموش بماند؛ آزادی مذهب، بیان و عقیده باید تضمین شود و برنامه شورای ملی مقاومت که بر جدایی دین از دولت تأکید دارد شایسته حمایت است. برخلاف این ادعا که رژیم از جنگ اخیر تقویت شده، جامعه ایران خاموش نشده و خشم خانواده‌های اعدام‌شدگان و مقاومت زنان و جوانان پیام روشنی می‌فرستد که این رژیم آینده‌یی ندارد. جنگ اعتراضات را دشوار کرد اما اراده برای آزادی از بین نرفته؛ همچون دیتریش بونهوفر و الیزابت فون تادن، که در برابر نازیسم ایستادند، ایمان می‌تواند شجاعت ایستادگی در برابر بی‌عدالتی بیافریند.

طرح ۱۰ ماده‌یی پرزیدنت مریم رجوی، با جدایی دین از دولت و برابری حقوق زنان و مردان، مرا کاملاً متقاعد کرده و امیدوارم روزی در ایرانی آزاد و دموکراتیک دوباره شما را ببینم».

دیوید جونز، گفت: «بیش از ۱۰۰ هزار نفر می‌خواستند در پاریس از شورای ملی مقاومت حمایت کنند اما با حکم ممنوعیت پلیس که کمتر از ۴۸ ساعت پیش صادر شد، منع شدند، دولت فرانسه باید در سخنان مونتسکیو تأمل کند که گفت هیچ استبدادی بی‌رحمانه‌تر از آن نیست به اسم حمایت از قانون و به نام عدالت، اعمال شود».

دیوید جونز سپس اعلام کرد که ۳۰۰۰ نماینده پارلمان بیانیه‌یی در حمایت از دولت موقت و طرح ۱۰ ماده‌یی امضا کرده‌اند و از سوی هیأت پارلمانی انگلستان از خانم رجوی دعوت کرد که این کتاب را دریافت کند.

سفیر رابرت جوزف، گفت: «از رهبری خانم رجوی در این آرمان تاریخی و از شجاعت زنان و مردان اشرف ۳ که فداکاری‌های شخصی از جمله زندان و شکنجه را تجربه کرده‌اند، تشکر می‌کنم؛ به کانون‌های شورشی درود می‌فرستم. محروم کردن حامیان مقاومت از آزادی بیان و تجمع، خیانت به همان اصول "اعلامیه حقوق بشر و شهروندی" ۱۷۸۹ نوشته لافایت است. رژیم از عملیات "خشم حماسی" چهار درس آموخته است: تغییر رژیم تنها با حملات هوایی ممکن نیست؛ تنگه هرمز هر زمان بخواهند می‌تواند بسته شود؛ ترفندهای مذاکراتی رژیم هنوز کارساز است؛ و اگر رژیم سلاح هسته‌یی داشت این عملیات هرگز رخ نمی‌داد. به همین خاطر خطر حرکت رژیم به سمت سلاح هسته‌یی امروز از هر زمان دیگری بیشتر است و نمی‌توان به این قاتلان شرور برای اجرای هیچ توافقی اعتماد کرد؛ پاسخ روشن است: باید با حمایت از مقاومت سازمان‌یافته از مردم ایران حمایت کنیم و طرح ده‌ماده‌یی را به‌عنوان مسیر آینده ایران بپذیریم، زیرا هیچ‌چیز بیش از یک رژیم سرکش مجهز به سلاح هسته‌یی خطرناک نیست. من سخنانم را با پنج "نه" و سه "آری" به پایان می‌برم "نه" به ایران هسته‌یی، حکومت دینی، سلطنت، اعدام و سیاست استمالت، و سه "آری" به آزادی، دموکراسی و طرح ۱۰ ماده‌یی».

۹۵- کارلا سندز گفت: «رژیم پس از ۴۷ سال در موضع تدافعی قرار گرفته و اکنون فرصتی بی‌نظیر پیش روست. ایران در دوراهی سرنوشت‌سازی ایستاده که پیامدهایش از مرزها فراتر می‌رود؛ نزدیک پنج دهه است که این رژیم منشأ بی‌ثباتی، سرکوب سیستماتیک مردم خود و تضعیف صلح منطقه بوده است. موج اخیر اعدام زندانیان سیاسی، از جمله اعضای مجاهدین خلق و شرکت‌کنندگان در قیام دی‌ماه، هم ضعف و سببیت رژیم و هم شجاعت مردم، به‌ویژه نسل جوان، را آشکار کرده است.

خانم رجوی سال‌هاست از راه حل سوم سخن گفته است: تغییر از درون ایران به دست مردم ایران و مقاومت سازمان‌یافته آنان؛ عدم به‌رسمیت شناختن این گزینه و شورای ملی مقاومت، حلقه مفقوده سیاست غرب بوده است. این جایگزین ساختاریافته و دموکراتیک،

از جمله شبکه کانون‌های شورشی، لرزه بر اندام رژیم انداخته‌اند. باید نسبت به توهمی که پسر شاه مخلوع با تبلیغات و نمایش تصاویر ساواک ترویج می‌کند هوشیار بود؛ او که در لس‌آنجلس زندگی می‌کند و اخیراً از آمریکا خواسته “کار را تمام کند”، نه پایگاهی در ایران دارد و نه حامیانی که جانشان را فدا کنند، در حالی که مردم ایران با صراحت فریاد می‌زنند: “مرگ برستمگر، چه شاه باشد چه رهبر”.

“شورای ملی مقاومت به رهبری خانم رجوی جایگزینی پایدار و دموکراتیک با طرح ۱۰ ماده‌یی است: جامعه بین‌المللی باید از این تنها راهکار عملی برای بحران ایران حمایت کند، زیرا هرچه زودتر مسیر تغییر کند، زودتر می‌توان به این استبداد پایان داد و درهای صلح و آزادی را گشود».

لویی فری گفت: «تفاهم‌نامه ۱۴ ماده‌یی یا بیانیه گروه ۷ در اوپان فرانسه از آزادی تنگه هرمز سخن می‌گوید اما نامی از آزادی مردم ایران نمی‌برد؛ کنایه‌آمیز است که در سال ۱۹۳۸، متحدین در همان اوپان، درباره پناهجویان یهودی گرد آمدند و در پایان جز جمهوری دومینیکن هیچ کشوری آن‌ها را نپذیرفت، تصمیمی که هزاران جان را گرفت و پیامی از بی‌تفاوتی به رژیم نازی فرستاد. طرح ۱۴ ماده‌یی نیز هیچ اشاره‌یی به اعدام‌های سیاسی یا امنیت مردم ایران ندارد، حال آن که خانم رجوی در بند سوم طرح ۱۰ ماده‌یی خود، ضمن تأکید بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، عدالت‌خواهی برای زندانیان سیاسی قتل‌عام‌شده را محور اساسی خود دانسته است؛ نه انتقام، بلکه پاسخگویی در قبال جنایات جنگی و تروریسم دولتی. نخستین بار که نام مجاهدین خلق را شنیدم زمانی بود که کاخ سفید بدون مشورت با افبی‌آی این سازمان را تروریستی خواند؛ سرانجام وقتی پرونده در آستانه دادگاه قرار گرفت، به دلیل نبود هیچ مدرکی، نامش از فهرست خارج شد».

پائولو کازاکا، گفت: «نزدیک به ۲۳ سال پیش، ژوئیه ۲۰۰۳، برای نخستین بار به این‌جا آمدم؛ درست یک روز پس از آزادی خانم مریم رجوی از زندان. در آن روزگار سخت، دشمنان گمان می‌کردند می‌توانند مقاومت ایران را درهم بکوبند؛ صدها تن را تحت پیگرد قرار دادند و سالیان سال برای حفظ برچسب ناعادلانه تروریستی جنگیدند تا سرانجام شکست خوردند و بطلان ادعایشان ثابت شد. اکنون بار دیگر همان سناریو را تکرار می‌کنند، بی‌آن که چیزی آموخته باشند. این رژیم که ولی‌فقیه آن عملاً مرده و فاقد هرگونه مشروعیت است، نمایش‌های سیاسی و دلقک‌بازی کسانی که وانمود می‌کنند اپوزیسیون‌اند به پایان رسیده و آزادی بسیار نزدیک‌تر از تصور است؛ ایران بار دیگر به عنوان نماد آزادی و دموکراسی برای جهان، به رهبری شایسته‌ترین رهبری که من شناخته‌ام، یعنی مریم رجوی، به پا خواهد خاست».

دکتر لیام فاکس گفت: «آتش‌بس تنها یک وقفه است، نه پایان کار. عمیق‌ترین حقیقت این است که تا رژیم کنونی در قدرت باشد، صلحی در منطقه برقرار نخواهد شد؛ علت درگیری‌ها رژیم تهران است، رژیمی فاسد و سفاک که برای حفظ قدرت از هر ابزاری استفاده می‌کند و غرب باید بداند نمی‌توان به آن اعتماد کرد. تغییر رژیم از آسمان و حتی از قدرتمندترین بمب‌افکن‌ها فرو نمی‌افتد؛ عوامل زمینه‌ساز تغییر درون‌زا هم‌چنان پابرجاست: اقتصاد رو به فروپاشی مردم را فقیرتر از پیش از انقلاب کرده و باید از توصیف این رژیم به عنوان “حکومت مذهبی” یا حتی “افراط‌گرای مذهبی” دست کشید، چرا که دینی بدون اخلاق و رحمت اصلاً دین نیست و آنها تنها از مذهب به‌عنوان ابزار سوءاستفاده می‌کنند».

اینگرید بتانکور، گفت: «فردا در گوشه‌یی از ایران ممکن است زندانی جوان دیگری صدای قدم‌های نزدیک‌شونده به سلولش را بشنود و بداند که پیش از طلوع خورشید ممکن است زندگی‌اش پایان یابد؛ این واقعیت امروز ایران است، نه دیپلوماسی یا تیتراخبار. در ۳۱ مارس، شش مرد جوان از جمله بابک علی‌پور و پویا قبادی به پای چوبه دار فرستاده شدند؛ رژیم می‌پنداشت با اعدامشان صدایشان را خاموش می‌کند، اما آنان پیام ایستادگی به‌جا گذاشتند: علی‌پور نوشت: تا سرنگونی این رژیم و برقراری جمهوری دموکراتیک خواهد جنگید، و قبادی اعلام کرد: ملاها و شاه‌ها را رد می‌کند. نبرد ایران میان گذشته و حال یا میان دو دیکتاتوری نیست؛ نبرد نسلی است که مصمم به ساختن جمهوری دموکراتیک است، و رژیم از ترس همین نسل، نه از قدرت، دست به کشتار می‌زند؛ چوبه‌های دار آخرین پناهگاه رژیمی در حال احتضار است. رژیم برای سرکوب این تهدید فراتر از مرزهای ایران نیز می‌کوشد؛ دیروز مقامات فرانسوی تجمعی مسالمت‌آمیز در پاریس علیه اعدام‌های دسته‌جمعی را ممنوع کردند، تناقضی دردناک در کشوری که مهد اعلامیه حقوق بشر است. وقتی مخالفان اعدام خاموش می‌شوند، باید پرسید آیا این حقوق هنوز اصولی جهانی‌اند یا کلماتی بی‌روح؟ تنها مردم ایران می‌توانند

این استبداد را سرنگون کنند. آزادی نه از مسیر مهره‌یی دست‌نشانده بلکه از مقاومت سازمان‌یافته مردم ایران می‌گذرد؛ راه‌حل، رهبر و مشروعیت هم این‌جا حضور دارند، چرا که مریم رجوی و طرح ۱۰ ماده‌یی او چشم‌اندازی برای جمهوری دموکراتیک بر پایه انتخابات آزاد، برابری جنسیتی، جدایی دین از دولت، لغو اعدام و ایرانی غیرهسته‌یی ارائه می‌دهد.

قهرمانان اشرف ۳ و زندانیان و جوانان مقاوم ایران مظهر قدرت و ایستادگی هستند و پیروزی‌شان که پیروزی خود آزادی خواهد بود، بسیار نزدیک است؛ ما این‌جا گرد آمده‌ایم تا فریاد بزنیم: حاضر، حاضر، حاضر!».

سفیرلینکلن بلومفیلد گفت: «به حامیان شورای ملی مقاومت، اعضای مجاهدین خلق در آلبانی و همه ایرانیان و حامی مقاومت سازمان‌یافته درود می‌فرستم. دیدن سازمانی جهانی که در همه سطوح به رهبری زنان مسلمان اداره می‌شود و خانم رجوی صدها گفتگو با رهبران سیاسی و دیپلمات‌ها را هدایت می‌کند، بسیار امیدوارکننده است. عوامل تهران ۴۷ سال است اعضای مجاهدین و شورا را تحت پیگرد قرار داده‌اند و آنان برای در امان ماندن از آدم‌کشان تهران در کنار هم زندگی می‌کنند. دیروز به دلیل تهدید بمب‌گذاری، این تجمع توسط پلیس فرانسه ممنوع شد؛ یادآور محکومیت عوامل وزارت اطلاعات ایران در سال ۲۰۱۸ به ۲۰ سال زندان برای طرح بمب‌گذاری در گردهمایی ویلپنت بود، آن هم در دورانی که برجام هنوز کاملاً نافذ بود. امروز کابوس ۴۷ ساله این رژیم رو به پایان است و آنچه در تهران مانده، حلقه‌یی از تروریست‌های کهنه‌کار است که باید برای نقش‌شان در حملات تروریستی از بیروت تا برلین و کشتار شهروندان خود محاکمه شوند. پیام این گردهمایی باید نه به ترس، نه به مماشات و آری به طرح ۱۰ ماده‌یی و آری به یک ایران آزاد باشد».

ژنرال تاد وولترز گفت: «از تمامی سخنرانان امروز و دیروز و هم‌چنین از میهن‌پرستان اشرف ۳ سپاسگزارم؛ ایستادگی خستگی‌ناپذیر شما معیاری برای وفاداری است. از خانم رجوی نیز تشکر می‌کنم که با اراده خود شتاب کارزار استراتژیک را به دست گرفته‌اند. شهروندان ایران شایسته حق زندگی و آزادی هستند و همکاری با آنان، از طریق آنان و توسط آنان که توسط خانم رجوی نمایندگی میشوند ضرورتی استراتژیک است. رسالت ما این است که به حقایق واقعی میدان نبرد دست یابیم و بر پایه همین حقایق عمل کنیم. کانون‌های مقاومت در سراسر ۳۱ استان ایران ثابت‌قدم می‌مانند تا ایرانی آزاد و دولتی مردمی مستقر شود. شورای ملی مقاومت باید با جسارت و بر پایه حقایق بی‌پرده به آگاه‌سازی دولت‌ها ادامه دهد؛ آینده ایران را اراده مردم ایران تعیین خواهد کرد. میهن‌پرستان اشرف ۳ و شهروندان شریف ایران شایسته تلاش‌های ماهستند؛ این مقاومت یک ارزش استراتژیکی برای جهان امروز است که پیروزی با تکیه به آن بدست می‌آید».

ژنرال جیمز جونز گفت: «سالهاست در این گردهمایی شرکت می‌کنم، اما هرگز چنین شور و تعهدی در حمایت از آینده ایران ندیده بودم. امسال پانزدهمین سال حمایت من از این جنبش و از رنج‌هایی است که متحمل شده، و نیز انتقاد از واکنش دیر هنگام و ضعیف جامعه بین‌المللی در به‌رسمیت‌شناختن شورای ملی مقاومت و خانم رجوی به عنوان رهبر واقعی آینده ایران است. هر کس با رژیم و پهلوی مماشات کند، کمکی به آینده‌یی که با طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی همسو خواهد بود، نمی‌کند؛ این نبرد، صرف‌نظر از هر تفاهمنامه‌یی، پایان نیافته است. رژیم امروز در ضعیف‌ترین وضعیت خود در نزدیک به نیم قرن گذشته قرار دارد. سه شاخص تغییر رژیم وجود دارد: بحران مشروعیت و ناکارآمدی اقتصادی و سرکوب و نسل‌کشی بدون کاهش ادامه دارد؛ نارضایتی گسترده برخاسته از قیام ژانویه و بی‌ثباتی فزاینده رژیم مشهود است؛ و نیرویی سازمان‌یافته چون مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت با رهبری خانم رجوی وجود دارد که رژیم واقعاً از آن هراس دارد. تفاهمنامه اشاره‌یی به اعدام‌ها و نسل‌کشی رژیم ندارد، اما آسیب‌پذیری رژیم آشکار شده و هرگاه مقاومت سازمان‌یافته با نارضایتی گسترده هم‌گرا شود، مسیر گذار دموکراتیک روشن خواهد شد. حمایت از پهلوی و یادکردن از ساواک شرم‌آور است؛ پرزیدنت ترامپ و معاون رئیس‌جمهور رضا پهلوی را رد کرده‌اند».

کاتلین دیپورتر گفت: «طی شش ماه گذشته دو درس مهم آموختیم؛ نخست این که این رژیم اصلاح‌پذیر نیست و باید جایگزین شود، و دوم این که آینده ایران با مداخله خارجی رقم نمی‌خورد، بلکه به دست مقاومتی است که در داخل ایران و توسط کانون‌های شورشی مجاهدین خلق سازماندهی شده است. مردم ایران با شجاعت گفته‌اند که نه دیکتاتوری آخوندها را می‌خواهند و نه دیکتاتوری شاه را، بلکه خواهان جمهوری دموکراتیک، آزادی، برابری، عدالت و حق تعیین سرنوشت خود هستند. زنان، دانشجویان، کارگران و

خانواده‌های زندانیان سیاسی بهای این راه را با گلوله، زندان، شکنجه و اعدام پرداخته‌اند، اما هرگز تسلیم نشده‌اند. سرکوب زنان توسط این رژیم تصادفی نیست، بلکه هسته اصلی ایدئولوژی آن است؛ این ساختار رعب اکنون از درون ایران به چالش کشیده شده و محکوم به تغییر است. به زنان و مردان شجاع مقاومت مجاهدین خلق و ساکنان اشرف ادای احترام می‌کنم و امیدوارم کانون‌های شورشی داخل ایران پیام ما را دریافت کنند. بار دیگر بر حمایت قاطع خود از خانم رجوی و طرح ۱۰ ماده‌یی ایشان تأکید می‌کنم؛ برنامه‌یی که در آن قدرت فقط به مردم تعلق دارد، نه به آخوندها، شاهان یا سپاه پاسداران».

ژنرال کیت کلاگ گفت: «رژیم از هر زمان دیگری ضعیف‌تر است. حزب‌الله در لبنان تضعیف شد، رژیم دمشق سقوط کرد، و رژیم مادورو در ونزوئلا نیز فروپاشید؛ معماری نفوذ ایران که ساختش نزدیک به ۵۰ سال طول کشیده بود، ظرف چند ماه فرو ریخت. اولین پایه‌های آینده ایران بنا شده، مسابقه تسلیحات هسته‌یی در این منطقه متوقف شده است؛ به مدت ۴۷ سال صدور خشونت به خارج از مرزها وسیله بقای این رژیم بوده است. برچیده‌شدن برنامه اتمی، رژیم را ضعیف می‌کند؛ رژیمی که مردم ایران می‌توانند با آن مقابله کنند. به ضرب‌المثل «اعتماد کن، اما راستی آزمایی کن» استناد می‌کنم؛ همان شورایی که در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ با اطلاعات شبکه داخلی خود، تأسیسات نطنز و اراک را افشا کرد و روند صدور شش قطعه‌نامه سازمان ملل را به جریان انداخت.

این رژیم از بدو تأسیس دروغ گفته و باز هم خواهد گفت. این دوران به زنان و مردان ایران تعلق دارد رژیم تئوکراتیک تهران داوطلبانه کنار نخواهد رفت؛ باید مجبور به رفتن شود. امید همین‌جاست و اکنون زمان اقدام است».

خانم لیندا چاوز گفت: «از میهمانان اشرف که به ما پیوستند و از خانم رجوی که به ما شجاعت می‌بخشند سپاسگزارم. خانم رجوی به ما امید بخشید، زیرا به‌درستی گفت آزادی را نمی‌توان با پرتاب بمب تحمیل کرد؛ و این خود مردم ایران هستند که باید بپا خیزند و مبارزه کنند، و مردم اشرف و ایرانیان خارج از کشور برای این کار آماده‌اند. حق حاکمیت باید به مردم ایران بازگردد، نه به شخص دیگری واگذار شود؛ این همان چیزی است که ما برای آن این‌جاستیم و تا آخر این مسیر با شما خواهیم بود».

گیرهیلمار هارده گفت: «سال‌هاست هشدار می‌دهیم که یک نظام مبتنی بر رعب و فاقد مشروعیت مردمی نمی‌تواند تا ابد دوام بیاورد، و امروز فروپاشی ساختاری این رژیم را در برابر چشمان خود می‌بینیم. موج اعدام‌ها از اواخر مارس، از جمله حلق‌آویز کردن دهها زندانی سیاسی و اعضای مجاهدین خلق، نشانه اقتدار نیست بلکه اعتراف به ترس است؛ قیام‌های مداوم در سراسر ایران دیگر اعتراضات پراکنده نیستند. بلکه نفی عمیق و بازگشت‌ناپذیر این دیکتاتوری‌اند، و در نهایت این رژیم سقوط می‌کند و شورای ملی مقاومت پیروز خواهد شد. چشم‌انداز جمهوری آزاد، دموکراتیک با جدایی دین و دولت دیگر نظریه نیست بلکه واقعیتی در آستانه وقوع است؛ مردم ایران هرگونه استبداد را نفی کرده‌اند و نه به دیکتاتوری شاه بازخواهند گشت و نه زیر سلطه ملاها خواهند ماند؛ نقشه راه آینده همان طرح ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی است که از جمله تضمین ایرانی غیرهسته‌یی را در بر دارد. باید صریح گفت که هیچ جایگزین دیگری وجود ندارد و مقاماتی که این واقعیت را درک نمی‌کنند، در سمت نادرست تاریخ ایستاده‌اند؛ شجاعت فوق‌العاده مردم ایران نیازمند صراحت مطلق و حمایت تزلزل‌ناپذیر ماست؛ باید در کنار مردم ایران بایستیم تا روزی که آزادی و میهن خود را بازپس گیرند».

استرون استیونسون گفت: «برای ۲۵ سال، آلخو ویدال - کوادراس، پائولو کازاکا و من از خانم رجوی و شورای ملی مقاومت حمایت کرده‌ایم و با قرارگرفتن در لیست تروریستی، قتل‌عام‌های کمپ لیبرتی و اشرف، و انتقال به آلبانی مواجه شدیم، اما هر بار با اراده خود پیروز شدیم. به خواهران و برادرانمان در اشرف ۳ و کانون‌های شورشی می‌گوییم: شما ایران فردا را پایه ریزی میکنید و ما صد در صد از شما حمایت می‌کنیم؛ سختم را با یک کلمه به پایان می‌برم: پیروزی!»

باب بلکمن، گفت: «حضور در این گردهمایی به نمایندگی از هیأت انگلستان افتخار بزرگی است؛ کانونهای شورشی، زندانیان سیاسی و قهرمانان اشرف ۳ شایسته بالاترین تحسین ما هستند. عزم و فداکاری شما امید را زنده نگهداشته و این امید امروز نزدیکتر از هر زمان به هدف است. رژیم به قیام سراسری ۱۴۰۴ با سرکوب وحشیانه، قطع اینترنت، گسیل سپاه پاسداران، کشتار هزاران معترض و بازداشت و شکنجه دهها هزار نفر پاسخ داد، اما در متوقف کردن مبارزه مردم ناکام ماند و خواهد ماند. پس از قیام ۱۴۰۱ برخی تلاش کردند بازگشت دیکتاتوری شاه را از طریق پسرش رضا پهلوی ترویج کند؛ اما دموکراسی از سوی کسی محقق نمی‌شود که قدرت را حق خانوادگی می‌داند. رضا پهلوی هرگز دیکتاتوری پدرش را محکوم نکرده، بلکه دوران شاه و ساواک را ستوده و مدعی حمایت بیش

از ۵۰ هزار عضو سپاه پاسداران شده است. تغییر دموکراتیک واقعی تنها از مقاومت سازمان یافته حاصل می شود، چیزی که مجاهدین خلق و کانون های شورشی برای بیش از چهار دهه اثبات کرده اند. رژیم و لابیگرانش میگویند جایگزینی نیست تا مردم را ناامید و مماشات را توجیه کنند، اما شورای ملی مقاومت تشکیل دولت موقت را براساس طرح ۱۰ ماده ای خانم رجوی برای انتقال حاکمیت از طریق انتخابات آزاد اعلام کرد؛ بیش از ۳۰۰۰ پارلمانتر از دست کم ۵۵ کشور بیانیه حمایت از آن را امضا کرده اند».

سناتور اینیگو فرناندز گفت: «از طرف خودم و سناتور ایزابل مورو، این جا هستیم به خاطر این که باور داریم شما راه حل مسأله مردم ایران هستید؛ چه امروز، چه سال آینده و همواره تا روز پیروزی در تهران در کنار شما خواهیم بود. این سندی که در دست دارم قطعنامه سنای اسپانیا درباره ایران، مسأله حقوق بشر، نقش اتحادیه اروپا در حمایت از اپوزیسیون دموکراتیک، حقوق زنان و پایان اعدام هاست که در فوریه ۲۰۲۵ تصویب شده است و به طور خاص از برنامه ۱۰ ماده ای خانم رجوی یاد می کند. موضوع اصلی آزادی در ایران است، حفاظت، امنیت و صلح هم برای همه ما مطرح است؛ رژیم ایران حامی گروه های تروریستی و در پی بمب اتمی است. این خطر باید متوقف شود. شما تنها نیستید، ما امروز و همیشه در کنار شما هستیم و به پیروزی آزادی و صلح امید داریم».

۹۶ - برخی پیام های همبستگی

پیام مشترک سناتور جین شه هین، رئیس فراکسیون دموکراتها و سناتور جمهوریخواه، تام تیلز، رئیس مشترک گروه حقوق بشر سنا: «این کنفرانس در زمانی مهم برای ایرانیان در اروپا، کانادا، آمریکا و به ویژه ایران برگزار می شود. رژیم تهران پیوسته ایرانیانی را که خواستار جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین و دولت بوده اند، با بازداشت های گسترده، و اعدام زندانیان سیاسی سرکوب کرده است. در حالی که رژیم با قطع اینترنت می خواهد صدای مردم ایران را خاموش کند، اما این کنفرانس اراده مردم ایران برای شنیده شدن صدایشان را نشان می دهد. مردم ایران مسئول تصمیمات این رژیم نیستند. ما شجاعت کسانی را ارج می نهیم که با خطرپذیری شخصی مبارزه کرده اند. ده ها سرکوب نشان داده که بزرگ ترین تهدید علیه رژیم، مردم ایران هستند که نه خواهان ادامه حاکمیت دینی و نه بازگشت دیکتاتوری سلطنتی می باشند، بلکه خواهان کرامت و آزادی هستند؛ آینده ایران باید به دست خود مردم تعیین شود. ما هم چنان به حمایت از حقوق بشر و آرمان های مردم ایران متعهدیم و میلیون ها نفر در جهان با شما همراهند».

سناتور تد کروزر، رئیس کمیته تجارت، علوم و حمل و نقل: «در سال گذشته رژیم ایران هزاران نفر را اعدام و اعتراضات به حق مردم را وحشیانه سرکوب کرده، زیرا سران ایران از مخالفت هراس دارند. رژیم هم چنان به اقدامات تروریستی ادامه می دهد و جان شهروندان ایرانی و اتباع خارجی را تهدید می کند؛ به همین دلیل کمک آورنده قطعنامه ای برای حفاظت از پناهندگان اشرف ۳ بوده ام. به هر ایرانی که صدایش را بلند می کند می گویم: شما را می بینیم و در کنار شما ایستاده ایم و به دفاع از کسانی که برای کرامت و آزادی مبارزه می کنند ادامه می دهیم».

سناتور روبن گایگو، عضو کمیته امنیت ملی سنای آمریکا: «پیام همبستگی به همه حاضران در پاریس و به مردم شجاع ایران می فرستم. حکومت ایران سرکوبگر است و با سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی ادامه حیات می دهد، اما این رژیم نماینده مردم ایران نیست؛ می خواهیم آخوندها کنار بروند و ایرانی آزاد و دموکراتیک با جدایی دین از دولت شکل بگیرد. وظیفه آمریکا و متحدانش حمایت از معترضان با ابزار دیپلماتیک، تحریم و فشار بین المللی است؛ جهان در کنار شماست، استوار بمانید».

پتراس آستراویچیوس، عضو کمیسیون خارجه و رئیس مشترک دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا: «درود بر دوستان عزیزم در ایران و خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان. همواره وضعیت ایران را دنبال کرده ام تا راز مقاومت مستمر مردم در برابر این رژیم را دریابم؛ کلید آن، پایداری مردم و نپذیرفتن ارعاب رژیم یا مماشات غرب بوده است. شعار «نه شاه، نه شیخ» بازتاب خواست مردم برای پایان هر دیکتاتوری و برقراری جمهوری آزاد و دموکراتیک است. ضروری است از شورای ملی مقاومت، مجاهدین خلق و کانون های شورشی داخل ایران حمایت کنیم.

خانم رجوی، حمایت مستمر من ادامه خواهد یافت و دوستان بسیاری در پارلمان اروپا باور دارند به زودی پیروز خواهید شد. سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت تحت رهبری شما جایگزینی معتبر برای رژیم آخوندهاست. به امید دیدار شما به زودی در ایران آزاد».

فصل دهم

برافراشته باد پرچم انقلاب

پیروز باد مبارزه علیه شاه و شیخ

پیش به سوی جمهوری دموکراتیک

۹۷ - دو درس مهم رویدادهای یکسال گذشته و البته تمام دوران حکومت سیاه ولایت فقیه:

یکم - در رژیم ولایت فقیه به هیچ ظرفیت اصلاح و رفرم وجود ندارد و هر برآمد اصلاح طلبان حکومتی به سرعت بی بو و خاصیت می شود. این واقعیت را همچنین می توان از مواد گوناگون قانون اساسی رژیم درک کرد. کارگزاران حکومت و نیروهایی که منافعی در یک جمهوری دموکراتیک ندارند، با مشتی اراجیف سخیف با انقلاب و قهر انقلابی برای سرنگون کردن رژیم ارتجاعی حاکم مخالفت می کنند. پنجاه روز پیش از آغاز قیام سترگ دی ماه، مسعود رجوی گفت: «با ابتذال حداکثری در این نمایشها نمی توان جای آب و نان و برق و گاز را برای مردم پر کرد. اکنون خامنه ای در حضيض درماندگی و شکست به شاپور اول دخیل بسته و صورت خود را با اسارت امپراتور روم سرخ می کند و با لودگی آخوندی وعده می دهد که غربیان دوباره در مقابل رژیم "زانو می زنند". خواب روزگار مماشات می بیند و با شهردارش در تهران "کنسرت درمانی" پیشه کرده است! اما مشکل این است که با ابتذال حداکثری در این نمایشها نمی توان جای آب و نان و برق و گاز را برای مردم پر کرد. تهران روزی برمی خیزد آن گاه آخوندها و پاسداران زانو می زنند» (شنبه - ۱۷ آبان ۱۴۰۴).

دوم - جنگ خارجی و مماشات دو روی یک سکه هستند. با این دو راهکار نه می توان رژیم را اصلاح کرد و نه می توان آن را تغییر داد. راه حل سوم یعنی سرنگونی رژیم به دست مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آن راهکار اصولی و واقعی است. در همین جا تأکید می کنیم که کناره گیری و گریز مردم از جنگ به معنی این نیست که مردم در کنار و همراه حکومت هستند. شورا در آغاز چهل و ششمین سال حیات خود، برای اطلاع عموم مردم مواضع سالهای گذشته خود را بار دیگر خاطرنشان می کند: ما بر اساس خطمشی اصولی خود مبنی بر مخالفت با هرگونه مداخله نظامی خارجی در ایران و مخالفت با هرگونه آلترناتیوسازی پوشالی از جانب قدرتهای بزرگ و منطقه ای، بر ضرورت قطع همه حمایتها و امدادسانیهها به دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، تأکید می کنیم.

خانم مریم رجوی در اجلاس شورا که در روزهای جمعه و شنبه ۵ و ۶ تیر ۱۴۰۵ برگزار شد گفت: «همچنان که پیش از این نیز بارها اعلام کرده ایم ما از توقف جنگ و پایان مصیبت های مردم ایران و هر گونه تفاهم و توافق و قرارداد صلح استقبال می کنیم و تأکید داریم که هر توافق بین المللی برای پایان جنگ باید دربرگیرنده توقف اعدام زندانیان سیاسی و توقف کشتار معترضان باشد. به آخوندها گفته ایم و می گوئیم که از عقب نشینی و خوردن زهر توسط شما بسیار استقبال می کنیم. سرنگونی رژیم آخوندی و نیل به آزادی و جمهوری دموکراتیک برعهده خود ما و خلق ما و ارتش آزادیست».

مسئول شورا در ۲۸ شهریور ۱۴۰۴ در پیامی به نیروهای رزمنده انقلاب دموکراتیک در جبهه خلق گفت: «وقتی خمینی با شعار "فتح قدس از طریق کربلا" بر تنور جنگ ضد میهنی می دمید و یک میلیون کشته و ۲ میلیون معلول و مجروح و ۴ میلیون آواره و هزار میلیارد دلار خسارت روی دست مردم ایران گذاشت، کاری کردیم که ناگزیر به قول خودش "جرعه زهر" سر بکشد! خمینی جنگ را برای حفظ نظام که "اوجب واجبات" او بود "نعمت الهی" خواند. همان جنگی که منتظری در بهمن ۱۳۶۷ که هنوز در موضع جانشین و قائم مقام خمینی بود می گفت: "توبه دارد".

و در پایان نتیجه گرفت: «بله ما ایران را می خواهیم؛ می خواهیم وطن خود را پس بگیریم؛ می خواهیم خلق اسیرمان آزاد شود. تهران، شورشی ترین شهر جهان را می خواهیم. برای آن بی تاب و بی قرارانیم.

یک گام تا قیام مانده، شتابان و با چنگ و ناخن و دندان، به سوی آن روانیم. نقشه مسیر خامنه‌ای را قبلاً شاه و بشار اسد ترسیم کرده‌اند. اگر نپذیرد، بدتر از آن در تقدیر اوست.»
و چنین شد!

۹۸ - شورای ملی مقاومت ایران در آغاز چهل و ششمین سال حیات خود همچون سال‌های گذشته، بار دیگر، تکرار و تأکید می‌کند که از هنگام تأسیس تاکنون در مرزبندی با دیکتاتوری و وابستگی با «شاه و شیخ» پایدار و «سرموضع» مانده و به آن افتخار می‌کند. شورا از آغاز به‌خاطر استقرار جمهوری دموکراتیک، برای مسائل مهم کشور طرح‌های مشخصی هم‌چون طرح صلح در جنگ ایران و عراق، طرح خودمختاری کردستان ایران، طرح آزادیها و حقوق زنان، طرح جدایی دین و دولت و طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی ارائه داده است.

عصاره و فشرده این طرحها در برنامه ۱۰ ماده‌یی خانم مریم رجوی گنجانده شده و شورای ملی مقاومت خود را در ایران آزاد شده به آن متعهد می‌داند:

- ۱ - نه به ولایت فقیه. آری، به حاکمیت مردم در یک جمهوری با رأی آزاد و کثرت‌گرا؛
- ۲ - آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و فضای مجازی، انحلال سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، لباس شخصیها، بسیج ضد مردمی، وزارت اطلاعات، شورای انقلاب فرهنگی و همه گشتها و نهادهای سرکوبگر در شهر و روستا و در مدارس، دانشگاهها، ادارات و کارخانهها؛
- ۳ - تضمین آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، انحلال دستگاههای سانسور و تفتیش عقاید، دادخواهی قتل‌عام زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام؛
- ۴ - جدایی دین و دولت، آزادی ادیان و مذاهب؛
- ۵ - برابری کامل زنان و مردان در حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، لغو هرگونه تبعیض، حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال، منع بهره‌کشی از زنان تحت هر عنوان؛
- ۶ - دادگستری و نظام قضایی مستقل طبق معیارهای بین‌المللی، مبتنی بر اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات. الغای قوانین شریعت آخوندی و بیدادگاههای انقلاب اسلامی؛
- ۷ - خودمختاری و رفع ستم مضاعف از اقوام و ملیتهای ایرانی، طبق طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران؛
- ۸ - عدالت و فرصتهای برابر در اشتغال و در کسب و کار و بازار آزاد برای تمام مردم ایران، احقاق حقوق کارگر و دهقان، پرستاران، کارمندان، فرهنگیان و بازنشستگان؛
- ۹ - حفاظت و احیای محیط‌زیست قتل‌عام شده در حکومت آخوندها؛
- ۱۰ - ایران غیراتمی و عاری از تسلیحات کشتار جمعی، صلح، همزیستی و همکاریهای بین‌المللی و منطقه‌یی.

۹۹ - بر اساس مصوبات شورا، در ایران فردا انتخاب و آرای عمومی اساس مشروعیت نظام آینده کشور است. آزادی عقیده، بیان و مطبوعات و آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌های سیاسی و امنیت قضایی همه آحاد مردم و حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر تضمین می‌شود. همه امتیازهای جنسی و قومی و عقیدتی لغو می‌شوند و هرگونه تبعیض در مورد پیروان ادیان و مذاهب مختلف ممنوع خواهد بود و هیچ‌کس به دلیل اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین یا مذهب هیچ امتیاز یا محرومیتی نخواهد داشت.

شورا به‌طور قاطع و مداوم از مبارزات و خیزش‌های مردمی، جنبش‌های خاموشی‌ناپذیر کارگران، معلمان، کشاورزان، بازاریان و کسبه، اعتراضات بی‌وقفه زنان، جوانان، دانشجویان، بازنشستگان، پزشکان، پرستاران و کادر پزشکی و حرکت‌های حق‌طلبانه ملیتها و مردم به‌پاخاسته میهنمان، که در چهارگوشه ایران درفش مبارزه برای سرنگونی استبداد دینی و تحقق استقلال و آزادی و نفی هرگونه

تبعیض جنسی، ملی و مذهبی را، با قبول همه مخاطرات و هزینه‌های آن، برافراشته نگه‌داشته‌اند، حمایت کرده و برای رساندن صدای این جنبشها به‌گوش عموم مردم ایران و جهان به‌غایت کوشیده است.

خواست نیروهای کار ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین‌المللی کار بر حقوق خود و لغو کار کودکان، از خواستههای شورای ملی مقاومت ایران است.

ما خواستار اقدام بی‌درنگ شورای امنیت ملل متحد به‌منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران و بازدید گزارشگر ویژه حقوق بشر از زندانهای ولایت خاмене‌ای و ملاقات با خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی هستیم و از جامعه جهانی می‌خواهیم برای توقف اعدامهای گسترده و خودسرانه به اقدام عملی و جدی دست بزند. چشم‌پوشی قدرتهای بزرگ از نقض حقوق بشر در ایران به بهانه توافق اتمی (برجام)، محکوم و غیرقابل قبول است. شورا کلیه ایرانیان شریف و آزاده در داخل و خارج کشور و همه مدافعان حقوق بشر در سطح جهان را به پیوستن به کارزار «نه به اعدام» فرا می‌خواند.

ما بار دیگر در رابطه با قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بر لزوم محاکمه مسئولان و آمران و عاملان این جنایت بزرگ و سازمانیافته حکومتی، که از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است، تأکید می‌کنیم و از کمیسر عالی و شورای حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد می‌خواهیم که یک کمیسیون مستقل برای تحقیق در مورد قتل‌عام سال ۶۷ تشکیل دهد.

خواست مبرم و مقدّم مردم ایران، سرنگونی رژیم ولایت فقیه، با همه دست‌بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک و استقرار یک جمهوری دموکراتیک و عرفی در ایران است.

شورای ملی مقاومت ایران، بار دیگر هم‌چون هر سال، همه زنان و مردان ایران زمین و نیروهای سیاسی و رنگین‌کمان نیروهای اجتماعی و فرهنگی ایران را فرا می‌خواند تا پیرامون شعار محوری «مرگ بر اصل ولایت فقیه - مرگ بر دیکتاتور - مرگ بر خاмене‌ای» با مرزبندی با «شاه و شیخ» متحد و متشکل شوند.

به باور ما، راه حل عملی برای سرنگونی رژیم حاکم بر ایران، در گام اول، به سازماندهی و تشکلیابی حول شعار محوری مبارزه منوط است. از این رو، ما زنان و مردان ایران‌زمین را به ایجاد کانونهای شورشی و پیوستن به مؤسسان پنجم ارتش آزادیبخش در سراسر میهن دربند فرا می‌خوانیم.

خیزش انقلابی مردم ایران با کانونهای شورشی و ارتش آزادی و جایگزین دموکراتیک در صحنه عمل انقلابی و با مرزبندی اساسی «نه شاه - نه شیخ» و با تضمین و پشتوانه خون یک صد و بیست هزار شهید راه آزادی، مصمم است دیکتاتوری دینی را سرنگون و ایران آزاد آینده را بنا کند.

شورا برای سنجش عیار اصلاح‌طلبی پزشکیان، پیشنهاد مسئول شورا را یادآوری می‌کند که در ۱۶ تیر ۱۴۰۳، در روز اعلام ریاست‌جمهوری پزشکیان خاطرنشان کرد: «اگر ماجرای اصلاحات در رژیم ولایت‌فقیه تمام نیست و نبش قبر شده است؛ اگر مشارکت نزدیک به ۵۰ درصد مردم ایران در انتخابات خاмене‌ای واقعی است و اگر پزشکیان اصلاحاتی، برخلاف گفته خودش ذوب در ولایت نیست، همین امروز در قدم اول می‌توان با چند اقدام روشن و مشخص، رئیس‌جمهور جدید خاмене‌ای را محک زد:

۱) اعلام لغو حجاب اجباری و جمع کردن همه گشت‌های سرکوبگر زنان؛

۲) آزادی همه زندانیان سیاسی و بازکردن در زندان‌ها به روی هیأت‌های حقیقت‌یاب بین‌المللی؛

۳) الغای حکم اعدام و هرگونه شکنجه و مجازات‌های ضدانسانی مانند شلاق و دست بردن و چشم‌درآوردن؛

۴) لغو محدودیت‌ها و فیلترینگ اینترنت؛

۵) بیرون رفتن نمایندگی‌های ولی‌فقیه و مزدوران بسیج و سپاه و اطلاعات و حراست از دانشگاهها؛

۶) جمع کردن بیدادگاههای ارتجاع تحت عنوان دادگاههای انقلاب؛

۷) تأمین حقوق کارگران، زحمتکشان، کارمندان، فرهنگیان، پرستاران و بازنشستگان با نظر خود آنها؛

۸) کاهش قیمت مایحتاج و خدمات عمومی: نان، آب، برق، گاز، بنزین، دارو و مسکن؛

۹) انحلال شورای نگهبان ارتجاع؛

۱۰) تجدید انتخابات مجلس، بدون التزام به ولایت فقیه، با تأکید بر آزادی بیان و اجتماعات.

یادآوری می‌کنم که ۲۵ سال پیش، شورای ملی مقاومت ایران، در قطعنامه ۲۵ فروردین ۱۳۷۸ اعلام کرد: "معیار تشخیص استحاله‌طلبان قلابی از اصلاح‌طلبان واقعی را تحمیل کردن انتخابات آزاد براساس اصل حاکمیت مردم به رژیم می‌داند. پس خاتمی یا هرکس دیگری که مدعی اصلاح‌طلبی است، باید در سرلوحه برنامه خود بر نفی ولایت فقیه و ضرورت برگزاری انتخابات آزاد تکیه کند".

۱۰۰ - آقای مسعود رجوی پیوسته تأکید کرده است که طبق مصوبه شورای ملی مقاومت ایران درباره «جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی»، هر نیروی جمهوریخواه و ملتزم به نفی کامل نظام ولایت فقیه، که خواهان استقرار یک جمهوری دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت است، از ما و با ما است و ما با او هستیم.

او در پیام تبریک ۳۰ تیر در صد و بیستمین سال انقلاب مشروطه علیه سلطنت مطلقه، با درود به ستارخان و مصدق و یاران پایدار و سرافراز وطن در شورا و مقاومت و تهنیت به رئیس جمهور برگزیده برای دوران انتقال حاکمیت، خطاب به اعضای شورای ملی مقاومت نوشت:

«ستارخان مراد همه مبارزان و مجاهدان و فدائیان در تاریخ ایران گفت: "اگر یک روز از زندگیم باقی مانده باشد، آن یک روز را هم برای استقلال و حفظ کرامت ایران خواهم جنگید"». در مرحله پایانی نبردهای تبریز در طنزی شیرین به عین‌الدوله نوشت "بهتر است حضرت والا دست از این جنگ برداشته و با مردم آذربایجان از در مخاصمت برنیاید. و دیگر آن که این خادم ملت، برحسب وظیفه ملیت و ایرانی بودن، قدم به عرصه مجاهدت گذاشتم، اگر خدای نخواست، که نخواهد خواست، حضرت والا غالب شوند، برای من مایه ننگ و ندامت نخواهد بود، زیرا جای تعجب نیست که حضرت والا با آن همه قدرت و شوکت به ستار قره‌داغی غلبه جویند و اگر انشاءالله بنده غالب شدم و البته خواهم شد، حضرت والا مادام‌العمر مورد ملامت و تمسخر قرار خواهند گرفت و هرکس خواهد گفت که شاهزاده عین‌الدوله، با ۳۰ هزار قشون جرّار از ستار قره‌داغی شکست خورده است!"

و مصدق که در مجلس چهاردهم در مورد رضاشاه و تمدید قرارداد استعماری نفت به دستور انگلیس در ۱۹۳۳، گفت "تاریخ عالم دیگر نشان نمی‌دهد که یکی از افراد مملکت این چنین به وطن خود در یک معامله ۱۶ بیلیون و ۱۲۸ هزار ریال ضرر زده باشد و شاید مادر روزگار دیگر نزاید کسی را که به بیکانه چنین خدمتی کند".

مصدق مظهر ایستادگی در برابر استبداد و وابستگی بود. حرفش این بود که "اگر زندگانی توأم با آزادی و استقلال نباشد به قدر پیشیزی ارزش نخواهد داشت. برای رسیدن به این هدف عالی، تاریخ زندگانی ملل بزرگ عالم شاهد مبارزات و مجاهدات و گذشتها و فداکاریهاست. سرنوشت ملت ایران نیز در طول تاریخ خود همواره با اینگونه محرومیتها و مصائب توأم بوده است".

و در مجلس شانزدهم گفت: "من باید تا ساعت آخر، تا جان در بدن دارم از وطنم دفاع کنم". چنین کرد و «جاودان نام مصدق کرد».

xxxxxx

۴۵ سال پس از تشکیل شورای ملی مقاومت ایران در سال ۱۳۶۰، آنچه در بیانیه پایانی اجلاس شورا به تاریخ ۷ تیر ۱۴۰۵ آمده، از تفصیل و توضیح بی‌نیاز می‌کند:

"اعضای شورا با تبریک کارزار ایران آزاد و گردهمایی‌های کهکشان مقاومت و شکست رژیم در جلوگیری از رساندن پیام تظاهرات ۳۰ خرداد، تأکید کردند امواج خروشان دهها هزار تن از هموطنان و حامیان مقاومت از زن و مرد و پیر و جوان که برای تظاهرات به پاریس آمده بودند، در میدان ووبان و در چندین نقطه دیگر شهر صدای مردم مظلوم ایران و رزمندگان آزادی و کانونهای شورشی را رساتر از همیشه طنین انداز کردند. آنها به مثابه گردانهای نبرد و پایداری در برابر این رژیم به جهانیان نشان دادند که یکنانه راه برقراری آزادی و دموکراسی در ایران همین جایگزین دموکراتیک و ارتش آزادی است و این حقیقت را به اثبات رساندند که اراده آزاد و داوطلبانه فرزندان میهن شکست‌ناپذیر است و بقایای شیخ و شاه در برابر فرزندان آزادیخواه و شورشگر ایران‌زمین، زبون و محکوم به شکست هستند. شورا بر این عقیده بود که کهکشان ایران آزاد امسال آزمون سیاسی و بین‌المللی بزرگی بود که بار دیگر نشان داد

چگونه شورای ملی مقاومت در مسیر ۴۵ سال پایداری، با وفاداری بی‌شکاف به مرزبندی و شعار اصولی نه شاه نه شیخ، در پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران، حضوری تعیین‌کننده داشته و در برابر انواع توطئه‌ها ایستادگی کرده است؛ مقاومتی که در ۴۵ سال گذشته پیوسته بهای سنگین ایستادن در برابر دشمنی خونخوار همچون خمینی ضدبشر را پرداخت کرده است... طرح‌ها و مصوبات شورا از افتخارات ماندگار این شورا و نشانه‌های روشن پیوند میان شرافت و سیاست در تجربه این مقاومت است.“

طرح **جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی** که در آبان ۱۳۸۱ تصویب شده یکی از همین طرح‌هاست. این جبهه، ضد استبداد و ضدوابستگی در مقابل شیخ و شاه و در واقع همان جبهه خلق برای آزادی و استقلال ایران است. صرف‌نظر از همه اختلافات در جبهه خلق، همه نیروهای جمهوریخواه و ملتزم به نفی کامل نظام ولایت‌فقیه را که برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت مبارزه می‌کنند، در برمی‌گیرد. در این رابطه همه اعضای پایدار و استوار شورا “بر سر موضع” ایستاده‌اند. این شرف تاریخ ایران معاصر است. با دریایی از رنج و خون که تا پیروزی انقلاب دموکراتیک به آن ادامه خواهیم داد».

شورای ملی مقاومت ایران

۳۱ مرداد ۱۴۰۵